

مدیر شهری

نشریه علمی- پژوهشی مدیریت شهری و روستایی؛
مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری و روستایی
سال چهاردهم، زمستان ۱۳۹۴
شماره استاندارد بین المللی: ۲۲۲۷-۱۶۰۷

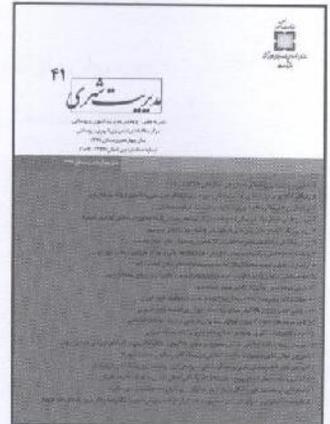
سال چهاردهم، زمستان ۱۳۹۴

۱. تحلیل سیستم شهری استان همدان طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰
۲. رهیافتی انتقادی بر تبارشناسی جنسیت زدگی شهر در رویکردهای فمینیستی با تاکید بر ارتقاء جایگاه زنان
۳. پویاسازی پیاده‌روها و معابر شهری با تاکید بر کاربست گرافیک محیطی
۴. بررسی نقش عوامل مؤثر در میزان مشارکت زنان در توسعه روستایی (مطالعه موردی: بخش لوندویل آستارا)
۵. بررسی و نقد گرایش‌ها و روش‌های هرمنوتیکی به فهم مندی معماری و شهر
۶. تبیین چگونگی ارتباط هنرمند و مخاطب در اثر معماری به عنوان خالق عامل معرفت
۷. رابطه فرهنگ دانش با رفتار شهروندی سازمانی؛ مورد مطالعه: یکی از مراکز آموزشی درمانی شهر تهران
۸. درآمدی بر مفهوم هویت محیط انسان ساخت بوسیله مولفه‌های مکان، فضا و کالبد
۹. جایگاه نقاشی دیواری (دیوارنگاشت) در مدیریت منظر شهری و نقش آن بر زیبایی شناخت شهر
۱۰. تبیین مولفه‌های زیبایی شناختی منظر شبانه شهر
۱۱. سیستم‌های پیشرفته‌ی اطلاع‌رسانی به راننده در مدیریت ترافیک شهر تهران
۱۲. ارزیابی نقش طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان تهران در توسعه پایدار شهری
۱۳. تاثیر مولفه‌های هویت کالبدی و فعالیتی بافتهای تاریخی در ایجاد تعاملات اجتماعی
۱۴. دولت الکترونیک: الگویی جدید در اصلاح نظام اداری و ارائه خدمات عمومی
۱۵. بررسی رویکرد علوم شناختی طراحی معماری بر میزان یادگیری و خلاقیت آفرینی در فضاهای آموزشی ابتدایی شهر
۱۶. بررسی مبانی فقهی مسئولیت حکومت اسلامی در مساله کنترل مولید و جمعیت شهرها
۱۷. بررسی تاثیر کیفیت زندگی کاری بر عملکرد شغلی با میانجی‌گری توانمندسازی روانشناختی شهروندان
۱۸. التزام زیست محیطی اجرای پروژه‌های CDM در راستای تحقق بخشی به اهداف اقتصاد مقاومتی
۱۹. استراتژی توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان با رویکرد رشد هوشمند و شهر فشرده
۲۰. کاربست تکنولوژی و بحران هویت در معماری معاصر ایران در عصر جهانی شدن و ارائه راهکارهای برون رفت از وضع موجود

- مقاله باید نتیجه تحقیقات شخصی نویسنده (ها) بوده و قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی منتشر نشده باشد. در مورد مقالات ارائه شده در مجامع علمی، مشخصات کامل مجمع باید با مقاله همراه گردد و مقاله‌های تحقیقی که به تأیید هیات تحریریه رسیده و از کیفیت خوبی برخوردار باشند نیز پذیرفته می‌شود.
- مقاله باید سلیس، روان و از نظر دستور زبان صحیح باشد و در انتخاب واژه‌ها دقت لازم مبذول گردد. مقاله می‌تواند به زبان فارسی یا انگلیسی باشد.
- در متن فارسی باید تا حد امکان از معادل فارسی کلمات لاتین استفاده شود و چنانچه معادل فارسی به اندازه کافی رسا نباشد، می‌توان با ذکر شماره در بالای معادل، عین کلمه لاتین در زیرنویس آورده شود.
- مقاله باید فقط بر روی صفحه کاغذ استاندارد (۳۰-۲۱ سانتیمتر) با دو فاصله ماشین تحریر و از هر طرف سه سانتیمتر حاشیه، در سه نسخه خوانا تهیه و ارسال شود.
- صفحه اول باید شامل نام و نشانی کامل و شماره تلفن نویسنده (ها) و منابع مالی تحقیق (در صورت لزوم) باشد.
- متن مقاله باید به ترتیب شامل عنوان (بدون نام نویسنده)، سه تا پنج کلمه کلیدی در مورد زمینه تحقیق، خلاصه، مقدمه، روش بررسی، نتایج بحث و نتیجه گیری، تشکر، خلاصه انگلیسی و فهرست منابع باشد.
- خلاصه انگلیسی باید بر روی یک صفحه جداگانه، به ترتیب شامل عنوان مقاله، نام نویسنده (ها)، کلمات کلیدی، متن، نشانی کامل (به صورت زیرنویس) باشد. مقالات خارجی باید همراه با یک خلاصه فارسی و یک خلاصه انگلیسی باشند.
- جدولها به تعداد محدود با شماره و عنوان ماشین شده در بالا و توضیحات و منبع جدول در زیر آن تمیز و بدون خط خوردگی، هر کدام بر روی یک صفحه جداگانه آورده شود.
- شکل‌ها و نمودارها فقط در موارد بسیار ضروری و به تعداد محدود با کیفیت خوب، بر روی کاغذ براق کشیده و یا چاپ شده با شماره عنوان، توضیح و منبع در زیر آن هر کدام بر روی یک صفحه جداگانه آورده شود.
- محل قرار دادن جدولها، نمودارها و شکل‌ها در متن باید با علامتی در حاشیه مقاله تعیین شود.
- تنها منابعی باید در پایان مقاله ذکر شود که در متن نیز مورد استفاده قرار گرفته باشد و از ذکر منابع مشابه و کم اهمیت خودداری شود.
- منابع مورد استفاده باید بر روی صفحه (ها) جداگانه، با شماره ردیف، به ترتیب الفبایی حروف اول نام خانوادگی نویسنده (ها)، سال انتشار داخل دو نقطه، عنوان کامل مقاله، نام انحصاری مجله، شماره دوره و یا جلد، شماره صفحات (اول تا آخر مقاله) آورده شود و در متن مقاله فقط به نام نویسنده و سال انتشار (داخل پرانتز و شماره صفحه) اشاره شود.
- در صورت استفاده از منابع فارسی و خارجی، باید ابتدا کلیه منابع فارسی و سپس کلیه منابع خارجی به ترتیب یاد شده در بالا با شماره ردیف مسلسل آورده شود.
- در مورد کتاب، مشخصات کامل کتاب، ناشر و محل نشر ذکر شود.
- هیات تحریریه در رد و قبول مقالات رسیده مجاز است.
- نویسندگان مسئول محتوی و پاسخگویی نظریات ارائه شده در مقالات و نوشته‌های خود می‌باشند.
- جهت تهیه مقالات به زبانهای خارجی، به راهنمای انگلیسی مندرج در صفحه داخل جلد طرف دیگر مجله مراجعه شود.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ





مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری و روستایی

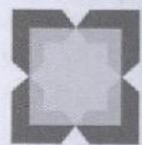
قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

آدرس: تهران، بلوار کشاورز، ابتدای خیابان نادری، پلاک ۱۷، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری و روستایی، فصلنامه مدیریت شهری، تلفن: ۰۲۰۸۳۹۰۳۶۳، دورنگار: ۸۸۹۷۷۹۱۲، کد پستی: ۱۴۱۶۶۳۳۶۶۱

درگاه اینترنتی ارسال مقالات
<http://ijurm.imo.org.ir>

سامانه فروش الکترونیکی
<http://safta.imo.org.ir>

وزارت کشور



سازمان شهرداری و دهیاری های کشور
انتشارات

Site: www.imo.org.ir

E-mail: JModiriyatshahri@gmail.com

صاحب امتیاز: سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور

مدیر مسئول: مهندس هوشنگ خندان دل

سر دبیر: محمدرضا بمانیان

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

- دکتر ایرج اعتصام، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران (بازنشسته)

- دکتر بهناز امین زاده، دانشیار دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران

- دکتر محمدرضا بمانیان، استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

- دکتر مصطفی بهزادفر، استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت

- دکتر محمدرضا پورجعفر، استاد تمام دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

- دکتر داراب دیبا، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران (بازنشسته)

- دکتر محمود طاووسی، استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس (بازنشسته)

- دکتر محمدمهدی عزیزی، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

- دکتر علی عسگری، استاد برنامه ریزی مخاطرات محیطی، دانشگاه یورک (تورنتو) کانادا

- دکتر علی غفاری، استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

- دکتر علی اکبر فرهنگی، استاد دانشگاه مدیریت، دانشگاه تهران

- دکتر محمود گلابچی، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

- دکتر غلامرضا لطیفی، دانشیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی

- دکتر ناصر میرسپاسی، استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی

- دکتر محمد نقی زاده، دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی

امور اجرایی: مهدی شهباری

کمیته اجرایی: ابوذر دلفارادی، نیما متین فر، فاطمه عباسی صفت

ویراستار انگلیسی: میثم حیدراولاد و محمد زرقانی

ویراستار فارسی: امیر اشراقی

صفحه آرایی: حامد یعقوبی (بایش و پوش) payeshpouyesh@gmail.com

چاپ: اسری

درجه علمی - پژوهشی نشریه «مدیریت شهری» طی شماره ۳/۱۱/۳۷۷۸ مورخ ۱۳۸۹/۳/۱۷ دبیرخانه «کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور» وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ گردیده است.

این نشریه در پایگاه ها و درگاه های زیر نمایه می شود:

- «پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)» (www.ISC.gov.ir)
- «پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)» (www.SID.ir)
- «بانک اطلاعات نشریات کشور» (www.Magiran.com)
- «درگاه پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی» (www.IMO.org.ir)
- «پایگاه مجلات تخصصی نور» (www.noormags.com)
- «سیستم شناساگر دیجیتال نشریات علمی» (www.doi.org)
- «پایگاه اطلاعات علمی شهری و روستایی» (www.rur.ir)
- «پرتال جامع علوم انسانی» (www.ensani.ir)

فهرست مطالب

۱. تحلیل سیستم شهری استان همدان طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰
محسن اسمعیلی، امیر اکبری مهم، شهرام شریفی، حامد فامیل نوروزی ■ ۷-۲۸
۲. رهیافتی انتقادی بر تبارشناسی جنسیت زدگی شهر در رویکردهای فمنیستی با تاکید بر ارتقاء جایگاه زنان
فریال سادات سیادتی ■ ۲۹-۴۸
۳. پویاسازی پیاده روها و معابر شهری با تاکید بر کاربریست گرافیک محیطی
مریم نادری، امید ابراهیم ■ ۴۹-۶۶
۴. بررسی نقش عوامل مؤثر در میزان مشارکت زنان در توسعه روستایی (مطالعه موردی: بخش لوندویل آستارا)
فریبا مکانی، سیده صدیقه حسنی مهر ■ ۶۷-۸۴
۵. بررسی و نقد گرایش ها و روش های هرمنوتیکی به فهم مندی معماری و شهر
شهرام شیرمحمدی، سید علی زارع ■ ۸۵-۱۰۶
۶. تبیین چگونگی ارتباط هنرمند و مخاطب در اثر معماری به عنوان خالق عامل معرفت
سعید صالحی، محمد نقی زاده، فرح حبیب ■ ۱۰۷-۱۲۴
۷. رابطه فرهنگ دانش با رفتار شهروندی سازمانی؛ مورد مطالعه: یکی از مراکز آموزشی درمانی شهر تهران
لطفعلی جباری ■ ۱۲۵-۱۳۸
۸. درآمدی بر مفهوم هویت محیط انسان ساخت بوسیله مولفه های مکان، فضا و کالبد
مهسا جوادی، مهرناز بوداغ، ویدا مکانی ■ ۱۳۹-۱۶۰
۹. جایگاه نقاشی دیواری (دیوارنگاشت) در مدیریت منظر شهری و نقش آن بر زیبایی شناخت شهر
منیره نادری ■ ۱۶۱-۱۸۶
۱۰. تبیین مولفه های زیبایی شناختی منظر شبانه شهر
گودرز سهرابیان، فرح حبیب ■ ۱۸۷-۲۰۴

۱۱. سیستم‌های پیشرفته‌ی اطلاع‌رسانی به راننده در مدیریت ترافیک شهر تهران
امیرحسین فانی، عباس بابازاده ■ ۲۰۵-۲۱۲
۱۲. ارزیابی نقش طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان تهران در توسعه پایدار شهری
هوشنگ ظهیری، محمود جعنه پور ■ ۲۱۳-۲۲۸
۱۳. تاثیر مولفه‌های هویت کالبدی و فعالیتی بافتهای تاریخی در ایجاد تعاملات اجتماعی
رقيه عطائی، محمد رضا پورمحمدی ■ ۲۲۹-۲۴۶
۱۴. دولت الکترونیک: الگویی جدید در اصلاح نظام اداری و ارائه خدمات عمومی
مهدی رضایی، اسماعیل یعقوبی ■ ۲۴۷-۲۶۶
۱۵. بررسی رویکرد علوم شناختی طراحی معماری بر میزان یادگیری و خلاقیت آفرینی در فضاهای آموزشی ابتدایی شهر
فریبا سادات مفتخری قویدل، زینت سادات جلالی چیمه، علیرضا دودانگی ■ ۲۶۷-۲۹۲
۱۶. بررسی مبانی فقهی مسئولیت حکومت اسلامی در مساله کنترل موالید و جمعیت شهرها
سعید رهایی، نسرین سنجابی، مجید رضایی ■ ۲۹۳-۳۰۸
۱۷. بررسی تاثیر کیفیت زندگی کاری بر عملکرد شغلی با میانجی‌گری توانمندسازی روانشناختی شهروندان
رضا رستمی، عبدالمجید محمدی، محمد نظری، اکبر ویسمرادی، سیدصادق بحرینی ■ ۳۰۹-۳۲۲
۱۸. التزام زیست محیطی اجرای پروژه های CDM در راستای تحقق بخشی به اهداف اقتصاد مقاومتی
محمد حسین رستمیان ■ ۳۲۳-۳۳۸
۱۹. استراتژی توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان با رویکرد رشد هوشمند و شهر فشرده
مسعود تقوایی، حمیدرضا وارثی، مسعود نریمانی ■ ۳۳۹-۳۵۸
۲۰. کاربست تکنولوژی و بحران هویت در معماری معاصر ایران در عصر جهانی شدن و ارائه راهکارهای برون رفت از وضع موجود
سارا ناصری ■ ۳۵۹-۳۸۰

تحلیل سیستم شهری استان همدان طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰

محسن اسمعیلی* - دانشجوی دکتری شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

امیر اکبری مهام - مدرس گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران.

شهرام شریفی - کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، همدان، ایران.

حامد فامیل نوروزی - مدرس گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، همدان، ایران.

Analysis of the Urban System of Hamadan Province during 1335 - 1390

Abstract

The current study analyzing the urban system of province Hamadan during 1335-1390; in this research use from prime urban methods, rank-size, entropy, Lorenz curve and Gini coefficient; The research method in this study is quantitative-analytical and the tools of collecting of documenting information, library and scoping. To do the calculating and analyzing the information used from Excel, SPSS, and GIS software. The result of searching are show that the prime urban index in the studying period was in the urban system of province Hamadan and it's process was additive. The entropy coefficient during 1335_1385 has been towards a more balanced distribution of the number of cities in the urban system. According to the Lorenz curve, administering the aggregation percentage of number and the population of cities of province Hamadan during 1335_1390 had more distance from the normal line and despite the increasing the number of cities in the province, the Gini coefficient didn't have improvement. Surveying the urban system of province Hamadan during 55 years ago show that the urban system of province Hamadan don't have the necessary coordination in structure, function and urban hierarchy; The total, with a feasible way of making equal opportunity and superior services for province's cities we can bringing the optimal hierarchical urban system.

Keywords: Prime City, Coefficient of Entropy, Gini coefficient, Lorenz curve, urban system

چکیده

مقاله حاضر به تحلیل سیستم شهری استان همدان طی سال های ۱۳۹۰ - ۱۳۳۵ می پردازد؛ در این پژوهش از روش های نخست شهری، رتبه اندازه، آنتروپی، منحنی لورنز و ضریب جینی استفاده شده است. روش پژوهش در این مقاله کمی - تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات اسنادی، کتابخانه ای و میدانی می باشد. برای انجام محاسبات و تجزیه تحلیل اطلاعات از نرم افزارهای Excel و Spss و GIS استفاده شده است. نتایج حاصل از تحقیق، نشان می دهد که شاخص نخست شهری در دوره مورد مطالعه در نظام شهری استان همدان وجود داشته و روند آن به صورت افزایشی بوده است. ضریب آنتروپی در سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۸۵ به سوی توزیع متعادل تر تعداد شهرها در نظام شهری بوده است. با توجه به منحنی لورنز توزیع درصد تراکمی تعداد و جمعیت شهرهای استان همدان طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ با خط نرمال فاصله بیشتری پیدا کرده است و علی رغم افزایش تعداد شهرها در استان ضریب جینی بهبود نیافته است. بررسی نظام شهری استان همدان طی ۵۵ سال گذشته نشان می دهد که نظام شهری استان همدان فاقد هماهنگی لازم در ساختار، کارکرد و سلسله مراتب شهری است. در مجموع، می توان با ارائه یک ساز و کار ایجاد فرصت برابر و خدمات برتر برای شهرهای استان می توان سلسله مراتب بهینه نظام شهری را پدید آورد.

واژگان کلیدی: نخست شهری، ضریب آنتروپی، ضریب جینی، منحنی لورنز، نظام شهری

مقدمه

انقلاب صنعتی و به دنبال آن تحولاتی که به انقلاب در امر شهرنشینی در نیمه دوم قرن نوزدهم انجامید استقرار انسان در شهرها را به گونه دیگری نمایان ساخت (شیعه، ۱۳۷۵، ص ۱۴)؛ از طرفی همگام با توسعه شهرنشینی و تحولات اجتماعی و اقتصادی شهرها، چه از نظر اجتماعی و چه از نظر اقتصادی در زمینه زندگی در شهرها، نارسائی‌هایی به چشم می‌خورد که در بسیاری از موارد به صورت مسائلی حاد جلوه گر شده است (شیعه، ۱۳۷۵، ص ۲۰)؛ به طوری که عدم ارتباط منطقی بین توزیع و تخصیص سرمایه گذاری‌ها با عامل مکان و فضا از یک طرف و توزیع منابع به صورت بخشی از سوی دیگر، آثار فضایی ناخواسته‌ای را در پی داشته است (محمد زاده تیتکانلو، ۱۳۸۱، ص ۳۴). این آثار در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه متفاوت بوده است به طوری که در سیستم شهری و منطقه ای کشورهای صنعتی عمدتاً هماهنگ با مراحل رشد و توسعه صنعتی بوده و دارای الگوی متعادلی است. اما در کشورهای در حال توسعه رشد سریع شهرنشینی و عدم هماهنگی آن با مراحل توسعه صنعتی، مشکلات جدیدی در نظام شهری این کشورها به وجود آورده است (پارتو و ایوانز، ۱۳۸۴، ص ۲۶). برآیند چنین رشد شتابانی، تمرکز بخش عظیمی از جمعیت شهری در یک یا دو شهر اصلی این کشورها شده است (هال و فایفر، ۱۳۸۸، ص ۶۶).

در مقایسه با نرخ متوسط رشد شهرنشینی در جهان طی ۴۰ سال اخیر، جمعیت شهرنشین ایران به سرعت افزایش یافته (توسلی، ۱۳۷۴، ص ۳۷)؛ این در حالی است که کشور ایران به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه تا قبل از قرن حاضر دارای نظام شهری نسبتاً متعادلی بوده است (علی اکبری و دارابخانی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۵). اما اصلاحات ارضی و در پی آن افزایش درآمد نفت و سیاست‌های دولت بر توزیع جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی مؤثر بوده؛ به گونه ای که تمرکز زدایی و اداره کشور با روش دستور از بالا به پایین موجب شکاف در تعادل منطقه ای و شهری کشور شد (Sharbatoghlie, ۱۹۹۱: ۵). همچنین مهاجرت‌های روستایی ضمن کاهش جمعیت

روستاها زمینه توسعه شهرهای بزرگ را فراهم ساخته است (مجتهد زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۲۸). پیامد فضایی چنین تحولاتی، افزایش تعداد جمعیت شهرها، بر هم خوردن تعادل شبکه شهری و پیدایش الگوی نخست شهری در ایران می‌باشد (نظریان، ۱۳۷۷، ص ۱۵۱).

بررسی نظام شهری استان همدان طی ۵۵ سال گذشته نشان می‌دهد که نظام شهری استان همدان فاقد هماهنگی لازم در ساختار، کارکرد و سلسله مراتب شهری است؛ همچنین عدم ارتباط منطقی شهرهای سطوح مختلف استان با یکدیگر باعث ناکارآمدی سیستم‌های شهری در مقیاس ناحیه ای و منطقه ای شده است. با توجه به مطالب ذکر شده در بالا هدف عمده این پژوهش، شناخت تحولات کمی و جمعیت نظام شهری استان همدان طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ با استفاده مدل‌های مختلف است، تا میزان تعادل نظام شهری همدان مشخص گردد. هدف از این پژوهش، شناخت تحولات کمی و جمعیتی نظام شهری استان همدان طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ با استفاده از مدل‌های ضریب آنتروپی، رتبه-اندازه، نخست شهری، ضریب جینی و منحنی لورنز است تا میزان تعادل نظام شهری استان همدان مشخص گردد.

سوالات تحقیق عبارتند از:

۱. افزایش تعداد شهرها از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ در نظام شهری استان همدان چگونه تعادل ایجاد کرده است؟
۲. آیا شاخص‌های نخست شهری، رتبه-اندازه، ضریب آنتروپی، ضریب جینی و منحنی لورنز طی ۵۵ سال اخیر بهبود پیدا کرده است؟

روش تحقیق

روش پژوهش در این مقاله «کمی - تحلیلی» است. ابتدا با رجوع به آمار نامه جمعیت استان و نتایج سرشماری نفوس و مسکن در دوره‌های مختلف سرشماری، آمارهای مورد نیاز استخراج می‌گردد. آنگاه ضمن طبقه بندی جمعیتی نقاط شهری به بررسی نظام شهری استان با بهره گیری از مدل‌های تمرکز و نخست شهری، رتبه-اندازه، ضریب آنتروپی، ضریب جینی و منحنی لورنز و همچنین نرم افزارهای رایانه ای (Matlab, Excel) مورد بررسی و

تجزیه تحلیل قرار می گیرد.

پیشینه تحقیق

مطالعه الگوهای نظری سیستم های شهری معطوف به بررسی الگوهای است که تاکنون در کشورهای مختلف جهان در برنامه ریزی ملی و منطقه ای مورد آزمون و استفاده قرار گرفته اند (تقوایی و صابری، ۱۳۸۹، ص ۵۸). در حقیقت نظام سلسله مراتب و سیستم شهرها، منتج از نظریه مکان مرکزی (کریستالر، لوش و کاپلین) است (عابدین درکوش، ۱۳۸۰، ص ۸۸). البته قبل از کریستالر در سال ۱۹۱۳ جغرافیادان آلمانی فیلکس اورباخ به صورت تجربی به بررسی نظام شهری آلمان پرداخته است (Nitsch, ۲۰۰۵:۸۶). در دهه ۱۹۶۰ بریایان بری با استفاده از مدل های کمی به بررسی سیستم های شهری کشور های امریکا و هندوستان پرداخت (Caves, ۲۰۰۵:۴۱). ۲۶۹ مطالعه در مورد قانون تجربی رتبه اندازه شهرها بین سال های ۱۹۶۹ تا ۲۰۰۲ در سطح جهانی انجام پذیرفته است. در کشور ایران اعتماد ۱۳۶۳ و ۱۳۷۵، بهفروز ۱۳۷۱، نظریان ۱۳۷۶، رفیعیان ۱۳۷۵، تقوایی ۱۳۷۹، اکبری و همکاران ۱۳۸۵، زبردست ۱۳۸۶، فرهودی و همکاران ۱۳۸۸ به بررسی نظام شهری ایران و زیاری و موسوی ۱۳۸۴، حسین زاده دلیر و هوشیار ۱۳۸۶، تقوایی و گودرزی ۱۳۸۸، بقایی و همکاران ۱۳۹۰، انامانژاد ۱۳۹۰ به بررسی نظام شهری در سطح استانی با استفاده از مدل های کمی پرداخته اند.

شرح مدل

سیستم شهری، شبکه ای از شهرهای بزرگ، کوچک و حوزه نفوذ آنهاست که از لحاظ جریان نیروی کار، تبادل کالاها، خدمات و سرمایه در ارتباط با هم عمل می کنند (Kotlyakov Komarova, ۲۰۰۷:۷۷) در این پژوهش به منظور بررسی سیستم شهری استان همدان از مدل های مختلفی استفاده شده است که در ذیل به توضیح آنها پرداخته شده است.

نخست شهری

مارک جفرسون جغرافیادان آمریکایی در سال ۱۹۳۹، در مقاله ای تخصصی و نوگرایانه «قانون نخست شهر» را ارائه نمود. بر اساس این قانون، نخست شهر در هر

کشور همیشه به صورت یک شهر مستقل و بزرگ مورد توجه بوده و استثناً بیان کننده توانایی و احساس ملی آن کشور می باشد (بهفروز، ۱۳۷۴، ص ۳۱۹). به عبارت دیگر نخست شهر عبارت است از تسلط جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک شهر بر تمامی شهرهای دیگر در داخل یک نظام شهری (دراکایس، اسمیت، ۱۳۷۷، ص ۱۳). مارک جفرسون برای تعیین نخست شهر در چهل و چهار کشور پیشرفته جهان از «روش نسبی» استفاده نمود، که محاسبه بر اساس نسبت شهر نخست به شهر دوم انجام می گرفت ($\frac{P_1}{P_2}$). کلارک پیشنهاد کرد که بهتر است به جای دو شهر، چهار شهر اول نظام شهری برای محاسبه انتخاب گردد. از همین رو او اصطلاح «شاخص چهار شهر» را پیشنهاد کرد که در آن نسبت شهر نخست به سه شهر بعدی نظام شهری (مجموعاً چهار شهر) به کار گرفته می شد به صورت زیر:

$$\frac{P_1}{P_2 + P_3 + P_4}$$

که در آن P_1 جمعیت بزرگترین شهر و P_2 و P_3 و P_4 به ترتیب شهرهای بعدی به حساب می آمدند. سرانجام «مهتا» (۱۹۶۴) با اصلاح فرمول کلارک، بهترین روش برای تشخیص نخست شهری را نسبت اندازه شهر نخست به چهار شهر اول نظام شهری به صورت زیر پیشنهاد کرد:

$$\frac{P_1}{P_1 + P_2 + P_3 + P_4}$$

که در آن P با همان مفهوم در فرمول کلارک جمعیت شهر اول تا چهارم بود.

بعدها ریچاردسون شاخص چهار شهر را با معیارهای قاعده رتبه- اندازه تطبیق داد. بدین صورت که اگر بر اساس قاعده رتبه- اندازه شهری، اندازه مطلوب شهرها در نظام شهری این گونه باشد که شهر اول دو برابر شهر دوم، سه برابر شهر سوم و چهار برابر شهر چهارم باشد، بنابراین نسبت شهر اول به مجموع چهار شهر نخست نظام شهری باید برابر ۰/۴۸ باشد.

$$[1 \div (48/0 = (25/0 + 33/0 + 5/0 + 1)]$$

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

که این توزیع بهترین و عادی ترین شکل برتری شهری خواهد بود. بر پایه چنین معیاری، درجه تسلط و برتری شهر اول بر نظام شهری بر اساس جدول زیر پیشنهاد شده است، که در آن دامنه تسلط و برتری مطلوب شهر نخست بین شاخص ۰/۴۱ تا ۰/۵۴ فرض شده است و برای فوق برتری، شاخص بین ۰/۶۵ تا ۱ پیشنهاد شده است (عظیمی، ۱۳۸۱، ص ۶۷-۵).

جدول ۱. درجه نخست شهری در نظام شهری بر پایه شاخص چهارشهر؛ منبع: عظیمی، ۱۳۸۱، ص ۶۷.

نوع برتری شهری	شاخص چهار شهر
فوق برتری	۰/۶۵ تا ۱
برتری	۰/۵۴ تا ۰/۶۵
برتری مطلوب	۰/۴۱ تا ۰/۵۴
حداقل برتری	کمتر از ۰/۴۱

شاخص تمرکز هرفیندال

با توجه به اینکه شاخص های چهارگانه قبلی میزان نخست شهری و یا تسلط شهر نخست بر نظام شهری را بررسی می کردند، شاخصی نیز لازم است تا میزان تمرکز در کل نظام شهری و اینکه آیا در مقاطع مختلف زمانی از شدت تمرکز کاسته شده و نظام شهری به سمت تعادل نسبی پیش می رود یا نه را بررسی کند. برای اینکار از شاخص «هرفیندال» استفاده می شود:

$$H_i = \sum_{i=1}^n \left(\frac{P_i}{P}\right)^2$$

که در آن P_i جمعیت شهر i و P کل جمعیت شهری منطقه مورد مطالعه است (زبردست، ۱۳۸۶، ص ۳۵).

شاخص «موماو و الوصابی» نیز از تقسیم مجموع جمعیت های دو شهر اول و دوم به مجموع جمعیت های دو شهر سوم و چهارم به دست می آید:

$$= \frac{p_1+p_2}{p_3+p_4}$$

هر چه مقدار عددی این شاخص بزرگتر باشد، نظام شهری مورد نظر دارای نخست شهری بیشتری است (زبردست، ۱۳۸۶، ص ۳۵ به نقل از Moomaw and

(Alwosabi, ۱۵۸:۲۰۰۴).

آنترپوی

آنترپوی یک معیار ناپارامتری برای نشان دادن تعادل یک سیستم در توزیع است و هر چه میزان این شاخص بیشتر شود توزیع به سوی تعادل در حرکت است (زبردست، ۱۳۸۶، ص ۳۵).

روش آنترپوی روشی است برای سنجش یکنواخت بودن متغیر مورد نظر، مثلاً توزیع جمعیت و شهر های یک منطقه که با کاربرد این مدل می توان به میزان تعادل فضای استقرار جمعیت در سطح شبکه شهری پی برد (Wheeler & Muller, ۱۹۹۸:۳۸۶-۳۸۵)؛ در این روش هرچه پراکندگی در مقادیر یک شاخص بیشتر باشد، آن شاخص اهمیت بیشتری دارد (مومنی، ۱۳۸۷، ص ۱۴). مقدار آنترپوی از فرمول زیر بدست می آید:

$$G = \frac{H}{\ln K}, \quad H = -\sum_{i=1}^n P_i * \ln P_i$$

H: آنترپوی مطلق،

P_i : فراوانی نسبی،

$\ln P_i$: لگاریتم نپری فراوانی،

K: تعداد طبقات

G: آنترپوی نسبی

مقدار آنترپوی نسبی بین صفر و یک است؛ هر چه این مقدار به یک نزدیکتر باشد نشانگر توزیع عادلانه و هرچه به صفر نزدیکتر باشد نشان دهنده عدم تعادل در توزیع جمعیت است (Tasi, ۱۴۵:۲۰۰۵ و حکمت نیا، موسوی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۰).

مدل رتبه اندازه

پیشرفت های جدید و مداوم در روش های تحقیق باعث گردیده است که کشورهای زیادی از این مدل برای بررسی توزیع اندازه شهرهایشان استفاده کنند (Nishiyama et al, ۲۰۰۸:۶۹۸). مؤثرترین مدل برای تبیین چگونگی آرایش فضایی نظام های شهری استفاده از سلسله مراتب شهری و رتبه بندی بر پایه اندازه و کارکرد آنهاست (Fallman, ۲۰۰۷:۴۰۷)؛ اولین کسی که الگویی مفید در رابطه با نظام سلسله مراتبی سکونتگاه ها ارائه داد، فلیکس اورباخ جغرافیدان آلمانی در سال ۱۹۱۳ بود (هاگت،

۱۳۷۵، ص ۱۸۴). وی به صورت تجربی کشف کرد که بین اندازه جمعیتی و رتبه شهرها رابطه معکوس وجود دارد (Nitsch, 2005: ۸۶)

به دنبال اوریباخ، در سال ۱۹۲۶ لوتکا و سپس در سال های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۹ ژرژ کینگ زیپف به طور کامل فرمول بندی نمود. زیپف بیان می کند جمعیت شهر n ام حدود $n/1$ جمعیت شهر اول خواهد بود. او معتقد است وجود همبستگی بین جمعیت شهرها و مرتبه آن ها به صورت خط مستقیم یا همبستگی خطی مطرح است بنابراین هر اندازه سیستم شهری یک کشور توسعه پیدا کند به توزیع نرمال نزدیک تر است (Clark, 2000: ۲۵-۲۸) به اعتقاد زیپف اگر اندازه و رتبه شهرهای نظام شهری را در یک کاغذ لگاریتمی دو محوری ترسیم کنیم، خط راستی با شیب ۱- تشکیل خواهد شد. این خط شاخص استاندارد توزیع اندازه شهری تلقی شده است و بنابراین انحراف از این خط در واقع انحراف از اندازه مطلوب شهری به حساب آمده است (عظیمی، ۱۳۸۱، صص ۵۴-۵۵ و زیاری، موسوی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۹) زیپف ضمن آزمایش قانون رتبه اندازه مشاهده کرد که توزیع شهرها همیشه در حالت پارتو نیست (Fragkias & seto, 2008: ۱۹۰) هر چه توزیع شهرها یکنواخت تر باشد، شیب نمودار منظم تر است و بهترین حالت، شیب ۴۵ درجه است که q مساوی با یک خواهد بود؛ بدین معنی که موقعیت مرتبه ای و جمعیتی شهرها همخوان می گردد (نورتمن، ۱۳۷۱، صص ۹۰-۹۱) فرمول کلی توزیع رتبه اندازه به شرح زیر است (زیاری، موسوی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۸):

$$P_R = P_i / R^b$$

$$P_{rth} = \frac{\sum^p 1-n - R_{rth}}{\sum \frac{1}{R_1} + \frac{1}{R_2} + \dots + \frac{1}{R_n}}$$

منحنی لورنز و ضریب جینی

یکی از روش های اندازه گیری سلسله مراتب شهری و چگونگی توزیع جمعیت در شهرهای منطقه استفاده

از منحنی لورنز است؛ برای رسم منحنی لورنز از درصد تجمعی تعداد شهرها از هر کدام از طبقات جمعیتی در محور OX و درصد تجمعی جمعیت شهرها در محور OY استفاده می شود (زیاری، ۱۳۸۳، ص ۸۷). سپس برای هر یک از دوره های سر شماری یک منحنی رسم می کنیم، هر قدر که منحنی به طرف خط نرمال سوق یابد جمعیت یابی نقاط شهری منطقه مطلوب تر بوده است و هر قدر که جمعیت یابی نقاط شهری در منطقه نامتعال باشد منحنی لورنز از خط نرمال فاصله بیشتری خواهد گرفت (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۹). در توزیع جغرافیایی موزون و هماهنگ، منحنی لورنز به صورت خط مستقیم ظاهر می شود، در غیر این صورت حالت کمائی دارد که در بخش تقعر منحنی نشان دهنده بالاترین درجه تمرکز جغرافیایی در ناحیه است (مومنی، ۱۳۸۷، ص ۱۱). برای نمایش عددی منحنی لورنز از ضریب جینی استفاده می شود؛ این ضریب از تقسیم مساحت زیر منحنی بر مساحت مثلث بدست می آید (تقوایی و صابری، ۱۳۸۹، ص ۷ به نقل از Kirkb et al, 2009).

$$J = \frac{A}{A+B} \quad \text{(مساحت بین منحنی لورنز و خط نرمال)} \\ \text{(مساحت مثلث)} \quad \text{(ضریب جینی)}$$

مقدار ضریب جینی بین صفر یا یک است، ضریب جینی نزدیک به یک بیانگر توزیع نامتعال و ضریب جینی نزدیک به صفر بیانگر توزیع عادلانه جمعیت است (رهنا و عباس زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۱۰).

تحولات تعداد و جمعیت نظام شهری استان همدان در طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰

بر اساس تقسیم بندی شهرها از نظر طبقات جمعیتی، شهرهای استان را می توان به ۶ طبقه تقسیم نمود:

۱- شهرهای با جمعیت بالاتر از ۵۰۰ هزار نفر «کلان شهر»؛

۲- شهرهای با جمعیت بین ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر «شهر بزرگ»؛

۳- شهرهای با جمعیت بین ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر «شهر

جدول ۲. میزان تعادل در ضریب جینی

۰/۷۵ - ۱	۰/۵ - ۰/۷۵	۰/۲۵ - ۰/۵	۰ - ۰/۲۵	ضریب جینی
نامتعادل (بحرانی)	نیمه تعادل	تقریباً تعادل	متعادل	میزان تعادل

متوسط بزرگ»؛

۴- شهرهای با جمعیت بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر «شهر متوسط کوچک»؛

۵- شهرهای با جمعیت بین ۲۵ تا ۵۰ هزار نفر «شهرهای کوچک»؛ و

۶- شهرهای با جمعیت کمتر از ۲۵ هزار نفر «روستا شهرها»

با بررسی سطوح جمعیتی در طول سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ در شهرهای استان این سطوح به این صورت است: در سال ۱۳۳۵ از مجموع ۸ شهر استان هیچ شهری در سطح شهر بزرگ و حتی شهر متوسط در استان وجود نداشته است. بزرگترین شهر استان با جمعیتی معادل ۹۹۹۰۹ نفر به عنوان شهر کوچک در طبقه دوم قرار دارد، مابقی شهرهای استان در دسته‌ی شهرهای بسیار کوچک قرار داشته اند. بدین ترتیب نظام توزیع طبقاتی شهرها بسیار ناقص بوده و فقط دو سطح را در بر گرفته است.

در سال ۱۳۴۵ تعداد شهرهای استان به ۱۰ شهر افزایش یافته و شهر همدان با اندکی افزایش جمعیت به یک

سطح بالاتر ارتقاء یافته و در طبقه‌ی شهرهای متوسط قرار گرفته است. شهر ملایر نیز با یک پله صعود به سطح شهرهای کوچک ارتقا یافته است و سایر شهرها که شامل ۸ شهر می شده، در سطح شهرهای کوچک تر از ۲۵ هزار نفر (بسیار کوچک) قرار داشته اند، در این سال نیز نظام توزیع شهرهای استان چندان مطلوب به نظر نمی رسد و تنها سه سطح را در بر می گیرد.

در سال ۱۳۵۵ شهر همدان همچنان در سطح شهرهای متوسط قرار داشته است. شهر نهاوند با یک سطح صعود با ملایر در یک طبقه قرار داشته اند. در این سال تعداد شهرها به ۱۳ شهر رسیده که ۱۰ شهر از این شهرها جزو شهرهای بسیار کوچک به شمار می رفته اند (نقشه شماره ۳-۵). در سال ۱۳۶۵، با توجه به تعریف جدیدی که از شهر، تعداد و نام شهرها دست خوش تغییراتی شده و تعداد کل شهرها نسبت به سال ۵۵ کاهش یافته است، ضمن این که تعدادی شهر جدید نیز به مجموع شهرها افزوده شده در این دوره توزیع شهرها بین طبقات جمعیتی از تعادل نسبتاً مطلوب تر از دوره های قبل برخوردار بوده است. در این دوره شهر همدان همچنان در سطح شهرهای



نقشه ۱. جمعیت شهرهای استان همدان در سال ۱۳۳۵ و نقشه ۲. جمعیت شهرهای استان همدان در سال ۱۳۴۵



نقشه ۳. جمعیت شهرهای استان همدان در سال ۱۳۵۵ و نقشه ۴. جمعیت شهرهای استان همدان در سال ۱۳۶۵

از ایجاد نقاط جدید شهری کاملاً تأثیرگذار بوده است. از مجموع ۲۷ شهرستان، ۱۷ شهر در این دوره کم‌تر از ۱۰ هزار نفر جمعیت داشته‌اند و این امر نشان‌دهنده توزیع بسیار نامتوازن و نامتعادل جمعیت بین شهرهای استان است. در این دوره حتی یک شهر زیر ۱۰۰۰ نفری هم به مجموع شهرهای استان اضافه شده است که بسیار جالب توجه می‌باشد. فاصله بین پر جمعیت‌ترین شهر استان که ۴۷۳۱۴۹ نفر جمعیت دارد و کوچک‌ترین شهر استان با ۸۴۴ نفر جمعیت نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین شهر استان حدوداً ۵۶۰ برابر کوچک‌ترین شهر استان جمعیت دارد و این مسئله در نوع خود بسیار حائز اهمیت است. در سرشماری سال ۹۰ شهر همدان به یک سطح بالاتر ارتقاء یافته و جزء شهرهای بزرگ محسوب شده است. ملایر در رده شهرهای متوسط قرار گرفته، در سطوح شهرهای کوچک و بسیار کوچک تغییری نسبت به دوره قبل صورت نگرفته است.

در تحلیل نظام فضایی شهرهای استان همدان، روند گذشته جابجایی‌های جمعیت بین مناطق مختلف استان همانند دیگر نواحی کشور بین جوامع شهری و روستایی

متوسط باقی مانده و شهر ملایر با یک پله صعود به سطح شهرهای متوسط، و نهاوند و اسدآباد و تویسرکان در سطح شهرهای کوچک قرار گرفته‌اند. ۷ شهر نیز در سطح شهرهای بسیار کوچک قرار گرفتند. در این سال برای اولین بار یک شهر با جمعیت زیر ۵ هزار نفر در استان ایجاد شده است.

در سال ۱۳۷۵ تعداد شهرهای استان به ۲۱ شهر رسیده که پنج شهر از این شهرها زیر ۵ هزار نفر جمعیت داشته‌اند. در این دوره شهر همدان و ملایر در سطح شهرهای متوسط قرار گرفته‌اند، شهرهای نهاوند، اسدآباد، تویسرکان، و بهار در سطح شهرهای کوچک و ۱۵ شهر دیگر استان در طبقه‌ی شهرهای بسیار کوچک قرار داشته‌اند. در دوره‌ی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ شهر همدان و ملایر کماکان به عنوان یک شهر متوسط ایفای نقش نموده، شهرهای نهاوند، اسدآباد، تویسرکان، و بهار در سطح شهرهای کوچک و ۲۱ شهر دیگر استان در ردیف شهرهای بسیار کوچک قرار گرفته‌اند.

در این دوره ۱۱ شهر زیر ۵ هزار نفر در نظام شهری استان شکل گرفته و تغییر سیاست‌ها و تعاریف وزارت کشور در



نقشه ۵. جمعیت شهرهای استان همدان در سال ۱۳۷۵ و نقشه ۶. جمعیت شهرهای استان همدان در سال ۱۳۸۵

همواره حاکی از حرکتی یک سویه از طرف مناطق کمتر توسعه یافته به مناطق توسعه یافته‌تر و یا از سوی مناطق روستایی به سمت مناطق شهری بوده است. این حرکت‌های جمعیتی روندی اجتناب ناپذیر و حاصل رفتارهای اقتصادی - اجتماعی، نارسایی‌های موجود در ساختار فضایی و توزیع نامتعادل امکانات در مراکز و کانون‌های شهری و توان محدود محیط‌های روستایی و عدم تنوع فعالیت‌های اقتصادی در پذیرش جمعیت‌های جدید و نگهداشت جمعیت است.

بررسی شاخص‌های تمرکز و نخست شهری استان همدان

در این نوشتار شاخص نخست شهری با دیدگاه‌های مختلف بررسی شده که نتایج آن در جدول ۴ آمده است. برای بررسی میزان نخست شهری در استان همدان طی دوره‌های ۱۳۹۰-۱۳۳۵ از آمار و اطلاعات سرشماری مربوط به جمعیت شهرها استفاده شده است. در بررسی انجام شده از ۶ روش برای اندازه‌گیری شاخص نخست شهری استفاده شده است و مقادیر عددی به دست آمده



نقشه ۷. جمعیت شهرهای استان همدان در سال ۱۳۹۰

جدول ۳. طبقه بندی تعداد شهری استان همدان طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰؛ منبع: نگارندگان بر اساس یافته های تحقیق.

دوره های سرشماری							طبقات شهری (هزار نفر)	نوع سکونتگاه
۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵		
۱۱	۱۱	۵	۱	۰	۰	۰	۰-۵	شهرهای بسیار کوچک
۴	۶	۸	۳	۷	۵	۴	۵-۱۰	
۶	۴	۲	۳	۳	۳	۳	۱۰-۲۵	
۲	۲	۳	۲	۲	۱	۰	۲۵-۵۰	شهرهای کوچک
۲	۲	۱	۱	۰	۰	۰	۵۰-۱۰۰	
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۰۰-۲۵۰	شهر متوسط
۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۲۵۰-۵۰۰	
۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵۰۰-۱۰۰۰	شهر بزرگ
۲۷	۲۷	۲۱	۱۲	۱۳	۱۰	۸	-	مجموع

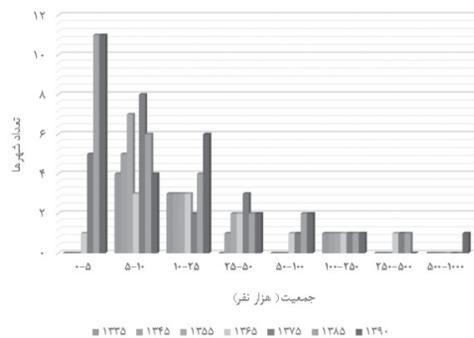
مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۱۵

از این روش ها در جدول شماره (۴) منعکس گردیده است. نتایج به دست آمده از این مقادیر حاکی از آن است که: نتایج کلیه شاخص های بررسی شده نشان از وجود پدیده نخست شهری در نظام شهری استان همدان بوده است.

میزان نخست شهری در استان همدان از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۶۵ در تمامی شاخصها به غیر از شاخص موماو و الوصایی کاهش پیدا کرده است ولی از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۹۰ روند صعودی داشته است. در شاخص موماو و الوصایی میزان نخست شهری در استان همدان از سال



نمودار ۱. طبقه بندی تعداد شهری استان همدان طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰

جدول ۴. محاسبه شاخص های نخست شهری و تمرکز در نظام شهری استان همدان؛ منبع: نگارندگان.

سال شاخص تعریف	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
UPI	۰/۵۵۸	۰/۵۳۸	۰/۵۰۲	۰/۴۸۴	۰/۴۹۵	۰/۴۹۶	۰/۵۰۶
دو شهر	۴/۷۳۴	۴/۳۶۷	۳/۵۱۹	۲/۶۲۹	۲/۷۷۹	۳/۰۷۷	۳/۲۸۹
سه شهر	۱/۸۷۱	۱/۸۶۰	۱/۷۴۲	۱/۴۳۱	۱/۵۵۶	۱/۷۰۶	۱/۸۱۱
چهار شهر	۰/۶۵۲	۰/۶۵۰	۰/۶۳۵	۰/۵۸۹	۰/۶۰۹	۰/۶۳۱	۰/۶۴۴
هرفیندال	۰/۳۴۹	۰/۳۲۴	۰/۲۸۹	۰/۲۸۶	۰/۲۸۱	۰/۲۸۹	۰/۲۹۱
موماو و الوصایی	۳/۷۵	۴/۲۵	۴/۴۳	۴/۳۳	۴/۸۵	۵/۰۸	۵/۲۶

۱۳۳۵ تا سال ۱۳۵۵ برخلاف ۵ شاخص دیگر افزایش داشته ولی از سال ۱۳۵۵ به بعد مشابه سایر شاخص ها بوده است. نسبت جمعیت شهر همدان به عنوان پر جمعیت ترین شهر استان به کل جمعیت شهر های استان طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ همواره بین ۴۸/۴ و ۵۵/۸ درصد بوده است که این نشان دهنده تسلط زیاد شهر همدان بر نظام شهری استان در این بازه زمانی بوده است.

شاخص نخست شهری بر پایه دو شهر نشان می دهد که جمعیت شهر اول (شهر همدان) در سال ۱۳۳۵، ۴/۷۳ برابر شهر دوم استان (ملایر) بوده است که در سال ۱۳۹۰ این شاخص به ۳/۲۸ برابر کاهش یافته است. می توان نتیجه گرفت که علی رغم برتری شهر همدان طی ۵۵ سال گذشته شهر دوم در نظام شهری استان نقش پررنگ تری پیدا کرده است.

بر اساس شاخص سه شهر، نسبت جمعیت شهر همدان به مجموع سه شهر پر جمعیت بعد از آن در فاصله سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۶۵ کاهش یافته است که این نشان دهنده کاهش برتری شهر همدان به سه شهر دیگر بوده است اما از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ این روند افزایش پیدا کرده است.

درجه نخست شهری در نظام شهری استان همدان بر پایه نظر ریچاردسون و شاخص چهار شهر طی سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰، شهر همدان همواره در درجه برتری قرار داشته است. مطابق شاخص تمرکز هرفیندال، نظام شهری استان همدان تا سال ۱۳۶۵ با کاهش چشمگیری به سمت تمرکز زدایی پیش رفته است و از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۹۰ با شدت کمی تمرکز افزایش یافته است.

بررسی ضریب آنتروپی نظام شهری استان همدان

با توجه به مقادیر به دست آمده از محاسبه ضریب آنتروپی در سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۸۵ به سوی توزیع متعادل تر تعداد شهر ها در نظام شهری بوده است اما این میزان در سال ۱۳۹۰ کاهش ناچیزی داشته است. به عبارت دیگر از تمرکز شهری در انتظام شهری استان کاسته شده است. در سال ۱۳۳۵ بیشترین عدم تعادل و در سال ۱۳۸۵ بیشترین

میزان تعادل در توزیع پراکندگی جمعیت در نظام شهری استان همدان وجود داشته است. این در حالی است که میل به سوی تعادل از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ با سرعت بیشتری نسبت به سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ داشته است. در بررسی مقدار Q همان گونه که جدول شماره ۱۳ ملاحظه می شود مقادیر Q در تمامی دوره های مورد بررسی بزرگ تر از یک می باشند، بنابراین در نظام شهری استان همدان تسلط شهر برتر بسیار زیاد بوده و به تدریج از سال ۳۵ تا ۸۵ به این برتری اضافه شده است به گونه ای که میانگین Q در سطح شهرهای استان از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ افزایش تدریجی داشته و از ۱/۰۹۲ در سال ۱۳۳۵ به ۱/۱۹۳ در سال ۸۵ رسیده است.

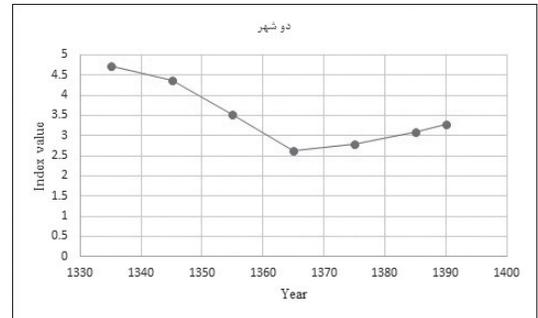
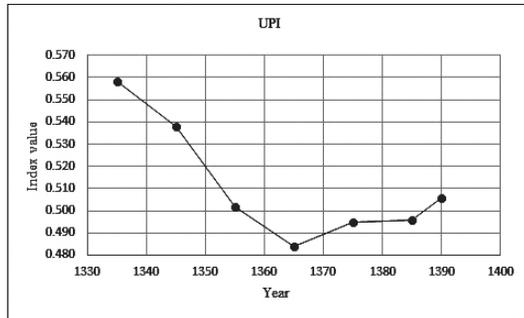
بر این اساس در سال ۱۳۳۵ جمعیت وضع موجود شهرهای استان نشان می دهد که جمعیت شهر اول استان حدود پنج برابر جمعیت شهر دوم است در حالی که باید ۲ برابر این رقم را داشته باشد. بنابراین نظام نخست شهری در این سال در استان وجود دارد. به منظور اطلاعات بیشتر تغییرات جمعیتی، نرخ رشد جمعیت، جمعیت نرمال، مقدار Q و سطح جمعیتی در نقاط شهری استان در بازه های زمانی ۱۳۳۵ الی ۱۳۹۰ در جداول و نقشه های زیر ارائه شده است.

بررسی منحنی لورنز و ضریب جینی در نظام شهری استان همدان

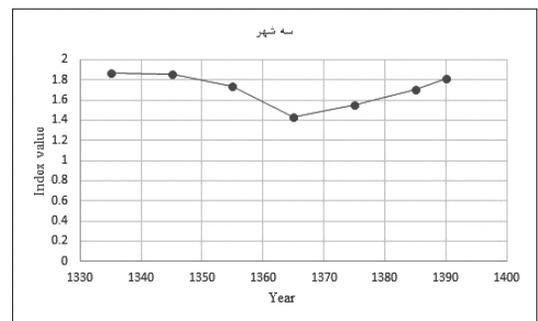
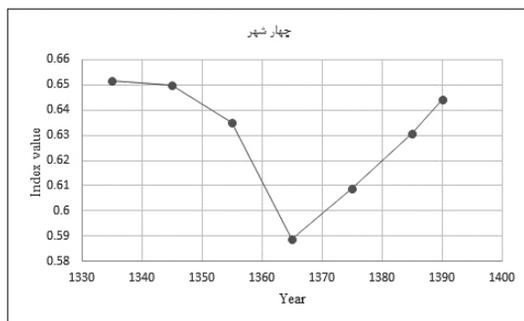
یکی از بهترین روش های اندازه گیری گرافیکی در مورد توزیع جمعیت در شهر های یک کشور استفاده از منحنی لورنز و بدست آوردن مقدار ضریب جینی است.

برای تشخیص میزان تعادل از تراکم جینی که از تقسیم مساحت ناحیه قوس زیر منحنی به مساحت مثلث بدست می آید استفاده شده است. ضریب های جینی بدست آمده برای نظام شهری استان همدان در جدول شماره (۱۴) آورده شده است.

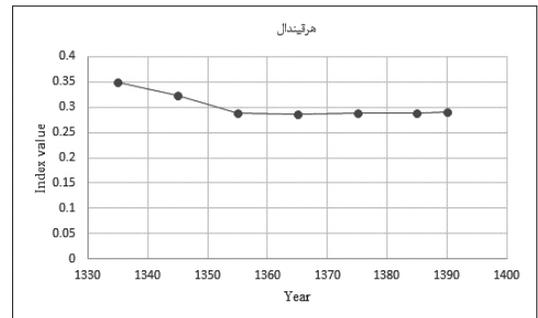
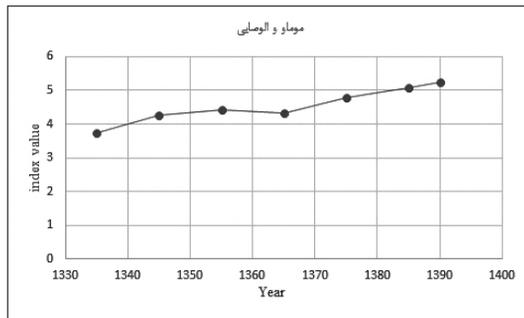
با توجه به منحنی لورنز شماره های ۱۶ تا ۲۲ توزیع درصد تراکمی تعداد و جمعیت شهرهای استان همدان طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ با خط نرمال فاصله بیشتری پیدا کرده است بطوریکه میزان ضریب جینی در این بازه زمانی از ۰/۵۳ به ۰/۷۸ رسیده است. این افزایش ضریب جینی



نمودار ۲. شاخص دو شهر در استان همدان و نمودار ۳. شاخص UPI در استان همدان



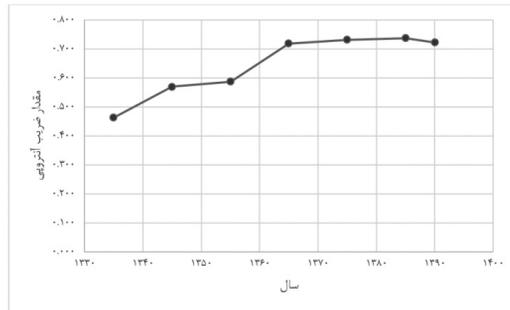
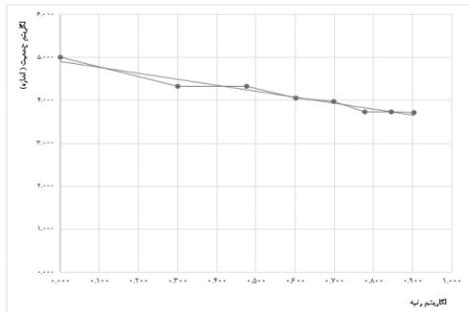
نمودار ۴. شاخص سه شهر در استان همدان و نمودار ۵. شاخص چهار شهر در استان همدان



نمودار ۶. شاخص هر قیندال در استان همدان و نمودار ۷. شاخص مومار و الوصایی در استان همدان

جدول ۵. مقدار ضریب آنتروپی در استان همدان طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰؛ منبع: نگارندگان.

سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
ضریب آنتروپی	۰.۴۶۴	۰.۵۷۰	۰.۵۸۸	۰.۷۱۹	۰.۷۳۲	۰.۷۳۷	۰.۷۲۳

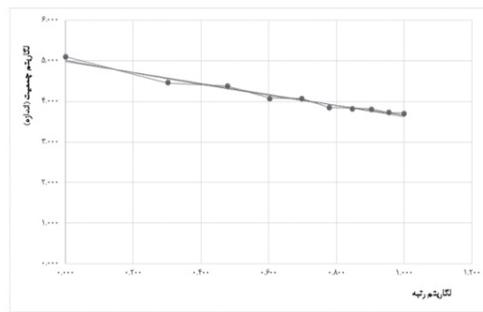
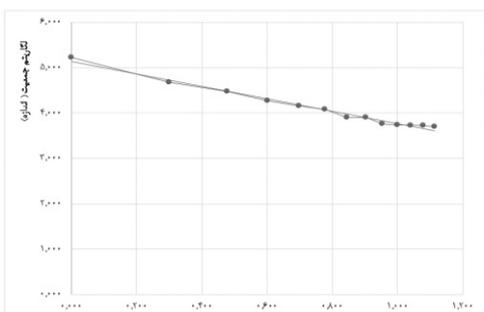


نمودار ۹. اطلاعات تغییرات جمعیتی در نقاط شهری استان در سال ۱۳۳۵

نمودار ۸. مقدار ضریب آنتروپی در استان همدان طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰؛ منبع: نگارندگان.

جدول ۶. اطلاعات تغییرات جمعیتی در نقاط شهری سال ۱۳۳۵؛ منبع: نگارندگان

ردیف	شهر	جمعیت سال ۱۳۳۵	Log R	Log P	Q	مرتبه	جمعیت مورد انتظار
۱	همدان	۹۹۹۰۹	۰,۰۰۰	۵,۰۰۰			
۲	ملایر	۲۱۱۰۵	۰,۳۰۱	۴,۳۲۴	۱,۰۸۷	۵	۴۹۹۵۵
۳	نهاوند	۲۰۹۷۲	۰,۴۷۷	۴,۳۲۲	۱,۰۴۶	۵	۳۳۳۰۳
۴	تویسرکان	۱۱۳۲۳	۰,۶۰۲	۴,۰۵۴	۱,۰۸۵	۹	۲۴۹۷۷
۵	بهار	۹۶۱۵	۰,۶۹۹	۳,۹۸۳	۱,۰۸۰	۱۰	۱۹۹۸۲
۶	لالجین	۵۴۶۸	۰,۷۷۸	۳,۷۳۸	۱,۱۲۹	۱۸	۱۶۶۵۲
۷	سرکان	۵۳۶۷	۰,۸۴۵	۳,۷۳۰	۱,۱۱۴	۱۹	۱۴۲۷۳
۸	اسدآباد	۵۱۹۰	۰,۹۰۳	۳,۷۱۵	۱,۱۰۳	۱۹	۱۲۴۸۹
	میاندوآب	۱۷۸۹۴۹	-	۱,۰۹۲	-		



نمودار ۱۱. اطلاعات تغییرات جمعیتی در نقاط شهری استان در سال ۱۳۵۵

نمودار ۱۰. اطلاعات تغییرات جمعیتی در نقاط شهری استان در سال ۱۳۴۵

جدول ۷. اطلاعات تغییرات جمعیتی در نقاط شهری استان در سال ۱۳۴۵؛ منبع: نگارندگان.

ردیف	شهر	جمعیت سال ۱۳۴۵	Log R	Log P	Q	مرتبۀ	جمعیت مورد انتظار
۱	همدان	۱۲۴۱۶۷	۰,۰۰۰	۵,۰۹۴			
۲	ملایر	۲۸۴۳۴	۰,۳۰۱	۴,۴۵۴	۱,۰۷۶	۴	۶۲۰۸۴
۳	نهایوند	۲۳۹۲۲	۰,۴۷۷	۴,۳۷۹	۱,۰۵۴	۵	۴۱۳۸۹
۴	تویسرکان	۱۱۹۵۴	۰,۶۰۲	۴,۰۷۸	۱,۱۰۲	۱۰	۳۱۰۴۲
۵	بهار	۱۱۸۴۳	۰,۶۹۹	۴,۰۷۳	۱,۰۷۹	۱۰	۲۴۸۳۳
۶	لالجین	۷۰۴۳	۰,۷۷۸	۳,۸۴۸	۱,۱۲۲	۱۸	۲۰۶۹۵
۷	اسدآباد	۶۷۱۴	۰,۸۴۵	۳,۸۲۷	۱,۱۱۰	۱۸	۱۷۷۳۸
۸	کبودرآهنگ	۶۴۹۴	۰,۹۰۳	۳,۸۱۳	۱,۰۹۹	۱۹	۱۵۵۲۱
۹	مریانج	۵۱۴۸	۰,۹۵۴	۳,۷۱۲	۱,۱۱۵	۲۴	۱۳۷۹۶
۱۰	سرکان	۵۱۱۵	۱,۰۰۰	۳,۷۰۹	۱,۱۰۴	۲۴	۱۲۴۱۷
	میانگین	-	-	۱,۰۹۶	-	-	-

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

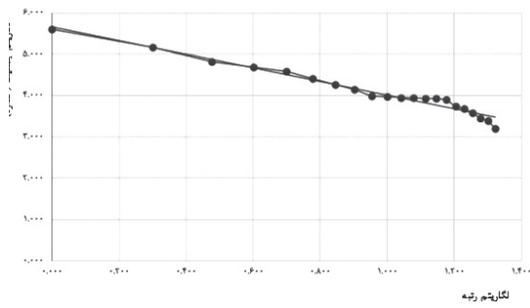
■ ۱۹ ■

جدول ۸. اطلاعات تغییرات جمعیتی در نقاط شهری استان در سال ۱۳۵۵؛ منبع: نگارندگان

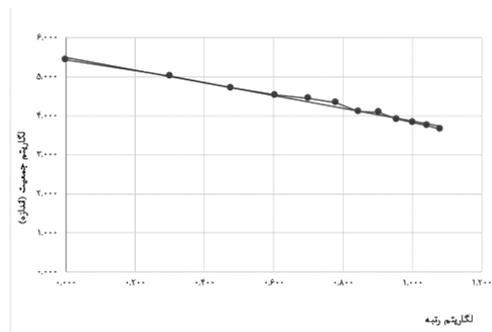
ردیف	شهر	جمعیت سال ۱۳۵۵	Log R	Log P	Q	مرتبۀ	جمعیت مورد انتظار
۱	همدان	۱۶۵۷۸۵	۰,۰۰۰	۵,۲۲۰			
۲	ملایر	۴۷۱۱۱	۰,۳۰۱	۴,۶۷۳	۱,۰۵۳	۴	۸۲۸۹۳
۳	نهایوند	۲۹۵۰۹	۰,۴۷۷	۴,۴۷۰	۱,۰۶۱	۶	۵۵۲۶۲
۴	تویسرکان	۱۸۵۷۳	۰,۶۰۲	۴,۲۶۹	۱,۰۸۲	۹	۴۱۴۴۶
۵	بهار	۱۴۴۸۹	۰,۶۹۹	۴,۱۶۱	۱,۰۸۶	۱۱	۳۳۱۵۷
۶	اسدآباد	۱۲۰۸۳	۰,۷۷۸	۴,۰۸۲	۱,۰۸۸	۱۴	۲۷۶۳۱
۷	لالجین	۸۰۵۱	۰,۸۴۵	۳,۹۰۶	۱,۱۲۰	۲۱	۲۳۶۸۴
۸	کبودرآهنگ	۷۸۹۳	۰,۹۰۳	۳,۸۹۷	۱,۱۰۸	۲۱	۲۰۷۲۳
۹	مریانج	۵۷۹۴	۰,۹۵۴	۳,۷۶۳	۱,۱۳۳	۲۹	۱۸۴۲۱
۱۰	جورقان	۵۴۶۶	۱,۰۰۰	۳,۷۳۸	۱,۱۲۹	۳۰	۱۶۵۷۹
۱۱	صالح آباد	۵۳۸۱	۱,۰۴۱	۳,۷۳۱	۱,۱۲۰	۳۱	۱۵۰۷۱
۱۲	فامنین	۵۳۶۱	۱,۰۷۹	۳,۷۲۹	۱,۱۱۰	۳۱	۱۳۸۱۵
۱۳	قروه درجزین	۵۰۵۵	۱,۱۱۴	۳,۷۰۴	۱,۱۰۹	۳۳	۱۲۷۵۳
	میانگین	-	-	۱,۱۰۰	-	-	-

جدول شماره ۹. اطلاعات تغییرات جمعیتی در نقاط شهری؛ منبع: نگارندگان

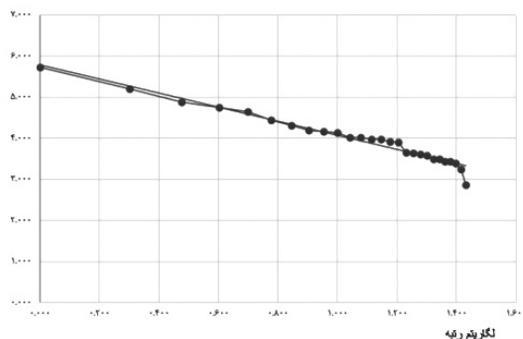
ردیف	شهر	جمعیت سال ۱۳۶۵	Log R	Log P	Q	مرتبه	جمعیت مورد انتظار
۱	همدان	۲۷۲۴۹۹	۰,۰۰۰	۵,۴۳۵			
۲	ملایر	۱۰۳۶۴۰	۰,۳۰۱	۵,۰۱۶	۱,۰۲۴	۳	۱۳۶۲۵۰
۳	نهبوند	۵۲۲۶۵	۰,۴۷۷	۴,۷۱۸	۱,۰۵۱	۵	۹۰۸۳۳
۴	اسدآباد	۳۴۵۱۶	۰,۶۰۲	۴,۵۳۸	۱,۰۶۵	۸	۶۸۱۲۵
۵	تویسرکان	۲۸۱۴۵	۰,۶۹۹	۴,۴۴۹	۱,۰۶۵	۱۰	۵۴۵۰۰
۶	بهار	۲۱۶۷۸	۰,۷۷۸	۴,۳۳۶	۱,۰۷۴	۱۳	۴۵۴۱۷
۷	کبودرآهنگ	۱۳۰۲۷	۰,۸۴۵	۴,۱۱۵	۱,۱۱۶	۲۱	۳۸۹۲۸
۸	لالجین	۱۲۲۶۱	۰,۹۰۳	۴,۰۸۹	۱,۱۰۹	۲۲	۳۴۰۶۲
۹	مریانج	۸۲۴۲	۰,۹۵۴	۳,۹۱۶	۱,۱۴۴	۳۳	۳۰۲۷۸
۱۰	قروه درجزین	۶۷۰۸	۱,۰۰۰	۳,۸۲۷	۱,۱۵۹	۴۱	۲۷۲۵۰
۱۱	سرکان	۵۶۸۳	۱,۰۴۱	۳,۷۵۵	۱,۱۷۰	۴۸	۲۴۷۷۳
۱۲	سامن	۴۶۵۲	۱,۰۷۹	۳,۶۶۸	۱,۱۸۸	۵۹	۲۲۷۰۸
	میانگین	-	-	۱,۱۰۶	-	-	



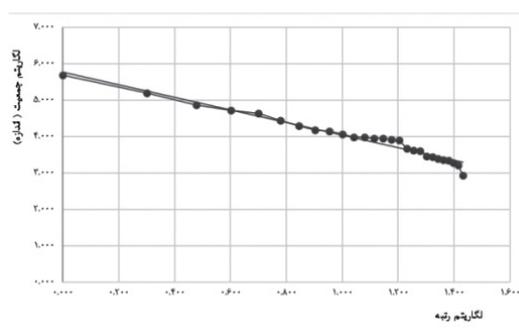
نمودار شماره ۱۳. اطلاعات تغییرات جمعیتی در نقاط استان در سال ۱۳۷۵ شهری استان در سال ۱۳۷۵



نمودار شماره ۱۲. اطلاعات تغییرات استان در سال ۱۳۶۵ جمعیتی در نقاط شهری استان در سال ۱۳۶۵



نمودار شماره ۱۵. اطلاعات تغییرات استان در سال ۱۳۹۰ جمعیتی در نقاط شهری استان در سال ۱۳۹۰



نمودار شماره ۱۴. اطلاعات تغییرات استان در سال ۱۳۸۵ جمعیتی در نقاط شهری استان در سال ۱۳۸۵

جدول شماره ۱۰. اطلاعات تغییرات جمعیتی در نقاط شهری؛ منبع: نگارندگان

ردیف	نام شهر	جمعیت سال ۱۳۷۵	Log R	Log P	Q	مرتبۀ	جمعیت مورد انتظار
۱	همدان	۴۰۱۲۸۱	۰,۰۰۰	۵,۶۰۳			
۲	ملایر	۱۴۴۳۷۳	۰,۳۰۱	۵,۱۵۹	۱,۰۲۸	۳	۲۰۰۶۴۱
۳	نهبوند	۶۵۱۶۴	۰,۴۷۷	۴,۸۱۴	۱,۰۶۵	۶	۱۳۳۷۶۰
۴	اسدآباد	۴۸۳۸۶	۰,۶۰۲	۴,۶۸۵	۱,۰۶۸	۸	۱۰۰۳۲۰
۵	تویسرکان	۳۷۸۸۶	۰,۶۹۹	۴,۵۷۸	۱,۰۷۱	۱۱	۸۰۲۵۶
۶	بهار	۲۵۸۶۵	۰,۷۷۸	۴,۴۱۳	۱,۰۹۳	۱۶	۶۶۸۱۰
۷	کبودر اهنگ	۱۸۳۳۷	۰,۸۴۵	۴,۲۶۳	۱,۱۱۶	۲۲	۵۷۳۳۶
۸	لالجین	۱۳۹۶۳	۰,۹۰۳	۴,۱۴۵	۱,۱۳۴	۲۹	۵۰۱۶۰
۹	مریانج	۹۵۲۳	۰,۹۵۴	۳,۹۷۹	۱,۱۶۹	۴۲	۴۴۵۸۷
۱۰	جورقان	۹۱۹۳	۱,۰۰۰	۳,۹۶۳	۱,۱۶۱	۴۴	۴۰۱۲۸
۱۱	ازندریان	۸۸۵۱	۱,۰۴۱	۳,۹۴۷	۱,۱۵۶	۴۵	۳۶۴۸۰
۱۲	فامنین	۸۷۸۵	۱,۰۷۹	۳,۹۴۴	۱,۱۴۷	۴۶	۳۳۳۴۰
۱۳	صالح آباد	۸۳۵۰	۱,۱۱۴	۳,۹۲۲	۱,۱۴۵	۴۸	۳۰۸۶۸
۱۴	رزن	۸۳۲۵	۱,۱۴۶	۳,۹۲۰	۱,۱۳۷	۴۸	۲۸۶۶۳
۱۵	قروه درجزین	۷۸۲۵	۱,۱۷۶	۳,۸۹۳	۱,۱۳۷	۵۱	۲۶۷۵۲
۱۶	سرکان	۵۴۲۲	۱,۲۰۴	۳,۷۳۴	۱,۱۷۸	۷۴	۲۵۰۸۰
۱۷	سامن	۴۷۵۰	۱,۲۳۰	۳,۶۷۷	۱,۱۸۹	۸۴	۲۳۶۰۵
۱۸	دمق	۳۷۰۷	۱,۲۵۵	۳,۵۶۹	۱,۲۱۸	۱۰۸	۲۲۲۹۳
۱۹	قهابوند	۲۷۵۷	۱,۲۷۹	۳,۴۴۰	۱,۲۵۷	۱۴۶	۲۱۱۲۰
۲۰	فیروزان	۲۴۱۵	۱,۳۰۱	۳,۳۸۳	۱,۲۷۲	۱۶۶	۲۰۰۶۴
۲۱	فرسنج	۱۵۵۱	۱,۳۲۲	۳,۱۹۱	۱,۳۴۲	۲۵۹	۱۹۱۰۹
میلگین	-	-	-	۱,۱۵۴	-	-	-

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

جدول شماره ۱۱. اطلاعات تغییرات جمعیتی در نقاط شهری؛ منبع: نگارندگان

ردیف	نام شهر	جمعیت سال ۱۳۸۵	Log R	Log P	Q	مرتبیه	جمعیت مورد انتظار
۱	همدان	۴۷۳۱۴۹	۰,۰۰۰	۵,۶۷۵			
۲	ملایر	۱۵۳۷۴۸	۰,۳۰۱	۵,۱۸۷	۱,۰۳۶	۳	۲۳۶۵۷۵
۳	نهایوند	۷۲۲۱۸	۰,۴۷۷	۴,۸۵۹	۱,۰۷۰	۷	۱۵۷۷۱۶
۴	اسدآباد	۵۱۳۰۴	۰,۶۰۲	۴,۷۱۰	۱,۰۷۷	۹	۱۱۸۲۷
۵	تویسرکان	۴۲۵۲۰	۰,۶۹	۴,۶۲	۱,۰۷	۱۱	۹۴۶۳۰
۶	بهار	۲۷۲۷۱	۰,۷۷۸	۴,۴۳۶	۱,۱۰۴	۱۷	۷۸۸۵۸
۷	کیودراهنگ	۱۹۲۱۶	۰,۸۴۵	۴,۲۸۴	۱,۱۲۸	۲۵	۶۷۵۹۳
۸	لالجین	۱۴۶۸۹	۰,۹۰۳	۴,۱۶۷	۱,۱۴۵	۳۲	۵۹۱۴۴
۹	فامنین	۱۴۰۱۹	۰,۹۵۴	۴,۱۴۷	۱,۱۳۸	۳۴	۵۲۵۷۲
۱۰	رزن	۱۱۳۹۰	۱,۰۰۰	۴,۰۵۷	۱,۱۵۲	۴۲	۴۷۳۱۵
۱۱	مریانج	۹۴۴۲	۱,۰۴۱	۳,۹۷۵	۱,۱۶۶	۵۰	۴۳۰۱۴
۱۲	قروه درجزین	۹۳۳۵	۱,۰۷۹	۳,۹۷۰	۱,۱۵۸	۵۱	۳۹۴۲۹
۱۳	جورقان	۸۸۵۱	۱,۱۱۴	۳,۹۴۷	۱,۱۵۶	۵۳	۳۶۳۹۶
۱۴	ازندریان	۸۶۸۵	۱,۱۴۶	۳,۹۳۹	۱,۱۵۰	۵۴	۳۳۷۹۶
۱۵	گیان	۸۰۶۲	۱,۱۷۶	۳,۹۰۶	۱,۱۵۲	۵۹	۳۱۵۴۳
۱۶	صالح آباد	۷۷۰۸	۱,۲۰۴	۳,۸۸۷	۱,۱۵۰	۶۱	۲۹۵۷۲
۱۷	سرکان	۴۵۵۷	۱,۲۳۰	۳,۶۵۹	۱,۲۱۵	۱۰۴	۲۷۸۳۲
۱۸	فیروزان	۴۰۵۴	۱,۲۵۵	۳,۶۰۸	۱,۲۲۵	۱۱۷	۲۶۲۸۶
۱۹	سامن	۴۰۲۵	۱,۲۷۹	۳,۶۰۵	۱,۲۲۰	۱۱۸	۲۴۹۰۳
۲۰	دمق	۲۸۴۷	۱,۳۰۱	۳,۴۵۴	۱,۲۶۶	۱۶۶	۲۳۶۵۷
۲۱	برزول	۲۷۳۹	۱,۳۲۲	۳,۴۳۶	۱,۲۶۷	۱۷۳	۲۲۵۳۱
۲۲	قهانوند	۲۴۰۷	۱,۳۴۲	۳,۳۸۱	۱,۲۸۱	۱۹۷	۲۱۵۰۷
۲۳	شیرین سو	۲۲۸۰	۱,۳۶۲	۳,۳۵۸	۱,۲۸۵	۲۰۸	۲۰۵۷۲
۲۴	جوکار	۲۲۰۹	۱,۳۸۰	۳,۳۴۴	۱,۲۸۴	۲۱۴	۱۹۷۱۵
۲۵	گل تپه	۱۸۷۶	۱,۳۹۸	۳,۲۷۳	۱,۳۰۷	۲۵۲	۱۸۹۲۶
۲۶	فرسفج	۱۶۰۸	۱,۴۱۵	۳,۲۰۶	۱,۳۲۹	۲۹۴	۱۸۱۹۸
۲۷	زنگنه	۸۴۴	۱,۴۳۱	۲,۹۲۶	۱,۴۵۰	۵۶۱	۱۷۵۲۴
	میانگین	-	-	۱,۱۹۲	-	-	-

جدول شماره ۱۲. اطلاعات تغییرات جمعیتی در نقاط شهری؛ منبع: نگارندگان

ردیف	نام شهر	جمعیت سال ۱۳۹۰	Log R	Log P	Q	مرتبه	جمعیت مورد انتظار
۱	همدان	۵۲۵۷۹۴	۰,۰۰۰	۵,۷۲۱			
۲	ملایر	۱۵۹۸۴۸	۰,۳۰۱	۵,۲۰۴	۱,۰۴۲	۳	۲۶۲۸۹۷
۳	نهاد	۷۵۴۴۵	۰,۴۷۷	۴,۸۷۸	۱,۰۷۵	۷	۱۷۵۲۶۵
۴	اسدآباد	۵۵۰۲۵	۰,۶۰۲	۴,۷۴۱	۱,۰۸۰	۱۰	۱۳۱۴۴۹
۵	تویسرکان	۴۴۵۱۶	۰,۶۹۹	۴,۶۴۹	۱,۰۸۰	۱۲	۱۰۵۱۵۹
۶	بهار	۲۷۶۴۵	۰,۷۷۸	۴,۴۴۲	۱,۱۱۳	۱۹	۸۷۶۳۲
۷	کبودرآهنگ	۲۰۳۴۹	۰,۸۴۵	۴,۳۰۹	۱,۱۳۲	۲۶	۷۵۱۱۳
۸	لالچین	۱۵۲۹۱	۰,۹۰۳	۴,۱۸۴	۱,۱۵۱	۳۴	۶۵۷۲۴
۹	فامنین	۱۴۴۷۸	۰,۹۵۴	۴,۱۶۱	۱,۱۴۶	۳۶	۵۸۴۲۲
۱۰	رزن	۱۳۷۱۱	۱,۰۰۰	۴,۱۳۷	۱,۱۴۱	۳۸	۵۲۵۷۹
۱۱	قروه درجزین	۱۰۲۳۱	۱,۰۴۱	۴,۰۱۰	۱,۱۶۷	۵۱	۴۷۷۹۹
۱۲	مریانج	۱۰۲۰۷	۱,۰۷۹	۴,۰۰۹	۱,۱۵۸	۵۲	۴۳۸۱۶
۱۳	ازندریان	۹۳۳۴	۱,۱۱۴	۳,۹۷۰	۱,۱۶۱	۵۶	۴۰۴۴۶
۱۴	جورقان	۹۲۶۲	۱,۱۴۶	۳,۹۶۷	۱,۱۵۳	۵۷	۳۷۵۵۷
۱۵	گیان	۸۱۰۲	۱,۱۷۶	۳,۹۰۹	۱,۱۶۳	۶۵	۳۵۰۵۳
۱۶	صالح آباد	۷۸۳۰	۱,۲۰۴	۳,۸۹۴	۱,۱۶۰	۶۷	۳۲۸۶۲
۱۷	سامن	۴۴۲۶	۱,۲۳۰	۳,۶۴۶	۱,۲۳۲	۱۱۹	۳۰۹۲۹
۱۸	سرکان	۴۲۷۱	۱,۲۵۵	۳,۶۳۱	۱,۲۳۰	۱۲۳	۲۹۲۱۱
۱۹	فیروزان	۴۰۵۴	۱,۲۷۹	۳,۶۰۸	۱,۲۳۱	۱۳۰	۲۷۶۷۳
۲۰	دمق	۳۷۸۳	۱,۳۰۱	۳,۵۷۸	۱,۲۳۵	۱۳۹	۲۶۲۹۰
۲۱	قهلوند	۳۱۱۵	۱,۳۲۲	۳,۴۹۳	۱,۲۵۹	۱۶۹	۲۵۰۳۸
۲۲	شیرین سو	۳۰۶۰	۱,۳۴۲	۳,۴۸۶	۱,۲۵۶	۱۷۲	۲۳۹۰۰
۲۳	برزول	۲۶۹۵	۱,۳۶۲	۳,۴۳۱	۱,۲۷۱	۱۹۵	۲۲۸۶۱
۲۴	گل تپه	۲۶۹۵	۱,۳۸۰	۳,۴۳۱	۱,۲۶۵	۱۹۵	۲۱۹۰۸
۲۵	جوکار	۲۴۲۵	۱,۳۹۸	۳,۳۸۵	۱,۲۷۷	۲۱۷	۲۱۰۳۲
۲۶	فرسنج	۱۷۲۱	۱,۴۱۵	۳,۲۳۶	۱,۳۳۱	۳۰۶	۲۰۲۲۳
۲۷	زنگنه	۷۲۵	۱,۴۳۱	۲,۸۶۰	۱,۵۰۰	۷۲۵	۱۹۴۷۴
میلگین	-	-	-	۱,۱۹۳	-	-	-

مدیریت شهری

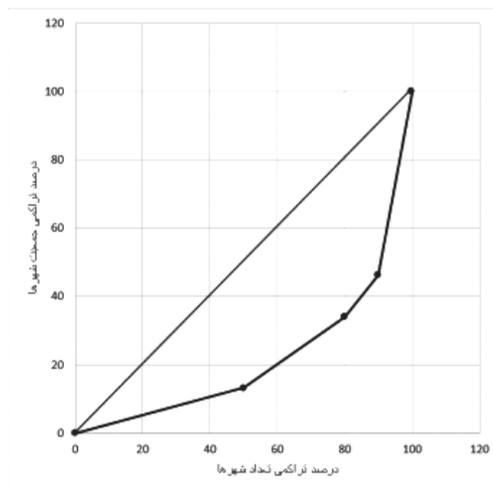
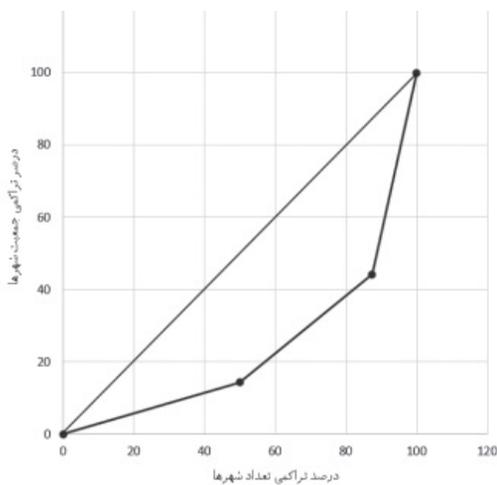
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

جدول شماره ۱۳. میانگین مقدار q طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ (منبع: نگارندگان)

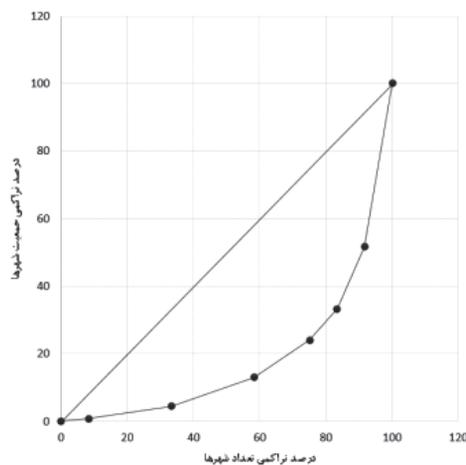
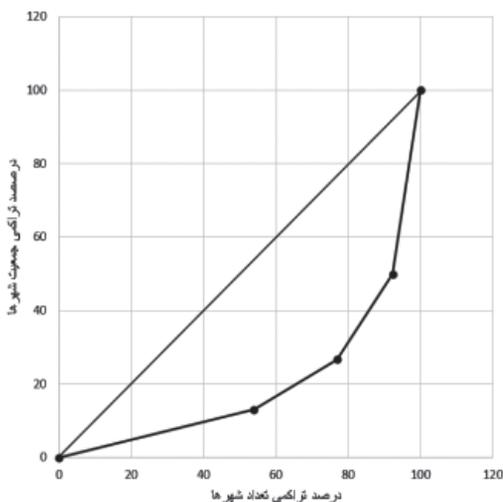
سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
میانگین	۱,۰۹۲	۱,۰۹۷	۱,۱۰۰	۱,۱۰۶	۱,۱۵۴	۱,۱۹۲	۱,۱۹۳

جدول شماره ۱۴. مقدار ضریب جینی شهرهای استان همدان بین سال های ۱۳۳۵-۱۳۹۰ (منبع: نگارندگان)

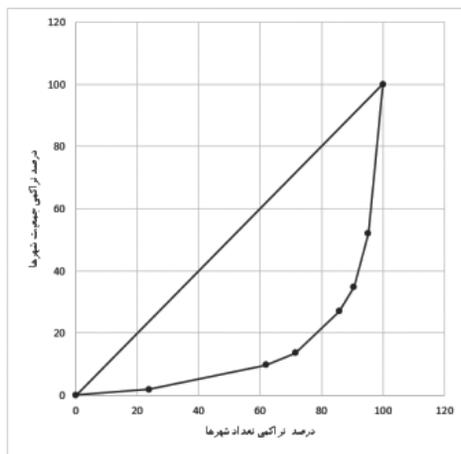
سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
ضریب جینی	۰/۵۳	۰/۵۶	۰/۶۰	۰/۶۳	۰/۷۲	۰/۷۷	۰/۷۸



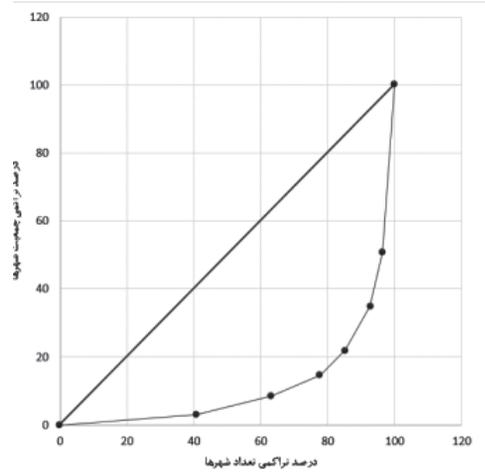
نمودار شماره ۱۷. توزیع و تعداد جمعیت شهری استان همدان با استفاده از منحنی لورنز سال ۱۳۳۵ و نمودار شماره ۱۶. توزیع و تعداد جمعیت شهری استان همدان با استفاده از منحنی لورنز سال ۱۳۴۵



نمودار شماره ۱۹. توزیع و تعداد جمعیت شهری استان همدان با استفاده از منحنی لورنز سال ۱۳۵۵ و نمودار شماره ۱۸. توزیع و تعداد جمعیت شهری استان همدان با استفاده از منحنی لورنز سال ۱۳۶۵

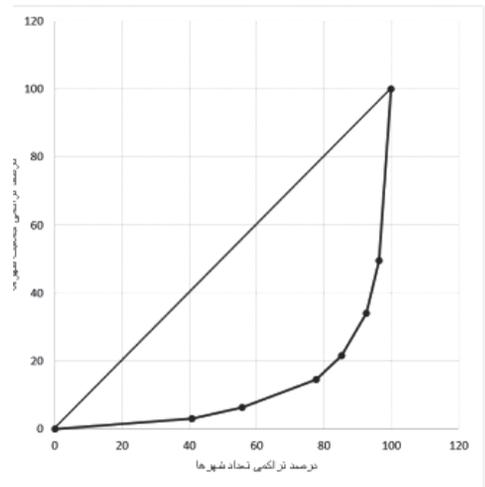


نمودار شماره ۲۰. توزیع و تعداد جمعیت شهری استان همدان با استفاده از منحنی لورنز سال ۱۳۷۵
نمودار شماره ۲۰. توزیع و تعداد جمعیت شهری استان همدان با استفاده از منحنی لورنز سال ۱۳۸۵



جمعیتی نظام شهری بوده است که این تحولات در نتیجه ساختار سیاسی و سیاست گذاری های اقتصادی در سطح کلان طی ۵۰ سال اخیر می باشد. تمرکز فعالیت ها و به طبع آن نیاز به نیروی کار در شهرهای بزرگ، زمینه افزایش جمعیت و گسترش شهرها را فراهم ساخته است. در این رابطه شهر همدان به علت زمینه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سبب جذب مهاجرین به این شهر شده و سلسله مراتب شهری استان را تا حدودی از توزیع پارتو (مرتب-اندازه) دور کرده است. جمعیت شهری استان همدان در سال ۱۳۳۵ برابر با ۱۷۸۹۴۹ نفر بوده که در سال ۱۳۹۰ به ۱۰۴۰۰۲۸ نفر افزایش یافته است.

با توجه به سوالات تحقیق می توان گفت شاخص نخست شهری وجود داشته است و میزان آن در استان همدان از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۶۵ در تمامی شاخص ها به غیر از شاخص موماو و الوصابی کاهش پیدا کرده است. ولی از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۹۰ روند صعودی داشته است. در شاخص موماو و الوصابی میزان نخست شهری در استان همدان از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۵۵ بر خلاف ۵ شاخص دیگر افزایش داشته ولی از سال ۱۳۵۵ به بعد مشابه سایر شاخص ها بوده است. همچنین درجه نخست شهری در نظام شهری بر پایه شاخص چهارشهر همواره بین ۰/۵۴ تا ۰/۶۵ بوده لذا شهر همدان در کلیه دوره ها برتری داشته است.



نمودار شماره ۲۲. توزیع و تعداد جمعیت شهری استان همدان با استفاده از منحنی لورنز سال ۱۳۹۰

و با نزدیک شدن به عدد ۱ نشان از افزایش عدم تعادل و توزیع نامتعادل جمعیت شهرها در نظام شهری استان همدان در ۵۵ سال اخیر دارد. بنابراین، علی رغم افزایش تعداد شهرها در استان ضریب جینی بهبود نیافته است و نظام شهری به سوی عدم تعادل بیشتر پیش رفته است و افزایش ۰/۲۵ در مقدار ضریب جینی در این سال ها حاصل شده است.

نتیجه گیری

سلسله مراتب شهری استان همدان متأثر از تحولات

در بررسی ضریب آنتروپی نظام شهری استان همدان، به علت افزایش تعداد شهرها در طبقات شهری توزیع نرمال تری تا سال ۱۳۸۵ را شاهد هستیم و مقدار ضریب آنتروپی از ۰/۴۶۴، در سال ۱۳۳۵ به ۰/۷۳۷، در سال ۱۳۸۵ رسیده است. اما این مقدار برای سال ۱۳۹۰ با کاهش اندک به ۰/۷۲۳، رسیده است که رو به عدم تعادل میل می کند. در بررسی توزیع پارتو، مقدار q در تمامی دوره های مورد بررسی بزرگ تر از یک می باشند بنابراین در نظام شهری استان همدان تسلط شهر برتر بسیار زیاد بوده و به تدریج از سال ۳۵ تا ۸۵ به این برتری اضافه شده است به گونه ای که میانگین q در سطح شهرهای استان از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ افزایش تدریجی داشته و از ۱/۰۹۲ در سال ۱۳۳۵ به ۱/۱۹۳ در سال ۸۵ رسیده است. مرتبه شهر همدان در سال ۱۳۳۵ نسبت به شهر دوم (ملایر) ۵ برابر بوده است که این میزان در سال ۱۳۹۰ به ۳ برابر رسیده است. این امر نشان دهنده کاهش اختلاف جمعیتی شهر اول نسبت به شهر دوم است.

از نظر ضریب جینی و منحنی لورنز، توزیع درصد تراکمی تعداد و جمعیت شهرهای استان همدان طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ با خط نرمال فاصله بیشتری پیدا کرده است که این امر نشان دهنده افزایش عدم تعادل و توزیع نامتعادل تعداد شهرها در نظام شهری استان همدان در ۵۵ سال اخیر است. بنابر نتایج به دست آمده، پیشنهادهایی در راستای متعادل سازی نظام شهری ارائه می گردد :

تمرکز زدایی خدمات و فعالیت های جاذب جمعیت در زمینه های مختلف اداری، صنعتی، تجاری و... ایجاد خدمات منطقه ای در شهرهای کوچک در راستای خدمت رسانی به حوزه نفوذ این شهرها شامل بخش ها و روستاهای مرتبط ایجاد و توسعه صنایع کوچک در شهرهای کوچک در جهت رسیدن به اهداف آمایش سرزمین و برنامه ریزی فضایی ایجاد شهرهای جدید برای جلوگیری از تمرکز تک هسته ای در شهر نخست استان

منابع و مأخذ

بهبروز، فاطمه (۱۳۷۴)، «تحلیلی نظری- تجربی برای متعادل سازی توزیع فضایی جمعیت در سیستم شهرهای

ایران»، سازمان پژوهش های جغرافیایی، شماره ۲۸، تهران.

پاتر، رابرت ب و ایونز، سلی لوید (۱۳۸۴)، «شهر در جهان در حال توسعه»، ترجمه کیومرث ایراندوست، مهدی دهقان منشادی و میترا احمدی، تهران، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، چاپ اول.

تقوایی، مسعود و صابری، حمید (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر سیستم های شهری ایران طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵»، مجله مطالعات پژوهش های شهری و منطقه ای، سال دوم، شماره پنجم.

توسلی، غلامعباس (۱۳۷۴)، «جامعه شناسی شهری»، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.

حکمت نیا، حسن و موسوی، میر نجف (۱۳۸۵)، «کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه ای»، انتشارات علم نوین.

دراکاکیس اسمیت، دیوید (۱۳۷۷)، «شهر جهان سومی»، ترجمه فیروز جمالی، تهران، نشر توسعه.

رهنما، محمد رحیم و عباس زاده، غلامرضا (۱۳۸۵)، «مطالعه تطبیقی سنجش درجه پراکنش/فشردهگی در کلان شهرهای سیدنی و مشهد»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ششم.

زبردست، اسفندیار (۱۳۸۶)، «بررسی تحولات نخست شهری در ایران»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۹، تهران. زیاری، کرامت ا... (۱۳۸۳)، «برنامه ریزی شهرهای جدید»، تهران، انتشارات سمت.

زیاری، کرامت ا... و موسوی، میر نجف (۱۳۸۴)، «بررسی سلسله مراتب شهری در استان آذربایجان غربی»، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، جلد هجدهم، شماره ۱، اصفهان.

شکوئی، حسین (۱۳۷۳)، «دیدگاه های نو در جغرافیای شهری»، جلد اول، تهران، انتشارات سمت.

شبعه، اسماعیل (۱۳۷۸)، «با شهر و منطقه در ایران»، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.

شبعه، اسماعیل (۱۳۷۵)، «مقدمه ای بر مبانی برنامه ریزی شهری»، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.

عابدین درکوش، سعید (۱۳۸۰)، «درآمدی به اقتصاد

mentaladongas». Journal of Environmental Management No. 90.

Kotlyakov, V & Komarova, A (2007), «Elsevier's Dictionary of Geography, Printed and bound in The Netherlands», Elsevier.

Mather, o.p (1997), «Regional Development Planning and Management in Asia: A Retrospective and Perspective Review, in Regional Development Planning and Management of Urbanization»: Experiences from Development Countries.

Moomaw, R.M and M.A Alwosabi (2004), «An empirical analysis of competing explanations of urban primacy evidence from Asia and the Americas», The Annals of Regional science, Vol. 38, pp. 149-171

Nishiyama, Y, Osada, S and Sato, S (2008), «Ole Estimation and the t test revisited in rank-size regression», Journal of Regional Science, No 48, pp. 691-716

Nitsch, Volker, (2005), «Zipf Zipped» Journal of Urban Economics, No. 57, www.elsevier.com/locate/jue

Sharbatoghlie, A. (1991), «Urbanization and Regional Disparities in Post-revolutionary Iran», West View Press.

Tasi, Yu (2005), «Quantifying Urban form Compactness Versus Sprawl», Urban Studies, Vo.142. Nol.

Wheeler, J & Muller, P (1998), «The City as an Economic Node», Wiely VCH, Germany.

شهری»، چاپ دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی. عظیمی، ناصر (۱۳۸۲)، «طرح های کالبدی منطقه ای»، مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی، ایران. علی اکبری، اسماعیل و فرجی دارابخانی، محمد (۱۳۸۵)، «شهرهای اداری - سیاسی و ناپایداری شهری»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ششم.

مجتهد زاده، غلامحسین (۱۳۸۳)، «برنامه ریزی شهری در ایران»، تهران، انتشارات پیام نور.

محمد زاده تیتکانلو، حمیده (۱۳۸۱)، «ظرفیت سازی در شهرهای متوسط و توسعه فضایی منطقه ای»، رساله دکتری شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران. مومنی، مهدی (۱۳۸۷)، «اصول و روش های برنامه ریزی ناحیه ای»، نجف آباد، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

نظریان، اصغر (۱۳۷۷)، «جغرافیای شهری ایران»، چاپ چهارم، دانشگاه پیام نور.

نورمن، ری. ام (۱۳۷۱)، «سلسله مراتب شهری»، ترجمه فرح حبیب، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۱۹ و ۲۰، هاگت، پیتر (۱۳۷۵)، «جغرافیای ترکیبی نو»، جلد دوم، ترجمه شاپور گودرزی نژاد، تهران، انتشارات سمت.

هال، پیتر و فایفر، اولریخ (۱۳۸۸) «آینده شهری قرن ۲۱»، ترجمه اسماعیل صادقی، ناهید صادقی، تهران، انتشارات جامعه مهندسان مشاور ایران، چاپ اول.

Caves, Roger W, (2005), «Encyclopedia of the City». First published by Routledge

Clark, D (2000), «Urban Word, Global City», Routledge, London.

Fallman, Jorome.D (2007), «Human Geography, Landscape of Human Activites», 6th edition, McGrew.

Fragkias, Michail & Karen, Seto, (2008), «Evolving rank-size distributions of intra-metropolitan urban clusters in South China». Computers, Environment and Urban Systems, NO 33.

Kirkb, C. J. Groves, Denman A. R., Phillips P. S, (2009), «Lorenz Curve and Gini Coefficient: Novel tools for analyzing seasonal variation of environ-

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

■ ۲۸ ■

رهیافتی انتقادی بر تبارشناسی جنسیت زدگی شهر در رویکردهای فمنیستی با تاکید بر ارتقاء جایگاه زنان

فریال سادات سیادتی* - کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شرق، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، تهران، ایران.

حمید ماجدی - دانشیار، دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

Gender rejection of feminist critical approach to genealogy with emphasis on promoting the status of women

Abstract

Today, issues related to the presence of social strata in urban areas and the enjoyment of fundamental aspects of citizen interaction that is considered sustainable human development; The most important issues of urban management, the effect of interventions focused on the issue of urban planning and sociology have. On the other hand, the gender feminist approaches to the city and damaged areas of the city, need to examine the dimensions and characteristics of the area in question is no, in this article. The research is descriptive and analytical study of the collection consists of library studies and documents have been used. Finally, referring to a variety of approaches, trends, feminist theories of the city, has been analyzed and criticized. In order to promote the presence of women in urban areas and the realization of obstacles to overcome gender dimensions of space and freezing guidelines and recommendations have been discussed.

Key words: jender, rejection, urban space, feminism, women and urban management.

چکیده

امروزه مباحث مربوط به حضور اقشار اجتماعی در فضاهای شهری و برخورداری از تعاملات شهروندی که از ابعاد اساسی توسعه انسانی پایدار بشمار می رود، از مقولات مهم مدیریت شهری بوده که تأثیرات خود را در مداخلات معطوف به مساله در نظام برنامه-ریزی و جامعه شناسی شهری داشته است. از سویی دیگر، رویکردهای فمنیستی به شهر و جنسیت زدگی فضاهای شهر، نیازمند بررسی ابعاد و مولفه های مربوط به خود در حوزه نظری است که در این مقاله موردنظر قرار گرفته است. روش تحقیق مقاله توصیفی و تحلیلی است که از ابزار گردآوری مشتمل بر مطالعات کتابخانه ای و اسنادی استفاده شده است. در پایان ضمن اشاره به انواع رویکردها، گرایشها، نظریه های فمنیستی شهر، به تحلیل و نقد آنها پرداخته شده و در راستای ارتقاء حضور زنان در فضاهای شهری و تحقق موانع موجود برای رفع این ابعاد جنسیت زدگی فضایی، راهکارها و پیشنهاداتی مورد اشاره قرار داده شده است.

واژگان کلیدی: جنسیت زدگی، فضای شهری، فمنیسم، زنان و مدیریت شهری.

مقدمه

«درآمدی بر جامعه‌شناسی» (نگرش‌های فمینیستی)^۳، و «ایدئولوژی‌های سیاسی»^۴ هستند. در این مقاله، علاوه بر استفاده از آثار مذکور، تا حد امکان سعی شده است به منابعی مراجعه شود که به دلیل جدید بودنشان، تا به امروز در نوشته‌های فارسی مورد استفاده قرار نگرفته‌اند؛ منابعی که هر یک با برخورداری از غنای علمی، بخش‌های متعدد این مقاله را شکل داده‌اند. همچنین مقوله جنسیت زدگی در فضاهای شهری و رویکردهای فمینیستی در حوزه اندیشه فضایی مورد بحث قرار گرفته و در پایان راهکارهایی برای ارتقاء جایگاه زنان در فضاهای شهری و شهر و خاصه مدیریت شهری مورد اشاره قرار گرفته است.

مبانی و ادبیات نظری

ریشه‌شناسی (ایدئولوژی) فمینیسم

«فمینیسم» (Feminism) در اصل واژه‌ای فرانسوی (Feminisme) است که از ریشه لاتینی femina به معنای زن (woman) اخذ شده است. حالت وصفی این واژه در زبان انگلیسی و در زبان فرانسه Feminin است که از کلمه لاتینی femininus به معنای «زنانه» گرفته شده است. در زبان فارسی، «طرفداری از حقوق زن»، «جنبش آزادی زنان»، «زن‌باوری»، «زن‌آزادخواهی» و مانند آن معادل‌هایی هستند که برای واژه «فمینیسم» ارائه شده‌اند. در اصطلاح، اندیشمندان تعریف و معنای واحدی از فمینیسم ارائه ندادند. برخی از آنها معتقدند: به دلیل آن که فمینیسم جنبش واحدی نیست، امکان تعریف واحدی از این مکتب وجود ندارد. آنان معتقدند: «اگرچه تمام فمینیست‌ها در این باره که زنان فرودستند و برای آزادی آنان باید راهکارهایی اتخاذ کرد، هم عقیده‌اند، اما درباره علل ستم‌دیدگی زنان و راهکارهای رسیدن به آزادی، بین آنان اختلاف نظرهای اساسی وجود دارد» (پاملا ابوت و کلر

زنان به عنوان نیمی از جمعیت فعال کشور دارای نقش روزافزون و فزاینده‌ای در فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هستند و نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود و ارتقای رشد و توسعه اقتصادی ایفا می‌کنند. در جامعه اسلامی حضور زنان و برخورداری از حقوق شهروندی یکی از حقوق اجتماعی اولیه زنان به‌شمار می‌آید؛ به‌گونه‌ای که آنان با انتخاب شغل مناسب با ظرفیتهای خود، آزاد باشند علاوه بر بهره‌مندی از مزایای حاصل از تلاش خود، در سازندگی اجتماع نیز سهیم باشند. حضورپذیری زنان در فضاهای جمعی اثرات مثبت بسیاری برای خانواده و اجتماع دارد؛ به طوری که ضمن فراهم نمودن رضایت روحی و روانی، افزایش رفاه و ارتقاء سطح فرهنگی، موجب بهره‌مندی جامعه از توان و تخصص زنان نیز می‌شود؛ اما دستیابی به این مهم نیازمند برنامه‌ریزی دقیق است که به طور یقین توجه به آموزه‌های دینی و بهره‌گیری از تعالیم اسلامی، می‌تواند راه‌گشای بسیارخوبی جهت موفقیت هرچه بیشتر زنان در عرصه فعالیت‌های اجتماعی و فضاهای شهری باشد (ر. ک: آیت‌اللهی، ۱۳۸۱). از سویی دیگر، فضاهای شهری امروز تاحدودی فضاهایی جنسیت‌زده و مردسالار هستند که امکان حضور سازنده زنان در عرصه‌های جمعی را کاهش می‌دهند و به برخی از چالش‌های مورد نظر برخی رویکردهای فمینیستی دامن می‌زنند؛ چنانچه آثار و نوشته‌های متعددی در باب «فمینیسم» به نگارش درآمده‌اند. در زبان فارسی، علی‌رغم تألیفات اندک در این موضوع، ترجمه ده‌ها کتاب و مقاله، که توسط فمینیست‌ها یا درباره فمینیست‌ها به نگارش درآمده‌اند، موجودند. نوشته‌های نویسندگان ایرانی غالباً برگرفته از آثاری مانند «انقیاد زنان»^۱، «جنس دوم» (سیمون دوبووار، بی‌تا)، «پیکار با تبعیض جنسی»^۲،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۳۰

۱. برای مطالعه بیشتر ر. ک: جان استوارت میل، انقیاد زنان، ترجمه علاءالدین طباطبائی، تهران، هرمس، ۹۷۳۱. (این کتاب پیش از این، تحت عنوان کنیزک کردن زنان توسط آقای خسروریگی نیز ترجمه شده است).
۲. برای مطالعه بیشتر ر. ک: آندره میشل، پیکار با تبعیض جنسی، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران، نگاه، ۶۷۳۱.
۳. برای مطالعه بیشتر ر. ک: پاملا ابوت و کلر والاس، درآمدی بر جامعه‌شناسی (نگرش‌های فمینیستی)، ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران، دنیای مادر، ۶۷۳۱. (این کتاب در سال ۰۸۳۱ تحت عنوان جامعه‌شناسی زنان با ترجمه خانم منیژه نجم عراقی، توسط انتشارات نی و با افزودن ترجمه سه بخشی که در کتاب قبلی نیامده بود، منتشر شد).
۴. برای مطالعه بیشتر ر. ک: یان مکنزی و دیگران، ایدئولوژی‌های سیاسی، ترجمه م. قائد، نشر مرکز، ۵۷۳۱، مقاله «فمینیسم»، نوشته ویک و یلفورد.

۱. تاریخ فمینیسم به سپیده دم آگاهی بشر برمی گردد. «سوزان گریفین» در کتاب «زنان و طبیعت» و «آندره میشل» در کتاب «فمینیسم»، به نوعی به این دیدگاه گرایش دارند. آنان سعی می کنند فمینیسم را از زمان ماقبل تاریخ مورد مطالعه قرار دهند.
۲. تاریخ فمینیسم به آغاز قرن پانزدهم میلادی برمی گردد. این نوع نگاه متأثر از کتاب «شهر بانوان» (۱۴۰۵)، نوشته «کریستینا دوپیزان» است.
۳. تاریخ فمینیسم به قرن هفدهم تعلق دارد. «آفرابن» (۱۶۸۰-۱۶۴۰) تأثیر بسزایی در شکل گیری این نوع نگاه داشته است.
۴. تاریخ فمینیسم به اواخر قرن هجدهم پس از انقلاب فرانسه برمی گردد. مشهورترین دیدگاه همین دیدگاه چهارم است؛ دیدگاهی که «وینسنت» معتقد است احتمالاً جزو صحیح ترین نظرها باشد. خانم «مری ولستون کرافت» با نوشتن کتاب «حقانیت حقوق زن» (۱۷۹۲) شاخص ترین فردی است که توانسته است در این دوران فمینیسم را مطرح نماید (اندرو وینسنت، ۱۳۷۸، ص ۲۴۸ تا ص ۲۵۱).
- پس از انقلاب فرانسه، فمینیسم دارای سه موج مهم بوده است؛ امواجی که با اعتدال و حالت میانه آغاز و پس از رسیدن به اوج افراط، امروزه با رویکرد تعدیلی به اهداف خویش ادامه می دهند:
۱. **موج اول:** موج اول در سال ۱۸۳۰ شروع شد. «مری ولستون کرافت» با نوشتن کتاب «حقانیت حقوق زن» (۱۷۹۲) تأثیر اصلی را بر این موج گذاشت. پس از وی، «جان استوارت میل» با همکاری همسر اولش، هری تیلور، کتاب «انقیاد زنان» (۱۸۶۹) را نوشت که تأثیر مهم بعدی را بر این موج گذاشت. نگارش این کتاب در حالی صورت گرفت که زنان در دوره ویکتوریا، در اوج سرکوب به سر می بردند. می توان گفت: اساساً اندیشه
- والاس، ۱۳۷۶، ص ۱۵).
- واژه «فمینیسم» از نوآوری های قرن بیستم در دهه ۱۹۶۰ بوده که با دو اعتقاد اساسی در ارتباط است:
۱. اول آن که زنان به دلیل جنسیتشان دچار محرومیت هستند، و
۲. دوم این که این محرومیت باید از میان برود (اندرو هی وود، ۱۳۷۹، ص ۴۰۹).
- در دیدگاه دیگر، فمینیست کسی است که معتقد باشد زنان به دلیل جنسیت، گرفتار تبعیض هستند. زنان نیازهای مشخصی دارند که نادیده و ارضا نشده باقی مانده اند و لازمه ارضای این نیازها، تغییر اساسی در نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (یان مکنزی و دیگران، ۱۳۷۵، ص ۳۴۶). با مراجعه به فرهنگ های معتبر انگلیسی، می توان دو مفهوم اساسی و مهم از فمینیسم برداشت کرد:
۱. فمینیسم آموزه ای است که از حقوق مساوی برابر زنان با مردان در امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دفاع می کند.
۲. فمینیسم جنبش سازمان یافته ای است که برای به دست آوردن حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زنان شکل گرفته است.
- فمینیست ها معرفت شناسی خود را در دو رکن خلاصه کرده اند:
۱. یکی انتقاد از اصالت فرد و دیگری نقش و جایگاه معرفت. تمام تلاش فمینیست ها معطوف به این است که اولاً معرفت زنانه با معرفت مردانه متفاوت است،
۲. ثانیاً معرفت زنانه امتیاز و ویژگی خاصی به معرفت مردانه دارد. بنابراین ادعای اول آنها در باب معرفت شناسی این است که معرفت با جنسیت متفاوت است.
- پیشینه شناسی فمینیسم**
- فمینیسم یا اندیشه فمینیستی از چه زمانی آغاز شده است؟ اندرو وینسنت معتقد است: چهار دیدگاه مهم در باب خاستگاه اندیشه فمینیستی وجود دارند:

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: اندرو هی وود، درآمدی بر ایدئولوژی های سیاسی، ترجمه محمدرفعی مهرآبادی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹، ص ۴۰۹.

Random House, Webster's Dictionary, 1999; Microsoft Bookshelf 0002; Merriam Webster's Collegiate Dictionary 399; The American Heritage Dictionary, 7991

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: اندرو وینسنت، ایدئولوژی های مدرن سیاسی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، ققنوس، ۱۳۷۸، ص ۲۴۸ تا ص ۲۵۱.

حقوق لیبرال سنتی، زمینه اصلی بروز این موج به شمار می‌رود؛ دیدگاهی که برخاسته از اندیشه «جان لاک» بود. گسترش حقوق مدنی و سیاسی، به ویژه اعطای حق رأی به زنان، خواسته و هدف اصلی این موج بود. البته در کنار هدف اصلی، اهداف فرعی نیز وجود داشتند. از جمله این اهداف می‌توان به دست‌یابی زنان به کار، آموزش، بهبود موقعیت زنان متأهل در قوانین، حق برابر با مردان برای طلاق و متارکه قانونی و مسائل پیرامون ویژگی‌های جنسی اشاره کرد (پاملا ابوت و کلر والاس، پیشین، ص ۲۰۹).

۲. **موج دوم:** موج دوم فمینیسم از دهه ۱۹۶۰ آغاز می‌شود. «سیمون دوبووار» با نوشتن کتاب «جنس دوم» (۱۹۴۹) و «بتی فریدن» با نگارش کتاب «زن فریب خورده»، تأثیر اصلی را در برانگیختن این موج داشتند. از دیگر متفکران مهم در این موج، می‌توان به «کیت میلر»، نویسنده «سیاست جنسی» (۱۹۷۰) و «جرماین گریبر»، نویسنده «خواجه زن» (۱۹۷۰) اشاره کرد. موج اول تا حدی توانست وضعیت زنان را در رابطه با برخی از مسائل بهبود بخشد. گسترش آموزش و پرورش، شایستگی زنان برای ورود به مشاغل متعدد، قانونی شدن سقط جنین، پرداخت دست‌مزد برابر به زنان، برخورداری از حقوق مدنی برابر و گسترش امکانات تجدید موالید از جمله نتایج مهم تلاش‌ها در موج اول بودند. موفقیت در این زمینه‌ها موجب شد برخی از فمینیست‌ها به دنبال برداشتن گام‌های بعدی باشند (اندرو وینسنت، ۱۳۷۸، ص ۲۵۱).

۳. **موج سوم:** موج سوم فمینیسم از اوایل دهه ۱۹۹۰ آغاز می‌شود. فمینیسم، که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در اوج خود به سر می‌برد، در اواخر قرن بیستم با مشکلات زیادی مواجه شد و در نتیجه، در سرازیری انحطاط افتاد. شکافها و دسته‌بندی‌های آشکاری در درون جنبش زنان به وجود آمدند. دولت‌های تاچر و ریگان در دهه ۱۹۸۰، آشکارا با این نهضت ستیز کرده، خواستار اعاده از دست‌رفته «ارزشهای خانوادگی» شدند. فمینیست‌ها، که به بسیاری از اهداف اصلی شان دست یافته بودند، آن قدر به سمت افراط پیش رفتند که حتی نهضت مردان در

حال شکل‌گیری بود. این مسائل باعث شدند فمینیسم در اوایل دهه ۱۹۹۰ یک فرایند اعتدال را تجربه کند. جناح مبارز و انقلابی آن کنار گذاشته شد و به ستایش و اهمیت به دنیا آوردن فرزند و نقش مادری پرداخته‌اند (اندرو هی وود، پیشین، ص ۴۴).

گرایش‌های فمینیستی و جامعه‌شناسی شهر

۱. «**گرایش لیبرالی**»: «برابری» و «رفع تبعیض جنسی» مهم‌ترین محور مطالعات فمینیسم لیبرال بوده است. لیبرال‌ها، به مقتضای فردگرایی معتقدند که تمایزی میان زن و مرد وجود نداشته و جنسیت زنان هیچ‌گونه ارتباطی با برخورداری یا عدم برخورداری از حقوق مدنی ندارد. زنان از قابلیت قدرت تعقل کامل برخوردار بوده و از این رو، استحقاق برخورداری از تمام حقوق انسانی را دارا هستند (پاملا ابوت و کلر والاس، ۱۳۷۶، ص ۲۴۶).

۲. «**گرایش مارکسیستی**»: محور عمده مطالعات فمینیسم مارکسیستی در زمینه «برابری» و «حذف سرمایه‌داری» است. به نظر این دسته از فمینیست‌ها، سرمایه‌داری مشکل عمده نابرابری میان زنان و مردان است. سرمایه‌داری اساساً باعث دو ستم بر زنان شده است: اول آن که زنان را از کارمزدی باز داشته و سپس نقش آنان را در حوزه خانگی تعیین کرده است. به عبارت دیگر، کار بی‌مزد زنان در مراقبت از نیروی کار و پرورش نسل بعدی کارگران، به سرمایه‌داری سود می‌رساند و برای بقای آن ضرورت دارد (پاملا ابوت و کلر والاس، پیشین، صص ۲۴۸-۲۴۹).

۳. «**گرایش رادیکالی**»: «نجات زنان» و «حذف مردسالاری» محور اصلی مطالعات و مطالبات این دسته از فمینیست‌ها هستند. این گرایش در مطالعات فمینیستی آن قدر حایز اهمیت است که حتی برخی از محققان معتقدند: جنبش اصلی فمینیسم در واقع همین گرایش رادیکالی است. بر اساس این نگرش، به دلیل آن که هیچ حوزه‌ای از جامعه از تبیین مردانه برکنار نیست، نابرابری‌های جنسیتی ناشی از نظام مستقل مردسالاری است (اندرو وینسنت، پیشین، ص ۲۸۶).

۴. «**گرایش سوسیالیستی**»: حذف نظام «سرمایه‌داری» و «مردسالاری» محور مطالعه فمینیست‌ها در این نگرش

هستند. فمینیست‌های سوسیال معتقدند: برای فهم مشکلات زنان و رهایی از آنها باید هر دو نظام سرمایه داری و مردسالاری را به طور همزمان مورد مطالعه و ارزیابی قرارداد، که از این نظر این یک نگرشی «دوگانه‌گرا» است.

۵. «گرایش پسانوگرا»: این گرایش نیز «حذف مردسالاری» را محور عمده مطالعات خویش قرار داده است. پسانوگراها به دلیل آن که با ارائه هرگونه تفسیر واحد و جهان شمول از جهان مخالفت می‌کنند، در باب مسائل زنان نیز معتقدند: همه نگرش‌های فمینیستی چون در جهت ارائه تفسیری واحد و جهان شمول از زنان برآمدند، دچار مشکل هستند. به نظر این دسته از فمینیست‌ها، اساساً ارائه تفسیری واحد و کلی در باب واقعیت، حقیقت، معرفت اخلاق و سیاست، در واقع تداوم فرهنگ مردسالارانه است، در حالی که در مقابل این گونه تفسیرها، چندگانگی و کثرت امری مطلوب و ضروری به نظر می‌رسد.

۶. «گرایش اسلامی»: فمینیسم اسلامی اصطلاحی است که در چند سال اخیر، به ادبیات دفاع از حقوق زنان راه یافته و در برخی کشورهای اسلامی بخشی از زنان را به خود جذب نموده است. از اواخر قرن ۱۹ میلادی، اندیشه‌های زن‌گرایانه غربی توسط آثار مکتوب نویسندگان مسلمان آشنا به غرب، به کشورهای اسلامی راه یافت. شاید کشور مصر اولین کشور اسلامی باشد که اندیشه‌های فمینیستی به آن راه یافته باشد. از مهم‌ترین آثار زن‌پژوهی این دوره می‌توان به کتاب «المرأة والمرأة الجديدة»، نوشته قاسم امین، اشاره کرد. وی سعی نمود بر اساس دیدگاه تجددگرایانه، به تفسیر و تأویل آموزه‌های دینی بپردازد؛ کاری که امروزه بسیاری از فمینیست‌های اسلامی به آن مشغولند؛ یعنی بخش مهمی از تلاش خود را صرف مبارزه درون دینی برای حاکمیت نگاه زن‌گرایانه می‌کند. در ایران، اندیشه دفاع از حقوق زنان همزمان با مشروطه مطرح شد. در ابتدا، نویسندگان ضرورت بهداشت زنان را به عنوان اولویت و حقوق زنان را در رتبه بعدی مطرح کردند. پدیده فمینیسم اسلامی که خود را دارای

مبانی تئوریک خاصی می‌داند و بر اساس یک جهان‌بینی تعریف شده به تحلیل دین و آموزه‌های می‌پردازد، در ایران عمری کمتر از دو دهه دارد و به دو دلیل قوت گرفت:

۱. بافت دینی و مذهبی جامعه که نگرشی خاص درباره زن دارد؛

۲. نظام حکومت دینی که به مقتضای آن حقوق اسلامی مانند حقوق جزایی، مدنی و سیاسی اعمال می‌گردد؛ که اجرای این قوانین در نظام اجتماعی چالش‌هایی را بین نگرش سنتی و نوین درباره مسائل زنان به وجود آورده است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، گروهی از ایرانیان مخالف نظام به غرب مهاجرت کردند. از میان آنان، عده‌ای سلطنت و عده‌ای مخالف حکومت دینی بودند. در دهه ۶۰، تعدادی از گروه‌های چپ و مارکسیست به آنان ملحق شدند. در ابتدا، بیش‌تر فعالیت آنها مقابله سیاسی با انقلاب اسلامی بود؛ اما به مرور و به تبع تحلیلگران غرب، به این نتیجه رسیدند که باید راه کارهای فرهنگی بلند مدت را برای مقابله برگزینند.

واژگان شناسی جنسیت و شهر

فمینیست‌ها از دهه ۱۹۶۰ به بعد، مباحث متعددی را مورد بحث قرار دادند. در این میان، به نظر می‌رسد برخی از آن مباحث جلوه بیش‌تری نسبت به دیگر مباحث داشته است. بحث از جنسیت، مردسالاری، حوزه عمومی و خصوصی، خانواده و دین از جمله مباحثی هستند که تقریباً همه گرایش‌های فمینیستی، به ویژه گرایش افراطی، در باب آن مطالبی را بیان داشتند:

۱. «جنسیت»: جنسیت قوی‌ترین و مهم‌ترین تقسیم‌بندی اجتماعی است. از نظر فمینیست‌ها، جنسیت همانند طبقه اجتماعی، نژاد و یا دین، یک طبقه‌بندی مهم اجتماعی است. همچنان که سوسیالیست‌ها در آموزه‌شان «سیاست طبقاتی» را به کار می‌برند، فمینیست‌ها نظریه «سیاست جنسی» را ارائه می‌دهند. به نظر فمینیست‌ها «جنسیت‌گرایی» به عنوان شکلی از ظلم محسوب می‌گردد که مشابه «نژادپرستی» است^۱ (اندرو هی وود،

۱. فمینیست‌ها معتقدند: اساساً باید بین Sex و Gender (جنس و جنسیت) فرق گذاشت. «سکس» یا «جنس» فقط مربوط به جنبه‌های زیستی است در صورتی که «جنس» یا «جنسیت» چارچوب نقش زنان را از نظر اجتماعی مشخص می‌سازد. در چارچوب اجتماعی است که هر چیزی مربوط به زن یا مرد منهای اعضای جنسی آنان با تغییر و تعدیل محیط اجتماعی و فرهنگی، می‌تواند در زنان تغییرات و تحولات بسیاری ایجاد کند.

پیشین، ص ۴۱۷).

نقد و ارزیابی تحلیلی فمینیسم

تعدد گرایش‌ها در فمینیسم نشانگر ناسازگاری، اختلافات، عدم تحمل و نقد درونی حامیان آن در این مکتب است. در میان گرایش‌های فمینیستی، «فمینیسم رادیکالی (افراطی)» مخرب‌ترین و عقب افتاده‌ترین جنبش دهه ۶۰ است (رابرت اچ. بورک، پیشین، ص ۴۳۹). اگرچه دیگر گرایش‌ها همگی نیازمند نقد هستند، اما آنچه امروزه نقد آن از اهمیت لازم برخوردار است، «فمینیسم رادیکالی» است. نقد این جنبش نیازمند کاوشی عمیق در برخی حوزه‌های معرفتی همچون هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و انسان‌شناسی است. اما دیگر گرایش‌های فمینیستی عموماً نیازمند نقدی سطحی و رویین در مسأله فمینیسم هستند؛ چراکه اساساً نقدهایی که در حوزه معرفتی و اندیشه‌ای بر مکاتب لیبرالیسم، مارکسیسم، سوسیالیسم و پسانوگرا وارد می‌شوند به گونه‌ای طبیعی مسأله فمینیسم را نیز در بر خواهند گرفت، اما وضعیت فمینیسم رادیکال بدین گونه نیست. «فمینیسم رادیکال» مکتب یا به عبارت بهتر، جنبشی است که اصلاً در باب زنان و رهایی آنان شکل گرفته است. از این نظر، شاید بتوان حق را به کسانی داد که معتقدند: فمینیسم واقعی همان «فمینیسم رادیکال» است. به برخی از ابعاد و معضلات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این جنبش، که عموماً از زبان غربی‌ها بیان شده‌اند، فهرستوار اشاره می‌شود:

۱. جنبش فمینیسم منظری تک بعدی به تمام جنبه‌های زندگی انسان دارد. این جنبش تمام بدبختی‌ها و شرور جهان را در اثر تسلط مردها بر زنان دانسته و خواهان حذف مردان در تمام عرصه‌های اجتماعی است، درحالی که زندگی در این جهان و بقا و تداوم آن ناگزیر از تعامل زن و مرد در زندگی اجتماعی است. بنابراین، عدم توجه به مکمل بودن زن و مرد و برتری یا فرودستی هر یک از دو جنس بزرگ‌ترین خطای این دسته از فمینیست‌هاست.

۲. روح حاکم بر جنبش فمینیستی همان روح دیکتاتوری است. فمینیسم به فرد اجازه نمی‌دهد تا برای خود تصمیم‌گیری نماید و بیندیشد؛ حتی در تفکر خصوصی اشخاص هم مداخله می‌کند. به فرد اجازه ابراز وجود نمی‌دهد و

۲. «دین‌گرایی و خانواده»: فمینیست‌ها نگاه بدبینانه به دین و خانواده دارند. به نظر آن‌ها، دین ساخته و پرداخته مردان بوده است تا از طریق آن بتوانند زنان را تحت سلطه خویش قرار دهند. خانواده نیز موجب تحقیر و تبعیض زنان است. خانم مارتا ناسبام معتقد است: بی‌رحمانه‌ترین تبعیض‌ها نسبت به دختران از محیط خانواده شروع می‌شود. همچنین «سیمون دوبووار» می‌گوید: به هیچ زنی نباید اجازه داد تا در خانه بماند و به امر پرورش کودکانش بپردازد. جامعه باید بکلی تغییر کند و به زنان اجازه ندهد که فقط وظیفه پرورش فرزندان را بر عهده گیرند (رابرت اچ. بورک، پیشین، ص ۴۶۶).

۳. «حوزه عمومی و خصوصی»: تقسیم حوزه عمومی و خصوصی یکی از عوامل مهم نابرابری جنسیتی در جامعه است. «جین بتکه‌الشتین» در کتاب «مرد عمومی، زن خصوصی» این مسأله را به طور مفصل مورد بحث قرار داده است. به نظر وی معمولاً قلمرو عمومی زندگی که در برگیرنده سیاست، کار، هنر و ادبیات است در انحصار مردان بوده است در حالی که زنان محدود به یک زندگی اساساً خصوصی شده‌اند که متمرکز بر خانواده و مسئولیتهای خانگی است. اگر سیاست فقط در درون قلمرو عمومی صورت می‌گیرد، پس نقش زنان و مسأله نابرابری جنسیتی، مسائلی کم‌اهمیت به لحاظ سیاسی یا اساساً فاقد اهمیت هستند. زنان نیز که محدود به ایفای نقش خصوصی خانم خانه دار و مادر شده‌اند، در واقع از سیاست محرومند. بنابراین فمینیستها کوشیدند تا تقسیم بندی «مرد عمومی» و «زن خصوصی» را درهم شکنند.

۴. «دین و خانواده»: فمینیستها نگاه بدبینانه به دین و خانواده دارند. به نظر آنها دین ساخته و پرداخته دست مردان بوده تا از طریق آن بتوانند زنان را تحت کنترل و سلطه خویش قرار دهند. خانواده نیز موجب تحقیر و تبعیض زنان است. خانم مارتا ناسبام معتقد است بی‌رحمانه‌ترین تبعیضها نسبت به دختران از محیط خانواده شروع می‌شود. همچنین سیمون دوبووار می‌گوید به هیچ زنی نباید اجازه داد تا در خانه بماند و به امر پرورش کودکانش بپردازد. جامعه باید به کلی تغییر کند و به زنان اجازه

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

در موارد زیادی با اصول اسلامی همخوانی ندارد و از نظر جامعه ایرانی مطرود است. مشکل زنان در جوامع اسلامی، به ویژه ایران، از یک طرف به فرهنگ اجتماعی و سنت ناصواب و عدم اجرای صحیح قوانینی اسلام بر می‌گردد و از سوی دیگر، به سبب عدم شناخت زنان از حقوق اجتماعی و اسلامی خودشان است. زنان به دلیل این که ابزار و امکانات لازم برای اجرای قوانین را در دست ندارند، دچار محرومیت و ظلم می‌گردند. این بدین معنا نیست که زن مسلمان برای احقاق حقوق خود به فمینیسم پناه ببرد؛ چون اسلام از نظر محتوا و اصول، غنی است و برای حفظ و صیانت زن، نیازی به فمینیسم نمی‌بیند. فمینیسم، حتی فمینیسم اسلامی، با وضعیت اعتقادی و فرهنگی زن مسلمان سنخیتی ندارد و نمی‌تواند به دفاع از حقوق آنان بپردازد. فمینیست‌های اسلامی بجای کشف و حل مسائل و معضلات جامعه زنان، به دنبال مسئله‌سازی و ایجاد شبهه برای زن مسلمان هستند. فمینیسم اسلامی به عنوان یک جنبش، به طور کلی از دو ناحیه رنج می‌برد و نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازمندی‌های زنان مسلمان باشد:

۱. از لحاظ بیش و ایدئولوژی و بنیه علمی ضعیف است؛
۲. از یک مکانیسم مناسب برای موضع‌شناسی مسائل جدید محروم است.

زنان و مدیریت شهر

مطالعات و منابع گوناگون از کشورهای مختلف نشان می‌دهد که افزایش زنان در جایگاه‌های مدیریتی، به ویژه در مقایسه با تعداد زنان شاغل، هنوز نامتعادل است («کرافورد»، ۱۹۳۳؛ «کوتیس»، ۱۹۹۳؛ بنقل از کجیاف و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۳۴). در حال حاضر جامعه صنعتی، چون در تمام حوزه‌ها متکی به حاکمیت مردانه است، در برخی عرصه‌ها که نیاز به روحیات غالب زنان است، ضعیف عمل می‌کند؛ لذا می‌توان در آن زمینه‌ها از مدیریت زنانه بهره گرفت؛ لذا با بررسی و ارزیابی اقدامات شهرداری کلانشهر تهران در این رابطه به راهکارهایی چند در راستای توسعه و ارتقاء حضور کارآمد این قشر در سطوح مشارکت‌پذیری و مدیریتی امور شهری پرداخته

کوچک‌ترین فعالیت‌های افراد را تحت نظر دارد؛ چراکه اساساً این جنبش مدعی مهار تمام بخش‌های زندگی بشر است. فمینیست‌ها در آن واحد، ضد بورژوا، ضد کاپیتالیست، ضد خانواده، ضد دین و ضد روشن‌فکرند (رابرت اچ. بورک، پیشین، ص ۳۴۶).

۳. فمینیسم مسؤولیت‌های سنگینی بر زنان تحمیل کرده است. زنی که در گذشته، روش و شیوه زندگی اش، انتخابش و اصولاً برنامه ادامه حیاتش در این جهان برای وی مشخص و معلوم بود، امروز باید در کلیه موارد، تنها خودش تصمیم‌گیرنده اصلی باشد و این همه مسؤولیت و تصمیم، که هر زنی در جامعه امروزی با آن مواجه است، به حدی سنگین می‌باشد که برای عده بسیاری از زنان در غرب به مرز غیرقابل تحملی رسیده است.

۴. به‌اندازن به شریف‌ترین حرفه زنان یعنی «مادری» و «خانه‌داری»، یکی از کریه‌ترین و زشت‌ترین چهره‌های فمینیست‌هاست؛ حرفه‌ای که اساساً به لحاظ توانایی‌های جسمی و روحی، تنها زنانند که می‌توانند به خوبی از عهده آن برآیند و مردان هرگز قادر به اداره آن نیستند.

۵. مبارزه با فمینیسم امری بسیار مشکل است. فمینیسم حقیقتاً استعداد مؤثری در تهدید و ایجاد وحشت در دیگران دارد. برای مردان جلوگیری از رشد فمینیسم و برشمردن حرف‌های خلاف واقع آنان بسیار مشکل است. اگر مردان خطر رویارویی با فمینیست‌ها را نادیده بگیرند و مشت بسته آنان را باز کنند، مسلماً مورد اتهام دشمنی و خصومت با زنان و حقوق آنان قرار خواهند گرفت. آنان مردان را متهم خواهند کرد که با نادیده گرفتن حقوق زنان، قصدشان خوارشماری آنان و بازپس‌گیری حقوقی است که تا به حال به آنان تفویض کرده‌اند. آنان ادعا خواهند کرد که مردان علاقه‌مندند تا زنان را دوباره به موقعیت گذشته - یعنی فرمانبرداری از مردان - بازگردانند. مردانی که از این اتهامات وحشت دارند، حزم و احتیاط را برگزیده‌اند.

نقد و ارزیابی تحلیلی فمینیسم اسلامی

فمینیسم، حتی در بهترین نوع برداشت (فمینیسم اسلامی)،

می شود.^۱ از ساکنین را برآورده سازد، از لحاظ عملکردی تبدیل به زنان اغلب نسبت به محیط زندگی خود حساس تر بوده و بیشتر به دنبال تحولات مثبت آن هستند، این در حالی است که مردان به خاطر سطحی نگر بودن نسبت به برخی مسائل، دیرتر واکنش نشان می دهند. حضور زنان در فضای شهری ناخودآگاه آن فضا را به لحاظ روانی قابل اطمینان تر می کند و این اطمینان زمینه را برای بروز سایر اتفاقات سازنده شهری فراهم می آورد و در پاکسازی رفتاری- ادراکی محیط میسر بوده و می تواند به حذف گروه ها و رفتارهای ناهنجار بیانجامد. از سویی دیگر، فضای شهری، جایی است که ساکنین یک شهر را بی بهانه کنار هم قرار داده و به ارتباط وجودی شهر و انسان شهری معنا می بخشد و به سبب آن، حافظه اجتماعی هر شهروند مملو است از خاطره های شهری که در آن زندگی می کند و به آن احساس تعلق خاطر دارد. حال اگر این شهر تنها نیازهای شهری قشر و یا جنس خاصی

۱. جایگاه زنان در سطوح مدیریتی و بررسی و آسیب شناسی عدم مشارکت پذیری آنها در سطوح مدیریتی از جمله مهمترین مواردی است که انتظار می رود در فرآیند برنامه ریزی راهبردی سطوح مدیریتی شهر مورد بررسی قرار گیرد، در ادامه به برخی از تحقیقات در این رابطه به اختصار اشاره می شود:

(*) از بررسی اطلاعات ۴۰ کشور راجع به توسعه انسانی بر اساس آخرین آمار بین المللی سال ۱۹۹۸ و تاثیر آن بر میزان فعالیت زنان چنین نتیجه گیری می شود که کشورها می توانند در زمینه فعالیت اقتصادی زنان در سطوح بالای شغلی سرمایه گذاری کنند و شاهد رشد توسعه انسانی باشند. مواردی که مورد آزمون و تایید قرار گرفته عبارتند از: عدم دسترسی زنان به تخصص های بالا، حضور فیزیکی در محل کار، ساعت های کار، مشکل ایاب و ذهاب، مشکل ترکیب نقشهای مادری- همسری با کار بیرون خانه (بابایی زکلیلی، ۱۳۸۵، ص ۵۹).

(*) اسفیدانی موانع دستیابی زنان به پست های مدیریت در وزارت خانه های کشور را مورد بررسی قرار داده است. طبق نتایج تحقیق عدم قرارگیری زنان در پست های مدیریتی، به مردسالاری فرهنگ سازمانی و همچنین نگرش مدیران مرد در وزارتخانه های مستقر در تهران معطوف می باشد (لهسایی زاده و بوستانی، ۱۳۸۵).

(*) طبق نتایج مقاله ارتقای مشارکت زنان در سطوح مدیریتی ایران توسط دکتر شمس السادات زاهدی مسئولیت های خانوادگی و عوامل سازمانی شامل سیاست های منابع انسانی، قوانین و مقررات رویه ها و روش ها، شرایط احراز مشاغل مدیریتی، در اقلیت بودن زنان، سبک های مدیریتی، موانع ارتباطی، جو و فضای سازمانی، عوامل فرهنگی، مانع ارتقای زنان در سطوح مدیریتی در ایران است (زاهدی، ۱۳۸۲، ص ۱۷).

(*) تحقیقی تحت عنوان بررسی نگرش کارکنان سازمان آموزش و پرورش شهر اصفهان به مدیریت زنان و موانع ارتقای زنان به جای گاه های مدیریتی در سال ۱۳۸۷ توسط محمد باقر کجیاب و ملیحه سادات کاظمی انجام شده است. نتایج نشان داد که مردان نسبت به مدیریت زنان نگرشی منفی دارند و عوامل فردی و شخصیتی را از موانع مدیریت آنان می دانند.

(*) محمد علی بابایی زکلیکی پژوهشی با عنوان چالش های زنان برای دستیابی به مشاغل مدیریتی در سازمانهای دولتی در سال ۱۳۸۷ انجام داده است. طبق بررسی ها در سالهای اخیر تعداد زنان ارتقا یافته به مشاغل مدیریتی افزایش یافته است ولی هنوز آنان سهم اندکی از کل مشاغل مدیریتی برخوردارند.

(*) تحقیقی تحت عنوان مشارکت اجتماعی در ایران توسط منوچهر محسنی و عذرا جاراللهی انجام گرفته است. طبق این تحقیق بیشترین مشارکت با گروهها نزد میانسالان مشاهده می شود که به اقتضای سن معمولاً بیشترین فعالیتهای اقتصادی- اجتماعی را به عهده دارند (محسنی و جاراللهی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵-۱۴۷).

(*) فاطمه صمدیان، پژوهشی را تحت عنوان «بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی زنان در کرمان»، نتیجه گرفت متغیرهای زمینه ای وضعیت تاهل و تحصیلات با مشارکت رسمی رابطه معنی دار دارد.

و به همین دلیل نمی توان به شیوه یکسان به نیازهای آنان در هنگام کار، رفت و آمد، حمل و نقل، ورزش، تفریح و استراحت پاسخ گفت. اما مسئله بسیار شگفت آور و در عین حال تأسف انگیز این است که در شهرسازی مدرن- با وجود حضور وسیع زنان در عرصه های عمومی و فضاهای شهری- خیلی کم به تفاوت و تنوع این نیازها توجه شده است. گویا در دل «منشور شهرسازی مدرن» منشور نانوشته دیگری وجود دارد که شهر را برای مردان مجرد و میانسال طراحی می کند. بیشتر الگوها، ساختارها و معیارهای شهرسازی مدرن خصلتی «مردانه» دارند و آگاهانه یا ناآگاهانه برای زنان همان نقش «جنس دوم» در نظر گرفته شده است (مهدیزاده، ۱۳۸۷).

این درحالی است که زنها در شهرهای سنتی جایگاه خاص و پر رنگ تری داشتند. زن ها هنگام خرید، ملاقات های روزانه و دور هم جمع شدن ها آزادی بیشتری برای انتخاب

مکان و انجام فعالیت های شهری شان داشتند. اغلب در مراکز محلات فضایی هر چند ساده و محقر وجود داشت که مهر پاتوق زنان آن محله بر آن خورده بود. کودکان به واسطه دلگرمی حضور مادرانشان در محلات به بازی مشغول می شدند و این ترکیب سنی و جنسی از شهروندان، فضایی گرم، خودمانی و در عین حال با ضریب امنیت بالا را فراهم می آورد. جای خالی این فضاها و تعاملاتی که به واسطه وجود آن شکل می گیرد؛ در شهرهای امروز و از جمله شهر همدان بسیار محسوس است. امروزه با وجود اینکه زنان زیادی در رشته های مهندسی مربوط به شهرسازی دارای تحصیلات عالیه هستند، کمتر از ایده و دیدگاه زنان در ساماندهی شهری بهره گرفته می شود. شهری که اغلب از دریچه دید مردان مورد بررسی، نقد و برنامه ریزی و طرح ریزی قرار گیرد، ناخواسته رنگی مردانه نیز به خود می گیرد و این در تضاد با مقوله عدالت

جدول ۱. جایگاه زنان در اسناد فراملی؛ ماخذ: یافته های تحقیق بر اساس اسناد جهانی.

موضوعات مورد توجه	
تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی برای همه بدون تمایز جنسی، نژاد و مذهب و اعلام مجدد ایمان به حقوق بشر و تساوی زن و مرد	منشور ملل متحد
اصولی در رابطه با همکاری بین المللی و منطقه ای جهت افزایش حضور و مشارکت بیشتر زنان بدون حتی یک رای منفی ۱۵۷ کشور آنرا تصویب کردند. اصول ۸۶ تا ۹۲ این سند بر برابری مشارکت و تصمیم گیری بین زنان و مردان تاکید دارند.	کنفرانس ناپروبی (ژوئیه ۱۹۸۵)
برابری و عدالت جنسی و تواناسازی زنان، مدیریت برنامه ها، توسعه منابع انسانی و توجه به دستمزدهای برابر در مقابل کار یکسان زنان و مردان	کنفرانس قاهره (نوامبر ۱۹۹۴)
این کنفرانس تحت عنوان زن و توسعه بر گزار شد. موضوع اصلی آن رشد کمی و کیفی بانوان جهان در مواردی مثل آموزش، اقتصاد، بهداشت، برابری و غیره و ارائه راهکارهای عملی برای رفع این مشکلات بود (دسترسی زنان به منابع خود اشتغالی، تشویق زنان سرمایه گذار، رعایت حقوق کاربری زمین و مالکیت زنان، توجه به برنامه ریزی با توجه به جنسیت ها، ارتقاء مهارت های سرمایه گذاری و مدیریت در میان زنان، دسترسی زنان به پیشرفت های شغلی بود؛ توجه ویژه این سند به دسترسی برای زنان به قدرت و تصمیم گیری است.	کنفرانس جاکارتا (جون ۱۹۹۴)
دستور کار این کنفرانس مسائل و مشکلات بانوان و ارائه راهبرد های جدید و مرور کنفرانس های قبلی بود. این سند به بحث زنان، اقتصاد و مشارکت در برنامه ریزی توجه دارد. توانمندسازی و خود مختاری زنان و بهسازی منزلت سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و حصول توسعه پایدار امری حیاتی است. بدون شرکت فعال زنان و دیدگاه آنها در سطوح تصمیم گیری اهداف برابری توسعه و صلح دستیابی نمی شود.	اعلامیه پکن (سپتامبر ۱۹۹۵)
هدفش ارزیابی موفقیتها، ناکامی ها و موانع موجود در راه اهداف تعیین شده در ناپروبی و پکن بود. در این سند علاوه بر دستاوردهای اسناد گذشته، به موانع نیز اشاره شده است؛ مانند در آمدهای پایین و امنیت شغلی اندک زنان و شکاف جنسی در دستمزدها با توجه به تجارب مشابه با مردان، محقق نشدن دستمزد یکسان مردان و زنان، فقدان حقوق برابر به مالکیت زمین و سایر دارایی ها.	اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل (پکن ۲۰۰۰+۵)

جدول ۲. تبیین عوامل تحدید کننده مشارکت زنان در توسعه شهری؛ ماخذ: ماجدی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۹.

خلاصه یافته ها	دیدگاه ها و نظریات مرتبط
نابرابری فرصتهای جنسیتی	دیدگاه فرصت برابر: «نظریه بونیک»
محدود شدن زنان در ورود به قلمرو فعالیتهای اجتماعی	دیدگاه حاشیه ای شدن: «نظریه تیانو»
سوء استفاده از نیروی کار ارزان زنانه	دیدگاه بهره کشی: «نظریه تیانو»
عدم توجه به جایگاه زنان در فرهنگهای گوناگون	دیدگاه زنان و توسعه
تفکیک جانبدارانه جنسیتها	دیدگاه جنسیت و توسعه
استفاده ابزاری و اسمی از مشارکت زنان در برنامه های مشارکتی	جمعیندی دیدگاه های مشارکتی

این است که زنان دارای حق مساوی در دسترسی بر طبق اصول برابری باشند؛ دسترسی به عوامل تولید، آموزش، کارهای دست مزدساز، خدمات، آموزش های مهارت زا که استخدام و تولید را ممکن می سازند، حتی دسترسی به دسترنج خود.

۲. «رفاه»: در این مرحله، مسایل رفاه مادی زنان در مقایسه با مردان در مواردی مانند وضعیت تغذیه، تهیه مواد غذایی و درآمد مورد بررسی قرار می گیرد. زنان به عنوان افرادی تصور می شوند که قادر نیستند در وضع خود تغییراتی بدهند و فقط از مزایای برنامه های رفاهی استفاده می کنند. این مرحله، مرحله صفر از مراحل توانمندسازی زنان به شمار می آید.

۳. «مشارکت»: مشارکت در اینجا به معنی مشارکت برابر زنان در تصمیم گیری است یعنی حضور زنان در تمام مراحل، بررسی نیازها، شناسایی مشکلات، برنامه ریزی مدیریت، اجرا و ارزشیابی. برابری در مشارکت به معنی شرکت زنان در تمامی پروژه هایی که به آنان مربوط است و دخالت دادن آنها باید نسبت به تعدادشان باشد. چنین افزایش حضوری به منزله توانمندسازی و یک عامل بالقوه مشارکت به سوی افزایش سطح توانمندسازی است.

۴. «آگاهی»: این مرحله از برابری شامل این است که زنان نابرابری های ساختاری را درک کنند. زنان باید درک کنند که مشکلات آنها ناشی از بی کفایتی ها و کمبودهای شخصی آنان نیست، بلکه این سیستم اجتماعی است که این تبعیض ها را بر آنها تحمیل کرده است. در این مرحله زنان باید تشخیص دهند و بدانند که نقش های جنسیتی

شهری است. طبیعی است که تواناترین شهرسازان مرد هم نمی توانند از تمامی نیازهای و خواسته های شهری زنان آگاهی یابند، حسی که توسط یک زن هنگام حضور در فضاهای مختلف شهری درک و برداشت می شود، هرگز به طور کامل توسط یک مرد قابل درک نخواهد بود. لذا رسیدگی به این امر باید در رأس امور مدیریت شهر ها قرار گیرد چراکه ترکیب نیروی ذهنی- ادراکی زن و مرد در ساختار مدیریت شهری، تحولات مثبتی را به دنبال خواهد داشت. پیش بردن چنین رویکردی می تواند از جدایی گزینی زنان با عرصه های عمومی شهری کاسته و به برقراری دوباره پیوند همه جانبه شهر با روحیه شهروندان زن بیانجامد.

زنان و توسعه شهری

«سارا لانگه» (۱۳۷۲) مساوات بین زنان و مردان را محور تعریف توسعه امور زنان دانسته و فرایند توسعه امور زنان را در پنج مرحله از برابری می داند. او تأکید می کند که توانمندسازی نه تنها ناشی از کسب برابری است، بلکه به همان میزان برای تعقیب اهداف برابری ضرورت دارد. مراحل برابری از نظر او عبارتند از: رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت، کنترل. این مراحل نشان می دهند که مدارج بالای برابری خود به خود به عنوان مدارج بالای توسعه و توانمندسازی به شمار می آیند:

۱. «دسترسی»: «فواصل جنسیتی» در مرحله رفاهی به طور مستقیم از مسأله نابرابری دسترسی به منابع ناشی می گردد؛ فواصل جنسیتی در اینجا به معنی دسترسی کمتر زنان به منابع است. برابری در این مرحله به معنای

جدول ۳. دسته بندی برخی موانع ارتقای جایگاه زنان در شهر؛ ماخذ: نگارنده.

انواع موانع	مصادقات های به دست آمده از تحقیقات
موانع محیطی و موانع اجتماعی	حاکم بودن روابط به جای ضوابط، نابرابری در تخصیص امکانات و منابع (عدم تفویض جای گاه های مدیریتی یا بورسیه، اعزام به خارج، و مانند اینها)، نبودن و یا فعال نبودن تشکیلاتی منسجم برای دفاع از حقوق زنان
موانع فرهنگی	چند مسئولیته بودن زنان (همسر داری، بچه داری، رسیدگی به امور خانه و مانند این ها)، حاکمیت فرهنگ مرد سالاری، وضعیت فرهنگی از جمله باور نداشتن توان زنان، باورهای قالبی نسبت به کاستی های فیزیکی و جسمانی زنان
موانع مذهبی	باورهای سنتی دینی (زن نباید با نامحرم نشست و برخاست کند و سایر معذورات شرعی)، تعابیر نادرست سهوی و عمدی از شرع و مسائل شرعی
سوابق تاریخی	عدم وجود مدل های مدیریتی برای زنان از جنس خودشان در ایران (نبود سابقه تاریخی مانند ایندیرا گاندی، بی نظیر بوتو، مارگارت تاچر، و مادالین آلبرایت)، ضعف در اثبات کفایت زنان در صورت پذیرش مسئولیت (به نظر می رسد هر زمان که زنان به جای گاه مدیریت رسیده اند کفایت لازم را از خود نشان نداده اند)
موانع فردی و موانع شخصیتی	پایین بودن ریسک پذیری زنان (پذیرش مخاطرات جای گاه مدیریتی)، بی علاقه گی زنان به پذیرش جایگاه مدیریت و خود را شایسته مدیریت ندانستن، زنان فکر می کنند نمی توانند از عهده مدیریت بر آیند (اعتماد به نفس پایین)، حساس بودن بیش از حد زنان (برخورد کردن احساسی به جای برخورد منطقی)
روابط بین فردی	ضعف در پذیرش مخاطرات روابط غیر سازمانی حاکم بر گزینش مدیر (عضویت نداشتن انجمن، گروه، گرایش های فکری و هم سوئی با گرایش فکری مدیر)، عدم ارتقای شغلی زنان به دلیل تنش میان مدیران زن با سایر زنان به ویژه پرسنل تحت نظارت خود، عدم هم کاری بین زنان (مانند حسادت و چشم و هم چشمی)
دانش و آگاهی	پایین بودن آگاهی و معلومات زنان از نظر اجتماعی و مسائل جاری، پایین بودن آگاهی و معلومات زنان از نظر علمی، حرفه یی، تخصصی، و اجرایی بالا بودن ضریب خطای حرفه ای زنان
عوامل سازمانی (سیاست های منابع انسانی، قوانین و مقررات رویه ها و روش ها)	چالش های موجود در حوزه سازمانی بالاخص سیاست های جذب و استخدام مستخدمین در قالب قوانین و مقررات و روش های حاکم در حوزه مدیریتی
در اقلیت بودن زنان	زنان در جای گاه مدیریتی سازمان ها به طوری متناسب حضور نیافته و در اقلیت اند، در این جای گاه ها معمولا نقشی جزئی دارند و آسیب پذیرند و همراهان و مربیان کمتری دارند
نگرشی منفی مردان نسبت به مدیریت زنان	پیشگیری از سوپیه گیری های مردان نسبت به مدیریت زنان، تغییر نگرشی که الگوی رهبری موفق را شکل گرفته بر پایه ی صفات مردانه می داند
تبعیض شغلی عمودی برای زنان	تجزیه شدن بازار کار

به فرهنگ وابسته و قابل تغییر است. در این سطح برابری به معنای باور داشتن به برابری است. تقسیم کار بر حسب جنسیت در جامعه می بایست مطلوب هر دو طرف باشد. توانمندسازی یعنی دیدن جامعه از ورای فواصل جنسیتی و پس زدن آنها.

۵. «کنترل»: افزایش مشارکت زنان در حد تصمیم گیری، آنها را به سوی توسعه فزاینده سوق داده و توانا تر می نماید، به گونه ای که این مشارکت برای کسب افزایش کنترل عوامل تولید و تضمین برابری دسترسی به منابع و توزیع عادلانه منافع باشد. برابری در کنترل به معنای توازن قدرت بین زنان و مردان است و این به معنای آن است که هیچ کدام از آنها در مقام فرمان روایی نخواهند بود. «فواصل جنسیتی» شکلی از قدرت نابرابر بین زنان و مردان تلقی می شود؛ به عنوان مثال در اینجا، کنترل شوهر بر کار و درآمد همسرش، به این معناست که قدرت تولید زن ممکن است افزایش یابد ولی صرف تأمین رفاه خود و فرزندانش نشود. منظور از توانمندسازی تعویض مردسالاری به زن سالاری نیست بلکه بیشتر برای معرفی برابری جنسیتی در فرآیند توسعه است. برابری در کنترل برای استفاده از سود بردن زنان لازم است (لانگه، ۱۳۷۲، صص ۳۲ - ۲۷).

زنان و تک جنسیتی بودن فضاهای شهری

در بررسی رابطه بین «جنسیت و فضا» با پدیده ای تحت عنوان «فضاهای جنسی شده» و «فضاهای جنسیتی شده» برخورد می کنیم. مکان های خاص ممکن است بر اساس جنس زیست شناختی افرادی که آنها را اشغال می کنند خصوصیات جنسی داده شوند یا بر اساس جنسیت فعالیت های مختلف که در آنها انجام می شود، جنسیت داده شوند. از این رو جنسیتی شدن فضا زمانی بعنوان مشکل مطرح می شود که بنا به دلایلی یکی از دو جنس (زن/مرد) مجبور به ترک یک فضای عمومی شده و از حق بهره برداری از آن فضا محروم شوند، درحالی که امکان بهره مندی مطلوب از فضاهای شهری و عمومی از حقوق اولیه شهروندی محسوب می شود (کاظمی، ۱۳۸۸):

۱. «زنانگی احساس شهروندی»: درگیر کردن حس

شهروندی زنان با نگرانی ها و دغدغه های مادرانه آنها، شهر را برای هر شهروند دیگری ایمن و سلامت می کند. زنان به لحاظ احساسات زنانه و مادرانه ای که دارند بیشتر از مردان درگیر مسائلی چون ایمنی و سلامت فضای بازی کودکان، پاتوق های شهری جوانانشان و غیره هستند. این موضوع به وسیله «مارشال برمن» مطرح می شود. به نظر مارشال برمن در کتاب «تجربه مدرنیته» یکی از عوامل اساسی در شکل گیری اندیشه های جین جکوبز، احساس زنانه و مادرانه ای است که او را به سوی نوعی شهرسازی انسانی هدایت می کرد. احساسی که از جنب و جوش زندگی روزمره مثل خرید زنان خانه دار، دلهره مادران بچه دار، بازی کودکان، تجمع کهنسالان، سرخوشی جوانان، گفتگوی همسایگان و خرده فروشان محلی سرچشمه می گرفت (مهدیزاده، ۱۳۸۷).

۲. «نابرابری جنسیتی»: این موضوع مسئله ای است که در تمامی عرصه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره قابل مشاهده است و از آنجایی که تمامی این عرصه ها در بستر یک شهر شکل می گیرند، لذا شهرها آینه تمام نمایی از این نابرابری هستند. شرایط حاکم بر پارک، فضای روانی را به گونه ای سازمان داده که شهروندان زن، موفق به برقراری ارتباط با آن نمی شوند. مردسالارانه بودن فضا و یا به عبارت دیگر تسلط فضایی مردان بر فضای پارک از مهم ترین دلایل این عدم ارتباط هستند.

۳. «ناامنیتی جنسیتی»: وجود کنج های پنهان، فضاهای سایه گیر و تاریک که روشنایی مناسبی ندارند همواره در مقابل حضورپذیری زنان در پارک به عنوان یک عامل دافعه عمل می کنند. بنابراین بیشتر استفاده کنندگان از این فضا شهروندان مرد هستند. از طرف دیگر، به دلیل مشغله های روزانه، مردان نیز به ندرت این فرصت را پیدا می کنند که به همراه خانواده خود، برای گذران اوقات فراغت، رهسپار پارک شوند؛ در نتیجه، فضای پارک در طول روز اغلب مورد استفاده گروه های ناهنجار شهری قرار می گیرد و ترس و دلهره حاصل از این روند، در زن گریز بودن فضای پارک مزید بر علت شده است و فضا هر چه بیشتر به سمت تک جنسیتی

شدن پیش می رود.

۴. «انحصارزدگی فضایی - جنسیتی»: تک جنسیتی شدن فضاهای شهری، پدیده غالب در شهرهای امروز است. فضاهایی که کاملاً در انحصار مردان قرار گرفته و زنان ناخواسته مجبور به ترک آن فضا می شوند. فضاهای مردسالارانه ای که همواره زنان را از خود می رانند. این در حالی است که اغلب عابرین پیاده شهر را زنان تشکیل می دهند و کودکان نیز توسط مادران خود برای تفریح به پارک آورده می شوند و در مقابل مردان بیشتر مایل به سفرهای سواره در سطح شهر هستند. تک جنسیتی شدن این فضای شهری، زنان را سرخورده می کند، آنان را از شهر دلگیر کرده و چون فضای مناسب خود را در شهر نمی یابند هرگز شهر را از آن خود نمی دانند. این بدبینی گاهی نسبت به محیط های سالم موجود در بطن شهر نیز حس می شود، زیرا این نوع برداشت زنان در حافظه ادراکیشان ثبت شده و حذف آن کار آسانی نیست. زنانی که بارها در فضاهای شهری دچار ترس و دلهره شده اند، به راحتی حاضر به تجربه دوباره آن فضا نیستند و با عقب کشیدن خود از آن محیط، آن را بیشتر در انحصار مردان درآورده و بر تک جنسیتی شدن آن مهر تأکید می زنند.

زنان و ناپذیرندگی حضور در فضاهای شهری

عوامل محدودکننده ای مانند خطر و ترس، مهم ترین عناصر در تجربه زنان در فضای شهری هستند که استفاده زنان از فضای شهری را محدود می نمایند. ترس به عنوان عامل مهمی در عدم حضور زنان در فضاهای عمومی مطرح می شود. در تعریف ترس در فرهنگ لغت آمده است: نگرانی و اضطرابی که بوسیله حضور و یا احتمال خطر بوجود می آید. عامل ترس و امنیت شبانه موضوع بسیار مهمی است که بر کاهش میزان حضور زنان نسبت به مردان در شب تأثیر می گذارد (رضازاده، ۱۳۸۸).

زنان و مردسالاری شهر

استفاده و مناسب بودن فضاهای عمومی، موضوع مهمی است که باید در هر مطالعه ای که زندگی روزمره زنان و مردان را مد نظر قرار می دهد، مورد توجه قرار گیرد. نیاز به حضور در فضا برای همه گروه ها فارغ از جنسیت، سن، سطح درآمد، شغل و غیره امری ضروری است. فضاهای

عمومی به طور اعم و فضاهای شهری به طور اخص بدلیل ساختار کالبدی و کارکرد اجتماعی-مهم-ترین وسیله در جهت تقویت جامعه مدنی هستند. جامعه مدنی عرصه ای را فراهم می آورد که امکان مشارکت برای تمامی گروه ها در آن به وجود می آید (رضازاده، ۱۳۸۸). انسان برای رشد شخصیت فرهنگی و اجتماعی خود، نیاز به حضور در عرصه های اجتماعی شهر دارد. در واقع بخشی از شخصیت هر فرد به وسیله شخصیت اجتماعی او تکمیل شده و چنانچه فرد جایگاه مناسب خود را در اجتماع نیابد، دچار سرخوردگی و بحران هویت می شود. این مسئله نقش مهمی در شکل گیری شخصیت روانی افراد هر جامعه بازی می کند. از این روی، ریشه معضلاتی چون اجتماع گریزی، فردگرایی و افسردگی را نیز در همین مسئله می توان یافت. هنگامی که فضاهای شهری، به واسطه شرایط نامساعدی که دارند (همچون ناامنی)، شهروند زن را از خود می رانند، فرد به مرور زمان با شهر غریبگی می کند، گویی شهر برای همه هست، به غیر از او؛ در نتیجه ترجیح می دهد تا در چهاردیواری خانه خود بماند. این در حالی است که امروزه روز، اکثر زنان شاغل بوده و بیشتر وقت خود را در محیط کار می گذرانند. بنابراین از لحاظ روحی نیاز به حضور در فضاهای باز و عمومی شهر دارند و اغلب پاسخی برای این نیاز نمی یابند. این موضوع حتی بر میزان اعتماد به نفس ساکنین یک شهر تأثیر گذار است.

زنان و شهرگریزی جنسیتی

بطور کلی دو بعد برای امنیت وجود دارد: یکی بعد «عینی» (objective) که با پارامترهای عینی محیطی و رفتاری ارزیابی می گردد و دیگری بعد «ذهنی» (subjective) است که بر اساس احساس امنیت از جمع درک می شود. نگرش جنسیتی به مسأله امنیت نمی تواند تبعیض و خط مشی محسوب شود زیرا در صورت ایجاد یک فضای امن برای زنان به صورت متعاقب کودکان و مردان نیز احساس امنیت و آرامش خواهند داشت. همچنین از بعد عدالت اجتماعی و عدالت شهروندی، زنان نیز مانند مردان باید در فضای شهری که شهروند آن محسوب می شوند احساس راحتی و امنیت داشته باشند و حضور آنان

در شهر بدلیل نا امنی ناشی از ضعف های شهرسازی محدود نشده باشد (ضابطیان و رفیعیان، ۱۳۸۷). بسیاری از کارشناسان معتقدند شهرها برای اینکه ایمن باشند باید برای همه گروه های سنی - جنسی ساخته شوند و برنامه ریزان شهری باید تفاوت های سنی و جنسیتی را در ساخت آنها مورد توجه قرار دهند. در حالی که جامعه ما روز به روز بیش از گذشته شهری می شود، باید به نیازهای ملموس و محسوس شهروندان نیز با تأکید بر جمعیت، سن و طبقه توجه کرد. امنیت اجتماعی و به طور کل امنیت، ارتباط مستقیمی با فضا و ساخت وساز شهری دارد. یک فضای شهری مناسب تا حد زیادی تامین کننده امنیت و فضای نامناسب از بین برنده آن و زمینه ساز انواع آسیب ها و معضلات اجتماعی است. فضاهای نامناسب شهری، فضاهای بی دفاع، محلات ناامن، شهرهایی با معماری صرفاً مردانه همه و همه از عوامل تهدیدکننده امنیت شهری و اجتماعی هستند (پارسا، ۱۳۸۷). در واقع احساس عدم امنیت افراد در یک جامعه می تواند تبعات فراوانی داشته باشد. فقدان اعتماد یا احساس نگرانی نسبت به چیزها و مسائل مختلف، سبب رفتارهای خاص کناره گیری نیز می شود. شهروندان بیمناک خود را از خیابان ها دور نگه می دارند، از محلات خاصی دوری می جویند و فعالیت های عادی و ارتباط شان را محدود می کنند. همان گونه که به طور فیزیکی کناره گیری می کنند، از نقش های حمایت متقابل با همشهریان خود نیز کناره می گیرند و بدین سان کنترل های اجتماعی را که سابقاً به حفظ مدنیت در اجتماع محلی کمک می کرده، رها می کنند (گیدنز، ۱۳۷۸). بنابراین، تأمین امنیت در تمامی فضاهای شهری از جمله فضاهای تفریحی - عمومی، محلات مسکونی و خیابان ها اصلی است که موفقیت یک شهر در گرو تحقق آن می باشد. شهری که مورد

استفاده تمامی شهروندان در تمامی رده های سنی بوده و حافظه فرهنگی - اجتماعی ساکنین آن مملو از خاطرات مثبت شهری باشد.

زنان و مشارکت پذیری اجتماعی

ارزش انسانی افراد، احترام به آزادی و اختیار انسان، اصول زیرساختی مشارکت هستند که متضمن موفقیت فراگرد مشارکت می شوند. بطور کلی زنان در گذشته در سه نظام بازتولیدی یعنی بازتولید زیست شناختی، بازتولید نیروی کار و بازتولید اجتماعی مشارکت داشته اند، اما امروزه این نقش متحول شده است. این مشکلات را می توان به چند گروه عمده تقسیم کرد:

۱. موانعی که زنان خود برای خویش ایجاد کرده و می کنند؛
 ۲. مشکلات ناشی از حاکمیت تفکر مردسالار؛
 ۳. مسائل شرعی، مواردی چون: «۱. ممانعت از اشتغال زنان به بهانه پرداخت نفقه از سوی همسر، ۲. استقلال مالی زن عامل تمرکز از همسر، ۳. وجود ارتباط زیاد بین زن و مرد در بازار کار، زنان را از حضور در بازار کار واداشته است.
 ۴. نابرابری تحصیلی؛
 ۵. فرهنگ حاکم بر ساختار ذهنی جامعه؛ تعبیرهای نادرست از مدیریت مانند: «زنان توان انجام کارهای سخت را ندارند»، «نرمش خانم ها مانع تصمیم گیری است (نادعلی، ۱۳۸۵، ص ۶۰).
- از این رو ذکر عواملی که مشارکت زنان در حوزه های اجتماعی اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را دچار مشکل می سازد، ضروری می سازد:
۱. «موانع اقتصادی»: امکانات محدود اشتغال، حاکمیت دیدگاه خاص فرهنگی و تأیید تقسیم کار جنسیتی سنتی و همچنین عدم حاکمیت عقلانیت در سیستم اقتصادی موجب حضور کم رنگ زنان در عرصه های اقتصادی

۱. از سویی نگرش مردسالانه حاکم بر جامعه، موجب اختصاص عالی ترین سطح مسئولیت ها به مردان و اشتغال زنان در مشاغل سطح پایین، ساده و کمتر تخصصی به این تقسیم کار جنسیتی دامن می زند (افشاری و شیبانی، ۱۳۸۰، ص ۳۶).

۲. گذشته از توجه به ساز و کارهای موجود در عرصه سیاست خود زنان نیز دارای رفتار سیاسی ویژه ای هستند: «۱. نگرش زنان نسبت به سیاست خوش بینانه نیست؛ ۲. گرایش زنان به شرکت در احزاب سیاسی به مراتب کمتر از مردان است؛ ۳. موفقیت زنانی که در عرصه سیاست ظهور می یابند بیشتر مرهون مردان سیاسی است که در کنار آنان بوده اند مانند سنت گرایی و محافظه کاری زنان؛ ۴. زنان از درگیر شدن در کارهایی که آمیخته به اضطراب و خشونت ... است دوری می جویند. (بشیری، ۱۳۸۷، ص ۲۹۵)

است (کمالی، ۱۳۷۸، ص ۱۳-۱۲).^۱ همچنین در زمینه عوامل اقتصادی می توان به نرخ صعودی بیکاری در میان زنان در دهه ۷۵ تا ۸۵ که بیشتر ناشی از رشد جمعیت در بعد از انقلاب است، اشاره کرد.

۲. «موانع اجتماعی و فرهنگی»: زنان و مردان در خلق الگوها و اشکال گوناگون فرهنگی هیچگونه تفاوت ذاتی ندارند (موسوی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۴). بدین ترتیب برخی محدودیتها و موانع مهم مشارکت اجتماعی زنان را می توان چنین خلاصه کرد: الف: جامعه پذیری جنسیتی؛ دوم: غلبه فرهنگ دنیاگریزی و آخرت طلبی؛ سوم: ضعف آموزش و پایین بودن سطح عمومی تحصیلات (بیابانی، ۱۳۸۵، ص ۲۹۶). به نظر دورژ «دسترسی زنان به مشاغل اقتصادی بیشتر باشد، دسترسی به قدرت سیاسی هم امکان پذیر تر است» (دورژ، ۱۳۵۸، ص ۱۳۹).

۳. «موانع سیاسی»: دولتهای متمرکز همواره ساختارهای اداری متمرکز را تشویق می کنند، چنین ساختاری مانع عمده در برابر مشارکت مردمی است (بختیاری زاده، ۱۳۸۰، ص ۲۹). آنتونی گیدنز مشارکت سیاسی را به مثابه یک حق سیاسی مورد توجه قرار می دهد (بیرو، ۱۳۶۶، ص ۲۵۷). از این رو در مسیر توسعه، مشارکت سیاسی زنان یکی از عوامل مهم در تواناسازی آنان است (مصفا، ۱۳۷۳، ص ۳۷۵).

نتیجه گیری و جمع بندی

زنان نیز مانند مردان حق استفاده از تمامی عرصه های همگانی موجود در شهر را دارند، در حالی که بیشتر مواقع شرایط حاکم بر فضاهای عمومی شهرها، این حق را از آنان صلب می کند. شهر متعلق به تمامی شهروندان و ساکنینش است که با وجود آنها معنا گرفته و به سمت موفقیت پیش می رود؛ در این وادی نباید حضور زنان را نادیده انگاشت. پایداری اجتماعی شهر زمانی به تحقق می پیوندد که در زندگی شهری شهروندانش واجد ارزش و اهمیت باشد و زمانی که شهر قادر به تأمین نیازهای شهری شهروندان زن نباشد، در واقع نیمی از این ارزش را از دست خواهد داد. بسیاری از فضاهای شهری در شهرهای امروز ما بدون توجه به نیازهای جسمی و روحی زنان طراحی شده و به این دلیل تنها مورد استفاده مردان قرار

گرفته است. نبود امنیتی که زنان در زندگی شهری روزانه خود خواهان آن هستند، اغلب فضاهای شهری را زن گریز کرده است. توجه به آنچه که زنان از محیط های عمومی و مسکونی خود می خواهند در اثبات جایگاه زن در شهر نقش بسزایی دارد. بنابراین، دخیل نمودن دیدگاه ها، نظرات و البته مهارت های بانوان در امر مدیریت شهری به منظور بهبود شرایط مردسالارانه حاکم بر شهر ها، باید در رأس طرح ها و برنامه های شهری قرار گیرد تا شهر به واسطه حس تعلق تمامی شهروندان و نه تنها نیمی از آنان، در شرایط پایداری از الگوهای رفتار شهری قرار گیرد. در رابطه با مفهوم فمینیسم و ارتباط فعلی آن با شرایط معاصر ایران و جهان باید اشاره کرد:

۱. فمینیسم، جنبشی سازمان یافته است که بر اساس مبانی فلسفی غرب پی ریزی شده و هدف آن رفع هر گونه ظلم و ستم به زنان و احقاق حقوق آنان در نظام اجتماعی است.

۲. فمینیسم از آن جا که فاقد ایدئولوژی و پشتوانه علمی مشخص است، متأثر از جهان بینی غرب، به طرح راه کارهایی مختلف که عمدتاً با مبانی وحیانی در تضاد است می پردازد. از این جهت، فمینیسم جریانی انسان مدار و اومانستی است.

۳. فمینیسم در غرب به علت دوری از معنویت و اخلاق، دچار ناکامی شده است؛ چون به درستی هدایت و تئوریزه نشده است. اکنون شاهد بالاترین رکورد خشونت و تحقیر علیه زنان در غرب هستیم. اهانت، استثمار اقتصادی، عریان ساختن و ابزاری کردن جنس مونث شواهدی هستند که هویت فمینیسم را زیر سؤال می برند.

۴. ظلم و تحقیر تمدن های کهن غربی، خشونت و کژاندیشی اربابان کلیسا، تفکرات الحادی انسان مدار و نظام سرمایه داری، از جمله عواملی هستند که سب خیزش زنان و ایجاد نهضت فمینیسم شد.

۵. علل تنوع گرایشات فمینیستی را بایستی در وابستگی آنها به اندیشه های سیاسی و فلسفی غرب بدانیم. هر گرایش فمینیستی طبق همان اندیشه وابسته، به تحلیل مسائل زنان می پردازد.

۶ در مرحله ایده و آرمان، تمام نحله های فمینیستی

۱۳۹۱-۱۳۹۲

مؤلفه های مورد نظر	اقدامات شهرداری تهران در راستای ارتقاء جایگاه مشارکت پذیری زنان در اداره امور شهری و منجمله سطوح مدیریتی در کلانشهر تهران
عدم دسترسی زنان به تخصص های بالا	تعیین مشاوران امور بانوان در سازمانها، شرکتها و واحدهای تابعه شهرداری؛ انتصاب مشاور شهردار در امور بانوان؛ تشکیل اداره کل امور بانوان؛ تشکیل اداره امور بانوان در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران؛ تعیین نمایندگان امور بانوان در تمامی واحدهای تابعه شهرداری
مردسالاری در فرهنگ سازمانی و همچنین نگرش مدیران مرد در وزارتخانه های مستقر در تهران	انتصاب مشاور شهردار در امور بانوان؛ تعیین نمایندگان امور بانوان در تمامی واحدهای تابعه شهرداری؛ تعیین مشاوران امور بانوان در سازمانها، شرکتها و واحدهای تابعه شهرداری؛ انتصاب مشاوران شهرداران مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران در امور بانوان
سیاست های منابع انسانی، قوانین و مقررات رویه ها و روش ها	تشکیل اداره کل امور بانوان؛ تشکیل اداره امور بانوان در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران؛ انتصاب مشاور شهرداران مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران در امور بانوان؛ تشکیل شورای راهبردی امور بانوان و کمیته های تخصصی؛ اقدامات صورت گرفته در زمینه تغییر سیاستهای منابع انسانی شهرداری در حوزه امکان دهی به زنان در حوزه سطوح مدیریتی در شهرداری تهران
شرایط احراز مشاغل مدیریتی، در اقلیت بودن زنان، سبک های مدیریتی، موانع ارتباطی	انتصاب مشاور شهرداران مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران در امور بانوان؛ انتصاب مشاور شهردار در امور بانوان؛ تشکیل ستاد توانمندسازی زنان سرپرست خانوار
تغییر نگرش مردان نسبت به مدیریت زنان	تشکیل ستاد توانمندسازی زنان سرپرست خانوار؛ تشکیل شورای راهبردی امور بانوان و کمیته های تخصصی
وجود روحیه مسئولیت پذیری مشورت و همفکری در خانواده، نقش زن در تصمیم گیریهای خانواده	طرح مداخله در بحران خانواده در کلانشهر تهران زیر نظر اداره امور بانوان شهرداری تهران؛ طرح پیشگیری از آسیب های اجتماعی، طرح کاهش خطرپذیری؛ تشکیل ستاد توانمندسازی زنان سرپرست خانوار؛ اجرای طرح نذر فرهنگی در سطوح محلی کلانشهر تهران
جو و فضای سازمانی، و عوامل فرهنگی	انتصاب مشاور شهردار در امور بانوان؛ انتصاب مشاور شهرداران مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران در امور بانوان؛ تشکیل شورای راهبردی امور بانوان و کمیته های تخصصی
جو و فضای سازمانی، و عوامل فرهنگی	تشکیل و راه اندازی خانه های تسنیم در سطح محلات؛ ایجاد کانون های بانوان و شناسایی و جلب مشارکت ذینفعان محلی، سازمان های اجتماع محور و گروه های همیاری اجتماعی بانوان محلات؛ برگزاری مجموعه نشست های حجاب و عفاف در مناطق ۲۲ گانه، طرح گوهر رحمت (آموزش مهارت های زندگی، به خصوص مهارت های پیش از ازدواج به دختران)، برگزاری ۴ دوره همایش احیای نور (ویژه بانوان مبلغ شهر تهران)، برگزاری ۵ دوره گردهمایی زنان عاشورایی (ویژه هیات مذهبی بانوان شهر تهران)، برگزاری ۵ دوره جشن عبودیت دختران ۹ ساله، برگزاری مراسم و مناسبت های ویژه بانوان (روز زن، روز دختران، روز ملی حجاب و عفاف)

ضعف آموزش و پایین بودن سطح عمومی تحصیلات

ایجاد، تجهیز و توسعه مجموعه های شهربانو و پارک های بانوان، تجهیز کتابخانه های تخصصی بانوان، طراحی، راه اندازی و بروزرسانی سایت اداره کل امور بانوان، و سایت همراز یاس ویژه زنان شهیده، جانباز و ایثارگر، طراحی و راه اندازی سامانه بانک اطلاعات بانوان؛ تشکیل ستاد توانمندسازی زنان سرپرست خانوار؛ تشکیل و راه اندازی خانه های تسنیم در سطح محلات؛ ایجاد کانون های بانوان و شناسایی و جلب مشارکت ذینفعان محلی، سازمان های اجتماع محور و گروه های همیاری اجتماعی بانوان محلات؛ طرح نذر فرهنگی در کلانشهر تهران زیر نظر اداره فرهنگی امور بانوان شهرداری تهران

ارتقاء مشارکت سیاسی زنان و تواناسازی آنان در سطوح اراده و انگیزش به احراز و پذیرش پستهای مدیریتی

طرح ظرفیت سازی اجتماعی بانوان، تهیه نیمرخ استعدادهای بانوان محلات، تشکیل گروه های همیاری اجتماعی، جلب مشارکت ذینفعان محلی، برگزاری کارگاه های آموزشی، طراحی و تسهیلگری پروژه های کوچک محلی در زمینه ارتقاء ظرفیت های بانوان؛ تشکیل اداره کل امور بانوان؛ تشکیل اداره امور بانوان در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران؛ تعیین نمایندگان امور بانوان در تمامی واحدهای تابعه شهرداری؛ تعیین مشاوران امور بانوان در سازمان ها، شرکت ها و واحدهای تابعه شهرداری؛ راه اندازی خانه های تسنیم، استقرار مدیریت امور بانوان در محلات، هماهنگی و هم افزایی ابتکارات و توانمندی های بانوان و کانون های محلی محلات، حمایت و هدایت شبکه های اجتماعی بانوان محلات، هم افزایی با سایر خانه ها و کانون های محلی سراهای محلات، تشکیل کانون های ۹ گانه بانوان در محلات

نبود نفوذ زنان در گروه و سازمان اجتماعی

انتصاب مشاور شهردار در امور بانوان؛ تشکیل ستاد توانمندسازی زنان سرپرست خانوار؛ انتصاب مشاور شهرداران مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران در امور بانوان

افزایش مهارت فردی زنان و آرایه دوره های آموزش مدیریت برای زنان و تجهیز آنان به مهارت های خاص مدیریتی

ایجاد کانون های بانوان و شناسایی و جلب مشارکت ذینفعان محلی، سازمان های اجتماع محور و گروه های همیاری اجتماعی بانوان محلات؛ تشکیل ستاد توانمندسازی زنان سرپرست خانوار؛ تشکیل و راه اندازی خانه های تسنیم در سطح محلات؛ برگزاری جشنواره سراسری خوشنویسی کوثر، برگزاری کارگاه های آموزشی و جشنواره و نمایشگاه، جشنواره سراسری بهترین ها از دوربختی ها، برگزاری کارگاه های جشنواره سراسری عکس زنان و زندگی شهری، شرکت ۱۶۵۰ هنرمند عکاس با ارائه آثار در جشنواره.

خواهان برابری زن در تمام عرصه های سیاسی و اجتماعی هستند و رفع سلطه جویی جنسی، مبارزه با مردسالاری، پایان بخشیدن به تبعیض و خشونت علیه زنان را از اهداف خود می دانند؛ اما بیش تر این اهداف تنها در حد یک ایده و ذهنیت باقی مانده و در عمل پیاده نشده است.

۷. فمینیسم اسلامی پدیده ای نو در جوامع اسلامی، به ویژه ایران، است که بر پایه سکولاریسم و تجدد گرایی بنا شده و به تفسیر و تأویل آموزه های دینی و تطبیق آن با فرهنگ غرب پرداخته و سعی کرده است با ایجاد شبهه و طرح سؤال های واهی، بنیاد خانواده و اجتماع مسلمین را از بین ببرد.

۸. مهم ترین اهداف فمینیسم، تلاش برای رفع انواع تبعیض علیه زنان، کسب برابری حقوقی، تساوی زن و مرد، تشابه در حقوق، برابری جنسی و به رسمیت

شناختن همجنس‌گرایی و سقط جنین می‌باشد. بسیاری از خواسته‌های آنان با مبانی اسلام و ادیان الهی دیگر در تضاد است و حاصلی جز نابودی خانواده و اجتماع ندارد. ۹. فمینیسم بعلت فقدان ایدئولوژی و مکانیسم مناسب برای موضوع‌شناسی مسائل زنان و از آنجا که با وضعیت مذهبی، فرهنگی و اجتماعی جوامع اسلامی ناسازگار است هرگز نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای زن مسلمان باشد.

۱۰. اسلام از نظر محتوا و اصول آن چنان غنی، محکم و مستدل است که برای حفظ و صیانت زن دفاع از کرامت و شرافت و حقوق او، نیازی به فمینیسم نمی‌بیند.

۱۱. فمینیسم از لحاظ جهان‌بینی، هرگز قابل قیاس با اسلام نیست. اسلام و فمینیسم دو مقوله کاملاً جدا از هم، با مبانی مختلف ایدئولوژیکی، اهداف، کارکردها و آرمان‌های متفاوتند و هیچ‌گاه با هم تلفیق نمی‌شوند و مولودی به نام فمینیسم اسلامی را به وجود نخواهند آورد. در رابطه با راهکارهای عدم جنسیت‌زدگی فضایی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. «نظارت و کنترل اجتماعی»: افزایش نظارت اجتماعی و مدیریت مناسب عملکردهای موجود در فضا، می‌تواند به تعدیل شرایط حاضر کمک کند و امکان استفاده از آن توسط زنان را نیز فراهم آورد. حضور زنان در این عرصه همگانی به نوبه خود می‌تواند بر امنیت روانی و سلامت الگوهای رفتاری تأثیرگذار باشد.

۲. «بهبودسازی کاربریهای شهری»: عامل دیگری که می‌تواند به تک‌جنسیتی شدن یک فضای شهری بیانجامد، کاربری‌ها، فعالیت‌ها و عملکردهای موجود در آن فضا است. در صورتی که تمامی فعالیت‌های موجود در یک عرصه شهری، تنها مورد استفاده مردان باشد، دیگر بهانه‌ای برای حضور زنان در آن محیط وجود نخواهد داشت. در فرهنگ ما، چاپخانه‌ها، گیم‌نت‌ها، فروشگاه‌های ابزار آلات بیشتر توسط مردان مورد استفاده قرار می‌گیرد. ترکیب فعالیت‌ها و خرده‌فضاهای زنانه با این ریزفعالیتها، می‌تواند به راحتی زمینه را برای حضور زنان محیا کرده و از تک‌جنسیتی شدن فضا جلوگیری به عمل آورد.

۳. «بی‌زمانگی جنسیتی»: از مسائلی که امروز در علم

شهرسازی در کانون توجه قرار گرفته است، بحث شهرهای ۲۴ ساعته است که به منظور رسیدن به سرزندگی و هیاهوی‌های مثبت شهری مطرح می‌شود. از مهم‌ترین راهبردها برای نیل به این هدف، فراهم آوردن شرایطی است که شهر در شب را برای پذیرا بودن تمامی گروه‌های سنی زن و مرد آماده کند. در شرایط فعلی، زنان از شب‌های شهر فراری هستند. گاهی تنها یک تجربه بد از فضای شهری برای نهادینه کردن ترس و اضطراب برای حضور دوباره در آن فضا کافی است. تصور حضور در شب‌های شهر برای اغلب زنان استرس‌آور است و به محض مواجه شدن با این حادثه، به فکر فرار از این شرایط استرس‌زا می‌افتند. مشکل زمانی دو چندان می‌شود که مسائل مربوط به حمل و نقل شبانه وارد صحنه می‌شود. نبود سیستم مدیریتی حمل و نقل همگانی در شب و حضور سواری‌های شخصی که به دنبال پر کردن جای خالی این ضرورت هستند! از مواردی است که مزید بر علت شده و به واسطه جمع بودن تمامی شرایط لازم برای شب‌گریز کردن زنان از شهر، زنان به محض تاریکی هوا، روانه خانه‌های خود می‌شوند. این در حالی است که تجربه شب‌های شهر، تجربه‌ای کاملاً متفاوت است و در صورت فراهم بودن شرایط آسایش روانی - ادراکی می‌تواند بسیار لذت بخش باشد.

۴. «زنانگی اعتماد به نفس»: منشاء اعتماد به نفس، در بها دادن به افراد است. زمانی که فرد از بیشتر عرصه‌های عمومی که بهره‌بردن از آنها، طبیعی‌ترین حق شهروند بودنش است محروم می‌شود، اعتماد به نفس خود را از دست داده و همواره حقوق خود را متعلق به دیگران می‌داند. با توجه به جایگاه زن در خانواده و تربیت فرزندان، به جرأت می‌توان گفت زمانی می‌توان به داشتن شهروندانی سالم امید داشت، که زنان آن شهر از سلامت جسمانی و روانی کامل برخوردار باشند و این موضوع در گرو تقویت جایگاه شهروند زن در جامعه شهری است.

۵. «زنانگی طراحی فضاهای شهری»: این جایگاه به قدری در جوامع شهری ما نادیده انگاشته شده است که بیشتر مردان، خود را مالکین اصلی خیابان‌ها، میادین و سایر عرصه‌های عمومی شهر می‌دانند و استفاده از

بر مبنای رویکرد توسعه انسانی، معاونت امور اجتماعی و توسعه مشارکتها.

مصفا، نسرين (۱۳۷۳) نقش مشارکت سیاسی در توانا سازی زنان، مجله سیاست خارجی، سال هشتم، شماره ۳. موسوی، سید یعقوب (۱۳۸۱) مشارکت زنان در گفتگوی تمدن‌ها، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۲.

مهديزاده، جواد (۱۳۸۷) درآمدی بر نظریه های شهر و جنسیت در جستجوی شهرهای انسانی تر، مجله جستارهای شهرسازی، شماره ۲۵، ۱۳۸۷

نادعلی، لیلا (۱۳۸۵) مدیریت زنان، مجله مدیریت شماره ۱۱۶.

اندرو هی وود (۱۳۷۹) درآمدی بر ایدئولوژی های سیاسی، ترجمه محمدریعی مهرآبادی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹، ص ۴۰۹.

آیت الهی، زهرا (۱۳۸۱) زن و خانواده، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، تهران.

بامداد، شیدا، (۱۳۷۶) بررسی عوامل مؤثر بر میزان های اشتغال زنان در ۲۵۲ شهرستان کشور - سال ۱۳۷۵، مجموعه مباحث و مقالات همایش تدوین برنامه سوم توسعه کشور، سازمان برنامه و بودجه، تهران.

حسینی، زهرا (۱۳۸۱) ضرورت و محدودیتهای اشتغال زنان، نشر جامعه، تهران.

حکیم پور، محمد (۱۳۸۳) حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، انتشارات نغمه نوازش، ایران چاپ، تهران.

خواجانه نوری، بیژن، عبدالعلی لهسایی زاده و جهانگیر جهانگیری (۱۳۸۴) بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی، مطالعه موردی استان فارس، مجله هی جامعه شناسی ایران، دوره ۳، شماره ۳، ص ۱۲۴-۱۴۵.

دعایی، حبیب الله و مردانه، کریم (۱۳۷۷) بهسازی منابع انسانی، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد. رایینز، استیفن (۱۳۷۴) مدیریت رفتار سازمانی، ترجمه اعرابی و پارسائیان، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، تهران.

سفیری، خدیجه (۱۳۷۷) جامعه شناسی اشتغال زنان، تبیان.

سعید زاده، سید محسن (۱۳۷۴) مشاغل زنان، پیام زن،

پارک ها و فضاهای باز برای زنان اغلب، کاری خلاف عرف تلقی می شود. این مشکلی است که برای دختران جوان در شهرهای کوچک جلوه پررنگ تری دارد و کلید حل این مشکل در وهله نخست، در دست مدیران شهری و شهرسازان است. اختصاص خرده فضاهایی در دل عرصه های همگانی که برای استفاده زنان در بیشتر ساعات روز مناسب باشد، راهبردی مناسب برای دستیابی به این مهم است.

منابع و مآخذ

ماجدی و دیگران (۱۳۹۴) شناسایی شاخصهای مؤثر بر مشارکت زنان در طرح های توسعه شهری، باغ نظر، شماره ۳۲.

افشاری، زهرا و ابراهیم شیبانی (۱۳۸۰) «تجزیه جنسیتی بازار کار ایران»، پژوهش زنان، شماره ۱.

بابایی زکلیلی، محمد علی (۱۳۸۵) چالش های زنان برای ارتقاء به مشاغل دولتی، فصلنامه مدرس علوم انسانی ویژه مدیریت.

البرزی، شهلا و خیر، محمد، (۱۳۸۷) راهکارهای اجرایی حضور زنان در برنامه ریزی های کلان کشور از دیدگاه زنان توانمند دانشگاهی، مجله پژوهش زنان شماره ۱.

بشیریه، حسین (۱۳۸۷) جامعه شناسی سیاسی، تهران: نشر نی.

بیابانی، جهانگیر (۱۳۸۵) کار زنان و پدیده بیکاری ساختاری در کشور، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۳۱ و ۲۳۲.

بیرو، آلن (۱۳۶۶) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.

دوورژه، موریس (۱۳۵۸) جامعه شناسی سیاسی، ترجمه ابولفضل قاضی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

زاهدی، شمس السادات (۱۳۸۲) ارتقای مشارکت زنان در سطوح مدیریتی ایران، مجله دانش مدیریت شماره ۶۲.

کمالی، افسانه (۱۳۸۰) «رہیافت مشارکت زنان در توسعه: پیش شرط ها و موانع»، فصلنامه پژوهش زنان، تهران، دوره ۱، شماره ۱.

مدیری، آتوسا (۱۳۸۵) جرم خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۲.

مرکز امور مشارکت زنان (۱۳۸۰) بررسی آمار وضعیت زنان

رضا زاده، راضیه (۱۳۸۸) بررسی عوامل محدود کننده حضور زنان در فضاهای شهری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۸، صص ۱۰۵-۱۱۴.

ضابطیان، الهام، رفیعیان، مجتبی (۱۳۸۷) درآمدی بر فضاهای امن شهری با رویکرد جنسیتی، مجله جستارهای شهرسازی، شماره ۲۵-۲۴، صص ۴۸-۵۵.

کاظمی، مهرنوش (۱۳۸۸) رویکرد تحلیلی به مقوله جنسیت و تأثیر آن بر کیفیت فضا، نشریه هویت شهر، شماره ۴، صص ۴۷-۵۸.

مهدیزاده، جواد (۱۳۸۷) در جستجوی شهرهای انسانی تر، مجله جستارهای شهرسازی، شماره ۲۵-۲۴، صص ۶-۱۹. یان مکنزی و دیگران (۱۳۷۵) ایدئولوژی های سیاسی، ترجمه م. قائد، نشر مرکز، ۱۳۷۵، مقاله «فمینیسم»، نوشته ویک ویلفورد.

Friedan. Betty. (1903). The Feminine Mystique. New York: Norton . Rosaldo. Michelle and Lousie Lomphere.eds. 1974. Woman Culture and Society. Stendord. Stranford University Press.

Mead. Margaret. (1928). Coming of Age in Somoa. New York: W. Morrow and Co.

Mead Margaret. (1950). Sex and Temperament. New York. New American Library.

Ortner. Sherry. (1914). Is Female to Maleas Nature is to Culture?In Anthropological Theory. Pp. 402- 413. Reprint in Anthropological Theory. John McGree and Richard Worms.eds . CA: Mayfield Publishing Company.

Ritzer. George (1988). Sociological Theory: 2nd.ed. New York: Alfred A. Knopf pub.

شادی طلب، ژاله و علیرضا گرانی نژاد (۱۳۸۳) فقر زنان سرپرست خانوار، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۱، تهران، صص ۴۹-۷۰.

طالبیان، احمدرضا و وفایی، فاطمه (۱۳۸۵) الگوی جامع توانمندسازی منابع انسانی، مجله تدبیر، تهران.

فتاحی زاده، فتیحه (۱۳۸۳) زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، قم.

فرخی، طاهره (۱۳۸۱) نقش زنان در توسعه پایدار و تواناسازی زنان، ماهنامه تعاون، دوره جدید، ش ۷۴، صص ۷۶-۷۹.

فروزان، ستاره و اکبر بیگلریان (۱۳۸۲) زنان سرپرست خانوار: فرصتها و چالشها، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۵، تهران، صص ۳۵-۸۲.

فروزان، ستاره (۱۳۷۹) طرح بررسی شاخص های فقر انسانی در زنان سرپرست خانوار خدمت گیرنده از سازمان بهزیستی کشور، سازمان بهزیستی کشور، تهران.

قدیر، محسن (۱۳۸۰) اشتغال زن از منظر غرب و اسلام، مجموعه مقالات هم اندیشی بررسی مسایل و مشکلات زنان، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، تهران.

کتابی، محمود، یزدخواستی، بهجت و زهرا فرخی راستابی (۱۳۸۲) توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، سال ۳، شماره ۷، تهران، صص ۵-۳۰.

لانگه، سارا (۱۳۷۲) معیارهایی برای تواناسازی زنان، نقش زنان در توسعه، انتشارات روشنگران، تهران، چاپ اول.

اندرو وینسنت (۱۳۷۸) ایدئولوژی های مدرن سیاسی، ترجمه مرتضی ناقب فر، تهران، ققنوس، ۱۳۷۸، صص ۲۴۸ تا ص ۲۵۱.

پارسا، غفار (۱۳۸۷) زنان و فضای شهری، روزنامه اعتماد ملی، شماره ۶۹۸، صص ۷.

پاملا ابوت و کلر والاس (۱۳۷۶) درآمدی بر جامعه شناسی (نگرش های فمینیستی)، ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران، دنیای مادر، ۱۳۷۶.

جان استوارت میل (۱۳۷۹) انقیاد زنان، ترجمه علاءالدین طباطبائی، تهران، هرمس، ۱۳۷۹. آندره میشل، پیکار با

پویاسازی پیاده‌روها و معابر شهری با تاکید بر کاربری گرافیک محیطی

مریم نادری - گروه ارتباط تصویری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
امید ابراهیم* - هیئت علمی، گروه ارتباط تصویری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

شهرها در گذشته از قابلیت پیاده‌مداری بالایی بهره می‌برده‌اند که به موجب انقلاب صنعتی و گسترش حرکت اتومبیل موضوع حرکت پیاده در شهرها به فراموشی سپرده شد. پیاده‌روی به دلیل کم‌هزینه بودن، در دسترس بودن و عدم وابستگی به عنصری خاص به عنوان اصلی‌ترین الگوی جابجایی در داخل کانونهای زیستی به شمار می‌رود. به دنبال آلودگی‌های زیست محیطی، کاهش سوخت فسیلی و پایین آمدن کیفیت فضاهای شهری، سیاست استفاده از حمل و نقل عمومی و کاهش استفاده از اتومبیل شخصی رواج یافت و در این راستا رویکرد برنامه‌ریزی و طراحی شهری در جهت احیاء حرکت و حضور عابر پیاده در فضاهای شهری در چند دهه اخیر شکل گرفته است. در این پژوهش به بررسی عناصر تصویری و چگونگی تاثیرگذاری آنها به عنوان عناصر پویاساز فضاهای شهری پرداخته می‌شود. هدف دستیابی به درکی عمیق‌تر از تصاویر و تاثیر آنها بر روی انسان و برخوردی مفهومی‌تر با مقوله طراحی عناصر شهری در محیط با توجه به روانشناسی رفتار اجتماعی و ادراک جمعی است که بتوان آن را در قالب طراحی معماری و طراحی منظر شهری را مدنظر قرار داد. پرسش این پژوهش این است که تاثیر عناصر گرافیک محیطی بر انسان در راستای پویاسازی فضاهای شهری چیست؟ نکاتی که مورد بررسی قرار گرفته شامل انواع عناصر تصویری بوده و همچنین تاثیرگذاری طراحی منطقی بر اساس روان‌شناسی و فیزیولوژی انسان برای پویاسازی شهری با توجه به اطلاع‌رسانی لحظه‌ای و بررسی اهداف ادراک جمعی در طولانی مدت می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با طراحی منطقی عناصر تصویری مبتنی بر استفاده مناسب از گرافیک محیطی و بررسی درک روانشناختی از انسان و حافظه جمعی در فضاهای شهری (در سطوح کوچک یا بزرگ) تاثیرات عمیقی را بر شهروندان و عابرین پیاده در محیط و فضاهای شهری طراحی شده می‌توان گذاشت که به پویاسازی فضاهای شهری منجر می‌شود.

واژگان کلیدی: پویاسازی، معابر شهری، گرافیک محیطی.

Activating walkways and urban streets with emphasis on the application of environmental graphics

Abstract:

Ancient cities had a high level of walking accessibility, afterwards following that industrial revolution and dominance of personal cars over transport systems the idea of walking faded away. Walking as a cheap and available way of transportation that has no need to specific device is always popular with all social classes in any kind of living contexts. When urban atmospheres were affected by air pollution and lack of fossil fuels, reducing quality level of urban spaces usage of public transportation and avoid-ing personal became popular among citizens. In this study, the visual elements and how they influence as activating elements of the urban spaces. Achieve a deeper understanding of sounds, images and their impact on human and contextualized approach to the issue of urban design elements in the environment due to the collective perception psychology and social behavior in the environment that can be in the form of architectural and landscape design considered. The questions of the environmental impact of the graphic elements are in line with the activating urban spaces? The points discussed include a variety of visual elements as well as the effectiveness of rational design based on human psychology and physiology city for activating According to the notification the moment and review the purposes of collective perception in the long term. The results show that the rational design of visual elements and check on the proper use of environmental graphics psychological understanding of human and collective memory in the urban areas (at micro and macro levels) and citizens profound effects on the environment and urban spaces pedestrians which was designed to lead to activating urban spaces.

Keywords: activating, urban streets, environmental graphics.

مقدمه

موضوع علم «طراحی شهری» خلق فضاهای عمومی با کیفیت در سطح شهر می باشد، آن جا که زندگی عمومی افراد در جریان است و در خیابان و میدان و پارک، مردم با ویژگی ها و کیفیت های مطلوب و نامطلوب آن در تماس مستقیم قرار می گیرند. «سرزندگی و پویایی» به عنوان یکی از مولفه های کیفیت طراحی شهری به همراه ۱۶ مولفه دیگر در خلق فضاهای باکیفیت مطرح است (گلکار، ۱۳۸۷، ص ۱۱). همچنین، شهر مجموعه ای از ترکیب عوامل مختلف طبیعی، اجتماعی و محیطی ساخته شده توسط انسان است. اهمیت طراحی مناسب «عناصر و المانهای گرافیکی شهری»، امری است که باید توجه ویژه ای به آن داشت تا در نهایت سبب افزایش کیفی و کمی محیط زیست شهر و ایجاد امنیت و آسایش برای شهروندان گردد. باید در نظر داشت که امروزه با صنعتی شدن زندگی-های شهری کمتر حس تعلق به مکان و خاطره انگیزی را در شهروندان می توان جستجو کرد، چراکه در شهرها مکانی و یا عناصری به این منظور طراحی نگردیده است. همچنین عوامل تأثیرگذار بر کیفیت فضای شهری و میزان پاسخ دهندگی محیط گوناگون بوده و نظریه پردازان مختلف با ارائه دسته بندی های متفاوت به آنها اشاره نموده اند. این عوامل عبارتند از: «پویایی و سرزندگی، خوانایی، تنوع، انعطاف پذیری محیط، امنیت، نفوذپذیری و سهولت دسترسی، هماهنگی اجزای تشکیل دهنده فضای شهری و ...» (بنتلی و همکاران ۱۳۸۹، تیبالدز ۱۳۸۷، پامیر ۱۳۸۹) که توسط برنامه ریزی و طراحی شهری قابل دستیابی هستند.

از آن جا که در شرایط امروزی شهرها فضاهای عمومی آن معرف هویت و شخصیت و میزان رونق و جذابیت یک شهر هستند، در صحنه رقابت شهرهای مختلف به لحاظ جذب سرمایه ها، جذب نیروی انسانی، جذب توریسم و غیره «ارتقاء کیفیت بصری محیط» از مهم ترین امور است. تغییر شرایط

در جوامع شهری، توسط تغییرات اخیر در الگوهای زندگی خیابان بهتر و واضحتر می تواند توضیح داده شود. امروزه در سرتاسر دنیا مراکز شهری «سواره محور» به سیستم «پیاده راه ها» تبدیل شده اند؛ زندگی در فضاهای عمومی چه نزدیک و چه دور از فعالیت های تجاری، به طور برجسته ای افزایش یافته است و زندگی شهری کاملاً تفریحی و اجتماعی نیز رشد یافته است.

از سویی دیگر، «عناصر تصویری» یکی از عناصر مهم طراحی فضاهای شهری هستند که بی شک در بسیاری از موارد نیز جزء نشانه های یک شهر محسوب می شوند که متأسفانه مورد توجه نبوده و به دست فراموشی سپرده شده است. شهر یک اثر هنری بزرگ است که آفرینندگانی به وسعت خود و به تعداد جمعیتش دارد. امروز یکی از بزرگترین مشکلات مطرح شده در جوامع رو به رشد، فاصله بین انسان و طبیعت و عدم شناخت صحیح انسان از ذات خود و خواسته های درونی آن در زندگی شهری است. با توجه به گستردگی موضوع مطمئناً نمی شود راه حل قطعی برای آن پیدا کرد اما با روشهای بسیار ساده می توان آن را در جهت مثبت هدایت نمود؛ برای مثال می توان با استفاده از عناصر صوتی و تصویری مکان هایی برای مکث، خلایقیت، پرورش و نزدیک شدن به ذات جستجوگر و فعال بشر طراحی گردد تا فضاهای شهری که قابلیت پذیرش و نیاز این عناصر را دارا می باشند، شکل گیرند. هدف نهایی یک شهر ایجاد محیطی خلاق برای انسان هایی است که در آن زندگی می کنند و محیطی است که با توجه به سلائق و تفکرات مختلف و زمینه های خلایقیت و رشد افراد را آزادانه برای افراد جامعه محیا می سازد. محیط های شهری فضاهایی هستند که بیشترین ارتباط را با انسان و فضای زندگی پیرامونشان ایجاد می کنند و این بهترین بهانه برای سازماندهی فضاهایی برای رشد و پرورش خلایقیت، ایجاد ارتباط و مکانی برای شکل گیری خاطره و در ادامه آن ایجاد حس تعلق به

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

■ ۵۰ ■

۱. سوره نحل آیات ۹۵ تا ۱۰۰ ناظر به مفهوم حیات طیبه قرآنی است. ضمن آنکه واژه قرآنی حَيَوَةٌ طَيِّبَةٌ در آیه ۹۷ سوره نحل ذکر شده است.

مکان است.

موضوع مورد بررسی در این پژوهش تاثیر تصویری در طراحی محیطی و طراحی شهری به منظور ایجاد مکان‌هایی پویا و خاطره‌انگیز در پیاده‌راه‌های شهری است که در ادامه به تفصیل مورد اشاره قرار می‌گیرد.

ادبیات نظری

پیاده‌راه‌ها

«تیبالدز» پیاده‌راه‌ها را چیزی بیش از مجموعه مغازه‌ها می‌داند. از نقطه نظر وی این مکان‌ها زمینه‌های فرهنگی، تفریحی، فراغتی، گردشگری، زندگی مدنی و تبادل دیدگاه‌ها، عقاید و نظرات جامعه را فراهم می‌آورند (تیبالدز، ۱۳۸۵، ص ۷۶). «رابرت کوآن» بر این باور است که: «پیاده‌مدار کردن عبارت است از ایجاد خیابان‌ها یا فضاهای رها از آمدوشد سواره» (Cowan, 2005, p.285).

«روبرتو برامبیللا» و «جیانی لونگو» خیابان‌های پیاده‌راه را خیابان‌های منفردی می‌دانند که بر روی جریان ترافیک بسته شده و دسترسی وسایل نقلیه موتوری در شرایط اضطراری وجود دارد و به سرویس‌های خدماتی و حمل بار در ساعات محدودی اجازه تردد داده می‌شود (Brambilla, 2003, p.638)؛ وی در بحث برنامه‌ریزی پهنه‌های پیاده‌بیان می‌کند که موفقیت پهنه پیاده به برنامه جامع سیستم ترافیک وابسته است. برنامه باید مشکلات بالقوه افزایش ترافیک و نیاز به فضای توقف در خیابان‌های همجوار را در نظر داشته باشد و شرایط حمل بار و خدمات رسانی فراهم شود (Brambilla, 2003, p.639). «هالپرین» از خیابان پیاده به عنوان ساده‌ترین بخش چندمنظوره و حیاتی فضای باز شهری نام می‌برد. به باور او طراحان شهری باید کیفیت‌های زیباشناسانه خیابانهای قدیمی، از جمله آرامش، حس همسایگی و مقیاس شهری را با عبارات مدرن امروزی باززننده سازند (Halprin, 1963, p.15). وی همچنین در طراحی فضاهای شهری مناسب برای عابر پیاده تأکید می‌کند که برنامه‌ریزی و طراحی می‌بایست

از دید پیاده صورت پذیرد (Halprin, 1963, p.194). «یان گهل» معتقد است کاستن فواصل، کم کردن سرعت حرکت از سواره به پیاده، کاهش تعداد طبقات و اختلاف ارتفاع‌ها و جهت‌گیری رویاروی کانون‌های فعالیتی راهکارهایی هستند که می‌تواند امکان بالقوه تماس افراد و حضور آن‌ها در فضا را تا سطح بالفعل بالا ببرد (Gehl, 1987, p.64).

از سوی دیگر، «یک عده افرادی هستند که به قصد تفریح وارد فضاهای شهری می‌شوند و به دنبال کسب تجربه‌ای لذت‌بخش از فضا هستند. برای این گروه معنای تفریح در واقع یک تجربه احساسی و لذت‌بخش است که با تمایل افراد در هنگام فراغت به آنها دست می‌دهد» (مجنونیان، ۱۳۷۴، ص ۱۶). از آنجا که تجربه لذت توسط کلیه حواس صورت می‌گیرد و یکی از این حواس حس باصره است که بعنوان رشد یافته‌ترین حس در انسان، نقش قابل توجهی در احساس لذت انسان از فضای شهری دارد، زیبایی‌های بصری - که به طور مستقیم با طراحی گرافیک شهری و گرافیک محیطی ارتباط دارد - برای این گروه حائز اهمیت می‌باشد. از طرفی لنگ زیبایی بصری را جز نیاز انسان دانسته (پاکزاد، ۱۳۸۸، ص ۳۹) و «کامیلوسیت» زیبایی‌های بصری کالبد شهر را موجب حس غرور و افتخار مردم آن شهر می‌داند (شماعی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۹).

افرادی هستند که به قصد انجام فعالیت‌های اجباری وارد فضای شهری می‌شوند و معمولاً دارای زمان کافی نبوده و به دنبال اهداف خود هستند. این افراد واقعا به اشیاء نگاه نمی‌کنند بلکه تنها میزانی از آن را می‌بینند تا حدی که تشخیص دهند این اشیاء به کدام نوع یا گروه تعلق دارند و سپس از آنها می‌گذرند (Taylor, 2009, p.194). به همین جهت پویایی و خوانایی فضا برای این افراد اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

سرزندگی و پویایی فضایی

مهم‌ترین عامل در خلق فضاهای پویا و سرزنده، تامین شرایطی است که در آن ارتباط اجتماعی،



نمودار ۱. ارتباط سرزندگی مکانی، پیاده روها و گرافیک محیطی؛ ماخذ: نگارندگان.



نمودار ۲. ارتباط طراحی شهری با سایر هنرهای مرتبط با ایجاد پویایی و سرزندگی فضایی؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان.

محیطی در این رابطه نظر دارد. پیاده راه ها و تداوم و سرزندگی زندگی شهری باید گفت که مسئله مهمی که باعث شده است زندگی شهری در مقیاس محلات مسکونی جریان نیابد، فقدان فضاهای مناسب برنامه ریزی شده و طراحی شده در فاصله میان ساختمان ها و مسیرهای سواره است. عدم رابطه منسجم میان ساختمان با معابر و فضاهای عمومی باعث ایجاد اختلال در زندگی اجتماعی و نیز وجهه زیبایی شناسانه شهر می شود. «در بعد اجتماعی، فقدان فضای مناسب یا به عبارت دیگر، بی مکان شدن شیوه های مختلف زندگی اجتماعی و محبوس شدن آن ها در حریم خانه ها، رابطه متقابل بین انسان و شهر را عمیقاً مختل کرده و موجب تنزل کیفیت زندگی شهری

زمان های حضور مردم و نیز امکاناتی برای مکث و توقف تشویق گردند. حال با دانستن این نکته که برای خلق یک محیط سرزنده بایستی به تامین شرایط دعوت کنندگی در فضاهای شهری پرداخت، سوال بعدی این است که چه چیزی یک فضای شهری را به مکانی گیرا برای ماندن تبدیل می کند؟ پاسخ این سوال مکانی است که در آن: ۱- مکانی که از مردم محافظت به عمل آمده و تامین کننده امنیت و ایمنی مردم باشد. ۲- مکانی که در آن مردم از آسایش و راحتی فیزیکی و اجتماعی برخوردار شوند. ۳- در نهایت بتوانند در آن فضا لذت برده و تجاربی از بودن کنار مردم را تجربه کنند. پاسخ پیش فرض این تحقیق به جایگاه گرافیک



تصویر ۱ و ۲. استفاده از حجمها و مجسمه های شهری برای ایجاد سرزندگی و پویایی فضاهای پیاده؛ ماخذ: سایت شهر فلوریدا، آمریکا.

و تجریدی شدن کامل آن خواهد شد» (افشارنادری، ۱۳۷۶، ص ۶۸).

معابر پیاده یا پیاده راه ها، معابری با بالاترین حد نقش اجتماعی هستند که تسلط کامل با عابر پیاده بوده و تنها از وسایل نقلیه موتوری به منظور سرویس دهی به زندگی جاری در معبر استفاده می شود. این معابر می توانند به صورت کوچه، بازار، بازارچه، مسیری در میدان، پارک یا فضای یک مجتمع شکل بگیرند. پیاده راه ها با از میان بردن ترافیک عبوری سواره در بخشی از شهر ایجاد می شوند، و به دلایل معمارانه، تاریخی یا تجاری شکل می گیرند. پیاده راه ها، محل حضور همه شهروندان و مشارکت آنان در زندگی جمعی شان می باشد. این فضاها در مقیاس همه شهر عمل کرده و پذیرای گروه های مختلفی از شهروندان می باشد. پیاده راه ها علاوه بر نقش ارتباطی و دسترسی، مکانی امن و راحت برای تماس اجتماعی، گردش و تماشا فراهم می آورد. در پیاده راه ها، آزادی عمل انسان پیاده برای توقف، مکث، تغییر جهت و تماس مستقیم با دیگران بسیار زیاد است. از این رو شهروندان به تدریج به حضور در شهر و انجام فعالیت های مدنی عادت کرده و زمان بیشتری را در فضاهای شهری می

گذرانند و این به نوبه خود به بهبود و ارتقاء فرهنگ و عادات شهرنشینی؛ از جمله رعایت حقوق دیگران و احساس مسئولیت در برابر جامعه کمک می کند که به خصوص برای جوانان و کودکان می تواند نمونه زنده آموزشی محسوب شود. «سرزندگی» از ویژگی های اساسی و اصلی پیاده راه هاست، از این رو می بایست در پیاده راه ها همواره زندگی اجتماعی در جریان باشد. این فضا همچنین می بایستی بتواند جاذب طیف وسیعی از شهروندان بوده و خود را همواره با رویدادهای درون خود هماهنگ سازد. لذا «انعطاف پذیری» نیز از ویژگی های مهم در پیاده راه هاست و در نهایت آنچه که متضمن حضور همه شهروندان و زندگی دایمی در پیاده راه هاست، ایمنی این فضا می باشد.

بر اساس دیدگاه لینچ که در کتاب «سیمای شهر» آمده است، جداره های پیاده روهای شهری در صورت خوانا بودن می توانند به مسیر یابی و ایجاد تصویر ذهنی از شهر در ذهن شهروندان کمک نماید (لینچ، ۱۳۸۷)؛ هرچند در خوانایی فضاهای شهری عوامل مختلفی نقش دارند که لینچ آنها را در ۵ گروه «لبه ها، نشانه ها، محله ها، گره ها و راه ها» دسته بندی نموده است (لینچ، ۱۳۸۷). از طرفی



طراحی گرافیک،
روشنایی معابر و
پویاسازی پایده روها و
معابر شهرها

تصویر ۳ و ۴. نورپردازی و استفاده از طراحی های خاص گرافیکی در آنها می تواند سبب گیرایی و جذابیت فضایی و در نتیجه پویایی و سرزندگی پیاده روهای شهری گردد؛ ماخذ تصویر: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۵ و ۶. توجه به جداره، بدنه، کفسازی و جزییات المانها و عناصر ثابت فضا منجمله مبلمان شهری و اثربخشی طراحی گرافیک در طراحی آنها می تواند باعث ایجاد پویایی و سرزندگی فضایی در پیاده روها و معابر شهری گردد؛ ماخذ: آرشیو نگارندگان.

خوانایی جداره صرفاً به دلیل زیبایی نمی باشد. به عنوان مثال تاریخی یا نوساز بودن ساختمان های یک جداره نیز ممکن است در ذهن افراد نقش بیند (لینچ، ۱۳۸۷). از طرفی اینگونه استنباط می شود که خوانایی جداره ها به همراه سایر پارامترهای خوانایی می تواند موجب کاهش فشار روانی محیط شده و در نتیجه در کاهش عواقب آن از جمله بیماری های جسمی و روحی (مک اندرو،

۱۳۸۷، ص ۱۱۴) و حتی کناره‌گیری‌های اجتماعی مؤثر باشد (مک اندرو، ۱۳۸۷، ص ۲۲۹)؛ چرا که فشار روانی محیط در برخی موارد ناشی از بار بیش از حد محیطی است که فراتر از ظرفیت‌های محدود توجه فرد بوده و منجر به برانگیختگی بیش از حد و خستگی ذهنی افراد می‌گردد.

نظریه‌های پویایی و سرزندگی طراحی شهری این نظریه‌ها عبارتند از:

۱. «نظریه ظرفیت توجه»: بر طبق الگوی ظرفیت توجه «کاهنمن» همه فعالیت‌هایی که به توجه فعال نیاز دارند اندازه ظرفیت پردازش مرکزی ذهن را محدود می‌نمایند. بار محرک‌های شدید و غیرقابل پیش‌بینی (مک اندرو، ۱۳۸۷، ص ۲۵۱) و نیز پیچیدگی‌های محیطی (مک اندرو، ۱۳۸۷، ص ۷۹) توجه بیشتری را طلب نموده و ظرفیت در دسترس ذهن را محدود می‌نماید؛ بنابراین تکالیف مشکل و ناآشنایی که به توجه زیادی نیاز دارند با افزایش سطح برانگیختگی دچار مشکل می‌شوند (مک اندرو، ۱۳۸۷، ص ۲۵۱). همچنین پیش‌بینی ناپذیری و کنترل ناپذیری تصور محیطی نیز که شخص را به حالت درمانده و ناتوان در انطباق با محیط رها می‌سازد می‌تواند منجر به فشار روانی محیط گردد (مک اندرو، ۱۳۸۷، ص ۱۱۴).

برانگیختگی و تسلط همچنین بر تعیین واکنش هیجانی افراد مؤثر می‌باشند.

۲. «نظریه عاملی هیجان»: بر اساس «نظریه سه عاملی هیجان» که توسط روانشناسان محیطی «آلبرت محرابیان» و «جیمز ای راسل» عنوان گردیده است، سه بعد در تعیین واکنش هیجانی افراد و کیفیت عاطفی محیط نقش دارند که عبارتند از:

- «بعد خوشایندی - ناخوشایندی» که نشانگر مقدار احساس شادی، رضایتمندی و خرسندی در مقابل ناراحتی، نارضایتی و ناخرسندی فرد است.
- «بعد تسلط - فرمانبرداری» که نشانگر حدی است که در یک طرف آن شخص در محیط احساس محدود، مرعوب یا کنترل شدن از طرف دیگران را دارد.
- «بعد برانگیختگی - آرامیدگی» که به صورت ترکیبی از فعالیت (هیجانی در مقابل غیرهیجانی) و هشیاری (بیداری کامل در مقابل خواب‌آلودگی) در نظر گرفته می‌شود. نمرات برانگیختگی در این بعد وقتی بالا خواهد بود که هم فعالیت و هم هشیاری بالا باشند، وقتی در حد متوسط اند که یکی بالا و دیگری پایین باشد و زمانی پایین هستند که احساسات فعالیت و احساسات هشیاری هر دو پایین

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

■ ۵۵ ■



طراحی گرافیکی مناسب معابر پیاده، باعث ایمنی شهروندان، نظم‌پذیری، زیبایی فضای شهر و دعوت به پیاده روی و استفاده از محیط بیرون از منزل خواهد شد.

باشند.

هرکدام از این ابعاد مستقل از یکدیگرند، بنابراین ممکن است احساسات مربوط به یک بعد کاملاً تغییر کند در حالی که احساسات ابعاد دیگر همانگونه باقی باشد. ترکیبات متفاوت این سه بعد به تجارب هیجانی متفاوتی می‌انجامد. برای مثال احساسات خوشایندی و برانگیختگی پایین همراه با تسلط بالا به خستگی، احساس خوشایندی کم، برانگیختگی بالا و تسلط پایین به اضطراب منجر می‌شود (مک اندرو، ۱۳۸۷، ص ۷۷). با توجه به نظریه سه عاملی هیجان اینگونه استنباط می‌شود که در میان عوامل مختلف محیطی، پیاده‌روها از جمله مواردی هستند که در تعیین این سه بعد نقش ایفا می‌کنند. این ابعاد با توجه به اهداف شهروندان می‌تواند به طرق مختلفی تفسیر شود. به عنوان مثال زیبایی پیاده‌روها برای افرادی که به قصد تفریح وارد فضای شهری می‌شوند می‌تواند بر خوشایندی آنها تأثیر بگذارد. همچنین پیچیدگی های فضا برای این افراد به ایجاد سطح بالاتری از برانگیختگی می‌انجامد که با توجه به ظرفیت آزاد ذهن افراد جذابیت بیشتری برای آنان خواهد داشت. از طرف دیگر برای کسانی که به قصد انجام فعالیت های اجباری وارد پیاده‌روها می‌شوند، با توجه به اینکه ظرفیت ذهنی این افراد با توجه به نوع تکالیف و اهداف آنها محدودتر است، خوانایی محیط به دلیل سهولت مسیریابی و افزایش تسلط بر محیط و نیز کاهش برانگیختگی بی‌مورد ناشی از یافتن مسیر و یا کاربری مورد نظر می‌تواند بر خوشایندی و رضایتمندی افراد تأثیر بگذارد. بنابراین با توجه به اهمیت این سه بعد و نوع هدف افراد در فضا می‌بایست پیاده‌روها شهری دو اصل زیبایی و خوانایی را به صورت همزمان برآورده سازند که این امر نیازمند گرافیک محیطی کارآمد در فضاهای شهری خواهد بود.

پیاده‌راه‌ها و گرافیک محیطی

از دیدگاه «گرافیک محیطی» می‌توان المان‌های

صوتی و تصویری را عنصر مناسب و گویایی برای این نوع ارتباط‌ها دانست. می‌توان با استفاده از این عناصر، فضایی را در مسیر پیاده‌راه‌ها طراحی نمود تا توجه عابرانی که با سرعت هرچه تمام‌تر برای جانماندن از زندگی ماشین‌ها در حال عبور هستند بی‌آنکه به اطراف خود توجهی داشته باشند، تا لحظه‌ای از سرعت خود کاسته، حتی برای چند لحظه هم که شده به منظور کنجکاوی نیز جذب این المان‌ها شده، و در نتیجه حادثه‌ای رخ دهد و خاطره‌ای ثبت شود. هویت که خود نیز نقش به‌سزایی در تعاملات اجتماعی دارد اینگونه تعریف می‌شود: حسها و تعلق خاطرهایی که فرد از محیط اطراف خود دارد و کیفیتها و توقعات متفاوتی را در ذهن بوجود می‌آورد که دست‌آوردی همچون خاطرات را دارد و نقش مهمی را در طراحی مبلمان شهری ایفا می‌کند، چراکه این هویت است که طراحی هریک از المان‌های شهری را منحصر به فرد می‌کند و به آن کالبد معنا می‌بخشد. این المانهای صوتی و تصویری هستند که می‌توانند به گونه‌ای طراحی شوند که خاطره‌ای را که می‌سازند با مکان طراحی شده موضوعیتی داشته و بعدها با شنیدن آن صداها و یا دیدن گونه‌ای از رنگ‌ها و تصاویر، خاطراتی با موضوعیت مکانی مشخص یاد آوری گردد. با توجه به ساختار محلات قدیمی و عناصر موجود در آنها ثبت خاطرات برای انسان بی‌گمان آسان‌تر از محلات جدید است ولی در بعضی محلات که عناصر قدیمی وجود ندارد با احداث یک پیاده‌روی جدید یا به‌کارگیری نوعی کفپوش خاص، یا یک نورپردازی متنوع، و با طراحی المان‌های صوتی و تصویری خاص آن محله باعث هویت بخشی به آن محله شده به طوری که به دلیل داشتن چنین خصایصی از دیگر محلات شاخص‌تر به نظر می‌آید و همین عامل سبب به وجود آمدن حس تعلق در افراد آن محله شده است. پیاده‌راه‌ها در برخی از مناطق جذب سفر برای استفاده اختصاصی عابرین پیاده و یا اولویت‌دهی به استفاده



تصویر ۷ و ۸. التفات به معیارها، نمادها و فرهنگ ایرانی در طراحی مبلمان شهری می تواند سبب ارتباط شهروندان با فضاهای پیاده و در نتیجه پویایی موجود در آنها گردد.

نیست، بلکه نیرویی به هم پیوسته است که نتیجه توازن و انسجام همه اجزاء می باشد (شماعی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۶). «گروتن» نیز معتقد است «هماهنگی یا هارمونی نظامی است که بین اجزاء تشکیل دهنده یک پدیده وجود دارد» (گروتز، ۱۳۸۶، ص ۳۵۵). او بر این باور است که «مواد، رنگ ها، و طرح ظاهری همگی باید با یکدیگر هماهنگی داشته باشند و نیز لازم است که تابع نظامی برتر و فراگیر تر باشند» (گروتز، ۱۳۸۶، ص ۳۵۶).

با توجه به نظریات گفته شده اینگونه استنباط می شود که در بررسی پیاده روها ویژگی های انواع اجزای تشکیل دهنده جدا از جمله؛ ابعاد بدنه، موقعیت بدنه، جنس، بافت سطوح، رنگ، بازوها و گشایش ها و خلل و فرج های داخل آن می بایست با یکدیگر هماهنگ باشند و کلیتی را ایجاد نمایند. طبق نظر پاکزاد، شرط اساسی تشخیص چیزی به عنوان کل دست کم وجود شباهتی میان اجزاء آن است. برای اینکه چیزی به صورت یک کل دیده شود بایستی بین اجزاء آن حداقل در یکی از زمینه های شکل، اندازه، جنس، رنگ و یا محتوا شباهتی موجود باشد. هرچه نوع اجزاء از شباهت بیشتری برخوردار باشند زودتر در جمع به صورت یک کل به چشم خواهند آمد و هرچه هر جزء به تنهایی کاملتر باشد، مجموعه به مجموعه ای نامتجانس شبیه خواهد شد و کلیت مورد نظر فاصله بیشتری را از یک واحد

از عابرین پیاده طراحی می شوند. وجود مناطق اختصاصی برای عابرین پیاده، باعث ترغیب پیاده روی می گردد. ایجاد پیاده راهها یکی از روشهای اعمال محدودیت های ترافیک می باشد. پیاده راه ها، تسهیلات خاص و جاذب سفر برای عابران پیاده در نظر گرفته می شود. ساخت پیاده راه یا خیابانی که به عابرین پیاده اختصاص داده شود در شهر های بزرگ جهان متداول می باشد. هدف از ایجاد پیاده راه در مناطق تجاری مرکزی توجه به این اولویت قرار می گیرد، ایجاد مناطق مخصوص عابرین پیاده در مراکز تجاری باعث رونق اقتصادی شده و آلودگیها را در این مناطق کاهش می دهد. بطور کلی پیاده راه عبارت است از خیابانی که قبلاً توسط وسایل نقلیه موتوری مورد استفاده قرار می گرفته و از طریق اعمال محدودیت های شدید عبور و مرور برای وسایل نقلیه موتوری محیط مناسبی جهت تردد عابرین پیاده بوجود آمده است.

پیاده راه ها، طراحی گرافیک و زیبایی شناسی شهری

«زیبایی شناسی در معماری»، توسط افراد زیادی «ترکیب مناسب اجزای متضاد در کنار یکدیگر یا هماهنگی» تعریف شده است. به عنوان مثال «آندره پالادیو» زیبایی را نتیجه شکل و رابطه متقابل آن با کل تلقی می کند. «الکساندر پوپ» نیز نظری مشابه داشته و معتقد است زیبایی دقت اجزای خاصی

گرافیک شهری یا محیطی، مجموعه‌ای از ارتباطات و فرآیندهای تصویری است که کیفیت شکل‌گیری عناصر دیده شونده را بصورت متناسب و زیبا ارائه می‌کند. عرصه‌های اصلی عملکرد گرافیک شهری در نقاشی دیواری، رنگ در منظر شهری، و طراحی گرافیک کلیه نمودهای بصری می‌باشد که پویایی فضاهای شهر را به همراه دارد.

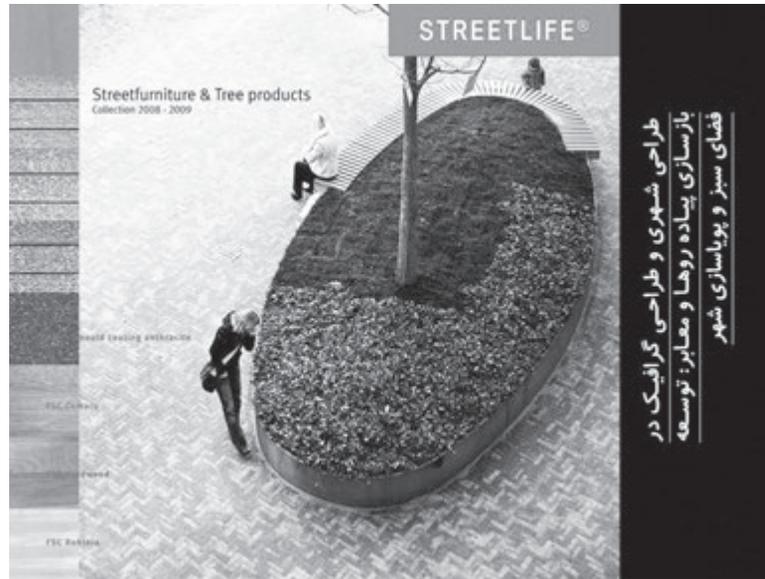


ساختمان‌های مشخص جداره را به عنوان نشانه در نظر می‌گیرند. بنابراین آشفتگی جداره‌های شهری نه تنها زیبایی محیط را تحت تأثیر قرار می‌دهد بلکه از خوانایی جداره‌ها و فضاهای شهری نیز می‌کاهد.

در نهایت می‌توان چنین نتیجه گرفت که با توجه به نحوه درک محیط توسط حس بینایی در انسان و نیاز به درک سریع کلیت فضا توسط افراد، استفاده از نظامی ساده که به راحتی قابل درک بوده و خاص یک فضای شهری باشد، برای کلیت جداره و اعمال نظامی پیچیده‌تر در جزئیات هر یک از نماها که موجب خوانایی تک‌تک آنها شده و از یکنواختی جداره می‌کاهد، در قالب نظم کلی جداره مناسب به نظر می‌رسد. بدین طریق می‌توان دو کیفیت «زیبایی شناختی» و «خوانایی» را به طور همزمان در پیاده‌روها تأمین نمود. استفاده مناسب از این دو پارامتر بر حس مکان و هویت فضا، احساس رضایت شهروندان از فضای شهری خود، غرور شهروندی و حس تعلق به مکان تأثیرگذار خواهد بود که در معیار زیبایی‌شناسی گرافیک محیطی نقشی عمده خواهد داشت.

همگون پیدا خواهد کرد (پاکزاد، ۱۳۸۸، ص ۶۱)؛ زمانی که هیچگونه قاعده‌ای برای ارتباط بین اجزاء مختلف وجود نداشته باشد آنچه به نظر می‌رسد تنها آشفتگی است (همو، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲).

از طرفی در هنگام دیدن یک شیء انسان به دنبال درک کلیت آن شیء است، چراکه ذهن انسان تمایل دارد هر ترکیبی را تا حد امکان، ساده کرده و تنش‌های موجود را کاهش دهد. جهت درک اشیاء انسان یا به کل بینی (گشتالت) و یا به جزء بینی می‌پردازد. در کل بینی یا گشتالت در وهله اول کلیت شیء درک شده و سپس جزئیات آن درک می‌گردد و در جزء بینی فرد سعی می‌کند که از طریق بررسی تک‌تک اجزاء به درک کلیت نائل آید (پاکزاد، ۱۳۸۸، ص ۱۱). در صورتی که کلیت درک نشود به ذهن سپاری فضا مشکل شده و فرد می‌بایست هر دفعه در هنگام مواجهه با آن فضا مجدداً با صرف انرژی فکری و زمان به بررسی فضا پرداخته و پردازش از پایین به بالا صورت گیرد (مک اندرو، ۱۳۸۷، ص ۳۷)، چراکه نمی‌تواند کلیت فضا را به ذهن بسپارد. هرچند در اغلب اوقات افراد از به ذهن سپاری فضا خودداری نموده و تنها برخی

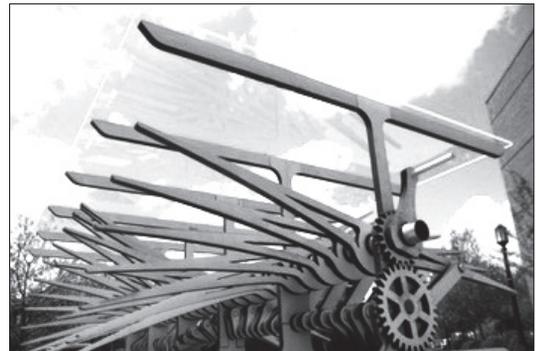
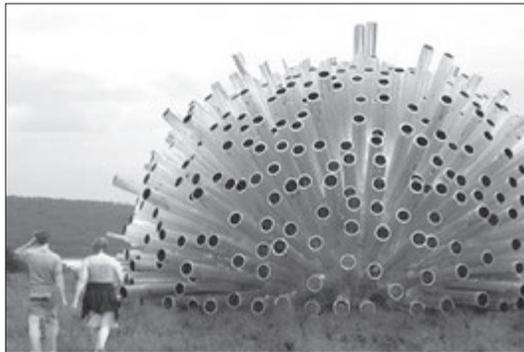


تصویر ۹. بهره گیری از طراحی گرافیکی جذاب در بدنه ها، کفسازی و طراحی منظر پیاده روها؛ ماخذ: سایت www.streetlife.com

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

■ ۵۹ ■



تصاویر ۱۱. بهره گیری از حجمها و مجسمه های شهری برای ایجاد جذابیت و گیرایی در فضاهای پیاده که پویایی فضایی را بهمراه دارد؛ ماخذ: آرشیو نگارندگان.

شهری که بیشتر به منظور توقف و استراحت طراحی شده بودند و همین طور میلمان موجود در آن ها هماهنگی و یکپارچگی قابل توجهی دیده می شد که با ورود مدرنیته به کلی این ارتباط دچار تزلزل

میلمان شهری و گرافیک محیطی
میلمان شهری به قدمت شهرها در ادوار مختلف تاریخی وجود داشته اند. اما آنچه که مسلم است تا پیش از ورود مدرنیته به ایران ارتباط میان فضاهای



تصاویر ۱۲. بهره گیری از گرافیک محیطی در طراحی مبلمان شهری موجود در پیاده راه ها در راستای افزایش ارتقاء پویایی فضایی؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان.

نداشتند و تنها برای ایجاد ترکیب شکلی و فضایی ساخته می شدند، و همچنین مواردی وجود داشت که فاقد سکو بود» (سلطانزاده، ۱۳۷۱، ص ۴۴). مبلمان موجود در فضای شهری با انواع و نوع چیدمانش، می تواند پیغام های اجتماعی مخابره کند. با برقراری امکاناتی برای برقراری ارتباط اجتماعی و تعاملات جمعی مبلمان در واقع حمایت خود را از اجتماع شهری اعلام می دارد. برای برقراری ارتباط اجتماعی انواع مختلفی از صندلی های متحرک، صندلی های ثابتی که دور یک میز چیده شده اند، یا نیمکت های ثابتی که رو به یکدیگر جهت گیری کرده اند و در نهایت صندلی هایی که با زاویه ای اما در فاصله اجتماعی (۳،۹-۱،۳۰ متر، ۴-۱۲ فوت) نسبت در کنار یکدیگر قرار گرفته اند. انواع دیگری از مبلمان مانند دیوارهای کوتاه یا نیمکت هایی که در کنج ها و با زاویه نسبت به یکدیگر قرار گرفته اند نیز به نوبه خود برای برقراری تعاملات مفید هستند (مین، گریت هانا، ۲۰۱۰، ص ۹۳).

بیان یافته ها و بحث

در راستای بررسی مسیرهای پیاده و چگونگی تاثیرگذاری طراحی گرافیکی در این محورها، چند نمونه موردی مشتمل بر: خیابان سپهسالار تهران، گذر مروی، چهارباغ اصفهان، و خیابان کشاورز تهران به عنوان بستر مورد مطالعه قرار گرفت. روش کار

گردید. در دوره قبل از معماری و شهرسازی مدرن (تا اواسط قاجاریه) شامل پاخوره ها، سکوها، ساباط، آب انبار، آلاچیقها، سنگاب ها و حوض می شده است. تمامی این مبلمان ساده در فضاهای شهری آن دوران نقش بسیار مهمی در ایجاد فضاهایی برای سکون و استراحت و یا انجام تعاملات اجتماعی محسوب می شده اند. دوره معماری و شهرسازی مدرن (اواسط قاجاریه به بعد)، تشکیل دولت قاجار با تحولات وسیع اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی همراه شد که تار و پود سازمان کهن زیست و تولید در اروپا را به هم ریخت. «در فضای شهری آن دوران خیابان مهمترین عاملی است که این نقش را ایفا کرده است و بیشترین تاثیر را بر حذف یا تغییر مبلمان گزارده است. در دوره قاجار با ظهور پدیده خیابان، نمای ساختمان ها نیز مهم گردید و درحالی که در گذشته خانه ها به صورت درونگرا ساخته شده و کمتر بازشو به فضای خارجی داشتند در بعد از قاجار خانه ها به صورت برون گرا و با نما ساخته می شدند. البته در نمای ساختمان ها از کاهگل و اجر استفاده می شد که هماهنگی و یکنواختی را در سطح شهر بوجود آورد. در برخی از فضاهای ورودی و درگاه ها همان طور که قبلا ذکر شد، سکوهایی تعبیه می گردید. این سکوها به کار نشستن می آمدند. در دوران پس از قاجار گاهی این سکوها سطح کافی برای نشستن



تصویر ۱۲ و ۱۳. طراحی گرافیکی پیشنهادی پیاده راه آصف؛ تصویر اول. قبل از طراحی و تصویر پایین. بعد از طراحی.

به دلیل تنگناهای مالکیتی، توجه اصلی معطوف به کف خیابان بوده است.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

با ایجاد قابلیت پیاده روی در شهر می‌توان شهرهای سرزنده تری را به وجود آورد. این رویکرد، فضاهایی سالم، پایدار، پویا و سرزنده به وجود می‌آورد که پیاده را در اولویت قرار داده، سلامتی و کیفیت زندگی شهروندان را ارتقا داده و امنیت عمومی محیط‌های شهری را بالا می‌برد. در این شهرها امکان حضور و فعالیت روزانه در محیط جامعه و فرصت لذت بردن از فضاهای شهری و کسب اطلاعات محیطی فراهم می‌گردد و به مردم اجازه داده می‌شود که بدون نیاز به اتومبیل در شهر رفت و آمد نموده و به مکانهای مورد نظرشان بروند. فضاهای پیاده، بسته به نیاز مردم و نوع و ویژگی خیابانها و فضاهای شهری در چهار الگوی متفاوت می‌توانند شکل گیرند: ۱. خیابانهای زنده؛ ۲. قلمرو پیاده؛ ۳. محدوده‌های مشترک؛ ۴. ساماندهی خیابان اصلی برای پیاده. زندگی شهری برای بسیاری از مردم وقتی به خوبی جریان می‌یابد که حرکت در مقیاس پیاده و در واحدهای محله‌ای تعریف شود و فضای شهر تنها در خدمت عبور و مرور وسایل نقلیه و متاثر از اصول ترافیک و مهندسی محض نباشد و کیفیات زیبایی‌شناسانه و راه‌حل‌های منطبق با اصول انسانی و اخلاقی در سازماندهی محیط مدنظر قرار گیرد. کلید موفقیت در برنامه ریزی و طراحی،

بر اساس مطالعات میدانی و مشاهده مستقیم بوده که در نهایت برای هر یک از آنها در راستای تدوین جایگاه طراحی گرافیک در طراحی محورهای پیاده پیشنهاداتی در قالب جدول شماره ۱ مورد اشاره قرار گرفته است مثلاً به عنوان مثال، خیابان سپهسالار در گذر زمان به پاتوق کفش فروشان بدل شد و فروشگاه‌های کفش اندک اندک به جای درختان باغ، از زمین رویید. ازدحام زیاد جمعیت، تردد خودروها و موتور سیکلتها و آلودگی‌های محیطی در این بخش تاریخی، شهرداری تهران و سازمان زیباسازی را برآن داشت که با تبدیل این محور به پیاده راه، زمینه رونق آن به عنوان یک محور پیاده شهری را فراهم کند. پس از این تصمیم، مسیر عبوری خودروها و موتورسیکلتها حذف شد و سازمان زیباسازی به کف سازی و بهسازی جداره ها و نصب مبلمان جدید اقدام کرد. خیابان آصف و خیابان سپهسالار، تصادفاً دارای عناصر شاخصی بوده است که می‌توانست در طراحی منظر آن به عنوان نمادهای خاطره انگیز و هویت بخش دستمایه اصلی طراحی قرار گیرد. رواق جلوی بدنه خیابان، هویت ویژه و زیبایی به منظر آن می‌بخشد؛ در عین حال می‌توانست محل تمرکز اثاثیه شهری باشد. بدنه خیابان، بخش اصلی فضای آن است. خاطره بصری و مفهوم ادراک شده توسط شهروندان، بیش از هر چیز وابسته به مقطع خیابان است که بدنه، جزء مهم تشکیل دهنده آن است. در خیابان سپهسالار، احتمالاً

	<p>تبدیل پتانسیل بالقوه محورها به دیدهای بصری تولید کننده پویایی فضایی با طراحی مناسب گرافیکی؛ ارتقاء میزان کیفیت بصری مسیرهای پیاده از طریق گرافیک محیطی و عناصر مبلمان شهری؛ التفات به قرارگیری بناهای شاخص در مسیرهای بصری مطلوب و دوری از اجرای طراحی های گرافیکی از بین برنده کریدورهای بصری؛ بهره گیری از نشانه ها و نمادهای ملی و هویتی در طراحی المانهای محیطی؛ تاکید بر جنبه های زمینه گرایی معماری در طراحی و گرافیک محیطی محورهای ارتباطی.</p>	<p>چهار باغ اصفهان</p>
	<p>بهره گیری از محور آب در وسط پیاده راه و درختان در طرفین آن؛ بهره گیری از سرسبزی و طراوت هوای این محور و پویایی و سرزندگی فضایی آن؛ تاکید بر مبدأ و مقصد برای محور پیاده راه از طریق گرافیک شهری با ایجاد و طراحی المانهای جذاب و گیرا؛ توجه به پیوستگی مسیر و یکنواختی آن و تقویت حس عبور از طریق طراحی گرافیکی محیط؛ ایجاد نقاط مکث و یا المان های جذاب شهری با بهره گیری از طراحی گرافیکی؛</p>	<p>بلوار کشاورز تهران</p>
	<p>بهره گیری از احساس تعلق ساکنین به محور در طراحی گرافیکی مربوط به آن با مشارکت مردم در انتخاب طرح های گرافیکی مربوطه؛ بهره برداری از پتانسیل تاریخی محور جهت بالا بردن سطح کیفی بصری محیطی و تقویت و تداوم خاطره های شهری از طریق آن؛ استفاده از برندهای تبلیغاتی و طراحی گرافیکی مبتنی بر آن با توجه به تسلط عامل اقتصادی در محور ارتباطی؛ احیای بدنه ها، ایجاد رواق ها و تقویت کاربری های تجاری از طریق طراحی گرافیکی خلاق؛</p>	<p>گذر مروی تهران</p>
	<p>بهره برداری زیاد از نقش اندک ترافیکی محور در جابه جایی؛ بهره گیری از برندها و تبلیغات جذاب با توجه به قرارگیری بورس کفش زنانه در محور؛ طراحی المانهای جذاب و گیرا با توجه به خالی بودن سطح از هر المان محیطی؛ بهره گیری از معیارهای ایرانی-اسلامی در طراحی گرافیک محیطی محور؛</p>	<p>خیابان سپهسالار</p>

مشارکت فعال جوامع محلی از همان ابتدای پروژه بسط آن و بهره‌گیری از دانش بومی منطبق با اصول توسعه پایدار است که نیازمند بینشی همگام با ارزشهای اکولوژیکی و همراه با طبیعت و نه بر ضد آن است.

امروزه آلودگی صوتی، ازدحام، بی‌هویتی، عدم حس تعلق به مکان، وجود زوائد بصری در جداره‌های شهری، فراموش کردن طبیعت، نبود فضاهای خاطره‌انگیز به عنوان اصلی‌ترین مشکلات شهرها درآمده‌اند و برای مقابله با چنین معضلی، فضاهای شهری باید از نو با یک برنامه ریزی شهری دقیق و حساب شده بازآفرینی شوند. اما هزینه‌های سرسام‌آور چنین امری، انجام آن را غیرممکن ساخته است. به همین جهت می‌توان از آلترناتیوهای دیگری مثل عناصر صوتی و تصویری و طراحی مکان‌هایی به منظور ایجاد فضایی پاسخگو بهره جست که اجرای آنها مشکلات چندانی ندارد و دارای کاربردهای بصری و رفتاری، در طراحی فضاهای شهری هستند. بطور کلی در نظر گرفتن پیاده‌راهها در مراکز تجاری شهرها یکی از روشهای مدیریت ترافیک به منظور کاهش وسایل نقلیه شخصی می‌باشد و با توجه به این که در اغلب شهرهای بزرگ کشور مراکز تجاری آنها با مشکل تردد و توقف وسایل نقلیه همراه است در خصوص ایجاد پیاده‌راه‌ها همراه با تسهیلات مناسب می‌تواند در کاهش مشکلات ترافیکی و آلودگی هوا موثر واقع شود. احداث پیاده‌راهها به منظور افزایش ایمنی دسترسی حیات اقتصادی در مناطق مرکزی تجاری مورد توجه قرار می‌گیرد و در کنار این مسایل به عنوان یک راه کار مدیریت ترافیک به منظور کاهش استفاده از وسایل نقلیه و شخصی در مناطق با تراکم زیاد مورد استفاده قرار می‌گیرد. این راه کار شاید در ابتدا از نظر تجار و کسبه منطقه بعنوان عاملی جهت کاهش در آمد آنها باشد. ولی طی بررسی‌های کشورهای مختلف دنیا از احداث این مسیرهای ویژه تردد عابران پیاده شده و موجب افزایش رونق

و حیات اجتماعی در شهرهای مورد اجرا می‌شود. در ادامه دلایل مختلف احداث پیاده‌روها در مراکز تجاری شهرها عنوان می‌شود: «۱. جذب شهروندان به منطقه مرکزی تجاری و در نتیجه افزایش فروش و تشویق سرمایه‌گذارهای جدید؛ ۲. کاهش آلودگی هوا در مناطق مرکزی تجاری شهرها؛ ۳. ایجاد محیط ایمن برای تردد عابران پیاده بدون تداخل با حرکت وسایل نقلیه موتوری؛ ۴. افزایش حیات و رونق اقتصادی در مناطق مرکزی تجاری شهر؛ ۵. اختصاص خط ویژه اتوبوس و پیاده‌رو و در نتیجه افزایش حجم جابجایی مسافران؛ و ۶. کاهش استفاده از وسایل نقلیه عمومی و پیاده‌روی.»

اصول طراحی گرافیکی پیاده‌راه‌ها برای ایجاد پویایی و سرزندگی فضایی عبارتند از:

۱. «مقیاس و تناسبات انسانی»: توجه به مقیاس انسانی در کلیه مراحل طراحی و در تمامی جزئیات آن در مراحل طراحی گرافیکی؛
۲. «قلمروی جغرافیایی و فرهنگی»: توجه کافی به قلمروی جغرافیایی و فرهنگی یک محدوده پیاده براساس حداکثر ارتباط با معیارهای فرهنگی و اجتماعی در طراحی گرافیک؛
۳. «جدایی محدوده پاییده و سواره»: طراحی عناصر و لبه‌های لازم در اطراف پیاده‌راه جهت جلوگیری از اختلال در حرکت سواره از طریق طراحی خلاق گرافیکی؛
۴. «تنوع و گسترش کاربریها»: بیشینه‌سازی پویایی و سرزندگی در تنوع کاربریها در محدوده پیاده با رعایت اصل سازگاری از طریق راهکارهای طراحی گرافیکی؛
۵. «توجه به دید و منظر چشم اندازه‌های طبیعی»: توجه به چشم اندازه‌های طبیعی و مصنوعی و بویژه دور منظر انتهایی در محدوده پیاده‌روهای دارای شرایط ویژه مثل سبز راه‌ها به عنوان مثال بلوار کشاورز و محور چهارباغ اصفهان؛
۶. «بهره‌گیری از پتانسیلهای موجود در بستر

طرح: حداکثر استفاده از گیاهان، آب و عناصر و مصالح طبیعی در هنگام طراحی گرافیک محیط در ابعاد بهسازی و مبلمان پیشنهادی؛

۷. **نگهداشت بناها و ابنیه تاریخی**: حفاظت از بناهای باارزش تاریخی در طراحی گرافیک پیاده‌راه‌ها و یا توسعه محدوده‌های پیاده‌راه حول این ابنیه؛

۸. **مصالح بوم آورد طبیعی**: استفاده از مواد و مصالح بومی و همساز با اقلیم در جزییات مصنوع طرح‌های بدست آمده از طراحی گرافیکی مربوط به پیاده راه؛

۹. **نورپردازی و بهره‌گیری از آن در طراحی گرافیک**: طراحی اجزای محدوده پیاده جهت استفاده بهینه از نور طبیعی با توجه به نوع اقلیم در طراحی؛

۱۰. **توجه به ضوابط و استانداردهای طراحی شهری در طراحی گرافیک**: طراحی بدنه‌های پیاده راه همساز با بناهای همجوار و خط آسمان و اقلیم و تغییرات آن؛

۱۱. **توجه به توسعه اتی طرح‌های مربوط به پیاده‌روها و معابر شهری**: توجه به زیرساخت‌های موجود با در نظر گرفتن توسعه‌های آتی و چشم اندازهای بصری در گرافیک محیطی؛

۱۲. **مشارکت مردم در طراحی گرافیک محیطی**: رعایت نقطه نظرات اکثریت کاربران محدوده از طریق نظرسنجی و مشارکت دادن آنان. **منابع و مآخذ**

بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری، دانشگاه تهران، چاپ اول.

بنتلی، ای یین و همکاران (۱۳۸۹) محیط‌های پاسخده، ترجمه مصطفی بهزادفر، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.

پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۸) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، تهران، شهیدی.

پامیر، سای (۱۳۸۹) آفرینش مرکز شهری سرزنده، ترجمه مصطفی بهزادفر و امیر شکیبامنش، تهران،

دانشگاه علم و صنعت ایران.

تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۷) شهرهای انسان محور، ترجمه حسن علی لقایی و فیروزه جدلی، تهران، دانشگاه تهران.

حکیمی، فرزانه (۱۳۸۴) راهنمای تسهیلات عابرین پیاده، سازمان حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران.

سعید نیا، احمد (۱۳۸۳) طراحی مبلمان شهری، انتشارات سازمان دهیاریها و شهرداریها، تهران. سعیدنیا، احمد (۱۳۷۶) طراحی فضاها و مبلمان شهری، سازمان شهرداری های کشور، تهران، جلد پنجم و ششم.

سلطانزاده، حسین (۱۳۷۲) فضای ورودی در معماری سنتی ایران، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی. سید صدر، سید ابوالقاسم (۱۳۸۱) دایره المعارف معماری و شهرسازی، انتشارات آزاده.

شماعی، علی؛ پورا احمد، احمد (۱۳۸۹) بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا، تهران، دانشگاه تهران.

شماعی، علی؛ پورا احمد، احمد (۱۳۸۹) بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا، تهران، دانشگاه تهران.

شهبازی، فاطمه (۱۳۸۳) پیاده‌رو گذری فراموش شده در شهر، مجله شهرداریها، آذرماه، شماره ۶۷، سال ششم.

قریب، فریدون (۱۳۸۲) شبکه ارتباطی در طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.

گروتز، یورگن (۱۳۸۶) زیبایی شناسی در معماری، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

گل، یان (۱۳۸۷) زندگی در فضای میان ساختمان‌ها، ترجمه شیما شصتی، تهران، جهاددانشگاهی.

گلکار، کوروش (۱۳۸۶) مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری، فصلنامه صفا، شماره ۴۴، ص ۷۵-۶۶، سال شانزدهم.

لوکوربوزیه (۱۳۸۲) منشور آتن، ترجمه منصور

titude

Visual arts in the 20th century, Author Edward Lucie-Smith, Edition illustrated, Publisher Harry N. Abrams, 1997, Original from the University of Michigan, ISBN 0810939347, 9780810939349

Attali, Jacques. 1985. Noise: The Political Economy of Music, translated by Brian Massumi, foreword by Fredric Jameson, afterword by Susan McClary. Minneapolis: University of Minnesota Press. ISBN 0-8166-1286-2 (cloth) ISBN 0-8166-1287-0 (pbk.)
Cage, John. 1961. "Silence: Lectures and Writings". Middletown, CT: Wesleyan University Press. (Paperback reprint edition 1973, ISBN ISBN 0819560286)
Sonic Boom by Cameron Skene, Montreal Gazette, Jan. 13, 2007

Wishart, Trevor. 1996. On Sonic Art, new and revised edition, edited by Simon Emmerson (with accompanying compact disc recording). Contemporary Music Studies 12. Amsterdam: Harwood Academic Publishers. ISBN 3-7186-5846-1 (cloth) ISBN 3-7186-5847-X (pbk.) ISBN 3-7186-5848-8
Artspeak, by Robert Atkins, 1990, Abbeville Press, ISBN 1-55859

Popper, Frank (1968). Origins and Development of Kinetic Art. Studio Vista and New York Graphic Society.

Popper, Frank (1970). Kinetics. Arts Council of Great Britain.

فلامکی، انتشارات دانشگاه تهران.

لینچ، کوین (۱۳۸۷) سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، تهران، دانشگاه تهران.

مجنونیان، هنریک (۱۳۷۴) مباحثی پیرامون پارک ها فضای سبز و تفرجگاه ها، تهران، سازمان پارک ها و فضای سبز شهر تهران.

مک اندرو، فرانسیس تی (۱۳۸۷) روانشناسی محیطی، ترجمه غلامرضا محمودی، تهران، زرباف اصل.

مفورد، لوئیز (۱۳۸۱) مدنیت و جامعه مدنی در بستر تاریخ، ترجمه احمد عظیمی بلوریان، انتشارات رسا.

موره، ژان پیترو دیگران (۱۳۷۳) فضاها شهری طراحی، اجرا، مدیریت، ترجمه حسین رضایی و دیگران، انتشارات پیام رسا.

N.Taylor (2009) Legibility and Aesthetics in Urban Design, Journal of Urban Design, Vol. 14, No. 2, 189-202.

Project for Public Spaces, Urban Parks: The Value of Small Urban Parks, Plazas and Other Outdoor Spaces, Texas Cooperative Extension, 2005.

Whyte, William, The Social Life of Small Urban Spaces, project for public spaces, New York, 1981.

Whyte, William, The Design of Spaces, project for public spaces, New York, 1985.

Main, Bill & Greet Hannah, Gail, Site Furnishing a complete Guide to planning, Selection and use of landscape Furniture and Amenities, Hoboken, New Jersey, New York john wiley & sons, 2010.

John Grayson (1975). Sound sculpture: a collection of essays by artists surveying the techniques, applications, and future directions of sound sculpture. Vancouver: A.R.C. Publications. ISBN 0-88985-000-3.

Dick Higgins, Intermedia, Something Else Newsletter 1, 1966

Owen Smith (1998) Fluxus: The History of an At-

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

بررسی نقش عوامل مؤثر در میزان مشارکت زنان در توسعه روستایی (مطالعه موردی: بخش لوندویل آستارا)

فریبا مکانی - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی گرایش توسعه پایدار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آستارا، گروه جغرافیا، آستارا، ایران.

سیده صدیقه حسنی مهر* - عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آستارا، گروه جغرافیا، آستارا، ایران.

The role of factors in the participation of women in rural development (Case Study: Lavandevil Astara)

Abstract

Today, at the level of socio-economic planning and rural development, women's participation has been very important. And use it as a target and the development of the brand name. Women already play a vital role in many aspects of development such as food security, environmental sustainability, eradication of poverty, population control and social development for the international community is clear. While the women themselves believe it has been taken into account. In this research using descriptive and analytical methods, and by distributing questionnaires among the villages of Astara Lavandevil, to study the factors affecting women's participation in rural development is discussed. To determine the sample from the sample of 374 people were chosen according to population size cluster sampling method were selected. The results showed that women in social activities than women in agriculture, rural industry and services have a greater impact on rural development is part Lavandevil Astara.

Key words: partnership, rural development, rural women, Lavandevil Astara section.

چکیده

امروزه در سطح برنامه ریزی های اقتصادی - اجتماعی و توسعه روستایی، میزان مشارکت زنان از اهمیت بالایی برخوردار بوده، به طوری که از آن به عنوان هدف و وسیله توسعه نام می برند. در حال حاضر نقش حیاتی زنان در بسیاری از امور مربوط به توسعه مانند تأمین امنیت غذایی، پایداری محیط زیست، ریشه کنی فقر، کنترل جمعیت و توسعه اجتماعی برای جامعه جهانی روشن گردیده است، در حالی که خود زنان آن را باور داشته و به حساب آورده اند. در این راستا پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، و با توزیع پرسشنامه در بین افراد روستاهای بخش لوندویل آستارا، به بررسی مؤلفه های اثرگذار بر میزان مشارکت زنان در توسعه روستایی پرداخته است. جهت تعیین نمونه آماری از فرمول کوکرن ۳۷۴ نفر با توجه به حجم جامعه به عنوان نمونه انتخاب شدند و با روش نمونه گیری خوشه ای برگزیده شدند. نتایج نشان داد فعالیت زنان در بخش اجتماعی نسبت به فعالیت زنان در بخشهای کشاورزی، صنایع روستایی و خدمات از تاثیر بیشتری در توسعه یافتگی روستایی بخش لوندویل آستارا برخوردار است.

واژگان کلیدی: مشارکت، توسعه روستایی، زنان روستایی، بخش لوندویل آستارا.

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مساله

دگرگون سازی نظام کنونی به سود نظامی پایدار که تغییر گسترده اقتصادی، زیستی و اجتماعی را در دستور کار داشته باشد، تنها در سایه ی مشارکت همه مردم جامعه انجام شدنی است. از این رو هرگز نمی توان نیمی از جمعیت کشور، آن هم نیمی از توانمندی های بی پایان، یعنی زنان را نادیده انگاشت. در ایران بسته به کارکرد زنان در توسعه دو گروه صاحب نظر وجود دارد. گروهی بر این باورند که زنان از راه کارکرد واسطه ای و پنهان، با فراهم آوردن زمینه ای دل پذیر برای مردان و دیگران در خانواده، نقش برجسته ای در پیشرفت جامعه دارند؛ ولی گروه دیگر بیشتر به نقش مستقیم زنان در جامعه نگریسته و با کمک آمار، پافشاری می کنند که سهم زنان در کارکردهای اجتماعی ناچیز است و باید دگرگون گردد. این گروه با آگاهی از این جستار که زنان نیمی از جمعیت هستند، بر این باورند که بهره نگرفتن از نیروی کار آنان، زمینه آن می گردد که پیشرفت جامعه کند گردد. بنابراین باید زمینه ای را فراهم آورد تا زنان بتوانند هر چه بیشتر به انجام نقش های اجتماعی خود بپردازند (میرک زاده و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۵۰). با وجود تلاش زیاد در جوامع روستایی، نقش این گروه بیشتر زمان ها در کارکردهای تولیدی و اقتصادی نادیده گرفته می شود. از این روست که امروزه، در اهداف توسعه روستایی، از میان گروه های ویژه روستایی، زنان و جوانان به سبب ویژگی هایی که دارند در کانون توجه هستند (غنیان، ۱۳۸۷، ص ۱۳۲). با پدیدار شدن چالش توسعه پایدار، انسان مشارکت جو کانون فرآیند توسعه به شمار آمده و توسعه درون زا در دستور کار قرار گرفته است. در چنین توسعه هایی، مشارکت متغیری بنیادی است و درون زایی و دادگرانه بودن، زنان که نیمی از جامعه می باشند را به مشارکت فرا می خواند (صفری شالی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۲). از این رو در این پژوهش به دنبال شناسایی ویژگی های کارا

بر میزان مشارکت و شناخت رابطه این ویژگی ها با میزان مشارکت زنان در روستا هستیم. رسیدن به توسعه ای برابر و پایدار در جامعه بدون در نظر داشتن زنان روستایی کشور، امری دست نیافتنی خواهد بود. بیشتر پژوهشگران توسعه بر این رأی اند که شناخت جایگاه زنان در روستاها از ضروریات رسیدن به توسعه روستایی دلخواه، در جوامع به شمار می آید. این پژوهش نیز با آگاهی از این جستار به بررسی سطح پایگاه اقتصادی- اجتماعی زنان در روستاهای لوندویل آستارا می پردازد. به نظر می رسد که می توان با بررسی متغیرهایی مانند میزان تحصیلات همسر، میزان اعتماد به نفس، میزان پس انداز، مهارت های اقتصادی، خود اثربخشی، نگرش جنسیتی، مشارکت اقتصادی و مشارکت اجتماعی، اثر مثبت و معنی داری در سطوح گوناگون بر احتمال بهبود پایگاه اقتصادی- اجتماعی زنان روستایی گذاشت.

۲.۱. ضرورت و هدف از تحقیق

با توجه به ضرورت ها ذکر شده در این مقاله تلاش شده است تا ویژگی های زنان روستایی و ارتباط آن با انواع مشارکت در جامعه روستایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و در کنار آن توزیع فضایی ارتباط بین این دو متغیر را در سطح محدوده مورد مطالعه ارزیابی نموده تا بتوان از نتایج آن به عنوان پایه ای برای بررسی های بیشتر، برنامه ریزی و سیاست گذاری در حوزه های روستای و به ویژه ناحیه مورد مطالعه یعنی بخش لوندویل آستارا استفاده نمود. اهم اهداف مورد نظر در مقاله حاضر به شرح ذیل است:

۱. بررسی میزان مشارکت زنان در توسعه یافتگی روستاهای لوندویل آستارا؛ و

۲. بررسی عوامل مؤثر در میزان مشارکت زنان در توسعه روستای بخش لوندویل آستارا.

۳.۱. پیشینه پژوهش

در زمینه بررسی مشارکت زنان روستایی در فرایند توسعه روستایی و عوامل مؤثر بر آن در سطح روستاهای کشور تحقیقات متعددی صورت گرفته است بر همین اساس در ادامه نتایج تعدادی از

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

این تحقیقات مورد بررسی قرار می گیرد. همچنین مطالعات خارجی قابل توجهی در این حوزه صورت پذیرفته که اهم آنها بررسی و اشاره خواهد شد.

۱-۳-۱ مطالعات داخلی

۱. محمدلو، فریبا در پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان بررسی نقش زنان در توسعه نواحی روستایی (مطالعه موردی شهرستان نمین) که در سال ۱۳۹۳ در دانشگاه آزاد اسلامی آستارا دفاع کرد به این نتیجه دست یافت که بین نرخ اشتغال زنان و درجه توسعه یافتگی روستاها ارتباط مستقیمی وجود دارد.

۲. شاهنوشی و همکاران (۱۳۹۱، ۱۳۷-۱۵۴)، در مقاله ای چاپ شده در ماهنامه جهاد شماره ۲۳۴ به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستائی در حفاظت از منابع آب کشاورز در استان خراسان رضوی پرداختند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده کرده و نتایج تحقیق نشان داد که زنان روستائی در فعالیت آبیاری فعالیت نمی کنند که مهمترین علت آن فرهنگ منطقه، سختی کار و عدم آشنائی با انجام آن توسط زنان روستاهای منطقه است.

۳. عنابستانی و احمدزاده (۱۳۹۰)، در مقاله ای در مجله مطالعات و پژوهشهای شهری و منطقه ای شماره دوازده به بررسی ارتباط بین ویژگی های مکانی- فضایی و عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در سطح جامعه روستایی دهستان درزآب شهرستان مشهد پرداختند. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که ارتباط معنی داری بین جمعیت، فاصله روستا از مرکز دهستان و عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی وجود دارد.

۴. عنابستانی و همکاران (۱۳۹۰، صص ۶۱-۷۸)، در مقاله ای در مجله مطالعات و پژوهشهای شهری و منطقه ای شماره دوازده، به بررسی رابطه بین ویژگی های فردی زنان و مشارکت آنان در فرایند توسعه روستایی (مطالعه موردی: دهستان درزآب - شهرستان مشهد) پرداختند. یافته های مطالعه بر

اساس نتایج به دست آمده از آزمونهای همبستگی پیرسون نشان داد که ارتباط معنی داری بین ویژگی های فردی و مشارکت پذیری زنان روستایی وجود ندارد، اما بر اساس آزمون ویلکاکسون رابطه معنی داری بین سن، درآمد ماهیانه و انواع مشارکت زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه وجود دارد. ۵. کوشکی و همکاران (۱۳۹۰، ۱۵-۳۳)، در مقاله ای چاپ شده در فصلنامه روستا و توسعه شماره یک، به بررسی عوامل مؤثر بر بهبود مشارکت زنان در توسعه صندوق های اعتبارات خرد روستایی استان کرمانشاه پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که به ترتیب برخی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در صندوق اعتباری به ترتیب اولویت عبارتند از: برنامه ریزی توأم با مشارکت زنان، فراهم نمودن آموزش های لازم و مستمر، ایجاد حس تعلق و افزایش اعتماد به نفس زنان روستائی.

۶. میرک زاده و همکاران (۱۳۸۹، صص ۱۴۷-۱۶۵)، در مقاله ای به بررسی موانع مشارکت زنان در توسعه روستایی در برنامه های آموزشی و ترویجی پرداختند و نتیجه گرفتند که بین دیدگاه زنان روستایی برحسب سواد و سن نسبت به سازه های مؤثر، در بعضی موارد اختلاف معنی داری به چشم می خورد.

۷. میرزائی و شهیدی (۱۳۸۶، صص ۲-۱۰)، در مقاله چاپ شده در فصلنامه روستا و توسعه شماره دو به بررسی عوامل مؤثر بر حضور زنان روستائی در فعالیت های ترویجی و آموزشی کشاورزی در سطح شهرستان زرنند و بافت پرداختند. بر اساس نتایج عواملی مانند سطح سواد، سن، تعداد اعضای خانوار و سایر عوامل اجتماعی تأثیر معنی داری در میزان استقبال زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه داشتند.

۸. حسینی نیا (۱۳۸۷، صص ۳۹-۵۳)، در مقاله چاپ شده در ماهنامه علمی جهاد به بررسی عوامل دموگرافیک مؤثر بر مشارکت در فعالیتهای آموزشی، ترویجی و مشارکتی با تأکید بر مشارکت زنان روستایی پرداخته است. به باور وی امروزه مشارکت

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

روستائیان در امور مربوط به توسعه روستایی به عنوان تبلور عینی رفتارهای مطلوب انسانی، جهت دستیابی به اهداف توسعه مطرح می‌باشد. مشارکت در برنامه های آموزشی و ترویجی به عنوان یکی از عوامل انکارناپذیر فرآیند توسعه روستایی، ضرورت مهمی است که پیش نیاز بهره‌مندی از مزایای آموزش های ترویجی، جهت دستیابی به اهداف توسعه محسوب می‌شود. عوامل دموگرافیک مؤثر بر مشارکت در این مقاله مفصلاً بررسی شده‌اند که عبارتند از مرحله چرخه حیات، جایگاه اقتصادی-اجتماعی، مشخصات اجتماعی-فیزیکی، گروه و وابستگی های سازمانی، روابط غیررسمی بین افراد، قرار گرفتن در معرض وسایل ارتباط جمعی و سایر فعالیت‌ها.

۹. محبوبی (۱۳۷۶، صص ۱۲۸-۱۴۹)، در مقاله‌ای (مجموعه مقالات توانسازی دختران جوان روستایی در مشارکت های اجتماعی کردستان) به بررسی انواع آموزش های مطلوب و مناسب برای دختران روستایی پرداخته است. بر طبق مطالعات وی مهمترین زمین های آموزش های عملی و امکان پذیر برای دختران روستایی شامل زراعت، باغبانی، دامداری، صنایع دستی، صنایع تبدیلی، آموزش های عمومی، سوادآموزی، آموزش های دینی، آموزش های فرهنگی، آموزش های اقتصادی-اجتماعی، آموزش کودک یاری، تغذیه، بهداشت و تنظیم خانواده، حفظ محیط زیست، حفظ منابع طبیعی و آموزش های سیاسی می‌باشد.

۱-۳-۲- مطالعات خارجی

۱. آزهاری (۲۰۰۸، صص ۱-۱۰)، بر عدم دسترسی زنان به سرمایه های تولیدی در اندونزی تأکید کرده و آن را به عنوان مانع مشارکت قلمداد می‌کند.
۲. شنایانگ و چی هونگ (۲۰۰۸، صص ۶۶۵-۶۷۳)، به بررسی اعتبارات خرد و ارتقاء نقش گروه های زنان و مشارکت آنان جهت کاهش فقر در روستاهای گامبیا پرداخته و نتیجه گرفتند که توانمندسازی و حمایت زنان روستایی با رهیافت اعتبارات خرد مستلزم اجرای سیاست ها و راهبردهای حمایتی گروه های زنان در روستاهاست.

۳. هوگ و ایتوهورا (۲۰۰۸، صص ۲۲۹-۲۳۶)، در تحقیقی به بررسی نقش مشارکت در فعالیت های اقتصادی زنان در کشور بنگلادش پرداخته است. متغیرهای میزان درآمد، میزان آموزش، مهارت ها و مشارکت نهادی زنان نقش اساسی را در افزایش مشارکت آن ها در فعالیت های اقتصادی دارند.

۴. دامیسا و یوهانا (۲۰۰۷، صص ۵۴۳-۵۴۶)، در تحقیقی در کشور نیجریه، ویژگی های اجتماعی-اقتصادی زنان را در میزان مشارکت آنان در امور روستا بسیار مؤثر می‌داند.

۵. چمبرز (۱۳۷۸) اعلام می‌دارد که مشارکت، علی‌رغم گستردگی تعاریف و مفاهیم و وجود ابهامات در تبیین مفهوم آن، شرط اساسی برای توسعه است.

۴-۱. سوال و فرضیه ها

سوالات اصلی تحقیق حاضر این است که آیا زنان در توسعه روستایی بخش لوندویل آستارا مشارکت دارند؟ همچنین مهمترین عوامل مؤثر در میزان مشارکت زنان در توسعه روستایی بخش لوندویل آستارا کدام‌اند؟ و فرضیه های زیر برای پاسخگویی به سوالات تحقیق طراحی شده است:

۱. به نظر می‌رسد درصد زیادی از زنان روستاهای بخش لوندویل آستارا در توسعه روستایی مشارکت دارند.

۲. به نظر می‌رسد عوامل اجتماعی (میزان سواد، نزدیکی روستاها به مراکز شهری و ...) در میزان مشارکت زنان در توسعه روستایی روستاهای بخش لوندویل آستارا نقش مهم تری دارند.

۱-۵- روش تحقیق

روش تحقیق در این مطالعه تحقیق توصیفی-تحلیلی است. باتوجه به نوع پژوهش، در گردآوری داده ها و اطلاعات از روش کتابخانه ای و اسنادی استفاده شده است و برای تحلیل و استنتاج نهایی تمامی داده های گردآوری شده شامل مقالات، پایان نامه و کتب مرتبط با موضوع تحقیق، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند. در ادامه داده های لازم برای انجام پژوهش از راه توزیع پرسشنامه میان مردم روستایی در لوندویل آستارا

به دست آمد. در این پرسشنامه از مردم خواسته شده که شماری از متغیرها را که نشانگر میزان مشارکت زنان در انجام کارهای کشاورزی و غیره می باشند را بگونه کمی پاسخ دهند. تعداد پرسشنامه هایی که برای توزیع در بین پرسش-شوندگان لازم بود، با کمک جدول مورگان بدست آمد. برای اینکار ابتدا لازم بود تا تعداد جمعیت روستاها منطقه لوندویل مشخص شود که ۱۲۰۷۱ نفر می باشند در ادامه از طریق جدول مورگان و تعداد جامعه (۱۲۰۷۱)، حجم نمونه ۳۷۴ نفر تعیین شد. در ادامه پرسشنامه های تکمیل شده جمع آوری شده و با خلاصه سازی، نتایج مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پس از خلاصه سازی نتایج، اطلاعات در قالب بانک اطلاعات در محیط نرم افزارهای اکسل و SPSS قرار گرفت و اشکال و نمودارهای مربوطه تهیه شد.

۱-۶- قلمرو پژوهش

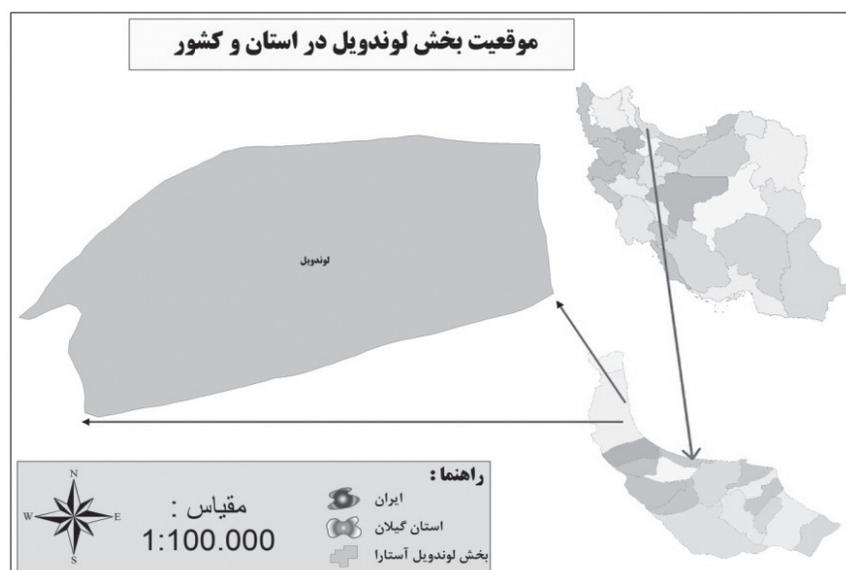
بخش لوندویل در ۱۲ کیلومتری جنوب شهرستان آستارا در وسعتی به مساحت ۱۸۹،۱۰ کیلومتر مربع از کناره دریای گیلان تا ارتفاعات رشته کوه های تالش و اسپیناس گسترده شده است. این بخش در محدوده ۴۸ درجه و ۳۸ دقیقه و ۵۲ ثانیه تا ۴۸ درجه و ۵۲ دقیقه و ۳۸ ثانیه طول شرقی و ۳۸ درجه و ۱۴

در این پرسش-شوندگان لازم بود، با کمک جدول مورگان بدست آمد. برای اینکار ابتدا لازم بود تا تعداد جمعیت روستاها منطقه لوندویل مشخص شود که ۱۲۰۷۱ نفر می باشند در ادامه از طریق جدول مورگان و تعداد جامعه (۱۲۰۷۱)، حجم نمونه ۳۷۴ نفر تعیین شد. در ادامه پرسشنامه های تکمیل شده جمع آوری شده و با خلاصه سازی، نتایج مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پس از خلاصه سازی نتایج، اطلاعات در قالب بانک اطلاعات در محیط نرم افزارهای اکسل و SPSS قرار گرفت و اشکال و نمودارهای مربوطه تهیه شد.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۷۱



نقشه ۱. موقعیت بخش لوندویل در استان و کشور

جدول ۱. میزان مشارکت زنان در بازارهای کار کشورهای در حال توسعه؛ منبع: عماد زاده، ۱۳۸۶

کشور	میزان مشارکت زنان		کشور	میزان مشارکت زنان	
	۱۹۸۰	۱۹۹۹		۱۹۸۰	۱۹۹۹
الجزایر	۲۱,۴	۲۷,۱	پاکستان	۲۲,۷	۲۸,۱
برزیل	۲۸,۴	۳۵,۴	فیلیپین	۳۵,۱	۳۷,۷
مصر	۲۶,۵	۳۰,۱	عربستان	۷,۶	۱۵,۵
هند	۳۲,۲	۳۳,۷	سوریه	۲۳,۵	۲۶,۷
اندونزی	۳۵,۲	۴۰,۶	تایلند	۴۷,۴	۴۶,۳
ایران	۲۰,۴	۲۶,۷	ترکیه	۳۵,۵	۳۷,۳
مکزیک	۲۶,۹	۲۳,۹	ویتنام	۴۸,۱	۴۹,۱

و نه دیگران آن را به حساب آورده‌اند (عبداللهی، ۱۳۸۳، ص ۶۳). جدول شماره ۱ میزان مشارکت زنان، در کشورهای در حال توسعه ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱ را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌گردد، مشارکت زنان ایران در بازار کار از زنان کشورهای نظیر الجزایر، مصر، پاکستان و ترکیه پایین‌تر است. سهم ایران در بین این کشورها ۲۰,۴ در سال ۱۹۸۰ و ۲۶,۷ در سال ۱۹۹۸ است که رقم پایینی است. متأسفانه تاخیر تحولات فرهنگی و اجتماعی نسبت به تغییرات اقتصادی سبب شده است تا نقش تعیین کننده زنان روستایی در جامعه و در فرایند توسعه اقتصادی کشور ما مانند اغلب کشورهای در حال توسعه چندان آشکار نباشد و پوشیده ماندن کار زنان روستایی در تولیدات بخش کشاورزی و اقتصادی جامعه روستایی موجب بهره مند نشدن آنها از نتایج به دست آمده در برنامه های توسعه است (میرترابی و همکاران، ۱۹۱، ص ۱۵۳).

همان گونه که (در جدول ۱) مشاهده می‌شود آنچه اهمیت دارد، رشد قابل توجه حضور زیان در بازار کار در بین سال های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ است. سهم زنان روستایی در نیروی کار کشورهای جهان سوم به دلیل سنتی بودن ساختار تولید و روابط کار، بیشتر از مردان و همچنین بیشتر از زنان و مردان کشورهای توسعه یافته است. با این حال با توجه به ساختار

است. در سطوح ملی و بین المللی روز به روز بیشتر درباره اهمیت مشارکت، هم به عنوان یک وسیله و هم به عنوان یکی از هدف های توسعه، اتفاق نظر پیدا شد (ملک محمدی و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۴۱). مشارکت در توسعه روستایی امروزه یک امر مهم تلقی شده و فرض بر این است که مشارکت بیشتر، بهتر از عدم مشارکت و مشارکت کمتر است و شکست استراژی های سنتی توسعه روستایی نیز ناشی از عدم مشارکت همه مردم روستایی در برنامه های توسعه عنوان می شود (ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۹). واژه مشارکت از حیث لغوی به معنای درگیری و تجمع به منظوری خاص می باشد. در مورد معنای اصطلاحی آن بحث های فراوانی شده ولی در مجموع می توان جوهره اصلی آن را درگیری، فعالیت و تاثیرپذیری دانست (علوی تبار، ۱۳۷۹، ص ۱۷). مفهوم مشارکت در تعاریف جدید از نوعی رابطه ی همکاری به بنیادی اساسی برای برنامه های توسعه، و از عملی منفعلانه و خود به خودی به کنشی فعال و آگاهانه تغییر کرده است (شادی طلب، ۱۳۸۲، ص ۱۵۶). نقش حیاتی زنان در بسیاری از امور مربوط به توسعه، مانند فراهم نمودن امنیت غذایی، پایداری محیط زیست، ریشه کنی فقر، کنترل جمعیت و توسعه اجتماعی برای جامعه بی الملل روشن گردیده است. در حالی که نه خود زنان آن را باور داشته اند

نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی کشور و تسلط بهره‌برداری‌های کوچک و متوسط و مزارع خانوادگی که عمده نیروی کار آن‌ها را زنان و کودکان بدون مزد تشکیل می‌دهند، هنوز آمار رسمی و جامعی از میزان مشارکت آن‌ها در مراحل گوناگون تولید در دیت نیست (عمادزاده، ۱۳۸۶، ص ۱۱۸).

۱-۲- موانع مشارکت زنان در توسعه روستایی مناطق

گرچه تمام جوامع زنان روستایی به عنوان یک عامل مهم در نیل به اهداف توسعه روستایی مطرح بوده و در واقع نیمی از نیروی انسانی مورد نیاز توسعه روستایی می‌باشند، اما بنا به دلایل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در عمل کمتر مورد توجه برنامه ریزان و دست‌اندرکاران مسایل روستایی واقع شده‌اند. زنان به عنوان یکی از عوامل غیر مشهود و نامرئی در اقتصاد کشاورزی، سهم عظیمی از کل نیروی انسانی مورد نیاز بخش کشاورزی در سطح جهان را تشکیل می‌دهند. زنان روستایی چه به صورت مستقیم در تولید محصولات زراعی و دامی و صنایع روستایی و چه از لحاظ کمک به بخش کشاورزی به عنوان نیروی کار، پتانسیل قابل توجهی در جامعه به حساب می‌آیند و سهم این افراد در کشورهای جهان سوم به مراتب بیشتر از سایر کشورها است. معمولاً آمار و ارقامی که در خصوص سهم زنان در تولیدات کشاورزی ارائه می‌شود بسیار کمتر از حد واقعی است چرا که در این آمارها غالباً اشتغال فصلی، پاره وقت، بدون مزد و فعالیت‌های خانه‌داری منظور نشده است؛ معهداً آنان نیرویی برای ایجاد تحول و منبعی بالقوه برای پیشبرد اقتصاد روستایی و افزایش هر چه بیشتر نرخ رشد تولید مواد غذایی هستند (سهایی زاده، ۱۳۹۰، ص ۲۱). به عبارتی زنان روستایی عمدتاً در جوامع مردسالار نه تنها کلیه وظایف مربوط به خانه و خانه‌داری را به عهده دارند بلکه به جرات می‌توان ادعا کرد که در بسیاری از نقاط کشور بدون مشارکت زنان روستایی، امکان تداوم بعضی از فعالیتهای اقتصادی و تولیدی روستا غیر

ممکن می‌باشد و یا حداقل با بحران جدی مواجه خواهد شد. مطالعات حاکی از این است که زنان در فعالیت‌های فردی فعال بوده ولی متأسفانه هنوز در فعالیت‌های اجتماعی، آن‌چنان که باید و شاید، وارد نشده‌اند. زنان روستایی‌الگوی فعالیت هستند، دائم در تلاش و کوشش بوده و می‌توان از آنان به عنوان یک مدیر و برنامه‌ریز خانوار روستایی یاد کرد. زنان روستایی و محور صمیمیت و بقای خانواده خویش بوده و در خارج از خانه پا به پای مردان و حتی گاهی بیشتر در کلیه فعالیت‌ها کوشش می‌نمایند. نقش زنان در زندگی خانوار و فعالیت اقتصادی جوامع عشایری به مراتب بیشتر از نقش زنان در جوامع روستایی است و متناسب با آن نقش اجتماعی زنان عشایر کمتر از فعالیت‌های اجتماعی زنان روستایی است. فعالیت‌های تولیدی زنان نقش موثری در بقا و افزایش درآمد، رفاه و آسایش خانوار روستایی داشته و پیامد آن بهبود وضعیت تغذیه، بهداشت، جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه، افزایش سواد و ارتقای منزلت اجتماعی خانوار روستایی می‌باشد. با وجود روشن بودن نقش سازنده زنان در تولید و اقتصاد روستا و کشور، آنان از پایگاه اجتماعی مناسبی برخوردار نبوده و به خصوص در مناطق روستایی و عشایری از برنامه‌های آموزشی و رفاهی محروم گشته‌اند. لذا باید به زنان و نقش آنان در توسعه توجه خاص صورت گیرد تا زنان دریابند که اولاً مهم و کارساز هستند، ثانیاً نیازهای آموزشی و خلاءهای فنی زیادی دارند و ثالثاً تلاش جهت تقویت و تواناسازی خود را نباید فراموش کنند (کاظمی، ۱۳۸۸، ص ۶۷)؛ به گونه‌ای که در بعضی از جوامع زنان فقط وظیفه تولید مثل و تربیت فرزندان را به عهده دارند و حداکثر به عنوان نیروی کار به حساب می‌آیند و از هرگونه حق اظهار نظر و تصمیم‌گیری در محیط خانواده و اجتماع محروم هستند. در ایران به دلیل سنت و آداب و روسومی که از گذشته به ارث رسیده است، عدالت اجتماعی در خصوص زنان روستایی به خوبی اجرا نشده است و رفاه و آسایش این گروه را با مشکل مواجه کرده

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

جدول ۲. توزیع فعالیت ها در بخش های کشاورزی، صنایع روستایی، فعالیت های خدماتی فعالیت های اجتماعی؛ منبع:
یافته های تحقیق ۱۳۹۴

بخش	زیر بخش	خیلی کم	کم	زیاد	خیلی زیاد
کشاورزی	زراعت	۴۷	۷۳	۱۵۳	۱۰۱
	دامداری	۴۷	۸۷	۱۳۴	۱۰۶
	باغداری	۳۶	۵۱	۱۶۱	۱۲۶
	زنبورداری	۳۰۱	۶۳	۷	۳
	ماکیان	۴	۲۴	۱۴۳	۲۰۳
	صیفی جات	۱۱۲	۹۸	۹۳	۷۱
صنایع روستایی	فرش بافی	۱۹۲	۱۳۵	۴۰	۷
	قالی و گلیم بافی	۲۹۲	۵۱	۱۷	۱۴
	لحاف دوزی و فروش صنایع دستی	۱۶۱	۱۷۵	۲۳	۱۵
	تولید و فروش مواد لبنی	۲	۲۲	۲۳۶	۱۱۴
	سفالگری	۳۰۲	۵۸	۱۰	۴
	خیاطی	۸	۲۱	۲۱۳	۱۳۲
فعالیت های خدماتی	آرایشگری	۳۶	۵۰	۱۸۶	۱۰۲
	لباس فروشی	۱۲۱	۱۷۵	۵۱	۲۷
	خدمات کشاورزی	۲۹۶	۵۲	۱۸	۸
	مغازه داری	۱۱۳	۱۸۲	۴۰	۳۹
	گردهمایی مذهبی	۳۴	۷۱	۱۵۳	۱۱۶
فعالیت های اجتماعی	صندوق قرض الحسنه	۹۱	۱۵۳	۹۹	۳۱
	ورزش همگانی	۲۶۴	۶۲	۳۵	۱۳
	جشن ها	۵۶	۱۱۱	۱۴۶	۶۱

جدول ۳. مشکل پیش روی اشتغال زنان

گزینه ها	مخالفت مردان خانواده	فرهنگ جامعه	نبود امنیت شغلی	ماشینی شدن کارها	امور دیگر
تعداد	۶۲	۱۵۹	۱۱۳	۳۲	۸

۳. یافته های پژوهش

۱-۳ فعالیت زنان در بخش های کشاورزی، صنایع روستایی و خدمات اجتماعی

نظر به بررسی صورت گرفته و نتایج حاصل از پرسش نامه های توزیع شده در بین مردم در حوزه کشاورزی صنایع روستایی، فعالیت های خدماتیو فعالیت های اجتماعی میزان فعالیت مردم طبق چهار طیف خیلی کم، کم، زیاد و خیلی زیاد در زیر بخش های فعالیت های مذکور مشخص گردید. در بخش کشاورزی بیشترین فعالیت در زیربخش ماکیان و کمترین فعالیت در زیر بخش زنبورداری قرار دارد. همچنین در بخش صنایع روستایی بیشترین فعالیت تولید و فروش مواد لبنی و کمترین فعالیت به سفالگری تعلق دارد. در بخش فعالیت های خدماتی بیشترین فعالیت در زیر بخش آرایشگری و کمترین در زیر بخش خدمات کشاورزی است. در بخش فعالیت های اجتماعی بیشترین فعالیت در گردهمایی های مذهبی و کمترین در ورزش همگانی است (جدول شماره ۲). با توجه به بررسی صورت گرفته اطلاعات و آمار به دست آمده نشانگر آن است که فعالیت ها در سه بخش ذکر شده به صورت همسان توزیع نگردیده و از لحاظ توزیع فعالیت به ترتیب بخش صنایع روستایی، کشاورزی و فعالیت های اجتماعی قرار دارد.

۲-۳ مشکل پیش روی اشتغال زنان

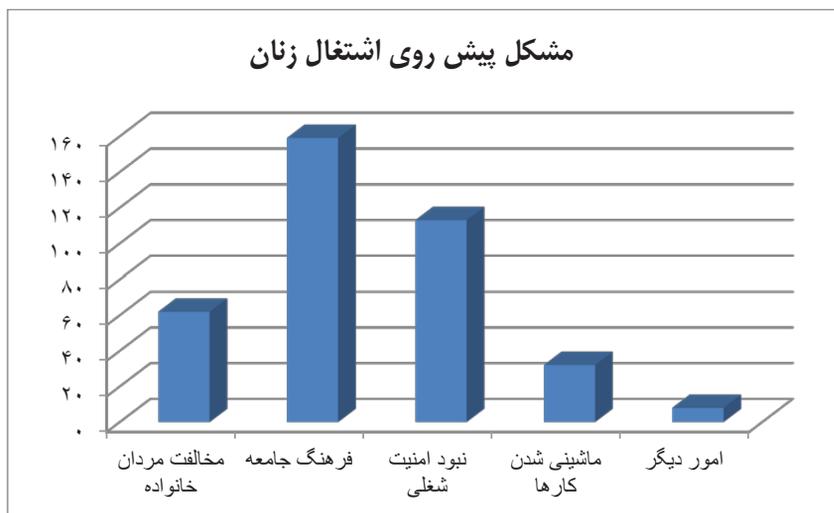
بر اساس نتایج، فرهنگ جامعه و نبود امنیت شغلی مهمترین مشکل پیش روی اشتغال زنان معرفی شدند (جدول ۳). در نمودار (۱) وضعیت مربوطه نشان داده شده است.

است. مطالعات اقتصادی - اجتماعی نشان داده است که موانع متعددی در مسیر نقش زنان در توسعه وجود دارد که عمده آن ها به شرح ذیل می باشد (سپاهی زاده، ۱۳۹۰، ص ۳۵).

۲-۲ تواناسازی زنان روستایی

تواناسازی فرآیندی است که طی آن افراد برای غلبه بر موانع پیشرفت، فعالیت هایی انجام می دهند که باعث تسلط آن ها در تعیین سرنوشت خود شود. در این راستا مهارت های لازم برای تواناسازی زنان به سه دسته کلی قابل تقسیم می باشد. فرآیند توسعه شامل مشارکت گروه های هدف نیز می باشد و افراد قابلیت های توسعه ای خویش را در مورد تشخیص و فائق آمدن بر مشکلات تقویت می نمایند. چنانچه مساوات بین زن و مرد محور تعریف توسعه امور زنان باشد، این مساله به همراه خود لزوم تفویض اختیارات به زنان را برای فائق آمدن بر تنگنهایی که در امر مساله برابری زنان در جوامع مردسالاری وجود دارد را دربر می گیرد. در یک بحث کلی می توان اختیارات زنان را در پنج مرحله برابری نشان داد و باید در نظر داشت که مساله اختیارات زنان یک بخش اساسی از فرآیند توسعه در هر مرحله می باشد؛ به عبارتی فرآیند توسعه امور زنان در پنج مرحله از برابری قابل تعیین است. این پنج مرحله منجر به افزایش برابری و نهایتاً به افزایش توانایی زنان منجر می شود که عبارتند از: رفاه، دسترسی به عوامل تولید، آگاهی (دانش)، مشارکت و کنترل (کاظمی، ۱۳۸، ص ۳۸):

۱. مرحله اول: رفاه؛
۲. مرحله دوم: دسترسی؛
۳. مرحله سوم: آگاهی؛
۴. مرحله چهارم: مشارکت؛ و
۵. مرحله پنجم: کنترل.



نمودار ۱. نمودار مشکل پیش روی اشتغال زنان

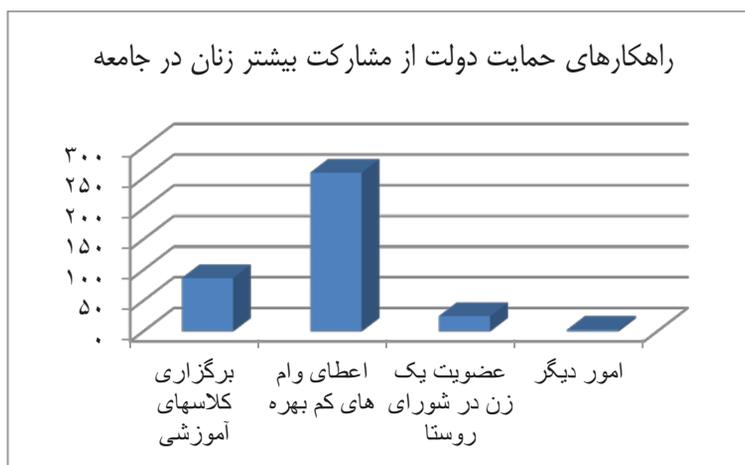
جدول ۴. راهکارهای حمایت دولت از مشارکت بیشتر زنان در جامعه

راهکارها	برگزاری کلاس های آموزشی	اعطای وام های کم بهره	عضویت یک زن در شورای روستا	امور دیگر
تعداد	۸۷	۲۵۹	۲۵	۳

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

■ ۷۶ ■



نمودار ۲. نمودار راهکارهای حمایت دولت از مشارکت بیشتر زنان در جامعه

۳-۳- راهکارهای حمایت دولت از مشارکت بیشتر زنان در جامعه

۳-۴- تحلیل داده های آماری

۳-۴-۱- آزمون توزیع داده ها

برای انتخاب نوع آزمونهای پارامتریک یا غیر پارامتریک می بایست ابتدا مشخص می شد که آیا توزیع داده ها نرمال می باشد یا خیر. در مرحله بعد با در نظر گرفتن این اصل، نوع آزمون انتخاب می

شود. بر اساس نتایج اعطای وام های کم بهره به عنوان مناسبترین راه جهت حمایت دولت از مشارکت بیشتر زنان در جامعه معرفی شد (جدول ۴). در نمودار ۲ وضعیت مربوطه نشان داده شده است.

جدول ۵. آزمون نرمال بودن داده ها

متغیرها	اسمیرنوف (Z)	سطح معنی داری
فعالیت های کشاورزی	۲/۸۸	۰/۰۰۳
صنایع روستایی	۲/۳۱	۰/۰۰۵
فعالیت های خدماتی	۱/۹۰	۰/۰۰۷
فعالیت های اجتماعی	۲,۰۹	۰/۰۰۱

فرض صفر: داده ها از جامعه نرمال آمده اند.

فرض یک: داده ها از جامعه غیر نرمال آمده اند.

جدول ۶. بررسی همبستگی بین متغیر مستقل و متغیر وابسته

مستقل	وابسته		
۰,۷۱۸	۱,۰۰	ضریب همبستگی اسپیرمن	وابسته
۰,۰۰۲	۰,۰۰	سطح معناداری	
۳۷۴	۳۷۴	جمع	
۱,۰۰	۰,۷۱۸	ضریب همبستگی اسپیرمن	مستقل
۰,۰۰	۰,۰۰۲	سطح معناداری	
۳۷۴	۳۷۴	جمع	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۷۷

از آنجاییکه داده های آزمون از نوع ناپارامتریک می باشند لذا جهت بررسی همبستگی بین مشارکت زنان در فعالیت های کشاورزی و توسعه یافتگی روستاها از آزمون اسپیرمن استفاده گردید. ضریب محاسبه شده برابر ۰,۷۱۸ و سطح معنی داری برابر ۰,۰۰۲ می باشد بنابراین می توان اذعان نمود بین مشارکت زنان در فعالیت های کشاورزی و توسعه یافتگی روستاها ارتباط مستقیمی وجود دارد. شدت همبستگی هم ۷۱٪ می باشد که سطح مناسبی به شمار می رود. ۳-۴ همبستگی بین مشارکت زنان در فعالیت های صنایع روستایی و اثرگذاری آن بر توسعه ی روستایی از آنجاییکه داده های آزمون از نوع ناپارامتریک می باشند لذا جهت بررسی همبستگی بین مشارکت زنان در فعالیت های صنایع روستایی و توسعه یافتگی

شود. در این تحقیق با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف داده های آزمون مورد بررسی قرار گرفتند که نتیجه به شرح زیر است. با توجه به نتایج جدول فوق می توان عنوان نمود به دلیل پایین بودن سطح معنی داری از ۰,۰۱، به احتمال ۹۹٪ داده ها از جامعه غیر نرمال به دست آمده اند. بنابراین بایستی از آزمونهای ناپارامتریک استفاده گردد.

۳-۴-۲ بررسی همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته

همبستگی بین مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی و اثرگذاری آن بر توسعه روستایی همبستگی و سطح معناداری در مقیاس ۰,۰۱ در دو آیتم فوق مورد تایید است.

جدول ۷. بررسی همبستگی بین متغیر مستقل و متغیر وابسته

مستقل	وابسته	
۰,۶۵۹	۱,۰۰	ضریب همبستگی اسپیرمن
۰,۰۰۳	۰,۰۰	سطح معناداری
۳۷۴	۳۷۴	جمع
۱,۰۰	۰,۶۵۹	ضریب همبستگی اسپیرمن
۰,۰۰	۰,۰۰۳	سطح معناداری
۳۷۴	۳۷۴	جمع

همبستگی و سطح معناداری در مقیاس ۰,۰۱ در دو آیتم فوق مورد تایید است.

جدول ۸. بررسی همبستگی بین متغیر مستقل و متغیر وابسته

مستقل	وابسته	
۰,۷۷۸	۱,۰۰	ضریب همبستگی اسپیرمن
۰,۰۰۱	۰,۰۰	سطح معناداری
۳۷۴	۳۷۴	جمع
۱,۰۰	۰,۷۷۸	ضریب همبستگی اسپیرمن
۰,۰۰	۰,۰۰۱	سطح معناداری
۳۷۴	۳۷۴	جمع

همبستگی و سطح معناداری در مقیاس ۰,۰۱ در دو آیتم فوق مورد تایید است.

می‌باشند؛ لذا جهت بررسی همبستگی بین مشارکت زنان در فعالیت‌های خدماتی و توسعه یافتگی روستاها از آزمون اسپیرمن استفاده گردید. ضریب محاسبه شده برابر ۰,۷۷۸ و سطح معنی داری برابر ۰,۰۰۱ می‌باشد بنابراین می‌توان اذعان نمود بین مشارکت زنان در فعالیت‌های خدماتی و توسعه یافتگی روستاها ارتباط مستقیمی وجود دارد. شدت این ارتباط مستقیم ۷۷٪ می‌باشد که بسیار مناسب است.

روستاها از آزمون اسپیرمن استفاده گردید. ضریب محاسبه شده برابر ۰,۶۵۹ و سطح معنی داری برابر ۰,۰۰۳ می‌باشد؛ بنابراین می‌توان اذعان نمود بین مشارکت زنان در فعالیت‌های صنایع روستایی و توسعه یافتگی روستاها ارتباط مستقیمی وجود دارد. شدت این ارتباط مستقیم ۶۵٪ می‌باشد که مناسب است.

۳-۴ همبستگی بین مشارکت زنان در فعالیت‌های خدماتی و اثرگذاری آن بر توسعه روستایی

از آنجایی که داده‌های آزمون از نوع ناپارامتریک

جدول ۹. بررسی همبستگی بین متغیر مستقل و متغیر وابسته

مستقل	وابسته		
۰,۸۱۵	۱,۰۰	ضریب همبستگی اسپیرمن	وابسته
۰,۰۰۹	۰,۰۰	سطح معناداری	
۳۷۴	۳۷۴	جمع	
۱,۰۰	۰,۸۱۵	ضریب همبستگی اسپیرمن	مستقل
۰,۰۰	۰,۰۰۹	سطح معناداری	
۳۷۴	۳۷۴	جمع	

همبستگی و سطح معناداری در مقیاس ۰,۰۱ در دو آیتم فوق مورد تایید می باشد.

جدول ۱۰. معادله رگرسیونی میزان بیشترین اثر پذیری توسعه یافتگی روستاها از

مولفه های مربوط به مشارکت زنان

مدل	R	R ²	F	سطح معنی داری
رگرسیونی	۰,۶۶	۰,۴۲	۸۷,۱۳	۰,۰۰۱

مولفه ها	بتا	t	سطح معنی داری
فعالیت های کشاورزی	۰,۴۱	۸,۸۶	۰,۰۰
صنایع روستایی	۰,۲۷	۶,۴۹	۰,۰۰
فعالیت های خدماتی	۰,۴۴	۱۰,۹۷	۰,۰۰
فعالیت های اجتماعی	۰,۴۷	۱۲,۱۱	۰,۰۰

۳-۴-۵ همبستگی بین مشارکت زنان در فعالیت های اجتماعی و اثر گذاری آن بر توسعه روستایی

از آنجاییکه داده های آزمون از نوع ناپارامتریک می باشند لذا جهت بررسی همبستگی بین مشارکت زنان در فعالیت های اجتماعی و توسعه یافتگی روستاها از آزمون اسپیرمن استفاده گردید. ضریب محاسبه شده برابر ۰,۸۱۵ و سطح معنی داری برابر ۰,۰۰۹ می باشد. با توجه به اینکه سطح معنی داری از ۰,۰۱ کوچکتر است، بنابراین می توان ادعان نمود بین مشارکت زنان در فعالیت های اجتماعی و توسعه یافتگی روستاها ارتباط مستقیمی وجود دارد. شدت

این ارتباط نیز ۸۱٪ می باشد که با توجه به نزدیکی به ۱+ بسیار مناسب است.

۳-۴-۶ اثر پذیری توسعه یافتگی روستاها از مولفه های کشاورزی، صنایع روستایی، خدماتی، اجتماعی

همانگونه که ملاحظه می شود در مدل ارائه شده میزان R² برابر ۰,۴۲ می باشد. به عبارت دیگر چهار فعالیت کشاورزی، صنایع روستایی، خدمات و اجتماعی می توانند ۴۲ درصد در توسعه یافتگی روستایی نقش ایفا کنند. ولی تعیین این موضوع که کدام یک از عوامل فوق بیشترین اثر را در توسعه روستایی بخش لوندویل آستارا دارد می توان به

فعالیت های اجتماعی با ۰,۴۷ اشاره نمود. یعنی اینکه هر واحد افزایش فعالیت اجتماعی مشارکت زنان می تواند می تواند به میزان ۰,۴۷ در توسعه یافتگی روستاها موثر باشد. ضمن اینکه متغیرهای دیگر نیز به میزان ۰,۴۴، ۰,۲۷، ۰,۴۱، اثرگذار می باشند.

۴. نتیجه گیری و جمع بندی

بدون شک توسعه هر کشوری به مشارکت همه عوامل آن به ویژه عوامل انسانی آن بستگی دارد. امروزه تمامی صاحب نظران و برنامه ریزان به این نتیجه رسیده اند که سطح توسعه تابعی از شاخصهای کیفیت گروه جمعیتی آنها است و در این میان زنان به دلیل مسئولیت و وظایفی که در زمینه های گوناگون دارند دارای نقش بسیار قابل توجهی هستند. اهمیت موضوع زنان در ایران و به ویژه در جوامع روستایی با محدودیت امکانات و منابع تولیدی از یک سو و از سوی دیگر با رشد سریع جمعیت و انبوه بیکاران در فرایند دستیابی به رشد و توسعه روستایی مواجه می باشند. از آنجاییکه روستاها به عنوان بخش سازنده و خودکفا بسیاری از پایه های اقتصادی از مهمترین اجزای جامعه محسوب می شوند و زنان روستایی هم به جهت ساختار و بافت روستاها از قابلیت های زیادی در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و ... برخوردارند ولی متأسفانه با وجود نقشهای چندگانه آنان در عرصه های مختلف هنوز جایگاه زنان در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری ها بسیار کم ارزش و حاشیه ای تلقی میشود و بسیاری از برنامه ریزان و مسئولین اجرایی کشور تنها نقش پشتیبان مردان را به زنان نسبت می دهند و نقش آنان را توسعه های اقتصادی و اجتماعی نادیده می گیرند و نیمی از جمعیت را در بهره مندی از مواهب توسعه محروم می دارند. لذا به نظر می رسد انجام مطالعاتی در خصوص زنان و جمع آوری اطلاعات کافی در این زمینه می تواند در تدوین برنامه های خاص زنان کارگشا باشد.

در بررسی انجام شده مشخص شد که ۵۶,۴۱٪ پرسش شوندگان را زنان تشکیل می دهند و

۵۳٪ پرسش شوندگان در محدوده سنی ۲۰ تا ۳۵ سال قرار دارند. همچنین مشخص شد که ۹۱٪ پرسش شوندگان متأهل می باشند ضمن آنکه ۶۳٪ پرسش شوندگان دارای تعداد اعضای ۵ تا ۸ نفر در خانواده می باشند و به لحاظ تحصیلات نیز ۷۱٪ دارای مدرک دیپلم هستند. به لحاظ نگرش پاسخگویان به میزان فعالیت زنان در بخش های کشاورزی، خدماتی، اجتماعی و صنایع روستایی، پرسش شوندگان اعتقاد دارند که ۷۹ درصد از زنان مناطق روستایی لوندویل در فعالیت های اجتماعی فعالیت زیاد یا بسیار زیادی دارند. همچنین پرسش شوندگان اعتقاد دارند در بخش فعالیت های کشاورزی ۷۶ درصد زنان فعالیت زیاد یا خیلی زیاد می باشند. در بخش خدمات ۴۶ درصد زنان دارای نقش زیاد یا خیلی زیاد و در بخش صنایع روستایی ۷۲ درصد زنان دارای فعالیت کم یا بسیار کم باشند. از طرفی دیگر ۶۹ پرسش شوندگان اعتقاد دارند که اعطای وام کم بهره مهمترین و بهترین راهکار دولت جهت حمایت از زنان روستایی بخش لوندویل آستار برای حضور در جامعه است.

۴-۱ پیشنهادها

۱. فراهم نمودن بستر مشارکت زنان در سطح روستا از طریق گسترش دسترسی به وسایل ارتباط جمعی.
۲. ایجاد و تقویت تشکل زنان روستایی (به ویژه در قالب تعاونی ها و انجمن های زنان). وجود چنین تشکل هایی باعث گسترش مشارکت های اقتصادی و اجتماعی در سطح جامعه روستایی می شود.
۳. فرهنگ سازی مشارکت در سطح روستا با توجه به سنت های حاکم بر منطقه و تلاش برای تغییر نگرش مردان روستا نسبت به مشارکت بیشتر زنان.
۴. برگزاری کلاسهای آموزشی مناسب با سطح سواد و تحصیلات زنان روستایی برای درک و شناخت بهتر از مشارکت
۵. تدوین طرح ها و برنامه های توسعه روستایی بر اساس نیازها و اولویتهای زنان روستایی و تشویق آنان به مشارکت در این طرح ها.
۶. افزایش اعتماد به نفس زنان روستایی و آگاه سازی

حسینی نیا، غ. (۱۳۷۸) بررسی عوامل دموگرافیک موثر بر آموزش زنان روستایی. ماهنامه علمی جهاد، ۱۹، ۲۲۵-۲۴۹.

خسروی پور، ب.، فروشانی، ن. (۱۳۹۰) مشارکت زنان و توسعه پایدار روستائی. کار و جامعه. شماره ۱۳۳-۱۳۲، صص ۶۸-۵۷.

خضریو، ب. (۱۳۷۹) فرهنگ های متفاوت مصلحان توسعه در توسعه روستایی، ماهنامه جهاد، شماره ۲۲۹-۲۲۸، سال ۱۹، صص ۱۲-۱۷.

دهیاری، (۱۳۹۰) ماهنامه پژوهشی، آموزشی و ترویجی، سال ۶، شماره ۳۳، ۸۴ صفحه.

رحیمی، ح. (۱۳۸۰) نقش توانمندسازی مالی زنان در توسعه پایدار روستایی، مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی و عشایر: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد کشاورزی، صص ۳۱۹-۳۳۳

رسول زاده، م (۱۳۸۷) ارائه الگوی مفهومی از شاخص های پایداری در توسعه روستایی. مجموعه مقالات اولین همایش ملی مدیریت و توسعه کشاورزی پایدار در ایران ۵-۳ دی ماه، اهواز، صص ۲۲-۱۷.

رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و مهدی طاهرخانی (تابستان ۱۳۸۱) استقرار صنعت در روستا و نقش آن در رفاه مناطق روستایی، فصلنامه مدرس، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱-۲۲.

رضوانی، م. (۱۳۸۱) برنامه ریزی توسعه روستایی (مفاهیم، راهبردها و فرایندها، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. صص ۲۲۱-۲۴۰.

رهنما، م. (۱۳۷۷). نگاهی نو به مفاهیم توسعه، تهران: نشر مرکز. ۱۲۶ صفحه.

روستایی در حفاظت از منابع آب کشاورزی، مطالعه موردی: استان خراسان رضوی. فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۵، شماره ۴، صفحات ۱۳۵-۱۵۴.

سلطانی، م. (۱۳۷۸) زنان و ضرورت مشارکت آنان در حفظ محیط زیست و توسعه پایدار، فصلنامه علمی محیط زیست، شماره ۲۹، صص ۵۹-۸۱.

شادی طلب، ژ. (۱۳۸۲) مشارکت اجتماعی زنان.

آنان نسبت به حقوق، استعداد و توانایی های خود و نقشی که در مسایل اقتصادی اجتماعی دارند به گونه ای که آسیبی به بنیان خانواده نرسد.

۷. توجه ویژه سیاست گذاران و برنامه ریزان آموزشی به تحقق برابری حقوق زنان و مردان در جامعه.

منابع و ماخذ

آسایش، حسین (۱۳۸۲) مقدمه ای بر اقتصاد روستایی ایران: انتشارات دانشگاه کرمانشاه. صص ۳۳-۶۷.

اداره کل جنگلها (۱۳۹۴) مراتع و آبخیزداری شهرستان آستار، بخش مطالعات و برنامه ریزی، تاریخ دسترسی. اداره کل محیط زیست شهرستان آستار، بخش مطالعات و برنامه ریزی، تاریخ دسترسی ۱۳۹۴.

اداره کل هواشناسی شهرستان آستارا (۱۳۹۴) بخش آمار و اطلاعات، تاریخ دسترسی.

انصاری، حمید (۱۳۸۸) تعاونیهای زنان روستایی ضرورت یا موج، همان منبع، صص ۱۲۵، ۱۲۳، ۱۲۲.

از کیا، م، ایمانی، ع. (۱۳۸۶) توسعه پایدار روستایی، تهران، انتشارات اطلاعات.

اشرف حامدی، ع. (۱۳۸۵) چگونگی مشارکت زنان در شکل های اقتصادی اجتماعی روستایی استان گلستان، ماهنامه جهاد، شماره ۲۷۵، صص ۱۲۵-۱.

بدری، سید علی. رکن الدین افتخاری عبدالرضا (۱۳۸۲) ارزیابی پایداری: مفهوم و روش، تحقیقات جغرافیایی، ۲، ۶۹، ۳۴ - ۹.

بدری، سید علی (۱۳۷۶) توسعه پایدار: مفهوم، ارزش، عمل، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات جغرافیایی، صص ۴۴.

ترکمانی، ج.، میرزائی، م. (۱۳۷۸) تحلیل اقتصادی عوامل موثر بر مشارکت زنان روستایی در فعالیت های تولیدی همراه با دستمزد، فصلنامه روستا و توسعه، ۳، ۸۱-۹۸.

جمشیدی، م. (۱۳۸۲) زنان و توسعه روستایی. ماهنامه جهاد، شماره ۲۵۷، سال ۲۳، صص ۵۷-۶۴.

چمبرز، ر. (۱۳۷۸) توسعه روستایی اولویت بخشی به فقرا، ترجمه مصطفی از کیا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

بررداری، حفاظت و احیاء عرصه های طبیعی بیابانی، پژوهشهای زنان، دوره ۳، شماره ۷، ۱۵۶ صفحه .

صابری فر، ر. (۱۳۸۵) توسعه پایدار و مقوله پایداری در توسعه روستایی. ماهنامه جهاد، شماره ۲۷۳، سال ۲۶، صص ۲۱۹-۲۳۴.

کوشکی، ف.، ایروانی، ه.، کلانتری، خ. (۱۳۸۹) عوامل موثر بر بهبود مشارکت زنان در صندوق های خرد اعتباری روستایی مطالعه موردی: استان کرمانشاه. فصلنامه روستا و توسعه، سال ۴، شماره ۱، صفحات ۳۵-۱۵.

مطیعی لنگرودی، سیدحسن (۱۳۸۲) برنامه ریزی روستایی با تأکید بر ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ اول، مشهد.

میرزائی، م.، شهیدی، ک. (۱۳۸۶) بررسی عوامل موثر بر حضور زنان روستایی در فعالیت های آموزشی و ترویجی کشاورزی مطالعه موردی شهرستان بافت و زرنند کرمان. توسعه و بهره وری، سال ۲، شماره ۳، صص ۱۰-۲.

ملک محمدی، ا.، حسینی نیا، غ. (۱۳۷۹). انگیزه های مشارکت زنان روستایی در برنامه ریزی های آموزشی و ترویجی در استان فارس، مجله علوم کشاورزی ایران، جلد ۲۱، شماره ۱، سال ۱۳۶۰. صص ۴۲-۵۳.

میرترابی، م.، حجازی، ی.، حسینی، س. (۱۳۸۴). بررسی عوامل موثر بر نقش اجتماعی زنان در فعالیت های روستایی مطالعه موردی استان کردستان. فصلنامه روستا و توسعه انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان. صص ۱۹-۴۲.

محمملو، ف. (۱۳۹۳) بررسی نقش زنان در توسعه نواحی روستایی (مطالعه موردی شهرستان نمین). دانشکده علوم انسانی، گروه جغرافیای طبیعی، استاد راهنما: علیرضا پور شیخیان، تابستان ۱۳۹۳.

مایکل، ل. (۱۳۷۱) توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه غلامعلی فرهادی پور. تهران، سازمان برنامه بودجه سابق، چاپ دوم.

میرک زاده، ع.ا.، علی آبادی، و.، شمس، ع. (۱۳۸۹). واکاوی موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه های آموزشی و ترویجی. فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۳،

دوره ۳، سال ۱، شماره ۷، ۱۵۶ صفحه .

عبداللهی، م. (۱۳۷۸) زنان نهاد مدنی مسائل و موانع و راهبرد مدنی مشارکت زنان در ایران. مجله جامعه شناسی ایران، دوره ۵، شماره ۹۹، صص ۶۳-۹۹.

علوی تبار، م. (۱۳۷۸) الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، انتشارات سازمان شهرداری های کشور، جلد دوم، یافته های تجربی و راهبردها، صص ۱۷-۱۸.

عماد زاده، م. (۱۳۸۲). اهمیت سرمایه گذاری در آموزش زنان. مجله پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۶، صص ۱۱۵-۱۴۰.

علی بیگی، ا.، بنی عامریان، ل. (۱۳۹۰) تحلیل مشارکت زنان روستایی شهرستان سنقر و کلیایی در برنامه های آموزشی ترویجی (راهبردی توسعه پایدار روستایی).

عنابستانی، ع.ا.، جوان، ج.، احمدزاده، س. (۱۳۹۰) بررسی رابطه بین ویژگیهای فردی زنان و مشارکت آنان در فرایند توسعه روستایی مطالعه موردی: دهستان درزآب؛ شهرستان مشهد. مطالعات و پژوهشهای شهری و منطقه ای، سال سوم، شماره دوازدهم، صص ۷۸-۶۱.

عنابستانی، ع.ا.، احمدزاده، س. (۱۳۹۰) بررسی ارتباط بین ویژگی های مکانی و فضایی و عوامل موثر بر مشارکت زنان در سطح جامعه روستایی (مطالعه موردی: دهستان درزآب شهرستان مشهد، مطالعات و پژوهشهای شهری و منطقه ای، سال سوم، شماره دوازدهم، صص ۶۷-۵۱.

غنیان، م. (۱۳۸۷) نقش زنان روستایی در بهره

شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹، صفحات ۱۴۷-۱۶۵.

محبوبی، م. (۱۳۷۶) بررسی انواع آموزشهای مطلوب و مناسب برای دختران روستایی. مجموعه مقالات تواناسازی دختران جوان روستایی در مشارکت های اجتماعی کردستان، ۱۲۸-۱۴۹.

موحد، ح، لشگرآرا، ف و کرکه آبادی، ن. (۱۳۸۵) تحلیل جنسیتی و زنان روستایی، ماهنامه جهاد، شماره ۲۷۳، سال ۱۳۸۸، صص. ۲۹۱-۲۶۷.

مدیریت امور زنان روستایی و عشایری، (۱۳۷۸) تواناسازی زنان روستایی از طریق کارآفرینی، وزارت جهاد سازندگی.

نراقی، ی. (۱۳۷۰) توسعه و کشورهای توسعه نیافته. مطالعه تحلیلی از جنبه های نظری تاریخی توسعه نیافتگی، شرکت سهامی انتشار.

شادی طلب، ژاله (۱۳۸۴) زنان کشاورز ایرانی در برنامه های توسعه، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سوم، بهار ص ۳۰ و ۳۱.

کاظمی، علی (۱۳۸۹) بررسی وضعیت موجود زنان روستایی ایران، ج ۲، انتشارات دفتر تحقیقات و برنامه ریزی معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهاد سازندگی، ص ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۷.

سهایی زاده، عبدالعلی (۱۳۹۰) بررسی جامعه شناختی نقش زن در کشاورزی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سوم، ص ۶۷، ۶۸، ۷۴، ۷۵.

گلابی، سیاوش (۱۳۷۹)، فرآیند توسعه جامعه ایران، نشریه تازه های اقتصاد، سال اول، شماره ۱۲، مهر.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

■ ۸۴ ■

بررسی و نقد گرایش‌ها و روش‌های هرمنوتیکی به فهم مندی معماری و شهر

شهرام شیرمحمدی* - کارشناسی ارشد مهندسی معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
سیدعلی زارع - کارشناس ارشد معماری منظر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

چکیده

موضوع این مقاله، بررسی و نقد گرایش‌ها و روش‌های هرمنوتیکی به فهم مندی معماری و شهر است. در این مقاله، ضمن مرور مختصر بر تاریخچه هرمنوتیک (پیشامدرن، مدرن و معاصر)، گرایش‌ها و روش مندی هرمنوتیکی معاصر به مقوله فم زیبایی‌شناسی معماری شهری معاصر به طور اخص مورد توجه قرار گرفته است. سپس، از خلال روش‌شناسی هرمنوتیک انتقادی به کاستیها و نارساییهای نظریه‌ها و روشهای هرمنوتیکی در نقد معماری و شهر اشاره می‌شود. روش تحقیق این مقاله توصیفی و تحلیلی در مرحله مبانی نظری و روش تحلیل استدلال منطقی در مرحله ارزیابی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هرمنوتیک فلسفی با طرح مفاهیم جدیدی چون پیش فهم‌ها در ادراک معماری، حلقه فهم در مفهوم شناخت شهری، زبان و تاریخ مندی طراحی شهرها، ادغام افقها و متمرکز ساختن هرمنوتیک بر آنها، به مقوله معماری شهری و زیبایی‌شناسی وابسته به آن نظر داشته است؛ چنانچه به نظر می‌رسد که دیدگاه‌های دوره تجدید درباره پیشداوری، حجیت و سنت، کانون انتقادات دوره فراتجد است. در رویکردهای فراتجد هرمنوتیک دوره تجدید جریانی محافظه کارانه است، زیرا این هرمنوتیک نمی‌تواند خود را از اقتدار موجود در سنت رها نماید. در انتها نیز به این مهم اشاره شده است که فهم معماری و معیارهای شناخت شناختی دوران جدید، مقوله پر از اغتشاش مفهومی و سرشار از تناقضهای بنیادی است. **واژگان کلیدی:** معماری شهری، هرمنوتیک انتقادی، هرمنوتیک فلسفی، تاریخ‌مندی، گرایش‌های نظری هرمنوتیکی.

Review hermeneutic methods to understand usage trends and aesthetics of urban architecture

Abstract

This article aims to review trends and hermeneutic methods to Fhmmndy urban architectural aesthetics. In this article, we review the history of hermeneutics (pre-modern, modern and contemporary), trends and contemporary hermeneutical approach to the issue of access to feminist aesthetics of contemporary urban architecture in particular is considered. Then, through the shortcomings and failures of critical hermeneutics theory and criticism of architecture and town are mentioned in the hermeneutical methods. Descriptive and analytical methods of this research in the theoretical and logical analysis in the evaluation. The results show that the philosophical hermeneutics with new concepts such as the understanding of the perception of architecture, urban circle of understanding the concept of cognition, language and historicity of urban design, integration hermeneutic horizons and focus on them, the issue of urban architecture and beauty it is dependent of mind. If it seems that opinion in renewable period of about prejudice, authority and tradition, is the focus of criticism Fratjdd period. Fratjdd approaches hermeneutics Renaissance movement is conservative, because the hermeneutics can not be left to the authority of tradition. Finally, the important point is that understanding the architectural and aesthetic standards of modern concept of conceptual confusion and full of contradictions is fundamental.

Keywords: urban architecture, critical hermeneutics, philosophical hermeneutics, historicity, hermeneutic trends.

خود با انشقاق‌ها و دسته‌بندی‌های گوناگونی مواجه بوده است، اما پرداختن به تمام نحله‌ها و شقوق این سنت نظری و روش‌شناختی، خارج از توان یک مقاله است، در این مقاله تلاش می‌شود در روش توصیفی و تحلیل استدلالی به بررسی و نقد گرایش‌ها و روش‌های هرمنوتیکی به فهم‌مندی زیبایی‌شناسی معماری شهری نظری افکنده شده و مواردی چند در رابطه با تناقضها و پیچیدگیهای مفهوم زیبایی‌شناختی در زیبایی‌شناسی معماری و شهرسازی معاصر مورد اشاره قرار گیرد.

پیشینه نظری

شناخت و شناخت‌شناسی معماری

«شناخت‌شناسی» یا «نظریه شناخت»؛ شاخه‌ای از فلسفه است که به «پرسشهایی درباره ماهیت شناخت و مکانیزم دستیابی به آن» می‌پردازد. از سویی دیگر، آن را مطالعه و تحلیل فرآیندی که در آن، واقعیت‌معرفتها (معرفتهای واقعی و عینی) ساخته و پرداخته می‌شوند، تلقی می‌کنند (علیزاده و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۳۰).

آگاهی یا شناخت دو مرحله دارد:

۱. «مرحله شناخت حسی» و
۲. «مرحله شناخت منطقی». در مرحله شناخت حسی تحریکهای محیط از طریق حواس بر ارگانیسم‌ها تاثیر می‌گذارند، در مرحله شناخت منطقی ادراکها یا انگاره‌های ذهنی که نماینده صریح نموده‌های جزئی جهان بیرونی هستند، به سبب برخورد با ادراکات یا انگاره‌های ذهنی پیشین، مقایسه و سنجیده می‌شوند (آگ برن و نیم کوف، ۱۳۸۰، ص ۴۰).

به نظر «اسکات استراجن»، شناخت را می‌توان «باور صادق موجه» دانست؛ به چند دلیل این تعریف مهم و اساسی است؛ بنابراین بهترین است که فضای مفهومی این تعریف را بکاویم:

۱. فرد (شخصی یا جمعی) برای آگاهی و علم به یک امر (خواه دانشی و تخصصی، خواه تجربی و متعارف) باید به آن باور داشته باشد؛

تاریخ زندگی بشر حاکی از تفسیر و تبیین جهان در قالب روایات اساطیری است. ماهیت متفاوت انسانها نشان می‌دهد که تفاسیر آدمی از هستی‌اش و جهان، متکثر است. این تکثر مبداء تفاوت افکار و فرهنگها و سنن و تمدن آدمی در تاریخ بوده است، تا جایی که عرصه تاریخ را عرصه تفسیر و انسان را موجودی تاریخ‌مند در عرصه تفسیر نامیده‌اند. موجودی که با آفرینش‌های نظری و عملی، خود و جهان را معنی می‌کند و پیوسته در جستجوی معانی پدیده‌های قابل فهم است. انسان، چیزی به جز لحظه‌های پیوسته تفسیر و تحقق فهم نیست. از سویی دیگر، «واقعیت را کیفیتی مرتبط با پدیده‌هایی که آنها را دارای وجودی مستقل از خواست و اراده خود میدانیم (و نمی‌توانیم آن‌ها را کنار بگذاریم) و «شناسایی» را اطمینان به این که پدیده‌ها واقعیت‌اند و از خصوصیات ویژه برخوردارند، تعریف می‌کنیم. علاقه جامعه‌شناسانه به پرسشهای مربوط به واقعیت و شناسایی اصولاً به اعتبار «نسبیت اجتماعی» آنها قابل توجیه است. باید خاطر نشان کرد که جامعه‌شناسی شناخت برخلاف بسیاری از رشته‌های فرعی جامعه‌شناسی، دارای تعریف و قلمرو معین نیست و به عقیده برخی از نویسندگان، نمی‌توان آن را یکی از رشته‌های فرعی جامعه‌شناسی دانست که به بررسی پدیدارهای اجتماعی می‌پردازد، بلکه بیشتر آن را به یک برنامه علمی شبیه دانسته‌اند» (علیزاده و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۲۵). همچنین علم هرمنوتیک بنیان تمام دانش‌هایی است که با فهم پدیده‌ها سر و کار دارد و عرصه فراگیر آن ساختار وجودی آدمی تا معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی توسعه پیدا کرده است. سنت هرمنوتیک یا تفسیری در علوم اجتماعی، در طی دهه‌های گذشته همواره به عنوان یکی از سنت‌های جایگزین مکتب پوزیتیویستی مطرح بوده است. در این مدت متفکران مختلفی به این عرصه پا گذاشته‌اند و این سنت در درون

۲. باور فرد باید صادق باشد؛ یعنی ما به ازای آن وجود داشته باشد و او بتواند «متعلق شناخت را تجربه یا حس» کرده باشد؛

۳. و بالاخره این که دلیل فرد برای داشتن این باور صادق باید موجه باشد؛ یعنی بنای آن بر معیارهایی گذاشته شده باشد که برایش رضایت بخش بوده و ضمناً بتواند آن را برای دیگران مدلل و مستند کند. پس با توجه به این سه معیار، می توان «هر نوع باور صادق موجهی» را شناخت نامید. حال باید دید این شناخت چه پراکنش هایی دارد:

۱. اولین نوع شناخت، «شناخت حاصل از آشنایی» است؛ یعنی شناختی که به صورت شهودی ناشی از آشنایی ما با اشخاص، چیزها، مکانها، واقعه ها و مانند آنها است.

۲. دومین نوع شناخت، «شناخت مهارتی» است؛ یعنی شناخت نسبت به نحوه انجام دادن کارهای گوناگون؛

۳. سومین نوع شناخت، «شناخت گزاره ای» است؛ یعنی علم و آگاهی و دانش عام به امور و چیزها بر اساس تجربه منظم و تعقل و تفکر^۱.

هرمنوتیک و مفهوم شناسی

هرمنوتیک به معنای مدرن آن در دوران رومانیتیک (۱۷۹۸-۱۸۷۰) به اوج بلوغ و تکامل خود رسید. در هرمنوتیک مدرن پرسش از فهم این یا آن متن نیست، بلکه پرسش اصلی این است که «خودِ تفسیر یعنی چه؟» می توان این پرسش اصلی را نقطه عطفی در انتقال از هرمنوتیک سنتی به مدرن دانست. هرمنوتیک مدرن که توسط «شلایر ماخر» و «ویلهم دیلتای» بسط و گسترش یافته است، معنی هر متن را در پیوند با عمل ذهنی مورد نظر مولف مشخص می سازد. لذا رسالت درک و فهمیدن معنی هر متن را می توان همان بازیافت یا از نو زنده کردن

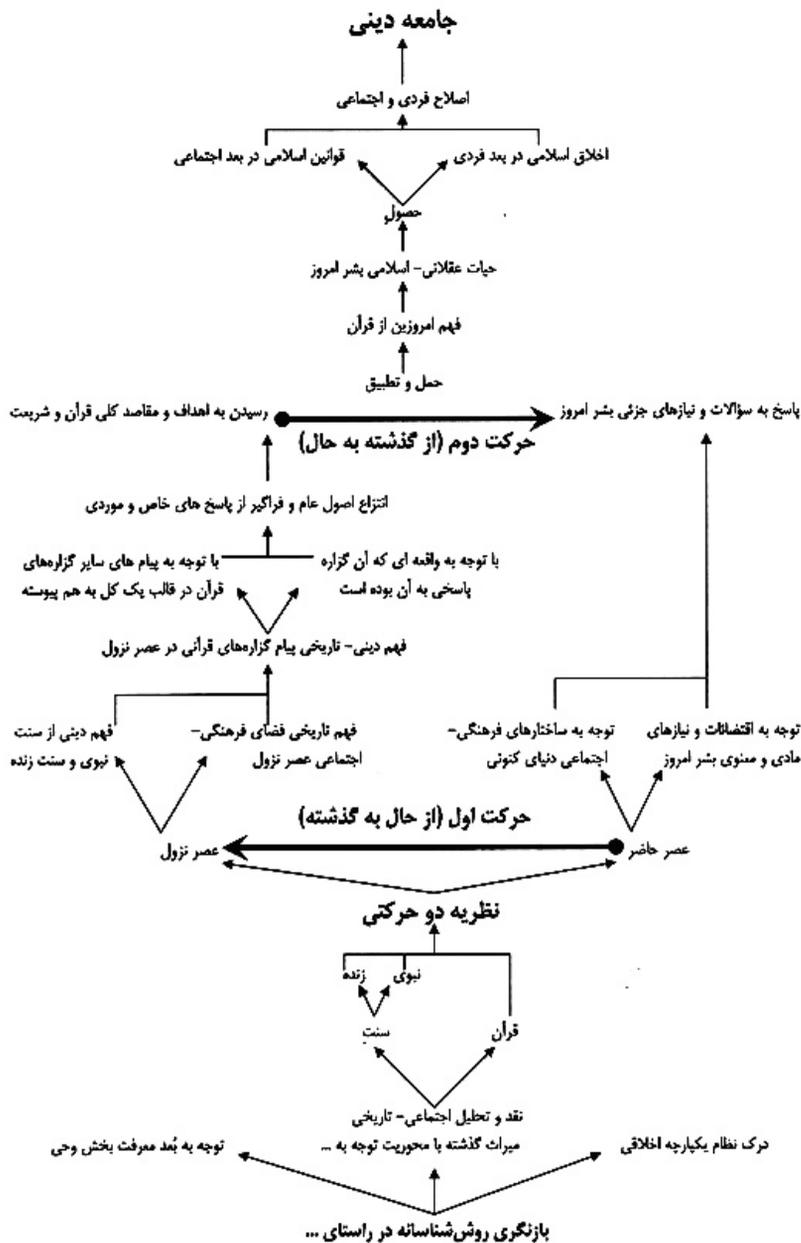
نیت اصلی و حقیقی مولف یا خالق آن متن دانست، و بدین ترتیب تفسیر یک متن اساساً مستلزم نوعی خود جا به جایی و فرافکنی تخیلی از سوی مفسر است. بدین معنی که مفسر باید به لحاظ فاعلی، زمانی و مکانی خود را جای مولف قرار دهد (نوذری، ۱۳۷۹، ص ۶۵۴). همچنین باید گفت که اصطلاح Hermeneutice از فعل یونانی hermeneuin به معنای «تفسیر کردن» گرفته شده است و معنای اسمی آن hermeneia یعنی «تفسیر» است. اشکال مختلف این کلمه متضمن به فهم در آوردن چیز یا موقعیتی مبهم است. این واژه را مرتبط با «هرمس» خدای پیام رسان یونانیان می دانند که واسطه ای به عنوان مفسر و شارح بود و پیام خدایان را که محتوای آن فراتر از فهم آدمیان بود برای آنها به صورت قابل درک در می آورد. در حقیقت مفسر، کار هرمس را انجام می دهد و می کوشد تا هرمس گونه معنای سخن را کشف کند (احمدی، ۱۳۷۷، صص ۴-۶). هرمنوتیک پیش از مدرن بیشتر به شرح معنا Exegesis و تفسیر متون دینی پیوند می یابد تا به فلسفه. بطوریکه کتاب مقدس به عنوان مهمترین متن، مرکز توجه هرمنوتیک باستانی و قرون وسطایی را شکل می دهد (علمی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸). بدین ترتیب مفسر با دورساختن هرگونه پیشداوری قبلی و نقطه نظرات شخصی یا کنار گذاشتن هرگونه ذهنیت خودی و دخالت ندادن زمینه های فکری- عقیدتی قبلی خود و پذیرش یا اخذ قالب های ذهنی مولف و تطبیق خود با آن شرایط بر فاصله ای که وی را از مولف دور می سازد، فایق می آید. بنابراین از دیدگاه متفکران رومانیتیک متن دارای معنا است؛ معنای واحدی که قابل دستیابی است و می بایست روش هایی نیز برای نیل به معنای متن ارائه نمود. کاربرد هرمنوتیک فوق در مباحث هستی شناسی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۸۷

۱. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه می توانید رجوع کنید به: ۱. علیزاده، عبدالرضا و دیگران (۵۸۳۱) جامعه شناسی معرفت، چاپ ۲، تهران، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲. برن، آگ و نیم کوف (۰۸۳۱) زمینه جامعه شناسی، ترجمه: آرمان پور، تهران، انتشارات نگاه؛ در ضمن این مطالب از درس گفتارهای دکتر سید محمود نجاتی حسینی در کارگاههای درسی ایشان انتخاب و ویرایش شده است.



نمودار ۱. روش شناسی هرمنوتیکی در فهم مفاهیم درگیر جوامع اسلامی با رویکردهای هرمنوتیکی؛ ماخذ: آزاد، ۱۳۹۳.

و معرفت شناسی سبب می‌شود که هستی را با
 همه زیر مجموعه آن یعنی جامعه، سیاست، اقتصاد،
 فرهنگ، و طبیعت دارای معنا و نیت‌مند بدانیم.
 معنایی که واحد بوده و می‌توان با استفاده از روش
 و ابزارهای صحیح، به آن دست یافت (grondin،
 ۱۹۹۵، ۶). هرمنوتیک مدرن دو رسالت ویژه برعهده
 داشت:
 الف- بسط و گسترش هرمنوتیک پیشامدرن که
 خود را در چارچوب محدود مذهبی محصور کرده
 بود؛
 ب- تبدیل هرمنوتیک به روشی که شکل و ساختار
 علوم اجتماعی تجربی Social sciences و نیز رشته

آن‌ها قابل توجه و بحث‌اند. تاریخ معرفت‌شناسی می‌تواند در قالب چند اپیستم (نظام دانایی و دانشی یعنی حاوی نوع نگاه و نوع پرسش‌ها و پاسخ‌ها و مفروضات منحصربفرد و متمایز از دیدگاه‌های پیش و پس از خود است)؛ مرتب‌کرد. این کار البته توسط هاملین صورت‌نگرفته؛ وی تنها بر اساس کروئولوژی (زمان‌شناسی تاریخی شکل‌گیری آرای شناخت‌شناسی) به طرح این آرا پرداخته است. لذا در پایان می‌توان گفت که؛ مراحل تاریخی شناخت‌شناسی عبارتند از: «۱. اپیستمه یونانی؛ ۲. اپیستمه قرون وسطایی؛ ۳. اپیستمه رنسانسی مدرنیته (مجموعه‌ای از تنوعات درون مدرنیته‌ای منجمله: اپیستمه‌های پست‌مدرن؛ لیت‌مدرن؛ فمینیستی و مانند آنها). اما در قرن بیستم، شاهد ظهور رهیافتی فلسفی در هرمنوتیک هستیم. شخصیت‌های کلیدی این دوره، هانس-گئوگ گادامر، مارتین هایدگر، و پل ریکور است. در حالی که مسئله هرمنوتیکی در آثار هرمنوتیک رومانیتیک با مسئله «معرفت» مرتبط است، این بحث در آثار هایدگر با مسئله «وجود» پیوند می‌خورد (تامسون، ۱۳۷۹، ص ۱۷۰).

در واقع، هرمنوتیک فلسفی چرخشی بود از روش‌شناسی و معرفت‌شناسی هرمنوتیک به هستی‌شناسی و پدیدارشناسی فهم (واعظی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۷). مطرح کردن پرسش فراموش‌شده وجود و نظریه-پردازان در باب این امر که آدمی نمی‌تواند از جایگاه تاریخی خود



نمودار ۱. انواع حوزه‌های اختصاصی معرفت؛ ماخذ: نگارنده بر اساس علیزاده و دیگران، ۱۳۸۵.

های علوم انسانی را معین می‌کند؛ بنابراین این نوع هرمنوتیک دارای استلزام «پوزیتویستی» است زیرا مطابق با این نظریه، نیت و منظور اصلی مولف چیز خاصی است، تفسیری که آن نیت اصلی را آشکار و عرضه کند، تفسیر صحیحی است که دیگر تفاسیر را به عنوان تفسیرهای غلط و نادرست باطل می‌سازد (Linge and trans, ۱۹۷۶، ۵).

در رابطه با دوره‌های پیشینی این مفهوم باید گفت؛ کلیت شناخت‌شناسی «قرون وسطای مسیحی» را می‌توان در قالب سه نسخه اصلی تشریح کرد:

۱. «نسخه آگوستینی و اکویناسی»: عینی‌گرایی و واقع‌گرایی شناختی؛

۲. «نسخه آبلاری»: ذهنی‌گرایی و مفهوم‌گرایی شناختی؛

۳. «نسخه اوکامی»: سازه‌گرایی و نام‌گرایی شناختی؛

البته شایان ذکر است که برخی دیگر حوزه‌های اختصاصی معرفت را دیگرگونه تقسیم‌بندی کرده‌اند. برخی از متفکران، سه معرفت عمده، یعنی

۱. «معرفت دینی»،

۲. «معرفت فلسفی» و

۳. «معرفت علمی» را از هم متمایز کرده‌اند. بر این

سه معرفت، باید معرفت سیاسی (ایدئولوژی) را نیز باید افزود (علیزاده و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۷۲).

همچنین برای شناخت، تقسیم‌بندی‌های گوناگونی وجود دارد که بنا به ماهیت با هم تفاوت‌های ویژه‌ای

دارند؛ در هر حال یکی از این انواع تقسیم‌بندی‌ها، «شناخت علمی»، «شناخت هنری» و «شناخت

فلسفی» می‌باشد (ر.ک: آگ برن و نیم کوف، ۱۳۸۰، صص ۴۳-۴۸).

کروئولوژی شناخت و معماری

برای فلسفه شناخت و فیلسوفان شناخت، شناخت گزاره‌ای مهم‌ترین نوع شناخت برای بحث‌های

دقیق و البته پیچیده فلسفی است؛ اما برای «شناخت‌شناسی اجتماعی» و «جامعه‌شناسی شناخت»

هر سه نوع شناخت بالا (شناخت‌های حاصل از آشنایی؛ مهارتی و گزاره‌ای) از منظر زمینه اجتماعی

در جهان بیرون برود، از گزاره های بنیادی این نحله است (جمشیدپها و شالچی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۱).

فیلسوفان هرمنوتیک پیش از هایدگر رسالت هرمنوتیک را تحلیل پدیده فهم در تقابل با دیگر اعمال انسانی همچون شناخت یا زبان می دانستند.

از این رو، میان علوم طبیعی و علوم انسانی تمایز قایل بودند. آنان پدیده ی فهم و تأویل را مخصوص علوم انسانی می دانستند که نمی توانند بسان علوم طبیعی از راهی عینی به شناخت برسند، و لذا به تأویل پدیده ها می پردازند، این جریان فلسفی که در

«هرمنوتیک رومانیتیک از شلایرماخر» (۱۷۶۸-۱۸۳۴) تا «ویلهم دیلتای» (۱۸۳۳-۱۹۱۱) را در برمی گرفت، یک نقطه ی ضعف داشت و آن این که فهم را تابعی

فرعی از شناخت می دانست. تحلیل «هایدگر» از دازاین (Dasein) به مثابه ی بودن در جهان، فهم ما از فهم را تغییر داد و آن را از پدیده های فرعی به

مشخصه ی اصلی یا اساس تجربه ی انسانی تبدیل کرد. چنان که گادامر گفته است: تحلیل زمانمند هایدگر از دازاین، به نحو قانع کننده ای نشان داد

که فهم فقط یکی از انواع متنوع رفتارهای ممکن ذهن یا سوژه نیست، بلکه وجه هستی دازاین است. و از این رو تمامیت تجربه او از جهان را دربرمی گیرد

(ربانی گلیپایگانی، ۱۳۸۱، ص ۱۹). باید گفت که هرمنوتیک فلسفی «مفسر محور» است و ذهنیت و مراد مولف را نادیده می گیرد و هدف تفسیر را فهم

مراد مولف نمی داند (نوروزی طلب، ۱۳۸۶، ص ۶۴).

مبانی هرمنوتیک و فهم معماری

علوم طبیعی و علوم انسانی، به دلایل زیر، از لحاظ روش شناسی دو دانش متمایزند:

۱. الف: ارادی بودن جهان انسانی و غیر ارادی بودن جهان طبیعی؛

۲. ب: موجبیت علوم طبیعی بر خلاف علوم انسانی؛

۳. ج: تجانس محقق - موضوع تحقیق در علوم انسانی بر خلاف علوم طبیعی؛ و

۴. د: آگاهی انسان به عنوان خصیصه ممتاز.

پدیده های اجتماعی دارای ابعاد ذهنی خاصی

هستند و با دنیای خاص ارزش ها پیوند دارند و بدون اطلاع از این ارزش ها قابل فهم نیستند. ادراک که در روش هایی چون رفتارگرایی، اساس شناخت است در رویکردهای هرمنوتیکی با مشکلاتی چند مواجه است. از جمله:

۱. ادراک، تفاضلی یا تفاوتی است. یعنی هرکس با توجه به دنیای خاص ضمیر خویش، جهان و پدیده های پیرامون خود را ادراک می کند، هر انسان کتابی خاص، ممتاز و منحصر به فرد است.

۲. ادراک، گزینشی (selective) است.

۳. ادراک، انسانی - ارزشی است؛ یعنی بر ارزش های مثبت یا منفی متکی است و شناخت واقعیت حیات انسانی بدون در نظر گرفتن متن یا مجموعه (Ensemble) امکان پذیر نیست.

در کنار هرمنوتیک فلسفی، نظریه «هرمنوتیکی انتقادی» رشد کرد که با عنوان «هرمنوتیک منفی» شناخته می شود. در هرمنوتیک منفی هدف

از تفسیر، روشن ساختن این نکته است که متون دارای تضادند و انسجام ندارند. هرمنوتیک منفی تحت تأثیر نظریه پساساختارگرایی «بر شکافتها،

گسسته ها و بن بست هایی که در درون متن وجود دارد، تأکید می کند» و در این نگرش وظیفه هرمنوتیک رمززدایی و کاهش توهم آگاهی است.

در این مکتب که «مکتب شبیه» نامیده می شود و متأثر از آرای مارکس، نیچه و فروید است، هرمنوتیک دیگر در پی احیای معانی مستور در متن نیست، بلکه در پی «کاهش دروغها و توهمات آگاهی»

است (جمشیدپها و شالچی، ۱۳۸۷، ۱۶۱). صاحب نظران مکتب هرمنوتیک منفی معتقدند باید مفهوم انسجام را رها کرد و عدم انسجامی را برملا نمود

که متن سعی دارد آن را پنهان کند. در واقع آنچه در متن مسکوت گذاشته شده است، بیش از آن که اظهار شده است، مورد توجه قرار می گیرد و

به شیوه هایی که متن می کوشد از طریق آنها وحدتی تصنعی و رای تضادهای اجتماعی تصویر کند

شلاير ماخر به عنوان بنيانگذار هرمنوتيك، اصل را بر نقصان و سوءفهم قرار داده بود از اين رو هرمنوتيك به عنوان مجموعه قواعدی روش‌مند و روش‌آموز، بايد برای رفع سوءفهم به استخدام درآيد. ماخر بر خلاف سابق که از ماهيت فهم بحث نمی‌کردند، مسأله ماهيت فهم را در زمره مباحث هرمنوتیکی درآورد و فهم و تفسير را «بازسازی» و «بازتوليد» دانست؛ يعنی مفسر وقتی به فهم متن نائل می‌آيد که فرايند اصلی ذهن مؤلف را که منجر به آفرينش متن شده، بازآفرینی کند و به درک فضای ذهنی حاکم بر مؤلف، حين توليد متن واقف شود.

۳. «هرمنوتيك معرفت شناختی و فهم معماری»: سوم، هرمنوتيك روشی است که در عرصه علوم انسانی تعميم يافت. ويلهلم ديلتای هرمنوتيك را دانشی می‌دانست که عهده‌دار ارائه روش‌شناسی علوم انسانی است. هدف اصلی تلاش هرمنوتیکی او، ارتقاء اعتبار و ارزش علوم انسانی و هم‌تراز کردن آن با علوم تجربی بود. وی تحليل معرفت‌شناسانه‌ای از علوم انسانی و بطور خاص از تاريخ ارائه کرد (واعظی، ص ۷۵-۱۱۰).

۴. «هرمنوتيك فلسفی و فهم معماری»: چهارم، هرمنوتيك فلسفی که با هایدگر آغاز شد و توسط گادامر، ریکور و دریدا استمرار يافت و تبیین حقيقت فهم را دنبال کرد (خسرورپناه، ص ۱۹). هدف از هرمنوتيك فلسفی، توصيف ماهيت فهم است. هرمنوتيك فلسفی برخلاف هرمنوتیکهای گذشته نه به مقوله فهم متن منحصر می‌شود و نه خود را در چهارچوب فهم علوم انسانی محدود می‌کند. هرمنوتيك فلسفی به مطلق فهم نظر دارد و درصدد تحليل واقعه فهم و تبیین شرایط وجودی حصول

توجه می‌شود (همان، ۱۶۲). «یورگن هابرماس»^۱ و کارل اوتوآپل که نمایندگان اصلی گرایش علم‌تأويل انتقادی به شمار می‌روند، به تأثير عوامل غير زبانی در امور فرهنگی پرداختند. هابرماس و آپل در دهه ۱۹۶۰ انتقادات مهمی را به مبانی اصلی هرمنوتيك وارد کردند. به طوريکه نقد هابرماس از گادامر، مهمترین متن نظری این نحله است.

روش‌های هرمنوتیکی و فهم معماری هرمنوتيك در یک سير طولانی، پنج مرحله طولی اساسی را پشت سر گذاشته است:

۱. «هرمنوتيك کلاسيک و فهم معماری»: نخست، هرمنوتيك کلاسيک که درصدد ارائه روش تفسير متون مقدس و مطلق متون بوده است. «دان هاوردر» سال ۱۶۵۴، نخستین کسی بود که در عنوان کتاب خود از نام هرمنوتيك استفاده نمود و آن را هرمنوتيك قدسی یا روش تفسير متون مقدس ناميد. داوری در باب صدق معنای متن را نیازمند دو مرحله دانست؛ در مرحله نخست بايد به مدد هرمنوتيك معنای متن را دریافت، در مرحله بعد با تمسک به تحليل منطقی، از صادق یا کاذب بودن آن خبر يافت. که این ایده‌ی او مورد استقبال عقل‌گرایان عصر روشنگری و عقل‌گرایی قرار گرفت. آخرین نظریه‌پرداز هرمنوتیکی در عصر روشنگری، می‌یر است. از نظر وی هیچ مفسری بهتر از خود مؤلف نمی‌تواند قصد و مراد او را تشخيص دهد؛ پس بهترین مفسر متن، نویسنده آن است (متقی فر، ۱۳۵۹).

۲. «هرمنوتيك رومانتیک و فهم معماری»: دوم، هرمنوتيك مدرن یا رمانتیک که در صدد ارائه روش جلوگیری از بدفهمی و سوء فهم بوده است. چرا که

۱. هابرماس از فلسفه سیاسی اجتماعی ارسطو، کانت و هگل و مارکس و همچنین آرنت و راولز؛ فلسفه وجودی، پدیدارشناسی و هرمنوتيك هوسرل، هایدگر، ديلتای و گادامر؛ فلسفه زبان ویتگنشتاین، آستین، استراوسون، سرل و چامسکی؛ و سرانجام فلسفه علم پوپر بهره برده است. حاصل این بهره‌وری پردازش تئوریک ترها و مقوله‌های کلیدی مندرج در این فلسفه‌ها است که با استفاده از رویه بازسازی عقلانی هابرماسی بازتاب تئوریک نوآورانه‌ای در شبکه تئوریک فلسفه‌ی وی پیدا کرده است (منوچهری و نجاتی حسینی، ۵۸۳۱، ص ۱۱). هابرماس اولین نوع شناخت را شناخت پوزیتیویستی یا اثبات‌گرایی می‌نامد. رویکرد پوزیتیویسم با ادعای درک علمی از قواعد و رویدادهای سیاسی - اجتماعی همراه است. این جریان با استفاده از روش‌های علوم طبیعی سعی در تدوین علوم اجتماعی نوینی دارند (kciwewgeS dna ragdE, ۰۰۰۲, ۹۹۵).

آن است (واعظی، ص ۲۷-۲۸) و فهم متن را حاصل و برآیند افق معنایی مفسر و افق معنایی متن می‌داند (عباسی، ص ۳۲۵).

۵. «هرمنوتیک نئوکلاسیک و فهم معماری»: پنجم، هرمنوتیک نئوکلاسیک است که پس از گادامر شروع شد. این نوع هرمنوتیک در واقع بازگشتی به اندیشه‌های کلاسیک هرمنوتیک است. برخی از دانشمندانی که به گرفتاری امثال گادامر در دام نسبی‌گرایی پی بردند، به نوعی عینی‌گرایی در هرمنوتیک روی آوردند. «هرش» که یکی از متفکران مکتب نئوکلاسیک و عینی‌گرایی در هرمنوتیک است، هدفش را بنیان نظریه‌ای معرفی می‌کند که اختیار متن را در ارزیابی نیت متن می‌داند. او این امر را شرط اصلی یافتن معیاری برای درستی تفاسیر و یافتن چنین معیاری را امری ضروری در قبال نسبی‌گرایی معاصر می‌شمارد (هادوی‌تهرانی، ص ۲۳۸).

مفاهیم هرمنوتیکی و فهم معماری

این مفاهیم عبارتند از:

۱. «تجربه زنده» (Lived experience)؛ از نظر دیلتای، عمل انسانی مبین تجربه زیسته است و تحلیلی خاص را طلب می‌کند. مفسر می‌کوشد تا خود را به جای موجد یا پدیدآورنده اثر قرار دهد تا علت فعل و عملش را بفهمد.

۲. «منظومه‌های نهان» (Latent constellations). به معنی در نظر گرفتن امور مفروض یا بدیهیات، یعنی تمامی آن داشته‌هایی که در راه فهم رفتار یا عمل دیگری لازمند و انسان‌ها در هنگام تفسیر بدان توجه ندارند.

۳. «انسجام و معماری» (verstehen). کوشش اساسی پیروان مکتب تاویل، فهم مجموعه‌های به هم پیوسته و سیال انسانی است؛ چنانچه دیلتای می‌گوید: ما طبیعت را تبیین می‌کنیم، اما انسان را می‌فهمیم.

۴. «شاخص و نمادگرایی در معماری» (Indexical). یعنی هر فعل یا عمل و یا حرکت انسانی، بعدی

شاخص - نمادی دارد و آن این که هر نماد (فعل یا عمل انسانی) در هر متن یا مجموعه‌ای معنایی ویژه دارد.

۵. «شرح و سناریو نویسی در طراحی شهری» (Glossing). برای شناخت معنای هر عمل باید به متن یا مجموعه‌ای توجه کرد که در آن اتفاق افتاده است (شاخص - نماد) چون احصای کل اطلاعات (منظومه یا شبکه‌ای که رفتار در آن جای گرفته) معنایی ویژه می‌یابد و در یک آن ممکن نیست، پس فرد ناچار است خطوط اصلی آن را در ذهن نگاه دارد و با مراجعه سریع بدان، فهم رفتار دیگری صورت می‌پذیرد. این جریان ظریف و عجیب فکر را شرح می‌خوانند.

۶. «کلی‌نگری در معماری» (Holism). بینش هرمنوتیک بیش از هر بینش دیگری تامیت را هدف قرار می‌دهد. شناخت تامیت در مکتب تاویل متکی بر مفاهیم زیر است:

• دایره هرمنوتیک یا حلقه تاویل (Hermeneutic circle). شناخت اجزاء تشکیل دهنده یک مجموعه ممکن نیست، مگر با توجه و با در نظر گرفتن محل یا مجموعه و یا منظومه‌ای که در آن جای دارد. در عین حال، شناخت کل نیز بدون توجه به اجزاء صورت‌پذیر نخواهد بود. پس حرکت دیالکتیکی از کل به جزء و از جزء به کل، فرآیندی طبیعی در کار پژوهش انسانی است.

• بعد تاریخی. در شناخت کلیت علاوه بر دور هرمنوتیکی باید هر پدیده را در مجموعه‌ای وسیع که با امتداد تاریخی آن مرتبط است، دید و شناخت. از این دیدگاه تامیت بعد طولی می‌یابد و توالی پدیده مورد نظر را به صورت پیوستار از گذشته تا زمان حال مدنظر دارد.

• روح عینی. منظور نموده‌های حیات انسانی، از زبان گرفته تا دین است. بدین ترتیب، آثار سیاسی، هنری، اقتصادی و خود علم و خلاصه، همه موضوعات علوم روحی (انسانی) در آن دخیلند.

• معنای اسنادی. مثلاً معنای اسنادی یک نقاشی

زمانی فهمیده می‌شود که در چارچوب جهان‌بینی جامعه یا گروهی که در آن تولید و تهیه شده است، مورد توجه قرار گیرد.

۷. «انتقال ذهنی» (Mental transfer). هدف غایی در تاویل، بازسازی کلیت ذهنی نویسنده توسط مفسر و تاویلگر است. مفسر باید بتواند شرایط روحی، ذهنی و به طور کلی جهان درون صاحب اثر (نقاشی، نوشته و معماری) را دقیقاً درک کند تا هرکلام یا پیام را به طور عمیق بفهمد و روش خاص در تحقق این هدف، همدلی یا درک دیگری و یا به تعبیر دیگر، خود را به جای دیگری نهادن است (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۹۰۸).

گرایش‌های هرمنوتیکی و فهم معماری

در این مقاله همت اصلی معطوف به معرفی اهم گرایش‌های هرمنوتیکی به لحاظ کاربرد، یعنی؛ هرمنوتیک متن و هرمنوتیک فلسفی می‌باشد. که از هرمنوتیک متن به هرمنوتیک ماقبل فلسفی نیز تعبیر می‌شود. سعی بر این است که با بیان اساس و خمیرمایه روش هرمنوتیکی هرکدام، مقبولیت یا عدم مقبولیت آن روش نزد دانشمندان مسلمان بررسی گردد.

۱. «روش هرمنوتیک متن (ماقبل فلسفی)»: در روش هرمنوتیکی امثال کلادینوس، شلایر ماخر، می‌یر و دیلتای، نکته بسیار مهم این است که ایشان همانند پیشینیان خود به امکان فهم عینی متن معتقدند؛ یعنی درک مقصود و مراد واقعی صاحب سخن را امری ممکن و قابل دسترس می‌دانند و به امکان مطابقت فهم مفسر با معنای واقعی متن باور دارند. این نکته یکی از وجوه تفاوت ایشان با هرمنوتیک فلسفی است. بنابراین هرمنوتیک ماقبل فلسفی از این حیث با هرمنوتیک فلسفی تفاوت جوهری و اساسی دارد. زیرا هرمنوتیک فلسفی، «مفسر محور» است و ذهنیت و مراد مؤلف را نادیده می‌گیرد و هدف تفسیر را فهم مراد مؤلف نمی‌داند؛ حال آنکه از نظر هرمنوتیک ماقبل فلسفی، رسالت هرمنوتیک بازسازی ذهنیت و فردیت مؤلف

است به عبارت دیگر «مؤلف محور» است (واعظی، احمد، ص ۹۵-۹۶).

۲. روش هرمنوتیک فلسفی: شاخصه اصلی روش هرمنوتیک فلسفی که به وسیله هیدگر پایه‌ریزی شد و با گادامر اوج گرفت «مفسر محوریت» است. این نکته تالی فاسدی به نام تفسیر به رأی دارد که در آموزه‌های اسلامی بسیار مورد نهی قرار گرفته است. علاوه بر اینکه روش هرمنوتیک فلسفی شاخصه‌های دیگری نیز دارد که عملاً باعث تفاوت و تقابل با سنت تفسیری اسلامی می‌شود. از جمله اینکه: هرمنوتیک فلسفی خصلتی تاریخی برای فهم قائل است. گادامر بر این نکته تأکید می‌کند که مفسر در فهم خود، از سنت، پیش‌داوری‌ها و پیش‌فرض‌ها متأثر می‌شود. یعنی مفسران و عالمان با زمینه‌هایی از سنت پیوند خورده و با پیش‌دانسته‌های خود به تفسیر موضوع می‌پردازند. بدین ترتیب، درک دنیای ذهنی مؤلف و مراد و مقصود او برای گادامر اهمیت ندارد و هدف تفسیر متن تنها تولید معنای جدید است نه باز تولید ذهنیت و قصد مؤلف. اشکال این حرف این است که: از آن‌جا که پیش‌داوری‌ها، سنت‌ها و موقعیت‌های مفسران با یکدیگر متفاوتند، پس هر مفسری از متن، تفسیر خاص خود را دریافت می‌کند و قرائت‌های مختلف از متن پدید می‌آید. بنابراین هرمنوتیک فلسفی بر این دعوی اصرار دارد:

○ فهم عینی و مطابق با واقع وجود ندارد.

○ معیار دادرسی در باب صدق و کذب فهم متون منتفی است یعنی باید به نسبت فهم تن داد.

○ هر تفسیری به ناچار، تفسیر به رأی و مبتنی بر انتظارها و پیش‌فرض‌هاست.

○ فهم‌های مختلف از متن واحد، هیچ ترجیح منطقی بر یکدیگر ندارند سبحانی، ص ۶۶.

اسلام و روش هرمنوتیکی

هرمنوتیک در جهان اسلام، گرچه به گونه مستقلی مطرح نشد، اما مورد غفلت نیز نبوده است؛ بلکه اندیشمندان علوم قرآنی و اصولی در آثار خود جهت

اهداف فقهی و تفسیری، به مباحثی می‌پرداختند که همگی فهم کتاب و سنت را قانونمند می‌کند (خسروپناه، ص ۹۶). مباحث پژوهشگران دینی ما در زمینه‌های مختلف، از جمله تفسیر و علم اصول (با وجود تفاوت‌هایی)، مشابه نظریات هرمنوتیکی ماقبل فلسفی است؛ گرچه نام هرمنوتیک بر آن نهاده باشند. اما چنانکه گفتیم در میان مباحث اسلامی، دیدگاه‌هایی که با هرمنوتیک فلسفی تناسب داشته باشد، یافت نمی‌شود (واعظی، ص ۷۰).

هرمنوتیک فلسفی

گادامر تلاش فلسفی خود را با کانت مقایسه می‌کند؛ همان‌گونه که کانت به دنبال شرایط امکان معرفت بود، وی نیز در جستجوی دستیابی به شرایط امکان فهم است. به بیان دیگر اگر پرسش بنیادین کانت این بود که شرایط معرفت چیست تا علم جدید بر مبنای آن امکان پذیر باشد، پرسش اصلی گادامر هم این است که فهم چگونه امکان پذیر است؟ از نظر وی اموری که فهم را امکان‌پذیر می‌سازد در همه تفسیرها حضور داشته و رسالت فیلسوف آن است تا به ماهیت مشترک فهم‌ها دست یابد. از نظر گادامر، در فهم متن چند عامل دخالت دارند که عبارتند از:

۱. «واقعیه فهم معماری»: گادامر فهم را واقعیه‌ای می‌داند که ورای خواست و عمل ما برای مان رخ می‌دهد. فهم از نظر گادامر ورای آنچه ما انجام می‌دهیم یا انجام دادن آن را اراده می‌کنیم، ورای اراده معطوف به قدرت، و ورای ضبط و مهار روش شناسانه برای ما اتفاق می‌افتد. فهم رخدادی است که به گونه‌ای عام و فراگیر برای انسان حادث می‌شود، رخدادی که نمی‌توانیم کاری در مورد آن انجام بدهیم. فهم از نظرگاه فلسفی، ایجاد یا برساختن نیست. فهم عمل سوژه بر روی اژه نیست و اساساً به هیچ نحوی از انحا آن چیزی نیست که مفسران انجام می‌دهند (وایسنهایمر، ۱۳۸۱، ص ۵۷). بنابراین از نظر گادامر واقعیه فهمیدن، تنها توسط فاعل شناسا صورت نمی‌پذیرد و یا این

که تنها به موضوع شناسایی اختصاص ندارد بلکه محصول گفت و گوی فاعل شناسا و موضوع شناسایی است (Gadamer, ۱۹۸۹, ۴۶۵).

گادامر با پیروی از نظریه هایدگر بدین مطلب اشاره می‌کند که سوژکتیویسم ارمغان دنیای جدید است و در برابر سنت فیلسوفان یونانی قرار دارد که نه فاصله پر نشدنی میان ذهن و عین می‌دیدند و نه بر اصالت فاعل شناسا می‌کوشیدند. فهم برای آنها عمل فاعل شناسا یا همان ذهن به شمار نمی‌آمد فهم واقعه‌ای بود که از تعامل و گفتگو میان خارج و ذهن پدید می‌آمد. روش دیالکتیکی افلاطون نمونه‌ای از چنین تفکر است. در این شیوه، نه فاعل شناسا و نه موضوع شناسایی هیچ کدام فاقد نقش نیستند. نقش آنان در واقع نقش دو طرف یک گفتگو است. به گفته گادامر دیالکتیک عنوانی است که از زمان فیلسوفان یونان برای اشاره به چنین منطقی از تفکر، انتخاب شد. در این راستا، گادامر بر اساس بهره‌گیری از امکانات افلاطون و سقراط، بر این باور بود که در جریان مهم هرمنوتیکی، با یک متن باید به گفتگو پرداخت و همانند دیالوگ دو متکلم، آنقدر گفتگو را ادامه داد تا طرفین به نوعی توافق برسند وی در توصیف فرآیند تفسیر، بر این باور بود که هر فهمی، یک تفسیر است زیرا هر فهمی در وضعیت خاصی، ریشه دارد پس نمایانگر نقطه نظر و دورنمایی ویژه‌ای است. هیچ دیدگاه مطلق وجود ندارد که بتوان از آن، تمامی دور نماهای ممکن را نگریست. تفسیر ضرورتاً یک فرآیند تاریخی است اما صرف تکرار گذشته نیست بلکه در معنای حاضر و موجود، مشارکت دارد. از این رو «یگانه تفسیر صحیح»، گمان باطلی است. از نظر گادامر، تفسیر یک متن نمی‌تواند به بررسی قصد مؤلف یا درک عصر مؤلف، محدود شود زیرا متن، تجلی ذهنیت مؤلف نیست بلکه تنها بر پایه گفت و گویی میان مفسر و متن هستی، واقعیتش را باز می‌یابد (هوی، ۱۳۷۹، ص ۱۴).

۲. «تاریخمندی فهم معماری شهری»: گادامر با

اتکا بر این مبانی اعتقاد داشت که حقیقت لایه‌لایه است و از راه گفت‌وگو تنها به پاره‌ای از آن می‌توان دست یافت. به نظر او، چون هر فهمی در وضعیتی خاص ریشه دارد، پس هر فهمی نوعی تفسیر است، از این رو، هیچ تأویلی قطعی نیست (Gadamer, 1990, 579). به باور او فهم به صورتی اجتناب‌ناپذیر، تاریخی است و فرد هرگز از موقعیت تاریخی اش رهایی نمی‌یابد. چرا که پیشداوری‌های ما با تاریخ گره خورده‌اند و صرفاً زاییده خصوصیات شخصی ما نیستند. وی می‌نویسد: «آغاز و انجام فهم در درون خود فرد است و ریشه در گذشته‌ای دارد که مخلوق او نیست و به سوی آینده‌ای است که بر آن کنترلی ندارد.» (پالمر، 1377، ص 297). در حقیقت، هرمنوتیک گادامر زاییده مبانی شناخت‌شناسانه وی بود. البته این به آن معنا نیست که متن را می‌توان به هر شکل تاویل کرد. «فهم هرمنوتیکی نتیجه گفتگویی اصیل میان حال و گذشته است و این فهم هنگامی رخ می‌دهد که میان حال و گذشته ادغام افق‌ها وجود داشته باشد. در نهایت این کنشی است مبتنی بر فهم خویشتن، فهم واقعیت تاریخی ما و پیوستگی آن با گذشته» (احمدی، 1377، ص 13). گادامر به پیروی از هایدگر هدف تاویل متن را نه نیات مولف، بلکه خود متن می‌داند. هرمنوتیک تلاشی است برای غلبه بر «فاصله‌گذاری بیگانه ساز» یعنی حل این مساله که چگونه یک اثر، جدا از فرهنگ اصلی و شرایط تاریخی اش می‌تواند با مخاطب امروزی خود ارتباط برقرار کند و از سوی او فهمیده شود. «به اعتقاد گادامر پس از اینکه یک واقعه روی می‌دهد یا یک متن یا اثر هنری پدید می‌آید برداشت‌ها و فهم‌هایی از آن صورت می‌گیرد. این برداشت‌ها و فهم‌ها تاریخ فهم آن حادثه یا متن را می‌سازد و تاریخ فهم در قرائت و داوری آیندگان نسبت به آن تاثیر تام خواهد داشت. این تاریخ فهم را تاریخ اثر گذار آن متن می‌نامند. تاریخ اثرگذار هرگز به صورت کامل تحت کنترل و اختیار مفسر قرار نمی‌گیرد. مفسر هیچ‌گاه

نمی‌تواند اموری را که در گذشته رخ داده است مستقیماً مشاهده کند، بلکه آنها را از افق فهم‌ها و برداشت‌هایی که قبلاً حاصل کرده است، مشاهده و درک می‌کند» (Weinsheimer, 1985, 181).

۳. «سنت و فهم معماری شهری»: گادامر همانند «لودویک ویتگنشتاین»، یکی از اهداف هرمنوتیک را رابطه میان «فهم» و «پراکسیس» می‌دانست به این معنا که فهم بر زمینه و چارچوب‌های معنایی خاص متکی است که توسط آن شکل می‌یابد. به عقیده وی فهم و کاربرد نمی‌تواند به طور قطعی از یکدیگر جدا شوند (هوی، 1379، صص 12-16). به همین دلیل است که گادامر بر سنت‌ها تاکید می‌کند. بر خلاف گفته روشنگری که فرد می‌باید از نقطه‌ای خنثی به جهان بنگرد، از نظر گادامر همین سنت است که به فرد اجازه می‌دهند سنت‌های دیگر را بفهمد. پس سنت مند بودن، پیش فرض فهم سنت‌های دیگر است. گادامر برای توضیح آرای خود، سه نوع رابطه «من و تو» را مشخص می‌کند (Gadamer, 1976, 321-325). البته «من» و «تو» لزوماً اشاره به دو فرد نیست، بلکه هدف بیشتر این است که «من» به عنوان یک سنت می‌خواهد «تو» به عنوان سنتی دیگر را بفهمد یا «من» به عنوان یک نسل یا یک قشر می‌خواهد «تو» یعنی نسلی دیگر و قشری دیگر را بفهمد.

۴. «پیش‌فهم‌ها و دور هرمنوتیک در فهم معماری»: با کمی تعمق در نوشته‌های گادامر می‌توان به وضوح، تعریف او از حلقه فهم را نیز درک کرد و دریافت که او نیز همچون هایدگر به حلقه فهم معتقد بوده و فهم را دستاورد دور هرمنوتیکی یا حلقه فهم می‌داند. دور هرمنوتیکی یعنی اینکه برای دستیابی به فهم، هیچ نقطه شروع حقیقی وجود ندارد؛ زیرا هر فهمی دربردارنده یک فهم قبلی است. هیچ فهمی بدون پیش فرض نیست (منوچهری، 1387، ص 57). گادامر ادعاهای دیلتای را قبول ندارد که مورخ باید تلاش کند تا ذهنیت یا پیشداوری‌ها و تعصبات خود را به نفع عینیت

کنار بگذارد. به عقیده گادامر ذهنیت مفسر پیش شرط ضروری هرگونه درک و فهم است. همین طور افق خاص فرهنگی یا تاریخی هر مفسر چیزی نیست که مانع درک و فهم گردد بلکه برعکس پایه و مبنای اصلی هر نوع درک و فهم بشمار می آید. از نظر گادامر زیستن در چارچوب یک افق تاریخی شرط هستی شناختی یا وجودشناختی است و نه یک معضل معرفت شناختی. زمان، شکاف یا خلأیی نیست که بایستی آن را پر نمود یا بر آن پل زد، بلکه بستر دایمی عرف و عادات و آداب و سنن است که گذشته از طریق آن و در درون آن خود را عرضه می کند. بدین ترتیب تفسیر و تاویل متضمن تداخل افق ها است (Linge, and trans, ۱۹۷۶, ۷)

۵. «ادغام افق ها در فهم شهر»: از دیدگاه گادامر، فهم یک حادثه است. اتفاقی که پیش بینی ناپذیر است و نمی توان آن را هدایت کرد. رخدادی است غیر ارادی و تکرار ناپذیر که در پی یک گفتگو، در لحظه خاصی رخ می دهد و آن لحظه از نظر گادامر لحظه امتزاج یافتن افق ها و لحظه ای سرنوشت ساز است. امتزاج افق ها در پی پرسش و پاسخ مفسر و اثر و فهم در پی این امتزاج و گفتگوی پیش بینی ناپذیر آنها حاصل می شود و همراه با ایجاد فهمی جدید، افقی جدید هم شکل می گیرد. به همین جهت است که گادامر فهم را فعالیتی تولیدی می داند نه بازسازی کننده؛ چرا که بازسازی به معنای دقیق آن امکان پذیر نیست. «یکی از نقاط عطف در هرمنوتیک گادامر، بحث ادغام افقها است. از نظر گادامر، پیش داوری ها آن قدر مهم اند که موقعیت هرمنوتیکی خواننده، برگرفته از آنها است. وی موقعیت هرمنوتیکی خواننده را افق می نامد. از آن جا که هر فرد دارای موقعیتی هرمنوتیکی است، پس دارای افق است و چون فرد همواره در حال آزمودن پیشداوریهای خود است، افق او همواره در حال تغییر و شکل گیری است و ثبات ندارد» (واعظی، ۱۳۸۱، ۲۶۲).

۶. «زبانمندی فهم معماری»: در بسیاری از الگوهای

پوزیتویستی، زبان به عنوان پدیده ای تعریف می شود که نقش بازنمایی واقعیت را دارد؛ یعنی کار و نقش زبان در سایه این الگوها بازنمایی آن چیزی است که واقعیت نامیده می شود. این مدل تا اندازه ای تحت تاثیر مدل دکارتی است که در آن، ارتباط میان شیء با شیء یا مدرک با مدرک در گفتمان-های خاصی مورد تحلیل قرار می گیرد. اما بنا به استدلال گادامر، ویژگی ذاتی کل پدیده فهم، ارتباط آن با زبان است. همانطور که اشاره شد فهم از سنت نشأت می گیرد؛ همچنین باید گفت که «سنت در زبان وجود دارد او در زبان وجود می یابد» و این جز ماهیت سنت است (Edgar and Sedgewick, ۲۰۰۰, ۳۸۹). از این رو، زبان و فهم ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. یعنی «آنچه درباره فهم صدق می کند، به همان اندازه درباره زبان نیز صدق می کند. هیچ یک از آنها صرفاً به مثابه امری که بتواند به طور تجربی مورد پژوهش قرار گیرد، درک نمی شوند. هیچ یک از آنها مطلقاً ابژه نیستند بلکه هرآنچه را که می تواند ابژه باشد احاطه کرده اند» (Edgar and Sedgewick, ۲۰۰۰, ۴۰۴).

هرمنوتیک انتقادی هابرماس

نظریه انتقادی رهیافت جدیدی به علوم انسانی-اجتماعی است که همه بنیان گذارانش اعضای مکتب فرانکفورت که در ۱۹۲۳ تاسیس شد، بودند. این مکتب تفسیری نو از جامعه، فرهنگ، سیاست و اقتصاد ارائه می کرد. متفکران این مکتب در مواجهه با معضلات پیش آمده در دنیای سرمایه داری، مجموعه دستاوردهای این جوامع را از دست رفته می پنداشتند و معتقد بودند که سرمایه داری در بن بست کامل قرار گرفته است. البته اندیشه های اول این مکتب در یک ناامیدی مطلق حاکم بر شرایط آلمان و خود آنها تکوین یافت. اما در سال ۱۹۶۹ که موسسه تحقیقاتی مکتب فرانکفورت با مرگ آدورنو و بعد هورکهایمر، منحل گردید، نظریه انتقادی در شکل جدید و به صورتی مفصل تر با دیدگاه های هابرماس تداوم یافت (نوذری، ۱۳۸۱، صص ۶۸-۶۹).

به طور خلاصه منطق چندمرحله‌ای روش شناختی در فلسفه سیاسی هابرماس را می‌توان بصورت زیر بازسازی کرد (منوچهری و نجاتی حسینی، ۱۳۸۵، ص ۱۰).

الف) صورت بندی و طرح مفروضات اخلاقی، حقوقی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر اساس منطق صوری و فلسفه تحلیلی و فلسفه علوم اجتماعی؛

ب) آزمون و واکاوی این مفروضات و استدلال‌ها با داده‌ها و یافته‌های علوم انسانی اجتماعی مدرن؛ پ) تکمیل استنتاجات آزمون شده با بینش شهودی عقلانی هنجاری اصیل و ابداعی؛

ت) کاربست استنتاجات نهایی در یک الگوی مثالی ناب (تیپ ایده آل کانتی - وبری)؛

ث) نقد تحلیلی وضع موجود بر مبنای هم‌گرایی یا واگرایی نسبت به تیپ ایده آل؛

ج) تجویز الگوی هنجاری (تصریحی و تلویحی) در جهت انطباق دادن وضع موجود با الگوی مثالی.

نقد هرمنوتیکی فهم معماری (از فلسفی گادامر تا دیدگاه هرمنوتیک انتقادی هابرماس)

یکی از مهم‌ترین مکالمه‌های فکری در چند دهه اخیر بحثی است که میان گادامر و هابرماس از ۱۹۶۷ آغاز شد. هابرماس در «منطق علوم اجتماعی» با دیدی انتقادی به هرمنوتیک پرداخت. او در نقد گادامر از منش «خردگریز» دیدگاه پوزیتیویستی در علوم اجتماعی جانب گادامر را گرفت، اما در گرایش خود او به «نسبیت» و انکار ضرورت وجود ضابطه‌ای

قطعی در داوری و نیز کمبود دیدگاهی انتقادی در مورد مبنای هستی‌شناسانه نظریه انتقاد کرد. گادامر در مقاله‌ای تحت عنوان «خطابه، هرمنوتیک و نقد ایدئولوژی» به اعتراضات هابرماس جواب می‌دهد؛ هابرماس متقابلاً در مقاله‌ای با نام «مروری بر حقیقت و روش گادامر» انتقاد خود از هرمنوتیک گادامر را تکرار می‌کند. به طور کلی، انتقادات اصلی هابرماس از گادامر شامل موارد زیر می‌شود:

الف - مفهوم سنت در معماری شهری

اولین نقد هابرماس بر پیامدهای اندیشه گادامر، در خصوص عمل سیاسی رهایی بخش است. مشاجرات ضد روشنگری گادامر درباره پیشداوری، حجیت و سنت، کانون انتقادات هابرماس است. از دیدگاه گادامر تفسیرگر و موضوع تفسیر هر دو جزء فراگرد واحدی هستند و سنت نه به عنوان مجموعه معارفی که در اختیار ماست، بلکه به عنوان زبان به ارث رسیده‌ای که درون آن زیست می‌کنیم، تصور می‌شود. وی گادامر را متهم می‌کند که زبان را نظام مبادله ناب و خالصی می‌بیند که از جانب قدرت و فراگردهای اجتماعی خدشه نمی‌بیند. حال آن که از نظر هابرماس باید به بررسی کژتابی‌ها و سلطه ایدئولوژیکی که از طریق میراث عمومی فرهنگ‌ها انتقال می‌یابد، پرداخت (هوی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۰). بنابراین هابرماس نقد اول خود به گادامر را در پاسخ به کتاب حقیقت و روش او اظهار می‌دارد. بحث اصلی او در اینجا آن بود که هرمنوتیک گادامر

۱. هابرماس، تحت تاثیر پیازه، معتقد است که اعمال اجتماعی صرفاً از طریق پیوندهای عینی و واقعی خود با زبان، کار و بخصوص قدرت ادراک می‌شود. کوشش او در هرمنوتیک انتقادی خود، معطوف به این است تا عینیت جریانهای تاریخی را به دعاوی کسانی که درگیر آن جریانها هستند پیوند دهد. به همین جهت جای هیچ‌گونه شگفتی نیست که می‌بینیم او روانکاوی را نمونه‌ای از یک علم‌الاجتماع دیالکتیکی - هرمنوتیکی می‌داند و بر آن است تا از قدرت آزادسازی و سلطه‌زدایی آن استفاده کند؛ زیرا در نظر او مقصود از طرح و پیش نهادن یک چنین هرمنوتیکی، همانا بازکردن راه است تا توان سلطه‌زدایی افراد نمایان شود و مقاصد و نیت کسانی که فراموش یا سرکوب شده‌اند، فاعلیت پیدا کند و تاریخ را رقم بزند. او درصدد آن است تا از عقاید جدید و از انتقاد سود جوید و با یکپارچه کردن همه آنها بر هرمنوتیک غلبه یابد و آن را به انتقاد از ایدئولوژی مسلط، مبدل سازد. این کار مستلزم قبول و اخذ هرمنوتیک و همراه کردن آن با مذهب انتقاد است. در نظر او وقتی انتقاد به میان آمد می‌توان بر هرمنوتیک غلبه کرد و از دور مربوط به آن رهایی یافت. بنابراین هابرماس در کتاب «شناخت و علایق بشری»، معتقد است که مدل روانکاوی می‌تواند به درون حوزه های اجتماعی توسعه یابد. زیرا به نظر هابرماس، زبان ما بدون امکان رهایی از زور و اجبار از طریق مراقبت روانکاوانه، به فریب ما ادامه خواهد داد. البته فریود به مشکلات بسط روان کاوی به حوزه های اجتماعی کاملاً واقف بود. به همین دلیل او در پایان کتاب «تمدن و محتوای آن» مساله شباهت میان حوزه های فردی و گروههای فرهنگی را به چالش می کشد (duerF, ۲۶۹۱, ۱۹).



تصویر ۱. مفهوم سنت در معماری به تعبیر شولتز چگالی فهم هرمنوتیکی سنت معماری، لحظه رویارویی و ورود به مکان را به لحظه ای مهم بدل میسازد که خود، محصول ارتباط موضوعی متن (معماری) و زمینه (محیط) است.

بخشی از پیشرفت تاریخی عمل می کند، بلکه آن همچنین ابزاری ضروری برای خود-آگاهی محسوب می شود. همچنین، آزادی به عنوان ارزشی عقلانی درک می شود که وجود آن مدیون توجیه شدن توسط عقل می باشد. در همان زمان، این توجیه به صورت توجیه آزادی به عنوان ارزشی بالاتر می شود که نمی تواند توسط ارزش های دیگر باطل شود. از نظر گادامر، آزادی به عنوان بخشی از سنت محسوب می شود. به همین جهت، سنت است که آزادی را به مفهومی والا تبدیل می کند. اما با این توجیه قراردادی آزادی توسط سنت، آزادی به ارزشی در میان ارزش های دیگر تبدیل می شود. این استدلال جایگاه آزادی را سست می کند، زیرا صرفاً فقدان ارزش های رقیب است که می تواند، موقعیت والای آزادی را توجیه کند (Hedberg, ۲۰۰۳, ۴). از دیدگاه هابرماس، گادامر نقش بیش از حد مهمی به سنت و مکالمه با آن داده است و ضابطه ای برای شناخت دقیق احکام ارائه نکرده و با طرح مفهوم مکالمه با سنت، اعتبار هر تاویلی را تقلیل داده یا یکسره از میان برده است. به گمان او، ما همواره سنت یا افق گذشته را با جهان کنونی

جریانی محافظه کارانه است، زیرا این هرمنوتیک نمی تواند خود را از اقتدار موجود در سنت رها نماید (Habermas, ۱۹۸۸, ۱۶۹). همانطور که قبلاً اشاره شد، گادامر مدعی بود که هم بررسی سوژه دانش و هم ابژه تحت بررسی آن باید به عنوان بخشی از سنت فهمیده شوند. به همین جهت، قضاوت درباره یک کار هنری یا یک رویداد تاریخی، هرگز در یک فضای آزادی مطلق به دست نمی آید. فهم از طریق پیش داوری های سنت به دست می آید. هیچ گونه فهم آزاد از پیش داوری وجود ندارد؛ زیرا محتوای همه ایده ها هویت خود را مدیون سنت هستند. بنابراین حتی یک انقلاب نیز ایده های خود را مدیون سنت است، و آن صرفاً به صورت تغییر و تعدیل اتفاق می افتد و نه تغییر رادیکال (Hedberg, ۲۰۰۳, ۴). به نظر می رسد که دیدگاه گادامر در اینجا کاملاً تحت تاثیر نظریات هگل قرار دارد. اما سوال اصلی این است که آیا مفهوم گادامری از سنت با ایده هگلی از تاریخ سازگار است یا نه؟ یعنی آیا گادامر نیز به فهم کارویژه های آزادی به عنوان بخشی از خودآگاهی در بستر تاریخی می پردازد؟ در دیدگاه هگل، آزادی نه تنها به عنوان

خویش همخوان می کنیم و زمانی آن ها را می شناسیم که تسخیرشان کرده باشیم. یعنی از آن ما (یا امروزی) شده باشند. اما به نظر هابرماس، کار اصلی ما در علوم اجتماعی این است که در زیست جهان خود معیار ضابطه یا دستاویزی بیابیم که به یاری آن بتوانیم پدیدارهای سنتی و پیشین را امروزی کنیم. از این رو گادامر پیش از آن که با سنت مکالمه کند تسلیم منطق آن می شود. در حالی که اندیشه نقادانه ما می تواند سنت را بپذیرد یا رد کند. اساس بحث هابرماس گذر از زبان است و رسیدن به ارتباط مستقل از هر گونه ابزار (احمدی، ۱۳۷۲، ص ۵۷۰).

بدین ترتیب، هرمنوتیک هابرماس در پی احیای معانی مستور در متن نیست، بلکه در پی «کاهش دروغ ها و توهمات آگاهی» است. گادامر که در پی کشف حقیقت در متن بود، از سوی هابرماس مورد انتقاد قرار گرفت که نقش ایدئولوژی را در رسیدن به تفاهم ندیده است، حال آن که حقایقی که مورد تفاهم قرار می گیرند، ممکن است ناشی از سلطه باشند و گادامر به گونه های تلویحی به آنها مشروعیت می بخشد (جمشیدیها، شالچی، ۱۳۸۷، ۱۷۶).

البته، پاسخ گادامر این است که اولاً تجربه هرمنوتیکی به شکلی هستی شناسانه و نه معرفت شناسانه است. زبان مندی شیوه اصلی تجربه انسانی است. از این رو ممکن نیست که زبان تحت تاثیر کار و ایدئولوژی قرار گیرد، زیرا خود این «شرایط» از طریق زبان وساطت شده و معنی می یابند. به عبارت دیگر، همه ابژه های دانش و روش شناسی آنها توسط افق های زبانی احاطه شده اند. به همین دلیل، از فهم تاریخمند و زبانیمنتظار نقد ایدئولوژی نمی رود زیرا سنت به شکلی غیرانتقادی مورد پذیرش واقع می شود. بنابراین، تفکر انتقادی، که به ایده آلیزه کردن عقلانیت می پردازد، نمی تواند استقلال خود از سنت تاریخی را اعلام کند و نمی تواند از حلقه هرمنوتیک جدا شود (Gadamer, ۱۹۷۶, ۱۸-۱۹).

ب- گستردگی حوزه علوم درگیر با معماری شهری در نظر گادامر، همین که شخص برای تفهم در کلیت آن، شان تفسیری قائل شود و آن را هرمنوتیکی بداند و بدین نکته توجه کند که در تفهم، حقیقت در مرتبه زبان به ظهور می رسد، دیگر نمی تواند هرمنوتیک را صرفاً متکفل تبیین و توضیح مبنای روش شناسی علوم انسانی در مقابل روش شناسی علوم طبیعی (تقابل معنای هنری و فنی معماری) بداند؛ وقتی می بینیم که در همه صور تفهم حقیقت به ظهور می رسد، ما با کلیت هرمنوتیک روبه رو هستیم و تفکیک روش شناسی علوم انسانی از روش شناسی علوم طبیعی از میان برمی خیزد. گادامر در این قول خود مستظهر به مبانی وجودی (هستی شناسی) تفهم آدمی بود. به اعتقاد او، دیلتای با تفکیک روشهای علوم طبیعی از علوم انسانی و تاریخی، را بر مبنای مستحکمی استوار سازد و از این نظر نتوانسته بود کلیت و عمومیت هرمنوتیک را نشان بدهد. اما گادامر به متابعت از هایدگر به نفس تفهم توجه می کند و می خواهد ببیند در تفهم آدمی به طور کلی، چگونه وجود ظهور پیدا می کند و در این راه اگر چه بر اصول دیلتایی وقع تمام می نهد، اما تفکر او، از حیث آنکه ناظر به بنیانگذاری یک هرمنوتیک عام و کلی است، بیشتر صیغه تفکر شالیرماخر را به خود می گیرد (Gadamer, ۱۹۸۹, ۱۸-۱۹).

گادامر نیز در این راستا، مفهوم اجتماع عقلانی فارغ از سلطه ای که هابرماس آن را مطرح می کند را به نقد می کشد، زیرا این تئوری از تفاوت های بنیادین میان حوزه های شخصی و اجتماعی غفلت می کند. گادامر معتقد است که در روانکاوای بیمار می تواند از انحرافات موجود مراقبت شود اما در تعامل اجتماعی بین گروه ها با علایق متفاوت، انحراف از هنجارهای یک گروه نمی تواند نشانه بیماری باشد، زیرا خود هنجار موضوعی مورد مناقشه می باشد (Couzens, Hoy, ۱۹۸۲, ۱۲۶).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

ج- نسبی گرایی

همانطور که اشاره شد از نظر هابرماس، هرمنوتیک گادامر معرف نوعی انتقاد از خصلت غیرتأملی و خردگریز نظریه پوزیتیویستی علوم اجتماعی است و از این نظر، دیدگاه او قابل قبول می باشد. اما از سوی دیگر، هابرماس بر این باور است که در نظریه گادامر گرایشی به نسبی گرایی وجود دارد و بنیان هستی شناختی نظریه او نیز که از فلسفه هایدگر اخذ شده است، آن چنان که باید بشود، بازاندیشی انتقادی نمی شود. هابرماس سعی می کند تا به تکمیل این استدلال گادامر که سنت را تنها امر بوجدآورنده فهم می داند، بپردازد، زیرا سنت نیاز به این دارد که توسط یک تئوری و معیار جهان شمول به منظور رهایی از نسبی گرایی تکمیل شود. بنابراین کانون مباحثه او این است که آیا اندیشه می تواند خود را از شرایط تاریخی خویش آزاد کند؟ (Habermas, ۱۹۷۱, ۲۹۱-۲۹۴). در این راستا، هابرماس با تکیه بر پژوهش های «آلفرد لورنتر» نظریه ای در باب تأویل عمقی عرضه می کند که نه بر وفاداری نسبت به سنت بلکه به مفروضات نظری خاصی متکی است. این مفروضات این واقعیت را در نظر می آورند که زبان به شیوه ای عمومی بکار برده نمی شود و هیچگونه هماهنگی ضروری و لازمی میان نیات، کنش ها و گفته های بیمار روانی در کار نیست. لذا بایستی به جای «فهم تأویلی ابتدایی» به آنچه لورنتر «فهم صحنه ای» می نامد روی بیاوریم که با توضیح صحنه ای اولیه، معنای گفته ها و نمادها را روشن می سازد. به عبارت دیگر معنا را می توان به کمک تأویلی عمومی که چارچوبی را جهت توصیف تاریخ توسعه یافتگی فرد یا یک نظام اجتماعی در تمامیت آن فراهم می آورد، بازگرداند تا بدین طریق حوادث و عوامل پنهان «ارتباط تحریف شده» را نشان داد (بلاشر، ۱۳۸۰، ۹۹).

نتیجه گیری و جمع بندی

از آنجا که معماری هم به عنوان واقعیت عینی و هم به صورت واقعیت ذهنی وجود دارد، هرگونه درک نظری کافی درباره آن باید هر دو جنبه را شامل باشد. ماهیت این جنبه ها در صورتی به درستی شناخته خواهد شد که معماری بر حسب فرآیند دیالکتیکی پیشرونده ای متشکل از سه عامل اساسی: برونی سازی، عینی سازی، و درونی سازی فهمیده شود. در این راستا گادامر با طرح مفاهیم جدیدی چون پیش فهم ها، حلقه فهم، زبان و تاریخ مندی فهم، ادغام افق ها و متمرکز ساختن هرمنوتیک بر آنها، نقش مهمی در هرمنوتیک فلسفی و فهم مندی فلسفی معماری شهری دارد. از دیدگاه گادامر معماری سنتی به عنوان زبان به ارث رسیده ای که مفسر درون آن زیست می کند، تصور می شود (نقد درون سیستمی به معماری و شهر). بررسی سوژه دانش و هم ایزه تحت آن باید به عنوان بخشی از سنت معماری تا معماری سنتی فهمیده شوند. هیچ گونه فهم آزاد از پیش داوری وجود ندارد و همه ایده ها هویت خود را مدیون سنت هستند که چالش اساسی در «درک ماهیت معماری» دوران نو و مقوله خلاقیت طراحی در معماری و شهرسازی است. با وجود وجوه مثبت روش هرمنوتیک، بعضی از نکات را باید مورد توجه قرار داد؛ از جمله:

۱. درون نگری، اشراق و بالاخره غرق شدن محقق یا مفسر در ژرفای اندیشه خویش به جای تحلیل واقع بینانه واقعیت اجتماعی، ورطه های گمراه کننده این روش هستند که باید بدان توجه نمود؛ البته منظور این نیست که نباید از جنبه های عرفان شناختی به معماری و شهر نظر کرد ولی بهر حال اسارت در مفاهیم سنتی و مولفه های دیکته وار آن بیش از حد مطلوب نیست.

۲. حالت پارادوکسی دایره هرمنوتیک به عنوان مشکل اساسی روش تأویل مطرح است. در حالی که معانی کلمات فردی به زمینه احاطه کننده وابسته است، این زمینه تنها با نتیجه ترکیب معانی کلمات

جدول ۱. مقایسه گرایشها و روشهای نقد معماری، ماخذ: مهدوی نژاد، ۱۳۸۴.

نحله های نقد	کانون توجه	ویژگی آموزشی در طراحی	گروه نماینده
کلاسیک	نشانه ها و رمزگان	شناخت نقشمایه های فرهنگی	اغلب شیوه های سنتی
رومانتیک	اهداف و شخصیت معمار	ایده های معنوی و تقویت نیت سازنده	اغلب شیوه های مدرن
فرمالیسم	فرم بنا و تناسبات بصری	تقویت توانمندی در خلق تناسبات چشمنواز	فرمالیستهای روسی
زمینه ای	طبقه مخاطب و اقتصاد	توجه به مردم و مقاومت در برابر تبلیغات تجاری	مارکسیستها و فمنیستها
پدیدارشناسانه	برداشتهای مخاطب	استفاده از نظرات مردم و استفاده کنندگان بنا	شیوه های پست مدرن
رسانه ای	روش ساخت بنا	تقویت خلاقیت در انتخاب روش و تکنولوژی ساخت	اغلب شیوه های جدید

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۱۰۱

بوسیله یک فرد واحد در دو زمان متفاوت حاوی تجربه ای جدید فرض و حتی واقعی شود.

۴. تکیه بر فهم و رسوخ به درون، نباید مانع از جمع آوری داده های دقیق آماری باشد. یعنی عملاً فهم معماری نسبتی با تکیه صرف به هرمنوتیک ندارد و باید از روشهای تحلیلی و زبان ریاضی در تحلیل های مربوط به ادراک معماری و شهری بهره برد. ۵. نهایت سخن این که نتیجه این روش، تنوع فهمها، تفاسیر و تعبیر به تعداد مفسران و تاویلگران بوده و این امر بدون داشتن معیاری برای واقع نمایی یا صدق آنها به نوعی آنارشیسم علمی منجر می گردد. این مورد هم عملاً باعث تکثر دیدگاه ها به فهم اثر معماری و عدم انسجام در یکپارچگی معنایی به مفهوم معماری و شهر خاصه در دوران فراتجدد باشد.

در حوزه نقد احتمالی بین هرمنوتیک در دوران تجدد و فراتجدد بالاخص بر اساس قابلیت تعمیم آن به معماری و رویکردهای رایج نقد معماری، باید اشاره کرد که هابرماس در سه بخش مفهوم سنت، گستردگی حوزه علوم و نسبی گرایی به نقد

فردی به وجود می آید. بنابراین، تفسیر چگونه ممکن است؟ همچنین این دایره با ترکیب استثنایی همنشینی کلمات به تسلسل تبدیل می شود. بنابراین، در چنین مواردی آشکار است که مفسر هرگز نمی تواند معنای نهایی یک کلمه را قبل از این که به جلو رفته و کلمات دیگر را ببیند، به دست آورد. در این رابطه هم واضح است که درک معماری بدون شناخت کامل زمینه متن معماری در رویکرد نحوی به اثر، و بالاخص شناخت محیط و زمینه گرایی در معماری اصلی ضروری و مهم است. ۳. زمانی که بر فهم و تاویل رفتار دیگری تاکید می شود همواره این خطر هست که نتیجه هر تحقیق با دیگری و در مورد یک موضوع معین و در یک زمان مشخص، یکسان نباشد و این امر به بنای دانش آسیب می رساند. در این رابطه باید گفت که تجربه فضاهای زیستی از فردی به فرد دیگر، و از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است و نباید به دنبال یک طراحی خشک و مصنوع بر اساس معیارهای واحد برای معماری مناطق و کشورهای مختلف بود؛ چراکه یک اثر معماری شاید حتی

جدول ۲. گرایش های هرمنوتیکی و ارتباط آن با معماری؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق.

ابزار خوانش	مراحل فهم	دیدگاه	بهترین کاربرد گرایش	بهترین مفسر اثر	گرایش هرمنوتیکی
تحلیل منطقی معماری	درک معنا و صدق یابی اثر معماری	ارزش شناسی بنا	آثار قدسی و کلاسیک	معمار اثر	کلاسیک
بازآفرینی فرایند طراحی اثر	بازسازی و بازتولید در فهم اثر	روش شناسی طراحی معماری	دوران مدرن و آثار	ذهن بازآفرین	رومانتیک
معرفت و بنیان های عرفانی	شناخت معرفت وجودی اثر	معرفت شناسی اثر	فرقی ندارد	حس و اشراق	علوم انسانی
مطلق فهم اثر	ماهیت فهم اثر معماری	حقیقت فهم اثر	تمام آثار معماری	افق معنایی اثر و افق معنایابی مفسر	فلسفی
گریز از نسبی گرایی در فهم بنا	عینی گرایی در فهم اثر معماری	ارزیابی نیت در طراحی	کلاسیک و گاهاً اکلکتیزمیک	معمار اثر	نئوکلاسیک

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۱۰۲

هابرماس به مثابه هرمنوتیک انتقادی سعی می کند ظرفیت های تفکر انتقادی را تقویت کند تا جزمیت های سنت را از بین ببرد. برداشت هابرماس از شناخت، ریشه در سنت و حجیت ناشی از سنت ندارد. بلکه مبتنی بر «بینش و تصمیم عقلانی» است که به موجب آن می توان آنچه را که از گذشته به ارث رسیده، به چالش کشید و نقد کرد. به بیان دیگر، در پی آن است تا هرمنوتیک را به نقد ایدئولوژی مبدل سازد. در اینجا گادامر از جهان شمولی زبان به جهان شمول بودن هرمنوتیک می رسد. البته این جهان شمولی به دو شیوه صورت می گیرد:

۱. در حالت اول، جهان شمولی از این حقیقت ناشی می شود که فهم ساختاری زبانی دارد و هرگاه که ما با سنت در تماس هستیم، آن خود را بر ما آشکار می کند (در این حالت معماری از ساختاری زبانی و متنی برخوردار می شود که تنها در صورت آشناگرایی با سنت بر مفسر بنای معماری نمایان می شود).

هرمنوتیک فلسفی گادامر می پردازد:

۱. انتقاد هابرماس این است که در تمام شئون کنش شهری هرمنوتیک یا تاویل برای ایجاد تفهم نمی تواند اطلاق عام و جهان شمول داشته باشد. این امر در تحلیل و تفسیر معماری به این معناست که لزوماً فهم اثر از طریق تفسیر بنا ممکن حاصل نشود و هیچگونه قاعده کلی در جواب واحد بر تفسیر بنای معماری میسر نیست.

۲. مشکل دیگر گادامر، این است که با طرح تاثیرگذاری افق معنایی مفسر و موقعیت هرمنوتیکی و پیش فرضها و پیش داوری های او بر فرایند فهم، نسبی گرایی را ترویج می کند، اما تاکید بر نسبی گرایی نیز اولین آسیب را بر خود صاحب نظریه وارد می سازد؛ زیرا معیاری برای اثبات مدعای خود به جا نمی گذارد. بدین معنا که معماری و فهم آثار و ابنیه موجود دچار نوعی نسبیت گرایی است و معانی چندگانه ای به دست می دهد که ماهیت فهم را دچار اختلال و آشفتگی در فهم پذیری و معنایابی تاریخی می کند.

جدول ۳. مفاهیم هرمنوتیکی و نسبت آن با معماری و شهر؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق.

مفهوم هرمنوتیکی	مصادق یابی معمارانه	روش شناسی
تجربه زنده	تجربه فضاهای زیستا	قرارگیری در جایگاه معمار و فهم اثر معماری
منظومه نهان	فضاهای مذهبی و قدسی	در نظرگیری نمادها و نشانه ها در فهم اثر معماری
انسجام و پیوستگی	شهر و جوامع مدنی	در نظرگیری مولفه های انسانی و جامعه شناختی
شاخص سازی و نمادگرایی	معماری سمبولیک	معنایابی ابعاد نمادین در هر محیط شهری
کلی نگری	ابعاد روان شناسی محیط شهری	رویکرد گشتالتی، تاریخ مداری، نمودهای حیات انسان شهری
انتقال ذهنی	تمام آثار معماری	درک کامل جهان درون معمار و شرایط روحی و ذهنی وی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۱۰۳



نمودار ۲. مراحل فهم اثر معماری در تلفیق منطقی گرایشها به عنوان تکمله؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

۲. در حالت دوم، جهان شمولی ناشی از این امر است که موجودات انسانی به شکل «بودن-در-جهان» تحقق می یابند. به این معنی که از طریق زبان، ما به تجربه جهان می پردازیم. به عبارت دیگر، چون جهان به شکلی مستقیم بر ما ارائه نمی شود، بنابراین باید جهان را از طریق زبان درک کنیم. در هر دو مورد، جهان شمولی هرمنوتیک از طریق ماهیت جهان شمولی زبانی اتفاق می افتد، به گونه ای که هرمنوتیک، نه بر بنیان متدلوژیک علوم انسانی مصطلح، بلکه به جنبه ای جهان شمول از فلسفه تبدیل می شود.

منابع و ماخذ
احمدی، بابک. (۱۳۷۲)، ساختار و تأویل متن: شالوده شکنی و هرمنوتیک، نشر مرکز. تهران.
احمدی، بابک؛ مهاجر، مهران؛ نبوی، محمد. (۱۳۷۷)، هرمنوتیک مدرن، تهران: انتشارات مرکز.

- آزاد، علیرضا (۱۳۹۳) نگاهی به رویکرد هرمنوتیکی پروفیسور «فضل الرحمان» در تفسیر قرآن، وبلاگ بامداد ایمان، زمان برداشت: ۱۳۹۴/۱/۲.
- برن، آگ و نیم کوف (۱۳۸۰) زمینه جامعه شناسی، ترجمه: آریان پور، تهران.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۳)، عقل در سیاست، تهران: نشر نگاه معاصر.
- بلاشر، ژوزف. (۱۳۸۰)؛ گزیده‌ی هرمنوتیک معاصر، ترجمه‌ی سعید جهانگیری، نشر پرسش، آبادان، چاپ اول.
- پالمر، ریچارد. (۱۳۷۷)، علم هرمنوتیک، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران: انتشارات هرمس.
- تامسون، جان. بی. (۱۳۷۹)، «هرمنوتیک»، ترجمه سیدنصیر احمد حسینی، معرفت، ش ۴۶.
- جمشیدیه، غلامرضا؛ شالچی، وحید. (۱۳۸۷)، «هرمنوتیک و مسئله تاریخمندی فهم انسانی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۴.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۱) زیرساختهای قرائت‌پذیرانگاری دین، قیاسات، شماره ۲۳.
- ربانی گلپایگانی، علی. (۱۳۸۱)، «مارتین هایدگر و هرمنوتیک فلسفی»، کلام اسلامی، شماره ۴۳.
- ریکور، پل (۱۳۷۳) هرمنوتیک: احیای معنا یا کاهش توهم، ترجمه هاله لاجوردی، مجله ارغنون، سال اول، شماره ۳.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰) دایرة المعارف علوم اجتماعی، کیهان، تهران.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۵) هرمنوتیک، قم، مؤسسه امام صادق(ع).
- سعیدی‌روشن، محمدباقر (۱۳۸۹) روزنی به روشنایی، قیاسات، شماره ۱۸.
- سید امامی، کاووس. (۱۳۸۷)، پژوهش در علوم سیاسی، تهران: انتشارات امام صادق.
- عباسی، ولی‌الله (۱۳۸۳) نقدی بر قرائت‌پذیری دین، کتاب‌زنان، پاییز ۱۳۸۳، شماره ۲۵.
- علمی، محمدکاظم. (۱۳۸۵)، «هرمنوتیک مدرن و دلایل امکان فهم متن بهتر از ماتن»، مطالعات اسلامی، پیوست شماره ۷۱.
- علیزاده، عبدالرضا و دیگران (۱۳۸۵) جامعه شناسی معرفت، چاپ ۲، تهران، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کهون، لارنس. (۱۳۸۲)، از مدرنیسم تا پست مدرنیسم، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران: نشر نی.
- لسناف، مایکل. (۱۳۸۰)، فیلسوفان قرن بیستم، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران نشر کوچک.
- متقی فر، سعید (۱۳۸۹) روش هرمنوتیکی، تهران: انتشارات مرکز.
- منوچهری، عباس؛ نجاتی حسینی، سیدمحمود. (۱۳۸۵)، «درآمدی بر نظریه شهروندی گفت و گویی در فلسفه سیاسی هابرماس»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۹.
- منوچهری، عباس. (۱۳۸۷)، رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران: انتشارات سمت.
- موسوی، سیدمحمد (۱۳۸۴) هرمنوتیک: پیش‌زمینه‌ها و تحولات آن، پژوهشهای فلسفی کلامی، شماره ۲۶.
- مهدوی نژاد، محمد جواد (۱۳۸۴) آموزش نقد معماری، هنرهای زیبا، شماره ۲۳.
- میلر، پیترو. (۱۳۸۲)، سوژه، استیلا و قدرت، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی.
- نوذری، حسینعلی. (۱۳۷۹)، پست مدرنیته و پست مدرنیسم (تعاریف- نظریه‌ها و کاربردها)، تهران: نقش جهان.
- نوروزی طلب، علیرضا. (۱۳۸۶)، «پرسش از چیستی هرمنوتیک: تحلیل و بررسی مسائل آن»، باغ نظر، شماره ۷.
- نیوتون، ک. (۱۳۷۳)، «هرمنوتیک»، ترجمه یوسف اباذری، فصلنامه ارغنون، دوره ۱، شماره ۴.
- واعظی، احمد (۱۳۸۰) درآمدی بر هرمنوتیک، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- واعظی، احمد (۱۳۸۳) ساحت‌های معناپژوهی، حوزه و

university of New York press.

Habermas, J. (1988). *On the Logic of the Social Sciences*, MIT Press: Cambridge, Mass.

Habermas. j. (1971), *Knowledge and Human Interests*, Boston: Beacon press.

Hedberg P. (2003), *Freedom, Reason and History: The Hegelian heritage in Gadamer and Habermas*, Parabel, Vol. VI, pp. 19-43.

Putnam. H. (1990), *Realism with a Human face*, Cambridge: Harvard University Press.

Tejera. E. (1986), *Community, Communication and Meaning: Theories of Buchler and Habermas*, Symbolic Interaction, Vol. 9, pp. 83-104.

Weinsheimer. J. (1985), *Gadamer's Hermeneutics*, New Haven and London.

دانشگاه، شماره ۳۹.
واعظی، احمد. (۱۳۸۲)، *درآمدی بر هرمنوتیک*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.

وایسنهایمر، جوئل. (۱۳۸۱)، *هرمنوتیک فلسفی و نظریه ادبی*، ترجمه مسعود علیا، تهران: ققنوس. هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۸۵) *مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن کریم*، قم، خانه خرد.

هولاب، رابرت. (۱۳۷۸)، *یورگن هابرماس (نقد در حوزه ی عمومی)*، ترجمه ی حسین بشیریه، تهران، نشر نی.

هوی، د. (۱۳۷۹)، *حلقه انتقادی (هرمنوتیک تاریخ، ادبیات و فلسفه)*، ترجمه مراد فرهادپور، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

Couzens Hoy. D. (1982), *The critical circle: literature, history, and philosophical hermeneutics*, University of California Press Ltd .

Daallmayer. F. & McCarthy. T. (1967), *A Review of Gadamer Truth and Method*, eds *Understanding and Social Inquiry*. Indiana: Notre Dame Press.

Edgar. A. & Sedgewick. P. (2000), *Cultural Theory: The Key Thinkers*, New York, Routledge

Gadamer . H. G. (1990), *after ward to truth and method*, New York, Crossroad.

Gadamer. H. G. (1994), *what is Truth?* In Brice R.Wachterhauser, ed, *Hermeneutics and Truth*, Evanston: Northwestern University Press.

Gadmer. H. G. (1976), *philosophical Hermeneutics*, tra. by Davide E.Linge, USA, Barkeley university press.

Gadmer. H. G. (1976), *Philosophical Hermeneutics*. Trans. and ed. by David Linge. Berkeley: University of California Press, 1976.

Gadmer. H. G. (1989), *truth and method*, tra. By joel weinsheimer and Donald G. Marshall, continuum , New York.

Grondin. J. (1995), *sources of Hermeneutics*, state

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

■ ۱۰۶ ■

تبیین چگونگی ارتباط هنرمند و مخاطب در اثر معماری به عنوان خالق عامل معرفت

سعید صالحی - دانشجوی دکتری تخصصی معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
محمد نقی زاده* - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه شهرسازی، تهران، ایران.
فرح حبیب - دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه معماری، تهران، ایران.

Explaining the Priority of Place to Treatment Based on Existentialist Analysis of Islamic-Iranian Architecture

Abstract

The question of the mission architecture and the human relationship with the artist or the audience, without addressing the question of how knowledge is possible. Knowledge of art always has discussed various thinkers. When architecture is placed below art, recognition of its scientific, engineering and artistic aspects is questioned due to its nature. As a human phenomenon, architecture is a product of human awareness of various aspects such as scientific, engineering, and artistic aspects. Therefore, clarifying the nature of awareness and cognition, as well as the methods and tools to understand them, can contribute to understanding the work of art. The nature of the entity and the creator are also questions to be answered. This started happening place. Place recognition ability for humans to recognize their existence example. Because a human being who knows existence and he is different from other creatures. The evolution of human movement in architecture in relation to word of similitudes and imagination events. This link will explain the awareness of movement and time. Thus the presence of light quality firstly, as a symbol of existence and origin of movement. That is appearance and revealing secondly, combined with moving shadows to show the time and movement, harmony and rhythm perception. Reinforced by the imagination of the masses geometric layout occurs. Thus the space with the help of geometry can be directed and appeared. In such as space, the human who knows where. This means that architectural thought and imagination by opening communication between the audience and the architect, and create a new world of thinking. Architect indices have sensory perception of the three worlds, imaginary and intellectual world of architecture for the audience to feel, experience and understanding of it. The audience is given the ability to self-discovery and knowledge components in contact with the imagination and create your own world. Therefore, in this study architecture not as a place of shelter and comfort, but also as a link man and the world is introduced. Architecture is what human ability to connect with reality and being a single resides upgrade to discuss the artist and the audience. The studies included in this study was carried out contrary to modern researchers that humans efficient cause, the cause of building material, building form and building formal cause as shelter and the comfort to know the ultimate cause, the efficient cause of creative imagination, because formal place, due to the mass of material and space and create an atmosphere of ultimate cause of thought and imagination has been introduced.

Keywords: the Priority of Place, Treatment, Analysis of Islamic-Iranian Architecture

چکیده

پرسش از مأموریت معماری و نسبتی که با انسان به عنوان هنرمند یا مخاطب دارد، بدون پرداختن به مسأله واقعیت و چگونگی معرفت ممکن نیست. معماری اسلامی به عنوان پدیده‌ای انسانی محصول آگاهی انسان درباره کلیه جنبه های مختلف علمی، مهندسی، و هنری است. بنابراین روشن کردن چیستی و چگونگی آگاهی و معرفت و روش ها و ابزار های فهم آن می تواند کمک شایانی به فهم و ادراک اثر کند. بدین سان این پژوهش با حرکت از مفهوم به مصداق، شناختی از معرفت، انسان، جهان و واقعیت ارائه می کند. در ادامه به واکاوی چگونگی ظهور و ادراک دانایی در اثر معماری اسلامی پرداخته می شود. روش تحقیق این پژوهش استدلال منطقی است. بنابراین در ابتدا جهان بینی اسلامی براساس حکمت متعالیه به عنوان آخرین و مهمترین تحول عمده حکمت اسلامی طرح می شود، این رویکرد سامانه ای قوی با روشی منطقی است و از شفافیت نظری قوی جهت تفهیم تعریف مؤلفه هایی همچون هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی و جهان شناسی برخوردار است. پس از تبیین اصول ساختار های ذهنی طبق جهان بینی اسلامی طرح شده، به نحوه پیدایی اثر معماری توسط خالق اثر و چگونگی ادراک آن بوسیله مخاطب و ارتباط اثر با واقعیت بر اساس علل چهارگانه و پنج گانه، غایی و مثالی، فاعلی، مادی و صوری که در مقام صوری بحث لحاظ شده اند، پرداخته می شود. نحوه ایجاد معماری اسلامی به عنوان علت فاعلی و ظهور اندیشه و خیال به عنوان علت غایی و مثالی و فعلیت توده و فضا به عنوان علت های مادی در قالب صورت مکان به عنوان علت صوری، هدف این پژوهش است. چگونگی خلق و درک اثر و نحوه حضور و ظهور واقعیت در معماری با مشخص کردن چیستی و چگونگی احساس، ادراک و شناخت بررسی می شود. نتیجه مهم این تحقیق پرداختن به مأموریت اصلی معماری به عنوان خالق عامل معرفت است.

واژگان کلیدی: معرفت، تخیل خلاق، واقعیت، معمار، مخاطب.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۳۴۱۲۰۳، رایانامه: drmnaghizadeh@srbiau.ac.ir

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده با عنوان «تبیین ریشه های تاثیر و انمودسازی بر تهی سازی مکان از معنادر معماری خانه های ایرانی از گذشته تا حال (نمونه موردی شهر اراک)»، به راهنمایی دکتر محمد نقی زاده و مشاوره دکتر فرح حبیب است، که در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات دفاع شده است.

مقدمه

تکیه گاهی متعالی استوار سازد؛ بنابراین می توان از آن بصورت راه فهم و جوهری از روابط متقابل انسان و محیط بهره جست (گروت و وانگ، ۱۳۸۸، ص ۳۰۲).

پیشینه تحقیق

در گذشته و حال محققان و متفکران در مورد ارتباط ادراک مؤلف، اثر هنری، مخاطب و ارتباط آن با معمار، معماری، مکان و مخاطب و همچنین علوم رفتاری، توده و فضا بحث کرده اند، که ذیلاً به آنها اشاره می شود: کریستین نوربرگ شولتز در آثاری چون معماری، معنا و مکان، مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی، روح مکان: به سوی پدیدار شناسی معماری و جان لنگ در آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، گاستن باشلار در معرفت شناسی و بوطیقای فضا، آموس راپاپورت در فرهنگ، معماری و طراحی، نادر اردلان و لاله بختیار در حس وحدت، ادوارد رلف در مکان و بی مکانی.

آنچه همگی به عنوان اصل پذیرفته اند این است که: اولاً علت فاعلی معماری انسان، علت مادی مصالح ساختمانی و علت صوری توده و فضاست. اما آنچه این تحقیق را یگانه می سازد، این فرض اساسی است که اولاً علت فاعلی تخیل خلاق است نه انسان، علت مادی توده و فضاست نه مصالح ساختمانی، علت صوری مکان است نه توده و فضا. ثانیاً معماری خالق عامل معرفت است و دنیایی تازه می سازد تا مخاطب با مفهوم سازی خود را در آن بیابد و بیانگر مفهوم نیست.

تبیین اصول ساختارهای ذهنی بر اساس

حکمت متعالیه

هستی شناسی

اصل واقعیت، موضوع فلسفه از نظر همه فلاسفه است. چیزی که فلاسفه را از هم متمایز می کند، تفسیر آنها از واقعیت است. انتقال واقعیت از « موجود » به « وجود » وصف ویژه حکمت متعالیه می باشد. در فلسفه صدرایی برخلاف نظر ابن سینا

نسبت هنر با دانایی همواره مورد بحث و بررسی متفکران مختلف بوده است. معماری هنگامی که ذیل هنر قرار میگیرد، نه تنها با چنین پرسشی مواجه است، بلکه به دلیل خاصیت ایجابی، چگونگی تشخیص وجوه علمی، مهندسی، هنری آن نیز مورد سوال قرار می گیرد. معماری اسلامی به عنوان پدیده ای انسانی محصول آگاهی انسان (آگاهی معنی عام دارد و شامل آگاهی تجربی، اعتقادی، غریزی، خود آگاه و غیره می شود) درباره کلیه جنبه های مختلف علمی، مهندسی، هنری و... است. بنابراین روشن کردن چیستی و چگونگی آگاهی و معرفت و روش ها و ابزار های فهم آن می تواند کمک شایانی به فهم و ادراک اثر کند. در مفهوم آیه شریفه ۵۶ از سوره ذاریات «ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» معرفت به عنوان علت آفرینش انسان معرفی شده است، چرا که عبادت بدون معرفت بی معنی است. در تفسیر کلمه ليعبدون از کلمه ليعرفون استفاده میشود. کیستی شناسا و چیستی متعلق شناسایی از دیگر پرسش هایی است که باید بدان پرداخت. بدین سان این پژوهش در راستای پاسخ گویی به پرسشهای فوق، در ابتدا با حرکت از مفهوم به مصداق از دستگاه فکری- فلسفی ملاصدرا به عنوان آخرین تحول عمده حکمت اسلامی در جهت یک پژوهش منطقی، شناختی از معرفت، انسان، جهان و واقعیت ارائه می کند. در ادامه به واکاوی چگونگی ظهور و حضور واقعیت و خلق و درک اثر هنری با تقسیم دانایی به احساس، ادراک و شناخت پرداخته می شود.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله استدلال منطقی است که سعی شده است با اتکا به یک جهان بینی و بیان مستدل و منطقی مفاهیم آن و استفاده از شفافیت نظری و بیان قوی حکمت متعالیه به عنوان جمع نظر حکیمان اسلامی با استفاده از زبانی گفتمانی و تحلیل و تبیین قاعده مند، ادعاهای خود را بر

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۱۰۸

و ارسطو که بر مبنای آن موجود نقش اساسی در تحلیل واقعیت دارد، اصالت با وجود است. تمایز میان «موجود» و «وجود» هنگامی به درستی فهمیده می شود که ما به تمایز دقیق بین دو صورت وصفی هستی، یعنی «موجود» (آن چیزی که هست) و صورت فعلی هستی، یعنی «بودن» یا «وجود داشتن» به عنوان نکته ای مهم در حکمت متعالیه توجه کنیم. (ملاصدرا، ۱۳۹۱، صص ۲۵-۷) در حکمت متعالیه، ملاصدرا هر پدیده را دارای دو بعد وجودی و ماهوی می داند. در نظرگاه وی از طریق شناخت این دو بعد می توان ادراک بهتری از پدیده های پیرامون بدست آورد. به بیان دیگر هر پدیده عبارتست از: هستی آن بدان گونه که حضور دارد و ذات آن که آن را در تعریف از دیگر پدیده ها متفاوت می سازد و ماهیت نامیده می شود. نزد ملاصدرا وجود، روشن ترین بدیهیات است و معنای آن کاملاً روشن و آشکار است و از این رو تعریف ناشدنی است: در نتیجه، غیر قابل تعریف بودن آن همراه روشنی و آشکاری آن است. در واقع به هر شیء از دو وجه می توان نظر کرد و در مورد هر پدیده به دو پرسش باید پاسخ داد: یکی پرسش از هستی آن و دیگری پرسش از چیستی پدیده. وجود، پاسخ پرسش اول است که تأیید کننده هستی شیء است و بر هست بودنش دلالت می کند و ماهیت، پاسخ پرسش دوم است که به بیان ویژگی های شیء می پردازد و چیستی اش را توصیف می کند. صدرالمتألهین، مدعی است که آنچه در عالم خارج، حقیقتاً واقعی است، وجود است و ماهیات اموری اعتباری هستند که بر حدود و مراتب وجود دریافت می شود. بنابراین ماهیات به عنوان «معانی اعتباری عقلی» توصیف می شوند، یعنی آن کیفیات ذهنی که عقل در وجود خاص درک می کند و از آن ها انتزاع می نماید. در واقع آنچه تقدم دارد، «وجود» است و ماهیت در هستی تابع آن به شمار می آید. سر اتحاد میان وجود و ماهیت این گونه آشکار می شود که «وجود» بالذات و ماهیت بالعرض موجود

است. پس آن چه در نظر صدرا حقیقت عینی دارد و مستقیماً معلوم انسان واقع می شود «وجود» است و ماهیت جزو اعتبارات عقلی است (ملاصدرا، ۱۳۱۵، صص ۳۹۵ و سبزواری، ۱۳۸۰، صص ۱۵۹۰-۱۵۶۳).

انسان شناسی

انسان با ایستادن در آخرین مرتبه وجود در قوس نزول و اولین مرتبه در قوس صعود، مهم ترین حلقه وجود در نظام خلقت است. البته این جایگاه ثابت نیست و انسان دائماً مسافر از سمت حق به خلق و از خلق به حق است، لازمه این سفر معرفتی است که خداوند در وجود انسان قرار داده است و باتوجه به همین قابلیت است که می تواند از پایین ترین مراتب وجود تا بالاترین آن سیر کند (مددپور، ۱۳۷۷، صص ۲۴). آیه های شریفه ۳۰ تا ۳۹ از سوره بقره «و اذ قال ربک للملائکه انی جاعل فی الارض خلیفه ... اتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک ... ما لا تعلمون و علم آدم الاسماء ... فتلقى آدم من ربه کلمات و ... خالدون.» اشاره به جایگاه انسان دارد. از آنجا که فیض رحمانی یک لحظه هم قطع نمی شود، عشق موجودات برای یکی شدن با اسماء الهی، و هر چه بیشتر تجلی گاه حضور الهی بودن حرکت قوس صعودی را قوام می بخشد. در قوس نزول هر مرتبه عالی علت آغازین مرتبه دانی خود بوده و در قوس صعودی هر مرتبه دانی در حکم قوه و استعداد است برای مرتبه عالی، و در این مرتبه است که در اثر حرکت جوهری و تجدد امثال، جمادی به کمال خویش یعنی به علت غایی وجودش که همان نامی است می رسد، نامی به حیوانی و حیوانی به انسانی، که به نوبه خویش باید به کمال انسان کامل برسد (صالحی ۱۳۸۸، صص ۲۴).

معرفت شناسی

از نظر ملاصدرا علم و معرفت از سنخ وجود است. بنا به تعریف: علم قسمتی از وجود چیزی برای چیز دیگر است که کمال آن نیز محسوب می شود (صدرالمتألهین ۱۳۵۷، صص ۳۹۱). منابع معرفت عبارتند از: عالم طبیعت، یعنی عالم جسمانی و مادی،

عالم مثال و عالم عقل. نفس در حکمت متعالیه با طی مدارج هستی و اتصال به منابع معرفت به شناخت حقایق هستی نایل می‌گردد. پنج حس ظاهری (لامسه و باصره و غیره) و پنج حس باطنی شامل خیال و وهم و متخیله، عقل حس مشترک به عنوان ابزارهای کسب معرفت شناخته شده‌اند. نفس معلومات حسی را از حواس دریافت کرده و با انجام تصرفاتی روی آن‌ها به ادراکات دیگر نائل می‌آید. ملاصدرا معتقد است مراحل و درجات ادراک منطبق با عوالم و درجات هستی است. زیرا علم از سنخ وجود است، پس باید خواص آن را نیز دارا باشد؛ یعنی هم ارز سه دنیای طبیعت، مُثُل و عقل که عوالم مترتب بر هم در هستی‌اند، ادراک نیز دارای همین سه مرحله حس و خیال و عقل است. همچنین انسان باید معرفت لازم جهت حضور در هریک از عوالم را، متناسب با آن عالم کسب کرده باشد (صدرالمتألهین، ۱۳۶۰، ص ۱۳۸ و مطهری ۱۳۷۷، ۸۹)؛ در حالی که سه مرحله برای ادراک ذکر می‌شود، اما چهار نوع حسی، خیالی، وهمی، و عقلی بر شمرده می‌شود. احساس ادراک و تجرید صورت موجود مادی همراه با ویژگیهای مادی آن (زمان، مکان، وضع، ...) است. این مرحله مجرد تام و کامل نیست، بلکه محدود به حد تجرد حسی است. تخیل، ادراک صورت همان شیئی است که با همان ویژگیها احساس می‌شود. توهم ادراک معنای معقول، به نحو اضافه به جزئی محسوس است. اما تعقل که بالاتر از همه اقسام قبلی است، ادراک شیئی است به لحاظ حقیقت و ماهیت آن، بدون اینکه چیز دیگری مد نظر باشد. هر چهار قسم ادراک مرتبه‌ای از تجردند که در حقیقت سه نوعند، چراکه وهم همان عقلی است که از رتبه خود تنزل کرده است. اتحاد عاقل و معقول، همچنین علم و عالم و معلوم به عنوان ارکان معرفت، از نتایج معرفت‌شناسی صدرایی است، که جدایی بین فاعل شناسا و موضوع شناسایی را از بین می‌برد (صدرالمتألهین ۱۴۱۰، صص ۳۶۲-۳۶۰-۲۹۱-۲۹۳-۴۶۹).

جهان‌شناسی

طرح جهان‌شناختی، از نظر ملاصدرا، عالم ذومراتب است که به واسطه «مبدأ الهی» متجلی شده و پیوسته باقی است. واقعیت برای او جهانی خلق شده در مراتب گوناگون است، که از یک اصل آغاز می‌شود و به همان اصل باز می‌گردد. آیه شریفه ۱۶۵ از سوره بقره «انا لله و انا الیه راجعون» اشاره بر این دارد که معارف اسلامی به صورت حکم کلی رجوع مبدأ و معاد جمیع اشیاء را به یک اصل بیان می‌کند. بنابراین خلقت تدرج وجود است از عالی به دانی طبق قوس نزول و طبق قوس عروج ازدانی به عالی، یعنی بازگشت به آغاز است (نصر، ۱۳۸۰، ص ۳۹۴). تجلی خلقت کار تخیل خلاق است، به عبارت دیگر ربوبیت دارای تخیل است و خدا با تخیل ورزیدن است که عالم را آفریده، یعنی میان عالم روح ناب و محسوس، جهان برزخی و واسطی قرار داده که جهان عالم مثال باشد (کربن، ۱۳۷۳، ص ۳۹۱) عالم تخیل چه در مرتبه تکوین عالم اکبر به صورت عماء، چه در مرتبه تکوین عالم اصغر به صورت تخیل انسان که پا به پای آن پیش می‌رود، مستلزم تصور جهانی واقعی، عینی، مستقل و میانجی روح و عالم محسوس است. اندام معرفتی این جهان برزخی همان تخیل خلاق است و با همین اندام انسان به عالم مثالی راه می‌یابد که رویدادهای مربوط به واقعیات بینشی و سرگذشت‌های رمزی در آن می‌گذرد، را می‌یابد.

پرسش از حقیقت و ماهیت اثر معماری

حکمت و هنر اسلامی و شناسایی معماری

نظرگاه اصلی حکمت اسلامی به وجود واقعیت و نوع خلقت، به عنوان منشأ دانایی و معرفت اصیل در کانون حکمت و اندیشه اسلامی قرار دارد. براین اساس انسان دل‌آگاهی (حق‌القلین و عین حقیقی) و قرب بی‌واسطه (حضور شدید در مراتب هستی) با اسمی پیدا می‌کند که مظهر آن است. در ادبیات اسلامی چنین مراتبی به معماری تعبیر شده است. حال پس از این مقدمه خلاصه، به طرح مبانی

همان صورت مخیّل آن، می نشیند (کرین، ۱۳۷۳، ص ۳۹۲).

از آنجا که خدا جهان را آفریده، خلقت با دوباره آفریدن جهان از راه تخیّل بنا بر اعتقادات خاص خود باز آفرینی خدایش را باز می یابد. حدیث قدسی «کنت کنزاً مخفياً فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف» اشاره به دلیل و چگونگی آفرینش دارد. بنابراین هنر و معماری مظهر فعلیت این اعتقادات در جهان قبل از مرگ است و محرک آن تخیّل خلاق است. معماری محل مکان شدن و عبور از زمان فانی به مکان باقی است. (مدد پور ۱۳۷۷، صص ۱۰۵-۱۰۴). انسان در معماری جهان خود را می سازد و به دنیای خود شکل می دهد. جهان یک اثر معماری همان ساخته شدن بر زمینه زمینی و محل ظهور و میزان تجلی معرفت انسان در حرکت به سوی مبدأ است. اثر معماری میعادگاهی است که در آن عنصر ماوراء محسوس و عنصر محسوس در منزلگه واحدی همنشین می شوند. در اینجاست که معماری نمایش اینجهانی آن جهان می شود. ساختن جهان و شکل گرفتن دو منش اصلی معماری است. هم چنان که خلقت مظهر تجلی الهی است و آینه ای است که خدا خود را در آن به صفات جلال و جمال مشاهده می کند، معماری نیز مظهر انسانی است که بنا بر اعتقادات خویش جهانی تازه خلق می کند. ابزار این آفرینش تخیّل خلاق است. تخیّل خلاق، به عنوان علت فاعلی، اندامی است که از راه آن به نوعی جغرافیای مکاشفه ای پی می بریم که برجهای کوهستان های جادویی و رودخانه های خود را دارد (احمدی، ۱۳۷۸، صص ۵۳۲-۵۳۱ و مدد پور، ۱۳۷۷، صص ۹۷-۹۶)؛ بنابراین در معماری سه عنصر معرفت، ابداع و اندیشه به یکدیگر مرتبط می گردند و همگی از سنخ وجودند. تخیّل خلاق می تواند معرفت و شناخت را از عالم طبیعت، عالم مثال و عقل به عنوان منابع معرفت دریافت کند و آن را در عینیت معماری به ظهور آورد و به ابداع پردازد. همچنین جایگاهی جهت بالا بردن امکان اندیشه و

نظری هنر اسلامی و بنیادهای معرفت شناسی آن پرداخته می شود. پیدایی اثر معماری، به مثابه حاصل کار فکری- عملی و پیش از آن معرفت اصیل و حضوری، مقتضی گذار از قوه به فعل و حرکت در مراتب بالاتری از وجود و به تعبیری از نیستی به هستی است. گذار از نظرگاه ارسطویی به چهار علت و از نظرگاه افلاطونی به پنج علت نیازمند است.

علل پنجگانه معماری

پرسش از حقیقت یک اثر معماری همواره موضوع بحث و بررسی متفکران مختلفی بوده است. افلاطون مبدع نظریه پرداز هنر غرب بوده اما در اصل ارسطو مفضلترین مباحث عقل نظری را درباره هنر ارائه کرده است. همان طور که ما بعدالطبیعه ارسطو، در حقیقت بسط فلسفه افلاطونی به شمار می رود، آراء او در باب هنر نیز تفضیل آراء افلاطون و باز اندیشی در مبادی متافیزیک یونانی است. اما بحث حاضر در واقع بر اساس علل چهارگانه و پنجگانه مادی، صوری، فاعلی، مثالی و غائی، افلاطونی- ارسطویی که در نظر آنها مبنای پرسش از علل و مبادی وجودی موجودات بوده تنظیم شده است. تفکر افلاطونی، ارسطویی هنر، صرفاً در مقام صورت بحث در کار آمده است، درحالی که اصل و اساس معنوی آن، بر تئوری ابداع اثر معماری مطابق «حکمت و هنر اسلامی» و مبانی نظری هنر دینی مبتنی است (مددپور، ۱۳۹۰، صص ۳۴۴-۳۴۳).

تخیل خلاق و علت فاعلی معماری

در دایره وجود، بر طبق حکمت اسلامی وجود جهانی مثالی و واقعی چه در قوس نزول و آفرینش جهان و چه در قوس صعود و حرکت به سوی مبدأ ضروری است. خیال به عنوان واسط بین حس و عقل یا جهان جسمانی و روحانی ابزار ادراک این جهان مثالی به شمار میرود. خیال به عنوان امر میانجی ساحتی دو گانه دارد:

- الف) ساحت تخیل خلاق که به تخیل خلقی که از آن بر می خیزد می پردازد،
- ب) ساحت تخیل آفریده که به تخیل آفریدگار یا

خیال، متناسب با شدت وجودی انسان به عنوان خالق معماری یا مخاطب آن ایجاد کند.

علت صوری و مادی معماری

صورت و ماده و نسبت میان آن دو از مباحث نظری اساسی است که سابقه آن به آغاز فلسفه یونانی، باز می‌گردد. از مباحث اساسی تفکر ارسطویی قول به ترکیب شیئی از صورت و هیولا یا صورت و ماده است. صورت فعلیت ماده است و ماده محل صورت است. بنابراین متناظر با صورت و ماده می‌توان علت صوری و علت مادی را تشخیص داد (تایلور، ۱۳۹۲، صص ۵۶ و ۵۴). آنچه انسان بالفعل می‌یابد، درک می‌کند و می‌تواند با آن ارتباط برقرار کند صورت است و دلیل ایجادش علت صوری است. آنچه قابلیت محل شدن صورت را داراست ماده و دلیل ایجادش علت مادی است. در حرکت از قوه به فعل همواره ماده صورتهای جدیدی را می‌پذیرد و این حرکت «ملازم است با پیوستگی، اتصال، و وحدت صورت پیشین و صورت پسین، همچنین اتصال و وحدت امکان قبلی و فعلیت بعدی، به طوری که میان امکان و فعلیت فاصله نیست و فعلیتها مجموعاً یک فعلیت را تشکیل می‌دهند» (طباطبایی، ۱۳۷۷، ص ۴۶).

حال جهت روشن شدن مفهوم صورت و ماده و به تبع آن علت صوری و مادی در معماری باید روشن کنیم چه چیز در معماری به عنوان صورت به فعلیت رسیده و قابل احساس و ادراک است و ماده‌ای که این امکان را بالقوه داراست چیست؟

معماری در مکان ایجاد می‌گردد. یعنی مکان، محل معماری است و معماری مظهر فعلیت مکان است. مکان در لغت به معنی «امر یا چیزی است که چیز دیگر بر آن نهاده و یا تکیه کند» (سجادی، ۱۳۸۶، ص ۴۷۰). باتوجه به این تعریف می‌توان در مکان بودن را (حالی) در نظر گرفت که چیزی را بر چیزی نهاده باشند. در تکمیل معنی فوق از تعریف صدرایی بهره می‌جوییم: «مکان عبارتست از سطح باطن از جسم حاوی که مشتمل بر سطح ظاهر از جسم محو می

باشد». بنابراین می‌توان گفت: «مکان یک جسم آن مقدار از صورت آن جسم است که بر همان مقدار از صورت جسم دیگر ساییده شود و قسمت ساییدن را «محل مکان» می‌گوییم. مثلاً مکان یک مکعب که روی یک سطح هموار قرار گرفته است، کل آن سطح وجهی است که در محل سطح هموار قرار گرفته است. بنابراین مکان یک جسم در (محل) مکان می‌شود؛ یعنی محل مکان شدن یک جسم حالی است که جسم در آن دارای مکان است. پس جسم میتواند در این محل یا آن محل، مکان شود. پس حالی را که در آن مکان جسم متعین و مشخص می‌شود و جسم بالفعل دارای مکان می‌شود را (صورت مکان) می‌گوییم و ماده مکان چیزی است که محل مکان شدن آن است؛ ماده مکان حالی است که سبب قوام محل مکان است و محل بی او متقوم و موجود بالفعل نیست. بنابراین با توجه به آنچه گفته شد، مکان، چنان جوهر یا سوبستانس مادی از ترکیب ماده مکان و صورت مکان به وجود می‌آید (دیباچ، ۱۳۷۸، ص ۴۱)، اما این صورت خاص مکانی است که ماده را به حیز تشخیص و تشخیص در می‌آورد. از آن جا که خاصیت شیئی جسمانی این است که در مکان قرار گیرد، پس عالم مادی مکان اجسام است و چون خلا محال است، می‌توان عالم مادی را پر از توده و فضا که هر دو از جنس ماده هستند، بدانیم پس توده و فضا بدون در مکان بودن به صورت عینی وجود ندارد و مکان شرط لازم عالم جسمانی است. ارتباط انسان با عالم جسمانی نه به واسطه صورت به عنوان فعلیت ماده بلکه به واسطه صورت مکان به عنوان فعلیت ماده امکان اتفاق می‌افتد. بنابراین می‌توان علت مادی معماری را توده و فضا به عنوان ماده‌های مکان و علت صوری معماری را صورت مکان معرفی کرد. پس آنچه در عالم جسمانی برای انسان قابل شناسایی است صورت مکان است و شیئی منفرد بدون ارتباط با اشیای دیگر در جهان خارج قابل تصور نیست. همچنین صورت مکان کلیتی قابل ادراک متشکل از عناصر

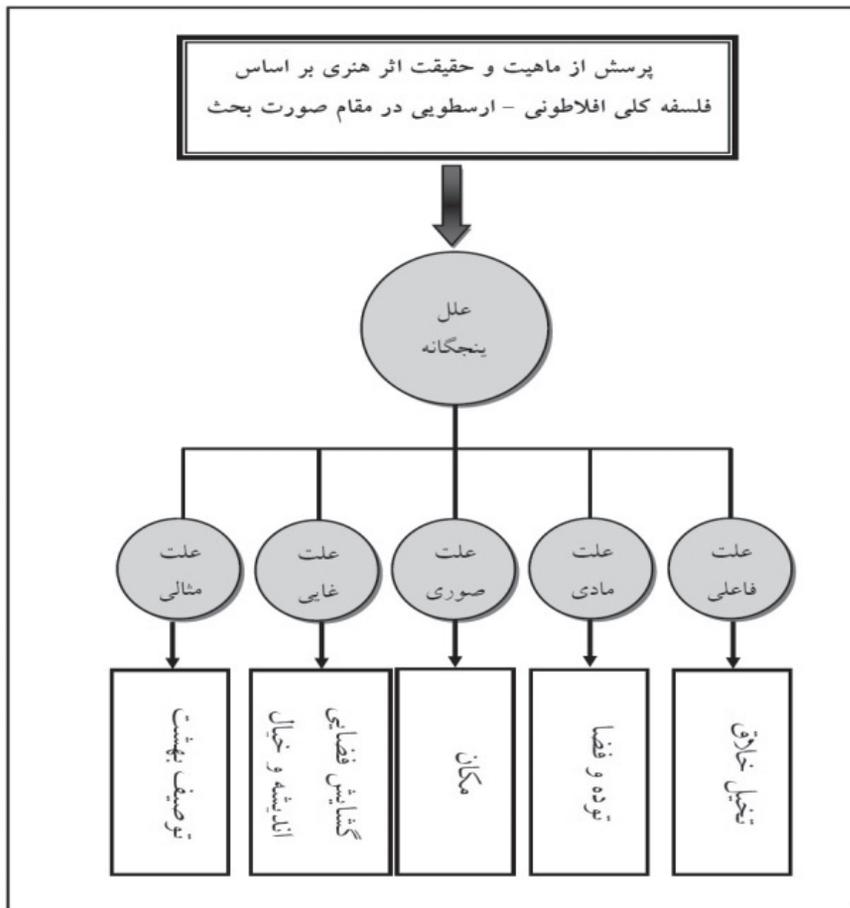
مرتبط با یکدیگر ایجاد می‌کند. در بعد معرفتی صورت مکان نمایش اینجهانی آن جهان و جلوه محسوس نامحسوس می‌شود. در معماری ماده‌های مکانی به واسطه تخیل خلاق دائماً از مرتبه وجودی خود در عالم جسمانی ارتقاء یافته و باعث ایجاد معرفتی در سطح وجودی بالاتر می‌شوند. صورت مکان همواره شناختی در مراتب مختلف هستی ارائه می‌کند، یعنی عملکردی متناسب با سه اندام معرفتی حس و خیال و عقل دارد. در مرتبه حس صورت مکان مظهر فعلیت امتدادهای جهان مادی است و عینیت کامل دارد، اما در مرتبه خیال و عقل مکان از امتدادهای مادی رها شده و در جایگاه وجودی بالاتر قرار می‌گیرد. چنین برداشتی از مکان همانند تعریف اشراقیون از مکان می‌باشد: مکان از قول اشراقیون به عنوان بعدی مجرد مانند جایگاه موجودات مثالی در آفرینش تعریف می‌گردد. در این مرحله است که معماری در قالب صورت مکان عامل معرفت می‌شود. این عاملیت نه به عنوان بیان مفاهیم خاص، بلکه به عنوان گشودن امکان معرفت و شناخت در سطوح مختلف با قابلیت‌های شناختی مختلف عمل می‌کند؛ بنابراین بنا به تعریف صدرایی مکان وجود مادی دارد و خارج از ذهن می‌باشد و بنا به تعریف اشراقیون مکان وجودی ذهنی می‌یابد. با توجه به جهان شناختی این نوشتار که واقعیت را ظهور وجود در سلسله مراتب هستی می‌داند و معرفت را از سنخ وجود می‌بیند، که با واقعیت دوری و حرکت جوهری کاملاً همخوان است، پس می‌توان هر دو تعریف را در کل یکی دانست اما یکی در وجودی مادی و دیگری در وجود مجرد. مکان در دنیای مادی عینیت دارد و منطبق بر تعریف صدرایی است. اما هنگامی که ادراک شد وجودی مجرد می‌یابد و در ذهن حاضر می‌گردد. وجود عامل اتحاد وجه مادی و مجرد مکان است، زیرا بنا به معرفت شناسی ملاصدرا میان ذهن و عین، اندیشه و عمل، سوژه و ابژه جدایی نیست و عاقل و معقول، همچنین علم و عالم و معلوم با یکدیگر اتحاد وجودی دارند.

علت غایی و مثالی معماری

علت غایی معماری فعلیت مکان جهت معرفت و گشایش فضای اندیشه و خیال است و علت مثالی آن توصیف بهشت است. مهم‌ترین خاصیت اثر معماری این است که در حرکت از بیرون به درون جهانی تازه می‌سازد، این جهان تازه که منشأ آشکارگی حقیقت در قالب اثر معماری است در عین حفظ ارتباط بیرون و درون (بیرون به عنوان ریشه‌های شناخت و درون به عنوان فضایی جهت بروز تخیل خلاق) و ماهیت هر کدام، دارای هویتی منحصر به فرد است. علت غایی معماری تمثیل جهان و زمین و نسبتی میان آن دو است. از ثبات جهان بر زمین از جای گرفتن زمین در جهان رخدادی سر برمی‌آورد که چون واقعه‌های دیگر نیست. برای نخستین بار یکی از شکل‌های حقیقت پدید می‌آید و اثر به حقیقت تبدیل می‌شود. آشکار می‌شود. حقیقت نه به معنای متافیزیکی توافق بیان و چیز، بلکه به معنای برداشتن اصیل حجاب. اثر حقیقت را باز می‌نمایاند و در آن هستی و حقیقت، جهان و زمین یکی می‌شود. این همان هنرشکل‌گیری حقیقت توسط معماری است (احمدی، ۱۳۷۸، صص ۵۳۶، ۵۳۴). بنابراین اثر معماری با اندیشیدن و معرفت یکی است. بدینسان انسان سنتی بر آن است تا از رهگذر هنری که نمایشگر تعادل، صفا، صلح و سلم است، جهانی بنا کند. تمامی تنش میان زمین و آسمان را نادیده می‌گیرد تا آرامش وضع ازلی وجود یک بار دیگر تجربه و برقرار شود. از میان آفرینش‌های آدمی، معماری ارائه‌گر حیات‌ترین و جامع‌ترین ساخته‌هاست و از این‌رو، در میان هنرها موقعیتی محوری به خود می‌گیرد. معماری نمایشگر کثرت وسایل و متنوع‌ترین راه‌های نیل به وحدت است. استاد معماری خود هنروری است که در فرآیند آفرینش سهیم می‌شود. معمار با استفاده از شعائر سنتی که آماده‌اش می‌سازند، می‌تواند آثار هنری بیافریند که بازتابی از صور در ملکوت یا «عالم مثال» است. هدف این شعائر ذاتاً یکی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015



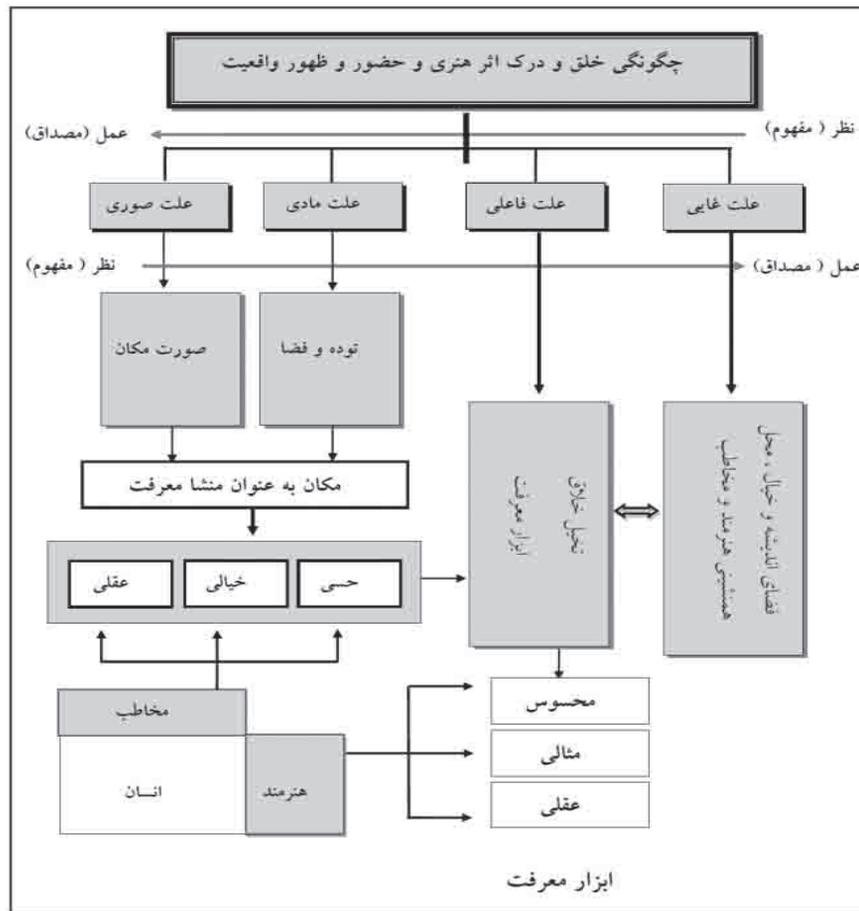
نمودار ۱. پرسش از ماهیت و حقیقت معماری؛ ماخذ: نگارندگان.

کلی به دنبال ذات و حقیقت پدیده‌هاست، لذا در چنین اندیشه‌ای زمان و مکان خاصی مدنظر نیست و می‌توان از تفکرشان در هر زمان و مکان بهره برد (اسلامی، ۱۳۹۲، ص ۷۵). حضور و شناخت واقعیت در معماری و نسبتی که با خالق اثر و مخاطب دارد به عنوان نتیجه بخش اول پس از تشریح به عنوان پایه تحلیل وجودی معماری قرار می‌گیرد. همچنین جایگاه معرفت‌شناسی در ارتباط سه سویه مابین هنرمند- اثر معماری- مخاطب بدین ترتیب روشن خواهد شد، که اولاً هنرمند بدون آگاهی و شناخت واقعیت قادر به آفرینش اثر هنری نیست. ثانیاً مخاطب بدون آن که از شناخت بهره‌ای داشته باشد نمی‌تواند با اثر هنری ارتباط برقرار کند. آن چه پس از این بررسی خودنمایی می‌کند، این است که اثر هنری با چه مشخصاتی می‌تواند

است؛ خلق یک حالت آگاهی که به تفکر در چند و چون بهشت راه دهد. شیئی که بدینسان خلق می‌شود، زیبایی درونی ماده را، به درجه هم‌تراز احاطه تجربی هنرورز یا استادش، از تعلق می‌رهاند و آزادی اش می‌بخشد (اردلان و بختیار، ۱۳۷۹، ص ۱۳). (نمودار ۱)

چگونگی خلق و درک اثر هنری و حضور و ظهور واقعیت

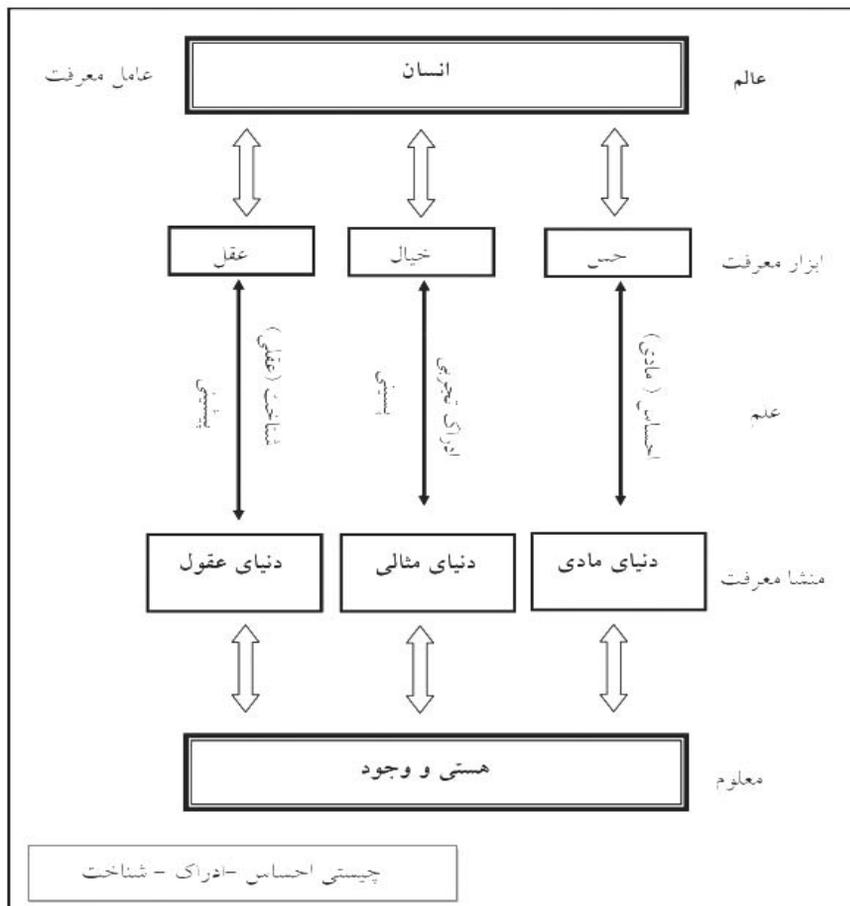
در بخش اول بر اساس فلسفه کلی صدرالمتألهین و حکمت اسلامی به عنوان محتوا و علت‌های اعدادی افلاطونی - ارسطویی به عنوان صورت بحث بر تبیین اصول ساختارهای ذهنی پرداخته شد. استفاده از دو فلسفه کلی به دلیل مورد سوال قرار دادن کیستی و چیستی انسان و جهان با طرح پرسش‌های اساسی و بنیادین می‌باشد. چون فلسفه



نمودار ۲. چگونگی خلق و درک اثر هنری و معماری، ماخذ: نگارندگان.

حضور و نمود واقعیت باشد و به عنوان واسطه ای معرفت‌شناختی عمل کند. چگونگی خلق و درک اثر هنری و نحوه ارتباط این دو در تحلیل وجودی، اشاره به ایجاد معماری به عنوان آئینه وجود انسان بر می‌کند. تخیل خلاق به عنوان علت فاعلی ایجاد اثر، حقیقت را با گشایش فضای اندیشه و خیال به عنوان علت غایی به حضور می‌آورد و معماری را به عنوان خالق عامل معرفت معرفی می‌کند. ابزار ایجاد معماری توده و فضا به عنوان ماده‌های مکان و مسئله معرفت در آن به واسطه صورت مکان رخ می‌دهد. منابع معرفت سه عالم وجودی جسم و نفس و عقل می‌باشد. تخیل خلاق محرک مخاطب در چگونگی درک اثر است. منشا معرفت در ادراک اثر معماری صورت مکان بوده و با ابزارهای معرفتی حس و خیال و عقل، متناسب با درجه وجودی

مخاطب به حیطه شناخت در می‌آید. معماری به عنوان مظهر فعلیت مکان بین سه جهان یاد شده و انسان پیوندی پر معنا ایجاد می‌کند. هنرمند معمار با حاضر کردن سه جهان یاد شده در اثر متناسب با میزان معرفت خویش، جهانی تازه جهت آشکارگی حقیقت ایجاد می‌کند. این جهان تازه مکان انسان می‌شود. انسان در معماری بر سر منزل مقصود می‌رسد و آرامش می‌گیرد. هنرمند و مخاطب در منزلگه واحدی که تخیل خلاق آفریده و فضای اندیشه و خیال نامیده می‌شود، هم‌نشین می‌گردند. صورت مکان در معماری ابزار ایجاد این فضاست. معماری به عنوان عامل معرفت، توانایی معمار را در حضور بخشی هستی آشکار می‌کند و مخاطب را به هستی پیوند می‌دهد. برای مخاطب مکان منشاء معرفت شده و به عنوان معلوم از ارکان معرفت قرار



نمودار ۳. چیستی احساس، ادراک و شناخت در فهم معماری، ماخذ: نگارندگان.

انسان در بدو تولد مانند لوح سفیدی است که هیچ گونه آگاهی ندارد و معرفت در طول زندگی برای او حاصل میگردد. نفس با پیوستن به ماده محسوس به عنوان طفل نوپای انسان پا به عرصه وجود می گذارد، در این هنگام صورتی است قائم به بدن ولی پس از استکمال و خروج از قوه به فعل با طی مراحل احساس، ادراک و شناخت، قائم به ذات و فاعل بدون آلات و ادوات جسمانی می شود (سجادی، ۱۳۷۵، ص ۲۶۳). حرکت از احساس به ادراک به نقل از ابن سینا بدین ترتیب است: محسوسات به واسطه ی اعضای حسی احساس می شود نه ادراک حقیقی. برای ادراک حقیقی، داده های حواس به نحوی به هم می پیوندند و حس مشترک را تشکیل می دهند و در واقع، حس مشترک قوه ای است که ادراک صور

می گیرد. علم توسط سه ابزار معرفتی حس و خیال و عقل نزد عالم یعنی مخاطب حاضر می گردد. بدین ترتیب معماری محل ظهور واقعیت سه جهان می گردد و امکان شناخت واقعیت را فراهم می کند (نمودار ۲).

چیستی احساس و ادراک و شناخت

انسان متناسب با وجود سه دنیای جسمانی، خیالی و عقلی به عنوان منشأ معرفت، دارای سه اندام معرفتی حس و خیال و عقل به عنوان ابزار معرفت میباشد. احساس عالم مادی و جسمانی به عنوان مقدمه ادراک عالم خیال است و در ادامه، ادراک مقدمه شناخت عالم عقل میشود. بنابراین ادراک واسطه های ما بین احساس و شناخت است. (نمودار ۳)

جزئیته را به عهده دارد. یعنی هرچه از طریق حواس پنج‌گانه احساس می‌شود، صورتی هم از آن در حس مشترک منعکس می‌گردد. قوه‌ای که مدرک معانی جزئیته است، قوه‌ی واهمه نامیده می‌شود. برای هر یک از این دو حس، خزانه‌ای در مجاورت آن‌ها قرار گرفته است: خزانه‌ی حس مشترک را «خیال» و خزانه‌ی قوه‌ی واهمه را «حافظه» می‌نامند. قوه‌ای که هم مدرک و هم متصرف است قوه‌ای است که صورت جزئیته موجود در خیال یا معانی جزئیته محفوظ در قوه‌ی حافظه را تجزیه و یا با هم ترکیب می‌کند و صورتی در ذهن می‌سازد که وجود خارجی ندارد، مانند تصویر انسانی با دو بال پرنده. این قوه‌ی که خیال نام دارد گاهی در خدمت قوه‌ی واهمه و گاهی در خدمت قوه‌ی ناطقه است. هرگاه در خدمت قوه‌ی واهمه باشد آن را قوه‌ی متخیله می‌گوئیم که تولید تصاویر وهمی و دروغین می‌کند و اگر در خدمت قوه‌ی ناطقه باشد آن را قوه‌ی متفکره می‌گوئیم که تبدیل به اندیشه‌ی نظاره‌گر می‌شود (ابن سینا ۱۳۶۳، ص ۶۰). در پس احساس و ادراک، شناخت اتفاق می‌افتد. تفاوت ادراک و شناخت در این است که ادراک تجربی است ولی شناخت عقلی است. یعنی در مرتبه ادراک انسان با صورت‌هایی سروکار دارد که می‌تواند صورت‌های حسی آن‌ها را تصور کند. در این مرحله صورت وجود دارد حال آن که می‌تواند جزئی و دارای ما به ازای خارجی باشد مانند تصوّر شخص مجید. یا این که کلی و دارای ما به ازای خارجی نباشد، مانند تصوّر شکل کلی انسان. اما شناخت با مفاهیم کلی و معقولات تجربیدی رابطه دارد. در مرحله‌ی شناخت صورتی جهت تصوّر وجود ندارد. تفاوت بین ادراک تجربی و شناخت عقلی را از زبان امانوئل کانت بیان می‌کنیم:

«در این جا بحث درباره نشانه‌ای است که از آن طریق بتوانیم شناخت محض (عقلی) را از شناخت تجربی (ادراک)، با اطمینان متمایز کنیم. درست است که تجربه به ما آموزش می‌دهد که چیزی به این یا به آن شکل ساخته شده است، اما نه این

که آن چیز نمی‌تواند به شکل دیگر باشد. بنابراین در وهله‌ی اول، اگر گزاره‌ای پیدا شود. که هم زمان با ضرورت خویش تعقل گردد، آن گزاره یک حکم پیشین است. اما اگر علاوه بر آن گزاره از گزاره‌ای دیگر مشتق نشده باشد مگر از گزاره‌ای که خود نیز به مثابه یک گزاره ضروری معتبر باشد، گزاره‌ای خواهیم داشت که مطلقاً پیشین است. دوم، تجربه هرگز به احکام خود کلیت حقیقی یا کلیت اکید نمی‌دهد، بلکه فقط کلیت نسبی یا فرضی به آن می‌بخشد. (از طریق استقراء) چنان که در حقیقت باید گفته شود، تا آن جا که ما تا به حال دیده‌ایم، در این یا آن قاعده استثنایی وجود ندارد. بنابراین اگر حکمی در کلیت دقیق تعقل شود، یعنی چنان که هیچ استثنایی به مثابه ممکن در آن مجاز نباشد، آن حکم از تجربه مشتق نشده است، بلکه مطلقاً بر نحوه پیشینی اعتبار دارد. بنابراین کلیت تجربی فقط ارتقاء اختیاری نوعی اعتبار آن چیزی است که در بیشتر موارد معتبر است. طوری که در همه موارد معتبر است. اما بر عکس، اگر کلیت اکید برای یک حکم ذاتی باشد، این امر به سرچشمه خاصی از شناخت آن حکم بر می‌گردد، یعنی به قوه شناخت پیشین. به همین ترتیب اگر از مفهوم تجربی خود از هر چیزی که باشد، چه جسمانی و چه غیر جسمانی، همه‌ی خاصیت‌هایی که تجربه به شما آموخته است را کنار بگذارید، باز یک خاصیت وجود دارد که آن را نمی‌توانید جدا کنید و آن این است که متعلق تجربه را به منزله جوهر یا مرتبط با جوهر مورد تعقل قرار دهید (با آن که مفهوم جوهر از مفهوم یک عین کلی، متعین تر است). بنابراین در اثر اعتقاد به ضرورتی که از آن طریق مفهوم جوهر خود را به شما تحمیل می‌کند، باید اعتراف کنید که جایگاه این مفهوم در قوه شناخت پیشین شماست» (کانت، ۱۳۹۰، ص ۶۷).

بنابراین معقولات پیشینی هستند بدین مفهوم که ما به ازای خارجی ندارند اما سرچشمه شکل‌گیری آن‌ها ادراک تجربی است. معقولات جزو مفاهیم کلی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

هستند. ذهن انسان چه در بخش تصوّرات و چه در بخش تصدیقات، ابتدا مفاهیم کلی را انتزاع می‌کند، آن‌گاه آن‌ها را در تبیین پدیده‌های عالم و تعریف مفاهیم دیگر به کار می‌گیرد و با مقایسه و سنجش میان آن‌ها به احکام جدید می‌رسد و ادراکات تصدیقی متعدد به دست می‌آورد. معقولات یا مفاهیم کلی به سه دسته تقسیم می‌شود. ویژگی هر یک از آن‌ها را در زیر به اختصار بیان می‌کنیم:

۱- مفاهیم کلی ماهوی: که صورت مستقیم اشیای محسوس هستند و به دسته معینی از اشیاء اختصاص دارند مانند: سفیدی و سیاهی، انسانیت، چوب بودن.

۲- مفاهیم فلسفی: اعم از مفاهیم دسته اول هستند و به دسته معینی و یا نوع معینی اختصاص ندارند. صورت حسی و خیالی ندارند بلکه مفهوم عقلی و کلی دارند مانند: وجوب و امکان، نظام علت و معلول، وحدت و کثرت، حدوث و قدم و غیره؛

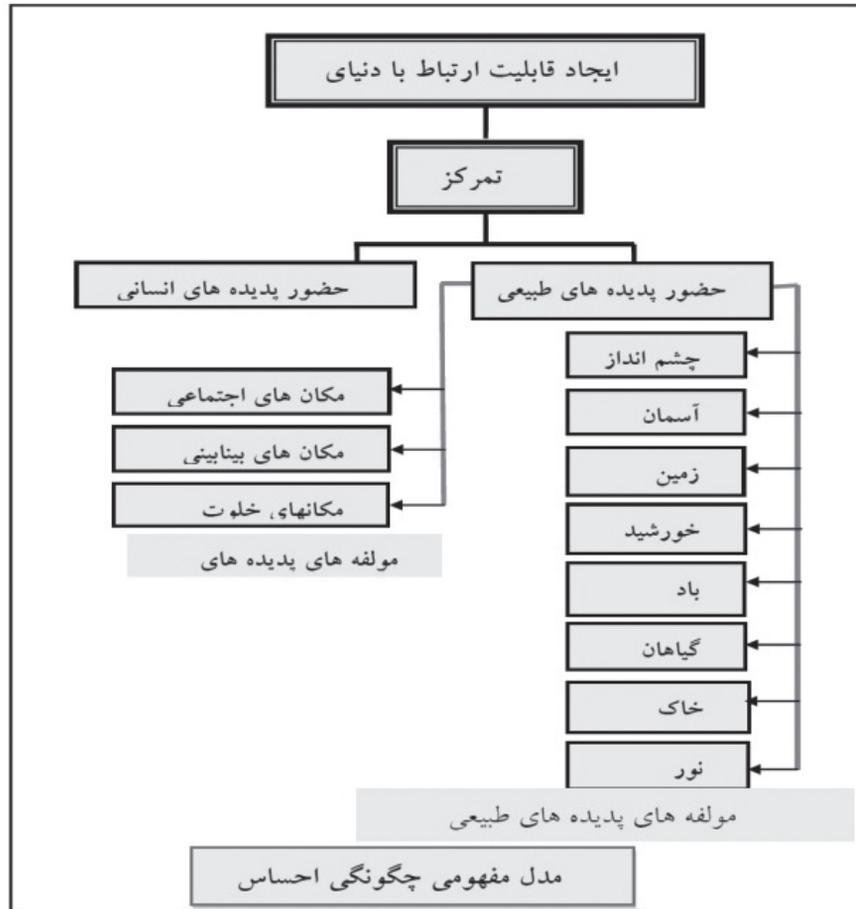
۳- مفاهیم منطقی: هیچ ربطی به خارج از ذهن ندارند و ذهنی محض هستند. مانند: کلی و جزئی، نوع، جنس و فصل و غیره (معلمی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۱).

چگونگی احساس و ادراک و شناخت

موضوع این قسمت به چگونگی انتقال علم از معلوم به عالم مربوط است. از آن می‌توان به چگونگی «دریافت» نیز تعبیر کرد. دریافت عبارت از مفهومی است که هم به اطلاعات مکتسبه از محرک‌های حسی اشاره دارد و هم می‌تواند به اطلاعاتی که از پرتو تفکر و استدلال و با توجه به تجارب و علم و آگاهی به دست می‌آید و به عبارت دیگر به اطلاعات دریافتی از محیط اشاره داشته باشد. (نقی زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۴۹)؛ بنابراین به واسطه دریافت انسان علم را از بیرون به درون انتقال می‌دهد. این فرآیند فعال و هدفمند است، نقطه‌ای است که شناخت و واقعیت را به یکدیگر می‌رساند. برای شرح و تبیین چگونگی دریافت تلاش‌های زیادی شده است. دو نظریه‌ی کلی در مورد دریافت وجود دارد، یکی بر دریافت تجربه حسی، و دیگری به حواس به عنوان نظام‌های

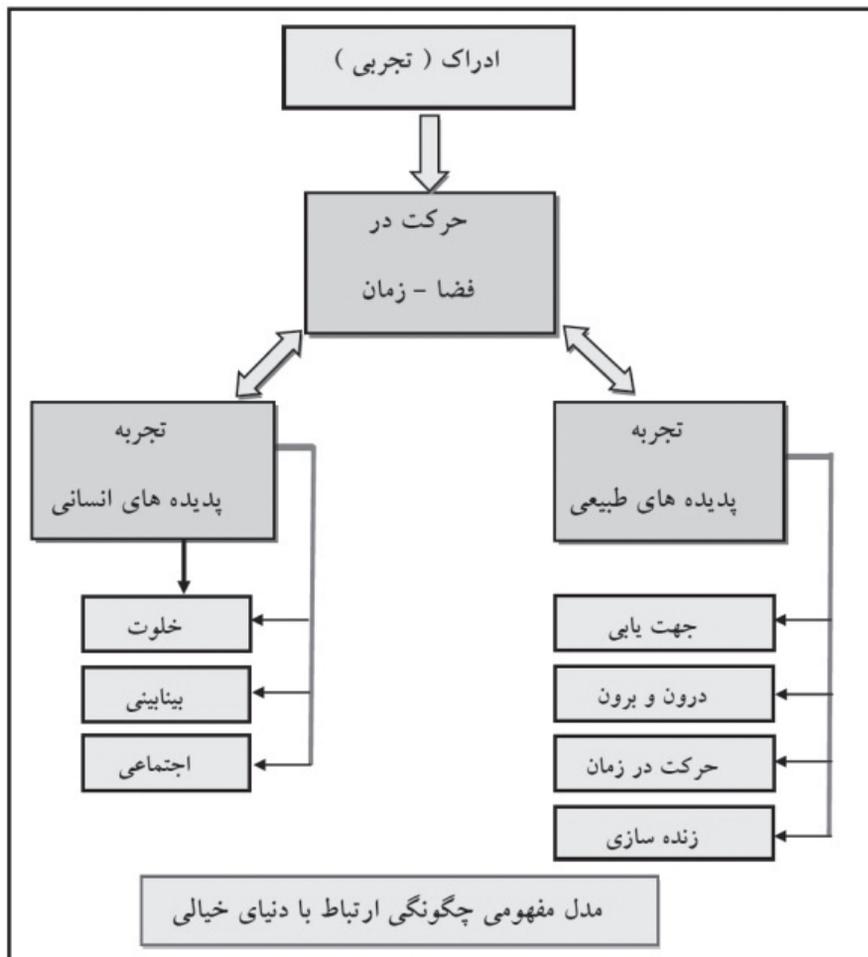
فعال و مرتبط متکی است. دسته اول چگونگی قرارگیری داده‌های حسی و واحدهای مفروض ادراک را در مغز توضیح می‌دهند. تجربه‌گرایی این ترکیب و قرارگیری را نتیجه تداومی می‌داند. مکتب کنش متقابل که افکار و نوشته‌های افرادی چون والتر گروپیوس، لوئیس مامفورد و گیفورد مولر را تحت تاثیر قرار داده است، بر نقش تجربه تأکید می‌کند. نظریه‌های فطرت‌گرا و خردگرا بر نقش انگاره‌های درونی و استنتاج‌های منطقی از احساسات تأکید دارند. بحث‌های گریستین نوربرگ شولتر در مورد طراحی، به شدت تحت تاثیر این رویکرد نظری ادراک است (لنگ، ۱۳۹۰، ص ۷۰).

نظریه گشتالت چگونگی سازمان یافتن پدیده‌هایی مانند «ثبات ادراکی» و «خطاهای ادراکی» را نشان می‌دهد. بنابراین نظریه، ادراک هر چیز جدای از مجموعه در برگیرنده آن مسیر نیست، زیرا مجموعه عناصر تشکیل دهنده میدان ادراکی گشتالت در ادراک تأثیر می‌گذارند. یعنی هر (جزء) به تبع (کل) خود ادراک می‌شود. مکتب (ایمز) و پیروان آن، ادراک را حاصل تأثیر متقابل فرد ادراک کننده و شیء ادراک شده می‌دانند و در چارچوب «روان شناسی تعاملی» به آزمایش‌های متعددی در خصوص آمادگی‌های روانی و ذهنی فرد ادراک کننده، ارزش‌های اجتماعی در تعامل با واقعیت و چگونگی سازمان عناصر میدان ادراکی، دست زده‌اند. (ایروانی و خدائپناهی، ۱۳۸۹، صص ۱-۲)؛ درحالی که نظریه تحلیل - اطلاعات معتقد است که در مغز فرآیندهای شبه رایانه‌ای وجود دارد، نظریه گشتالت مبنای نظری طراحی را بیش از هر نظریه دیگر ادراک تحت تأثیر قرار داده است. این در حالی است که نظریه‌های تحلیل - اطلاعات اساس نوشته‌های زیبایی‌شناسی افرادی چون آبراهام مولس (۱۹۶۶) هستند. در مقابل این نظریه‌ها، رویکرد اکولوژیک جیمز گیسون و الینور گیسون است که دریافت را مبتنی بر اطلاعات می‌داند. این رویکرد نباید با مدل‌های دریافتی سایبرنتیک که اساس آن تحلیل اطلاعات است



نمودار ۴. مدل مفهومی چگونگی احساس معماری و شهر؛ ماخذ: نگارندگان.

اشتباه شود. گیبسون واقعیت تجربه حسی را معرفی می کند، اما آن را به جای «واحد‌های سازنده دریافت» محصول دریافت قلمداد کرده است. اولر یخ نیسر مفهوم طرحواره ذهنی را به عنوان «پیوند ادراک و فرآیندهای عالی ذهنی» به این نظریه افزوده است (لنگ، ۱۳۹۰، ص ۹۷). طبق مدل اکولوژیک، ادراک و شناخت دو مفهوم متمایز هستند. ادراک مکانیزم برونی فرآیندی است که مربوط به چگونگی تحریکات اعضای حسی و جمع آوری اطلاعات است و شناخت یک مکانیزم درونی فرآیند و نحوه تأثیر تجارب پیشین، عوامل روان‌شناختی (مانند انگیزه‌ها، ارزش‌ها و غیره) و شخصیتی (درون‌نگر یا برون‌نگر بودن) افراد، در تعبیر و تفسیر آن اطلاعات حسی است. در روان‌شناسی محیط بر مرتبط و در هم تنیده بودن ادراک، شناخت و شرایط محیطی، تأکید می شود و این پیوستگی به ویژه هنگامی آشکار می‌شود که ادراک اشیاء را از ادراک محیط تفکیک کنیم (مرتضوی، ۱۳۸۰، صص ۶۶-۶۰). میزان اطلاعات و آگاهی‌های دریافتی ما از محیط، به تنوع و درجه تضاد اطلاعات حسی به دست آمده و چگونگی تفکیک آن‌ها از یکدیگر، یعنی به چگونگی ردیابی الگوها بستگی دارد. به طور خلاصه می‌توان گفت نظریه اکولوژیک ادراک، اطلاعات دریافتی از محیط توسط حواس پنج‌گانه و نیز ویژگی‌های نظام‌های جهت دهنده و حرکتی اصلی در محیط را مبنای اصلی نظام ادراکی انسان می‌داند (شاه چراغی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۱). براساس مدل اکولوژیک ادراک معنی و مفهوم آن چه احساس و ادراک می‌شود، پیش از آن در عرف فرهنگی اجتماعی هر محیط



نمودار ۵. مدل مفهومی چگونگی ارتباط با دنیای خیالی؛ ماخذ: نگارندگان.

به خود شکوفایی دعوت کند (شاهچراغی ۱۳۹۱، صص ۶۲ و ۱۶۱).
با توجه به یافته‌های نظرات بیان شده در مورد چگونگی دریافت و مقایسه تطبیقی با چیستی دریافت‌های حسی، تجربی و عقلی می‌توان چگونگی ارتباط با سه دنیای حسی، خیالی و عقلی را به عنوان منشأ معرفت و وجود واقعیت تبیین نمود:
۱- ارتباط با دنیای حسی از طریق پدید آوردن غنای حسی در محیط با حاضر کردن پدیده‌های طبیعی و انسانی در راستای تقویت تمرکز حواس بیرونی ایجاد می‌گردد. تقویت تمرکز حواس به وسیله حضور مکان‌های اجتماعی، بینابینی و خلوت به عنوان مؤلفه‌های پدیده‌های انسانی و چشم اندازه‌ها، خورشید، زمین، آسمان، نور، خاک، گیاهان، آب، باد،

آموخته شده‌اند. به بیانی دیگر ویژگی‌های الگوی محیط ساخته شده، با حواس پنج‌گانه و با توجه به نظام جهت دهنده احساس و ادراک می‌شود، اما معانی آن که مبتنی بر طرحواره‌های ذهنی هستند باید آموخته شوند. در علوم ادراک و شناخت محیط نظریه اکولوژیک ادراک بر اهمیت نظام‌های جهت دهنده محیط و نظام ادراکی حواس پنج‌گانه در محیط تأکید می‌کند. بنابراین تحلیل محیط با توجه به یافته‌های نظریه اکولوژیک ادراک بر مبنای توجه مناسب به نظام ادراکی حواس پنج‌گانه و نظام‌های جهت دهنده و پدید آوردن غنای حسی در محیط، می‌تواند از یک سو قابلیت و کیفیت دعوت کنندگی برای محیط پدید آوردن و فرد را به تأمل، خودسنجی، خودارزیابی و براساس مدل انسانی مازلو

به عنوان مؤلفه‌های پدیده‌های طبیعی قابل ایجاد است (نمودار ۴).

۲- ارتباط با دنیای خیالی از طریق تجربه و صورت برداری از تماس‌های حسی ایجاد می‌گردد، که از آن با عنوان ادراک یاد کردیم. بنابراین ادراک از طریق حرکت در فضا - زمان تجربه می‌شود (چینگ، ۱۳۷۳، صص ۱۲-۱۳). حرکت در این جا تنها به معنی جا به جایی نیست بلکه معانی تغییر، شدن و تبدل را نیز دربر می‌گیرد. ادراک شامل تجربه پدیده‌های انسانی از طریق حضور در مکان‌های اجتماعی، بینابینی و خلوت به عنوان مؤلفه‌های انسانی و تجربه پدیده‌های طبیعی از طریق جهت یابی، نمایش زمان، تجربه سایه، جابه جایی، درون و برون، مرز و محصوریت، مرکز، فصول و چشم‌انداز به عنوان مولفه‌های طبیعی می‌باشد. تمامی مؤلفه‌های فوق با حضور در فضا- زمان و حرکت در مسیرها و دسترسی‌ها قابل تجربه می‌شوند (نمودار ۵).

۳- ارتباط با دنیای عقل از طریق نظام‌های مفهومی تبیین می‌گردد. این نظام‌ها که در قالب مفاهیم ماهوی، فلسفی و منطقی آورده شده اند شامل الگوها می‌باشند. الگوها نوعی ارتباطات منطقی بین اجزای یک پدیده می‌باشند که کلیتی یکپارچه ایجاد می‌کنند. این کل دارای ویژگی‌های خاصی است که از اجزاء آن متفاوت است. این مفاهیم تجربیدی بوده و خارج از ذهن حضور ندارند. معنای الگو از زبان کریستوفر الکساندر چنین است: «هر بنا یا شهر از عناصر مشخصی تشکیل می‌شود که من آن‌ها را الگو می‌نامم. شناخت روند پدید آورنده این الگوها، یعنی شناخت منبعی که مؤلفه‌های اصلی بنا از آن ناشی می‌شوند. این الگوها همواره از روندهای ترکیب کننده معینی نشأت می‌گیرند که از لحاظ الگوهای خاصی که پدید می‌آورند متفاوت هستند. اما همیشه ساختار کلی و نحوه عملشان شبیه هم است. این روندها در اصل مانند زبان اند. از منظر این زبان‌های الگو نیز همه راه‌های ساختمان کردن به رغم تفاوتشان در جزئیات در ساختار کلی شبیه

هم‌اند» (الکساندر، ۱۳۸۱، صص ۱۰-۱۱)؛ پس الگو عامل صورت بخش است که تمامی اجزاء را در بر می‌گیرد که خود اجزاء نیست. الگوها همه جزئیات توده فضا و ارتباطات میان آن‌ها و نحوه ارتباط با محیط پیرامونی و همه را در بردارد. پس الگوها در قالب مفاهیم منطقی می‌باشند که می‌توانند همچون کلیتی یکپارچه عمل کنند. ایده ساختمان به مثابه کلیتی یکپارچه به این معنی است که ما آن را به عنوان بخشی از زنجیره‌ای ممتد و به هم پیوسته می‌بینیم. یک ساختمان، به خودی خود باقی مانده‌ای مجزا و پس مانده نیست. اما بخشی از جهانی است که باغ‌ها، خیابان‌ها، درخت و ساختمان‌های دیگر را آن سوی مرزهای خود در بر می‌گیرد. همچنین کلیت‌های گوناگونی را درون خود جای می‌دهد. ما می‌توانیم کلیت یکپارچه را که جزو مفاهیم فلسفی است دقیقاً به عنوان یک ساختار تعریف کنیم (الکساندر ۱۳۹۰، صص ۶۴-۶۳) کلیت یکپارچه از اجزای مختلف شکل گرفته است، اجزای درون کلیت نیز توسط خود کلیت شکل گرفته‌اند. به این معنی که در هر یک از این موجودیت‌ها این واقعیت نهفته است که هر یک به مثابه مرکزیتی موضعی درون کلیتی بزرگ‌تر ظاهر شده و حیات می‌یابد. این پدیده مرکزیت در فضا است. مجموعه‌ای مجزا از نقاط در فضا که به دلیل نحوه ساختارمندی اش که ناشی از بهم پیوستگی درونی و رابطه اش با بستری است که در آن حضور یافته است، نوعی ((مرکزیت یافتگی)) را به نمایش می‌گذارد و نسبت به سایر بخش‌های فضا محدوده‌ای از ((مرکزیت نسبی)) را شکل می‌دهد، واژه مرکز اشاره به مجموعه‌ای فیزیکی، نظامی مستقل است، که حجم مشخصی از فضا را اشغال می‌کند و از به هم پیوستگی بارزی برخوردار است. (الکساندر ۱۳۹۰، ۶۹-۶۸) الکساندر پانزده خصلت را جهت ایجاد کلیتی یکپارچه به ترتیب نام می‌برد: مقیاس‌های مختلف، مراکز نیرومند، مرزها، تکرار متناوب، فضای معین، شکل خوب، تقارن موضعی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

انسجام و ابهام عمیق، تضاد، درجه‌بندی، ناهمگونی، پژواک، فضای خالی، سادگی و آرامش درونی، جدایی ناپذیری. (الکساندر، ۱۳۹۰) (نمودار ۶)

نتیجه‌گیری

• مهمترین دستاورد این پژوهش تبیین مأموریت معماری به عنوان خالق عامل معرفت است. به این مفهوم که معماری با گشایش فضای اندیشه و خیال بین مخاطب و معمار ارتباط ایجاد می‌کند و دنیایی تازه جهت تفکر بوجود می‌آورد. معمار با حاضر کردن شاخصهای ادراک سه دنیای حسی، خیالی و عقلی دنیای معماری را برای مخاطب قابل احساس، تجربه و شناخت می‌کند. مخاطب در این حال با توجه به توانایی شناخت خود و در اثر تماس با مؤلفه های دانایی به تخیل پرداخته و دنیای شخصی خود را میسازد. لذا در این پژوهش معماری نه به عنوان سرپناه و محل آسایش بلکه به عنوان پیوند دهنده انسان و عالم معرفی شده است. معماری عاملی است که توانایی انسان را در جهت ارتباط با واقعیت و هستی ارتقاء داده و منزلت و واحدی جهت بحث و گفتگوی هنرمند و مخاطب ایجاد می‌کند.

طبق مطالعاتی که در این پژوهش انجام شد بر خلاف نظر محققین امروزی که انسان را علت فاعلی، مصالح ساختمانی را علت مادی، فرم ساختمان را علت صوری و ساختمان به مثابه سرپناه و محل آسایش را علت غایی می‌دانند، علت فاعلی تخیل خلاق، علت صوری مکان، علت مادی توده و فضا و علت غایی ایجاد فضای اندیشه و خیال معرفی شده است.

منابع و ماخذ

- ۱- ابن سینا. (۱۳۶۳) روان شناسی شفا. ترجمه اکبر دانا سرشت. تهران: بینا
- ۲- احمدی، بابک. (۱۳۷۸) حقیقت و زیبایی (درسهای فلسفه هنر). نشر مرکز
- ۳- اسلامی، سید غلامرضا (۱۳۹۲) درس گفتار مبانی نظری معماری: عینکمان را خودمان بسازیم. تهران: پژوهشکده هنر

۴- اردلان، نادر (۱۳۸۰) حس وحدت (سنت عرفانی در معماری ایرانی). (حمید شاهرخ، مترجم) اصفهان. نشر خاک

۵- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱) معماری و راز جاودانگی. ترجمه: مهرداد قیومی بید هندی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی

۶- الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۰) سرشت نظم. ساختارهای زنده در معماری. ترجمه: رضا سیروس صبری و علی اکبری. تهران: پرهام نقش

۷- تایلور، سی.سی (۱۳۹۰) تاریخ فلسفه راتلج. (حسن مرتضوی، مترجم). تهران: نشر چشمه

۸- چینگ، فرانسیس (۱۳۷۳) فرم، فضا، نظم. ترجمه زهره قراگزلو. تهران: انتشارات دانشگاه تهران

۹- دیباچ، سید موسی (۱۳۷۸) صورت مکان و امکان صورت، فرهنگ و معماری، شماره اول

۱۰- سبزواری، حاج ملاهادی (۱۳۸۰) حکمت نامه. (غلامحسین رضائزاد، شارح). تهران: انتشارات الزهرا

۱۱- سجادی، سید جعفر (۱۳۷۵) فرهنگ علوم فلسفی و کلامی، تهران، انتشارات امیر کبیر

۱۲- شاه چراغی، آزاده. (۱۳۹۱). پارادایم های پردیس. در آمدی بر باز شناسی و باز آفرینی باغ ایرانی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی

۱۳- شیرازی، صدرالدین [ملاصدرا]. (۱۳۶۰) الحاشیه علی الالهیئت. قم. انتشارات بی تا

۱۴- شیرازی، صدرالدین [ملاصدرا]. (۱۴۱۰). اسفار، بیروت، دار احیاء التراث العربی،

۱۵- شیرازی، صدرالدین [ملاصدرا]. (۱۳۱۵) التعليقات علی شرح حکمت الاشراق. چاپ سنگی

۱۶- شیرازی، صدرالدین [ملاصدرا]. (۱۳۹۱) شواهد الربوبیه. (علی بابایی، مترجم) تهران. انتشارات مولی

۱۷- صالحی، سعید (۱۳۸۸) معماری مکتوب. تهران. انتشارات شهراب

۱۸- کانت، امانوئل (۱۳۹۰) نقد عقل محض (ترجمه بهروز نظری). کرمانشاه: باغ نی

۱۹- کربن، هانری (۱۳۷۱) آفاق تفکر معنوی در

- ایران اسلامی (باقر پرهام، مترجم). تهران. مؤسسه انتشارات آگاه
- ۲۰- گروت، لیندا؛ دیوید، وانگ (۱۳۸۸) روشهای تحقیق در معماری (علیرضا عینی فر، مترجم). تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۱- لنگ، جان (۱۳۹۰). آفرینش نظریه معماری : نقش علوم رفتاری در طراحی محیط). (علیرضا عینی فر، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۲- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۹) مسئله شناخت، تهران، صدرا
- ۲۳- مددپور، محمد. (۱۳۷۷) حکمت معنوی و ساحت هنر. تهران. انتشارات سوره
- ۲۴- مرتضوی، شهرناز (۱۳۸۰) روان شناسی محیط و کاربرد آن. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- ۲۵- معلّمی، حسن (۱۳۸۸) مفاهیم ماهوی، فلسفی و منطقی. ذهن: فصلنامه تخصصی معرفت شناسی. سال دهم. شماره ۴۰
- ۲۶- نصر، سید حسین (۱۳۸۰) معرفت و معنویت. (انشاء الله رحمتی، مترجم) تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی
- ۲۷- نقی زاده، محمد (۱۳۸۹) تحلیل و طراحی فضای شهری. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

■ ۱۲۴ ■

رابطه فرهنگ دانش با رفتار شهروندی سازمانی؛ مورد مطالعه: یکی از مراکز آموزشی درمانی شهر تهران

لطفعلی جباری* - دکتری تخصصی مدیریت آموزشی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

The relationship between knowledge culture and organizational citizenship behavior (Case study: A hospital in Tehran)

Abstract

Today, in most societies social life of citizens is associated with medical centers. These centers is considered important area of citizenship and humanity originality. Therefore due to the cultural aspects and citizenship considerations is necessary and logical in order to provide more quality services. In this view, the goal of current research is the study of knowledge culture and organizational citizenship behavior situation as well as assessing the relationship between them. The present study is descriptive type and performed by correlation method. The statistical population including all of the nurses in the studied hospital that according to provided statistics they are 205. Among them 153 persons were selected as sample. Tow questionnaires were used to collect required data. Cronbach's α was used to determine the reliability of the questionnaires that the reliability coefficient were 0/89 and 0/93. Descriptive statistical methods were used for classification, producing tables, drawing charts, and calculating the means and standard deviations. To examine the statistical assumptions, inferential tests were used. The tests used were the one-sample t-test for mean significance of each variable, one-way ANOVA (F) for integrity or compatibility of member answers based on their personal and organizational specifications. The tests was done by SPSS. Data analysis revealed that, there is positive and significant correlation knowledge culture and organizational citizenship are appropriate. Finally the conclusions and suggestions of the research were between knowledge culture and organizational citizenship that is $R_{xy} = 0/67$. Moreover the situation of presented.

KeyWords: knowledge management, knowledge culture, organizational citizenship behavior, Hospital

چکیده

امروزه در اکثر جوامع زندگی اجتماعی شهروندان با مراکز آموزشی درمانی عجین شده است. مراکز مذکور حوزه مهمی از اصالت شهروندی و انسانی هر جامعه‌ای محسوب می شوند. لذا توجه به ابعاد و آموزه های فرهنگی و ملاحظات شهروندی مناسب جهت ارائه خدمات با کیفیت ضروری و منطقی می باشد. در این راستا پژوهش حاضر با هدف مطالعه وضعیت فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی و همچنین سنجش رابطه میان آنها در مرکز آموزشی درمانی مورد مطالعه در شهر تهران انجام شد. تحقیق حاضر از نوع توصیفی بوده و به روش همبستگی انجام گردید. جامعه آماری کلیه پرستاران شاغل در بیمارستان مذکور بوده است که مطابق آمارهای ارائه شده تعداد آنها ۲۰۵ نفر بوده اند. از جامعه آماری ۱۵۳ نفر بعنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع آوری داده های مورد نیاز، از دو پرسشنامه استفاده گردید که به ترتیب دارای ضریب پایایی ۰/۸۹ و ۰/۹۳ بوده اند. برای تجزیه و تحلیل داده ها علاوه بر روشهای آماری توصیفی از آزمونهای استنباطی از جمله؛ آزمون t تک گروهی، تحلیل واریانس یک طرفه (F) و تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. یافته های حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی همبستگی مثبت و معنی دار وجود دارد که مقدار آن $R_{xy} = 0/67$ می باشد. بعلاوه وضعیت فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی در مجموع مناسب ارزیابی گردید.

واژگان کلیدی: رفتار شهروندی، مدیریت دانش، فرهنگ دانش، بیمارستان

یوسفی و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۵۸۶). لذا توجه به دو مقوله فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی در رابطه با منابع انسانی مراکز آموزشی، بهداشتی و درمانی از اهمیت شایانی برخوردار می باشد. چرا که این دو می توانند ظرفیتهای و زمینه های مناسبی را برای مشاوره، رهبری، پژوهش، تفکر سیستمی و ارائه خدمات درمانی در بیمارستان بوجود آورند. بدین ترتیب هدف اصلی تحقیق حاضر مطالعه وضعیت فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی و همچنین سنجش رابطه میان آنها می باشد.

۲- مفاهیم تحقیق

رفتار شهروندی سازمانی

مفهوم رفتار شهروندی سازمانی ریشه در نوشتارهای چستر بارنارد (۱۹۳۸) در مورد تمایل به همکاری دارد و همچنین مطالعات کتز و کان (۱۹۶۶ و ۱۹۶۴) در مورد عملکرد و رفتارهای خودجوش و فراتر از انتظار ناشی شده است (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۶۹) باتمان و ارگان (۱۹۸۳). برای اولین بار از اصطلاح رفتار شهروندی سازمانی استفاده کردند (صنوبری، ۱۳۸۷، ص ۸۰). در سالهای بعد مطالعات زیادی بر روی این مفهوم صورت گرفت که هر کدام از واژه های جدیدی برای توصیف این مفهوم استفاده کرده اند (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۶۹) امروزه مطالعات انجام شده در زمینه رفتار شهروندی سازمانی گویای این واقعیت است که وجود این نوع رفتارها در سازمان های دولتی و خصوصی اثرات مثبت و قابل توجهی دارد (شیرازی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۴۲).

رفتار شهروندی سازمانی، رفتاری منحصر به فرد، اختیاری و فرا وظیفه ای است که در افزایش عملکرد اثربخشی سازمان موثر است و به طور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق سیستم پاداش رسمی سازمان، سازماندهی نمی شود (حسینی و دانایی فرد، ۱۳۹۱، ص ۱۱۳). رفتار شهروندی سازمانی را به عنوان رفتاری اختیاری تعریف کرده اند که فراتر از نقش رسمی یک فرد است و در جهت کمک به افراد

در شرایط فعلی جهان تمامی سازمانها باید بطور مداوم در مورد فرایند کارها و افق های آینده بازندیشی و نوگرایی کنند (پتوکان، ۲۰۱۲، ص ۲۹۱). دانش سازمانی و بکار گیری آن می تواند چنین روندی را تسهیل نماید. در این راستا مدیریت دانش، اعضاء سازمان را به تسهیم دانش و بهبود کارآیی، عملکرد و رقابت پذیری تشویق می کند (لی و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۱۰). مدیریت مناسب دانش می تواند ظرفیت تغییر سازمانی را تقویت کند (جاد و داگلاس، ۲۰۱۰، ص ۶۳۵) و فرهنگ دانش نیز یکی از ابعاد زیرساختی مدیریت دانش می باشد (کنجکاو منفرد و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۷۵). رفتار اعضاء سازمان در خصوص اینکه آیا تسهیم دانش انجام دهند یا نه، براساس فرهنگ دانش تعیین خواهد شد (گیرداس کین و ساوان ویچین، ۲۰۰۷، ص ۵۷). از طرف دیگر از مهمترین عواملی که می تواند رفتارها، نگرشها و تعاملات پرستان را در جهت ارائه خدمات با کیفیت تر بکارگیرد رفتارهای داوطلبانه یا شهروندی سازمانی است (سیدجوادی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۰۶). لذا در صورت مناسب بودن وضعیت فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی، سازمان می تواند به تدریج به مزیت رقابتی دست یابد.

«در گذشته بطور سنتی برای اطمینان از کیفیت خدمات بهداشتی به دانش تکنیکی متخصصان پزشکی و پرستاری که انتظار می رفت این دانش را به بهترین وجه در مداوای بیمار مورد استفاده قرار دهند تکیه می شد. ولی امروزه مراکز بهداشتی درمانی سازمانهای پیچیده ای بوده و مراقبتهای بهداشتی درمانی مناسب نیازمند حمایت مدیریتی و اجرایی هستند» (ملکی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۵۸۰). در عین حال پرستار یک عضو مهم در تیم سلامت به شمار می آید و دارای نقش های گسترده ای از جمله نقش مراقبتی، حمایتی، درمانی، هماهنگی، مشورتی، مدیریتی، آموزشی و تحقیقاتی می باشد



دیگر در سازمان یا نشان دادن وجدان و حمایت از سازمان است (شیرازی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۳۶). این نوع رفتار نوعی رفتار فرانقشی است که مکمل رفتارهای درون نقشی قرار می گیرد (طبرسا و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۹۴). در مجموع رفتارهای شهروندی سازمانی اختیاری و غیررسمی هستند و پاداش رسمی به آنها تعلق نمی گیرد. اما اینگونه رفتارها در کیفیت خدمات ارائه شده و اثربخشی سازمانی تأثیر به سزایی دارند.

مرور ادبیات موجود مویده آن است که در رابطه با مفهوم رفتار شهروندی سازمانی دو رویکرد اصلی وجود دارد که عبارتند از: الف - رفتارهایی در نقش و فرانش: در این رویکرد عمدتاً بر «گستره شغلی درک شده» تأکید می شود و ب - تمام رفتارهای مثبت در داخل سازمان: در این رویکرد رفتار شهروندی سازمانی به عنوان مفهومی کلی شامل تمام رفتارهای مثبت و سازنده افراد در داخل سازمان همراه با مشارکت کامل و مسئولانه در نظر گرفته می شود (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۳، ص ۷۰، شیرازی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۳۶). از هنگامی که مطالعه رفتار شهروندی سازمانی بوجود آمد، همواره فقدان اجماع مشترک در مورد ابعاد آن نیز در ادبیات و ابعاد آن وجود داشته است (سیدجوادین و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۰۷). فرا تحلیل پادساکف و همکاران (۲۰۰۰) نشان داد که تقریباً ۳۰ نوع متفاوت از ابعاد شهروندی سازمانی شناسایی شده است (واعظی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۰). اما ابعادی که بیشترین توجه را میان پژوهشگران به خود جلب کرده اند ۵ مورد می باشد (سیدجوادین و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۰۷؛ شیرازی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۳۶) که در ادامه بطور اجمالی مورد اشاره قرار می گیرند:

الف- نوع دوستی: به معنی کمک کردن به همکاران و سایر افراد در انجام وظایفشان است. ب- وجدان کاری: رفتاری است که فراتر از الزامات تعیین شده بوسیله سازمان در محیط کار می باشد. ج- نزاکت: به معنای ملاحظه گری و با احترام رفتار کردن

با دیگران است. د- رفتار مدنی: علاقه یا تعهد به سازمان به عنوان یک کل است. نظارت بر محیط به منظور شناسایی فرصت ها و تهدیدات حتی با هزینه شخصی نمونه ای از این رفتارهاست. نهایتاً تمایل به مشارکت و مسئولیت پذیری در زندگی سازمانی و نیز ارائه تصویری مناسب از سازمان می باشد. ه - جوانمردی: تمایل به تحمل شرایط اجتناب ناپذیر ناراحت کننده در کار، بدون شکایت و ابراز ناراحتی.

۳- پیشینه های تحقیقی

در خصوص پیشینه پژوهشی تحقیق بررسی ها مویده آنست که در رابطه با موضوع تحقیق پژوهش های مختلفی انجام شده است. اما پژوهشی که مستقیماً همزمان دو متغیر فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی را مورد مطالعه قرار دهد مشاهده نگرید. در ادامه برخی از پژوهش های مربوط به موضوع ارائه می شود. اولیور و ردی (۲۰۰۶) تحقیقی را تحت عنوان «چگونگی ایجاد فرهنگ دانش در سازمان ها: مطالعه موردی چند سازمان بزرگ» انجام داده اند. هدف تحقیق شناسایی عوامل موثر بر فرهنگ دانش بوده است. یافته های تحقیق نشان داده است که رهبری، ساختار سازمانی، تبلیغ، زیرساخت ها، ویژگی های فیزیکی، پاداش، تخصیص زمان، مدیریت فرایندها، استخدام و گروه های کاری بر شکل گیری فرهنگ دانش موثراند. تحقیق دیگری را وانگ و همکاران (۲۰۱۰) تحت عنوان «تأثیر فرهنگ سازمانی بر ظرفیت خلق دانش» در ۲۱۲ موسسه چینی با استفاده از مصاحبه چهره به چهره انجام و نتایج نشان داده است که فرهنگ سازمانی نقشی اساسی در ظرفیت خلق دانش دارد. بخصوص جمعگرایی بر ظرفیت خلق دانش تأثیر مثبت و معنی دارد. اما وجود تفاوت های قدرت و عدم اطمینان بر ظرفیت خلق دانش تأثیر منفی دارد. همچنین پژوهشی توسط مرادی و همکاران (۲۰۱۲) تحت عنوان «ارتباط بین فرهنگ سازمانی و مدیریت دانش» در رابطه با کارکنان دانشگاه تکنولوژی مالزی انجام شده است. یافته های تحقیق



رفتارهای مدیران، ساختار سازمانی، منابع انسانی و فناوری در موفقیت مدیریت دانش تأثیر معنی دار دارند.

۴- مدل نظری

براساس پژوهشهای گذشته بروز و ظهور رفتار شهروندی سازمانی با عوامل و متغیرهای گوناگونی همچون نوع شخصیت کارکنان، فرهنگ سازمان، سبک رهبری، حمایت‌های سازمانی و ویژگیهای شغلی در ارتباط بوده و از آنها متأثر است (سیدجوادی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۰۶؛ شیرازی و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۷؛ صنوبری، ۱۳۸۷، ص ۹۰). فرهنگ دانش نیز بعنوان بخشی از فرهنگ سازمانی بوده و جزئی از آن می باشد. فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی هر کدام دارای ابعاد خاصی می باشند که در چارچوب مفهومی تحقیق مشخص گردیده اند. با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهشی موضوع فرضیه های تحقیق به شرح زیر می باشند:

فرضیه اصلی: بین فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی رابطه معنی وجود دارد.

فرضیه های فرعی:

بین فرهنگ دانش و وجدان کاری رابطه معنی دار وجود دارد.

بین فرهنگ دانش و نوع دوستی رابطه معنی دار وجود دارد.

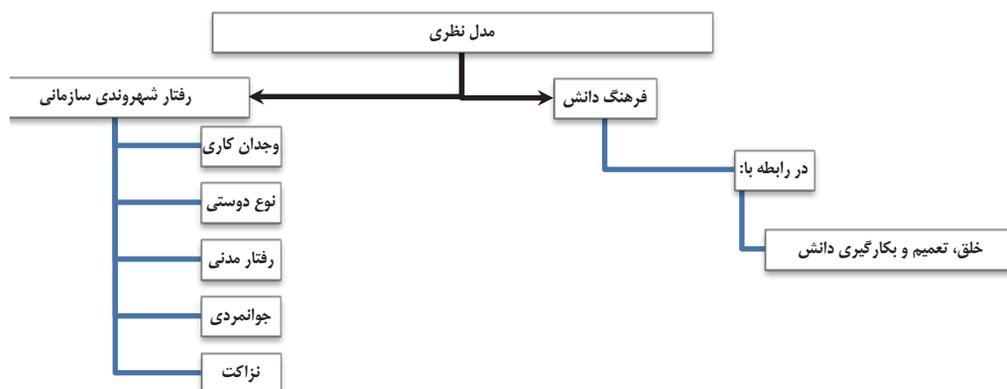
بین فرهنگ دانش و رفتار مدنی رابطه معنی دار وجود دارد.

بین فرهنگ دانش و جوانمردی رابطه معنی دار وجود دارد.

بین فرهنگ دانش و نزاکت رابطه معنی دار وجود دارد.

نشان داده است که بین فرهنگ سازمانی ترجیح داده شده و مدیریت دانش رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد.

تحقیق دیگری را مایل افشار و همکاران (۱۳۹۱) تحت عنوان «بررسی ارتباط بین رفتار شهروندی سازمانی و بهره وری نیروی انسانی از دیدگاه کارکنان در بیمارستان های آموزشی شهر تهران» انجام و نتایج پژوهش نشان داده است که بین رفتار شهروندی سازمانی و بهره وری رابطه معنی دار وجود دارد. تحقیق صادقی و همکاران (۱۳۹۰) تحت عنوان رابطه بین مؤلفه های فرهنگ سازمانی و مدیریت دانش مورد مطالعه: بیمارستان شهید هاشمی نژاد تهران» انجام و یافته های تحقیق نشان داده است که افراد تحت بررسی وضعیت فرهنگ سازمانی بیمارستان را مناسب (۷۲٪) و وضعیت مدیریت دانش را متوسط (۶۳٪) ارزیابی نموده و بین فرهنگ سازمانی و مدیریت دانش رابطه معنی دار نشان داده شده است. تحقیق خالصی و همکاران (۱۳۹۱) که در بیمارستان های دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام شده است نشان می دهد بین سلامت سازمانی و ابعاد پنجگانه رفتار شهروندی سازمانی ارتباط معنا دار وجود دارد. تحقیق قربانی زاده و همکاران (۱۳۹۰) نیز تحت عنوان «عوامل حیاتی موفقیت مدیریت دانش در سازمان های عمومی» نشان داده است که فرهنگ سازمانی، نقش ها و



نمودار ۱. مدل نظری

وجود دارد.

بین فرهنگ دانش و جوانمردی رابطه معنی دار وجود دارد.

بین فرهنگ دانش و نزاکت رابطه معنی دار وجود دارد.

۵- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع توصیفی بوده و به روش پیمایشی انجام شد. نوع تحقیق از نظر هدف کاربردی بود. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه پرستاران بیمارستان شهید مصطفی خمینی بوده است که مطابق آمارهای ارائه شده تعداد آنها ۲۲۷ نفر بوده اند. حجم نمونه مورد نیاز با استفاده از فرمول کوکران ۱۴۸ نفر برآورد شد. به منظور انتخاب نمونه کافی و تامین پراکندگی مناسب نمونه آماری، اعضاء نمونه از تمام بخشهای بیمارستان انتخاب شدند. با توجه به پراکندگی متفاوت جامعه آماری در بخشهای بیمارستان انتخاب نمونه آماری به روش نمونه گیری نسبی انجام شد. برای جمع آوری داده ها و اطلاعات مورد نیاز تحقیق، از پرسشنامه استفاده گردید. پرسشنامه در بخش فرهنگ دانش از نوع محقق ساخته و شامل ۳۰ سوال اصلی بود. اما برای جمع آوری داده های مربوط به وضعیت رفتار شهروندی سازمانی از پرسشنامه پادساکف و همکاران استفاده گردید که ۲۴ سوال اصلی بود. در نهایت پرسشنامه شامل سه قسمت سوال بود؛ اول- سئوالات مربوط به مشخصات فردی و سازمانی اعضاء نمونه، دوم- سئوالات اصلی؛ سئوالات این بخش به صورت بسته پاسخ و بر مبنای طیف لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد طراحی شده بود. سوم- سئوال باز پاسخ.

برای تعیین و اطمینان از روایی پرسشنامه، پس از تدوین و جمع آوری مصادیق مربوط به هر یک از متغیرهای تحقیق، ضمن استفاده از منابع علمی، از راهنمائیها و نظرات اساتید و افراد مجرب در حوزه مدیریت و پرستاری استفاده شد. بعلاوه با اجرای آزمایشی، نکات مبهم و نامفهوم سوالات تا حد

امکان اصلاح گردید. پایائی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ تعیین شد که ضریب پایایی پرسشنامه فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی به ترتیب ۰/۸۹ و ۰/۹۳ برآورد گردید.

در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده ها از روشهای آماری توصیفی برای طبقه بندی، تنظیم جداول، رسم نمودارها و محاسبه میانگین و انحراف استاندارد استفاده شد و همچنین به منظور آزمون فرضیه های تحقیق از آزمونهای آمار استنباطی از جمله؛ آزمون t تک گروهی برای تعیین معنی داری میانگین هر یک از متغیرهای تحقیق، تحلیل واریانس یک طرفه (F) برای برآورد میزان یکپارچگی یا همخوانی پاسخهای اعضاء نمونه بر حسب مشخصات فردی و سازمانی و همچنین از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. تمامی عملیات تجزیه و تحلیل داده ها و اجرای آزمونهای آماری با استفاده از نرم افزار SPSS انجام گرفت.

۶- یافته های تحقیق

جدول ۱ توزیع متغیرهای اصلی تحقیق را نشان می دهد.

طبق آماره های جدول شماره ۱ بیشترین میانگین امتیاز مربوط به متغیر فضای باز (۳/۶۷) می باشد و کمترین مقدار مربوط به تعاملات اجتماعی (۳/۰۱) است. همچنین میانگین متغیر تعاملات اجتماعی (۳/۰۱) و حمایت مدیریت (۳/۰۹) علی رغم اینکه بیشتر از میانگین نظری (۳) می باشد اما در سطح آلفای ۰/۰۵ معنی دار نیستند. میانگین مربوط به فرهنگ دانش (متغیر پیش بین) ۳/۳۵ است و میانگین مربوط به رفتار شهروندی سازمانی ۳/۴۲ است. بعلاوه مقدار t محاسبه شده در خصوص فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی به ترتیب ۱۰/۱ و ۹/۴ می باشد که هر دو میانگین در سطح آلفای ۰/۰۵ معنی دار می باشند. بنابراین یافته های تحقیق موید آنست که فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی از دیدگاه پرستاران بیمارستان مورد مطالعه در سطح معنی دار مناسب می باشد.



جدول ۱. توزیع متغیرهای وابسته و مستقل

sig	t	S	X	درصدتوزیع انتخاب گزینه ها					عنوان متغیر
				خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۰/۰۰۰	۴/۴	۰/۷۸	۳/۲۸	۱۱/۵	۱۰/۷	۳۰/۳	۳۲/۷	۱۴/۸	باورهای شخصی
۰/۰۰۰	۵/۱	۰/۷۴	۳/۳۱	۸/۲	۱۳/۹	۳۰/۹	۳۱/۱	۱۵/۹	قدرت
۰/۰۳۵	۲/۱	۰/۵۶	۳/۱۱	۱۲/۹	۱۳/۷	۳۶/۱	۲۵/۳	۱۱/۹	اعتماد
۰/۱۳۹	۱/۴۹	۰/۷۸	۳/۰۹	۱۵/۷	۱۲/۶	۲۹/۴	۳۱/۲	۱۱/۱	حمایت مدیریت
۰/۰۰۰	۸/۵	۰/۸۴	۳/۵۸	۱۴/۶	۳۹/۷	۳۲/۵	۷/۴	۵/۹	فضای باز
۰/۰۰۰	۶/۶	۰/۷۷	۳/۴۱	۱۴/۴	۳۲/۵	۳۲/۹	۱۱/۸	۵/۴	سیستم پاداش
۰/۰۰۰	۶/۳	۱/۱	۳/۵۷	۱۶/۲	۳۸/۱	۳۱/۱	۹/۸	۴/۸	آزادی عمل
۰/۷۹۶	۰/۲۵	۰/۸۳	۳/۰۱	۱۵/۷	۳۴	۳۶/۶	۸/۵	۵/۲	تعاملات اجتماعی
۰/۰۰۰	۱۰/۱	۰/۴۸	۳/۳۵	۸/۷	۱۰/۸	۳۲/۱	۳۳/۳	۱۵/۲	فرهنگ دانش
۰/۰۰۰	۷/۸	۰/۷۸	۳/۴۹	۱۶/۷	۳۹/۲	۲۷/۹	۸/۵	۷/۶	وجدان کاری
۰/۰۰۰	۵/۵	۰/۷۳	۳/۳۳	۱۳/۳	۳۵	۳۰	۹/۶	۱۲	نوع دوستی
۰/۰۰۰	۸/۲	۰/۷۴	۳/۴۹	۲۱/۴	۳۶/۳	۲۸/۵	۶/۹	۶/۹	رفتار مدنی
۰/۰۰۰	۶/۳	۰/۶۳	۳/۳۲	۱۰/۲	۱۱	۳۰/۳	۳۴/۱	۱۴/۳	جوانمردی
۰/۰۰۰	۷/۳	۰/۷۸	۳/۴۶	۱۵/۵	۱۳	۳۴/۹	۲۷/۲	۹/۴	نزاکت
۰/۰۰۰	۹/۴	۰/۴۳	۳/۴۲	۱۰/۲	۹/۸	۳۰/۳	۳۴/۳	۱۵/۴	رفتار شهروندی سازمانی



سازمانی از دیدگاه پرستاران با شرایط استخدامی مختلف مشابه بوده است.

آماره‌های جدول ۳ موید آنست که بر اساس تحلیل واریانس در رابطه با رفتار شهروندی سازمانی بر حسب مدرک تحصیلی نمونه‌ها، F محاسبه شده $F=۳/۰۴$ می‌باشد. با توجه به اینکه مقدار F محاسبه شده در سطح آلفای $۰/۰۵$ معنی دار است لذا فرض صفر رد می‌شود. بنابراین رفتار شهروندی سازمانی بر حسب مدرک تحصیلی نمونه‌ها دارای تفاوت معنی‌دار می‌باشد. آزمون تعقیبی شفه نشان داد که میانگین نمرات نمونه‌ها بر حسب مدرک تحصیلی فوق دیپلم ($۳/۳۶$)، لیسانس ($۳/۴۹$) و فوق لیسانس ($۳/۷۶$) با همدیگر تفاوت معنی‌دار دارند و

اما بایستی توجه کرد که وضعیت هیچ کدام از متغیرهای مورد پژوهش در سطح عالی نمی‌باشند.

تحلیل وضعیت متغیر ملاک بر حسب مشخصات فردی و سازمانی

آماره‌های جدول ۲ موید آنست که بر اساس تحلیل واریانس در رابطه با رفتار شهروندی سازمانی بر حسب شرایط استخدامی اعضاء نمونه، F محاسبه شده $F=۰/۱۱$ می‌باشد. با توجه به اینکه مقدار F محاسبه شده در سطح آلفای $۰/۰۵$ معنی دار نیست. لذا فرض صفر رد نمی‌شود. بنابراین یافته‌ها موید آنست که وضعیت رفتار شهروندی سازمانی بر حسب شرایط استخدامی نمونه‌ها، دارای تفاوت معنی‌دار نمی‌باشد. بدین معنی که رفتار شهروندی

جدول ۲. تحلیل واریانس یک راهه رفتار شهروندی سازمانی بر حسب وضعیت استخدامی اعضاء نمونه

Sig	F	MS	df	SS	منابع تغییرات
۰/۸۹۶	۰/۱۱	۰/۰۳۴	۲	۰/۰۶۸	بین گروه‌ها
		۰/۳۰۹	۱۵۰	۴۶/۳۶	درون گروه‌ها
			۱۵۲	۴۶/۴۳۲	کل

جدول ۳. تحلیل واریانس یک راهه رفتار شهروندی سازمانی بر حسب مدرک تحصیلی اعضاء نمونه

Sig	F	MS	df	SS	منابع تغییرات
۰/۰۵	۳/۰۴۱	۰/۹۰۵	۲	۱/۸۰	بین گروه‌ها
		۰/۲۹۷	۱۵۰	۴۴/۶۲	درون گروه‌ها
			۱۵۲	۴۶/۴۲	کل

جدول ۵. رگرسیون چند متغیره گام به گام بین فرهنگ دانش و رفتار شهروندی

سازمانی

sig	F	MS	df	ss	
۰/۰۰۰	۵۸/۲	۷/۱	۴	۲۸/۴۳	رگرسیون
		۰/۱۲	۱۴۷	۱۷/۹۳	باقی مانده
			۱۵۱	۴۶/۳۶	کل



باورهای شخصی، اعتماد متقابل، تعاملات اجتماعی، فضای باز، سیستم پاداش و آزادی عمل همبستگی مثبت و معنی دار نشان داد

تحلیل چندمتغیری

آماره های جداول ۵ و ۶ موید آنست که طبق یافته های حاصل از رگرسیون چند متغیره گام به گام متغیرهای؛ سیستم پاداش، باورهای شخصی، آزادی عمل و اعتماد متقابل با رفتار شهروندی سازمانی در سطح آلفای ۰/۰۵ همبستگی چندگانه معنی دار دارند. در واقع متغیرهای مستقل یاد شده با همدیگر ۰/۶۲ واریانس رفتار شهروندی سازمانی را پیش بینی و تبیین می کنند. با توجه به اینکه F محاسبه شده در سطح آلفای ۰/۰۵ معنی دار می باشد لذا فرض صفر ($H_0: R_{xy} = 0$) رد و فرض مقابل پذیرفته می شود. لذا همبستگی متغیرهای پیش بین و ملاک (رفتار شهروندی سازمانی) مورد تایید است.

مقادیر میانگین نشان می دهد که با افزایش سطح تحصیلات وضعیت رفتار شهروندی نیز بیشتر برآورد شده است.

تحلیل همبستگی بین متغیرهای تحقیق

شاخصهای جدول ۴ موید آنست که مقدار همبستگی بین فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی $R_{xy} = 0/72$ می باشد که در سطح آلفای ۰/۰۵ معنی دار است. لذا فرض صفر ($H_0: R_{xy} = 0$) رد و فرض مقابل $H_1: R_{xy} = 0/72$ تایید می شود. بنابراین بین فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی همبستگی مثبت و قوی وجود دارد. همچنین یافته ها نشان می دهد فرهنگ دانش با وجدان کاری، نوع دوستی، جوانمردی و نزاکت همبستگی مثبت و معنی دار دارد. از طرف دیگر رفتار شهروندی سازمانی با دو بعد فرهنگ دانش شامل قدرت و حمایت مدیریت همبستگی ضعیف و غیر معنی دار نشان داد، اما با

جدول ۴. مقادیر همبستگی بین فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی

رفتار شهروندی سازمانی	نزاکت		وجدان کاری		رفتار مدنی		نوع دوستی		جوانمردی		رفتار شهروندی سازمانی (Y) ابعاد فرهنگ دانش (X)
	P	r	P	r	P	r	P	r	P	r	
۰/۰۰۰	۰/۴۹	۰/۳۶	۰/۰۰۰	۰/۳۶	۰/۰۰۰	۰/۳۳	۰/۰۰۰	۰/۳۷	۰/۰۰۰	۰/۴۲	باورهای شخصی
۰/۰۰۰	۰/۰۸۶	۰/۱۳۴	۰/۹۵	۰/۰۰۵	۰/۱۸	۰/۱۱	۰/۹۷	۰/۰۰۳	۰/۳۸	۰/۰۷	قدرت
۰/۰۰۰	۰/۴۰	۰/۴۵	۰/۰۰۰	۰/۳۳	۰/۰۰۰	۰/۳۲	۰/۰۰۲	۰/۲۴	۰/۰۸	۰/۱۴	اعتماد متقابل
۰/۰۰۰	۰/۴۳	۰/۳۵	۰/۰۰۰	۰/۵۱	۰/۰۰۰	۰/۳۸	۰/۰۰۰	۰/۲۸	۰/۵۹	۰/۰۴	تعاملات اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۲۸	۰/۰۵	۰/۰۰۰	۰/۲۱	۰/۷۰	۰/۰۳	۰/۰۰۰	۰/۴۱	۰/۴۵	۰/۰۶	فضای باز
۰/۰۰۰	۰/۶۸	۰/۵۵	۰/۰۰۰	۰/۵۸	۰/۰۰۰	۰/۵۹	۰/۰۰۰	۰/۵۳	۰/۰۰۰	۰/۲۹	سیستم پاداش
۰/۰۰۰	۰/۴۴	۰/۴۵	۰/۰۰۰	۰/۳۸	۰/۰۰۰	۰/۳۲	۰/۰۰۰	۰/۳۲	۰/۰۳	۰/۱۷	آزادی عمل
۰/۵۳	۰/۰۵۱	۰/۱۱	۰/۱۸۷	-۰/۰۱	۰/۴۱	۰/۰۷	۰/۱۸۳	۰/۰۱۷	۰/۶۲	۰/۰۴	حمایت مدیریت
۰/۰۰۰	۰/۷۲	۰/۶۲	۰/۰۰۰	۰/۵۰	۰/۰۰۰	۰/۶۳	۰/۰۰۰	۰/۵۹	۰/۰۰۰	۰/۳۲	فرهنگ دانش



جدول ۶. ضرایب رگرسیونی

sig	t	RS	R	Beta	ضرایب غیر استاندارد		مدل
					خطای معیار	B	
۰/۰۰۰	۴/۱	-	-	-	۰/۱۹۲	۰/۸۰	عدد ثابت
۰/۰۰۰	۸/۳	۰/۴۶	۰/۶۸	۰/۴۸۵	۰/۰۴۱	۰/۳۴	سیستم پاداش
۰/۰۰۰	۴/۶	۰/۵۵	۰/۷۴	۰/۲۵۹	۰/۰۳۹	۰/۱۸	باورهای شخصی
۰/۰۰۱	۳/۴	۰/۵۸	۰/۷۶	۰/۱۹	۰/۰۲۷	۰/۰۹	آزادی عمل
۰/۰۰۳	۳/۰۶	۰/۶۲	۰/۷۸	۰/۱۶۸	۰/۰۵۴	۰/۱۶۵	اعتماد متقابل

همچنین طبق نتایج رگرسیون سیستم پاداش دارای بیشترین توان تبیین رفتار شهروندی سازمانی می باشد و بعد از آن به ترتیب، باورهای شخصی، آزادی عمل و اعتماد متقابل دارای قدرت پیش بینی رفتار شهروندی سازمانی می باشند.

۷- بحث

هدف اصلی تحقیق حاضر سنجش رابطه بین فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی در مرکز آموزشی درمانی مورد مطالعه بوده است. یافته های تحقیق نشان داد که بین ابعاد فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. این یافته با نتایج تحقیق صادقی و همکاران (۱۳۹۰)، قربانی زاده و همکاران (۱۳۹۰)، مایل افشار و همکاران (۱۳۹۱) و خالصی و همکاران (۱۳۹۱) همخوانی دارد. پژوهش مایل افشار و همکاران (۱۳۹۱) نشان داده است که در بیمارستانهای آموزشی شهر تهران بهره وری نیروی انسانی با رفتار شهروندی سازمانی رابطه معنی دار دارد. در این تحقیق نیز رابطه بین فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی تایید شد. تحقیق صادقی و همکاران (۱۳۹۰) نیز نشان داده است که کارکنان بیمارستان مورد بررسی وضعیت فرهنگ سازمانی را مناسب ارزیابی کرده اند. مطابق یافته های این تحقیق نیز پرستاران وضعیت فرهنگ دانش را در

بیمارستان مورد مطالعه مناسب برآورد کرده اند. اما بعد «حمایت مدیریت» را در سطح معنی دار مناسب ارزیابی نکرده اند این موضوع می تواند ناشی از آن باشد که مرکز آموزشی درمانی مورد مطالعه در این تحقیق، از نظر مالی خودگردان است و این امر می تواند شرایط و چالشهای خاصی را برای مدیریت مطرح نماید. تحقیق خالصی و همکاران نیز (۱۳۹۱) موید آنست که در بیمارستان های دانشگاه علوم پزشکی تهران بین سلامت سازمانی و ابعاد پنجگانه رفتار شهروندی سازمانی ارتباط معنادار وجود دارد. در این تحقیق نیز رابطه بین فرهنگ دانش با ابعاد پنجگانه رفتار شهروندی سازمانی تایید شد. اما رابطه رفتار شهروندی سازمانی با حمایت مدیریت و تسهیم دانش بعنوان قدرت تایید نشد. این مهم می تواند بدین خاطر باشد که رفتار شهروندی سازمانی نوعی اختیاری و داوطلبانه است. بنابراین نتیجه گیری می شود که تقویت فرهنگ دانش می تواند زمینه ساز بروز رفتار شهروندی سازمانی در بیمارستان باشد.

بیمارستان به عنوان رکن اساسی نظام بهداشت و درمان، نقش مهمی در ارائه خدمات مورد نیاز جامعه بر عهده دارد. در این میان برخورداری از فرهنگ دانش کارآمد، می تواند زمینه ساز دانش گرایی و تعالی سازمانی باشد. فرهنگ دانش یکی از عواملی است



که در دراز مدت منجر به مزیت رقابتی می شود. یافته های تحقیق نشان داد که در مرکز آموزشی درمانی مورد مطالعه وضعیت فرایندهای تخصصی دانش، باورهای شخصی، تسهیم و بکارگیری دانش بعنوان قدرت، اعتماد متقابل، فضای کاری و آزادی عمل در حد مناسبی وجود دارد. همچنین وجدان کاری، نزاکت، نوع دوستی، رفتار مدنی نیز در میان پرستاران در حد زیاد وجود دارد. چنین شرایطی بخشی از دارائیهای معنوی بیمارستان محسوب می شود. «پیش بینی می شود رفتار شهروندی بر نوع نگرش و رفتارهای پرستاران اثر داشته و فعالیتهای آنها را در جهت اهداف بیمارستان هدایت می کند و در نهایت بر کیفیت خدمات ارائه شده بر بیماران اثرگذار باشد» (سید جوادین و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۰۶). رفتارهای شهروندی سازمانی موجود در بیمارستان محصول عوامل مختلفی مانند تحصیلات، تجربیات، آموزش های مداوم و خصایص و نگرشهای فردی اعضاء بیمارستان است. اگر زمینه ها و تدابیر لازم با رویکرد علمی جهت تقویت و بهره مندی از آنها تامین نشود ممکن است در درازمدت دچار افول شوند. بنابراین تا حد امکان برنامه ریزی لازم بمنظور اشاعه رفتار شهروندی سازمانی و غنای فرهنگ دانش باید مورد توجه قرار گیرد. «وقتی جنبه های دانشی سازمان مانند مدیریت اطلاعات، مدیریت دانش و یادگیری استراتژیک با همدیگر همگرا و متقارب می شوند سازمان به سمت آفرینش فرهنگ دانش حرکت می کند» (گیرداس کین و ساوان ویچین، ۲۰۰۷، ص. ۶۶). اساساً فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی بستر مناسبی برای ارتقاء بهره وری و تعالی کیفیت مستمر قلمداد می شوند.

۸- نتیجه گیری و پیشنهادات

تحقیق حاضر به دنبال سنجش و تعیین رابطه بین فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی در یکی از مراکز آموزشی درمانی شهر تهران بوده است. یافته های تحقیق نشان داد که بین فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی رابطه مثبت و معنی

دار وجود دارد. بعلاوه بین فرهنگ دانش و وجدان کاری، نوع دوستی، رفتار مدنی، جوانمردی و نزاکت نیز رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. بنابراین می توان نتیجه گیری نمود که فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی در کنار هم و بطور توأمان لازم بوده و مکمل هم می باشند. بدین معنی که می توان از طریق تقویت و اشاعه فرهنگ دانش شامل؛ باورهای شخصی مناسب، تلقی تسهیم دانش بعنوان قدرت، اعتماد متقابل میان همکاران، وجود فضای باز، برخورداری از آزادی در بکارگیری دانش، وجود حمایت مدیریت، زمینه مناسبی را برای بروز رفتار شهروندی بوجود آورد. از طرف دیگر وجود رفتار شهروندی سازمانی مناسب نیز می تواند شرایط را برای برخورداری از حمایت مدیریت، فضای کاری مناسب، اعتماد متقابل و تسهیم دانش مهیا سازد. نتیجه مهم دیگر اینکه توجه کارکنان بیمارستان به فرهنگ دانش و همچنین رفتار شهروندی سازمانی مناسب بوده و ضرورت دارد. زیرا از آنجا که بیمارستانها با انسانهایی سر و کار دارند که مستقیماً از خدمات تخصصی آنها استفاده می کنند، لذا توجه همزمان و مستمر به وجوه انسانی، ارزشی و دانشی در انجام وظایف حرفه ای اجتناب ناپذیر به نظر می رسد. لذا وضعیت موجود از حیث فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی بطور مستمر باید پایش شده و ارتقاء داده شود. اگر زمینه های مذکور بطور کارآمد مدیریت و مورد بهره برداری قرار گیرند می تواند موجب افزایش یادگیری، نوآوری، رقابت پذیری، تغییر و بهبود عملکرد بیمارستان شود. تقویت فرهنگ دانش زمینه ساز تعامل و تبادل اطلاعاتی و دانشی بوده و شرایط مساعدی را برای افزایش دانش و مهارتهای پرستاران بوجود می آورد و بروز رفتار شهروندی سازمانی جو و احساس خوشایندی را برای مراجعین بوجود می آورد. تعامل، جو و روابط انسانی مناسب می تواند رضایت مراجعین را تعالی دهد و در نتیجه کارآئی و اثربخشی بیمارستان بطور مداوم محقق گردد. همچنین نظر باینکه بین فرهنگ دانش

و رفتار شهروندی سازمانی رابطه مستقیم و معنی دار وجود دارد، لذا نتیجه گیری می شود که ضمن توجه همزمان به هر دو بخش و در عین حال به سایر عوامل و زمینه های موثر بر رفتارهای شغلی پرستاران مانند سبکهای مدیریت، تناسب شغل و شخصیت، ارتباطات، تعارضات بین فردی و غیره می تواند در بهره وری بیمارستان موثر باشد. چرا که از منظر رویکرد سیستمی کنش و واکنش های انسانی متأثر از علل مختلف و متعدد هستند و به تبع آن رفتارهای شغلی پرستاران نیز از این قاعده مستثنی نیستند. بنابراین زمینه ها و شرایط بالقوه موثر بر رفتار اعضاء بیمارستان می توانند بطور پیوندی و یکپارچه بر عملکرد پرستاران تاثیر گذار باشند. بعلاوه فرهنگ دانش و بروز رفتار شهروندی سازمانی باید در رابطه با سایر گروههای کاری از جمله پزشکان، مدیران، بهیاران و کارکنان اداری تا حد امکان مورد توجه قرار گیرد. بدین ترتیب با توجه به یافته ها و مباحث قبلی پیشنهادات اجرایی زیر ارائه می شود:

- راهبردهای لازم به منظور توجه و تقویت فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی اتخاذ گردد.

- به منظور اشاعه و ترویج مناسب فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی از مشاوران تخصصی استفاده گردد.

- حمایتهای مدیریتی در رابطه با فعالیتهای دانشجویان اعضاء بیمارستان بهبود یابد.

- همچنین زمینه ها و ساز و کارهای موثر مانند نشستهای هم اندیشی، نظام پیشنهادات، تشکیل تیمهای تخصصی دانشی به منظور افزایش تعاملات اجتماعی کارآمد برای مدیریت دانش کارآمد مورد توجه قرار گیرد.

- بعلاوه با توجه به خودگردانی بیمارستان استفاده بیشتر از پاداشها و تشویق های نمادین و اجتماعی، در کنار مصادیق مادی مورد توجه قرار گیرد.

- فرهنگ دانش و رفتار شهروندی سازمانی در اسناد رسمی بیمارستان مانند سند برنامه استراتژیک

بعنوان ارزشهای رسمی تعریف شوند.

منابع و مأخذ

احمدی، سیدعلی اکبر و صالحی، علی (۱۳۹۱) مدیریت دانش، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ دوم.

حسینی، سید مجتبی و دانایی فرد، حسن (۱۳۹۱) تأثیر رفتار شهروندی سازمانی بر تسهیم دانش: مطالعه نقش میانجی فرهنگ سازمانی، فصلنامه علوم مدیریت ایران، دوره ۷، شماره ۲۸، صص. ۱۰۹-۱۳۰.

خالصی، نادر. شمس، لیدا. یگانه، سمیه. جعفری پویان، ابراهیم. نصیری، طه. روستایی، نرگس و مرادی طیب (۱۳۹۱)، ارتباط سلامت سازمانی با رفتار شهروندی سازمانی در تهران، دوره ۶۰، شماره ۶، صص ۴۱۲-۴۲۲.

دانایی فرد، حسن. خائف الهی، احمد و حسینی، سید مجتبی (۱۳۹۰) تأملی بر ارتقاء تسهیم دانش در پرتو رفتار شهروندی سازمانی (مورد مطالعه: وزارتخانه مسکن و شهرسازی و وزارتخانه راه و ترابری)، پژوهش های مدیریت، سال چهارم، شماره ۱۴.

زاهدی، سیدمحمد و انتظاری هرسینی، علی (۱۳۸۷) فرهنگ دانایی (ابعاد، شاخص ها و مقایسه چند سازمان) فصلنامه مطالعات مدیریت شماره ۵۶۰، صص ۴۵-۷۰.

سیدجوادی، سیدرضا. عابدی، احسان، یزدانی. حمیدرضا، پورولی، بهروز (۱۳۹۲) بررسی نقش میانجی اعتماد و تعهد سازمانی در رابطه بین عدالت سازمانی و رفتارهای شهروندی سازمانی در بیمارستان ها، دوره ۵، شماره ۱، صص. ۱۰۵-۱۱۸.

شیرازی، علی. خداوردیان، الهام و نعیمی، محمد (۱۳۹۱)، تاثیر اعتماد سازمانی بر بروز رفتارهای شهروندی سازمانی مورد مطالعه: شرکت گاز استان خراسان شمالی، پژوهش نامه مدیریت تحول، سال پنجم، شماره ۷، صص. ۱۳۳-۱۵۴.

صادقی، احمد. جعفری، حسن. خدایاری، رحیم.



پاکدامن، محسن. محمدی، رامین و احدی نژاد، بهمن (۱۳۹۰)، فصلنامه بیمارستان، سال دهم، شماره ۲، صص ۱-۷.

صنوبری، محمد (۱۳۸۷)، رفتار شهروندی سازمانی (مفاهی، تعاریف، ابعاد و عوامل موثر بر آن، دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال پنجم، شماره ۱۶، صص ۷۹-۹۷.

طبرسا، غلامعلی. اسمعیلی، محمدرضا. اسمعیلی گیوی، حمیدرضا (۱۳۸۹) عوامل موثر بر رفتار شهروندی سازمانی در یک بیمارستان نظامی، مجله طب نظامی، دوره ۱۲، شماره ۲ صص ۹۳-۹۹.

فرهنگ، ابوالقاسم. سیادت، سید علی. مولوی، حسین. هویدا، رضا (۱۳۸۹) بررسی ساختار عاملی اعتماد سازمانی و رابطه مؤلفه‌های آن با یادگیری سازمانی در دانشگاه‌های دولتی جنوب شرق کشور، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، دوره ۱۶، شماره ۱، صص ۱۱۱-۱۳۰.

قربانی زاده، وجه الله. نوربخش، مهدی. منصوریان، احسان (۱۳۹۰) عوامل حیاتی موفقیت مدیریت دانش در سازمان های عمومی، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی «سال ششم، شماره ۳، صص ۴۷۰-۴۸۶.

کنجکاو منفرد، امیررضا. سعیدا اردکانی، سعید. طباطبایی نسب، سید محمد. زنجیرچی، سید محمود (۱۳۹۲) نوآوری فنی و اجرایی در دانشگاه یزد با تأکید بر زیرساخت‌های پیاده سازی مدیریت دانش، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، دوره ۱۹، شماره ۲، صص ۶۹-۹۰.

مایل افشار، مهناز. رجب زاده، علی و معماریپور، مهدی (۱۳۹۱)، بررسی ارتباط بین رفتار شهروندی سازمانی و بهره وری نیروی انساين از دیدگاه کارکنان در بیمارستانهای آموزشی شهر تهران، مجله دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، دوره ۶، شماره ۲ صص ۱۵۷-۱۶۹.

ملکی، محمدرضا، فاتح پناه، آزاده و گوهری، محمودرضا (۱۳۹۰) ارزیابی عملکرد بیمارستان

هاشمی نژاد بر اساس معیار سنجش، تحلیل و مدیریت دانش الگوهای آموزش و بهداشت - درمان Malcolm – Baldrige، مدیریت سلامت، سال هشتم، شماره ۲۰، صص ۵۸۰-۵۸۴.

واعظی، رضا. مایل افشار، مهناز. معماریپور، مهدی (۱۳۹۰)، نگرش کارکنان نسبت به رفتار شهروندی سازمانی و ارتباط آن با بهره وری کارکنان در بیمارستانهای دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران، فصلنامه بیمارستان، سال دهم، شماره ۲، صص. ۸-۱.

یوسفی، علی رضا، پورمیری، منصوره و صفاری انارکی، عفت (۱۳۸۹)، بررسی رابطه میان اعتماد سازمانی کارکنان پرستاری با میزان رضایت شغلی ایشان در بیمارستانهای دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال دهم. شماره ۵۰ صص ۵۸۶-۵۹۲.

Clair, G. s., & Stanley, D. (2009), Building the knowledge culture, SMR International Management Action Plan for knowledge services, New York.

Dillard, J., Rogers, R. and Yuthas, K., (2011), Organizational change: in search of the golden mean, Journal of Accounting & Organizational Change, Vol. 7, No. 1, pp. 5-32.

Gill, A., (2009), Knowledge management initiatives at a small university, International Journal of Educational Management, Vol. 23 No. 7, pp. 604-616.

Girdauskienė, L. & Savaneviciene, A. (2007), Influence of Knowledge Culture on Effective Knowledge Transfer, Journal of Engineering Economics, V.4, N.54, pp 36-43.

Judge, W. & Douglas, T., (2009), organizational change capacity: the systematic development of a scale, Journal of organizational change management, V.22, n.6, pp.635-649.



Lee, C. I., Lu, H. P., Yang, C. and Hou, H. T.,(2010), A process-based knowledge management system for schools: A case study in Taiwan, *Journal of Educational Technology*, vol. 9, No. 4, 10-21.

Moradi, E., Saba, A., Azimi, S., Emami, R. (2012), The Relationship between Organizational Culture and Knowledge Management, *International Journal of Innovative Ideas (IJII)*, V.12, N.3, pp. 30-46.

Oliver, S., Reddy, K., (2006) "How to develop knowledge culture in organizations? A multiple case study of large distributed organizations", *Journal of Knowledge Management*, V.10, N. 4, pp.6 – 24.

Potocan, V., Nedelko, Z., & Mulej, M.,(2012), Influence of Organizational Factors on Management Tools Usage in Slovenian Organizations, *Inzinerine Ekonomika-Engineering Economics*, V.23, N.3, 291-300.

Wang, D., Su, z., & Yang, D. (2011), Organizational culture and knowledge creation capability, *Journal of knowledge management*, V.15, N. 3, pp. 363-373.



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

■ ۱۳۸ ■

درآمدی بر مفهوم هویت محیط انسان ساخت بوسیله مولفه های مکان، فضا و کالبد

مهسا جوادی* - دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات آذربایجان شرقی، دانشگاه آزاد اسلامی،

تبریز، ایران

مهرناز بوداغ - مربی، گروه آموزشی معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

ویدا مکانی - مربی، گروه معماری، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران

Introduction to the identity of the built environment by elements of location, space and body

Abstract

Identity, regardless of the issue in most areas of general human knowledge, the issue of quality is due to the structure of the environment affects human needs. In fact, the issue of qualitative identity between man and the environment. The lack of quality of the human relationship with the environment and create an environment where failure is lack of legibility and meaning. So create readability and meet the basic human needs according to His spatial resolution, the most important factor is human intervention in the environment. Thus, we need to understand the environment as an approach to understand the identity of the built environment, understanding the meaning of identity, space and physical space and its impact on man and his behavior is. Therefore, in this study, with the aim of collective urban identity by both objective and subjective patterns of location, space and body and due to the built environment to explain the concept of identity by environmental component location, space, body, and its effects will be discussed. Therefore, on the basis of descriptive, analytical and environmental studies identified common standards library with spatial identity, location and identification of the body so that the information in the category mentality by taking common sense, readability and imagery (immaterial) between the identity of the setting sure. In addition, information on the level of objectivity as a common form and function (physical) identity between place and space can be achieved that-be shared between the three major components of the identity, the identity of place, identity and physical identity and space in accordance with the functional factors, cognitive and physical identification and categorized.

Key words: identity, environment, human, spatial identity, location, location, identity, body.

چکیده

هویت، صرف نظر از موضوعی عام و کلی در اغلب حوزه‌های معرفت بشری، مقوله‌ای کیفی است که به واسطه نیازهای انسان بر ساختار محیط تأثیر می‌گذارد، در واقع هویت به مقوله کیفی مابین انسان و محیط می‌پردازد. کیفیتی که کمبود یا نبود آن سبب عدم ارتباط انسان با محیط و ایجاد محیطی فاقد خوانایی و معنا می‌گردد. بنابراین ایجاد خوانایی و پاسخگویی به نیازهای اساسی انسان براساس کیفیتهای فضایی او، مهمترین عامل مداخله انسان در محیط است. بدین ترتیب، که لازمه شناخت محیط به عنوان رهیافتی در جهت درک هویت محیط مصنوع، شناخت معنای هویت، هویت فضایی، مکانی و کالبدی و تأثیرات آن بر انسان و رفتار او می‌باشد. از این رو در این پژوهش، با هدف شناخت هویت جمعی و شهری بوسیله الگوهای عینی و ذهنی مکان، فضا و کالبد و با توجه به محیط انسان ساخت به تبیین مفهوم هویت محیطی بوسیله مولفه های مکان، فضا، کالبد و تأثیرات آن پرداخته می‌شود. بدین منظور براساس روش تحقیق توصیفی، تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای معیارهای مشترک هویت محیطی با هویت فضایی، مکانی و کالبدی شناسایی می‌شوند تا اطلاعاتی در رده ذهنیت با در نظر گرفتن اشتراکات معنایی، خوانایی و تصورات ذهنی (غیرمادی) مابین هویت مکان و محیط حاصل گردد. علاوه بر این، اطلاعاتی نیز در رده عینیت همچون اشتراکات فرم و عملکرد (مادی) مابین هویت مکان و فضا حاصل می‌شود، که می‌توان آنها را طبق سه مولفه اصلی و مشترک مابین هویت محیط، هویت مکان، هویت فضا و هویت کالبدی و مطابق با عوامل کارکردی، ادراکی و کالبدی شناسایی و دسته بندی نمود.

واژگان کلیدی: هویت، محیط، انسان، هویت فضایی، مکان، هویت مکان، کالبد.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۴۱-۳۳۳۱۸۶۸۱، رایانامه: mj_mahsaa@ymail.com

این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان «طراحی دانشکده هنر و معماری در بافت قدیم اردبیل، طراحی پوسته‌ای برگرفته از معماری بومی اردبیل» استخراج شده است که با راهنمایی خانم دکتر مهرناز بوداغ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات آذربایجان شرقی به انجام رسیده است که بدینوسیله از معاونت پژوهشی دانشگاه قدردانی می‌گردد.

مقدمه

هویت یکی از مهمترین و اساسی ترین مسائل حوزه های معرفت و نیاز بشری است. اصطلاح هویت مفهومی انتزاعی است که در عین سادگی از پیچیدگی ها و حوزه های معنایی بسیاری برخوردار است. هنگامی که از هویت سخن به میان می آید، بسته به آن که از چه دریچه ای و در حوزه چه علمی به آن نگریسته شود، تعاریف گوناگونی بدست خواهد آمد (کامیار، ۱۳۹۳، ص ۹۲)؛ لذا که هویت مقوله ای ارزشی و هنجاری است و بحث در مورد آن مستلزم ارزش گذاری و موضع گیری هنجاری است (میرمقتدایی، ۱۳۸۵، ص ۱۰). هویت دارای مفاهیم پیچیده ای است، مفهوم هویت را می توان در حوزه های واژه شناسی، جامعه شناسی، روانشناسی، فلسفه، فرهنگ و... جستجو کرد (کامیار، ۱۳۹۳، ص ۹۲)؛ چنانچه که هویت در نظام های مختلف فکری نیز با محک هایی متفاوت سنجیده می شود؛ بدین ترتیب که در جامعه ای با معیارهای پایدار ارزشی، همچون جامعه سنتی- مکتبی، محک هایی متعین، و در جامعه ای با معیارهای ارزشی ناپایدار، همچون جامعه مدرن- مدنی، محک هایی نامتعین ملاک ارزیابی هویت قرار می گیرند (حجت، ۱۳۸۴، ص ۵۷). بررسی و مرور کلی مطالعات مربوط به موضوع هویت در سطح سکونتگاه های انسانی نشان می دهد که هویت از چند بعد مورد توجه و تاکید قرار گرفته است که از آن جمله می توان به ابعاد هویت محیطی، هویت فضایی، هویت مکانی، هویت کالبدی، هویت شهری و... اشاره نمود. هویت محیطی در این پژوهش با مطالعات روانشناختی و جامعه شناختی و با اشرافیت بر هویت جمعی و شهری مورد بررسی قرار می گیرد. در واقع مفهوم هویت در محیط مصنوع بیشتر با توجه به نظریه ها و رویکردهای ادراک محیط و علوم رفتاری در بسیاری از متون و پژوهش ها، دنبال شده است. لذا پژوهش حاضر، با توجه به وجود الگوهای عینی و ذهنی فضا، مکان و

کالبد بدنبال تعیین مفهوم هویت محیطی است. از این رو با توجه به رویکرد پژوهش، هویت در سطح سکونتگاههای انسانی و در حوزه های واژه شناسی، روانشناسی و علوم رفتاری (مانند تاثیر الگوهای رفتاری و غیره)، ادراک محیطی و جامعه شناسی (مانند: فضای اجتماعی و مفاهیم کالبدی و ادراکی یا هویت شهری و موارد مشابه) با تکیه بر مطالعات کتابخانه ای و از دیدگاه پدیدارشناسی مورد مطالعه قرار می گیرد. تا با هدف شناخت هویت محیطی بوسیله الگوهای عینی و ذهنی مکان، فضا و کالبد و با توجه به محیط انسان ساخت به تبیین مفهوم هویت محیطی بوسیله ریز مولفه های آن پرداخت. در واقع لزوم توجه به هویت در سطح سکونتگاههای انسانی را می توان در نابسامانی های هویتی امروز که تهدیدی برای بقا و پایداری محیط مصنوع است، یافت. لذا که این نابسامانی ها می تواند تمام ارزشهای میراث فرهنگی را از بین ببرد. و محیط پیرامون را فاقد هویت و تصویر ذهنی آن بنماید. و عواقب ناخواسته ای را بر پیکره حیاتی شهر وارد آورد. بنابراین در پژوهش حاضر، ابتدا با بررسی مفهوم هویت در حوزه های مرتبط با، واژه شناسی و ارتباط آن با انسان و محیط پرداخته می شود سپس هویتی جامع در قالب هویت محیطی (شهری) در سطح سکونتگاههای انسانی تبیین می گردد.

مبانی نظری تحقیق

واژه شناسی هویت

هویت، کلمه ای عربی به معنای تشخیص است که کیستی فرد و جامعه را مشخص و آن را از دیگران متمایز می سازد و به جهت نقشی که در شناخت افراد، اشیا، اجتماعات و مکان ها دارد، حائز اهمیت فراوانی است (چنگیزی و احمدیان، ۱۳۹۲، ص ۵۴). در لغت نامه دهخدا هویت چنین تعریف شده است: «هویت عبارت است از تشخیص که گاه بر وجود خارجی اطلاق می شود و گاه بر ماهیت با تشخیص که عبارت از حقیقت جزئی است. هویت مرتبه ذات

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۱۴۰

جدول ۱. واژه‌شناسی هویت، ماخذ: نگارندگان.

معنا و مفهوم واژه «هویت»		
مرتبۀ ذات ناب، مرتبۀ احدیت و لاهوت	لغت نامه دهخدا	لغت نامه‌ها و فرهنگهای فارسی معاصر
حقیقت شخص + صفات جوهری وی	فرهنگ عمید	
تمایز کننده افراد از یکدیگر	فرهنگ معین	
اشاره به ذات و تشخص و این همانی موجودات و از منظر فلسفه اشارتی است از وحدت در کثرت	فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی	
کسی یا چیزی بودن، همان موجود بودن، همانی	لغت نامه آکسفورد	لغت نامه‌های انگلیسی
این همانی، شخصیت، تشخص و خود واقعی	فرهنگ آریانپور	

به معنی موجود بودن است. به عبارت دیگر Identity به معنی همان موجود بودن و همانی مطلق است (قطبی، ۱۳۸۷، ص ۷۹). در انگلیسی و فرانسه، لفظ identity به عنوان معادل هویت به کار می‌رود که در فرهنگ بریتانیکا واجد دو معنی منطقی به معنی «این همانی» و در روانشناسی به معنای «شخصیت، تشخص و خود واقعی» است (آریانپور، ۱۳۷۵، ص ۱۰۳۵). با توجه به تعریف فوق تاکید بر «این همانی» و همانندی با خود و تشخص و تمایز با غیر خود مشخص است. اصطلاح «این همانی» یکی از اصطلاحات معرفی است که در بسیاری موارد متعارف واژه هویت به کار گرفته می‌شود. از این رو واژه «همان» نیز در فرهنگهای فارسی مورد توجه قرار گرفت، در فرهنگ معین در معنی همان چنین آمده است «آنچه قبلاً ذکر شده آنچه که در خاطر گوینده و شنونده معهود است» (معین، ۱۳۸۴، ص ۵۱۶۸). لغتنامه دهخدا نیز همان را «چیزی که مخاطب و متکلم بتواند از طریق آن ارتباط برقرار کند» معنی می‌کند. (دهخدا، ۱۳۳۴، ص ۲۰۲۷۹). بدین ترتیب می‌توان خلاصه‌ای از واژه‌شناسی هویت را در جدول زیر مشاهده نمود.

بنابراین هویت به معنای تشخص، هستی و وجود و آنچه موجب شناسایی شخص باشد- همچون شخصیت یا کیفیت- بیانگر ویژگیهای هر فرد یا پدیده‌ای است. در واقع هویت وابسته لاجرم هر

ناب را گویند و مرتبه احدیت و لاهوت اشارت است از آن» (دهخدا، ۱۳۳۴، ص ۴۹).

فرهنگ عمید هویت را حقیقت شیء یا شخص می‌داند که مشتمل بر صفات جوهری او باشد (قطبی، ۱۳۸۷، ۷۸). فرهنگ معین نیز واژه هویت را چنین تعریف کرده است: آنچه که موجب شناسایی شخص باشد. یعنی آنچه را که باعث تمایز یک فرد از دیگری باشد. (معین، ۱۳۸۴، ۱۰۱۴) در فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی «هویت اشاره به ذات و تشخص و این همانی موجودات» است و نیز ذکر شده که:

«واژه عربی هویت دارای کاربرد فلسفی است که عبارت است از دو چیز که با هم در وجود و حقیقت یکی باشند هرچند که دارای بعضی وجوه افتراق باشند» (قطبی، ۱۳۸۷، صص ۷۸-۷۹).

در سایر فرهنگهای لغات فارسی نیز کم و بیش ویژگی یا کیفیتی که موجب تمایز یا شناسایی کسی یا چیزی از دیگران شود از تعاریف مشترک هویت است. به عبارت دیگر در واژه‌شناسی فارسی، هویت نوعی تعیین یافتن است.

کلمه "identity" در فرهنگ واژگان آکسفورد به معنی آنچه که کسی یا چیزی هست، همان بودن، و مبحثی در مورد چیستی پدیده است (Oxford, ۲۰۰۷, ۷۷۰). ریشه Identity از واژه لاتین Identitas می‌باشد. Idem به معنی همان و Entitas



تصویر ۱. هرم نیازهای انسان براساس مدل مازلو،
ماخذ: (Maslow, ۱۹۴۳)

چیزی است که وجود دارد. با توجه به این که هویت یک مقوله کیفی است که بر ساختار شهر تأثیرگذار است بحث هویت به مقوله انسان، محیط بر می گردد (نقی زاده، ۱۳۷۸، ص ۲۹).

رابطه هویت و انسان

انسان موجود پیچیده‌ای است که دارای انگیزش‌های مادی و معنوی گوناگون در هر عصری می باشد. «انگیزش، نیروی هدایتگر رفتار است، رفتارها در جهت ارضای نیازهای انسانی شکل می گیرد» (لنگ، ۱۳۸۱، ص ۹۶). بنابراین شناخت نیازهای انسانی در طراحی بر مبنای ایجاد رابطه مناسب با زندگی مردم و محیط اطراف و طرحهای از این دست که مبانی روانشناسانه دارند و به طور ویژه به مباحث کیفی فضا مربوط می شوند، اهمیت قابل توجهی دارد. نیازهای ذکر شده از سوی آبراهام مازلو، سلسله مراتبی را تشکیل می دهند که از نیازهای متعالی تا نیازهای اولیه در ۶ رده قرار گرفته اند. سلسله مراتب پیشنهادی مازلو به ترتیب تصویر مجاور می باشد.

جدول شماره ۲ برگردان نیازهای انسان به کیفیتهای فضایی است، چنانچه که فضای ساخته شده دارای کیفیت‌های مذکور باشد می-تواند ارتباط طولانی مدت با کاربرانش برقرار کند. (احمدی، ۱۳۸۹، ص ۵۱)؛ مانند: وجود حس تعلق پذیری به مکان (هویت، حس مکان، تسهیلات اجتماعی و...) که از نیازهای

غیرمادی است که می توان با تحقق آن ماندگاری فضایی ایجاد نمود.

مفهوم هویت نزد انسان سنتی و مدرن

در نگاه سنتی «انسان در جهانی میزید که فقط یک مبدا و یک مرکز دارد. او نسبت به آن مبدا در آگاهی کامل به سر می برد. او روی دایره‌ای زندگی می کند که پیوسته از مرکز آن باخبر است و در زندگی، اعمال و اندیشه‌های رو به سوی آن مرکز دارد» (نصر، ۱۳۸۰، صص ۱۳۳-۱۳۴)؛ بنابراین هویت برای انسان سنتی (مذهبی) باوری است. که به مدد ایمان به غیب شکل می گیرد و سازنده و پردازنده پندار، کردار و رفتار اوست. این اصول پاینده، بر معماری به مثابه هنجاری اجتماعی اثر گذاشته و آن را سمت و سویی خاص می بخشد. معماری سنتی از آن روی دارای هویت دانسته می شود که مظهر و محل تجلی اصول پایداری است؛ اصولی چون وحدت، حکمت، صداقت، قناعت که معماران بواسطه آنان معماری را جهت و سو می دهند (حجت، ۱۳۸۴، ص ۵۸).

در صورتی که هدف انسان مدرن^۱ (سکولار) از زیستن در این جهان، کام گرفتن از آن است (نصر، ۱۳۷۶، ص ۲۲۴)؛ انسان مدرن هدفی خارج از جهان مادی نمی شناسد و به ریاضت، عقوبت و معاد اعتقادی ندارد (حجت، ۱۳۸۴، ص ۵۸). وی برای زیستن در جهان از قوانینی پیروی می کند که خود سازنده آن است؛ قوانینی که بر سر آن با سایر انسانهای مدرن به توافق رسیده است. انسان مدرن تابع «قراردادهای اجتماعی» است. این قراردادها ساخته و پرداخته خرد انسانی هستند (فروغی، ۱۳۶۶، ص ۱۶۳). خرد انسان مدرن برای معماری نیز، همچون سایر هنجارهای اجتماعی، پیوسته قراردادهایی را منعقد و لغو، و شیوه‌ها و سبک‌هایی را جاری و باطل می-نماید. معماری مدرن -به معنای عام- محصول تکثر اصول و قراردادهای عصر جدید است که هر از گاهی

۱. در دنیای مدرن، یکی از حوزه‌های که می تواند رهگشای درک مسئله هویت متکثر انسان مدرن باشد، حوزه روانشناسی است. هویت در حوزه روانشناسی فردی به شکل‌گیری شخصیت و هویت می پردازد. احساس هویت یکی از مشخصات تبیین شخصیت است. شخصیت و هویت دو مفهوم جداگانه اند، حال آن که در بسیاری از تعاریف یکی انگاشته می شوند.

جدول ۲. برگردان نیازهای انسان به کیفیت‌های طراحی، ماخذ: گلکار، ۱۳۸۰، ص ۵۲.

نیازهای انسانی	کیفیت‌های طراحی مربوطه
نیازهای فیزیولوژیک	تسهیلات و تجهیزات کافی، آسایش (دما، آفتاب، باران، تنظیم اقلیمی خرد) استحکام تعادل مبتنی بر بوم‌شناسی
نیازهای ایمنی	ایمنی معابر، نظارت و مراقبت، محرمیت، نفوذپذیری و انعطاف‌پذیری
نیاز به تعلق داشتن	هویت، حس مکان، تسهیلات اجتماعی، خوانایی، تناسب بصری
نیاز به قدر و احترام	حس تعلق به فضا، فردیت و تعلق داشتن به گروه
نیاز به خود شکوفایی	فرصت‌های برای شخصی‌سازی فضا و مشارکت در طراحی، تنوع
نیاز به زیبایی	نما و منظر، غنا

جدول ۳. نگرش‌ها در شکل‌گیری شخصیت و هویت فردی در ارتباط با محیط خارج، ماخذ: با برداشتی از (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۳).

شکل‌گیری شخصیت و هویت فردی	
نوع نگرش	انواع هویت‌های متکثر انسان مدرن
رفتار انسان تاثیرگذار بر محیط	جنبه‌های درونی و غریزی فرد شکل دهنده به مفهوم هویت انسان مدرن
محیط تاثیرگذار بر رفتار انسان	محیط مادی و اجتماعی شکل دهنده به مفهوم هویت انسان مدرن
توازن انسان و محیط	محیط درون و بیرون شکل دهنده به مفهوم هویت انسان مدرن

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۱۴۳

مطابق جدول شماره ۳ ریشه‌یابی شده است. به این ترتیب در یک جمع‌بندی می‌توان رابطه هویت با انسان زیسته در جامعه سنتی و مدرن را مطابق جدول ۴ مشخص نمود. با توجه به موارد پیش‌گفته تصاویر ۲ و ۳ مدلی شماتیک از انسان زیسته در جامعه مدرن و جامعه سنتی و مفهوم هویت در نزد او می‌باشد. بنابراین به طور کلی می‌توان گفت که محیط ساخته شده هر چه هست، (اعم از محیط مادی و اجتماعی یا محیط درون و بیرون) بر شخصیت فرد تاثیر می‌گذارد و از آن تاثیر می‌پذیرد در واقع میان فرد و مکان رابطه‌ای متوازن و عمیق‌تر از صرف بودن یا تجربه کردن آن مکان برقرار است.

رابطه هویت و محیط

برای این که محیط را بتوان درک کرد محیط باید خوانا و آشنا باشد (لینچ، ۱۳۷۴، ص ۱۲). به عبارت

تحت تاثیر مولفه‌های متغییر و پویای روزگار مدرن شکلی نو و تازه به خود می‌گیرد و ساخت و ساز جدیدی را طلب می‌کند (حجت، ۱۳۸۴، ص ۵۹). نگاهی به معماری غرب پس از رنسانس و تامل در فراوانی سبک‌ها و شیوه‌ها، حکایت از تلاش معمار غربی برای هدف‌سازی و هدف‌یابی مدام دارد. فوکو می‌گوید: «ما باید سرپیچی کنیم از آن چیزی که هستیم» (احمدی، ۱۳۷۷، ص ۶۴)؛ بنابراین انسان مدرن (سکولار) خود به مدد خود، هویت خویش را می‌سازد (حجت، ۱۳۸۴، ص ۵۸). از این رو هویت انسان مدرن متکثر و نشأت گرفته از عوامل متعددی است که این عوامل در قالب ۳ مدل کلی، خود آدمی را به عنوان واحد کل می‌شناساند. تعریفی از هویت انسان زیسته در جامعه مدرن و ارتباط با محیط خارج، که تاکنون تحت عنوان هویت متکثر عنوان گردید، با توجه به دیدگاهها و موضوعات مطرح

جدول ۴. مقایسه رابطه هویت با انسان زیسته در جامعه سنتی و جامعه مدرن، ماخذ: نگارندگان.

مولفه های مشترک انسان جامعه سنتی و مدرن	انسان زیسته در جامعه سنتی	انسان زیسته در جامعه مدرن
هستی و غایت جهان	یک مبدا و یک مرکز مشتمل بر کمال، پاکی، ازلی و تمامیت	برهه ای میان تولد و مرگ بدون هیچ غایت و فرجام و وعده و معادی
اهداف زیست	دست یابی به بهشت موعود و جهان غیر مادی	کام گرفتن از جهان مادی (زیرا هدفی جز آن نمی شناسد)
اصول زیست (شخصیت و هنجارهای اجتماعی)	پیروی از اصول الهی با سمت و سوی آمیخته به ریاضتها، رعایتها، خودداری ها و بردباری ها	پیروی از اصول مطابق با توافق انسان ها و تابع قراردادهای اجتماعی و عدم اعتقاد به ریاضت، عقوبت
هویت	ذات الهی مقدم بر وجود انسان + هویت در جامعه سنتی واحد، پایدار و الهی (ایمان به غیب)	وجود انسان مقدم بر هر پدیده ای + هویت در جامعه مدرن متکثر و اکتسابی
هویت معماری	مظهر و محل تجلی اصول پایداری نظیر: وحدت، حکمت، صداقت، قناعت و موارد مشابه.	مظهر اصول پویا، متکثر و گذرای عصر جدید نظیر: اختلاط ها و غیره.

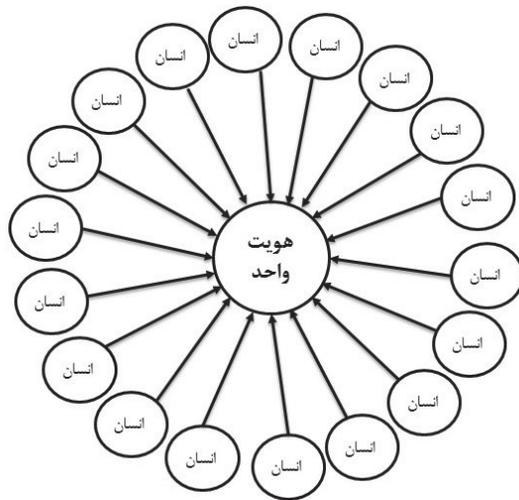
هم زمان، رفتار و تجارب وی بوسیله محیط دگرگون می شود. (مرتضوی، ۱۳۸۰، ص ۴۶).

پارکینسن نیز محیط را حاصل برقراری تعامل میان افراد و مکان کالبدی می داند و می گوید: «محیط ساخته شده چیزی بیش از ساختمانها را در برمی گیرد. این امر نتیجه تعامل بسیار پیچیده میان مردم و مکان است» (پارکینسن، ۱۳۸۰، ص ۷۷)؛ به عقیده هیوم تمام اقدامات بشر در مراحل مداخله و شکل دادن به محیط مصنوع به گونه ای در جهت پاسخ گویی به نیازهای انسانی است. هویت محیط بیشتر متوجه ارضای ذهنی و عاطفی بشر هستند تا نیازهای که به جسم وی سروکار دارند. وقتی چیزی در محیط وجود نداشته باشد، نیاز به هویت محیط بیشتر احساس می شود. بعد از نیازهای فیزیولوژیکی، امنیت یکی از نیازهای اساسی انسان است.

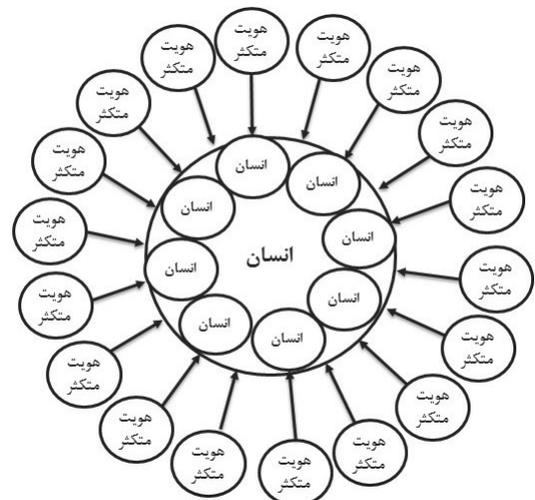
بازنمود نیاز به امنیت در طراحی محیط در قالب نشانه های در فرم های مصنوع ظاهر می شوند، این

دیگر خوانایی «یعنی این که شهر تا چه اندازه می تواند به وضوح درک شود، و از نظر ذهنی قابل شناسایی باشد، ساکنین آن، آن را در زمان و مکان به تجسم درآورند و تا چه اندازه آن ساختار ذهنی با ارزشها و مفاهیم جامعه در ارتباط است. یعنی انطباق محیط با توانایی های احساسی و ذهنی و ساختارهای فرهنگی» (لینچ، ۱۳۷۶، ص ۱۵۲) که منظور همان سنجش با ذهنیات است که اگر با آن معیارها قابل شناسایی نباشد قابل ادراک نیست یا بی هویتی است. راپاپورت در تعریفی جامع از محیط آن را حاصل برقراری ارتباط معنا دار می داند. در نظر او «محیط ممکن است به عنوان یکسری از ارتباط - بین اشیا و اشیا، اشیا و انسان و انسان - دیده شود. این ارتباطات منظم و دارای الگو و ساختار هستند» (راپاپورت، ۱۳۸۴، ص ۳۴).

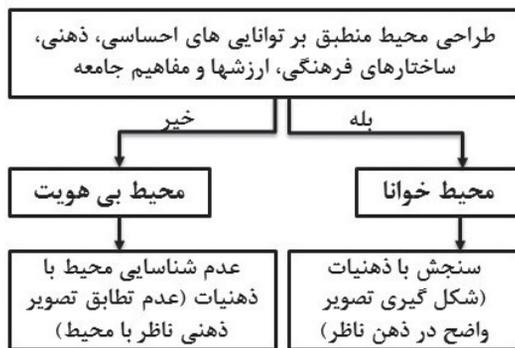
گیفورد محیط را بررسی متقابل بین فرد و قرارگاه فیزیکی وی تعریف می کند. به عقیده وی در چنین تاثیر متقابلی، فرد محیط را دگرگون می کند. و



تصویر ۳. مدل شماتیک از انسان سنتی و هویت واحد او؛
ماخذ: نگارندگان.



تصویر ۲. مدل شماتیک از انسان زیسته در جامعه مدرن و هویت متکثر او، ماخذ: نگارندگان.



تصویر ۴. محیط خوانا و بی هویت از منظر طراحی محیط،
ماخذ: نگارندگان.

به بررسی مولفه های هویت ساز در محیط یعنی فضا، مکان و تاثیرات آن بر انسان و رفتارهای او پرداخته می شود.

فضا

در یک جمع بندی کلی می توان فضا را قسمتی از واقعیت محیط دانست که در رده عینیت قرار گرفته است و مانند سایر پدیده های در رده عینیت، واجد فرم و عملکرد است و نه تنها در تعامل با انسان قرار می گیرد بلکه انسان توسط فرآیند ادراک مشخصات عینیت مزبور را به کمک حواس به مغز منتقل می کند و پس از انطباق با اندوخته های قبلی در

فرم های مصنوع^۱ نیازهای را که به آن اشاره دارند برآورده می سازد. (یزدانی و همکاران، ۱۳۸۷، ۱۹) هویت محیطی به تعبیری برداشتی دیگر و یا ترکیبی از هویت کالبدی و هویت مکانی است. این مفهوم عمدتاً سیمای بصری سکونتگاه ها، شهر و بستر طبیعی را مد نظر قرار می دهد. در برخی از مطالعات، مفهوم هویت محیطی منحصر به حفظ شرایط طبیعی بسترهای مکانی است و کمتر به سایر ابعاد سکونتگاه ها می پردازد.

بنابراین با توجه به دیدگاهها و نظریات پیش گفته لازمه شناخت هویت محیطی شناخت محیط، فضا و مکان و تاثیرات آن بر انسان و رفتار او، رهیافتی در جهت درک هویت در کالبد و شهر (محیط مصنوع) می باشد. زیرا، «هر فضا و مکان، به عنوان یک منبع هویت است و گروه هایی را که در آن قرار می گیرند هویت می بخشد» (رانی، ۱۳۸۱، ص ۳۷). مکان و فضا به سبب خصلتهای مرز پذیری، قابل تحدید بودن، تمایز و ثبات داشتن و تعلق به گروه از مهمترین عواملی هستند که نیازهای هویتی انسان را از طریق القای امنیت و آرامش تامین می کنند (دریابی لعل و حوصله دارصابر، ۱۳۸۹، ص ۱۵)؛ بنابراین،

۱. در این بیان مفهوم امنیت با مفهوم نشانه گذاری فضا به منظور تسهیل در درک فضا و خوانایی و در نتیجه شناخت و تاثیرش در حس امنیت مترادف بیان شده است. (wong, ۲۰۰۳, ۱۱)

جدول ۵. نگرشها در شکل گیری هویت و محیط از دیدگاه نظریه پردازان، ماخذ:

نگارندگان.

نظریه پردازان	نوع نگرش
راپپورت	محیط حاصل ارتباطات منظم، الگومند و ساختاری
گیفورد	محیط متأثر از فرد و قرارگاههای فیزیکی او
پارکینسن	محیط حاصل برقراری تعامل فرد با مکان کالبدی
هیوم	محیط برآورده کننده نیازهای انسان

حافظه خود به ارزیابی و شناسایی آن می پردازد. (مباحث مربوط به هویت در روانشناسی فردی) سپس با تعاملی میان انسان و محیط (یعنی ادراک و رفتار) آن را تجربه نموده تا ذهنیتی از آن بدست آورد. و واجد ذهنیتی در قالب یک تصویر ذهنی گردد.

۲. «تأثیرات فضا بر رفتار»: تردیدی نیست که

فضا به عنوان بخش عینی محیط، می تواند بر رفتار اثر بگذارد. اگر چه تأثیرات فضا بر رفتار، قطعی و منحصر نیست (بروز رفتار در فضا به شرایط دیگری نیز وابسته است^۱) ولی قطعاً فضا می تواند تأثیرات غیرقابل انکاری بر رفتار بگذارد (وحید، ۱۳۸۷، صص ۷۵-۷۶).

رفتارها براساس پاسخی که از محیط دریافت می کنند، می توانند تقویت یا تضعیف شوند. این

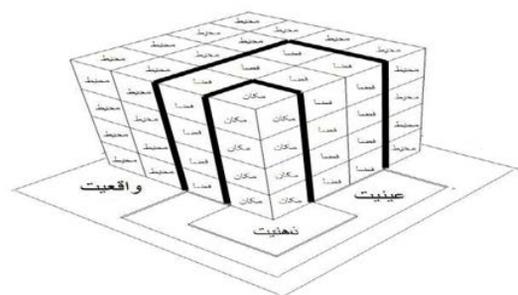
مفهوم فضا از دیدگاه پدیدارشناسانه^۱ بدین گونه است که؛ محیط اطراف انسان توسط پدیده های فراوانی تحت عنوان «واقعیت» اشغال شده است. و انسان تنها بخشی از این واقعیتها را درک می کند. و به این واقعیتهای قابل درک «عینیت» می گویند. بدین ترتیب که اگر واقعیت همان محیط فرض شود و محل یا جا را اطلاعاتی از رده واقعیت دانست. فضا بخش گزینش شده ای از اطلاعات محیط است که به آن محل خاص مرتبط است.

تعامل انسان و فضا

به طور کلی رابطه بین انسان و فضا یک رابطه متقابل است و از دو جنبه دارای اهمیت می باشد:

- ۱- تأثیرات رفتار بر فضا، ۲- تأثیرات فضا بر رفتار.

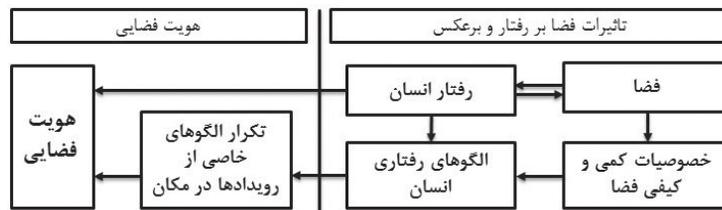
۱. «تأثیرات رفتار بر فضا»: از آنجا که فضا پدیده ای است که باید با مردم و رفتارهایشان در نظر گرفته شود. رفتار مردم در فضا اصولاً بر خصوصیات کیفی فضا تأثیر می گذارد. کیفیت



تصویر ۵. محیط، فضا و مکان اطلاعاتی در رده واقعیت، عینیت و ذهنیت، ماخذ: نگارندگان.

۱. نقطه تمرکز پدیدارشناسی، مفهوم جدایی ناپذیر انسان (ذهن) و جهان (عین) می باشد. (یعنی چگونگی وجود انسانها در ارتباط با جهان می باشد) برای محققان پدیدار شناس حوزه علوم رفتاری- محیطی، زیست جهان و مکان از اهمیت بسزایی برخوردار است. زیرا هر دو آنها به طور همزمان انسان و جهان را در کنار یکدیگر قرار داد و وجوه فضایی، فیزیکی و محیطی وقایع و زندگی انسان را بیان می کنند. (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۴).

۲. اگرچه محیط امکان بروز یا تجدید رفتارهای را فراهم می آورد، ولی تعیین کننده نهایی رفتار فرد و جامعه است. بنابراین رفتار فرد و جامعه از نحوه تعامل با دیگران و محیط شکل می گیرد و در یک جریان خوب این محیط می تواند زمینه ای به وجود آورد تا فرد به بهترین شکل رنگ و بوی تعلق گیرد. (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۳)



تصویر ۶. تأثیرات فضا بر رفتار و برعکس و ارزیابی مفهوم هویت فضایی، ماخذ: نگارندگان.

هویت مکانی است (سادات حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۳۹). مفهوم مکان از دیدگاه پدیدارشناختی (پدیده شناسی هوسرل) بدین گونه است که؛ براساس تعریف فضا، که در رده عینیت قرار می گیرد، و دارای فرم و عملکرد می باشد. چنانچه فضا برای انسان معنای خاصی به همراه داشته باشد و در ذهن، خاطراتی را ایجاد کند، ذهنیت جای خود را باز می کند و فضا از پدیده ای عینی به موجودی ذهنی، تبدیل می گردد که «مکان» نام دارد، نکته مهم این است که ذهنی بودن مکان به معنای آن نیست که مکان فاقد فرم و عملکرد است، بلکه مکان عینیتی است که علاوه بر فرم و عملکرد دارای ویژگیهای معنایی نیز می باشد در واقع مکان محل تلاقی فرم، عملکرد و معنای فضا می باشد (وحید، ۱۳۸۷، ص ۷۷). رلف معتقد است که یک مکان موقعی فراتر از یک فضا است که واجد سه خصوصیات محدود کالبدی، فعالیت و معنا باشد. و در این میان معنا را جز اصلی و لاینفک و صعب الوصول این گروه می داند. (Relph, ۱۹۷۶, tuan, ۱۹۷۴) که از مشخصه های آن می توان به حضور انسان و واجد معنا کردن یک فضا در ذهن ناظر اشاره نمود که این تعریف به صورت «مکان = فضا + معنا» نیز بیان می شود. (Harrison & Dourish, ۱۹۹۶, ۶).

بنابراین مشخصه مکان خاص تر بودن آن نسبت به فضا و در هم تنیدگی آن با ارزشهای انسانی است. (رحمانی، ۱۳۸۹، ص ۸۸)؛ کارمونا نیز در کتاب خود مکان را یک مثلث سه قطبی حاصل برآیند

بدان معنا است که کیفیت و کمیت فضا می تواند برای مردم الگوی رفتاری تعیین نماید. از این رو فضا قسمتی از زمینه رفتار است و می تواند در کنترل رفتار، یعنی القا یا حذف رفتار نقش داشته باشد. بنابراین می توان برای فضا نقشی القا کننده یا تشویق گر قائل شد.^۱ از آنجا که محیط شامل مجموعه ای از قرارگاههای رفتاری است که در درون یکدیگر قرار گرفته و با هم فصول مشترکی دارند. عناصر اصلی این قرارگاه های رفتاری، الگوی شاخص رفتار و محیط فیزیکی است (لنگ، ۱۳۹۱، ص ۱۱۷).

الکساندر پس از اشاره به «کیفیتی بی نام» که موجب زنده ماندن بناها و شهرها می شود چنین عنوان می کند که «برای تعریف این کیفیت در بناها و شهرها، باید کار را با درک این مطلب شروع کرد که هویت هر فضا از تکرار مستمر الگوهای خاصی از رویدادها در آن مکان حاصل می شود.» (الکساندر، ۱۳۸۵، ص ۶۵)؛ بنابراین از آنجا که هر فضا برای ساکنانش از یک هویت و ساختاری واحد برخوردار است (فیالکوف، ۱۳۸۲، ص ۶۲)؛ می توان تأثیر متقابل آنها را به صورت شماتیک در تصویر ۳-۳ مشاهده نمود.

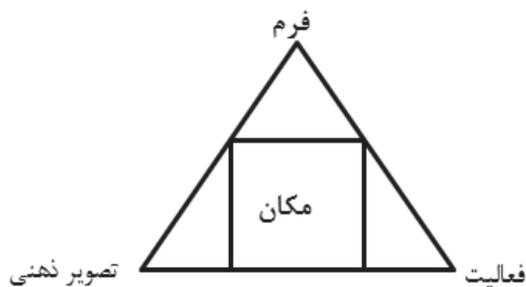
مکان

مکان عنصر اصلی هویت ساکنان آن در محیط می باشد. انسان با شناخت مکان می تواند به شناخت خود نایل شود. یکی از علل سرگردانی انسان امروز نپرداختن به مفهوم مکان و از آن ره نبود

۱. قاسمی، مروارید، ۱۳۹۰، اهل کجا هستیم، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه شهید بهشتی تهران (مشخصات کامل کتاب در قسمت فهرست منابع موجود می باشد)



تصویر ۸. میزان تاثیر عینیت و ذهنیت بر رفتار انسان،
ماخذ: نگارندگان.



تصویر ۷. مدل مفهومی مکان و اجزا آن، ماخذ:
(۱۹۷۷a, Canter)

جدول ۶. مکان و معیارهای سنجش آن، پونتر و مونتگمری، ماخذ: (۲۰۰۶, Carmona)

مکان	معیارهای سنجش
تصویر ذهنی	خاطره و نمادگرایی، خوانایی و نمایانی، تجربه های حسی، ارتباطات روانی، ادراک، شخصی، جهانی
فعالیت	گوناگونی، سرزندگی، زنده بودن خیابان، نظاره کردن مردم، کافه فرهنگی، سرگرمی-های محلی- سنتی، ساعت‌های فعالیت، فعالیتهای جاذب، معامله و اقتصاد
فرم	مقیاس، مرکزگرایی، نفوذپذیری، نشانه‌ها، فضاهای ساخته شده، نسبتها، فضاهای عمومی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۱۴۸

تلقی می کند و بخشی از معنای مکان را در تجربه‌ها و حالات روحی انسان جست و جو می نماید. برای او مکان همان فضای زنده است. (شولتز، ۱۳۸۳، ص ۷۳).

تعامل انسان و مکان (هویت مکان)

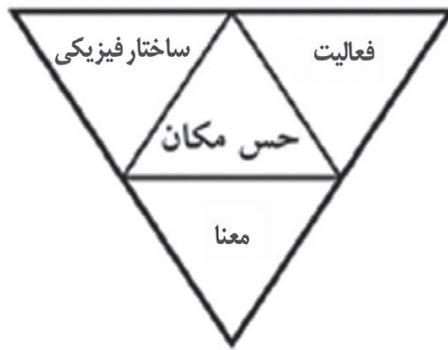
رابطه انسان و مکان غیرقابل تفکیک و عجین شده با هم می باشند. از نظر کانتر مکان نمی تواند مستقل و جدای از انسان در نظر گرفته شود. (لنگ، ۱۳۹۱، ص ۱۵). و وجود انسان به عنوان مهم ترین عامل معنا دهنده به مکان محسوب می شود. بر این اساس انسان در اثر پیوند و ارتباط با مکان، خود را جزئی از مکان می داند و براساس تجربه های خود از نشانه ها، معانی، عملکردها و شخصیتها تصویر ذهنی از آن مکان برای خود می سازد و مکان برای او قابل درک و فهم می شود (رحمانی، ۱۳۹۲، ص ۸۷).

از این رو مطابق با تصویر ۸ مکان تعیین کننده معنای فضا و جهت دهنده به رفتار انسانی است. رلف ارتباط میان انسان و مکان را با عنوان روح

سه عامل فعالیت، فرم و تصور ذهنی می داند. شهر نیز همچون هر پدیده و محیط دیگری دارای همین سه مؤلفه فرم، عملکرد و معنا می باشد. مکان با ساختار فرم و عملکرد که در آن رخ می دهد تعریف مادی پیدا می کند و با شکل گرفتن تصویر و خاطره آن در ذهن انسان و در طول زمان معنا و روح پیدا می کند (سادات حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۴۹).

همچنین تبدیل سه مولفه مذکور مکان به کیفیتهای طراحی در جدول ۶ مشخص گردیده است.

هر یک از مولفه های مذکور مکان، کیفیتهای خاص مکانی را ایجاد می کند. به عنوان مثال استفاده از نشانه های خاطره انگیز و نمادها در ادراک و فهم انسان از مکان به عنوان تصویر ذهنی موثر است. از این رو این نشانه ها می توانند علائم آشنا و یا خاطره انگیز برای مردم باشد و سبب ایجاد مفهوم مکان (به معنای احساسات و درک فضا) گردند (سادات حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۴۳)؛ شولتز نیز مکان را فضای احساس و درک شده و با خاطره عجین شده



تصویر ۱۰. مدل مفهومی حس مکان و اجزاء آن، ماخذ: (Montgomery, ۱۹۹۸, ۹۷)



تصویر ۹. مثلث تعاملات انسان و مکان، ماخذ: نگارندگان.

مکان یاد می‌کند و شولتز آن را عاملی می‌داند که حالت روحی را سبب می‌گردد و نمود آن ادراکی است (Carmona, ۲۰۰۶, ۹۹)؛ بسیاری از رفتارهای انسان در محیط بیش از آنکه در تاثیر عینیت محیط «فضا» قرار گیرند، متأثر از معنای فضا «مکان» می‌باشد. بنابراین پیوند میان انسان و مکان غیرگسستی است و در این میان حلقه اتصالی وجود دارد که به آن هویت گویند.

پس هم انسان به مکان هویت می‌بخشد و هم مکان به انسان. از این رو انسان را با مکان پیوند می‌زند و مکان و انسان دو جزء جدایی ناپذیر از هم می‌شوند. بدین ترتیب مکانی، که با ذهن انسان رابطه برقرار می‌کند و قابل به یاد آوردن و جزئی از ذهن او می‌شود حتی اگر دیگر بازگشتی به آن صورت نپذیرد. طبق نظریات مکتب گشتالت ذهن انسان متشکل از ادراکات کلی معناداری می‌شود که این ادراکات از طریق تداعی با یکدیگر ارتباط یافته و بدین گونه پدیده‌ها را تفسیر می‌کنند. (سادات حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۴۴).

لینچ حس مکان (به مثابه هویت مکان) را عاملی بر می‌شمارد که میان انسان و مکان ارتباط برقرار کرده و وحدت به وجود می‌آورد. او اعتقاد دارد که فضا باید هویت قابل ادراکی داشته و قابل شناسایی و به یاد ماندنی و نمایان باشد تا حس مکان ایجاد شده و ارتباط انسان و مکان به وحدت انجامد (لینچ، ۱۳۷۶). از نظر نوربرگ شولتز، نیز حس مکان در مکانهایی یافت می‌شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند (دارای هویت مکان) و این شخصیت مشخص از چیزهایی ملموس که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ هستند، ساخته شده است. (کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲، ص ۴۵)؛ بنابراین با در نظر گرفتن این موضوع که حس مکان، تنها یک راه ساده برای توضیح نحوه ادراک یا دریافت مکان توسط فرد نیست بلکه مفهومی ارزشی و چند بعدی است (Stefanovic, ۱۹۹۸, ۴۴-۳۱). بنابراین هویت به عنوان یکی از راهکارهای ایجاد و برقراری حس مکان در مکانها و فضاها و بوجود آورنده وحدت بین انسان و مکان می‌باشد.

رلف معنای مکان را در تصویرهای ذهنی و خاطره‌های مردم آن را موثرترین عامل در هویت مکان می‌داند. «تا زمانی که معنای مکانها در ساختار فیزیکی و فعالیت‌هایی که در آن رخ می‌دهد جستجو شود، چیزی یافت نمی‌شود، بلکه باید معنا را در تصویرهای ذهنی و تجربه‌های انسانها از مکان

مکان علاوه بر عناصر کالبدی شامل فعالیت و تصورات ذهنی با پیام‌ها، معانی و رمزها که مردم براساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل آن را رمزگشایی و درک می‌کنند و در مورد آن به قضاوت می‌پردازند. این حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می‌آید هویت مکان نامیده می‌شود.

جدول ۷. حس مکان و معیارهای سنجش آن، پونتر و مونتگمری ماخذ: (Carmona, ۲۰۰۶)

حس مکان	معیارهای سنجش
معنا	همکاری فرهنگی، عملکردهای ادراکی، تشخیص و ارزیابی کیفی
فعالیت	استفاده از مکان، روانی پیاده‌رو، روانی نقلیه، رفتار، الگو، خوانایی، بو و صدا
ساختار فیزیکی	منظر شهری، چشم انداز، نفوذپذیری، شکل ساخت، مبلمان

جستجو کرد» (سادات حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۴۳). به ویژگی‌های محیط و توجه داشتن به عناصری ادوار رلف برای هر مکان سه نشانه هویت مکانی می‌داند که معرف حس مکان نیز هستند گرچه برای او حس مکان چیزی فراتر از این سه حس (ساختار فیزیکی، فعالیت، معنا) است اما این سه را در ایجاد حس مکان در مردم تاثیرگذار می‌داند (Carmona, ۲۰۰۶, ۹۹).

بنابر جدول فوق با قرارگیری مفهوم معنا به جای تصویر ذهنی، که رلف آن را بیشترین عامل تاثیرگذار در حس و هویت مکان می‌داند، عواملی مانند

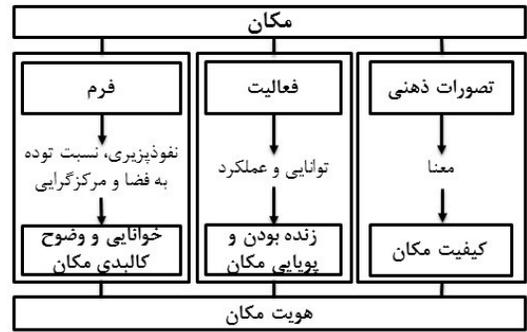
مولفه‌های هویت مکان

این مولفه‌ها به صورت عوامل کالبدی، احساسات و معانی و فعالیتها می‌باشند که عوامل کالبدی از نظر فریتز استیل عوامل مؤثر در ادراک و حس مکان، اندازه مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری است (Steele, ۱۹۸۱) و عوامل معنایی بر طبق نظریه‌های شولتز، رلف و لینچ می‌باید در خاطره و نمادگرایی، خوانایی و نمایانی، تجربه‌های حسی، ارتباطات روانی، ادراک فردی و گروهی و فهمیدن جستجو نمود (سادات حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۴۵)؛ لذا که در واقع مکان، زمانی معنا پیدا می‌کند که درک حسی از آن صورت گرفته و تصویری ذهنی از خود بر جای گذاشته باشد. بدین ترتیب فضاهایی در ذهن شهروندان ماندگار می‌شود که از خوانایی مسیر یا اماکن موجود و امکان به خاطر سپردن آنها توسط ناظر در عین حال بازشناسی مسیر و جهت یابی درست برخوردار باشند تا تشخیص آن برای مردم سخت نباشد. در واقع اینها عواملی هستند که همه و همه در ایجاد یک تصویر ذهنی در شهروندان کمک می‌نمایند (بازوندی و شهبازی، ۱۳۹۳، صص ۳۷-۳۸).

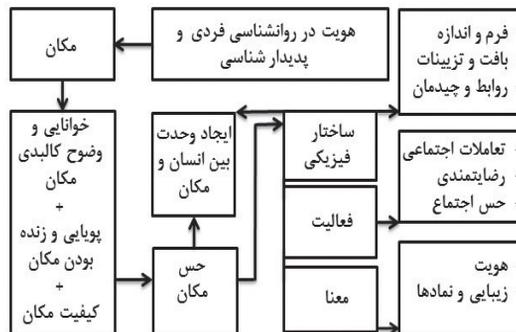
از دیگر ویژگیهای مکان که سبب ارتقای حس

بنابر جدول فوق با قرارگیری مفهوم معنا به جای تصویر ذهنی، که رلف آن را بیشترین عامل تاثیرگذار در حس و هویت مکان می‌داند، عواملی مانند خاطره و نمادگرایی، خوانایی و نمایانی، تجربه‌های حسی، ادراک و ارتباط روانی با مکان را در دو جنبه شخصی و جهانی یا فردی و گروهی مطرح می‌کند. در فعالیت، عواملی مانند گوناگونی رویدادها، سرزندگی که لینچ هم در عوامل شکل خوب شهر به آن اشاره می‌کند. با در نظر گرفتن عملکردها و توانایی‌های انسان در طراحی شکل شهر تفسیر می‌شود. همچنین فعالیتها مانند بازی-های محلی و سنتی و خرده‌فروشی‌ها و میزان کسب درآمد را از عوامل تاثیرگذار در زنده بودن مکان و از طرفی هویت آن می‌دانند.

از نظر فرم نیز، میزان نفوذپذیری و فضاهای عمومی و نسبت فضای ساخته شده به فضاهای باز و مرکزگرا یا همان گره‌های لینچ می‌توانند در ایجاد حس مکان در مردم تاثیرگذار باشد. شولتز نیز در این خصوص بیان می‌دارد که مکانهای با معنا سبب ایجاد تصاویر ذهنی روشن و با هویت برای شخص می‌گردد. شولتز همچنین مشارکت و فعالیتهای گروهی را، موجب با کیفیت شدن مکان می‌داند. و فرم را نیز رابطه بیرون با درون به معنای اهمیت دادن



تصویر ۱۱. مفاهیم و مولفه های مشترک مکان و هویت مکان، ماخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۲. حس مکان و حوزه های معنایی آن، ماخذ: نگارندگان.

مکان می گردد، فعالیتها و تعاملات بین انسان- مکان و انسان- انسان است. (Relph, ۱۹۷۶) بنابراین تعاملات اجتماعی مرتبط با مکان به عنوان زیرمفله ای از فعالیتها تلقی می شود (turner, ۲۰۰۴, ۲۰۰۶-۲۱۷) جنیفر کراس نیز عوامل مؤثر بر حس مکان را چگونگی رابطه با مکان و حس اجتماع می داند و رابطه با مکان را به صورت های زندگی نامه ای، معنوی، عقیدتی، روایتی، مادی و وابستگی اجباری دسته بندی می کند که با عواملی مانند هویت، درونیت و رضایتمندی پنج تراز مختلف از حس مکان را ایجاد می کنند (Montgomery, ۱۹۹۸, ۹۳-۱۱۵).

علاوه بر مطالب گفته شده، با توجه به نظرات کرمونا، طریقی که مکان ها در طول زمان به وسیله آن اداره شده و کنترل می شوند، نیز مؤثر بر حس مکان می باشد. (Carmona, ۲۰۰۷, ۱۰۲)؛ بدین ترتیب تأمین فعالیت ها از فضا با رضایتمندی از ویژگیهای متغیر محیط مانند دما، صدا و امکان انجام فعالیت های فردی و تعاملات اجتماعی توسط عناصر ایستای محیط مانند ابعاد، تناسبات و فرم ها به وجود می آید.

هویت کالبدی

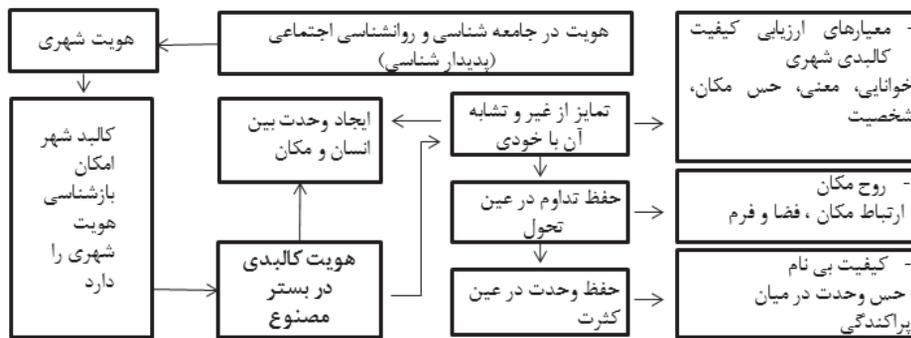
یکی از روشهای مطالعه هویت محیط مصنوع روشی، صرفاً کالبدی است. از آن جا که هویت در مباحث کالبدی، به مفهوم نوعی حس و درک انسانی مطرح نیست، ولی در عین حال در برگیرنده اندیشه ها، باورها، فعالیتها و سطح فرهنگ جامعه است. بنابراین

می توان از مفهوم «هویت کالبدی» نیز استفاده نمود (اصانلو، ۱۳۹۱، ص ۸۵).

بررسی مفهوم هویت و کالبد به صورت جداگانه در حوزه های معنای عام (ادبیات غیر تخصصی) و خاص (ادبیات تخصصی معماری و طراحی شهری) دارای معانی زیر می باشد:

۱- **تمایز / تشابه:** به معنای تمایز از غیر و تشابه با خودی؛ در ادبیات معماری و طراحی شهری معاصر، هویت جایگاه خاصی دارد و مفهوم آن را می توان به طور ضمنی یا به صراحت در تعریف مهمترین معیارهای ارزیابی کیفیت کالبدی شهر (نظیر: زمینه های تاریخی، کالبدی و اجتماعی- فرهنگی) جستجو نمود. مفاهیمی چون خوانایی، معنی، حس مکان و شخصیت مستقیماً به مفهوم تمایز و تفاوت مکانی مربوط شده، بر حفظ آن تاکید داشته اند و آن را یکی از صفات مهم کیفی شهر می دانند (میرمقتدایی، ۱۳۸۳، ص ۳۲).

۲- **تداوم / تحول:** به معنای پیوند با گذشته و عدم انقطاع (تداوم معنی و ارزشهای خودی) در عین نوآوری و خلاقیت با توجه به شرایط زمانه (خود ماندن ولی همان نماندن)؛ مفهوم تداوم در عین تحول را می توان به خوبی در یافته های کریستین نوربرگ شولتز مشاهده کرد. به اعتقاد او مکان هم ثبات دارد و هم برخوردار از تغییرپذیری است، و این نکته ای نیست که به آسانی دریافتنی باشد. ثبات همان روح مکان است و به تعبیری همان ارتباط ویژه آن مکان با فضا، فرم و صورتهای به کار رفته در



تصویر ۱۳. هویت کالبدی و حوزه های معنای آن، ماخذ: نگارندگان.

همچنین مباحث مربوط به روانشناسی اجتماعی و تاثیر الگوهای رفتاری بر شکل گیری فضاهای شهری نیز، به نظریات جامعه شناسی بسیار نزدیک است. در جامعه شناسی «هویت جمعی» را تلاشی برای تداوم و تمایز حیات مادی و معنوی افراد جامعه دانسته، مکان و محیط پیرامون را در شکل گیری هویت اجتماعی بسیار موثر قلمداد می نمایند. واقع مکان و گروه را موجب انجام کنش های متقابل بین فرد و فضا بر می شمرد (بهزادفر و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۵۴-۵۵). در واقع هویت شهری، هویت جمعی است که در کالبد، محتوا و معنی شهر تجلی می یابد و به واسطه تداعی خاطرات جمعی، حس تعلق خاطر به مکان را بر می انگیزد و شهرنشینان را به سوی شهروند شدن هدایت می کند (چنگیزی و احمدیان، ۱۳۹۲، ص ۵۴).

بنابراین آنچه اثری را در نگاه عموم با -بابی- هویت جلوه می دهد، تعلق یا عدم تعلق آن به هویتی جمعی و پایدار است. در این نگاه، اثر با هویت اثری است که هویت آن در راستای هویت جمعی (مذهبی، سرزمینی، نژادی و غیره) باشد، همچون یک بنای تاریخی در یک بافت تاریخی؛ و اثر بی هویت اثری است که هویت آن در تعارض با هویت جمعی و پایدار است. مانند یک بنای مدرن در یک بافت تاریخی. (حجت، ۱۳۸۴، ص ۵۷). همچنین از آنجایی که هویت هر پدیده از دو جزء اساسی عینی و ذهنی تشکیل شده است. در شناخت هویت شهری باید هر دو سویه عینی آن یعنی شهر، ساختار و کالبد

آن، و تغییر پذیری و بی ثباتی مکان به دلیل نیاز به تاویل و باز تاویل مکان به شیوه های مختلف و چه بسا متضاد. (میرمقتدایی، ۱۳۸۳، ص ۳۳).

۳- وحدت/کثرت به معنای پیوند میان اجزاء متفاوت، ناهمگون و حتی متضاد، به گونه ای که در کنار هم یک کل را به وجود بیاورند، دست یافته است؛ (میرمقتدایی، ۱۳۸۳، ص ۳۳). تعبیر وحدت در کثرت در بسیاری از متون تخصصی آمده است. در این متون، بر لزوم شکل گیری یک کل واحد از اجزا متکثر تاکید شده است. الکساندر در کتاب «روش بی زمان ساختن» تمام تاکید و توجه خود را به شکل گیری یک کل مبذول می دارد. کلی که در اثر میلیون ها عمل ساختمان سازی به وجود می آید و تبلور کالبدی آن «کیفیت بی نام» است (Alexander, ۱۹۷۹).

بنابراین با توجه به مفاهیم پیش گفته هویت کالبدی به معنای صفت ها و ویژگی هایی است که جسم شهر را از غیر آن، متمایز کرده و شباهتش را با خودی آشکار می کند. این صفت ها باید به گونه ای باشد که جسم شهر، در عین تداوم زمانی، در حال تحول و تکامل نیز باشد و در نهایت به پیدایش یک کل منجر شود. بنابراین مطالعه هویت کالبدی مستلزم بررسی خصوصیات متمایز کننده شکل شهر و بستر محیط مصنوع براساس شکل ۱۳ می باشد.

هویت جمعی - شهری

تعریف هویت در حوزه جامعه شناسی از مرتبط ترین تعاریف مربوط به هویت جمعی و شهری می باشد.

معیارها اغلب از طریق مصاحبه با مردم و بررسی نظرات آنها انجام می‌گیرد (لنگ، ۱۳۹۱) و در صورت مشارکت شهروندان در امور شهری، تفکر «شهر ما» به وجود خواهد آمد و شهرنشینان را به سوی شهروند شدن که گستره‌ای فعال‌تر از ساکن شدن صرف دارد، هدایت می‌کند. بنابراین مطابق آنچه که گفته شد، نمونه‌ای از معیارهای ارزیابی هویت انسانی شامل احساس امنیت، خاطره‌انگیزی، حس تعلق و وابستگی می‌باشند که به صورتهای گوناگون روی می‌دهند مانند: رویدادها و اتفاقات روزانه و ایجاد فضاهای دلنشین و خودمانی (وارثی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۲۶). هویت در بررسی‌های علوم ادراکی - رفتاری انسان به معنای ابعاد معنایی و تداعی آن نیز در نظر گرفته شده است؛ یکی از معیارهای هفتگانه‌ای که کوین لینچ در نظریه شکل خوب شهر برای سنجش شکل خوب شهر مطرح می‌کند معنا است به باور لینچ معنای شهر تنها در محدوده کالبدی و نقشه آن نیست، بلکه شهر بر پای زندگی ساکنان آن، دیدگاه آنان نسبت به شهرشان و زندگی شهری معنا می‌یابد. (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۱۶۹)

از این رو تداعی این معانی وابسته به حس تاریخ، پیشرفت ارتباط خاطره‌ای، عناصر هویت ساز و یا تصویر، فعالیتها و عواملی که موجب هویت بخشی به محیط می‌شود شکل می‌گیرد (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۹۳).

عوامل کالبدی - محیطی

این عوامل عبارتند از:

۱- «بستر طبیعی»: مکان و مقر شهر دارای ویژگی‌های طبیعی خاصی است که بخشی از هویت شهر را به تصویر می‌کشد که در غالب هویت طبیعی شهر قابل توصیف است. (یزدانی و یاری، ۱۳۸۶، ص ۲۲۰)؛ مشخصات طبیعی از قبیل عنصر آب طبیعی، نهر، رودخانه یا دریاچه پهنه‌های سبز

شهری، کارکرد اقتصادی آن، فضاهای عمومی و غیره، و نیز عامل ذهنی یعنی گروههای اجتماعی ساکن، سطح ادراک و شعور اجتماعی و توقعات و مطالبات آنها، وضعیت شهروندی، گروههای همگن و نظایر آن مورد بررسی و مطالعه قرار گیرند (صبری و مشارزاده مهرابی، ۱۳۸۵، ص ۲۶۷). از این رو موارد مذکور به صورت زیر تفکیک می‌گردد:

عوامل ادراکی - شناختی

فضاهای شهری، مکان‌هایی هستند که به عموم شهروندان تعلق دارند، منحصر به جنبه کالبدی و فیزیکی نیستند و در حقیقت با حضور انسان و فعالیت او معنا می‌یابند. (مدنی پور، ۱۳۸۷، ص ۱۳).

در احیای خاطرات جمعی شهر نیز اهمیت فعالیت و معنا نسبت به جنبه‌های کالبدی و فیزیکی بیشتر رخ می‌نماید. از عوامل و مولفه‌های موثر فعالیتی و معنای در ایجاد هویت جمعی توجه به هویت، فرهنگ، خاطره، زندگی هر روزه شهری و جهت‌دهی آنهاست. در واقع حافظه جمعی از طریق ایجاد مکان، منظره سازی، بازاربایی شهر، اقدامات فستیوالی و مداخله در خاطرات جمعی شهر با پررنگ نمودن لحظاتی خاص از تاریخ شهر از طریق تاکید فیزیکی و فعالیتی و برندسازی نشانه‌های آن و حذف ترومایی وقایع و پیشامدهای ناگوار با پاکسازی یا تغییرات عمده کالبدی نشانه‌های بارز که خوانش واقعه را ممکن می‌سازند، صورت می‌پذیرد. همچنین ایجاد تئاترهای خاطره که می‌تواند با شاخص سازی یا حذف بخشهای نامطلوب سبب پیدایش حس نوستالژی برای شهروندان و گردشگران شود (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۹۰). از دیگر عوامل ادراکی - شناختی احساس تعلق است، که دارای معیارهای چون احساس امنیت، خاطره‌انگیزی، حس تعلق و وابستگی به منظور ارزیابی هویت تدوین شده در ارتباط با محیط می‌باشد. که ارزیابی این گونه

۱. اساساً هویت شهری توسط فرهنگ شهری و خرده فرهنگ های متعلق به آن، در بستر تاریخ و در دل ساختار اجتماعی وسیعتری که جامعه را در بر می‌گیرد، در روند تحولات اقتصادی و سیاسی آن، شکل می‌گیرد و دگرگون می‌شود. بدین دلیل نگاه ایستا به مقوله‌های هویت و از جمله هویت شهری قادر به درک آن نیست. فرهنگ را می‌توان مجموعه‌ای پیچیده از دانش‌ها، باورها، هنر و آداب و رسوم جامعه دانست که مبتنی بر ارزش‌هایی است که گروهی به آن پایبندی دارند و در ساختار اجتماعی از آن پیروی می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۹، ص ۵۵).

(باغات یا جنگل) و گونه‌های جانوری مختص نقاط ویژه، ارتفاعات و کوهها، نوع اقلیم و هر گونه عنصر مهم یا نشانه طبیعی که به عنوان نماد اصلی یک شهر در می‌آیند (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۲، صص ۹۳-۹۲) و خود را به عنوان عناصر اصلی هویت بخشی در شهر معرفی می‌کنند، نقش مهمی را در شناخته شدن شهر و ساکنین آن ایفا می‌نمایند.

۲- «بستر مصنوع»: هر شهری از نقطه نظر هویت ساختاری- کالبدی در لایه‌های مختلف زمانی قابل بررسی می‌باشد. این هویت از زمانی که احتمالاً آن شهر بصورت یک روستا بوده تا امروز که به صورت یک شهر بزرگ عمل می‌کند، قابل پیگیری است. ابعاد بررسی هویت مصنوع هر شهری از تعمق در عناصر خطی- کانونی، میادین، دروازه‌ها (بهزادفر و همکاران، ۱۳۸۷، صص ۵۸). ساختمانها، شبکه راهها، فضاهای عمومی و به طور کلی محیط مصنوع تشکیل یافته است. (هاشمی زاده، ۱۳۷۳، صص ۲۲۳). از این رو بررسی نفوذپذیری، ریزدانگی، تنوع و جذابیت، تعدد و کیفیت عرصه‌ها و فضاهای عمومی، استفاده از فضای سبز و عنصر آب، المانهای معماری به عنوان تصویر، نشانه‌ها، تحریک بصری و توجه به جزئیات، جدارهای فعال خیابان و کیفیت تسهیلات و مبلمان شهری در مطالعه خصوصیات بستر مصنوع حائز اهمیت است (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۲، صص ۹۳-۹۲). بررسی این عوامل و یافتن عناصر هویت دار، منظر و سیمای متفاوتی را از کالبد هر شهر به نمایش می‌گذارند. در این میان باید عنوان نمود که نماها و فضاهای شهری در هر دوره تاریخی براساس ویژگیهای کالبدی و نقش کارکردی ویژه خود به عنوان اولین رکن هویت بخش شهری محسوب می‌گردند. این شاخصها می‌تواند در تعیین نوع معماری، کاربری اراضی و کالبدهای شهری مؤثر باشد. (هاشمی زاده، ۱۳۷۳، صص ۲۲۳). بنابراین مطابق آنچه بیان گردید، بافت کالبدی و ساختار مکانی- کالبدی شهری از ابعاد مهم هویتی در شهرهاست، لذا که شکل گیری بافت کالبدی شهر متأثر از

اندیشه‌ها، باورها، فعالیت‌ها و سطح فرهنگ جامعه است. در واقع کالبد شهر امکان بازشناسی هویت شهری را به صورت بصری فراهم می‌کند و به همین دلیل از میان سایر ابعاد هویتی اهمیت بیشتری دارد (چنگیزی و احمدیان، ۱۳۹۲، صص ۲۵).

عوامل کارکردی- فعالیتی

یان گهل فعالیت‌های شهری را به سه دسته عمده فعالیت‌های انتخابی (تفریحی)، اجتماعی و اجباری دسته بندی می‌کند (Gehl, ۱۹۸۷): فعالیت‌های اجباری (نظیر: کارکردها شغلی، مراجعات اداری، عبور و مرور هدفمند و دیگر عملکردهای که جنبه اجتماعی یا تفریحی ندارند) نظیر فعالیت‌های اقتصادی؛ فعالیت‌های اقتصادی نیز می‌توانند به عنوان شاخص هویت بخش فضاهای شهری مطرح شوند «چه بسیاری از فعالیت‌ها که به طور ویژه در مکان‌ها و یا شهرهای خاصی وجود دارد و به عنوان یکی از ارکان هویتی شهر خودنمایی می‌کنند و چه بسیاری از برخی ویژگیها و فعالیت‌های اقتصادی که ریخت شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهند» (یزدانی و یاری، ۱۳۸۶، صص ۲۲۳). در واقع تجلی نوع فعالیت اقتصادی در ریخت شناسی، سیمای شهر و سایر عناصر شهری، می‌تواند به شکل گیری حس مکان کمک نماید. همچنین به عنوان مثال، تقویت فعالیت‌های ویژه و بومی منطقه، صنایع دستی و گردشگری از نمونه‌های عینی این بخش از ابعاد هویت شهری است (وارثی و همکاران، ۱۳۸۹، صص ۲۷).

فعالیت‌های اجتماعی که شامل کارکردهای اجتماعی نیز می‌باشد (نظیر: ملاقات دوستان، شرکت در فستیوالها، جشنها، نمایشها و یا مناسبت‌های مهم محلی یا ملی، پیاده‌روی‌ها و یا تجمعات گروهی، اجتماعات خانوادگی، شرکت در مراسم مذهبی و انواع دیگر تعاملات اجتماعی) و فعالیت‌های تفریحی (انتخابی) (نظیر: ورزش یا بازی، خلوت کردن یا قدم زدن، نشستن و استراحت، استفاده از رستوران یا کافه وجود کاربریها و اقتصاد شبانگاهی، فعالیت‌های

فرهنگی و دیگر تفریحات عمومی، محلی و یا موقعیتی و فصلی) (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۲، صص ۹۲-۹۳) بقیه عملکردها نظیر عملکردهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به صورت پراکنده و مختلط در درون فعالیت‌های مذکور جاسازی شده‌اند.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

هویت در واژه‌شناسی معنای واژه‌ای مابین انسان و محیط می‌باشد. در بررسی هویت انسانی (انسان زیسته در جامعه سنتی: توجه به یک مبدا و یک مرکز مشتمل بر کمال، پاکی، ازلی و تمامیت و پیروی از اصول الهی با سمت و سوی آمیخته به ریاضتها، رعایتها، خودداری‌ها با اصول پایداری نظیر: وحدت، حکمت، صداقت، قناعت و ... و انسان زیسته در جامعه مدرن: توجه به برهه‌ای میان تولد و مرگ بدون هیچ غایت و فرجام با توجه به هویتی متکثر و اکتسابی و محیط مادی و پیروی از مظاهر اصول پویا، متکثر و گذرای عصر جدید) نیز می‌توان با تحقق اولین نیاز غیرمادی انسان یعنی هویت به ماندگاری فضایی دست یافت. در واقع میان انسان و محیط رابطه‌ای متوازن و تاثیرگذار بر هم برقرار است. ایجاد خوانایی و پاسخگویی به نیازهای اساسی انسان براساس کیفیت‌های فضایی او مهمترین عامل مداخله انسان در محیط است. در واقع رابطه بین انسان و فضا که به هویت فضایی (خصوصیات کمی و کیفی فضا و الگوهای رفتاری انسان) می‌انجامد. اطلاعاتی در رده‌ی عینیت و واجد فرم و عملکردند. در حالی که رابطه بین انسان و مکان در صورت نپرداختن به آن سبب سرگردانی و بی‌هویتی می‌گردد. از این رو دارای درهم‌تنیدگی بیشتری با ارزشهای انسانی است. مکان اطلاعاتی در رده ذهنیت و واجد فرم، عملکرد (مادی) و تصورات ذهنی (غیرمادی) است و از آنجا که اولین نیاز غیر مادی انسان نیز هویت می‌باشد. از این رو مفهوم هویت، ذهنیت، معنا و انسان مفاهیم نزدیک به یکدیگراند. یعنی ایجاد هویت در وهله اول توجه به تصورات ذهنی انسان حائز اهمیت است. بدین ترتیب به

جهت ایجاد وحدت بین انسان و مکان به هویت کالبدی در بستر مصنوع (مانند: تمایز از غیر و تشابه آن با خودی، حفظ تداوم در عین تحول و حفظ وحدت در عین کثرت) توجه می‌گردد؛ چنانچه که تصورات ذهنی در انسان بوجود آید محیط تبدیل به مکان می‌شود و رابطه انسان و مکان بواسطه هویت (هویت کالبدی) شکل می‌گیرد. این رابطه جهت دهنده رفتار وی و در عین حال متأثر بر هویت فضایی و کیفیت‌های فضایی می‌باشد. هویت مکان (در ساختارهای فیزیکی نظیر: منظر، چشم انداز، نفوذپذیری، شکل و فرم، اندازه، بافت، روابط و چیدمان، در فعالیت نظیر: استفاده از مکان، روانی پیاده‌رو و نقلیه، رفتار، الگو، خوانایی، بو و صدا، تعاملات اجتماعی، رضایتمندی و... در معنا نظیر: همکاری فرهنگی، عملکردهای ادراکی، تشخیص و ارزیابی کیفی، زیبایی و نمادگرایی) با توجه به سه عامل فرم، عملکرد و معنا (کالبد، کارکرد و ادراک) و هویت فضایی براساس فرم و عملکرد (کالبد و کارکرد) محیط را واجد خوانایی و سپس هویت می‌نمایند. در واقع مکان‌هایی با امکان ایجاد تصاویر ذهنی (خوانایی، به خاطر سپردن، بازشناسی و جهت‌یابی) نفوذپذیری بیشتری در ذهن دارند. و برای انسان با هویت می‌باشند. بدین جهت برای افزایش کیفیت و ماندگاری فضا در ذهن، علاوه بر معنا می‌باید از فعالیتها و مشارکتها و فرم (کالبد) برای برقراری ارتباط انسان با محیط بهره گرفته شود.

از این رو با در نظر گرفتن اشتراکات معنایی و خوانایی مابین هویت مکان و هویت محیط همچنین اشتراکات فرم و عملکرد مابین هویت مکان و هویت فضایی می‌توان بر طبق سه مولفه اصلی و مشترک مابین هویت محیط، هویت مکان، هویت فضا و هویت کالبد به دسته‌بندی، جمع‌بندی و فشرده‌سازی موارد پیش‌گفته در قالب کلید واژه‌های عوامل کالبدی، کارکردی و ادراکی پرداخت. بنابراین مطابق جدول زیر شناخت هویت شهری

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015



تصویر ۱۴. مولفه ها و عوامل هویت بخش شهری و جمعی، ماخذ: نگارندگان.

منابع و ماخذ

احمدی، الهه (۱۳۸۹) تالار شهر تهران (با رویکرد پایداری اجتماعی)، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده هنر و معماری، تهران.

احمدی، بابک (۱۳۷۷) معماری مدرنیته، نشر مرکز، تهران.

آریانپور کاشانی، عباس و منوچهر (۱۳۷۵) فرهنگ فارسی به انگلیسی، امیرکبیر، تهران.

اصانلو، حسن (۱۳۹۱) بازشناسی مفهوم هویت کالبدی و تعامل معماری کهنه و نو در ساماندهی محله تاریخی جلفا اصفهان، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۰، صص ۸۵-۹۵

بازوندی، فرشاد و شهپازی، مهرداد (۱۳۹۳) نقش سرزندگی در ایجاد تصویر ذهنی شهروندان و میزان

هر شهر مشتمل بر شناخت: مولفه های کالبدی- محیطی (نظیر: مولفه های مصنوعی، جنبه های فیزیکی- ساختاری کالبد شهر- فرم و ساختارهای فیزیکی- و تعمق در عناصر خطی، کانونی، هندسی و...)، مولفه های ادراکی- شناختی (نظیر: خاطرات جمعی، ارتباطات و نظام بصری، علوم رفتاری و کیفیتهای فضایی، احساس تعلق- احساس امنیت، خاطره انگیزی، حس تعلق و وابستگی- مشارکت، سطح ادراک و وضعیت شهروندان و گروههای اجتماعی)، مولفه های کارکردی- فعالیتی (نظیر: کارکردها و مولفه های اقتصادی، فرهنگی- ارزشها، دانشها، باورها، آداب و رسوم و سنتها- اجتماعی، سیاسی)، مولفه های هویتی (نظیر: هویت کالبدی، هویت مکان، هویت طبیعی- عوامل طبیعی منطقه به صورت نمادها- شخصیت) می باشد.

بهره‌گیری از فضای شهری (مطالعه موردی: پیاده راه خیابان سپهسالار تهران)، دو فصلنامه «پژوهشهای منظر شهر»، سال اول، شماره ۱، صص ۳۳-۴۳

بهزادفر، مصطفی و مرادی مسیحی، وراز و مقدم قارویری، مریم (۱۳۸۷) «مقدمه‌ای بر شناخت هویت شهری بافت قدیم کرمان»، دوماهنامه شهر نگار، سال هشتم، شماره ۴۷، صص ۵۴-۶۷

پارکینسن، جان (۱۳۸۰) دموکراسی، معماری و فضای همگانی، ترجمه سحر قاسمیان، مجله معماری ایران، شماره ۲۹-۳۰

پورجعفر، محمدرضا، پورمند، حسن علی، ذبیحی، حسین، سادات هاشمی دمنه، لیلا، تابان، محسن (۱۳۹۰) پدیدارشناسی هویت و مکان در بافتهای تاریخی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره سوم، صص ۱۱ تا ۲۰

چنگیزی، نگار و احمدیان، رضا (۱۳۹۲) بررسی شاخص‌های هویت فضای شهری در بافت تاریخی (نمونه موردی: بازار کرمان)، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۱، صص ۵۳-۶۳

حجت، عیسی (۱۳۸۴) هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴ دریای لعل، بهرنگ و حوصله دارصابر، ریحانه (۱۳۸۹) بازنگری یک مفهوم در معماری معاصر ایران «هویت»، فصلنامه فن و هنر، سال چهاردهم، شماره ۲۸، صص ۱۴-۱۸

دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۴) «لغتنامه فارسی»، چاپخانه مجلس شورای ملی، تهران.

راپاپورت، آموس (۱۳۸۴) معنی محیط ساخته شده، ترجمه فرح حبیب، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.

ربانی، رسول (۱۳۸۱) جامعه شناسی شهری، انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ اول، اصفهان.

رحمانی، محبوبه (۱۳۸۹) مکان و مفهوم آن در معماری سنتی و هویت مکان در معماری امروز، ماهنامه راه و ساختمان، سال هشتم، شماره ۷۱، صص ۸۵-۹۲

سادات حبیبی، رعنا (۱۳۸۷) تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۵، صص ۳۹-۵۰

سلطانی، علی؛ زرگری مرنودی، ابراهیم و نامداریان، احمدعلی، (۱۳۹۲) شکل‌گیری، تقویت و مانای خاطره در فضاهای شهری نمونه موردی محور شهید چمران شیراز، مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱، صص ۸۷-۹۸

شولتز، نوربرگ کریستیان (۱۳۸۳) معماری: معنا و مکان، ترجمه برازجانی، انتشارات جان جهان، تهران.

صبری، سهیل و مشارزاده مهرابی، زهرا (۱۳۸۵) جایگاه مفهوم هویت در شهرهای جدید، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی شهرهای جدید، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، چاپ اول، تهران، شماره صفحه ۲۶۷

عمید، حسن (۱۳۵۲) فرهنگ عمید (جیبی)، انتشارات جاویدان، چاپ پنجم، تهران.

فیالکوف، یانکل (۱۳۸۲) جامعه شناسی شهری، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، نشر آگه، مشهد.

قاسمی، مروارید (۱۳۹۰) اهل کجا هستیم (هویت بخشی به بافتهای مسکونی)، انتشارات روزنه، تهران.

قطبی، علی اکبر (۱۳۸۷) مفهوم هویت و معماری امروز ایران، ماهنامه آینه خیال، شماره ۱۰.

کاشی، حسین و بنیادی، ناصر (۱۳۹۲) تبیین مدل هویت مکان-حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن نمونه موردی: پیاده راه شهر ری، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی دوره ۱۸، شماره ۳

کامیار، سجاد (۱۳۹۳) رابطه وجوه ادراکی انسان با عوامل هویت بخش در معماری، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۶

الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۵) زبان الگو، ترجمه رضا کربلایی نوری، ویراستار حمید خادمی، چاپ پنجم، مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی، تهران.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

گلکار، کوروش (۱۳۸۰) مولفه های سازنده کیفیت طراحی شهری، نشریه علمی- پژوهشی صفا، شماره ۳۲، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی تهران، صص ۳۸-۶۵

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹) جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی.

لنگ، جان (۱۳۸۱) آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران.

لنگ، جان (۱۳۹۱) آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم.

لینچ، کوین (۱۳۷۶) تئوری شکل خوب شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

لینچ، کوین (۱۳۷۴) سیمای شهر، ترجمه دکتر منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران چاپ چهارم، تهران.

مدنی پور، علی (۱۳۸۷) فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه فرشاد نوریان، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.

مرتضوی، شهرناز (۱۳۸۰) روان شناسی محیطی و کاربرد آن، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران معین، محمد (۱۳۸۴) فرهنگ فارسی معین، انتشارات ساحل، چاپ دوم، تهران.

میرمقتدایی، مهتا (۱۳۸۳) معیارهای شناخت هویت کالبدی شهرها، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۹، صفحه ۳۳، ۳۴، ۱۰، ۳۲ و ۳۵

میرمقتدایی، مهتا (۱۳۸۵) هویت کالبدی شهر، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.

نصر، سید حسین (۱۳۸۰) معرفت و امر قدسی، ترجمه ی فرزاد حاجی میرزایی، نشر فرزاد، تهران. نصر، سیدحسین (۱۳۷۶) جوان مسلمان و دنیایی متجدد، ترجمه ی مرتضی اسعدی، انتشارات طرح نو، تهران.

نقی زاده، محمد (۱۳۷۸) هویت تجلی فرهنگ در

محیط، مجله آبادی، شماره ۳۴ و ۳۵، تهران. هاشمی زاده، فرامند (۱۳۷۳) مسأله هویت در توسعه های جدید شهری و شهرهای جدید، مجموعه مقالات ارائه شده در کنفرانس بین المللی توسعه شهری و شهرهای جدید در اصفهان، جلد ۲، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، چاپ اول، تهران.

وارثی، حمیدرضا و عاملبافنده، مهدی و محمدزاده، محمد (۱۳۸۹) بررسی و تحلیل مؤلفه های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنین شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر گلپهزار)، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال اول، شماره دوم، صص ۳۶-۱۷

وحید، علی (۱۳۸۷) طراحی دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، استاد راهنما: مهندس سید جلیل میر باذل، استاد مشاور: مهندس آرش مهرگانی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه گیلان، گیلان.

یزدانی، محمود و یاری، ارسطو (۱۳۸۶) هویت، شهر و جغرافیا، فصلنامه اندیشه جغرافیایی، شماره ۱ یزدانی، محمود، کاویانی، یونس و یاری، ارسطو (۱۳۸۷) هویت فضایی و شهر از دیدگاه دانش جغرافیا، دو ماهنامه شهرنگار، شماره ۴۹، صص ۱۲-۱۹

Alexander, Christopher, 1979, "the timeless way of building" oxford university press, Newyork.

Arefi, Mahyar, 1999, non-place and placelessness as narrative of loss: rethinking the notion of place, journal of urban design, vol.4, No.2, pp. 179-193

Canter, David, (1977a), The Psychology of Place., London: Architectural Press

Carmona, Mathew, (2006), Public Places, Urban Spaces, Architectural press, Elsevier, Oxford.

Gehl, John (1987), "life between buildings", van nostrand Reinhold press.

Harrison, S. and Dourish, P. (1996), Re-Place-ing space: the Roles of place and space in collabora-

tive Systems. Proc. CSCW'96. ACM Press.

Maslow, A. (1943), Theory of human Motivation, Psychological Review, 50.

Montgomery, J. ,1998, "Making a city: Urbanity, vitality and urban design", Urban Design, no. 1, pp. 93-115.

Oxford advanced learner dictionary, (2007) oxford university press.

Relph, E, 1976, Place and Placelessness, Pion Limited, London.

Steele, Fritz ,1981, The Sense of Place, CBI Publishing Company, Boston.

Stefanovic, I. L. (1998) Phenomenological Encounters with Place: Cavtat to Square One, Journal of Environmental Psychology, 18, 31-44.

Turner, P., & Turner, S, 2006, "Place, sense of place, and presence, Presence". Teleoperators and Virtual Environments, 15(2), pp. 204-217.

Wong, mark, 2003, spaces and symbols, Routledge publishers.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

■ ۱۶۰ ■

جایگاه نقاشی دیواری (دیوارنگاشت) در مدیریت منظر شهری و نقش آن بر زیبایی شناخت شهر

منیره نادری* - گروه گرافیک، واحد فارسان، دانشگاه آزاد اسلامی، فارس، ایران.

چکیده

امروزه «مدیریت بصری» و منظر شهرها از موضوعات اساسی در فرایندهای برنامه ریزی و کلان سیاستی شهرهاست که نقشی اساسی در ابعاد زیبایی شناسی شهری و ایجاد خوانایی و نمایانی شهری دارد؛ چنانچه نمی توان انتظار داشت که شهرها بدون نگاه مدیریتی در حوزه منظر و نظام بصری شهرها بتوانند به جایگاه متناسب با خود با مدیریت نظام منظر شهری دست یابند. در این مقاله مروری بر جایگاه نقاشی های دیواری (دیوارنگاشت ها) بر مدیریت منظر شهری و نقش آن در زیبایی شناسی شهرها مورد توجه بوده است. روش پژوهش روش توصیفی و اسنادی است که با رجوع به ابزار مطالعات کتابخانه ای و تکنیک های مرتبط تلاش داشته است تا اهداف تحقیق ممکن شود. در پایان نیز علاوه بر اشاره به نقش نقاشی دیواری و جداره های شهرها بر نظام زیباشناخت شهرها، به راهکارهایی در راستای ارتقاء نظام مدیریت منظر و بطور خاصه مدیریت بصری شهرها در ارتباط با دیوارنگاشتها پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: نقاشی دیواری، منظر شهری، مدیریت منظر شهری، زیبایی شناخت شهر.

The position of wall painting (wall map) in the management of the urban landscape and the role of the aesthetic of the city

Abstract

Today, "visual management" and the urban landscape of the main issues in urban planning processes and macro-policy a central role in creating the legibility and visibility of urban and urban aesthetics. If it can be expected that cities without looking at management in the field of landscape and urban visual system can achieve the status of their corresponding management of the urban landscape. In this review of the position of graffiti on the management of the urban landscape and its role in the aesthetics of the cities have been addressed. The research is descriptive and reference documents to library research tools and techniques related to the research objectives may be tried.

Finally, in addition to the aesthetic of graffiti on the walls of cities, towns, strategies to improve the management system of landscape and visual management of cities, especially in connection with wall paintings has been paid.

Keywords: Graffiti, urban landscape, urban landscape management, aesthetic town.

۴۰ هزارسال پیش تا پایان دوره غارنشینی انسان‌های نخستین، خاطرات و یا آرزوهایشان را بر دیوارها و سقف غارها حک می‌کردند. و با زبان تصویر روایتگر روحيات و اتفاقات گذشته بودند. نقش‌هایی که هم روایتگر و هم هنرمندانه‌اند. امروزه بعد از گذشتن قرن‌ها از آن زمان و با پیدایش و گسترش جوامع و ملل مختلف و شکل‌گیری شهرهای بزرگ همچنان نقش کردن بردیوار خانه (شهر) ادامه دارد. دیوارهای سنگی غارها جایشان را به جداره‌ها و نماهای شهری داده‌اند. این سطوح وسیع و پرمخاطب همچون بوم بزرگ نقاشی هم می‌توانند وسیله‌ای برای هنرنمایی و هم دفترخاطراتی گشوده از شهر و رویدادهایش طی دوره‌های مختلف باشند. در این مقاله ابتدا به مفهوم و تعاریف پایه اشاره شده و در نهایت تاثیر آنها بر زیبایی شناخت شهرها موردنظر بوده است.

ادبیات نظری

مدیریت منظر شهری

از مهمترین وظائف مطالعات سازمان بصری در مقیاس استراتژیک تشخیص هویت سیما و منظر از سطح کلان تا هویت ویژه فضاهای شهر می‌باشد. این مطالعات حاوی شناسایی حوزه‌های حساس به احداث ابنیه بلندمرتبه نیز خواهد بود. تشخیص حساسیت به ابنیه بلند بر مبنای تشخیص کریدورهای بصری به مناظر استراتژیک و حوزه‌ها اشراف به مناظر گسترده صورت می‌گیرد. سایر ملاحظات در خصوص تشخیص حوزه‌های حساس به ابنیه مربوط به خط آسمان و سیلوئت شهر است که طی آن حضور و تسلط نشانه‌ها و خوانایی عناصر سازمان فضایی نباید تحت تاثیر قرار گیرد. تحول تدریجی که موجب تفاوت‌هایی در هویت مناطق نسبت به یکدیگر گردیده عمدتاً توسط دانه‌بندی بافت و شکل‌گیری مرفولوژی‌ها، بستر توپوگرافی، عملکرد و فعالیت و در نتیجه سیمای مناطق ایجاد شده است. از دیدگاه «لینچ»^۱ ارزشهای بصری در محیط به صورت مداوم در حال تغییر و تحول می‌باشند و این تغییرات ضروری است تحت کنترل

عوامل تأثیرگذار بر کیفیت فضای شهری و میزان پاسخ‌دهندگی به محیط گوناگون بوده و نظریه پردازان مختلف با ارائه دسته‌بندی‌های متفاوت به آنها اشاره نموده‌اند. این عوامل عبارتند از؛ «خوانایی، تنوع، انعطاف‌پذیری محیط، امنیت، نفوذپذیری و سهولت دسترسی، هماهنگی اجزای تشکیل‌دهنده فضای شهری و غیره» (بنتلی و همکاران ۱۳۸۹، تیبالدز ۱۳۸۷، پامیر ۱۳۸۹) که توسط برنامه‌ریزی و طراحی شهری در یک رویکرد میان‌رشته‌ای قابل دستیابی هستند. در این مقاله، از میان عوامل فوق‌الذکر، دو اصل اساسی زیبایی‌شناسی و مدیریت منظر و نظام بصری شهر در نظر گرفته شده و از میان پارامترهای مختلفی که در تأمین این اصول دخیل هستند، تأثیر نحوه نقاشی‌های دیواری بر طراحی جداره‌های شهری بر آنها و در نهایت بهبود کیفیت زندگی شهری بررسی گردیده است. در عین حال باید اشاره داشت که، «مدیریت بصری شهر» باید به گونه‌ای عمل کند که ضمن حفظ هویت اولیه، تحولات جدید را در جهت ارتقاء ارزشهای کیفی آن راهبری نماید. «سیما و منظر شهری» پدیده‌ای ماهوی است که از جوهره و ذات موجودیت شهر منشاء می‌گیرد و در فرهنگ و ادراک مردم ریشه دارد. ابعاد ذهنی منظر شهر یا آنچه که افراد در مواجهه با منظر شهری از آن ادراک می‌کنند، بخش مهمی از محتوای منظر را تشکیل می‌دهد. انسجام این بعد از منظر شهری با ابعاد عینی است که به شکل‌گیری هویت بصری شهر منجر شده و به آن معنا می‌بخشد. به همین لحاظ لازم است برجسته‌سازی ابعاد ماهوی شهر که موجب تشخیص بصری آن می‌گردد، مورد تأیید عموم قرار گیرد و اهمیت حفظ و ارتقاء آن برای شهروندان روشن و مسجل باشد و این موضوع نیازمند یک چارچوب مدیریتی جامع و فراگیر برای جهت‌دهی و کنترل نظام منظر شهر است. از سویی دیگر، «نقاشی بر دیوار» سابقه‌ای طولانی در تاریخ دارد. از نزدیک به

درآید. بسیاری از ارزشهای محیطی جایگاه هویتی دارند، عبارت دیگر از جایگاه اهمیت استراتژیک برخوردارند. این ارزشهای لازم است به هر قیمت حفظ شوند و شامل منظر به محیط مصنوع مانند نمادهای سازنده هویت شهر همچون حضور مسلط ابنیه فرهنگی، مذهبی و یا حکومتی می‌باشند که حاکی از اهمیت و اقتدار شهر است^۱. همچنین برخی مناظر مانند مناظر گسترده ارزشمند و یا «سیلوئت هویت مند» از شهر که حاوی تسلط نمادهای شاخص و معروف می‌باشند، نیز از جمله مناظر استراتژیک شهر محسوب می‌گردند.

رویکردهای مدیریت منظر شهری

«رویکرد پازتیو» به دانش طراحی شهری و نظام بصری شهری به منزله نگاه متفاوت به تشخیص ارزشهای محیطی است که نیازمند فرآیند متفاوتی از اقداماتی در جهت تولید راه‌حل‌های کیفی به مسئله و نگرشی متفاوت به خصاص مکان در جهت تشخیص جوهره و ماهیت ویژه آن است. بر این اساس «رویکرد اثبات‌گرا» دارای نگرشی در بعد «ماهیت» و در بعد «رویه» می‌باشد:

۱. «رویکرد رویه‌ای»: مفهوم بعد رویه به رویکرد اثبات‌گرا، تعیین قدم‌ها و مراحل از اقدامات در روند و فرآیند تصمیم‌سازی و اولویت‌بخشی به آنها در جهت دستیابی به محصول طراحی است. این روند حاوی سلسله‌مراتبی از اقدامات در خصوص تشخیص مسئله، تحلیل مسئله و ارائه تسلسلی از تصمیمات و راه‌حل‌ها می‌باشد. لیکن مهمترین بخش از فرآیند در بعد رویه تشخیص مقیاس و سطح تفصیل محصول موردانتظار است. به عبارت دیگر، حیطة کار و نحوه ارجاء آن به تصمیمات سطوح فرادست و فرودست مهمترین بخشی از تصمیمات بعد رویه را تشکیل می‌دهد. بدیهی است که هر سطح از محصول مورد انتظار تعیین‌کننده عرصه و حیطة عمل، میزان تفصیل برداشت اطلاعات، ماهیت و میزان تفصیل

محصولات را در تصمیم‌سازی رقم می‌زند.

۲. «رویکرد ماهوی»: دانش طراحی شهری در فرآیند بلوغ خود تحولات بنیانی را در ابعاد مفهومی شاهد بوده است. بخشی از این تحولات تعمیم تأکیدهای سنتی این دانش از ابعاد صرف کالبدی به زمینه‌های معنی و عملکرد است. در این راستا «ماتیوکرمونا» (۱۹۹۸) موضوعات و مؤلفه‌های کیفی قابل توجه در ابعاد ماهوی را در ۸ موضوع طبقه‌بندی می‌نماید لیکن برخی از آنها مانند موضوعات بصری و زمینه‌ای عملاً در یکدیگر قابل ادغام می‌باشند و نهایتاً مؤلفه‌های چهارگانه نظم فضایی، نظم بصری، نظم کالبدی و عرصه عمومی مؤلفه‌های پایه چهارگانه را در بعد ماهوی تشکیل می‌دهند. بدیهی است کلیه مؤلفه‌های پایه چهارگانه کیفیت محیط حاوی مفاهیم ادراکی از منظر بهره‌برداران فضا می‌باشند که همزمان جنبه‌های مضاعف ممیزی مکان را تشکیل می‌دهد (ذکوت، ۱۳۹۱).

دیوارنگاری

واژه نقاشی دیواری مدت زیادی نیست که در فرهنگهای ایتالیایی، انگلیسی، فرانسوی و امریکای لاتین پیدا شده است (کفشچیان مقدم، ۱۳۸۳، ص ۶۹). دیوارنگاری یا گرافیتی به تصویر کردن نقش‌ها، اشکال، حرف‌ها، نشانه‌ها، نمادها، الگوها و کلمه‌ها بر روی دیوارها و یا هر مکان عمومی‌ای که بتوان از آن به عنوان مکانی برای نوشتن، نقاشی، کنده‌کاری و خط‌کشی کردن استفاده کرد، گفته می‌شود. دیوارنگاشته‌ها، هرگونه علامت‌گذاری‌ای به حساب می‌آیند که می‌توانند در شکل‌های نوشتن ساده حرف‌ها تا نقاشی‌های استادانه ظاهر شوند. دیوار نوشته‌ها از دوران باستان به عنوان مثال یونان باستان، امپراطوری‌های روم، چین و ایران وجود داشته‌اند. لذا در لغت نامه فرانسوی روبرت، نقاشی دیواری را چنین تعریف نموده‌اند:

«هر نوع نقاشی که مستقیم بر روی دیوار ترسیم



۱. لازم به ذکر است که تشخیص بصری شامل موضوعات و مفاهیم زیباشناختی نیز می‌گردد؛ لیکن این بعد نیز فراتر از مباحث مورد بررسی کنونی است. مفاهیم دقیق زیباشناختی را می‌توان در جزئیات کامل و مثال‌های موردی در کتاب «راهبری حسن منطقه» ملاحظه نمود.

شود و یا در جای دیگری کار گردد و سپس روی دیوار نصب شود، نقاشی دیواری گفته می شود و تفاوت آن با نقاشی سه پایه در آن است که نقاشی دیواری در تناسب با معماری و فضای اطراف خود ربط و تناسب پیدا می کند» (کرامتی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۱).

در دوران مدرن نگارگری به ویژه نگارگری با افشانه یا رنگ پاش و قلم موها بیشترین کاربرد را در ترسیم دیوارنگاشته‌ها دارند. در بیشتر کشورها نقاشی کردن و یا کشیدن هر علامت و تصویری بر روی دیوارها و یا املاک متعلق به افراد بدون جلب رضایت آنان کاری غیرمجاز و جرمی دارای پیگرد قانونی به شمار می‌آید. برخی از اوقات، این کار در بردارنده پیام‌های سیاسی و اجتماعی و حتی فرهنگی و ژانری کامل از بیان هنری مبتنی بر سبک نقاشی روی دیوار با رنگ پاش است. برای برخی از افراد شاید کار هنری فقط هنگامی از ارزش برخوردار است که در یک نگارخانه یا نمایشگاه هنری در معرض دید همگان قرار گیرد و برای کسانی دیگر شاید دیوارنگاشته‌ها گونه‌ای از ابراز احساسات قانون‌گريزانه به شمار آید که عامل و اقدام کننده به آن، حالتی اعتراض‌آمیز به خود گرفته‌است. دیوارنگاری در سال‌های اخیر در قلمرو فرهنگ عامیانه تحول یافته و در شکل‌های موسیقی زیرزمینی هیپ‌هاپ و غیره و سبک زندگی‌ای که از دید همگانی پنهان است، پدیدار شده‌است. دیوارنگاری‌ها می‌توانند به عنوان علامتی از کارهای تبه‌کاران به شمار آیند که محدوده‌های نفوذ آن‌ها را از یکدیگر جدا می‌کند. همچنین باید گفته شود که اختلاف نظر و مشاجره پیرامون دیوارنگاری میان مقامات حقوقی و قانونگذار و نیز مسئولان شهری از یک سو با کسانی که دیوارنگاری را شاید گونه‌ای از ابراز احساسات شهروندان تلقی می‌کنند، ادامه دارد. با این وجود گونه‌ها و

سبک‌های متفاوتی از دیوارنگاری‌ها با سرعت زیاد در حال تبدیل شدن به شکلی ویژه از هنر هستند در حالی که بحث و گفتگو درباره ارزش آنها میان هواداران و مخالفانشان ادامه دارد؛ مثلاً دیوارنگاری بخشی از هنرهای خیابانی و نیز از عناصر اصلی فرهنگ هیپ‌هاپ بشمار می‌آید. از جمله خطوط نوشتاری برای شعار و تصویرسازی برای زیباسازی شهری یا تبلیغات فرهنگی و بطور کلی رسم هر گونه اثر هنری شامل بر متن، تصویر و برجسته نگاری که توسط طراح صورت پذیرفته باشد. منظور از هنر خیابانی آن بخش از گرافیک است که در کوچه و خیابان و سطح شهر با آن برخورد می‌کنیم. این هنر تاریخچه‌ای بسیار کهن دارد و ریشه در سنگ‌نبشته‌های تاریخی غارها و کتیبه‌های باستانی نقاشی‌های دیواری در ابعاد گوناگون دیده‌اید که از همین دسته‌اند. در سده بیستم و کمابیش هم‌زمان با جنگ جهانی دوم، مشاهده درج نام و نشان گروه‌ها بر روی دیوارها تبدیل به امری عادی شد. در برخی مواقع این دیوارنگاری‌ها بسیار با دقت و هنرمندانه اجرا می‌شوند و سبک‌های متعددی به خود می‌گیرند. برخی از این آثار بار معنایی بیش‌تری را به دوش می‌کشند که ممکن است حاوی یک پیام اجتماعی یا سیاسی باشد که حتی با استفاده از افشانه‌های رنگی بر روی دیوارها، ساختمانها و قطارها رسم می‌شوند. شاید شما هم تصاویری از دیوار برلین را دیده باشید که لبریز از این آثار بود یا نگاره‌های دیگر اینترنتی را که دست به دست یا بهتر بگوییم ایمیل به ایمیل می‌چرخند که حاوی تصاویر نقاشی‌شده سه بعدی بر کف خیابان‌ها هستند. این‌ها تماماً هنرهای خیابانی هستند.

لذا می‌توان به این تعریف نسبتاً منطقی رسد که: «واژه گرافیتی (دیوارنگاری) از واژه «گرافیس» در زبان ایتالیایی مشتق شده‌است که به معنی اثرگذاری

۱. نقش پایتختی تهران، فضاهای گسترده‌ای را برای اعمال حاکمیت ملی در صنعت معماری در اختیار دولت مرکزی قرار داده است. پایتخت بودن، شهر تهران را محل تجمع و استقرار نمایندگی‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورهای جهان ساخته و موجب شده تا بسیاری از زمین‌های سطح شهر خارج از دسترس شهروندان قرار گیرد و نتیجتاً معماری را به عنوان صنعت رایج دستخوش تغییرات تدریجی کند. همچنین جایگاه تهران به عنوان مرکز اقتصادی کشور، موجب استقرار نهادهای تصمیم‌گیر در موضوع‌های اقتصادی در آن شده است. فعالیت این نهادها مستلزم ارتباط با نهادها و موسسات اقتصادی داخل و خارج کشور شده است که ضرورت انطباق یافتن ساختار فضایی شهر با نیازهای نوین جهانی شدن را نشان می‌دهد.

سریع یا خط خطی است و ممکن است اصل این واژه به «گرافیر» (نوشتن ابا قلم فلزی) در لاتین عامیانه باز گردد» [گرافیون: نوشتن بر اساس ریشه‌شناسی لغوی این واژه از مدت‌ها پیش به معنی نوشتن یا حک خطوط روی سطوح مورد استفاده بوده است] (لغت‌نامه امریکن هریتیج، ۱۹۹۳).

روش اجرای نقاشی دیواری (دیوارنگاره)

نقاشی برای آرایش دیوار، که ممکن است به دو طریق اجرا شود (ویکیپدیای فارسی، زمان برداشت: ۱۳۹۴/۲/۳):

۱. «اجرای مستقیم»: مستقیماً بر روی سطح دیوار (مانند فرسکو)؛ یا

۲. «اجرای غیرمستقیم»: بر روی تخته یا بوم به منظور نصب دائمی بر دیوار (در این طریق دوم، ترکیب بندی ممکن است دو بعدی یا سه بعدی باشد).

فرسکو (فرانسوی: فرسک)

در تعریف فرسک به طور رایج آمده است: اسلوب نقاشی دیواری یا سقفی بر روی آندود گچی که بر دو نوع غالب است:

۱. در روش فرسکو راستین، لایه‌های گچ و آهک روی دیوار گسترده می‌شود؛ و مادام که لایه نهایی هنوز خشک نشده است، نقاش با رنگ ماده رقیق روی آن کار می‌کند تا رنگ به خورد دیوار رود. با این روش که در دوران رنسانس در ایتالیا به حد کمال رسید- می‌توان نقاشی‌هایی مقاوم در برابر تغییرات جوی به دست آورد. مشهورترین نمونه آن، سقف نگاره‌های «نمازخانه سیستین»، کار «میکلانژ» است.

۲. در روش فرسکو خشک (سکو) - که نقاشی روی لایه گچ و آهک خشک اجرا می‌شود- هم احتمال ورآمدن نقاشی هست و هم محدودیت رنگی وجود دارد؛ ولی با این روش، نقاش می‌تواند رنگ‌های تابناک و رنگمایه‌های لطیف ایجاد کند. این روش دوم در دوران رکوکو متداول بود. از دوران تمدن رومی استفاده از تکنیک «فرسک» در نقاشی دیواری رایج گشت و کلیه آثار نقاشی دیواری با این تکنیک

ایجاد می‌شد. در تکنیک فرسک، رنگ‌های آبرنگی بر روی بستری از آهک که با خاکه سنگ مخلوط گشته اجرا می‌شود. بعد از آن که دیوار خشک شد، به دلیل واکنشی که آهک با اکسیژن هوا می‌دهد لایه‌ای نازک بر روی نقاشی تشکیل می‌شود که به دلیل ضد آب بودن و مقاومت در برابر رطوبت، باعث ماندگاری طولانی مدت نقاشی می‌شود (ویکیپدیای فارسی، زمان برداشت: ۱۳۹۴/۲/۴).

متأسفانه هنرمندان ایرانی با این تکنیک آشنایی نداشتند و به جای فرسک از تکنیک «تمپرا» استفاده کرده‌اند. در تکنیک تمپرا، رنگ با تخم مرغ (سفیده) مخلوط و سپس بر روی لایه‌ای از گچ اجرا می‌شود. به همین دلیل هیچ‌گونه مقاومتی در برابر رطوبت و آب ندارد، علاوه بر آن قابل شستشو نیست به همین دلیل نقاشی‌های اجرا شده در کاخ‌های دوره صفوی در معرض فرسایش شدید قرار دارند. تعریف برخی از اصلاحات مشابه هم جالب است:

۱. «موزاییک (پتینه): یکی از گرایش‌های نقاشی است که بجای رنگ از سنگ ریزه‌های رنگین استفاده می‌شود، این هنر برای کف‌سازی داخل ساختمانها یا دیوار و سطوحی که در فضای باز و نمای ساختمانها هستند کاربرد دارد (دوره ساسانی و بیزانس رم).

۲. «کاشی کاری معرق»: در این شیوه از قطعات کاشی و چیدمان آنها و ترکیب آنها کنار یکدیگر نقش تزئینی یا تصویری بدون سایه روشن ایجاد می‌شود. این هنر مانند اماکن مذهبی اسلامی می‌تواند در نمای ابنیه، دیوارها و یا داخل ساختمانها به کار گرفته شود.

انواع دیوارنگاری در ایران

در ایران دیوارنگاری به دو دسته بخش می‌گردد:

۱. «دیوارنگاری مردمی»: دیوار نویسی‌های مردمی به دو دسته تقسیم می‌شود. تبلیغاتی و پیاده‌سازی طرح‌ها و اشکالی تقریباً جذاب. دسته نخست بیشتر گویای مسائل سیاسی روز مخالفت با سامانه حاکم و یا تبلیغات مشاغل و آگهی‌هاست.

۲. «دیوارنگاری حکومتی»؛ دسته دوم در خدمت تبلیغات عقیدتی حاکم و نمایان ساختن برنامه‌های ایدئولوژیکی حکومت فعلی است. گرافیتی در دسته دوم از دیوار نویسی مردمی جایی میگیرد. در ده ۹۰ میلادی یا ده ۷۰ خورشیدی هیپ‌هاپ توسط رقص بریک در ایران متولد شد و مورد توجه جوانان ایرانی قرار گرفت، می‌توان گفت که هیپ‌هاپ از طریق رقص بریک به ایران تزریق شد و زمینه را برای دیگر ارکان هیپ‌هاپ فراهم کرد، بطوری که چند سال بعد یعنی در اواخر ده ۷۰ خورشیدی موسیقی رپ در ایران دیده شد.

پیشینه‌شناسی نقاشی دیواری در تاریخ

از آنجا که اجرای این آثار نه فردی بلکه بطور دسته جمعی توسط انسان‌های غارنشین اولیه کار شده است، بر روی هیچ کدام از این آثار به جا مانده، اثری از امضاء یا نشانی از هویت فردی هیچ هنرمندی دیده نمی‌شود. البته به جز موارد استثنایی که مثلاً اثری از پنجه دست بر دیوار نقاشی شده، به جای مانده که شاید بتوان آن را از هنرمند ساحر یا جادوگر آن دسته از غارنشینان به عنوان جزیی از ادای آیین‌شان دانست. جالب توجه‌ترین آثار نقاشی دیواری مربوط به دوره پارینه سنگی را با قدمتی حدود ۳۰ هزار سال مربوط به غارهای «آلتامیرا» واقع در شمال اسپانیا و غارهای (لاسکو) واقع در جنوب فرانسه است. نقاشی دیواری به عنوان یکی از اشکال هنری انسان در طول تاریخ همواره از اهمیت خاصی برخوردار بوده، و تأثیر آن بر زندگی انسان از دیرباز تاکنون آنچنان پایدار و ماندنی است که می‌توان گفت کمتر رشته هنری چنین تأثیری را داشته است، زیرا که خیلی از رشته‌های هنری در مقاطعی از تاریخ بنا به ضرورت و مجموعه شرایط خاصی شکل گرفته و در مقطعی دیگر از بین رفته یا کاربرد لازم خود را از دست داده‌اند.

اما نقاشی دیواری را می‌توان اولین زایش راستین هنری انسان در سپیده دم تاریخ هنر دانست؛ بطوری که همچنان تاکنون تداوم و تأثیر خود را

در بطن زندگی جوامع بشری حفظ کرده است. در تبیین دستاورد بزرگ انسان عصر سنگ - که جهان را با تصویر مجسم می‌ساخت تا بر آن تسلط یابد - نباید از یاد ببریم که هنر وی، به معنی واقعی واژه هنر بوده است. آنچه اهمیت دارد این نیست که او تصویرآفرینی می‌کرد بلکه این است که تصاویر مزبور را ماهرانه و زیبا می‌آفرید. امروزه نقاشی دیواری از نظر ایجاد تأثیرات قوی بصری و آفرینش زیبایی و هماهنگی فرم و ریتم، نقش ارزشمندی در آثار معماری و زیباسازی شهری دارد. این رشته هنری اگر به درستی شناخته شود و به درستی به اجرا درآید، با توجه به فضاهای زیبا و با شکوهی که بوجود می‌آورد می‌تواند با هنر معماری تلفیق شود، همچنین این توان و اهمیت را در خود دارد که با مایه‌های فرهنگ و هنر و قوم و ملتی درآمیخته و به آن ارزش و اعتبار والایی دهد. هزاران سال پیش، انسان نخستین، تصویر حیواناتی را که برای احتیاجات خود شکار می‌کرده و تصاویر آنها را بر دیواره محل سکونتشان، یعنی در انتهای صخره غار نقاشی می‌کردند. آنان با اجرای اعمالی چون مراسم حمله به آن تصاویر، انگیزه خود را جهت شکار فرمایشان بالا می‌بردند.

«از این منظر نقاشی دیواری را نباید به عنوان روشی منحط که تنها رسالتش تزیین و یا ابلاغ یک پیام است پنداشت، بلکه ضمن توجه به ویژگی‌های نقاشی دیواری و اصالت‌های ارزشمند آن در ارتباط با محیط و مخاطب، بایستی آن را به عنوان یک هنر چندوجهی و همگانی که توانسته گرایشهای هنری دیگر هنری را در خود تجربه نماید، فرض نمود» (کفشچیان مقدم، ۱۳۸۳، ص ۶۹).

در اینباره «هلن گاردنر»، محقق و تاریخ نویس معاصر چنین می‌گوید:

«شکارگر - هنرمند آن روزگار، غالباً از سطوح نامنظم و طبیعی دیوارهای غار، برجستگی‌ها، فرورفتگی‌ها، شکافها و لبه‌های تیز آنها برای ایجاد تصویر حضور واقعی شکل‌های خود در آنجا به طرز ماهرانه‌ای



شکل ۱ و ۲. سمت چپ: غار آلتامیرا و سمت راست: غار لاسکوا؛ اولین دیوارنگاره های بشری؛ ماخذ: درگاه معمار CFZ.



تصاویر ۱ و ۲. نقاشی دیوارهای غار «دوشه» در «دره میرملاس» در منطقه کوهدشت لرستان؛ ماخذ: پایگاه تحلیل خبری کاشکان.

وسيله ساکنین لرستان در دورانی که بشر به حالت گردآورنده آذوقه می زیسته است ترسیم شده است و این دوران مربوط است به چندین هزار سال پیش از آنکه دره ها خشک شود و انسان بتواند از کوهسار پایین آمده و بیرون از کوهستان زندگی کند.»

نقاشی دیواری در دوره اموی

هرچند از دوره پیامبر (ص) و خلفای راشدین (۴۱-۱۱ هـ.ق) هیچ گونه اثر نقاشی شناخته نشده است اما با گذشت زمان و روی کار آمدن خاندان بنی امیه (۱۳۲-۴۱ هـ.ق) و ساخت کاخ ها، هنر نقاشی نیز برای تزئین آنها مجددا رونق یافت. در دوره بنی امیه نقاشی های دیواری با تکنیک فرسک براساس سنت های قبلی ادامه یافت. کاخ الحیر، کاخ المشتی، عمر و سایر کاخ های معروف بنی امیه مزین به نقاشی با صحنه های شکار، اشکال آسمانی، نقوش نوازندگان، رقاصان و غیره گردید. نخستین منابع از

استفاده می کرده است. از برآمدگی دیوار می توانسته است در چارچوب خطوط کناری یک گاو وحشی مهاجم برای نشان دادن بزرگی بدن این جانور استفاده کند.»

پیشینه نقاشی دیواری در ایران

قدیمی ترین آثار نقاشی یافت شده در ایران مربوط به دوران نوسنگی حدود ۸ هزارسال قبل از میلاد بوده که بر صخره های غار «دوشه» و در «دره میرملاس» در منطقه کوهدشت لرستان می باشد. این صخره نگاره ها صحنه های رزم و شکار با تیر و کمان و حیواناتی چون اسب، بز کوهی و سگ را نشان می دهد که به شیوه ای ساده و ابتدایی و با ترکیبات مواد رنگی قرمز اخرايي، سیاه و اندکی زرد توسط انسان های غار نشین با انگیزه اعتقادات جادویی آن منطقه کار شده است. پرفسور گرشمین در این باره چنین می گوید: «نقاشی های مزبور به

هنر تصویرگری دوران اسلام تابلوهای موزاییکی قبه الصخره در شهر بیت المقدس، مسجد اموی دمشق و نقاشی های دیواری کاخ ها اموری سوریه و اردن امروزی است، در حالیکه از نقاشی بر روی کاغذ در عصر اموی هیچ نمونه ای به دست نیامده است. نقاشی دیواری این دوران به موارد زیر مشمول می شود:

۱. «نقاشی های ابنیه مذهبی»: تزئینات مساجد اموی مناظر طبیعی و نقوش هندسی بوده و از نقوش جانداران استفاده نشده است. بنای قبه الصخره که در زمان عبدالملک مروان در سال ۷۲هـ.ق به صورت هشت ضلعی ساخته شده است، دارای قدیمی ترین تزئینات تصویری است. این بنا در داخل دارای تزئینات موزاییکی با موضوع گیاهی مانند گل و بوته به شیوه قبل از اسلام است. تزئینات موزاییکی کاری مسجد اموی دمشق نیز دارای تزئینات گیاهی مانند برگهای آکانتوس و نیز تصاویر ساختمان ها است. تزئینات مساجد اموی مناظر طبیعی و نقوش هندسی بوده و از نقوش جانداران استفاده نشده است. بنای قبه الصخره که در زمان عبدالملک مروان در سال ۷۲هـ.ق به صورت هشت ضلعی ساخته شده است، دارای قدیمی ترین تزئینات تصویری است. این بنا در داخل دارای تزئینات موزاییکی با موضوع گیاهی مانند گل و بوته به شیوه قبل از اسلام است. تزئینات موزاییکی کاری مسجد اموی دمشق نیز دارای تزئینات گیاهی مانند برگهای آکانتوس و نیز تصاویر ساختمان ها است.

۲. «نقاشی های قصرها»: اتاق ها و حمام کاخ عمرا در کشور اردن کنونی مزین به نقاشی های دیواری هستند و نقاشی های هر اتاق نیز دارای خصوصیات تزئینی خاص خود می باشد. در یکی از اتاق های این قصر مجلسی نشان داده شده است که در آن شش نفر با لباس های زرنگار و در نهایت شکوه در مقابل یک امیر نمایانده شده اند. این گروه احتمالاً شاهان شکست خورده از اعراب هستند. در بالای تصویر این افراد، نام آن ها به زبان یونانی و عربی نوشته شده

است. این گروه تصاویر شامل امپراتور بیزانس، شاه ساسانی، رودریک (شاه گوت ها)، نگوسی (پادشاه حبشه) و دو تصویر کوچک ناشناخته می باشد. افراد در این مجلس به صورت تمام رخ، نیم رخ و سه رخ نشان داده شده اند. به عقیده «هرتسفلد» این مجلس تقلیدی از یک نمونه کهن تر دوره ساسانی است که در آن چهره پادشاهان جهان که به درگاه خسرو پرویز آمده اند نگاشته شده بود. قصر الحیر غربی میان شهر دمشق و تدمر قرار دارد و تاریخ ساخت آن به ۱۱۲هـ.ق و زمان هشام بن عبدالملک بر می گردد. این قصر دارای تزئینات نقاشی دیواری با نقوش انسانی، حیوانی، گیاهی، شکارچیان و زنان نوازنده است. قصر خربه المفجر که در حال حاضر ویرانه ای بیش نیست در نزدیک شهر اریحا قرار داد. این قصر و حمام دارای تزئینات موزاییکی سالم با اشکال هندسی و غیر هندسی است (زنگی و دیگران، ۱۳۹۳). در سایر نقاشی های دیواری این کاخ به تصاویری از برجهای دوازده گانه، جانوری شبیه خرس در حال نواختن ساز و نقوش انسانی، تصاویر حیوانات، صحنه های شکار، و پیکره های زنان و مردان بر می خوریم. منشا بسیاری از این نقش مایه ها را می توان در هنر بیزانس یافت.

نقاشی دیواری عهد صفویه

نوع برخورد با نقاشی دیواری در ایران در دوره های مختلف متفاوت بوده است؛ به طور مثال، نقاشان دوره قاجار با توجه به شکل گیری و نو در هنر نقاشی این دوران، شاید ضرورتی برای لایه سازی های احساسی زیرسازیهای خاص، جهت ارتقاء کیفیت و ماندگاری اثر وجود داشت، به جز نقاشی های درباری که با توجه بیشتری نقاشی می شدند، در نمونه هایی از نقاشی های کوچه و بازار و نقاشی چندانانی در منازل مسکونی و بقاع متبرکه و غیره دیده نمی شود که این امر از اهمیت برخوردار نبوده است (وطن دوست و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۷۲).

دوران صفویه هنر آراستن دیوارهای ابنیه با نقاشی های دیواری بار دیگر رونق یافت. از توصیفات



تصویر ۴. عنوان اثر: Octopus؛ اثر Christian Rebechi و Paolo Togni؛ مکان: Skaterpark کالیفرنیا؛ یک نقاشی محیطی که با استفاده از اسپری رنگ درون استخر نقاشی شده است.



تصویر ۳. عنوان اثر: FPT Arena II؛ اثر HiepHD؛ این نقاشی در موسسه نقاشی شده است. ابزار به کار رفته برای کشیدن این نقاشی قلم مو و رنگ های صنعتی است.



تصویر ۶. عنوان اثر: Endless Conversation؛ اثر Robert Proch؛ این نقاشی دیواری در برلین آلمان انجام شده است.



تصویر ۵. عنوان اثر: Piecing it Together؛ اثر AaronLi-Hill؛ این قطعه هنری یکی از جذابیت های منحصر به فرد گالری Solo Show ۲۰۰۹ بود.



تصویر ۸. عنوان اثر: Freeform Flow؛ اثر Matt W. Moore؛ این نقاشی به مناسبت جشن هندسه، عدم تقارن و جریان و روند غیر منتظره طراحی شده است.



تصویر ۷. عنوان اثر: Traffic؛ اثر Yocheved؛ این نقاشی دیواری در یک مرکز پیش دبستانی طراحی شده است.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015



تصویر ۱۰. عنوان اثر: Installations؛ اثر Matt W.؛ این نقاشی برای Casemate HQ در آتلانتا طراحی شده است.



تصویر ۹. نقاشی دیواری سفارشی؛ اثر pennyroad؛ این نقاشی دیواری سفارش داده شده، برای Infospace، Inc در لوس آنجلس طراحی شده است.

تلفیق با هنر اروپایی می شود که در شیراز صحنه هایی از جنگ وجود داشته که «فتح هرمز و بیرون راندن پرتقالیها» را تصویر کرده بود و نیز در جلفا صحنه های عاشقانه به تصویر در آمده و در کاخ «هزار جریب» اصفهان هم صحنه هایی از روستا و ماهیگیری نقاشی شده بود. «تامس هربرت» (۱۶۳۴م) و «گارسیا دو سیلوا فیگوروا» (۱۶۶۷م) و «پی یترو دلاواله»، جزییات نقاشی های کاخ «اشرف» و «عالی قاپو» را توصیف کرده اند و از توصیفات آنها تاثیرات نقاشی غربی بر هنر نقاشی ایرانی کاملاً مشهود است. بقایای این نقاشی ها همراه با نقاشی های کاخ «چهل ستون» اصفهان و «چهل ستون» قزوین و برخی از نقاشی های اتاقهای «خانقاه اردبیل»، نشان از ماهیت کاملاً تزینی این ترکیب بندیهای هنری دارد و در آنها جوانان و دوشیزگان و خنیاگران با چهره های گرد و چشمان الماس گون همراه با ساغرهای شراب و آلات موسیقی در برابر پس زمینه ای از باغات و مناظر تصویر شده اند. تاثیرات مکتب هنری اصفهان که بعد از مکاتبی چون تبریز دوم، مکتب قزوین و مکتب مشهد در اصفهان به بار نشست کاملاً در این تصویرپردازی ها مشهود است. در واقع می توان گفت هنر نقاشی دیواری دوران صفویه، مرهون هنر نگارگری، خاصه مکتب اصفهان

تلفیق با هنر اروپایی رایج در آن دوران است که از طریق اروپاییانی که به دربار ایران رفت و آمد داشتند وارد هنر این سرزمین شده بود. برخی از هنرمندان مکتب نوظهور غربی در ایران از نظر اصلیت، خارجی بودن مانند «علیقی جبه دار» که از روی امضای خارجی وی در پای آثارش صحت این نکته مشهود است؛ هرچند که بعد از آمدن به ایران و آشنایی با فرهنگ غنی ایرانی دلباخته این مرز و بوم شده و این دلباختگی در آثارشان نمایان است کما اینکه علی قلی جبه دار در آثار اولیه اش کاملاً به سبک اروپایی نقاشی می کرد اما در آثار متاخرتر با تکیه و الهام از هنر نگارگری ایرانی، نوعی حذف پرسپکتیو و رواج تزینات ریز و ظریف در آثارش راه یافت. برخی از هنرمندان مکتب نوظهور غربی در ایران از نظر اصلیت، خارجی بودن مانند «علیقی جبه دار» که از روی امضای خارجی وی در پای آثارش صحت این نکته مشهود است؛ هرچند که بعد از آمدن به ایران و آشنایی با فرهنگ غنی ایرانی دلباخته این مرز و بوم شده و این دلباختگی در آثارشان نمایان است کما اینکه علی قلی جبه دار در آثار اولیه اش کاملاً به سبک اروپایی نقاشی می کرد اما در آثار متاخرتر با تکیه و الهام از هنر نگارگری ایرانی، نوعی حذف پرسپکتیو و رواج تزینات ریز و ظریف در آثارش راه

یافت (وطن دوست، ۱۳۹۲).

شاه به عنوان حامی ممتاز هنر گشت و هنرمندان ایرانی نیز به فراخور دوران به تقلید از هنر غربی تن در دادند.

پیشینه نقاشی دیواری در جهان

همان گونه که می دانیم در برخی از رشته های هنری مانند نقاشی دیواری، هنرمند باید به گونه ای هماهنگ با نظام حکومتی باشد؛ زیرا زیبایی سازی هر شهر نشان دهنده آرای آن نظام حکومتی است. پس دخیل بودن دولت در سرنوشت هنرمند، او را تبدیل به کارمند دولت و در عین حال با یک ذهن خلاق می کند، امری که نقاشی را شامل نمی شود. اتاق نقاش برای او مرکز جهان است، در نتیجه جریان توده های همگرا هنر مردمی و جمعی و یا Public Art را به وجود می آورد مانند ایران پس از انقلاب، مکزیک، فرانسه. اما نکته ای که حایز اهمیت است آن می باشد که این هنر باید همدل و همقدم با آنها باشد و مردم در آن دخیل و از آن سردر بیاروند. پس از نظر پرفسور گرشمین، هیاتی مرکب از باستان شناسان خارجی و ایرانی به منطقه لرستان اعزام شدند و اظهار داشتند:

«نقوش روی صخره های لرستان شبیه نقوش مکشوفه در شرق اسپانیا در دوره های اخیر و مربوط به دروه ما قبل تاریخ است که عمدتاً به صورت صخره های دسته جمعی و در زیر صخره های عظیم که به حالت برجسته، بر دیوار غار قرار گرفته اند نقش شده است. خرده سفال های پیدا شده در آنجا دلالت بر سکونت در جوار این برجستگی ها در غار دارد. سبک این نقوش اکثراً ذهنی کار شده و صراحت اغراق آمیز در نشان دادن پیکرها و حرکات آنها در عین سادگی، به بیان روشن موضوع که جنگ و گریز شکارچیان با حیوانات است یاری رسانده است.»

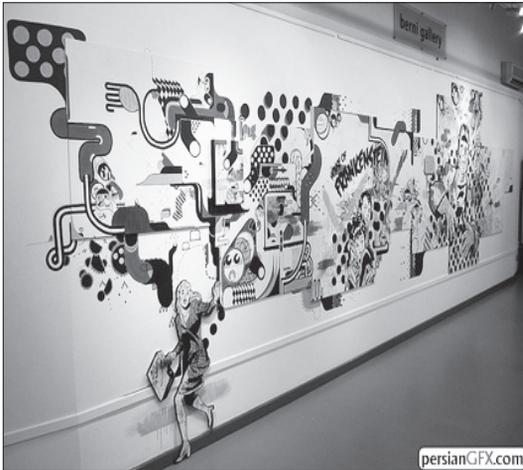
نقاشی دیواری آمریکای لاتین

وقوع حادثه بزرگ انقلاب در سرزمینهای آمریکای لاتین و خاصه مکزیک سبب شکل گیری انقلابی در زمینه نقاشی دیواری در جهان معاصر شد. طلایه

از دیگر عوامل موثر در هنر نقاشی دیواری دوران صفویه، حضور نقاشان ارمنی جلفا در اصفهان است. ارمنیان جلفا به دستور شاه عباس به اصفهان مهاجرت کرده و در منطقه جلفای کنونی ساکن شدند. ایشان بعد از ساخت کلیسای وانگ به تزئین آن با تصاویر نقاشی شده از کتاب مقدس پرداختند. با توجه به تاثیراتی که در ساخت این کلیسا از معماری رایج دوران صفویه دیده می شود جای شکی نیست که هنرمندان مسلمان ایرانی با هنرمندان ارمنی جلفا رفت و آمد داشته و بالطبع هنرمندان نقاش مسلمان نیز این آثار هنری و نقاشی های دیواری را دیده اند و از آن متاثر گشته اند. واقع گرایی، تکنیک رنگ و روغن، تمایل به پرسپکتیو و عمق نمایی که در نقاشی های ارمنیان جلفا وجود داشته بی شک بر هنر هنرمندان اصفهان تاثیرات خاص خود را گذاشته است. علاوه بر آن در تاریخ دربار صفوی از نقاشی ارمنی به نام «میناس نقاش» نام برده شده که به نقاشی در دربار می پرداخته است. از دیگر عوامل موثر در هنر نقاشی دیواری دوران صفوی می توان به حضور هنرمندان هندی در دربار صفوی اشاره کرد. در تاریخ از هنرمندانی مانند «بشننداس» نام برده شده که از دربار تیموریان گورکانی به دربار شاهان صفوی اصفهان آمد و به هنر پروری مشغول شدند. با توجه به آنکه هنر هندی، به دلیل حضور افراد انگلیسی در دربار و جامعه، به طور قطع با هنر اروپایی آشنا و بالطبع متاثر از آن بود و نوعی در هم آمیختگی میان هنر کهن هندی و هنر اروپایی در آثار هنری این دوره مشهود است، می توان نتیجه گرفت که شاید با ورود هنرمندان هندی به دربار ایران، این تاثیرات وارد هنر ایرانی نیز شده باشد. علاوه بر تمامی عوامل نام برده شده، حضور آثار هنرمندان غربی در دربار صفوی را نمی توان نادیده گرفت. آثاری از هنرمندان غربی و اروپایی به عنوان پیشکش به دربار شاهان صفوی وارد می شد که کم کم باعث تغییر سلیقه عمومی دربار و شخص

مدیریت شهری

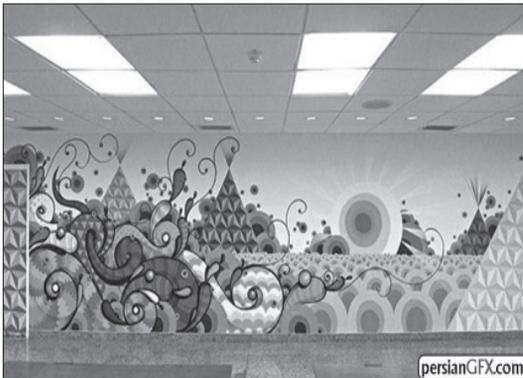
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015



تصویر ۱۲. عنوان اثر: Gdansk؛ اثر: Anna Taut؛ این نقاشی دیواری برای Commercial طراحی شده است.



تصویر ۱۱. عنوان اثر: بینام؛ اثر: TurkesART؛ یک نقاشی دیواری پر از جزئیات جذاب.



تصویر ۱۶. عنوان اثر: Atlantis؛ اثر: highraff؛ عکس این اثر هنری با یک دوربین Panasonic DMC-LX۵ گرفته شده است.



تصویر ۱۵. عنوان اثر: Fashion Illustration؛ اثر: Nani Puspasari؛ این نقاشی روی دیوار House of Rotten Apple کشیده شده است.



تصویر ۱۸. عنوان اثر: ژانویه ۲۰۱۱ خارج از دفتر کار؛ اثر Threadless ۳۶۵؛ این عکس با یک دوربین Canon مدل ۷D EOS گرفته شده است.



تصویر ۱۷. عنوان اثر: Tats Cru in the South؛ اثر: Tara Murray؛ عکس این اثر هنری با یک دوربین Canon PowerShot A۴۷۰ گرفته شده است.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۱۷۲

داران نقاشی مکزیک اوروزکو، ری ورا و سیکیه روس می باشند که در فرهنگ مکزیک به (گروه سه بزرگ) مشهور هستند. آنها بانقاشی سه پایه ای مخالفت ورزیده و سرانجام نقاشی دیواری را جایگزین آن نمودند. این هنرمندان با استفاده از عناصر هنر کلاسیک اروپا - هنر نوین قرن بیستم و هنر بومی سرزمین خویش موفق به خلق هنری زیبا - شکوهمند و موثر در عرصه نقاشی دیواری را جایگزین آن نمودند. این هنرمندان با استفاده از عناصر هنر کلاسیک اروپا - هنر نوین قرن بیستم و هنر بومی سرزمین خویش موفق به خلق هنری زیبا - شکوهمند و موثر در عرصه نقاشی دیواری فضای باز گردیدند. هنرمندان مکزیکی سعی در انتقال مفاهیم و آرمانهای انقلاب در قالب نقاشی نمودند و در این راه علاوه بر استفاده از سبکهای گوناگون هنری از فنون و شیوه های سنتی و تکنولوژی جدید در خلق آثار خویش بهره جستند. مکزیکی ها با تبیین سیاست و انتخاب مفاهیم و موضوعاتی که به عهده هنرمند نقاش بود، آغازگر هویتی نوین در نقاشی های دیواری و هنر خود شدند. در یک تعریف کلی میتوان گفت، هنر مکزیک، با تلاش سه هنرمند بزرگ که در راس آن دیه گوریا قرار دارد با هم کیشانش - اوروسکو - «میکه روس» به اوج خود رسید. در نوآوری مکزیکی می توان سبک باروک اسپانیایی را چه از لحاظ روایتی و چه از لحاظ تجسمی به طور افراطی مشاهده کرد، این هنرمندان افراطی به نسخه برداری از آثار اصیل اسپانیایی و ایتالیایی پرداختند. به استثنای سه هنرمند تجربه گر که در شکل گیری نقاشی دیواری های انقلابی نقش به سزایی داشته اند و به غیر از این هیچ چیز بیشتر در هنر مکزیک و در ابتدای نوآوری نمی توان مشاهده کرد.

هم به منابع سنتی روی آوردند که همین گروه در به وجود آمدن هنر نوین مکزیک نقش به سزایی داشتند. انقلاب مکزیک در ۱۹۱۵ و در زمان دکتر آتل این نخستین نقاش بومی مکزیک اتفاق افتاد. وی درباره کمونیسم سخن می گوید و از تلاقی پیوند هنر بومی و کمونیسم در مکزیک غیر از کمونیسم روسیه که عمدتاً از طریق مرز آمریکا وارد مکزیک شد، انواع تفکر کمونیستی نیز وجود داشته است که فرآورده هایی محلی بودند نه اندیشه مارکس در واقع می توان آن را به جریان توده های مردمی نسبت داد و سنتهای رسمی اسپانیایی و شیوه زندگی سرخپوستان، وی به سوسیالیسم شاعرانه انجیلی اعتقاد داشت. خصیصه ای که مکزیکی ها بسیار هوشمندانه به آن رسیدند، و البته همزمان با این اتفاق در فرانسه کوبیست ها ساز خود را می زدند و ملهم از «سزان» نقاش «پست امپرسیونیست» بودند و نظریات فیزیکی در جهانی فارغ از هیاهوهای اجتماعی داشتند. در میان این نقاشان «ری ورا» از مطرح ترین نقاشان مکزیک و تبدیل به اسطوره ای شد که باید آن را مدیون حمایت های بی دریغ هم عصران سیاسی و طرفداران هنر مردمی مکزیک دانست. در نوآوری مکزیکی می توان سبک باروک اسپانیایی را چه از لحاظ روایتی و چه از لحاظ تجسمی به طور افراطی مشاهده کرد، این هنرمندان افراطی به نسخه برداری از آثار اصیل اسپانیایی و ایتالیایی پرداختند. به استثنای سه هنرمند تجربه گر که در شکل گیری نقاشی دیواری های انقلابی نقش به سزایی داشته اند و به غیر از این هیچ چیز بیشتر در هنر مکزیک و در ابتدای نوآوری نمی توان مشاهده کرد.

نقاشی دیواری دوران انقلاب اسلامی

تثبیت نظام جمهوری اسلامی و تهاجم ارتش متجاوز عراق به ایران، مرحله جدیدی را در حوزه هنرهای تجسمی و هنرمندان نقاش ایجاد نمود. در این دوره که فضای سیاسی و اجتماعی کشور علیرغم تهاجمات کشورهای بیگانه به مرزهای غربی



تصویر ۲. نقاشی دیواری؛ اثر هانیبال الخاص، نیلوفر قادری نژاد و مسعود سعدالدین؛ دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، دوره انقلاب (سال ۱۳۵۸)، مأخذ: گودرزی، ۱۳۸۷.

دار تجربیات تجسمی بودند، به دلایل متفاوت نتوانستند ارزشهای نوین جاری در جامعه را همراهی نمایند و مسیرهای متفاوتی را برای فعالیتهای هنری خود انتخاب کردند. چنان که گواه می دهد فعالیت این بخش از هنرمندان را می توان در چهار شکل، در دو اراده: «ترک وطن و ماندن» دنبال نمود.

○ هنرمندانی که ایران را به قصد کشورهای خارج ترک کردند تا در موقعیت مناسب تر برگردند.
○ هنرمندانی که ترجیح دادند در ایران باقی بمانند اما خود را بدور از تحولات جامعه نگه داشته و فعالیتهای هنری خود را محدود به ارزشهای بصری هنری متوجه سازند.

○ هنرمندانی که در ایران ماندند و مستقلا سعی در ارائه ارزشهای هنری- سیاسی خود نمودند.
○ هنرمندانی که در ایران ماندند و جهت مقابله با ارزشهای جاری انقلاب به یک برنامه ریزی بلند مدت رو آوردند و با ورود به سیستم های آموزشی و هنری کشور بصورت مستقیم و غیرمستقیم زیر ساخت های فرهنگی- هنری نوپای نظام را هدف قرار دادند.

گرایش های سیاسی نقاشان این دوره معمولاً با فعالیتهای آنها در حوزه نقاشی ارتباطی ندارد. اصلی ترین سرمایه آنها در میدان به ترتیب سرمایه های اقتصادی و فرهنگی است. مهمترین هدف آنها پس از کسب سرمایه فرهنگی رقابت بر سر کسب سرمایه نمادین اعتبار استاد، هنرمند و روشنفکر است. اگر خاستگاه هنرمند در حدود دهه

ایران ثبات نسبی خود را پیدا نموده بود و جناحهای سیاسی در داخل کشور مواضع خود را نسبت به حکومت تازه پا تبیین نموده بودند^۱. هنر تجسمی ایران که به لحاظ جوان بودن نتوانسته بود تا این زمان متناسب قابلیت های بیانی و بصری فرهنگش، راه خود را بیابد، با بحران جدید (قبل از اینکه بتواند در ترنم فضای پس از طاغوت بر عملکرد هنری خود تامل نماید). در وضعیت ویژه ای قرار گرفت. بدنبال این تحولات، هنرمندان تجسمی کشور اعم از پیش کسوتان این حوزه و جوانترها نسبت به ارزشهای جدید به دو گروه کلی تقسیم شدند.

۱. گروهی از هنرمندان، عموماً دانش آموختگان جوان بعنوان پیش قراولان هنر تجسمی انقلاب با تمام ایمان و باور خود پا به این عرصه گذاشتند و سعی در نمایش مبانی و ارزشهای نظام نوپا کردند. این گروه، عموماً با هماهنگی بخش ها و نهادهای مردمی و دولتی با برنامه ریزی های کوتاه مدت اقدام به ایجاد و تدوین نهادهای هنری نمودند، که بیشتر کارکرد واحدهای فرهنگی تبلیغاتی در نهادها و مراکز را بعهدده داشت. بدین ترتیب او در پاسخ به ضرورت های درونی و بیرونی اش، با وام گرفتن از الگوهایی ساختاری هنر دیگران، سعی در نمایش جنبه های بیانی رفتارهای آئینی سیاسی گرفت که با تمام باورهایشان به حضورشان ایمان داشتند.

۲. گروه دیگر، هنرمندانی بودند که جمع کثیری از آنها را هنرمندان پیش کسوت کشور تشکیل میدادند، این گروه که دارای تجربیات کافی و میراث



تصویر ۱۹. نقاشی دیواری، اثر ایرج اسکندری؛ ماخذ: زنگی و دیگران، ص ۹۰.

انقلاب» نموده اند، اما تلاش هنرمندان انقلاب با تمام فراز و نشیب خود، نقطه عطفی ارزشمند در نقاشی ایران، میان تقلید کورکورانه و آگاهانه بوجود آورد.

این نگاه را می توان در دو جریان فکری در حوزه تجسمی به ترتیب زیر دنبال نمود.

۱. هنرمندانی که تحت عنوان هنرمندان انقلاب، پژوهشی تجسمی را به موازات اندیشه اسلامی پیگیری می نمودند که فعالیت های آنها را می توان در سه گروه مورد مطالعه قرار داد (گودرزی، ۱۳۸۷): «۱. اولین مسیر تحقیقی مبتنی بر ضرورت «هماهنگی قالب و محتوای اثر هنری» بود چنانکه هر اندیشه ای، قالب متناسب خود را می طلبد تا بتواند معنا در آن بدرستی تبلور یابد. بنابراین، گروهی از هنرمندان موسوم به هنرمندان انقلاب، نتیجه گرفتند که قالبهای موجود هنرهای تجسمی، قابلیت حمل نگرش دینی آنها را نداشته و باید قالبی متناسب آن اندیشه جست. لذا فعالیت های هنری خود را در این مسیر متمرکز نمودند؛ ۲. مسیر پژوهشی دیگری که هنرمندان انقلاب در سه دهه گذشته طی نمودند در مبنا با گروه اول توافق داشته و همانند آنها معتقد به هماهنگی بنیادین میان قالب و محتوای اثر هنری بوده اما تفاوت از آنجا

اول انقلاب نوعی خدمت، همراهی و تعهد اجتماعی دینی بود، در سالهای بعد و در واقع در دهه دوم انقلاب به این سو، پذیرش و مقبولیت در جامعه هنری به عنوان هنرمند برای او اصالت یافت (زنگی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۹۹).

جریان نقاشی دیواری انقلاب تا اواخر دهه شصت با همان حدت و شدت روزهای اولیه انقلاب، با تجلی باورهای مردمی ادامه یافت. ویژگیهای بیانی این آثار گرچه بلحاظ تکنولوژی فنی و زیباشناسی هنر دیواری معاصر، فقیر و توسعه نیافته بنظر می رسید، لکن همانند گذشته، مبانی و اصول نگرشی- بصری خود را با به گزینی از شیوه های بیانی مکاتب نقاشی و صورتهای جریان های هنری کشورهایی با وضعیت مشابه انقلاب ایران، در اشکال هنری به نمایش می گذاشت^۱. قبل از بلند شدن زمزمه های مذاکرات برای پایان جنگ، هنرمندان انقلاب پیش تر در مصاف با شعار و شعور خود به نتایج ارزشمندی رسیده بودند. نتایج مهمی که شاید می توانست با برنامه ریزی و توجه به گذشته هنر ایران، بارقه هایی از آنچه در رویا بدنبالش هستیم را برآیمان به ارمغان بیاورد. گرچه منتقدین یکسو نگر و مغرض و حاشیه نویسان تاریخ معاصر ایران آگاهانه و یا ناآگاهانه همیشه سعی در کتمان حقیقت، «هنر

۱. برای اطلاعات بیشتر ر. ک: خیال شرقی؛ شماره سوم: کتاب تخصصی هنرهای تجسمی، پژوهش، گفتگو، نقد و گزارش علمی، به اهتمام دکتر مصطفی گودرزی.



تصویر ۲۰. نقاشی دیواری بعد از انقلاب، ماخذ تصویر: زنگی و دیگران، ص ۹۲.

این هنر باید حلقه های گمشده ای را پیدا نمود که در فاصله حدود چهارصد سال در انحرافات سلاطین فردی مفقود شده و در غبار جلوه های بصری هنر غرب پنهان شده اند.^۱

۲. گروه دیگری از هنرمندان که باید جریان حاکم در حوزه تجسمی محسوب نمود؛ متعلق به جریان فکری است که خود را وارث تجربیات هنرمندان گذشته می داند. بنابراین، فارغ از هر تعهدی خود را در جریان پر تلاطم و پر از فراز و نشیب تحولات جهانی قرار داده و پیروی از نگرش، قالب، شیوه اجرا، نحوه بیان و گاهاً موضوع، از حرکت های آوانگارد و پیشرو در جهان را آگاهانه و ناآگاهانه سرلوحه فعالیت های هنری خود قرار داده اند.

نقاشی دیواری در شهر تهران

در ایران نیز کشیدن تصویر بر دیوارها سابقه ای طولانی دارد: از حجاری های به جای مانده بر دیوارهای سنگی کاخ ها، نقاشی ها و کاشیکاری های زمان صفویه و قاجاریه تا نقاشی ها بر نماهای شهری امروز. دیوارهای شهر تهران هم از سال ها پیش فرصت بوده برای هنرنمایی. با آمدن و یا تشکیل شرکت های بزرگ تبلیغاتی دیوارهای بیرونی خانه های تهران در زمان پهلوی دوم مکانی شده

شروع می شد که گروه فوق بر خلاف گروه اول ماهیتی فرامکانی و فرازمانی برای اسلام قائل بوده و جوهره آن را مبرا از نسبت های کمی و کیفی دنیوی دانسته و با توجه به همین مبنا، مسیر متفاوتی را برای پژوهش هنری خود قائل بودند. بدین ترتیب که انسان وارث تمامی تجربیات انسانی است بنابراین هر فرم هنری و هر شیوه ای از هنر می تواند مانند زبان در ترجمان اندیشه بکار آید و ناکارآمدی های ابتدایی زبان در بیان ظرایف و دقایق اندیشه پس از اشراف بر قابلیت ها و استعداد های زبان قابل حل می باشد؛^۳ مسیر سومی که در این دوره مورد توجه هنرمندان انقلاب قرار گرفت. نگاهی بود که بر آثار نگارگری گذشته ایرانی (اعم از بخش تذهیب، تشعیر و تصویرگری) متمرکز شده بود. این دسته از هنرمندان ضمن اعتقاد به اصل هماهنگی میان فرم و محتوا، بر این باورند که نیازی به جستجو برای یافتن قالب تازه نبوده، و مسیر فوق قبلا تجربه شده و اصول و مبانی فرم متناسب با معارف اسلامی توسط هنرمندان نگارگر تبیین و تدوین گردیده است. بنابراین اصل جستجوگری خود را معطوف به قابلیت های بیانی و کیفیات مستتر در آثار فوق نموده بودند. لذا از نظر آنها برای بازشناسی اصول و مبانی

۱. برای اطلاعات بیشتر ر. ک: خیال شرقی؛ شماره سوم: کتاب تخصصی هنرهای تجسمی، پژوهش، گفتگو، نقد و گزارش علمی، به اهتمام دکتر مصطفی گودرزی.

بودند برای تبلیغات تجاری محصولات و کالاهای عمدتاً وارداتی. در زمان انقلاب و چندسالی بعد از آن، این دیوارها به محلی برای شعارنویسی و تصویر و نقل قول شخصیت‌ها به ویژه در زمان جنگ و یا انتخابات شدند^۱. در این سال‌ها هنر مردمی هم به روی دیوارها و میدان‌ها آمد و به تدریج تهرانی‌ها شاهد نقاشی‌های دیواری بزرگی و نقش برجسته‌هایی بودند که گروهی از مردم را به تصویر می‌کشید. حتی می‌توان گفت که آمدن مجسمه‌های نو به خیابان‌ها و میدان‌ها از همین راه شروع شد. شیوه و شکل و شمایل این نقاشی‌ها اغلب بومی نبود و بیشتر از نقاشی‌های شیوه رئالیسم سوسیالیستی شوروی سابق و نیز نقاشان چپ‌گرای مکزیکی الهام می‌گرفت که به هدف تبلیغات ایدئولوژیک نقاشی می‌شد. در سال‌های بعد نیز نقاشانی که با نهاد «حوزه هنری» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی همکاری می‌کردند، نمونه دیگری از این زنان و مردان و تصاویری از حوادث انقلاب را باز با همین شیوه ولی با شمایی اسلامی در سطح شهر نقاشی کردند. تا دهه هفتاد خورشیدی علاوه بر حوزه هنری، چندین سازمان تبلیغات متولی نقاشی دیواری در تهران بودند از وزارت ارشاد گرفته تا سازمان تبلیغات جنگ و وزارت ارشاد، و همین‌طور «بنیاد شهید» که با نقاشی «شهدای جنگ» بر دیوارها سعی در پاسداشت راه آنها را داشت. پس از پایان جنگ و در سال‌های دهه ۷۰ و ۸۰ شمسی شهرداری‌ها شروع به زیباسازی شهرها کردند، و مجسمه‌ها و نقش‌هایی را برای خیابان‌ها و میدان‌های شهر در نظر گرفتند. کاری که پیشتر برای یک جامعه درگیر انقلاب و جنگ، تجملی، غیرضروری و حتی ممنوع به نظر می‌رسید. از این سال‌ها به بعد تنوع بیشتری در نقاشی‌های دیواری تهران به چشم می‌خورد و استعدادهای زیادی در این زمینه خودنمایی کرد. یکی از این

استعدادها مهدی قدینلو نقاش دیواری جوانی است که چندسالی است دیوارهای تهران را تبدیل به نمایشگاه بزرگی از کارهای خود کرده است.

نقاشی دیواری و زیبایی شناخت شهر

در طراحی شهری و مدیریت نظام بصری شهری، اعتقاد بر اینست که، هر فضایی توسط عناصر محدودکننده و مستقر در آن قابل شناسایی بوده و کیفیت آن تابع عناصر متشکله آن و ارتباط این عناصر با هم است، هر چند فضا اثری بیش از عناصر فیزیکی که آن را تعریف کرده اند دارد (پاکزاد، ۱۳۸۸، ص ۹-۸۷). از میان اجزاء و عناصر تشکیل دهنده فضای شهری از جمله کف، بدنه، سقف و عناصر مستقر در فضا، جداره‌ها به عنوان عناصر عمودی محدودکننده و تعریف کننده فضاهای شهری از جمله میادین و خیابانها (پاکزاد ۱۳۸۸، ص ۹-۸۷)، اولین چیزهایی هستند که در فضای شهری توجه هر کسی را به خود جلب می نمایند (Romana, ۲۰۰۹, ۴-۷۳ P).

در بررسی نحوه طراحی جداره‌ها توسط نظریه پردازان شهرسازی به نکات مختلفی اشاره شده است که در این میان می‌توان به دو اصل اساسی زیبایی شناختی و خوانایی اشاره نمود (بنتلی و همکاران ۱۳۸۹، تیبالدز ۱۳۸۷، پامیر ۱۳۸۹، گروتز ۱۳۸۶). هر یک از این دو اصل به نوبه خود حائز اهمیت بوده و مستقل از یکدیگر می باشند (Taylor, ۲۰۰۹, ۱۹۲ P)، هرچند می‌توان آنها را به طور همزمان نیز فراهم نمود. اهمیت توجه به این دو اصل از آنروست که با توجه به نوع فعالیتی که در فضای شهری صورت می‌گیرد، اعم از اجباری و یا اختیاری، می‌توان مردمی که در شهر تردد می‌کنند را به دو گروه عمده تقسیم نمود. توجه به این نکته الزامی است که این فعالیت‌ها با یکدیگر عجین بوده و فعالیت‌های روزمره معمولاً ترکیبی از هر دوی آنهاست (گل، ۱۳۸۷، ص ۸-۳).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۱۷۷

بر طبق مطالب فوق، یک عده افرادی هستند که به قصد تفریح وارد فضاهای شهری می شوند و به دنبال کسب تجربه ای لذت بخش از فضا هستند. برای این گروه معنای تفریح در واقع یک تجربه احساسی و لذت بخش است که با تمایل افراد در هنگام فراغت به آنها دست می دهد (مجنونیان، ۱۶، ص ۱۳۷۴). لذا از آنجا که تجربه لذت توسط کلیه حواس صورت می گیرد و یکی از این حواس حس باصره است که بعنوان رشد یافته ترین حس در انسان، نقش قابل توجهی در احساس لذت انسان از فضای شهری دارد، زیبایی های بصری برای این گروه حائز اهمیت می باشد:

۱. از طرفی افرادی مانند «لنگ» زیبایی بصری را جزو نیازهای انسان دانسته (پاکزاد، ۱۳۸۸، ص ۳۹) و «کامپلوسیت» زیبایی های کالبد شهر را موجب حس غرور و افتخار مردم آن شهر می داند (شماعی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۹)؛ و

۲. گروه دوم، افرادی هستند که به قصد انجام فعالیت های اجباری وارد فضای شهری می شوند و معمولاً دارای زمان کافی نبوده و به دنبال اهداف خود هستند. این افراد واقعاً به اشیاء نگاه نمی کنند بلکه تنها میزانی از آن را می بینند تا حدی که تشخیص دهند این اشیاء به کدام نوع یا گروه تعلق دارند و سپس از آنها می گذرند (Taylor, ۲۰۰۹, P. ۱۹۴) که به همین جهت خوانایی فضا برای این افراد اهمیت ویژه ای می یابد.

بر اساس دیدگاه «لینچ» که در کتاب «سیمای شهر» آمده است، جداره های شهری در صورت خوانا بودن می توانند به مسیریابی و ایجاد تصویر ذهنی از شهر در ذهن شهروندان کمک نماید (لینچ، ۱۳۸۷)، هرچند در خوانایی فضاهای شهری عوامل مختلفی نقش دارند که لینچ آنها را در ۵ گروه «لبه ها، نشانه ها، محله ها، گره ها و راه ها» دسته بندی نموده است (لینچ، ۱۳۸۷). از طرفی خوانایی جداره صرفاً به دلیل زیبایی نمی باشد. به عنوان مثال تاریخی یا نوساز بودن ساختمان های یک جداره نیز ممکن

است در ذهن افراد نقش ببندد (لینچ، ۱۳۸۷). از طرفی اینگونه استنباط می شود که خوانایی جداره ها به همراه سایر پارامترهای خوانایی می تواند موجب کاهش فشار روانی محیط شده و در نتیجه در کاهش عواقب آن از جمله بیماری های جسمی و روحی (مک اندرو، ۱۳۸۷، ص ۱۱۴) و حتی کناره گیری های اجتماعی مؤثر باشد (مک اندرو، ۱۳۸۷، ص ۲۲۹). چرا که فشار روانی محیط در برخی موارد ناشی از بار بیش از حد محیطی است که فراتر از ظرفیت های محدود توجه فرد بوده و منجر به برانگیختگی بیش از حد و خستگی ذهنی افراد می گردد. بر طبق الگوی ظرفیت توجه کاهنمن همه فعالیت هایی که به توجه فعال نیاز دارند اندازه ظرفیت پردازش مرکزی ذهن را محدود می نمایند. بار محرک های شدید و غیرقابل پیش بینی (مک اندرو، ۱۳۸۷، ص ۲۵۱) و نیز پیچیدگی های محیطی (مک اندرو، ۱۳۸۷، ص ۷۹) توجه بیشتری را طلب نموده و ظرفیت در دسترس ذهن را محدود می نماید؛ بنابراین تکالیف مشکل و ناآشنایی که به توجه زیادی نیاز دارند با افزایش سطح برانگیختگی دچار مشکل می شوند (مک اندرو، ۱۳۸۷، ص ۲۵۱). همچنین پیش بینی ناپذیری و کنترل ناپذیری تصور محیطی نیز که شخص را به حالت در مانده و ناتوان در انطباق با محیط رها می سازد می تواند منجر به فشار روانی محیط گردد (مک اندرو، ۱۳۸۷، ص ۱۱۴). برانگیختگی و تسلط همچنین بر تعیین واکنش هیجانی افراد مؤثر می باشند.

بر اساس «نظریه سه عاملی هیجان» که توسط روانشناسان محیطی «آلبرت محراییان» و «جیمز ای راسل» عنوان گردیده است، سه بعد در تعیین واکنش هیجانی افراد و کیفیت عاطفی محیط بالاخص در حوزه ادراک نقاشی های دیواری و دیوارنگاشتها نقش دارند که عبارتند از:

۱. «بعد خوشایندی- ناخوشایندی»؛ که نشانگر مقدار احساس شادی، رضایتمندی و خرسندی در مقابل ناراحتی، نارضایتی و ناخرسندی فرد است.

خوشایندی -
ناخوشایندی



تسلط - فرمانبرداری



برانگیختگی -
آرمیدگی

نمودار ۱. نقش دیوارنگاشتها در ابعاد زیبایی شناختی - ادراکی منظر شهری؛ ماخذ: نگارنده.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۱۷۹

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

«طراحی شهری» یک فرآیند خلاق است که با استفاده از قابلیت‌های رشته‌ها و تخصص‌های مختلف منجمله هنرهای بصری و گرافیکی برای خلق محیط‌های زیبا و دلنشین بکار گرفته می‌شود. بنابراین طراحان شهر باید کل‌نگر باشند و در راستای گردآوری متخصصان و کارشناسان در زمینه‌های مختلف هنری برای ایجاد یک طرح شهرسازی موفق عمل کنند. لذا با توجه به نحوه درک محیط توسط حس بینایی در انسان و نیاز به درک سریع کلیت فضا توسط افراد، استفاده از نظمی ساده که به راحتی قابل درک بوده و خاص یک فضای شهری باشد، برای کلیت طراحی جداره و اعمال نظمی پیچیده‌تر در جزئیات هر یک از نماها که موجب خوانایی تک‌تک آنها شده و از یکنواختی جداره می‌کاهد، در قالب نظم کلی جداره از طریق نقاشی دیواری و دیوارنگاشتها مناسب به نظر می‌رسد. بدین طریق می‌توان دو کیفیت زیبایی شناختی و مدیریت بصری را به طور همزمان در جداره تأمین نمود. استفاده مناسب از این دو پارامتر بر حس

۲. «بعد تسلط - فرمانبرداری»؛ که نشانگر حدی است که در یک طرف آن شخص در محیط احساس محدود، مرعوب یا کنترل شدن از طرف دیگران را دارد.

۳. «بعد برانگیختگی - آرمیدگی»؛ به صورت ترکیبی از فعالیت (هیجانی در مقابل غیر هیجانی) و هشیاری (بیداری کامل در مقابل خواب آلودگی) در نظر گرفته می‌شود. نمرات برانگیختگی در این بعد وقتی بالا خواهد بود که هم فعالیت و هم هشیاری بالا باشند، وقتی در حد متوسطند که یکی بالا و دیگری پایین باشد و زمانی پایین هستند که احساسات فعالیت و احساسات هشیاری هر دو پایین باشند. هر کدام از این ابعاد مستقل از یکدیگرند، بنابراین ممکن است احساسات مربوط به یک بعد کاملاً تغییر کند در حالی که احساسات ابعاد دیگر همانگونه باقی باشد. ترکیبات متفاوت این سه بعد به تجارب هیجانی متفاوتی می‌انجامد. برای مثال احساسات خوشایندی و برانگیختگی پایین همراه با تسلط بالا به خستگی، احساس خوشایندی کم، برانگیختگی بالا و تسلط پایین به اضطراب منجر می‌شود (مک اندرو، ۱۳۸۷، ص ۷۷).

مکان و هویت فضا، احساس رضایت شهروندان از فضای شهری خود، غرور شهروندی و حس تعلق به مکان تأثیر گذار خواهد بود. همچنین از آن جایی که ذات طراحی شهری و شهرسازی میان رشته‌ای است، ایجاب می‌کند که بسیاری اوقات شرکت‌های متخصص در طراحی شهری ترکیبی از تیم‌های معماران، معماران منظر و مهندسين و برنامه‌ریزان شهری و طراحان هنری و «گرافیست‌های شهری» باشند. از سویی دیگر، باید گفت که نقاشی و نقش برجسته دیواری در ایران قدمت زیادی دارد. آثار دوره هخامنشی در تخت جمشید و برخی آثار به دست آمده از دوره ساسانیان و نیز آثار پس از اسلام در دوره سلجوقیان و سامانیان و همچنین نقاشی‌های دیواری دوره صفویه در اصفهان و تزئینات دیواری ابنیه دوره قاجار تماماً حکایت از تبحر هنرمندان ایران و علاقه دولت‌های وقت نسبت به هنر شهری و دیوارنگاره‌های درون ساختمانی برای ایجاد فضای دلنشین و جذاب از یکسو و نمایش قدرت سیاسی و فرهنگی از سوی دیگر داشته است. نکته قابل توجه اینکه این آثار با بالاترین شیوه‌های هنرمندانه و بهترین کیفیت لازم اجرایی که حکایت از نبوغ و مهارت و تسلط هنرمندان آن زمان‌ها در استفاده از ابزارهای مناسب برای بیان مفاهیم و مضامین با به کارگیری نمادهای تصویری دوران خویش بوده است دارد، همچنین نشان دهنده شعور و درک هنری و فرهنگی بالای سفارش دهنده و خواهنده اثر می‌باشد چرا که هنگامی که توقع سفارش دهنده برای تولید یک اثر هنری ماندگار زیاد باشد هنرمند نیز متناسب با خواست او و به میزان هزینه کرد او اثری جذاب و هنرمندانه خلق خواهد نمود. اما در دوران معاصر بویژه پس از انقلاب، نقاشی‌های دیواری شهری به بیراهه رفتند. اگرچه در دوران دفاع مقدس این نقاشی‌ها که برگرفته از جامعه ملت‌ه‌ب درگیر جنگ بود اجتناب‌ناپذیر می‌نمود و با نگاه فرهنگی تازه‌ای که ریشه در انقلاب اسلامی داشت زاده شد ولی نتوانست به عنوان یک مکتب هنری مانند آنچه

در انقلاب مکزیک با هنرمندانی چون سیکه ایروس و ریورا به وجود آمده عمیق و هنری باشد. البته در این زمینه استثنائاتی هم وجود داشته است مثلاً ضرورت پرداختن به مضامین فرهنگ ایثار و شهادت که لازمه جامعه آن زمان بود حرکتی خودجوش در میان برخی هنرمندان انقلاب به وجود آورد که منتج به تعدادی محدود از نقاشی‌های دیواری گردید که ارزشمند بودند اما پس از آن بنیاد شهید و امور ایثارگران به عنوان متولی و سفارش دهنده، این مسئولیت را به عهده گرفت و به یک جریان دولتی نه چندان ساماندهی شده تبدیل نمود. از سوی دیگر شهرداری‌ها پس از پایان جنگ تحمیلی برای بازسازی و زیباسازی شهرها بویژه شهر تهران اقدام به نقاشی برخی دیوارها که جنبه تزئینی داشتند نمود، با این اندیشه که روحیه مردم تلطیف شود و نمای زیبایی نیز در شهر به وجود آید ولی این اقدام اصولاً هیچ انطباقی با طرح جامع شهر تهران نداشت زیرا روند توسعه شهر تهران با طرح جامع شهر تناسبی ندارد. همچنین این آثار که با الگو گرفتن از سازمان زیباسازی به متروها نیز ورود پیدا کرد هیچ تناسبی با معماری شهر تهران ندارد و براساس یک نقشه راه با برنامه از پیش طراحی شده که با فرهنگ و بافت شهری هماهنگی و همخوانی داشته باشد (بجز تعدادی اندک) نیز نبوده است و این رویه متأسفانه همچنان ادامه دارد و دلیل آن هم نبودن شورای متخصص دائمی است یا مسئول ثابتی که بداند برای یک برنامه بلندمدت ۲۰ ساله می‌تواند روی شهر تهران برنامه‌ریزی کند. متأسفانه مدیران به سرعت عوض می‌شوند و در دوران کوتاه مسئولیت خود برای ارائه بیلان کار به صورت سلیقه‌ای اقدام به اجرای یکسری کارهای غیرماندگار و مناسبتی نموده و بالطبع تعامل کمتری با هنرمندان و متخصصان خواهند داشت. سؤال اینجاست که چه الزامی وجود دارد که تمامی دیوارها و شهرها نقاشی شود؟ و اصولاً چرا سازمان زیباسازی و نواحی مختلف شهرداری

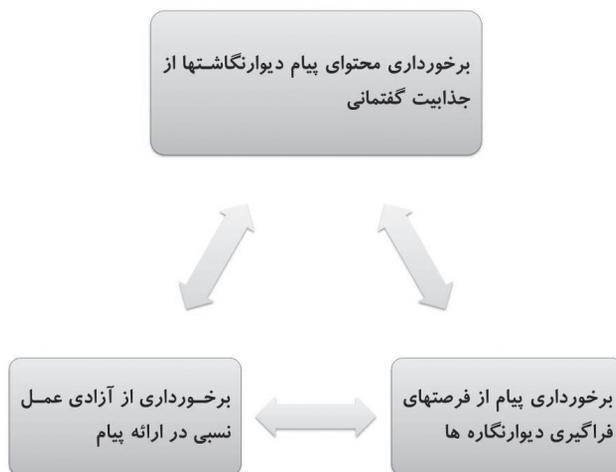
و همچنین سایر مسئولان مرتبط با فضای شهری اصرار بر انجام کارهای دیواری در تمام دیوارها را دارند؟ چه بسا بسیاری از دیوارها بهتر است دست نخورده و یا با یک رنگ ساده بسیار زیباتر و آرام تر شود. حتی اگر بپذیریم همین تعریف نادرست را از نقاشی دیواری در ایران که اصولاً تفاوت فاحشی دارد با تعریفی که تحت عنوان نقاشی دیواری در تاریخ هنر با آن آشنا هستیم و حتی گرافیک محیطی در جهان امروز، باز هم ضرورتی برای پرکردن دیوارها به شیوه های نازیبا و غیرهنری و ناهماهنگ با فضای شهری توسط نقاشی های نه چندان همسو با نیازهای جامعه شهری احساس نمی شود. نقاشی هنری والاست که در کنار بیان واقعیت ها وظیفه زنده نگه داشتن آرمان ها یک ملت را برعهده دارد. هنر نقاشی به خصوص نقاشی دیواری در جهان معاصر کارکردهای ارزشمندی دارد از این طریق یک هنرمند می تواند روشنگر و بیدارساز ارزش های خفته ای باشد که در برهه ای از زمان به وجود آمده و بیم آن می رود که به فراموشی سپرده شود. نحوه ارائه این آثار به ارتقای فرهنگ و بینش و آگاهی مخاطبان منجر می شود. این هنرمندان با نقش و نگارهایی که روی دیوار شهرها میآفرینند، ایثار و دفاع مقدس را با بهره گیری از هنر خود نشان می دهند. البته باید این را در نظر گرفت که اگر یک اثر هنری به زیبایی و مفهوم والایی آفریده شود، می تواند درک مخاطبان را از مفهوم والایی همچون ایثار و شهادت را افزایش داده و این مفهوم را در جامعه مخاطبان پویاسازی کند. هنرمندانی که در روزگار رشادت و فداکاری های رزمندگان حضور داشتند و یا اصلاً حضور نداشتند، نمی توانند نسبت به این مفهوم ایثار و شهادت بی تفاوت باشند، البته هنرمندان بسیاری آثار دیواری در این زمینه آفریده شده است. هنرمند این روش نقاشی می تواند اثری را به مخاطب ارائه دهد که ارزش ایثار را در دنیای مدرن امروز برای او زنده کند تا برای نسل جدید بیانگر رشادت ها و ایثارگری های رزمندگان آن

روزها باشد. از دید هنرمندی که ارائه دهنده یک مفهوم والاست، بازتاب داشته های ذهنی است که باید ماندگار شود و این هنر ابزاری است برای پایداری و توسعه ارزشها و فرهنگ ایثار به معنای کلی در جامعه ای است که خود دائم با این رشادت ها در ارتباط بوده و می باشد. مساله اساسی دیگری که برای هنرمندان عرصه نقاشی دیواری که مرتبط با مفهوم ایثار و شهادت هستند، تعهد نسبت به این مفهوم است. این هنرمندان برهه ای تاریخ این کشور را به تصویر می کشند که با ارائه اثری هنری و پرمحتوا می توانند اثری ماندگار از خود بر جای بگذارند. نقاشی های دیواری و نقش برجسته های سفالین و موزائیک و برخی مجسمه ها و یادمان های شهری که در تهران و بویژه شهرستان ها اجرا می شود هیچ سنخیتی با هنر ایران معاصر و پیشینه غنی فرهنگی هنری آن ندارد و چهره ای «جهان سومی» و توسعه نیافته را از شهر تهران ارائه می دهد و با توجه به اینکه بافت معماری شهری نابسامان است و به طور کلی مناظر شهری نازیباست و بخش هایی نیز بافت فرسوده دارد که اصولاً قابل بازسازی برای نقاشی دیواری نیست و الگوی شهرسازی نیز از یک طرح جامع پیروی نمی کند در نتیجه نقاشی های دیواری هم لزوماً با این فضای نامطلوب کنار آمده و انتظار می رود ساختمان ها و دیوارهای زشت را نقاشی های دیواری زیبا کند که این امر غیرممکن است.

در سالهای اخیر نیز جریانات رسمی حوزه تجسمی کشور، به دور از هیاهوی جنجالی و روشنفکرانه با حمایت های بخش های تبلیغاتی بنیاد شهید، بسیج های ادارات و نهادهای دولتی و مساجد منطقه با بزرگ کردن تصاویر شهدا بر روی دیوارهای شهر، تولد یافت، و فعالیتهای آن در سال های میانی دهه ۸۰ به اوج خود رسید. هواداران و نقاشان این جریان، با تاسیس شرکت ابتکار نور در این رابطه، فعالیتهای سازمان یافته خود را رسمیت داده و با توسعه آثارشان بر روی دیوارهای شهر، توانستند

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015



نمودار ۲. ساختار ارتباطی - کنشی پیشنهادی برای ایفای نقش نقاشی دیواری ها در مدیریت نظام بصری منظر شهرها، ماخذ: ترسیم نگارنده.

موجود دیکته شده در رابطه با برخی عناصر بصری در نقاشی ها و یادمان های شهری کنار بیاییم باید تعداد بسیار محدود از دیوارهایی که فراتر از یک قاب مربع مستطیل ساده باشد که در رابطه ساختاری با دیوارهای اطراف و همجوار و حتی غیرهمسطح بوده، انتخاب شود و طرحی مناسب با همه ابعاد علمی و هنری استاندارد و تعریف شده در نقاشی شهری و گرافیک محیطی و سایر عوامل مؤثر در یک کار خوب دیواری اجرا شود. از جمله موارد مؤثر عبارتند از:

«فاصله، عمق میدان، ارتفاع، عناصر و عوامل محیط پیرامون، بافت و نمای ساختمان های مجاور، نسبت موضوعی نقاشی با سلیقه مردم آن منطقه، رعایت اصول زیباشناسانه معاصر، استفاده از مواد ماندگار و نیز در بردارنده هویت ایرانی اسلامی.»

در مجموع به نظر می رسد لازم است یک بازنگری در آثار اجرا شده به عمل آید و نسبت به آنها آسیب شناسی جدی شده و با یک نظرسنجی کارشناسانه و حتی مردمی نسبت به بازخورد این آثار از نگاه مردم و زیرنظر یک شورای تخصصی ثابت حداقل برای ۱۰ سال آثار جدیدی طراحی و

چهره شهر را بصورت جدی متاثر سازند. تا جاییکه عموم هنرمندان و دست اندرکاران حوزه تجسمی و مبلمان شهری را وادار به موضع گیری در مقابل آنها کردند. موضع گیری منتقدین، کارشناسان و هنرمندان نسبت به جریان جدید، قبل از اینکه نقدی زیباشناسانه نسبت به آثار این جریان هنری باشد، نگاهی کاربردی و جامعه شناسانه به زیباسازی شهر و کیفیت ارتباط آثار با مخاطب خاص و عام بود. ناگفته نماند که این جریان نوپا با نگرشی اجتماعی، مذهبی - سیاسی می توانست به لحاظ نگرشی با جنبش هنر پاپ دهه ۷۰ و هنر نقاشی گرافیکی دهه ۸۰ در اروپا و امریکا، مورد مقایسه و بررسی قرار گیرد. برخورد غیرجدی، منفعلانه و عجولانه دست اندرکاران حوزه هنرهای تجسمی کشور با جریان فوق، (که توانسته بود با کارکرد تبلیغاتی خود به جریان غالب هنر شهری در سراسر کشور تبدیل گردد)، نه تنها کمکی به ساختار زیباشناسانه شهری نکرد بلکه با ارائه الگوهای بیگانه و ناآشنا با فرهنگ مخاطب عام به توسعه غیراصولی این هنر شهری یا هنر شهیدا نیز کمک نمود.

در بهترین شرایط اگر بخواهیم با همین فرهنگ

اجتماعی و فرهنگی مؤثر باشد.

۱۸. همچنین از نظر ساختاری و فنی نکات زیر می بایست در نقاشی های دیواری مورد توجه باشد.

۱۹. مخاطب را در فضای نقاشی وارد کند و او را با خود درگیر کند.

۲۰. در برخی از مکان ها از سطوح وسیع و فضاهای خالی بیشتر استفاده کند.

۲۱. روابط میان عناصر بصری شلوغ و غیرخوانا نباشد.

در پایان چند نکته زیبایی شناخت هم لازم به نظر می رسد:

«از فیگورهای انسانی به صورت دینامیک و پرتحرک استفاده کند، با بهترین مصالح و مواد اجرا شود. هنرمند طراح مسئولیت اجرای اثر را به عهده بگیرد. رویکرد سازمان زیباسازی و سایر سازمان های ذیربط به سمت آثار ماندگار و در جهت هماهنگی با ذوق و سلیقه مردم و فضای شهری باشد و به طور کلی طراحی و اجرای تمامی آثار هنری که قرار است به صورت آزاد در معرض دید مردم در خیابان ها و انظار عمومی قرار گیرد می بایست با نهایت دقت و حساسیت انجام شود و برای انجام این مهم با توجه به موارد فوق نیاز به یک آئین نامه لازم الاجرا می باشد. نقاشی ها و یادمان های شهری می بایست به گونه ای اجرا شود که در آن افراط نشود لازم است برخی آثار که جنبه تبلیغاتی دارد در مکان هایی بخصوص مانند «بیلبردها» و یا دیوارهایی که با «بنر» قابل تعویض است انجام شود و پس از مدت کوتاهی تعویض گردد و نهایتاً لازم است به سمت انجام کارها و آثار ماندگار و با کیفیت و در شأن و سطح فرهنگ و هنر ایرانی رفت.»

منابع و کتاب شناسی

بحرینی، سید حسین (۱۳۷۷) فرآیند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

بنتلی، ای یین و همکاران (۱۳۸۹) محیط های پاسخده، ترجمه مصطفی بهزادفر، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.

اجرا شود که در آن نکات زیر مورد توجه باشد. لذا سیاستها و راهکارهای زیر لازم بنظر می رسد:

۱. توجه به ارزشهای دینی و مذهبی در محتوا و فحوای نقاشی های دیواری شهرها؛

۲. پرهیز و جلوگیری از نقاشی دیواریهای ناخواسته خارج از عرف هویتی و ملی و بالاخص واندالیسم شهری؛

۳. موضوعات نقاشی ها می بایست موجب زیبایی فضای شهری گردیده و در شهروندان روحیه نشاط ایجاد نماید.

۴. نگاه شهروندان را نسبت به عناصر بصری تغییر دهد.

۵. در تثبیت تفکر و اندیشه های خاص مؤثر باشد.

۶. به تقویت هنجارها و رفتارهای درست اجتماعی کمک کند.

۷. از هنرمندان برجسته شناخته شده با سابقه انجام کارهای شهری و با نگاه جامع و کامل دعوت شود.

۸. سفارش دهنده بهترین و بالاترین آثار را با هزینه مورد نیاز انتظار داشته باشد و توقع و سطح خواسته خود را بالا ببرد.

۹. محیط پیرامون نقاشی دیواری به جذابیت و بیان تصویری کمک کند.

۱۰. عناصر اصلی دیوار و سازه و بنای مورد نقاشی در فضای نقاشی مورد استفاده قرار گیرد.

۱۱. عناصر تزئینی بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

۱۲. به هویت تصویری و فرهنگ معاصر کشور توجه داشته باشد.

۱۳. به عمق نمایی با استفاده از سطوح غیرهمسطح ساختمان توجه داشته باشد.

۱۴. پرسپکتیو و سه بعدنمایی را در برخی از نقاشی ها مدنظر قرار دهد.

۱۵. محدودیتی برای استفاده از مصالح و متریاال لازم برای ساخت و اجرای نقاشی و یادمان های شهری وجود نداشته باشد.

۱۶. برخی دیوارها بازسازی و برخی تعویض شود.

۱۷. در فرهنگ سازی نسبت به برخی مسائل

- بهرامی، محمد (۱۳۸۲) مجسمه‌های شهری و میادین تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه هنر.
- بهزادفر، مصطفی و امیر شکیبامنش (زمستان ۱۳۸۷) جایگاه راهنمای طراحی در فرآیند طراحی شهری و نقش آنها در ارتقاء کیفیت فضای شهری، فصلنامه آرمانشهر، شماره ۱.
- بیشارت، کیث (۱۳۸۹) گرافیک در ساخت و ساز، ترجمه سمانه قرایی، تهران، انتشارات خدمات فرهنگی پارسه نو.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، انتشارات شهیدی.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۸) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، تهران، شهیدی.
- پامیر، سای (۱۳۸۹) آفرینش مرکز شهری سرزنده، ترجمه مصطفی بهزادفر و امیر شکیبامنش، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- پور اصغریان، مهتاب (۱۳۸۷) مجسمه سازی در فضاهای شهری، فصلنامه نگره، شماره ۷ و ۸ پورمند، حسنعلی و موسیوند، محسن (۱۳۹۰) مجسمه سازی در فضاهای شهری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۴
- تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۷) شهرهای انسان محور، ترجمه حسن علی لقای و فیروزه جدلی، تهران، دانشگاه تهران.
- جامعه مهندسان مشاور ایران، گروه شهرسازی (۱۳۸۶) استانداردهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری، جلد اول، تهیه طرح و انواع طرح‌ها، چاپ اول، تهران حامد فامیل نوری، شهرام شریفی، آیلین شیدایی، شیدا فلاح (۱۳۹۴) ارزیابی گردشگری شهری با تاکید بر توسعه زیرساختهای گردشگری و رقابت پذیری شهری؛ موردپژوهی: کلانشهر تهران، نشریه مدیریت شهری، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۹۴.
- حق‌شناس، مهدی (۱۳۹۰) بررسی نقوش انسانی اساطیر ایران و کاربرد آن در گرافیک محیطی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر، تهران.
- ذکاو، کامران (پاییز ۱۳۸۶) اتخاذ تصمیمات راهبردی در چارچوب طراحی شهری عباس‌آباد تهران، فصلنامه آبادی شماره ۵۶
- رابرت، کوان (۱۳۸۶) اسناد هدایت طراحی شهری، ترجمه کورش گلکار، انتشارات نقش پیراوش
- رضوانی نراقی، اشکان (۱۳۸۹) تهیه راهنمای طراحی شهری برای طراحی نمای ساختمان‌های نو در کنار جداره‌های با ارزش تاریخی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه تهران، تهران
- زنگی آبادی، علی و دیگران (۱۳۸۳) طراحی و برنامه ریزی مبلمان شهری، نشر شریعه توس، تهران.
- زنگی، بهنام و دیگران (۱۳۹۱) بررسی موقعیت نقاشی دیواری بعد از انقلاب اسلامی در ایران، نگره، شماره ۲۴.
- سعید نیا، احمد (۱۳۸۳) طراحی فضا و مبلمان شهری، انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، تهران.
- سعیدی رضانی، نوید (۱۳۸۵) مجسمه ها هنر را به میان مردم می‌آورند، تهران، ویژه نامه نخستین سمپوزیوم بین المللی مجسمه سازی تهران.
- شانس، حمید (۱۳۸۵) کلیاتی در اصول و ضوابط مجسمه های شهری، نشریه مجسمه، تهران شماره ۴.
- شماعی، علی؛ پوراحمد، احمد (۱۳۸۹) بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا، تهران، دانشگاه تهران.
- صالحی، اسماعیل (۱۳۷۹) اهمیت فضاهای شهری در راهبری کنش های فرهنگی و مشارکتهای مردمی، نشر مؤسسه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران.
- عبدالله‌زاده، اکبر و علی خیابانیان (خرداد ۱۳۸۶) لزوم فرایند در طراحی شهر، هفته نامه نقش نو فهیمی فر، اصغر (۱۳۷۰) از کلاسیسیزم تا مدرنیسم، تهران انتشارات شفق.
- کامران ذکاو (۱۳۸۰) پایداری هویت در محلات مسکونی، نشریه شهرداریها.
- کامران ذکاو (۱۳۸۱) (طراحی شهری و تاکیدهای

محتوایی در نظام هدایت)، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۹.

کامران ذکاوت (۱۳۸۴) فرصت‌های توسعه مرکز شهر تهران (طراحی شهری اراضی عباس آباد)، انجمن صنفی مهندسان مشاور معمار و شهرساز- نشریه بن. کامران ذکاوت (۱۳۸۵) چارچوب استراتژیک مدیریت بصری شهر، فصلنامه آبادی شماره ۵۳، زمستان ۱۳۸۵

کامران ذکاوت، (۱۳۷۹) ضرورت حضور طراحی شهری در فرایند تهیه طرح جامع، نشریه صفا، دانشکده معماری و شهرسازی.

کرد، مهدیه (۱۳۹۰) کارکرد زیبایی شناسانه مجسمه های شهری، فصلنامه حرفه: هنرمند، شماره ۳۷.

کرامتی، محسن (۱۳۷۸) فرهنگ اصطلاحات هنرهای تجسمی، نشر مرکز، تهران.

کشمیرشکن، عبدالحمید (۱۳۷۳) بررسی رابطه هنرمند و مخاطب و جایگاه مخاطب در هنر معاصر، پایان نامه کارشناسی ارشد نقاشی، دانشگاه تربیت مدرس.

کفشچیان مقدم (۱۳۸۳) بررسی ویژگیهای نقاشی دیواری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۰.

گروتر، یورگن (۱۳۸۶) زیبایی شناسی در معماری، ترجمه جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

گل، یان (۱۳۸۷) زندگی در فضای میان ساختمان ها، ترجمه شیما شصتی، تهران، جهاد دانشگاهی.

گلکار، کورش، (۱۳۷۸) کندوکاوی در تعریف طراحی شهری، تهران مرکز مطالعه و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

لینچ، کوین (۱۳۸۷) سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، تهران، دانشگاه تهران.

مک اندرو، فرانسیس. تی (۱۳۸۷) روانشناسی محیطی، ترجمه غلامرضا محمودی، تهران، زرباف اصل.

مهندسین مشاوره پارهااس و همکاران (گروه مشاوران همکار) (۱۳۸۳) چارچوب طراحی شهری اراضی

عباس آباد. شرکت نوسازی عباس آباد.

وطن دوست، عبدالرسول و دیگران (۱۳۹۲) سیری در مبانی نظری بازسازی نقاشی دیواری های سنتی در ایران، نشریه باغ نظر، شماره ۲۷.

Appleyard, D., (1981) "Livable street", University of Cal. Press,

Ashfield, Massachusetts.

Cabe. (2003) "GUIDANCE ON -TALL BUILDINGS" London.

Catchpole, T. (2004) "TALL BUILDINGS -A NEW ERA" London, Design Quarterly Spring 2004 Issue 90. Urban

City Council. (2005) "PLYMOUTH TALL BUILDINGS STRATEGY"

City of San Francisco, (1986) "URBAN DESIGN PLAN SAN FRANCISCO

Cochrane, A. (2005) "STRATEGIC URBAN LIGHTING -PLACEMAKING IN THE 24 HOUR CITY" LONDON.

Cowan, R. (2005), the dictionary of Urbanism, streetwise press London

Dodson, H. Asla, Dodson Associates. (2004) "URBAN VIEWSHED"

Essex Planning Officers Association. (1997) "THE ESSEX DESIGN

Garrow, P. (1987) "URBAN ECOLOGY AND DESIGN" California.

Gindrouz et al, Urban Design Associates, (2003), "the urban design hand book", "techniques and working methods". New York

GUIDE"

London

London, Urban Design Quarterly Spring 2004 Issue 90.

Lynch, K. (1990) "CITY SENSE CITY DE-

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No. 41 Winter 2015

SIGN” ,edited by: Banerjee ,T. and Southworth ,M ,Cambridge , Massachusetts ,London ,England

Lynch ,K.(1976)”MANAGING THE SENSE OF A REGION” the MIT

Lynch, K .(1960) “THE IMAGE OF THE CITY” ,Massachusetts Institute of Technology Cambridge ,Massachusetts ,and London ,England

Lynch,K.(1980)”CITY DESIGN” What It Is and How It Might Be Taught” Urban Design International .Vol.1/No.2/

Moughtin, cliff and others, (1999), Urban design methods and techniques

N.Taylor (2009), Legibility and Aesthetics in Urban Design, Journal of Urban Design, Vol. 14, No. 2, 189-202.

Nicolaou,L. (2004) “VIEWING TALL BUILDINGS IN LONDON”

P. Romana (2009), Urban Aesthetics: Emergence and Development, Theoretical and Empirical Researches in Urban management, Vol. 12, No. 3, 73-78.

Rainer Mayerhofer, (2007), Methodology of Urban Design, aesopo5 vienna

Urban design guide line: old Conway design overlay district, part three, draft: revised april12,2007

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۱۸۶

تبیین مولفه های زیبایی شناختی منظر شبانه شهر

گودرز سهرابیان - دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران.
فرح حبیب* - استاد دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران.

Aesthetics Component of Urban Night Scape

Abstract

In recent decades especially in developing countries, rapid population growth especially followed by rapid constructions, exclusive of urban scale aesthetics criterions in meeting the needs of the excessive population, has made the urban scape facing serious challenges and has turned urban scape, a controversial subject in urban design studies. In day light, people moving across the public realm of the city are able to observe all the corners and details. On the other hand by starting darkness during every night, at which the majority of people tend to spend some quality time for leisure across urban spaces, urban night scape has made the unpleasant views, which were visible during daylight, disappear by emphasizing the aesthetics standards and bring a different face to people sights than it used to be during day time. At this time, criterions of the aesthetics component as one of night scape components, could fulfill the sense of pleasance for people having nocturnal strolls. Therefore in this paper, urban night scape is defined through the 'Light' at the heart of darkness in the night as the first layer of human touch with the urban form. Components such as built and natural components and human and their activities as the premium factors for sense of place have been introduced as the main urban scape constituents. Following what we mentioned above, due to great variety in defining Aesthetics topics, it is being considered as one of the qualitative component of the night scape and its role in human perception process is explained. We also discuss the expectations from night scape regarding aesthetics components and its relation with lighting. In the following, light color is defined as one of the qualitative issues affecting the aesthetics messages of night scape and it is introduced as a robust quantity in the urban night scape layer. Then each of urban scape elements is described according to aesthetics night scape. In this context, at the beginning of the debate, built elements of urban scape layer are expressed and we briefly discussed the role of urban facades during night scape as the most important built issue in urban space structures and spatial sequences and it is followed by other built components based in our space. Lighting accents on architectural achievements are described in this topic, and also the concept of Gestalt Reversal and changes occurred in urban facades which are derived from changes in modern architecture contemplation, during the night scape are defined. Night scape natural factors are described as the natural identical and shaping factors of urbanscape as well as role of water, green masses, topographies, hills and valleys are expressed in aesthetics night scape. Eventually man and his activities as a sense of response to pleasure from behavior settings, observing activities and social interactions during night scape layer are described. In the end we concluded the main objectives of the aesthetics night scape of the city and also the role of each of the components of urban scape was collected in a table.

Keywords: Night Scape, Aesthetics, Lighting, Color

چکیده

افزایش سریع جمعیت در چند دهه اخیر و به دنبال آن روند شتابان ساخت و سازهای بدون توجه به معیارهای زیباشناسانه مقیاس شهری، منظر شهرها را با چالش جدی مواجه کرده است. از طرفی دیگر در زمان تاریکی شب، در لایه منظر شبانه، این مناظر ناخوشایند که در نور روز قابل رویت بودند از نظرها پنهان گشته و منظر شبانه شهر با تاکید بر معیارهای زیبایی شناسی به کمک نور، چهره متفاوتی را از روز خود به عینیت می رساند. بدین منظور در این مقاله ابتدا منظر شبانه شهر تشریح و به دلیل گستردگی تعاریف پیرامون مباحث زیباشناسی، این مفهوم به عنوان یکی از مولفه های کیفی منظر شبانه تعریف گردیده است. در ادامه رنگ نور به عنوان یکی از موضوعات موثر در پیام های زیباشناسی منظر شبانه معرفی می گردد. نقش هر یک از عناصر منظر در منظر شبانه زیباشناسانه ذکر گردیده و در این راستا در ابتدای بحث، نقش عناصر مصنوع لایه منظر تعریف شده و بدنه های شهری و سایر عناصر مصنوع مستقر در فضا، به عنوان مهمترین موضوعات، اجمالاً بیان گردیده است. عناصر طبیعی منظر شبانه به عنوان عامل هویت طبیعی شهر معرفی و نقش و جایگاه آن در منظر شبانه زیباشناسانه تعریف شده و در نهایت، انسان و فعالیت هایش به عنوان حس پاسخ از لذت به یک قرارگاه رفتاری و دیدن فعالیت های انسانها در لایه منظر شبانه تشریح گردیده است. در انتهای مقاله در بخش نتیجه گیری اهداف اصلی منظر شبانه زیبایی شناسانه شهر به همراه نقش هر یک از عناصر منظر در جدولی گردآوری و جمع بندی شده است.

واژگان کلیدی: منظر شبانه شهر، زیبایی شناسی، نورپردازی، رنگ.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۲۱۵۹۱۴۲، رایانامه: f.habib@srbiau.ac.ir

این مقاله برگرفته از رساله دکتری تحت عنوان «مولفه های منظر شبانه شهر» به راهنمایی دکتر فرح حبیب و نگارش گودرز سهرابیان بوده که در آن مطالعه زیبایی شناسی به عنوان یکی از مولفه های منظر شبانه شهر معرفی گردیده است.

مقدمه

شهر مکان پیدایی شکل برونی یا چهره شناساننده رویدادها و نهضتها و شکوفایی های اجتماعی و هنری و تحولاتی است که در پی به میان آمدن شیوه های جدید تولید رخ نموده اند و می نمایند. شکل شهر بازگو کننده زندگانی یکایک شهروندان آن است، کسانی که هر یک زندگی فردی و شخصی خود را پی می گیرند و به تناسب توان و نوع پیوندهایی که با محیط شهری برقرار می کنند، شکلی دگر به فضای زندگی انسان می دهد (نویسی، ۱۳۷۳، ص ۶۳). شهر عبارت است از کالبدی برای فعالیت های اجتماعی سازمان یافته، این تعریف ساده عناصر اصلی شهر، یعنی کالبد، فعالیت های اجتماعی و بالاخره سازمان یافتگی و روابط این عوامل را با یکدیگر بیان می کند (فرید، ۱۳۶۸، ص ۴). تماشای شهر، هر چقدر که مناظر آن معمولی باشد می تواند دلپذیر باشد. عوامل متحرک هر شهر، خاصه مردم و فعالیت های آنان، همان قدر در ایجاد تصویر شهر در ذهن موثراند که عوامل ثابت جسم شهر، و آدمیان نه تنها ناظر مناظر شهر اند بلکه خود نیز جزئی از آن هستند. در حال حاضر شهری که محیطش زیبا و دلنواز باشد، نادر است و یا حتی به گمان برخی اصلا وجود ندارد. شهری زیبا آن است که تمام مظاهر آن نیکو باشد. تنها پاره ای از شهرها اجزائی خوش دارند و اکثر مردم زشتی شهری که در آن ساکن هستند برایشان آشکار است و از تراکم، دود، آشفستگی و یکنواختی بسیار آن شکایت دارند (مزینی، ۱۳۸۷، ص ۱۰). در راستای رسیدن به شهری با مناظر و سیمای سامان در شهرها نیاز به الگویی مناسب برای زیباسازی وجود دارد. الگویی که در صورت اعمال آن بتوان به آشفستگی های کالبدی و بصری شهرها خاتمه داد. فضاهای شهری با فعالیت های درونی آن تعریف می شود و همین فعالیت ها و روابط مابین انسان ها، تصاویر ذهنی و از سوی دیگر خاطره شهری را سبب می شود؛ بدین معنی که هرچه قدر یک مکان دارای بستر

مناسب بیشتری برای فعالیت های مختلف باشد به میزان حافظه جمعی آن جامعه افزوده می شود. بر اساس فعالیت هایی که در یک مکان انجام می شود، خاطره هایی در ذهن استفاده کنندگان آن فضا نقش می بندد و جزئی از تصویر ذهنی آنها از مکان می شود. لذا جهت بهبود حیات شبانه اجتماعی نیاز به وجود فضاهای عمومی غنی در شب حس می شود. ارتقاء تصاویر ذهنی خوانا و مطلوب از فضاهای شهری در شب میتواند به سرزندگی و کیفیت آن فضاها در شب و در نهایت بالابردن حیات شبانه اجتماعی شهر بیانجامد. پرداختن به تصاویر ذهنی ساکنان از آن جهت اهمیت بیشتری می یابد که به دنبال آن، کیفیاتی نظیر «معنی، هویت و خوانایی» مطرح می شود. اکثر مدیران و کارشناسان ما در عمل بین ذهنیت و عینیت تفاوتی نمی گذارند و به آنچه در ذهن شهروند می گذرد اهمیت نمی دهند. ایشان در تئوری و عمل، به تصاویری که شهروند ایرانی بر اساس تجربیات فردی و جمعی خود در طول تاریخ، در ذهن خود از مکان های زندگی اش پرورانده است، بی توجه اند. تصویر ذهنی شهروندان از شهر در شب متفاوت میباشد، بنابراین میتوان با در نظر گرفتن معیارهای شکل گیری تصویر ذهنی در شب و با تاکید بر عناصر عمده تاثیر گذار بر آن در طراحی فضای شهری موجب ارتقاء تصویر ذهنی شهر در شب و خوانایی و پویایی هرچه بیشتر فضای شهری در شب شد.

از سویی دیگر، شهر به عنوان بستر زندگی انسانها، حاصل مداخلات آنها در محیط طبیعی جهت تامین نیازهایشان در مقاطع مختلف تاریخی بوده و از نحوه ترکیب محیط انسان ساخت با محیط طبیعی بر اساس فعالیت های انسانها شکل شهرها حاصل می گردد. افزایش مداخلات انسان در محیط طبیعی بالاخص در کشورهای در حال توسعه به دلیل بالا رفتن جمعیت و رشد سریع شهرنشینی و تسلط محیط انسان ساخت حاصل از روابط انسان معاصر، چهره شهرها را دگرگون کرده و در معرض

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۱۸۸

تهدید قرارداد و یکی از موضوعات اصلی طراحی شهری را مطالعه پیرامون منظر شهر مبدل کرده است. منظر شهر به عنوان اولین لایه سطح تماس انسان با شکل شهر، تصویری از خود را در معرض نمایش گذاشته و در نور طبیعی شرایطی را به وجود می آورد که تمامی جلوه ها و زوایایش قابل رویت بوده و انسان با حرکت در فضا، محیط را با تمامی ویژگی های بصری اش درک می کند. مناظری که گاه دارای ارزش زیباشناسانه و بالطبع دلچسب بوده و گاه آزاردهنده می باشند. با فرا رسیدن شب و زمان تاریکی قدرت بینایی کاهش یافته و مناظری که در روشنایی روز تمام رخ جلوه نمایی می کردند از نظرها پنهان می گردند. این در حالی است که با فرارسیدن این لحظه از شبانه روز، زمان اوقات فراغت عموم افراد جامعه نیز فرارسیده و حضور انسانها در فضاهای شهری افزایش یافته و پرسه زدن های شبانگانه آغاز می گردد. در زمان تاریکی، محیط های شهری منظر شبانه خود را با استفاده از نور در معرض نمایش گذاشته و اجزاء خود را نمایان می سازند. در این زمان منظر شبانه شهر به عنوان یک فرصت می تواند شرایطی را به وجود آورد که زشتی های روز قابل رویت نبوده و زیبایی ها جلوه گر شوند و مناظری که در زمان روشنایی روز کاملاً قابل رویت و شاید آزاردهنده بودند، در تاریکی شب از دید افراد پنهان گشته و چهره متفاوتی از خود را جلوه گر می سازند و از طرفی دیگر مناظری که در زمان روشنایی روز دارای ارزش های زیباشناسی و مطلوب بوده اند، در زمان تاریکی و در لایه منظر شبانه شهر از طریق نورپردازی مناسب، زیباتر از روز خود جلوه نمایی می کنند.

چنانچه فرصت به وجود آمده برای منظر شبانه شهرها کنترل نشده و استفاده مطلوب نگردد منظر شبانه شهر می تواند به شکل ناخوشایندی جلوه گر گشته و تهدید بصری جدی تری نسبت به زمان روز خود نیز باشد. اتفاقی که در حال حاضر گریبانگیر بسیاری از شهرهای بزرگ کشورمان بوده و منظر

شبانه شهر به صحنه نمایش قدرتمندان و ثروتمندان تبدیل گردیده است. پیشرفت تکنولوژی و ساخت انواع لوازم روشنایی شرایطی را به وجود آورده که منظر شبانه شهرها صحنه نمایش قدرت ثروتمندان شده و استفاده ابزاری از نور اغلب بدون توجه به موضوعات کیفی تنها جهت به رخ کشیدن اموال و دارایی های افرادی باشد. منظر شبانه شهر می تواند شرایطی را به وجود آورد که نیاز زیباشناسی افراد تامین شده و در زمان تاریکی شب تجربه متفاوتی از خود را عینیت بخشاید. در این مطالعه زیباشناسی به عنوان یکی از مولفه های منظر شبانه شهر معرفی و نقش آن در منظر شبانه شهر تشریح می گردد.

روش تحقیق

در این مطالعه روش توصیفی- تحلیلی جهت تدوین مقاله استفاده گردیده است. بدین منظور جهت شفاف سازی متون و رسیدن به هدف اصلی مطالعه، معیارهای مولفه زیبایی شناسی منظر شبانه شهر، منابع در ارتباط با منظر شهر و جایگاه آن در فرآیند طراحی شهری و همچنین مولفه زیبایی شناسی به عنوان یکی از مهمترین نیاز های انسان مطالعه و بررسی شده است. بدنبال آن جهت نیل به تالیف معیارهای مولفه زیبایی شناسی منظر شبانه شهر، متون تخصصی پیرامون منظر شبانه شهر و نورپردازی فضاهای شهری مطالعه و همچنین نمونه های موفق جهانی در ارتباط با این موضوع، دستاوردها و اصول اصلی آنها مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت هدف اصلی این مطالعه تدوین معیار های مولفه کیفی منظر شبانه شهر بوده و در بخش نتیجه گیری در قالب جدولی بیان گردیده است.

ادبیات تحقیق

«رویکرد پازتیو» به دانش طراحی شهری به منزله نگاه متفاوت به تشخیص ارزشهای محیطی است که نیازمند فرآیند متفاوتی از اقداماتی در جهت تولید راه حل های کیفی به مسئله و نگرشی متفاوت به خصاص مکان در جهت تشخیص جوهره و ماهیت ویژه آن است. بر این اساس رویکرد پازتیو دارای

نگرشی در بعد «ماهیت» و در بعد «رویه» می‌باشد:
۱- «رویکرد رویه‌ای»: مفهوم بعد رویه به رویکرد پازتیو تعیین قدم‌ها و مراحل از اقدامات در روند و فرآیند تصمیم‌سازی و اولویت‌بخشی به آنها در جهت دستیابی به محصول طراحی است. این روند حاوی سلسله مراتبی از اقدامات در خصوص تشخیص مسئله، تحلیل مسئله و ارائه تسلسلی از تصمیمات و راه‌حل‌ها می‌باشد. لیکن مهمترین بخش از فرآیند در بعد رویه تشخیص مقیاس و سطح تفصیل محصول موردانتظار است. به عبارت دیگر حیطه کار و نحوه ارجاء آن به تصمیمات سطوح فرادست و فرودست مهمترین بخشی از تصمیمات بعد رویه را تشکیل می‌دهد. بدیهی است که هر سطح از محصول مورد انتظار تعیین‌کننده عرصه و حیطه عمل، میزان تفصیل برداشت اطلاعات، ماهیت و میزان تفصیل محصولات را در تصمیم‌سازی رقم می‌زند.

۲- «رویکرد ماهوی»: دانش طراحی شهری در فرآیند بلوغ خود تحولات بنیانی را در ابعاد مفهومی شاهد بوده است. بخشی از این تحولات تعمیم تأکیدهای سنتی این دانش از ابعاد صرف کالبدی به زمینه‌های معنی و عملکرد است. در این راستا ماتيوکرمونا (۱۹۹۸) موضوعات و مؤلفه‌های کیفی قابل توجه در ابعاد ماهوی را در ۸ موضوع طبقه‌بندی می‌نماید لیکن برخی از آنها مانند موضوعات بصری و زمینه‌ای عملاً در یکدیگر قابل ادغام می‌باشند و نهایتاً مؤلفه‌های چهارگانه «نظم فضایی، نظم بصری، نظم کالبدی و عرصه عمومی» مؤلفه‌های پایه چهارگانه را در بعد ماهوی تشکیل می‌دهند. بدیهی است کلیه مؤلفه‌های پایه چهارگانه کیفیت محیط حاوی مفاهیم ادراکی از منظر بهره‌برداران فضا می‌باشند که همزمان جنبه‌های مضاعف ممیزی مکان را تشکیل می‌دهد.

زیبایی

مطابق تعریف فرهنگ فارسی عمید، زیبا به معنی: زیننده، نیکو، خوب، خو برو، خلاف زشت. و زیبایی: زیبا بودن، و خوبی. می‌باشد. افلاطون زیبایی را

برداشت انسان از زیبایی در کیفیت اعمال انسانی یا وجه کاربردی زندگی می‌داند: «هرکاری که به وجه زیبایی انجام داده شود زیباست و اگر به طرز زشتی انجام شود زشت است.» او زیبایی را این گونه تعریف می‌کند: «زیبایی همیشه هست نه از بین می‌رود، نه بزرگتر و کوچکتر می‌شود.» طبیعت آن چنین نیست که از یک لحاظ زیبا باشد و از لحاظ دیگر زشت، یا اکنون زیبا باشد و وقت دیگر زیبا نباشد یا در مقایسه با یک چیز زیبا باشد و در مقایسه با دیگری زشت باشد یا در یک مکان زیبا باشد و در مکانی دیگر زشت یا به نظر یک عده زیبا و به نظر عده دیگر زشت. زیبایی چیزی است که با خود و برای خود، ابدی و مطلق وجود دارد. هر امر زیبا به نحوی از زیبایی بهره‌ای دارد. افلاطون در همین قیاس عشق را تعریف می‌کند: به هر خواستی عشق نمی‌گوییم، عشق خواستی غیرمعمول است به همین علت نیز ما یک عده معدود را که از راه ویژه‌ای در جستجوی خوب هستند، عشق می‌نامیم (دریایی، ۱۳۸۶، ص ۱۲). به راستی همه کسانی که در یک شهر تلاش می‌کنند تا زیبایی چشم‌نوازی را برای شهروندان بیافرینند، چه معمار چه شهرساز و چه هنرمند عاشق است میل به خوبی دارد و این عشق و خوبی او را به وادی نامحدود هنر آفرینی زیبایی‌ها رهنمون می‌سازد. اگر زیبایی را صرفاً کیفیتی ساده‌انگاریم تنها به راه درک آن از طریق شهود اکتفا کردیم در حالیکه ما در قبال موضوعات زیبا شناسانه و مقایسه آنها به احتجاج و دلایلی برای استدلال و توجیه منطقی نیازمندیم. یعنی ما ملاک‌هایی را در نظر بگیریم تا توسط آنها بتوانیم نازیبایی را در میان عوامل زیبا تشخیص دهیم. در درک زیباشناسانه هنر هم عوامل عاطفی و هم عوامل عقلی در آن دخالت دارند. یعنی موضوعی مرکب است. کانت در کتاب نقد داوری درباره داوری زیبا شناختی بین داوری ذوقی و داوری موضوعات مطبوع تفاوت می‌گذارد. داوری ذوقی را فارغ از تعلقات منفعت طلبانه و داوری مطبوع به بهره‌مندی

حواس ظاهری ما مربوط می‌داند. وی حتی زیبایی را به دو قسم آزاد و وابسته تقسیم می‌کند. همچنین به نقش قوه تخیل و فاهمه در درک زیبایی تأکید می‌ورزد (دریایی، ۱۳۸۶، ص ۲۵). در همین حال شوپنهاور تجربه شناختی اشیاء را در حالت آزاد و فارغ از خواسته‌ها و محدودیت‌های فردی مورد تأمل قرار می‌دهد. ولی نکته قابل تأمل و اساسی آن است که برای دریافت معیارهای زیبا شناختی باید در باره جامعه و زمانه‌ای که اثر هنری یا شهردر آن آفریده شده است آگاهی کسب کنیم. به عبارت دیگر اگر شهر را همچون اثر هنری زنده‌ای بدانیم که گروهی از اجتماعات در آن زاده شده، بلوغ یافته، زندگی کردند و رفتند و بر این اثر، اثری گذارده‌اند، پس شناخت آن جوامع و دوره‌های مختلفی که این شهر را متحول کرده است و یا حتی اثر منفی و مخرب بر آن داشته‌اند می‌تواند در قضاوت زیبا شناسانه ما مؤثر افتد. کانت در تعریف زیبا می‌گوید: زیبا چیزی است که رها از غرض و بهره موجب لذت گردد به عبارت دیگر زیبا آن است که لذت را بیافریند. «کانت معتقد است که با دیدن پدیده‌ای زیبا لذتی در ما بوجود می‌آید. وی در بیانات خود از دوحس زیبایی و والائی یاد می‌کند. زیبایی به ادراک حسی ارتباط می‌یابد ولی درک والایی با مفاهیم عقلی در ارتباط است. خود والایی به والایی ریاضی و والایی پویا تقسیم می‌شود. در همین ارتباط زیبایی هنری و زیبایی طبیعی را جداگانه بررسی می‌کند، زیبایی هنری را موضوعی و زیبایی طبیعی را عینی می‌داند» (دریایی، ۱۳۸۶، ص ۲۵). ما در بررسی زیبایی منظر شهری می‌توانیم از این دو تقسیم‌بندی بهره‌جسته و در شهر با توجه به اقلیم و موقعیت جغرافیایی که دارد، دست به اقدامات زیبا سازی بزنیم. همچنین با توجه به ویژگیهای فرهنگی و تاریخی و پیشینه آن شهر و با استفاده از زیبایی طبیعی، زیبایی‌های هنری موضوعی را خلق کنیم که در ایجاد لذت در شهروندان نقش مهم و حساسی را ایفا می‌کند.

زیبایی‌شناسی شهری

رفتار زیباشناختی عبارتست از قابلیت آنکه از اشیاء چیزی درک کنیم بیش از آنچه که اشیاء هستند (پاکزاد، ۱۳۸۸، ص ۹۳). لغت زیباشناختی (استتیک) در اصل یونانی است و به معنی ادراک است. علم زیباشناختی به معنای وسیع کلمه به بررسی و روشهای احساس محیط و موقعیت فرد در داخل آن می‌پردازد. شناختن زیبایی، شناسائی انواع زیبایی‌ها، علمی که درباره زیبایی و احساساتی که از مشاهده زیبایی در انسان پیدا می‌شود بحث می‌کند و علم الجمال می‌باشد (دریایی، ۱۳۸۶)؛ یعنی ما ملاک‌هایی را در نظر بگیریم تا توسط آنها بتوانیم نازیبایی را در میان عوامل زیبا تشخیص دهیم (دریایی، ۱۳۸۸، ص ۲۵). این ملاکها در شهر با توجه به مولفه‌ای مختلفی بررسی می‌شود؛ یعنی ما قواعدی در رابطه با ابعاد، فرم، رنگ، طراحی و مکان‌یابی عناصر شهری وضع نموده و زیبایی شهر را بر این اساس بسنجیم. بیشترین شهرهایی که هم‌اکنون زیباترین فرض میشوند نتیجه مترامم‌نوعیت‌ها و راهنماییها در مورد ساخت، اندازه‌ها، کاربردها و ویژگی‌ها هستند این منجر می‌شود به امتیازات اساسی، درعین حال سبک‌ها، ایمنی و اغلب موارد روشهای عملی را بهبود می‌بخشد.

زیباسازی شهری

مطابق مصوبه کمیته زیباسازی کلانشهرهای کشور در سال ۱۳۸۰، زیباسازی به کلیه اقدامات آگاهانه‌ای گفته می‌شود که توسط شهرداری‌ها برای ارتقاء کیفیت محیط شهری صورت پذیرفته و شهر را برای زندگی ساکنانش مناسب‌تر می‌سازد (سعیدی، ۱۳۸۶). زیباسازی عبارتست از فرایند بهبود، بهسازی و یا پیشرفت بصری (دیداری) که برای یک شخص، مکان و یا چیزی انجام می‌شود. زیباسازی با توجه به شهرک، شهر، و یا منطقه شهری شامل: کاشت درخت، بوته‌زار و سایر گیاهان سبز و همچنین اغلب شامل افزودن چراغ‌ها و کف‌سازی با آجر و سایر مواد و مصالح طبیعی، بعضی اوقات استفاده از قلوه

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

سنگ برای پیاده روها و تامین امکانات و تجهیزاتی برای ماشین‌های سواره می‌باشد. پروژه‌های زیباسازی توسط شورای شهر تصمیم‌گیری برای نوسازی، مناطق پائین شهر، به منظور افزایش توریست و بهبود سایر امور تجاری و بازرگانی می‌شود.

هدف زیباسازی فراهم آوردن محیطی است که تمامی شهروندان در آن احساس لذت کنند. نگاه زیباسازی به شهر ارتقاء کیفیت محیط شهری است و برای رسیدن به این اهداف از ۴ روش بصورت کلی استفاده می‌نماید:

- ۱- رفع نازیبایی‌ها؛
- ۲- وضع قوانین، ضوابط و مقررات شهری برای ایجاد و حفظ زیبایی‌ها؛
- ۳- احداث و بهبود فضاهای شهری مناسب و متنوع؛
- ۴- به کارگیری مبلمان شهری مناسب و استاندارد (سعیدی، ۱۳۸۶).

چهره شهر با رفع نازیباییها اصلاح و با رعایت قوانین و مقررات شکل واقعی خود را پس از گذشت مدتی باز می‌یابد. همچنین نیازهای فیزیکی و روانی شهروندان و اعضاء این خانواده بزرگ با ایجاد و گسترش فضاهای شهری و بکارگیری مبلمان مناسب بر طرف می‌گردد؛ بنا بر نص صریح قانون، شهرداری‌ها موظف به رفع نازیبائی از چهره شهر هستند. رفع نازیبائی اولین و کم هزینه‌ترین اقدام در رسیدن به شاخصه‌های زیباسازی شهری است.

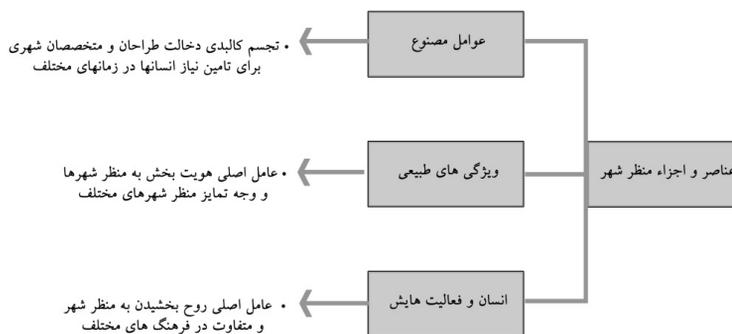
منظر شهری

منظر شهری هنر یکپارچگی بخشیدن بصری و ساختاری به مجموعه ساختمانها، خیابان‌ها و مکان‌هایی است که محیط شهری را می‌سازند. مفاهیم منظر شهری اولین بار به وسیله گوردون کالن در مجله آرشیئتکتورال ری‌ویو عنوان شد. دورنمای شهر (منظر شهر) را هر روز می‌بینیم و لذت بصری ما از شهر درگروی وجود یک منظر شهری خوب می‌باشد. از یک منظر خوب شهری وقتی آگاه می‌شویم که آنرا به چشم ببینیم - شکل،

مقیاس و زیبایی ساختمانهائی که شریک در ایجاد این منظر هستند، مورد تمجید قرار می‌دهیم - از تغییرات غیرمنظره در آن پرهیز می‌کنیم و در مقابل از دست دادن ساختمانهای آشنا و ارزشمند در شهر مقاومت می‌کنیم و خطر ناشی از ترافیک که ما را از خیابان‌ها و کوچه‌ها به انزوا می‌کشاند، جایی که زمانی در آن در امنیت کامل قدم می‌زدیم، درک میکنیم و به دلیل این درک و حساسیت در حفظ فضای شهری در فکر اعتلای منظر شهری از وضعیت موجود به یک وضعیت برتر هستیم. گر چه منظر شهری هیچوقت کامل نبوده و نخواهد بود، ولی پهلوی هم گذاری اجزاء سازنده آن، ساختمانها، خیابان‌ها و فضاهایی که در فرم و شکل فضائی آن موثر هستند، به مثانه جمله ای است که دارای ساخت علمی بوده، و معنی کامل وقتی از آن استنتاج می‌شود که قواعد و ارتباط لازم بین کلمات مراعات شده باشد (طیبیان، ۱۳۷۷، مقدمه). در واقع منظر شهری، مجموعه‌ای از هماهنگی و تناسبات فیزیکی اشیاء و ساختمانها در یک شهر و تاثیر بصری آن بر روی حواس انسان را بررسی می‌کند. در ترکیب یک منظر شهری عوامل مختلفی دخالت دارند، از جمله آنها می‌توان به راههای پیاده رو، کف، موانع (آب، درختان، تغییر سطح، نرده کشی)، درختان، خطاطی روی دیوارها، تبلیغات، نرده کشی‌ها، حصارها، پله‌ها، جاده، روشنایی خیابان‌ها، دیوار، بازدارنده‌ها، نشانه‌ها، آب، تغییر سطح، اشاره کرد. چینش اشکال و عناصر شهر، ساختمانها و عوامل موثر در منظر شهری فضاها و احساسهای مختلفی را در بیننده بوجود می‌آورد. فضاهایی مثل: فضاهای نیم محصور، بسته، فضای برون، فضاهای بسته تودرتو، فضاهای غیرواقعی (واهی)، فضای تعریف شده، فضاهای محصور و احساس‌هایی نظیر: بی‌پایانی، اسرارآمیز بودن، انتظار، اینجا و آنجا بودن، مالکیت، خاطره برانگیز بودن، صمیمیت.

منظر شبانه شهر

در زمان حضور انسان در عرصه‌های عمومی، شکل

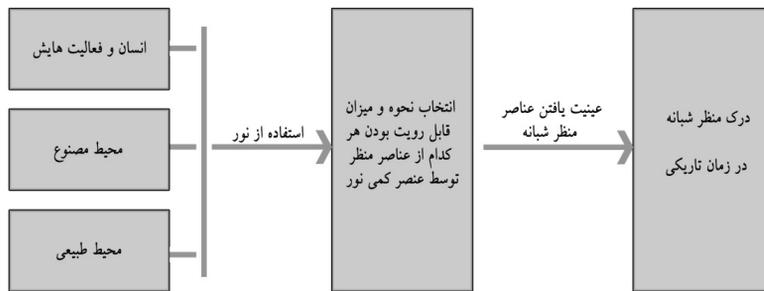


نمودار ۱. نقش اجزای منظر شهر؛ ماخذ: نگارندگان.

مستقیماً محسوس تبدیل می شود (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱). حس بینایی به عنوان حس غالب در این مرحله بیشترین اطلاعات را دریافت کرده و تقریباً هشتاد درصد اطلاعات دریافتی از طریق این حس انجام می گیرد. (Bartenbach, ۲۰۰۹)

در زمان تاریکی شب در انتقال پیام هایی که از طریق حس بینایی دریافت می گردید، اختلال به وجود آمده و لایه منظر شهر به کمک نور قابل ادراک می گردد. در این زمان فیزیک نور مشخص می کند که منظر شبانه شهر برای چه موضوعاتی، از چه فاصله ای، به چه شکلی و برای چه افرادی عینیت یافته و لایه منظر شهری با اهداف مشخص را متفاوت و یا مشابه با روز خود نمایان می سازد. به عبارتی دیگر، منظر شهر در زمان تاریکی خود با سناریوهای مختلف به صحنه تئاتری مبدل می گردد که اجزای و شخصیت های آن از طریق نور به ایفای نقش خود می پردازند. در مرحله بعد اطلاعات دریافت شده از محیط در ذهن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و انسان بر اساس ماهیت وجودی خود که متشکل از تجارب، آموخته ها، خاطرات و طرح واره های ذهنی اش می باشد بخشی از این اطلاعات را در ذهن خود ثبت کرده، معنای معینی برای آنها به وجود می آورد و تصویر ذهنی خود را تشکیل می دهد. این تصویر ذهنی می تواند در منظر شبانه شهر به کمک نور نسبت به تصویر روز خود، قوی تر شده و ذهنیت منسجم تری را برای افراد از شکل

شهر واقعیتی مستقل از ناظر با تمام ویژگی ها و اجزاء ملموس خود در ارتباط با وی قرار می گیرد. اجزا و ویژگی هایی که از طریق حواس پنجگانه انسان قابل درک بوده و بر اساس نظریه اطلاعات، محیط، واقعیتی مستقل از ناظر، فرستنده اطلاعات می باشد. انسان به عنوان مخاطب فضای شهری از طریق حواس پنجگانه خود بخشی از این اطلاعات را دریافت کرده و اطلاعات ارسال شده از شکل شهر شامل عناصر طبیعی، عناصر مصنوع و انسان و فعالیت هایش می باشند (حبیب، ۱۳۹۱، ص ۱۱۹). عناصر مصنوع شکل شهر شامل اقدامات کالبدی می باشند که انسان ها در دوره های زمانی مختلف برای تامین نیاز های خود در بستر طبیعی انجام داده اند و عناصر طبیعی شکل شهر عامل هویت بخش به منظر شهرها بوده و وجه تمایز منظر شهرها نسبت به یکدیگر می باشند. انسان و فعالیت هایش وجه اصلی روح بخشیدن به منظر شهرها بوده که بر اساس تفاوت رفتاری انسانها در فرهنگ های مختلف، متفاوت می باشند. انسان با توجه به موقعیت، زمان و توانایی های فیزیولوژیکی خود بخشی از این اطلاعات ارسال شده از اجزای شکل شهر را ادراک می کند. این پیام ها که توسط حواس انسان دریافت می گردند چنانچه معنای مشترک در ذهن انسان داشته باشند، درک شده، عینیت یافته و لایه منظر شهر را تشکیل می دهند. در این لایه بخشی از اطلاعات محیط به کیفیتی



نمودار ۲. فرآیند ادراک منظر شبانه؛ ماخذ: نگارندگان.

زمینه‌گرا و در نظریات پست مدرنیست‌ها مطرح می‌شود و «کیفیت منظر شهری در این دوره به مثابه رویدادی است که در جریان داد و ستد میان خصوصیات کالبدی و محسوس محیط از یک سو و الگوها، رمزهای فرهنگی و توانایی‌های ذهنی فرد ناظر از سوی دیگر، شکل می‌گیرد» (گلکار، ۱۳۸۷، ص ۱۰۶).

منظر شبانه زیباشناسانه

نظریه‌ها و دیدگاه‌های متعددی پیرامون زیبایی‌شناسی در علوم مختلف مطرح بوده و همین موضوع آن را به یکی از ناشناخته‌ترین نیازها تبدیل کرده است. بر طبق نظریه اطلاعات، اطلاعات سمانتیک یک پیام ذهن انسان را مشغول کرده و در مقابل اطلاعات زیبا شناختی عواطف انسان را مخاطب قرار می‌دهد. براین اساس یک پیام زمانی زیبایی را القا می‌کند که پرت اطلاعاتی کافی داشته باشد و این پرت اطلاعاتی آن قدر باشد که میزان بداعت آن یعنی محتوا زیبا شناختی آن حداکثر دریافت ذهنی انسان باشد تا گیرنده مجبور به تشکیل طرح‌واره شود و ذهن اجباراً خود را معطوف به ادراک بالاتری کند (گروتز، ۱۳۸۸، ص ۹۶). میزان بداعت بایستی در هر سطح ادراکی کمی بیشتر از ظرفیت حداکثر دریافت ذهن باشد. ارضای حس زیبایی‌شناسی - لاقبل تا حدی - زمانی به دست می‌آید که ذهن در مجموعه‌ای از تحریکات ظاهراً غیر منظم و مغشوش موفق به کشف یک نظم نسبی گردد (گروتز، ۱۳۸۸، ص ۹۷). این اطلاعات در منظر شبانه

شهر تشکیل دهد.

دکتر کورش گلکار در مقاله‌ای تحت عنوان «محیط بصری شهر» روند تکاملی شهر را به مثابه زنجیره‌ای متشکل از چهار حلقه، که هر حلقه الگوی خاصی از مفهوم منظر شهری را نمایندگی می‌کند، تشبیه نموده است:

۱. در مرحله نخست محیط شهری هندسه و ویژگی‌های ملموس خود، نظیر ویژگی‌های بصری، صوتی، بو و غیره را در معرض حواس پنجگانه انسان قرار می‌دهد، در این مرحله اصطلاحاً محیط شهری توسط فرد مورد «ادراک» قرار می‌گیرد؛

۲. در مرحله دوم، محیط شهری توسط فرد مورد «شناخت» قرار می‌گیرد. در این مرحله ذهن فرد بر اساس داده‌های محیطی، طرحواره‌های ذهنی، تجارب و خاطرات قبلی تصویری از محیط ساخته و معنای معینی را به محیط الصاق می‌نماید.

۳. در مرحله سوم، ذهن فرد بر اساس شناختی که از محیط به دست آورده و بر مبنای فرآیندهای تأثیری و ارزش‌یابانه نسبت به محیط واکنش مثبت یا منفی پیدا می‌نماید.

الگوهای مختلفی که تا کنون مفهوم منظر شهری به خود گرفته‌اند عبارتند از:

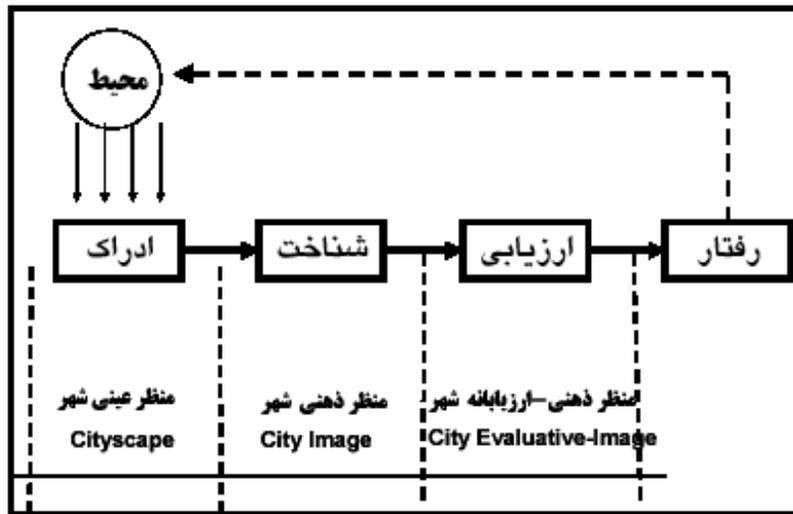
۱- منظر شهری آرایشی - تزئینی؛

۲- منظر شهری عملکردی - برنامه محور؛

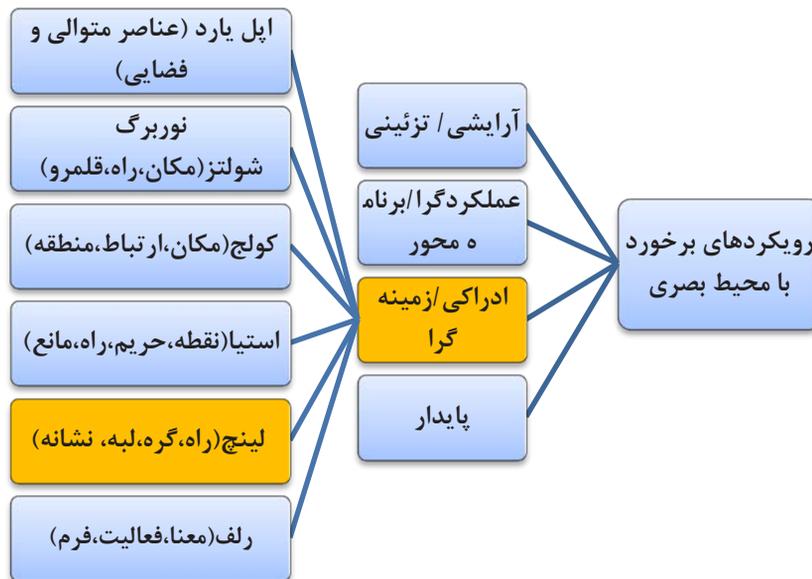
۳- منظر شهری ادراکی - زمینه‌گرا؛

۴- منظر شهری پایدار (گلکار، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲).

مفهوم تصویر ذهنی اولین بار در رویکرد ادراکی -



نمودار ۳. سیستم منظر شهری در فرایند تعامل انسان و محیط؛ ماخذ: گلکار، محیط بصری شهر.



نمودار ۴. رویکردهای برخورد با محیط بصری؛ ماخذ: نگارندگان.

منظر شبانه شهر همانطور که ایمن بوده و امکان حضور انسانها را فراهم می سازد، بدنبال آن بایستی لذت بخش بوده و دارای ارزش های زیبا شناسی باشد. منظری که حس عمومی خوشایندی که برگرفته از راحتی و آسایش بصری است را برای استفاده کنندگان خود در زمان حضور در فضاهای شهری تامین می کند (Casciani, ۲۰۱۲). اهمیت

از طریق حس بینایی درک شده و منظر شبانه زیبا را محصول هنری برانگیزاننده حواس انسان بخصوص حس بینایی تعریف می کنیم. محیطی که به تعبیر «سانتایانا» برای نظاره گر خود لذت بخش است و بار ارزشی مثبت آن برگرفته از رویکرد اکولوژیکی ادراک انسان بوده و در ذات شیء یا رویداد می باشد (لنگ، به نقل از سانتایانا، ۱۳۸۳، ص ۲۰۸).

جدول ۱. عوامل سازمان دهنده تصویر ذهنی از دیدگاه نظریه پردازان رویکرد ادراکی - زمینه گرا؛ ماخذ: نگارندگان.

نظریه پردازان رویکرد ادراکی - زمینه گرا						
رلف	کولج	دیوید استیا	نوربرگ شولتز	اپل یارد	لینچ	عوامل سازمان دهنده تصویر ذهنی
معنا فعالیت فرم	مکان‌ها ارتباطات مناطق	نقاط، حریم‌ها راه‌ها موانع	مکان، راه، قلمرو	عناصر متوالی (راه، گره) عناصر فضایی (نشانه، حوزه، لبه)	راه، گره، لبه، نشانه، حوزه	

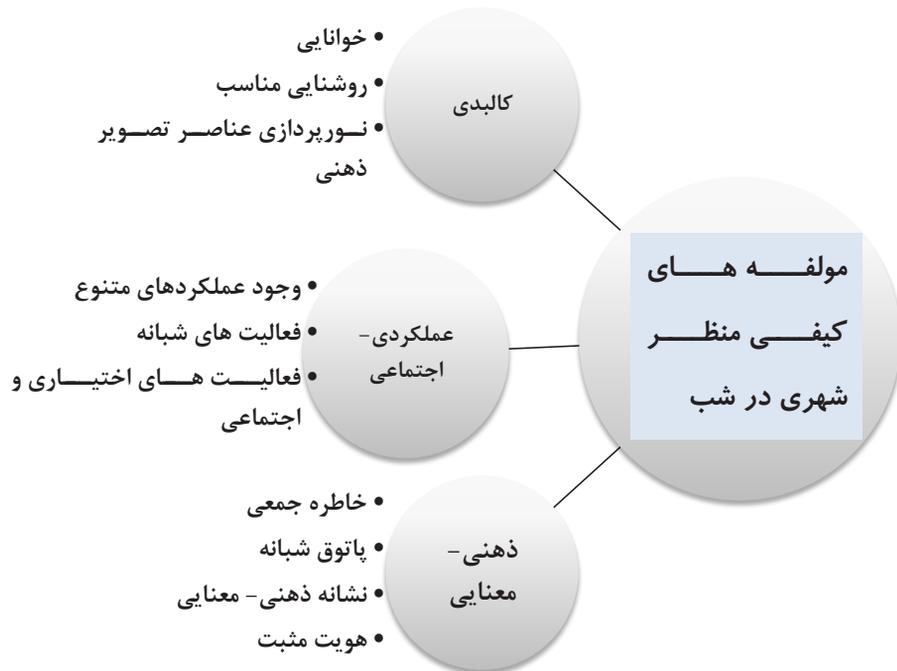
مناسب و منطقی می‌تواند در ایجاد محیط آرام و جذاب مشارکت کند. به نظر می‌رسد با تغییر نورپردازی بسیاری از مکان‌ها و فضاهایی که از آنها استفاده می‌گردد، نه تنها می‌توان آشفتگی مناظر شب را کاهش داد بلکه جنبه‌های سلامت انسان و آسایش او در منظر شب نیز تاکید نمود و تاثیر مثبت بر شیوه زندگی انسان مدرن داشت (امین زاده، ۱۳۸۷). برای رسیدن به این موضوع، مفهوم نورپردازی شهر چیزی فراتر از تنها نور پاشیدن به یک المان یا ساختمان شهری بوده و مفهوم نورپردازی در برگیرنده تمامی شهر یا منطقه شهری می‌باشد و این مفهوم می‌باید توسط ابزارهای نورپردازی معمارانه، بتواند طراحی هماهنگ و خوش آهنگ در درون خود و همچنین با کل ساختار نوری خلق کنند. در این مقیاس، موضوع تعامل محیط غیر کالبدی و طبیعی، نقش عناصر حیاتی مانند آب و درختان و نورپردازی آنها در کنار عناصر مصنوع و تعامل زیبای میان آنها موجب جذابیت محیط می‌شود (litcht, ۲۰۰۲).

در فرآیند تدوین و تحلیل منظر شبانه زیباشناسانه می‌توان تمایزی میان نورهای عملکردی و نورهایی که با مقاصد زیباشناسانه اجرا و طراحی شده‌اند قائل شد. همانطور که هدف عملکردی و زیباشناسانه نورپردازی حفظ هویت متمایز یک محیط و قلمرو

تامین ایمنی در زمان تاریکی شب در عرصه‌های عمومی تا آنجا می‌باشد که بسیاری از حرفه‌مندان از روشنایی زمان شب، مشابه با نور روز صحبت کرده‌اند. موضوعی که کالن از نیاز به مهندسین برق و محاسبه میزان روشنایی توسط آنها و نبود نقطه کور در شب صحبت می‌کند (کالن، ۱۳۸۲)؛ به عبارت دیگر منظر شبانه اطلاعات کافی را در اختیار انسانها قرار داده تا آنها بدون ترس و واهمه به دریافت اطلاعات خود عکس‌العمل نشان داده و در فضا حضور پیدا کنند و این حضور انسانها باید با تامین نیاز زیباشناسی آنها همراه باشد. در منظر شبانه زیباشناسانه عناصر مصنوع امکان قرائت اطلاعات بصری برای مخاطبان فضا را فراهم ساخته و بدنبال آن استفاده کنندگان فضا استفاده ایمن و لذت بخش از فضا را تجربه می‌کنند (lam, ۱۹۶۵). استفاده لذت بخش از محیط در شب به معنی ایجاد فضایی صرفاً برای بازدید کنندگان نبوده و طرح نورپردازی موفق بایستی بتواند فضایی را خلق کند که به خوبی روشن (و نه افراطی روشن) باشد تا برای ساکنان آن مطلوب باشد (Jarvis and Charnley, ۲۰۱۲). از طرفی دیگر افراط و تفریط در نورپردازی می‌تواند در ایجاد تنش‌های حسی، افزایش اضطراب و نیز مشکلات جسمی ناشی از آن نقش بسیار مهمی داشته باشد و یک نورپردازی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015



نمودار ۵. معیارهای ارزیابی تصویر ذهنی در شب؛ ماخذ: نگارندگان.

نور، جهت تابش نور و موقعیت منبع نوری شمایل متفاوتی را از نورپردازی جلوه گر می نمایند.

رنگ در منظر شبانه شهر

رنگ بخشی از ادراک بینایی می باشد که بتوان توسط مشاهده با یک چشم (و بدون حرکت آن) لکه ای مجرد از ساختارش را از لکه ای مجاور تمیز داد. در یک سبک با نظم پیچیده، در مقایسه با یک نظم ساده، رنگ به نسبت فرم از اهمیت بیشتری برخوردار است. به عبارت دیگر در یک پیام، اجزاء مربوط به رنگ بیشتر بخشی از اطلاعات زیباشناختی بوده و اجزاء وابسته به فرم بیشتر به بخش سمانتیک (تعبیری) آن هستند (گروتز، ۱۳۸۸، ص ۴۸۹). رنگ های متفاوت هر کدام دارای یک اثر ویژه روانی بر روی بیننده هستند و این اثر بیش از هر چیز تابع سه عامل است:

۱. اول مکانی که رنگ در آن بکار رفته است؛
۲. دوم فرهنگ و یا به عبارتی دیگر واحد مقیاس ذهنی و
۳. سوم عوامل اجتماعی- روانی که بر بیننده اثر دارند (گروتز، ۱۳۸۸، ص ۴۸۸).

است، در تغییر نوع نور روز به شب، موضوع حفظ هویت نه تنها نباید از بین برود بلکه باید موکداً بر آن تاکید و تشدید نیز شود و هماهنگی و هارمونی این دو رویکرد در نورپردازی است که می تواند منظر شبانه با مولفه زیباشناسانه را پدیدار گرداند (bartenbach, ۲۰۰۹).

راهبردهای طراحی سایه یکی از موضوعات اصلی مولفه زیبایی شناسی منظر شبانه می باشد. روی هم پوشانی سایه ها می تواند به اندازه میزان روشنایی در ایجاد حس مکان مهم و موثر باشد (Jarvis and charnley, ۲۰۱۲). برای تامین این موضوع حس سه بعدی (شامل بیرون زدگی و تورفتگی) که موضوع سایه ها می باشند، بسیار مورد توجه قرار می گیرد. از آنجایی که معماری و طراحی شهری عمدتاً شامل توده و فضا می باشند، این موضوع یکی از اصول اصلی کار بوده و در طرح ها علاوه بر اینکه نماها نورپردازی می شوند، به عمق ها نیز باید تاکید شود (santen, ۲۰۰۷). انتخاب صحیح تکنیک نورپردازی در این مرحله از کار بسیار مهم می باشد. تکنیک هایی که هر کدام با میزان شدت

رنگی که توسط نور ایجاد می شود نوعی از انرژی است و این انرژی بر عملکرد بدن، ذهن و احساسات انسان تاثیر گذار است. رنگ بر فعالسازی غشایی (موج های مغزی)، عملکرد دستگاه عصبی خود مختار (که سیستم داخل بدن را کنترل می کند) و فعالیت های هورمونی تاثیرگذار است و به دنبال آن رنگ احساسات زیبا شناسانه را بر می انگیزد (Vetch and Newsham, ۱۹۹۸).

در نورپردازی فضاهای شهری، انتخاب صحیح رنگ نور و مکان آن و موضوعی که نیاز به رنگ های خاص دارند موضوع اصلی رنگ نور بوده تا بتوان تعادلی میان اتحاد و پیچیدگی نور و رنگ محیط ساخته شده بوجود آورده و به دنبال آن حس خوشایندی و دلپذیری عموم مردم را تامین کرد. بسیاری از روانشناسان معتقدند که ارتباط بین رنگ های مختلف و عکس العمل های احساسی در مردم، در نتیجه آموزه های فرهنگی می باشد. رنگ محیط ساخته شده در مقیاس های گوناگون معانی مختلفی دارند. این معانی اغلب تابعی از عرف رایج در جوامع هستند. مردم اگر در مورد مفاهیم عرفی حتی سابقه و شناخت روشنی نداشته باشند، باز هم آن را درک کرده و عرف و مفاهیم رنگ در جوامع مختلف متفاوت می باشد (لنگ، ۱۳۸۳، ص ۲۷۳). رنگ ها در فرهنگ های مختلف، نماد فعالیت ها و عملکردهای خاصی بوده و در منظر شبانه زیباشناسانه، استفاده مناسب از رنگ نور در هماهنگی و تعادل عملکرد فضا می باشد. از طرفی دیگر منظر شبانه زیباشناسانه در تقابل انعطاف پذیری با رنگ نور خود قرار می گیرد. این بدین معنی می باشد که منظر شبانه شهر به تجربیات مختلف انسان ها و احساسات آنها در زمان های مختلف احترام گذاشته و همراه با نیاز مخاطبان خود تغییر می یابد. نورپردازی و رنگ نور ویژگی برای منظر شبانه بوجود می آورند که همراه با نیازهای مخاطبان قابل تغییر بوده و در طی زمان تجربه های متفاوتی از خود را به عینیت می رساند. تغییرات زمانی با دو مقیاس بیان می

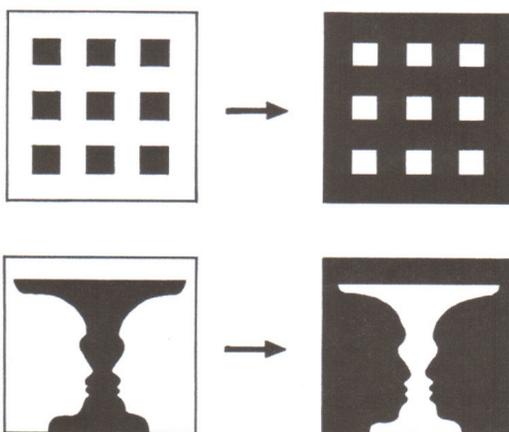
گردد. اولین مقیاس تغییرات دراز مدت و دومین، در کوتاه می باشد. بعضی از وقایع و رویدادها در طی فواصل زمانی طولانی رخ داده و نیازمند پیش بینی در زمان خاصی از سال یا ماه یا حتی هفته می باشند. به عنوان مثال یکبار در سال، تحویل سال نو و یا مراسم عزاداری خاصی اتفاق می افتد. نورپردازی و رنگ آن در فضاهای شهری می بایست در برابر این ایام انعطاف پذیر بوده و متناسب با نیاز شهروندان عینیت یابد. از طرف دیگر فضاهای شهری ماهیتا غیر منقول بوده و این انسان است که با حرکت در فضا آن را درک می کند. و از آنجایی که هر حرکتی نیز نیاز به زمان دارد، لذا تجربه فضاهای شهری نیازمند زمان بوده و بخشی از این بازه زمانی برای گذران اوقات فراغت انسانها در زمان تاریکی اتفاق افتاده و انسانها تا پاسی از شب در فضاهای شهری در حال رفت و آمد هستند. منظر شبانه شهر به کمک نور و رنگ آن شرایطی را فراهم می آورد تا از زمان شروع تاریکی تا پاسی از شب، بسته به نیاز استفاده کنندگان تجربه های متفاوتی را برای افراد عینیت ببخشاند.

عناصر مصنوع منظر شبانه زیبا شناسانه

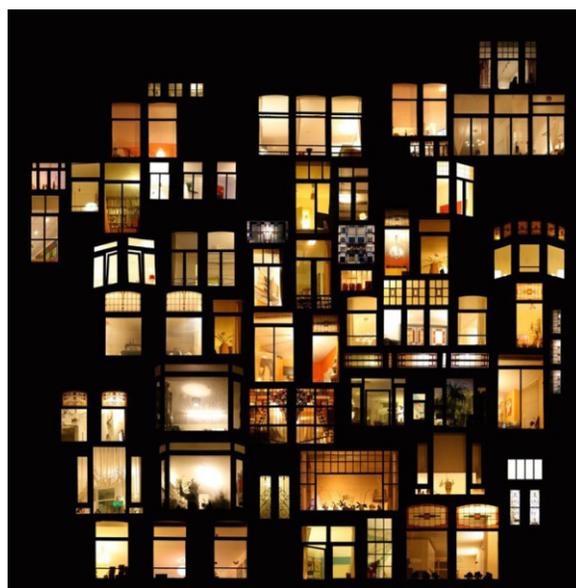
موضوع اصلی عناصر مصنوع در منظر شبانه زیبا شناسانه احجام کالبدی و اندام واره هایی می باشد که ساختار فضاهای شهری را شکل داده اند. برای رسیدن به کیفیت زیبا شناسی، دستاوردهای معماری شامل تاکید بر سطوح شهر (کف خیابانها، ساختمان ها، بدنه های پلها و...)، اجزای مستقر در فضا (المان ها، مجسمه ها، مبلمان و...)، جزئیات معمارانه در نماها و ارتباط آنها با مصالح، فرم ها و موقعیت ابزارهای روشنایی موضوع اصلی کار می باشند. (casciani, ۲۰۱۲) در این راستا جهت تامین کیفیت موردنظر در خصوص نماها و بدنه های شهری، همگرا کردن مناطق مختلف شهری که هر کدام مشخصات و خصوصیات معمارانه خود را دارند موضوع اول عناصر مصنوع منظر شبانه می باشند (Iitcht, ۲۰۰۲).

تغییرات فرمی در دیدگاه مدرنیست، موجب تغییر در نماهای ساختمانها شده و استفاده بیشتر از شیشه در آنها به عنوان یکی از محصولات معماری مدرن، موجب شفاف شدن بدنه های شهری گردیده است. این موضوع در شب موجب شده تا روشنایی داخل به راحتی به خارج نیز انتقال یابد و وارونگی شکل و زمینه از طریق دیوارهای ساختمان ها طی روز با پنجره های روشن زمان تاریکی، موجب وارونگی گشتالت در شب گردد (نوبآشی هارا، ۱۳۹۱، ص ۱۱۰). به عبارت دیگر، می توان بیان داشت که

منظر شبانه شهر ساختارشکن بوده و در زمان تاریکی ساختار شکلی خود را متفاوت با روز خود در معرض نمایش قرار می دهد. این رویداد در منظر شبانه موجب می گردد که نورپردازی نمای ساختمان ها شامل دو پارامتر گردند. اول نورهای از داخل به بیرون و دوم نورهایی که از بیرون می تابند. منظر شبانه زیباشناسانه ترکیب بندی هماهنگ برای این دو موضوع را برقرار کرده و شهر زمانی زیبا و جذاب می شود که نور (به شکل طبیعی) از داخل خانه ها و ساختمانها به بیرون تابیده شود. نور تابیده شده



تصویر ۱. وارونگی شکل و زمینه در منظر شبانه شب نسبت به روز آن؛ ماخذ: نوبآشی هارا، ۱۳۹۱، ص ۱۱۱.



تصویر ۲. القای حس سه بعدی در بدنه های شهری از طریق نور تابیده شده از داخل به بیرون (url:1)

از داخل ساختمان‌ها به بیرون آنها در ترکیب با فضای خارجی که آن نیز نورپردازی شده است، خود به تنهایی کافی بوده تا بتواند جلوه ای زیبا از معماری را به تصویر بکشد، و این موضوع از طریق بدنه های شفاف با القای یک حس سه بعدی، زیبایی معماری‌ها را چند برابر کرده و با رویت فضای پشت نما، حس مکان را افزایش می دهد (Santen, 2007). در مورد نورپردازی از بیرون به نمای ساختمان قسمتی هایی از ساختمان که مهم است و شمایل معمارانه دارند می توانند نورپردازی شوند. موضوع سایه اندازی در این مرحله بسیار موثر بوده و هر چقدر منابع نوری به ساختمان نزدیک تر باشد، امکان ایجاد سایه های عمیق که برانگیزاننده احساسات بیننده باشد بیشتر بوده و غنای بصری را افزایش می دهد. در این نوع نورپردازی کلیت نمای ساختمان حفظ شده و نورپردازی با تاکید بر جزئیات، نباید باعث حواس پرتی بیننده شود. در ساختمان هایی که در روز شفاف می باشند، نورپردازی شبانه آنها نبایستی به کلیت شفافیت آنها خللی وارد کرده و در طول شب نیز همانقدر شفاف ظاهر گردند. نورپردازی ساختمان باید متعادل باشد و در غیر این صورت ارتباط آن با محیط اطراف مختل خواهد شد. روشن کردن بیش از حد جزئیات نما نیز اطلاعات را مبهم و غیر قابل درک می کند و چنانچه از نورهای رنگی بیشتر از اندازه استفاده شود، نورپردازی خود باعث جلب توجه شده و معماری ساختمان مغفول واقع می شود. محل اتصالات نوری در نورپردازی ساختمان‌ها مهم بوده و بایستی در جایی نصب شوند که دیده نشده و حواس پرتی ایجاد نکند (Santen, 2007).

موضوع مورد توجه دیگر در عناصر مصنوع مولفه زیبا شناسانه منظر شبانه، امکانی می باشد که تکنولوژی جدید با اختراع انواع تجهیزات نوری برای نمایش جلوه های ویژه بوجود آورده است. بدنه های شهری خصوصاً عناصر نشانه ای مقیاس شهری شرایطی را فراهم می آورند که این بدنه ها

در شرایط و زمان های خاص هیجان و لذت مردم را برانگیخته و تصاویر زیبایی را از خود به نمایش گذارند و در ذهن مردم به عنوان مناظر زیبای شبانه ثبت گردند. در منظر شبانه زیباشناسانه المان های روشنائی به عنوان عناصر مستقر در فضا مورد توجه می باشند. این المان ها از دو نظر قابل بررسی می باشند:

۱. اول موقعیت آنها نسبت به یکدیگر و جلوه ای که در روز از خود به نمایش می گذارند. این عناصر که در نور روز در لایه منظر به روشنی قابل ادراک هستند، باید هم از لحاظ معماری و هم از لحاظ موقعیت و زمینه خود هوشیارانه مورد استفاده قرار گیرند و به تعبیر کالن وحدت در مقیاس داشته و میزان رویت آنها و به جا بودنشان لحاظ گردد (کالن، ۱۳۸۲، ص ۱۴۴)؛ و

۲. موضوع دوم شکل نور، جهت و هندسه ای می باشد که روشنائی حاصل از این المانها پدیدار می سازند.

دیده نشدن منبع نوری، روشنائی یکنواخت حاصل از این منابع و ارتباط آنها در دید و توجه به خط تراز پرسپکتیو دید ناظر و هندسه نور تابیده شده می تواند تجارب زیبا شناسانه متفاوتی برای افراد به دنبال داشته باشد.

عناصر طبیعی منظر شبانه زیبا شناسانه

عناصر طبیعی منظر شهر عامل هویت طبیعی شهرها بوده و وجه تمایز یک شهر از شهر دیگر می باشد. این عناصر چنانچه با استفاده صحیح از رنگ نور، راهبردهای مناسب نور و سایه در کنار هم و همچنین تکنیک های نورپردازی، معمارانه و هنرمندانه نورپردازی شوند، می توانند مناظری آرامش بخش و زیبا خلق نمایند. آب یکی از عناصر طبیعی می باشد که زیبایی و خوشایندی منحصر به فردی به منظر شهر می افزاید. یک ساختمان نورپردازی شده با تمامی زیبایی خود، یک تصویر ثابت ایجاد می کند، ولیکن بستر آب جاری و یا ساختار آبناها سرزندگی بوجود آورده و موجب می

گردد تا محیط اطراف فرحبخش شود. نورپردازی آبنماها زمانی زیبا می باشند که پشت زمینه آنها تا حد امکان تاریک بوده و خصوصاً زمانی که نورهای مورد استفاده رنگی باشد این جلوه چند برابر می گردد. میدان های بزرگ و بلوارهای پهن بهترین محیط برای این منظور هستند. فوران آب در هوا نور را جذب کرده و آن را به شکل زیبایی پراکنده می کند (Santen, 2007).

توده های سبز عناصر طبیعی، موضوع دیگر مورد بحث در مولفه زیبایی شناسانه منظر شبانه هستند. نورپردازی مناسب بایستی پاسخگوی منظر آنها بخصوص ویژگی ها و رنگ های گیاهان موجود باشد. نورپردازی این فضاها بسیار واجد اهمیت بوده چرا که از یک طرف نیاز به دعوت کنندگی مخاطب به تامل و مکث و جذابیت بخشیدن به محیط بوده و از طرف دیگر شدت نورپردازی بیش از حد و کنتراست های دید در این فضاها می توانند باعث خیرگی شده و علی رغم اینکه این عناصر سطح مناسبی از نورپردازی و زیبایی را دارا می باشند، باعث بوجود آمدن فضاهای متروک و غیرقابل استفاده گردند (bartenbach, 2009). این لکه های سبز که نیازمند توجه ویژه ای هستند، باید بعد از غروب نیز فعال بوده و مردم بدانند چه چیزی و در کجا اتفاق می افتد. در انتخاب نوع گونه گیاهی نورپردازی درختان برگ ریز نسبت به درختان کاج و مخروطی شکل نورهای متفاوتی را نیاز دارند و باید توجه داشت که همه عناصر نباید نورپردازی شوند. به عنوان مثال درختانی که ظاهر جذاب و زیبایی را دارا می باشند، می توان در تاریکی قرار داد و از آنها فقط برای ظاهری شبه گونه جهت القای حس عمق، استفاده کرد. نورپردازی درختان عموماً از کف زمین می باشد و احتیاجی به ستون و پایه ندارند، در نتیجه این تکنیک نورپردازی به جذابیت فضا می افزاید و ترکیب هنرمندانه نور و سایه باعث خلق منظری منحصر به فرد می شود (Iitcht, 2002). توپوگرافی های شاخص شامل تپه ها و یا دره های

شهر، عناصر طبیعی دیگری می باشند که می توانند جلوه های زیبایی برای منظر شبانه بوجود آورند. این عناصر به دلیل پستی بلندی هایی که دارند و از دور قابل رویت هستند، از طرفی قابلیت استتار منبع نور را داشته و از طرفی دیگر موجب پدید آمدن تصاویری با سایه و عمق های متعدد شده که ابهام انگیز بوده و جلوه های زیبایی را برای منظر شبانه شهرها پدید می آورند.

انسان و فعالیت هایش در منظر شبانه زیبا شناسانه

از آنجایی که تجربه زیبا شناختی بایستی از تمام مقاصد طراحی بدست آید، حس لذت از ارضای مجموعه ای از این مقاصد حاصل می شود. بنابر این انسان ها لذت را از محیطی کسب می کنند که ساختار آن الگوهای جاری رفتار و آسایش فیزیولوژیکی مورد نیاز آنها را در کنار یکدیگر به خوبی تامین کند (جان لنگ، 1383). در کنار حس لذت تجربیات حسی بر گرفته از ویژگی های فرمی، حس لذت از پاسخ به ساختار یک قرارگاه رفتاری موضوع دیگر می باشد که موجب تجربه زیبا شناسی برای استفاده کنندگان می گردد. موضوعی که برگرفته از نظریات رویکرد تجربی به زیبایی شناسی محیط بوده و در جنبش های برگرفته از زیبایی شناسی فرمی لحاظ نمی گردید. چنانچه محیط بستری را فراهم آورد تا نیازهای انسان در تمامی سطوح دیده شده باشند آن محیط برای مردم لذت بخش و زیبا خواهد بود. منظر شبانه فضاهای شهری هر چقدر نیازهای زیبایی شناسی فرمی انسانها را تامین کنند ولی خالی از حضور، هیاهو و فعالیت های انسانی باشند، انسان ها میل به حضور و ماندن در آن فضاها را نداشته و تجربه زیبا شناسی افراد را پاسخگو نبوده است. دیدن تعاملات اجتماعی انسانها در منظر شبانه شهر و قرارگاه های رفتاری آن ها در سطوح مختلف بر حسب نیاز آنها از میزان روشنایی، همانقدر موضوع تجربه زیبا شناسی از محیط می باشد که دیدن بدنه های نورپردازی

جدول ۲. جمع بندی اهداف و معیارهای منظرشانه زیباشناسانه و نقش اجزای آن؛ ماخذ: نگارندگان.

نقش هر یک از عناصر منظر			
فعالیت های انسانی در منظر شیبانه	عناصر طبیعی در منظر شیبانه	عناصر مصنوع در منظر شیبانه	اهداف اصلی مولفه کیفی
<ul style="list-style-type: none"> • حس لذت بر گرفته از تجربه زیبا شناختی در پاسخ به یک قرارگاه رفتاری • دیدن حضور، هیاهو و تعاملات اجتماعی انسانها و قرارگاه های رفتاری آنها در منظر شیبانه شهر • تأمین سطوح مختلف روشنائی برای انجام فعالیت های متنوع در فضاها شهری رفتاری مختلف در فضاها شهری • تعیین حد و مرز برای انجام فعالیت های مختلف با قلمروهای متفاوت از طریق نوزیرداری و تکوین های جدید 	<ul style="list-style-type: none"> • تأکید بر عناصر هویت طبیعی شهر در منظر شیبانه • خلق مناظری آرامش بخش و زیبا از طریق نوزیرداری معمارانه عناصر طبیعی • بکارگیری راهبردی ریتم سایه و نور در نوزیرداری عناصر طبیعی • استفاده از عنصر آب و تأکید بر ویژگی سر زندگی آن در نوزیرداری • توجه به رنگ نور استفاده شده برای گیاهان با توجه به گونه آنها • توجه به گونه گیاهی در انتخاب موقعیت و جهت و تکنیک نوزیرداری • استفاده از درختان با ظاهر جناب و زیبا در تاریکی در برابر سایر درختان • نوزیرداری شده برای القای حس عمق و سرزندگی • استفاده از تکنیک های متنوع جهت نوزیرداری گیاهان مختلف در یک محیط • ایجاد تصاویر با عمق و سایه زیبا در توپوگرافی های خاص شهر مثل تپه ها و دره ها. 	<ul style="list-style-type: none"> • تأکید بر دستاوردهای معماری شامل کف خیابان ها، نماها، بل ها... و همچنین اجزا مستقر در فضا مانند الملهای مجسمه ها، مبلمان و ... • توجه به جزئیات نماها و ارتباط مصالح، فرمها و موقعیت اجزای روشنائی • همگرا کردن مناطق مختلف شهری با خصوصیات معماری متفاوت و ایجاد زاویه واحد در (openness) • ایجاد حس دلپذیری ساختمان ها • نوزیرداری استفاده از نورهای متنوع و بدون فکر و لایه • توجه به وارونگی گمنگات در شب و ایجاد هماهنگی و هماهنگی نورهای داخل بنا و نوزیرداری های از خارج بنا و القای حس سه بعدی • استفاده از عمق در نماها برای تأیید حس بیننده • حفظ کلیت نمایی ساختمان در نوزیرداری و جلوگیری از تأکید فقط بر جزئیات نما • جلوگیری از بین رفتن شفافیت روز نماها بوسیله نوزیرداری نامناسب در بدنه های شفاف • تبادل در نوزیرداری نماها • جلوگیری از نوزیرداری با رنگ های بسیار متنوع • انتخاب محل مناسب منبع نوری و دیده نشدن آن • ایجاد همجان و لذت با استفاده از تکوین های نوزیرداری عناصر شیبانه ای در زمانهای خاص سال • توجه به الملهای روشنائی و وحدت و مقاس آنها در روز و شکل نور، جهت نور و هندسه نور آن ها در شب • توجه به موقعیت و خط براز دید ناظر و منابع نوری 	<ul style="list-style-type: none"> • حضور ایمن و لذت بخش در عرصه های عمومی • تأمین حس عمومی خوشایندی (well _ being) • تأمین آسایش و راحتی محیطی • مطلوب برای هم استفاده کننده و هم بازدیدکننده • نوزیرداری معمارانه و خلق طرح هماهنگ و خوش آهنگ در درون خود و همچنین با کل ساختار نوری • تعامل میان محیط طبیعی و مصنوع در منظر شیبانه • جلوگیری از افراط و تفریط در نوزیرداری و ایجاد محیطی آرام و جذاب • کمک به سلامت و آسایش انسان با جلوگیری از آتشفشانی منظر شیبانه • هماهنگی و هارمونی بین نورهای عملکردی و زیبا شناسانه در ایجاد هویت متمایز • تأکید بر بعد سوم به کمک بکارگیری استراتژی سایه در نوزیرداری ها • استفاده از رنگ نور مناسب با آگاهی از سواد بصری رنگ شناسی و تأثیر آن بر احساسات انسان • تأثیرپذیری از آموزه های فرهنگ در انتخاب رنگ نور • ایجاد تعادل میان اتحاد و پیچیدگی نور و رنگ و عناصر منظر • تقابل اعطاف پذیر مابین رنگ نور و منظر شیبانه شهر
			<h3>منظر شیبانه زیبا شناسانه</h3>

شده زیبا، توقع انسانهاست. تعاملات اجتماعی که هر کدام بسته به نوع قلمروی رفتاری خود نیازمند سطوح مختلف از روشنایی بوده و تامین حدود مختلف روشنایی موجب شکل گیری این تعاملات اجتماعی و بدنبال آن حضور پذیری انسانها می گردد.

نتیجه گیری و جمع بندی

یکی از مولفه ای کیفی منظر شبانه شهر، مولفه زیبایی شناسی آن می باشد. عناصر منظر شبانه شهر شامل عناصر مصنوع، عناصر طبیعی و فعالیت های انسانی می توانند هر کدام شرایطی را فراهم آورند تا حس زیبایی شناسی انسانها در زمان تاریکی شب و در لایه منظر شهر در زمان پرسه زدن های شبانه و گذراندن اوقات فراغت تامین شده و بدنبال آن تصویر ذهنی مطلوب از شب شهر در ذهن افراد ثبت گردانند. در جدول ذیل اهداف و معیارهای اصلی مولفه زیبایی شناسی منظر شبانه و نقش هر یک از عناصر منظر شبانه شهر به صورت خلاصه بیان گردیده است.

منابع و مآخذ

امین زاده، بهناز (۱۳۸۷) نورپردازی شهری و نقش آن در طراحی مناظر شفافبخش، مجموع مقالات نخستین همایش نورپردازی شهری، سازمان زیباسازی شهر تهران.

بل، سایمون (۱۳۸۶) منظر الگو، ادراک و فرایند، ترجمه: امین زاده، بهناز، تهران، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.

پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران

پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶) سیر اندیشه ها در شهرسازی (۲) از کمیت تا کیفیت، شرکت عمران شهرهای جدید.

پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۹) سیمای شهر و آنچه کوبین لینچ از آن می فهمید، صص ۱۶۹ - ۱۴۹، مقالاتی در باب معماری طراحی شهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات آرمان شهر.

حبیب، فرح (۱۳۹۱) جستارهای شهرسازی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

حبیبی، رعنا سادات (۱۳۸۷) تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۵، صص ۳۹-۵۰.

رلف، ادوارد (۱۳۸۹) مکان و بی مکانی، ترجمه: محمدی، محمد رضا، تهران، انتشارات آرمان شهر.

قربانی نیا، آرزو (۱۳۸۹) بررسی الگوهای برنامه ریزی کارکردهای اجتماعی شبانه در فضاهای عمومی شهری، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.

کارمونا، متیو (۱۳۸۸) مکان های عمومی فضاهای شهری، ترجمه: قرائی، فریبا، تهران، دانشگاه هنر.

کالن، گوردون (۱۳۷۷) گزیده منظر شهری، ترجمه منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران.

گروتز، یورک (۱۳۸۸) زیبایی شناسی در معماری، جان شاه پاکزاد، مرکز چاپ و انتشارات شهید بهشتی، تهران

گل، یان (۱۳۸۷) زندگی در فضاهای میان ساختمان ها، ترجمه: شصتی، شیما، تهران، سازمان جهاد کشاورزی.

گل، یان (۱۳۸۹) فضاهای عمومی و زندگی جمعی، ترجمه: غفاری، علی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

گلکار، کوروش (۱۳۸۸) بازنگری در سیمای شهر، فصلنامه صغه، شماره ۳۴، صص ۷۵

گلکار، کوروش (۱۳۸۸) محیط بصری شهر، فصلنامه علوم محیطی، سال پنجم، شماره چهارم، صص ۹۵-۱۴۴

لنگ، جان (۱۳۸۳) آفرینش نظریه معماری، علیرضاعینی فر، انتشارات دانشگاه تهران.

لنگ، جان (۱۳۸۳) نظریه معماری، ترجمه: عینی فر، علی رضا، تهران، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.

لینچ، کوبین (۱۳۸۷) سیمای شهر، ترجمه: مزینی، منوچهر، تهران، چاپ هشتم، انتشارات دانشگاه تهران.

یوشی، نوبا آشی هارا (۱۳۹۱) زیبایی شناسی منظر،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

ترجمه فرح حبیب، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد علوم و تحقیقات تهران.

دریایی، نازیلا (۱۳۸۶) زیبایی شناسی در فرش
دستباف ایران، مرکز ملی فرش ایران.

--- (۱۳۸۰) روشهای پاکسازی نمای شهری: سازمان
زیباسازی شهرداری تهران.

ظهراپی، مرتضی (۱۳۸۰) پروژه برنامه ریزی استراتژیک،
سازمان زیباسازی شهر تهران.

گروتز، یورگ کورت (۱۳۸۸) زیبایی شناسی در معماری:
ترجمه جهانشاه پاکزاد و عبدالرحمن همایون:
دانشگاه شهید بهشتی.

Bartenbach, Christian(2009), "Creation of Light Mi-
lieus"

Casciani, Daria (2012), "ELSE, Experience Of Light-
ing Sustainability In The Environment", cumulus,
Helsinki

Jarvis, Tom, and Charnley, Megan (2012): "In The
Shade: Lighting Local Urban Communities"

Licht, fordergemeinschaft (FGL) (2002): "Urban
Image Lighting", Booklet 16, Information On Light-
ing Application, Frankfurt:

Santen, christa van(2007), Light Zone City, light plan-
ning in the urban context, Birkhäuser Architecture;
1 edition

Veitch, J. A, and Newsham, G. R. (1998), Determinats
of lighting quality, State of the science, Journal of the
Illuminating Engineering Society

William. M. C. Lam (1965) The Lighting Of Cities,
McGraw-hill

URL:1: [http://www.chillhour.com/img/photo/
night_windows_in_collages/night_windows_1.jpg](http://www.chillhour.com/img/photo/night_windows_in_collages/night_windows_1.jpg)

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

■ ۲۰۴ ■

سیستم‌های پیشرفته اطلاع‌رسانی به راننده در مدیریت ترافیک شهر تهران

امیر حسین فانی* - کارشناس ارشد مهندسی عمران گرایش راه و ترابری، دانشکده مهندسی عمران، دانشگاه تهران، ایران.
عباس بابازاده - استادیار دانشکده مهندسی عمران، دانشگاه تهران، ایران.

Advanced traveler information systems (ATIS) for traffic management of Tehran road network

Abstract

The advanced traveler information systems (ATIS) are designed to be efficient in many aspects such as helping users in making travel route choice decisions, alleviating road congestion and enhancing network performance. These systems can propose a variety of information to users due to their criteria and objectives. In this paper, to enhance the performance of the network, it is assumed that all of the vehicles in Tehran network are equipped with ATIS and the information of system optimal (SO) routs is proposed to the users. By noting that the travel times of some suggested paths are more than those of the shortest paths of the network, simply a portion of the users follows the information while the other uses the shortest paths. Accordingly, users are divided into two groups, and assigned to the network based on system optimal and user equilibrium, respectively. An iterative method is presented for assigning the demand of both groups simultaneously based on extending the well-known Frank-Wolf algorithm. Moreover, a sensitivity analysis of total travel time and average travel speed is performed regarding the different percentages of using the information of routes.

Keywords: ATIS, Route Choice, User Equilibrium, System Optimal.

چکیده

سیستم‌های پیشرفته اطلاع‌رسانی به راننده (ATIS) می‌توانند در زمینه‌های مختلفی نظیر کمک به استفاده کنندگان برای تصمیم‌گیری در انتخاب مسیر، کاهش تراکم ترافیکی در شبکه و بهبود عملکرد آن موثر باشند. این سیستم‌ها می‌توانند بر پایه‌ی معیارها و اهداف مختلف، اطلاعات متفاوتی را به استفاده کنندگان ارائه دهند. در این مقاله، جهت بهبود عملکرد شبکه، فرض می‌شود که کلیه وسایل نقلیه شهر تهران مجهز به ATIS هستند و به کاربران شبکه اطلاعات مسیرها بر مبنای تعادل سیستم ارائه می‌شود. با توجه به این که زمان سفرهای برخی از مسیرهای پیشنهادی از زمان سفر کوتاه‌ترین مسیرهای شبکه بیشتر است، تنها گروهی از استفاده کنندگان از آن اطلاعات پیروی می‌کنند و گروه دیگر از کوتاهترین مسیرها استفاده می‌کنند. بنابراین، استفاده کنندگان به این دو گروه تقسیم و به ترتیب بر مبنای تعادل سیستم و تعادل استفاده کننده به شبکه تخصیص داده می‌شوند. با تعمیم الگوریتم مطرح فرانک-ولف، روش حلی تکراری برای تخصیص همزمان تقاضای هر دو گروه ارائه شده، و تحلیل حساسیتی روی کل زمان سفر و سرعت متوسط شبکه برای درصدهای مختلف استفاده از اطلاعات مسیرها انجام می‌شود.

واژگان کلیدی: سیستم‌های پیشرفته‌ی اطلاع‌رسانی به راننده، انتخاب مسیر، تعادل استفاده کننده، بهینه سیستم.

به استفاده‌کنندگان (رانندگان) کمک می‌کند تا اطلاعات محدود خود از شبکه را بهبود ببخشند و از این طریق هم بهتر انتخاب مسیر کنند و هم از استرس و نگرانی ناشی از مسیریابی بکاهند. همچنین از فواید ATIS برای گردانندگان سیستم حمل و نقل می‌توان به کاهش تاخیر، زمان سفر، مصرف سوخت و انتشار گازهای آلاینده در سیستم نام برد. (کروس و همکاران، ۲۰۰۶، ص ۱۲۷)

تاکنون تحقیقات زیادی بر روی مدلسازی تاثیرات ATIS و ارزیابی آن روی شبکه‌های شهری انجام شده است. در این تحقیقات عموماً از سه نوع تعادل شامل تعادل استفاده‌کننده (UE)، تعادل سیستم (SO)، و تعادل استفاده‌کننده تصادفی (SUE) یا ترکیبی از آنها برای مدلسازی شبکه‌های با ATIS استفاده شده است. زیرا واضح است که رانندگان دارای وسایل نقلیه مجهز به ATIS نسبت به سایر رانندگان رفتار متفاوتی در تصمیم‌گیری برای انتخاب مسیر خواهند داشت، و به علاوه کیفیت اطلاعات داده شده نیز بر این تصمیم‌گیری مؤثر خواهد بود (سان و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۱۲۱). همچنین در

دسته مطالعات دیگری بر روی موضوع اطلاع‌رسانی به رانندگان، تأثیر اطلاعات داده شده به کاربران شبکه در مدل انتخاب مسیر آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است (ممسنی و لیو، ۱۹۹۹، ص ۹۱) (لو و همکاران، ۲۰۱۱، ص ۸۹) (بن‌الیا و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۱۴۶) (وو و هوانگ، ۲۰۱۰، ص ۲۷۱). کنفانی و الدیک (۱۹۹۱، ص ۱۹۱) کارایی سیستم‌های اطلاع‌رسانی را با مقایسه‌ی کل زمان سفر شبکه در دو حالت UE و SO تخمین زدند. هارکر (۱۹۸۸، ص ۳۹) و بنت (۱۹۹۳، ص ۱۷۷) استفاده‌کنندگان مجهز به ATIS را بر اساس SO و سایر استفاده‌کنندگان را بر اساس UE مدل کردند. بن‌اکیوا و همکاران (۱۹۹۱، ص ۲۵۱) و کوتسپولوس و لوتان (۱۹۹۰، ص ۱۴۵) با در نظر گرفتن این نکته که با پیشرفت سیستم‌های اطلاع‌رسانی و کیفیت اطلاعات، رانندگان دارای این سیستم‌ها مسیرهای مناسب‌تری

پدیده تراکم ترافیکی یکی از مشکلات حمل و نقل درون شهری به خصوص در شهرهای بزرگ است. رشد روزافزون جمعیت و مالکیت وسیله نقلیه شخصی و متعاقب آن‌ها افزایش تقاضای سفر و همچنین عدم توزیع بهینه جریان ترافیکی در سطح شبکه معابر علاوه بر افزایش تراکم، می‌تواند منجر به افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی، آلودگی صوتی، تصادفات و اتلاف وقت استفاده‌کنندگان شود. بنابراین یکی از اهداف مطالعات حمل و نقل شهری ارائه سیاست‌های مدیریتی جهت توزیع نزدیک به بهینه‌ی جریان در شبکه است که می‌تواند تا حدودی اثرات نامطلوب حمل و نقل شهری را کاهش دهد. یکی از جدیدترین و موثرترین راهکارهای مدیریت ترافیک که از فن‌آوری اطلاعات نشأت می‌گیرد، ایده بکارگیری سیستم‌های حمل و نقل هوشمند (ITS) است که می‌تواند برای دستیابی به تحرک پویا و روان ارتباط مناسبی بین کاربر و مسیر انتخاب شده توسط او برقرار کند (آدلر و بلو، ۱۹۹۸، ص ۱۵۷).

سیستم حمل و نقل هوشمند (ITS) به کاربرد ترکیبی پردازش اطلاعات، ارتباطات و تکنولوژی‌های حساس به ساختار حمل و نقل و عملکرد آن به منظور دستیابی به حمل و نقل روان، کارا و ایمن اطلاق می‌شود. ابزارهای ITS از طریق بهبود عملکرد سیستم باعث صرفه‌جویی در وقت، کاهش تصادفات، بهبود کیفیت زندگی و محیط‌زیست و افزایش کارایی فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. به کارگیری سیستم‌های پیشرفته اطلاع‌رسانی به راننده (ATIS) یکی از روش‌های استفاده از ابزارهای ITS می‌باشد که مطالعات گسترده‌ای برای اجرای مناسب آن انجام شده است (هال، ۱۹۹۲، ص ۸۹). در سال‌های اخیر، تلاش‌های زیادی برای گسترش سیستم‌های پیشرفته اطلاع‌رسانی به راننده هم از سوی گردانندگان سیستم‌های حمل و نقل و هم از سوی مجامع علمی صورت گرفته است. ATIS

را انتخاب می‌کنند، آن‌ها را بر اساس تعادل UE و سایر رانندگان را بر مبنای تعادل SUE مدل کردند. لو و زتو (۲۰۰۲، ص ۱۱۳)، یین و یانگ (۲۰۰۳، ص ۱۶۵) و هانگ و لی (۲۰۰۷، ص ۱۴۶۴) برای هر دو گروه مجهز و غیرمجهز به ATIS از دو مدل مختلف تعادل SUE بر مبنای لوجیت استفاده کردند. روش آن‌ها نزدیکی بیشتری به واقعیت رفتار تصادفی استفاده‌کنندگان دارد، زیرا هیچک از آن دو گروه نمی‌توانند محاسبه‌ی کاملاً دقیقی از زمان سفر مسیره‌ها داشته باشند. همچنین اخیراً اجرای تخصیص دینامیکی برای بررسی وضعیت شبکه با توجه به وجود سیستم‌های اطلاع‌رسانی در شبکه مورد مطالعه قرار گرفته است (ژانگ و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۱۱۸) (بیفولکو و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۳۰) (میتساکیس و همکاران، ۲۰۱۵، ص ۸۶۶) (زتو، ۲۰۱۴، ص ۳۲۳).

تعریف مسأله

سیستم‌های اطلاع‌رسانی به استفاده‌کنندگان می‌توانند بر پایه‌ی معیارها و اهداف مختلف، اطلاعات متفاوتی را به کاربران ارائه دهند. به عنوان مثال، برخی از سیستم‌ها اطلاعات مربوط به کوتاه‌ترین مسیره‌ها را در دسترس استفاده‌کنندگان قرار می‌دهند و در نتیجه آن‌ها را به سمت تعادل استفاده‌کننده سوق می‌دهند. در این حالت هر استفاده‌کننده مجهز به ATIS، از مسیره‌های پیشنهادی راضی می‌باشد، زیرا زمان سفرش کمتر یا مساوی زمان سفر مسیره‌های دیگر بوده و در نتیجه تغییر مسیره به نفعش نیست (واردراپ، ۱۹۵۲، ص ۳۲۵). با این وجود، این وضعیت برای گردانندگان شبکه نامطلوب است، زیرا آن‌ها تمایل دارند با برقرار کردن تعادل SO کل زمان سفر در شبکه را می‌نیمم کنند.

در برخی دیگر از سیستم‌ها، اطلاعات مسیره‌ها جهت برقراری SO به استفاده‌کنندگان مجهز ارائه می‌شود. در این نوع سیستم‌ها همیشه این نگرانی وجود دارد که بعضی از استفاده‌کنندگان از مسیره‌های پیشنهادی استفاده نکنند (ممسنی و پیتا، ۱۹۹۳، ص

۸۳). زیرا در این حالت، زمان سفر برخی از مسیره‌های پیشنهادی از زمان سفر کوتاه‌ترین مسیره‌ها بیشتر است، و در نتیجه رانندگانی که آشنایی بیشتری با شبکه دارند به خاطر منفعت فردی خود آن پیشنهادات را منصفانه نمی‌دانند.

جان و همکاران (۲۰۰۵، ص ۶۰۰)، با اضافه کردن محدودیت‌هایی به مسأله SO، شبکه‌های با ATIS را طوری مدل کردند که اولاً کل زمان سفر در شبکه نسبت به حالت UE کمتر باشد، و در عین حال مسیره‌های پیشنهادی ATIS نسبت به حالت SO منصفانه‌تر شوند. اعمال این محدودیت‌ها به مسأله از افزایش بیش از حد زمان سفر مسیره‌های پیشنهادی نسبت به کوتاه‌ترین مسیره‌ها جلوگیری می‌کند.

در این مقاله فرض می‌شود که تمام وسایل نقلیه معادل سواری شهر تهران مجهز به ATIS باشند و اطلاعات مسیره‌ها با فرض برقراری SO به استفاده‌کنندگان ارائه شوند. به علاوه، با توجه به توضیحات ارائه شده در فوق، فرض می‌شود که بخشی از استفاده‌کنندگان از اطلاعات پیشنهادی پیروی می‌کنند و مابقی به دلایل مختلف (از جمله شناخت کافی نسبت کوتاه‌ترین مسیره‌های شبکه بر اساس تجارب کسب شده در استفاده‌های قبلی) این پیشنهادات را نپذیرفته و از همان کوتاه‌ترین مسیره‌های مربوط به UE استفاده می‌کنند. بر این اساس، شبکه معابر تهران برای سناریوهایی مختلف از درصد پذیرش اطلاعات SO مدل شده و سپس کل زمان سفر و سرعت شبکه نسبت به آن درصدها تحلیل حساسیت می‌شوند.

الگوریتم حل مسأله

همانطور که در بخش قبل اشاره شد، در تعریف مسأله این مقاله استفاده‌کنندگان شبکه به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول که از اطلاعات ارائه شده پیروی نمی‌کنند و در نتیجه در حالت UE مدل می‌شوند، و گروه دوم که از این اطلاعات استفاده می‌کنند و در حالت SO مدل می‌شوند. برای حل

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

مسئله UE از الگوریتم معروف فرانک-ولف (فرانک و ولف، ۱۹۵۶، ص ۹۵) استفاده می‌شود. این الگوریتم روشی تکراری است که در آن از نوعی جستجوی خطی برای یافتن اندازه‌ی گام حرکت در هر تکرار استفاده می‌شود. در هر تکرار این الگوریتم، جهت نزول برابر با تفاضل بین جواب حاصل از تخصیص همه یا هیچ و جواب مرحله قبل به دست می‌آید. مسأله‌ی UE برای گروه اول به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$(1) \quad \text{Min } Z_u = \sum_w \int_0^{x_a^u} t_a(x_a^s + w) dw$$

$$(1-1) \text{ s.t. } \quad \sum_k f_k^{rs} = q_{rs}^u \quad \forall r, s$$

$$(2-1) \quad f_k^{rs} \geq 0 \quad \forall r, s, k$$

$$(3-1) \quad x_a^u = \sum_{r,s} \sum_k f_k^{rs} \delta_{ak}^{rs}$$

که در آن q_{rs}^u تقاضای گروه اول (تقاضای UE)، x_a^u جریان a در کمان حاصل از تقاضای UE، x_a^s جریان در کمان a حاصل از تقاضای گروه دوم (تقاضای SO)، f_k^{rs} جریان در مسیر k از مبدا r به مقصد s مربوط به تقاضای UE، δ_{ak}^{rs} برابر است با ۱ اگر کمان a روی مسیر k از r به s واقع باشد، و در غیر این صورت برابر صفر است. در این مدل زمان سفر متوسط هر کمان a به صورت تابع $t_a(x_a)$ با $x_a = x_a^s + x_a^u$ تعریف شده است.

برای حل مسأله‌ی SO نیز از همان الگوریتم فرانک-ولف استفاده می‌شود، با این تفاوت که تابع زمان سفر حاشیه‌ای $\tilde{t}_a(x_a)$ جایگزین $t_a(x_a)$ می‌شود. زیرا حل مسأله‌ی SO با تابع زمان سفر $t_a(x_a)$ ، معادل است با حل مسأله‌ی UE با تابع زمان سفر $\tilde{t}_a(x_a)$ (شفی، ۱۹۸۵). با تعریف به صورت مسأله‌ی SO $t_a(x_a) = \tilde{t}_a(x_a) + x_a t'_a(x_a)$ برای گروه دوم به صورت زیر بیان می‌شود.

$$\text{Min } Z_s = \sum_w \int_0^{x_a^s} \tilde{t}_a(w + x_a^u) dw \quad (2)$$

$$\text{s.t. } \quad \sum_k g_k^{rs} = q_{rs}^s \quad \forall r, s, \quad (1-2)$$

$$g_k^{rs} \geq 0 \quad \forall r, s, k \quad (2-2)$$

$$x_a^s = \sum_{r,s} \sum_k g_k^{rs} \delta_{ak}^{rs} \quad (3-2)$$

که در آن تعریف نمادهای ریاضی شبیه تعاریف قبلی است با این فرق که رونویس s (به جای u) معرف حالت SO بوده و g_k^{rs} جریان در مسیر k از مبدا r به مقصد s مربوط به تقاضای SO است. دو مدل ازبیه شده در فوق با توجه به تعریف توابع $t_a(x_a)$ و $\tilde{t}_a(x_a)$ نمی‌توانند به طور مستقل حل شوند. به همین منظور در این مقاله با تعمیم الگوریتم فرانک-ولف روشی تکراری برای حل همزمان آنها ارائه می‌شود. در هر تکرار این روش، تقاضاهای q_{rs}^s و q_{rs}^u به صورت همه یا هیچ به شبکه تخصیص داده می‌شوند تا جهات حرکت و سپس اندازه‌های گام در آن تکرار به دست آیند و الگوریتم تا رسیدن به جواب تعادلی تکرار می‌شود. گام‌های این الگوریتم به شرح زیر است:

گام ۰- مقادیر اولیه: جواب اولیه‌ی x_a^s و x_a^u را تعیین و دقت جواب ε را انتخاب کنید.

گام ۱- شرط توقف UE: قرار دهید $x_a = x_a^s + x_a^u$ برای هر کمان a کوتاه‌ترین مسیرها را بر اساس زمان‌های $t_a(x_a)$ حساب کنید و $u^u = (u_{rs}^u)$ را برابر بردار طول کوتاه‌ترین مسیرها بین زوج‌های مبدا-مقصد قرار دهید. شکاف نسبی RG_u را حساب کنید:

$$(3) TC_u = \sum x_a^u t_a(x)$$

$$(4) RG_u = (TC_u - u^u d^u) / TC_u$$

اگر $RG_u \leq \varepsilon$ به گام ۵ بروید.

گام ۳- جهت حرکت UE: با تخصیص تقاضای d^u به مسیرهای بدست‌آمده در گام ۱ جواب کمکی y_a^u را پیدا کنید.

گام ۴- اندازه گام: اندازه‌ی گام α را از حل مسأله‌ی زیر پیدا کن.

$$(5) \quad \text{Min } Z(\alpha) = \sum_a \int_0^{x_a^s + \alpha(y_a^u - x_a^u)} t_a(x_a^s + w) dw$$

$$\text{s.t. } \quad 0 \leq \alpha \leq 1$$

گام ۵- حرکت UE:

$$(6) \quad x_a^u = x_a^u + \alpha(y_a^u - x_a^u)$$

توسط جوانی (۱۳۹۰) برای نوشتن الگوریتم فوق استفاده شده است.

نتایج عددی

الگوریتم ارائه شده در بخش ۳ به صورت یک برنامه کامپیوتری توسط کامپایلر MICROSOFT VISUAL C++ ویرایش ۶ نوشته و برای شبکه‌ی تهران روی یک کامپیوتر (Intel(R) Core(TM) Duo CPU ۲ با سرعت ۲/۵۳ GHz و حافظه RAM چهار گیگابایت و با در نظر گرفتن دقت نهایی برابر ۰/۲ و ماکزیمم تکرار برابر ۵۰ اجرا شد.

جدول ۱ نتایج حاصل از الگوریتم پیشنهادی را برای درصدهای مختلف استفاده از اطلاعات SO در شبکه تهران نشان می‌دهد. این نتایج شامل کل زمان سفر و سرعت متوسط، به عنوان شاخص‌هایی از عملکرد شبکه هستند. مشاهده می‌شود که کل زمان سفر با افزایش درصد استفاده از اطلاعات کم شده، و مقدار این کاهش در درصدهای بزرگتر کمی بیشتر است. این در حالی است که سرعت متوسط تقریباً به صورت خطی با افزایش درصد استفاده زیاد می‌شود. شکل‌های ۱ و ۲ به ترتیب روند کاهش کل زمان سفر و افزایش سرعت را برای درصدهای مختلف استفاده از اطلاعات نشان می‌دهند.

همانطور که جدول ۱ نشان می‌دهد، وقتی هیچ راننده‌ای از ATIS استفاده نمی‌کند، کل زمان سفر شبکه بیشترین مقدار خود را دارد که این حالت

گام ۶- شرط توقف SO: قرار دهید. $x_a = x_a^s + x_a^u$. برای هر کمان a کوتاه‌ترین مسیرها را بر اساس زمان‌های $\tilde{t}_a(x_a)$ حساب کنید. $u^s = (u_{rs}^s)$ را برابر بردار طول کوتاه‌ترین مسیرها بین زوج‌های مبدا- مقصد قرار دهید. شکاف نسبی RG_s را حساب کنید:

$$(7) TC_s = \sum x_a^s \tilde{t}_a(x)$$

$$(8) RG_s = (TC_s - u^s d^s) / TC_s$$

اگر $RG_s \leq \varepsilon$ به گام ۹ بروید.

گام ۷- جهت حرکت SO: با تخصیص تقاضای d^s به مسیرهای بدست‌آمده در گام ۵ جواب کمکی y_a^s را پیدا کنید.

گام ۸- اندازه گام SO: اندازه‌ی گام α را از حل مسأله‌ی زیر پیدا کنید.

$$(9) MinZ(\alpha) = \sum_a \int_0^{x_a^s + \alpha(y_a^s - x_a^s)} \tilde{t}_a(w + x_a^u) dw$$

$$s.t. \quad 0 \leq \alpha \leq 1$$

گام ۹- حرکت SO:

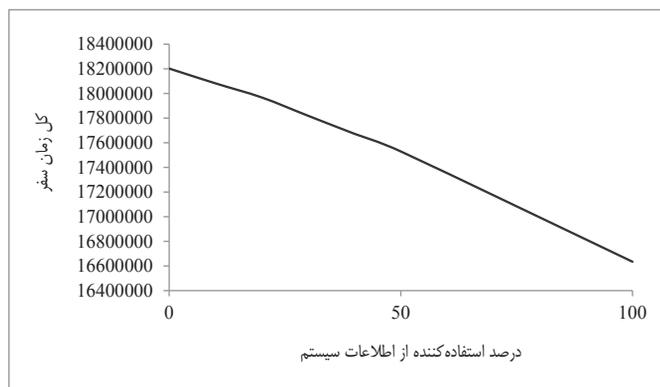
$$(10) x_a^s = x_a^s + \alpha(y_a^s - x_a^s)$$

گام ۱۰- شرط توقف کلی: اگر $RG_s \leq \varepsilon$ و $RG_u \leq \varepsilon$ پایان. وگرنه به گام ۱ برگردید.

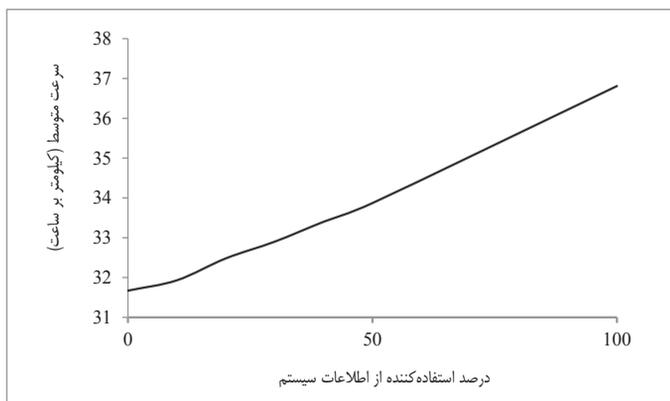
در این مقاله از ساختار مشابه برنامه‌ی نوشته شده

جدول ۱. کل زمان سفر و سرعت متوسط برای درصدهای مختلف استفاده از اطلاعات تعادل سیستم در شبکه تهران

سرعت متوسط (کیلومتر بر ساعت)	کل زمان سفر (وسیله- دقیقه)	درصد استفاده از اطلاعات سیستم
۳۱,۶۷	۱۸۲۰۲۵۶۸	۰% (UE)
۳۱,۹۳	۱۸۰۸۲۱۱۳	۱۰%
۳۲,۴۸	۱۷۹۶۷۵۷۵	۲۰%
۳۲,۹	۱۷۸۱۹۰۳۴	۳۰%
۳۳,۴	۱۷۶۷۲۷۲۶	۴۰%
۳۳,۸۷	۱۷۵۲۹۵۴۴	۵۰%
۳۶,۸۱	۱۶۶۳۴۴۷۸	۱۰۰% (SO)



شکل ۱. روند کاهش کل زمان سفر برای درصد‌های مختلف استفاده از اطلاعات تعادل سیستم در شبکه تهران



شکل ۲. روند افزایش سرعت متوسط برای درصد‌های مختلف استفاده از اطلاعات تعادل سیستم در شبکه تهران

شبکه به اندازه ۲ کیلومتر بر ساعت افزایش می‌یابد... نتایج این مقاله اهمیت استفاده از سیستم‌های اطلاع‌رسانی را به عنوان یکی از گزینه‌های نوین حل مشکلات ترافیکی شبکه‌های شهری نشان می‌دهد. قطعاً، طراحی مناسب نوع و میزان اطلاع‌رسانی توسط این سیستم‌ها موجب مقبولیت اجتماعی و عملکرد بهتر آنها خواهد بود. از طرفی، این گزینه نسبت به گزینه‌های ساخت شبکه بسیار کم هزینه بوده و بر خلاف آنها مشکلات اجرا ندارد. لذا سیستم‌های پیشرفته‌ی اطلاع‌رسانی به راننده می‌تواند به عنوان گزینه‌ای کارا، کم هزینه و قابل اجرا مطرح باشد.

نشان دهنده تعادل UE می‌باشد. به همین ترتیب با افزایش تعداد رانندگانی که از مسیرهای پیشنهادی پیروی می‌کنند، کل زمان سفر شبکه کاهش پیدا کرده و همراه با آن سرعت متوسط وسایل نقلیه افزایش می‌یابد. در تئوری، وقتی همه رانندگان از مسیرهای SO استفاده کنند، کل زمان سفر شبکه مینیمم می‌شود. اما این اتفاق هیچگاه در واقعیت رخ نخواهد داد، زیرا در شهرهایی مثل تهران، تنها درصدی از رانندگان از تجهیزات ATIS استفاده می‌کنند. اما، همانطور که شکل‌های ۱ و ۲ نشان می‌دهند، اگر بتوان نیمی از رانندگان شهر تهران را تشویق به برقراری ارتباط با ATIS و استفاده از آن کرد، کل زمان سفر شبکه به اندازه ۴ درصد نسبت به وضع موجود کاهش یافته و سرعت متوسط در

search C, 26, 146-159.

Bennett, L., (1993), The existence of equivalent mathematical programs for certain mixed equilibrium traffic assignment problems. *European Journal of Operational Research* 71, 177-187.

Bifulco, J. N., Cantarella, G. E., Simonelli, F., (2014), Design of signal setting and advanced traveler information systems. *Journal of Intelligent Transportation Systems: technology, Planning and Operations*, 18(1), 30-40.

Chorus, C. G., Molin, E. J. E., Wee, B. V., (2006), Use and effects of advanced traveler information services (ATIS): a review of the literature, *Transportation Reviews: A Transnational Transdisciplinary Journal*, 26(2), 127-149.

Frank, M., Wolfe, P., (1956), An algorithm for quadratic programming. *Naval Res. Logist. Quart.* 3, 95-110.

Hall, R. W., (1992), Non-recurrent congestion: how big is the problem? are traveler information systems the solution?, *Transportation Research C*, 1(1), 89-103.

Harker, P., (1988), Multiple equilibrium behaviors in networks. *Transportation Science* 22, 39-46.

Huang H J, Li Z C. (2007), A multi-class, multi-criteria logit-based traffic equilibrium assignment model under ATIS. *European Journal of Operational Research*, 176(3), 1464-1477.

Jahn, O., Mohring, R., Schuls, A. S., Stier Moses, N. E., (2005), System-Optimal Routing of Traffic Flows with User Constraints in Networks with Congestion, *Operations Research*, 53(4), 600-616.

Kanafani, A., Al-Deek, H., (1991), A simple model for route guidance benefit. *Transportation Research B*, 25, 191-202.

Koutsopoulos, H.N., Lotan, T., (1990), Motorist

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

به کمک الگوریتم فرانک-ولف تاثیر استفاده از سیستم‌های پیشرفته‌ی اطلاع‌رسانی به رانندگان (ATIS) در بهبود عملکرد شبکه تهران نشان داده شد. ATIS با برقراری ارتباط یکطرفه یا دوطرفه با رانندگان، مسیرهایی را برای سفر آنها پیشنهاد می‌دهد تا از این طریق بتواند در جهت هدفی مشخص مثل کاهش کل زمان سفر در شبکه حرکت کند. برای بررسی نحوه تاثیر ATIS بر عملکرد شبکه معابر، استفاده‌کنندگان به دو گروه UE و SO تقسیم شدند، به طوری که گروه اول از اطلاعات ATIS نمی‌کند و گروه دوم مسیره‌های پیشنهاد شده توسط ATIS را می‌پذیرد. با تعمیم الگوریتم فرانک-ولف روشی تکراری برای تخصیص همزمان تقاضای هر دو گروه به شبکه ارائه، و برای درصدهای مختلف استفاده از ATIS روی شبکه تهران آزمایش شد. نتایج نشان دادند که هر چه نسبت تقاضای SO به UE بیشتر شود، عملکرد شبکه بهتر خواهد شد. بنابراین، سیستم‌های اطلاع‌رسانی در صورت طراحی مناسب می‌توانند به عنوان گزینه‌ای کارا برای کاهش مشکلات ترافیکی شهر تهران مطرح باشند.

منابع و ماخذ

جوانی، بابک (۱۳۹۰) الگوریتم خطی سازی مبتنی بر مسیر برای مسایل تخصیص ترافیک بزرگ مقیاس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده مهندسی عمران.

Adler, J. L., Blue, V. J., (1988), Toward the design of intelligent traveler information systems, *Transportation Research C*, 6, 157-172.

Ben-Akiva, M., de Palama, A., Kaysi, I., (1991), Dynamic network models and driver information systems. *Transportation Research A* 25, 251-266.

Ben-Elia, E., Di Pace, R., Bifulco, G. N., Shiftan, Y., (2013), The impact of traveler information's accuracy on route-choice, *Transportation Re-*



- information systems and recurrent traffic congestion: sensitivity analysis of expected results. *Transportation Research Record* 1281, 145–158.
- Lo, H., Szeto, W., (2002), A methodology for sustainable traveler information services. *Transportation Research B* 36, 113–130.
- Lu, X., Gao, Z., Ben-Elia, E., (2011), Information impacts on route choice and learning behavior in a congested network: an experimental approach, *Transportation Research Record*, 2243, 89–98.
- Mahmassani, H. S., Liu, Y., (1999), Dynamics of commuting decision behavior under advanced traveler information systems, *Transportation Research C*, 7, 91-107.
- Mahmassani, H. S., Peeta, S., (1993), Network performance under system optimal and user equilibrium dynamic assignments: Implications for advanced traveler information systems. *Transportation Research Record*, 1408, 83–93.
- Mitsakis, E., Grau, J. M., Stamos, I., Aifadopoulou, G., (2015), An integrated framework for embedding large-scale dynamic traffic assignment models in advanced traveler information systems, *Journal of Intelligent Transportation Systems: technology, Planning and Operations*, 38(8), 866-877.
- Sheffi, Y., (1985), *Urban Transportation Networks*. Prentice-Hall, Englewood Cliffs, NJ.
- Sun, H., Wu, J., Wang, W., Gao, Z., (2014), Reliability -based traffic network design with advanced traveler information systems, *Information Sciences*, 287, 121-130.
- Szeto, W., (2014), Dynamic modelling for intelligent transportation system applications, *Journal of Intelligent Transportation Systems: technology, Planning and Operations*, 18(4), 323-326.
- Wardrop, J. G. (1952), Some theoretical aspects of road traffic research. *Proc. Inst. Civil Engineers, Part II, Vol. 1*, 325–378.
- Wu, W., Huang, H., (2010), A new model for studying the SO-based pre-trip information release strategy and route choice behavior. *Transportmetrica*, 6(4), 271-290.
- Yin, Y., Yang, H., (2003), Simultaneous determination of the equilibrium market penetration and compliance rate of advanced traveler information systems. *Transportation Research A* 37, 165–181.
- Zhang, X., Guo, H., Liu, H., Li, Y., Pu, Y., (2013), Perception updating based stochastic dynamic assignment model, *Journal of Transportation Systems Engineering and Information Technology*, 13(1), 118-123.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

■ ۲۱۲ ■

ارزیابی نقش طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان تهران در توسعه پایدار شهری^۱

هوشنگ ظهیری* - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، ایران.

محمود جعومه پور - استاد دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده

میدان بهارستان به عنوان یکی از قدیمی ترین میداین تهران در جوار بسیاری از ابنیه تاریخی و فرهنگی قرار گرفته است و از ارزشمندترین میداین شهر می باشد. اما فرسودگی بافت منطقه، آلودگی های محیطی، کاهش تعلق خاطر و شیوع آسیب های اجتماعی این فرصت را از بین برده و تهدیدهایی را جایگزین آن کرده است. بنابراین لازم است برای رفع معضلات فوق «طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان» با محوریت پیاده گستری و تغییر مبلمان شهری اجرایی شود. تجربه اجرای طرح های ارتقاء کیفی مشابه با محوریت پیاده راه سازی نشان می دهد که بعضی از این طرحها هرچند با هدف ارتقای کیفیت زندگی ساکنان شهر اجرایی شده است اما در نهایت به پایداری توسعه شهری کمکی نکرده است. لذا مسأله تحقیق «این است که آیا طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان در ابعاد مختلف می تواند به توسعه پایدار شهری منجر شود؟» چارچوب نظری تحقیق مبتنی بر نظریه های توسعه شهری در چهار بُعد اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و اقتصادی تدوین شد. داده های این تحقیق به روش ترکیبی کمی و کیفی از طریق مصاحبه و پرسشنامه جمع آوری شده است. داده به کمک نرم افزاری SPSS تحلیل شده است. بررسی آزمون فرضیه ها نشان می دهد که طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان در صورت اجرای کامل و همراستا با سایر طرح های مرکز شهر می تواند منجر به توسعه پایدار شهری شود. واژگان کلیدی: ارزیابی تأثیر اجتماعی، توسعه پایدار شهری، میدان بهارستان، ارتقاء کیفی.

Parliament Square in Tehran to evaluate the role of quality improvement initiatives on sustainable urban development

Abstract

Parliament Square as one of the oldest squares in Tehran in the vicinity of many historical and cultural monuments. It is the most valuable town squares. The area of tissue erosion, environmental pollution, reduce the incidence of injuries social belonging and the opportunity to eliminate the threats to replace it. Therefore it is necessary to fix these problems, "the design quality of the Parliament" pedestrian-oriented development and urban furniture changes implemented. Similar experience with a focus on implementation projects improve the quality of road shows that some of these projects, however, with the aim of improving the quality of life of the inhabitants of the city administration, but ultimately the sustainability of urban development not helped. The study "is whether the quality of the Parliament on various aspects of design can lead to sustainable urban development" theory-based research theoretical framework of urban development in four dimensions: social, cultural, environmental and economic impacts were developed. This study combined quantitative and qualitative data through interviews and questionnaires have been collected. Data were analyzed using SPSS software. Check the quality of the design hypothesis suggests that Parliament should fully implement and comply with the other projects the city center can lead to the sustainable urban development.

Key words: social impact assessment, urban sustainable development, Parliament Square, improve quality.

* نویسنده مسؤل مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۵۰۷۶۱۵۰، رایانامه: ho128z@yahoo.com

این مقاله بخشی از نتایج طرح تحقیقاتی بررسی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان می باشد که با حمایت مالی سازمان زیباسازی شهر تهران انجام شده است.

مقدمه و بیان مسئله

هدف بسیاری از متخصصان شهری در درجه اول این است که شهر را به جای بهتری برای زندگی تبدیل کرده و به اصطلاح کیفیت زندگی ساکنان شهر را بالا برده و در راستای پایداری شهری قدم بردارند. از این رو، هر یک از متخصصان با رویکردی خاص در صدد ارتقاء کیفی محیط شهری می باشند. مروری بر تجربه های بشری در این خصوص نشان می دهد که طرح های ارتقاء کیفی به اهداف خود دست نیافته و خود موجب آسیب به فضاهای با کیفیت شده اند. مشاوران شهرداری بر این نظر هستند که میدان بهارستان به عنوان یکی از قدیمی ترین میداين تهران در جوار بسیاری از ابنیه تاریخی و فرهنگی قرار گرفته است و از ارزشمندترین میداين شهر می باشد. اما فرسودگی بافت منطقه، آلودگی های محیطی، کاهش تعلق خاطر و مهاجرت ساکنان قدیمی منطقه، حضور کارگران فاقد مهارت و افراد بیکار در منطقه، شیوع آسیب های اجتماعی، ناامنی و... این فرصت را از بین برده و تهدیدهایی را جایگزین آن کرده است. بنابراین لازم است برای رفع معضلات فوق «طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان» با محوریت پیاده گستری و تغییر مبلمان شهری اجرایی شود. اما تجربه اجرای طرح های ارتقاء کیفی مشابه با محوریت پیاده راه سازی نشان می دهد که بعضی از این طرحها هرچند با هدف ارتقای کیفیت زندگی ساکنان و شهر اجرایی شده است اما در نهایت به پایداری توسعه شهری کمکی نکرده است. لذا، «مسأله تحقیق» این است که آیا طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان در ابعاد مختلف می تواند به توسعه پایدار شهری منجر شود؟ بنابراین، تحقیق به دنبال پاسخگویی سؤال ذیل

می باشد: آیا طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان در راستای پایداری شهری گام بر می دارد؟ اجرای هر طرح توسعه ای پیامدهای نیت نشده و ناخواسته ای دارند که ممکن است در آینده، کلیت طرح را به چالش کشیده و مانع از دستیابی به اهداف اصلی طراحان پروژه شود. این امر منجر به شکل گیری این سؤال می شود که: اجرای طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان چه پیامدهای اجتماعی و فرهنگی مثبت و منفی خواهد داشت؟ آیا این پروژه می تواند، آنچنان که در طرح آمده است، موجب شود تا کیفیت زندگی در میدان بهارستان افزایش و زیست پذیری و پایداری در آن شکل بگیرد؟ یا اینکه خود این پروژه بیش از آنکه بهبودی در وضع موجود دهد، موجب شکل گیری تنش ها و واکنش ها شود؟

اهداف تحقیق عبارتند از:

الف- اهداف کلی: ارزیابی تأثیر اجرای طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان توسعه پایدار شهری^۱

ب- اهداف جزئی: ارزیابی تأثیر اجرای طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان زیست پذیری اجتماعی منطقه؛ ارزیابی تأثیر اجرای طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان بر زیست پذیری فرهنگی منطقه؛ ارزیابی تأثیر اجرای طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان بر زیست پذیری اقتصادی منطقه؛ ارزیابی تأثیر اجرای طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان بر زیست پذیری محیطی؛ راهکارهای کاهش یا تعدیل پیامدهای منفی طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان کدامند؟

معرفی طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان^۲

میدان بهارستان در محدوده مرکزی شهر تهران قرار گرفته است. سابقه شکل گیری این میدان به دوران فتحعلیشاه می رسد. مجلس شورای ملی در این

۱. ارزیابی طرح ارتقاء کیفی مربوط به قبل از اجرا یا فاز صفر می باشد. انجام ارزیابی تأثیر اجتماعی قبل از اجرا می تواند به پرسش های زیر پاسخ دهد: ۱. در صورت تحقق و اجرا شدن اقدام موردنظر، چه اتفاقی، چرا، در چه زمانی و در کجا رخ می دهد؟ ۲. چه کسی از آن تأثیر می پذیرد؟ ۳. چه کسی از آن سود یا ضرر می کند؟ ۴. در صورت انتخاب گزینه های متفاوت، چه مواردی با تغییر روبه رو می شوند؟ ۵. چگونه می توان فواید را افزایش داد و تأثیرات نا مطلوب را کاست یا از بروز آنها جلوگیری کرد؟ (بارج و همکاران، ۱۳۹۱).

۲. این طرح پیشنهادی حاصل مطالعات شرکت مشاور مهندسی طاش می باشد که به سفارش سازمان زیباسازی شهر تهران انجام شده است.

میدان شکل گرفت و امروزه مجلس شورای اسلامی در ضلع شرقی این میدان قرار دارد. این میدان تا قبل از دوره پهلوی دوم مهم ترین میدان پایتخت به حساب می آمد و این میدان نماد مردم سالاری ایران و شاهد تحولات بزرگ تاریخی می باشد. ارزشمندترین ابنیه تاریخی کشور در محدوده این میدان قرار دارند. میدان بهارستان که در گذشته یکی از میادین با کیفیت شهری از حیث تاریخی، فرهنگی و خاطره شهری بود، امروزه کیفیت های قبل خود را از دست داده است. فرسودگی بافت، آلودگی های محیطی، شلوغی، ناهماهنگی های بصری و فقدان جذابیت، موجب مهاجرت ساکنان قدیمی آن شده است. این امر نیز موجب تشدید مسائل و معضلات و بروز برخی آسیب های اجتماعی (نظیر حضور افراد معتاد و...) را در پی داشته است که به نوبه خود امنیت و رفاه اجتماعی و در نهایت کیفیت زندگی در این منطقه را کاهش داده است. از این رو شهرداری در نظر دارد با ایجاد محور پیاده و بازسازی، بازپیرایی و ساماندهی میدان بهارستان در قالب «طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان»، ضمن حل برخی از معضلات و مشکلات این میدان، زمینه رونق مجدد میدان را فراهم کرده و این میدان را به یکی از محورهای گردشگری تاریخی شهر تهران تبدیل کرده و بدین ترتیب بتواند این محدوده و منطقه را به فضای با کیفیتی مبدل سازد. شهرداری تهران این در صدد است، این اقدام را در سه گام ذیل عملی کند.

الف - گام اول اقدام مداخله ایی: - اختصاص ضلع شمال میدان بهارستان به حرکت پیاده؛ - انتقال حرکت سواره ضلع شمالی میدان به جنوب جزیره میانی؛ - حذف امکان پارک حاشیه ای در طول خیابان جمهوری و فراهم کردن مکان های خاص با طول های محدود (پارک اضطراری و بارگیری و بار اندازی)؛ - حذف امکان پارک حاشیه ای در خیابان های بهارستان و مصطفی خمینی و فراهم کردن آن در مکان های خاص با طول های

محدود (پارک اضطراری و باراندازی)؛ - حذف عملکرد میدان بهارستان به عنوان انتهای خطوط تاکسیرانی و اتوبوسرانی و ساماندهی نظام حمل و نقل عمومی؛ - اختصاص سه خط عبور سواره به خیابان بهارستان و مصطفی خمینی؛ - اختصاص سه خط عبور سواره به همراه مسیر ویژه اتوبوس یک طرفه مخالف، جهت چیدمان سواره به عرض ۴/۵ متر؛ - تبدیل مسیر یک طرفه ضلع جنوب جزیره میانی میدان بهارستان به مسیر دو طرفه (جهت شرق به غرب دارای دو خط سواره و جهت غرب به شرق دارای سه خط سواره است).

ب- گام دوم اقدام مداخله ایی:

۱. شکل گیری ضلع غرب لوپ جمع و پخش کننده پیرامون میدان بهارستان و انتقال حرکت سواره به آن؛
 ۲. اختصاص جزیره میانی و فضای پیرامون آن به مسیر پیاده؛

۳. تغییر جهت حرکت سواره در خیابان امیرکبیر؛

۴. اختصاص دو باند حرکت سواره در خیابان ملت و تعریف حرکت سواره در جهت شمال به جنوب؛
 ۵. اختصاص سه باند حرکت سواره به خیابان صفی علیشاه در جهت جنوب به شمال (ضلع غربی رینگ جمع و پخش کننده).

ج- گام سوم اقدام مداخله ایی:

۱. انتقال جریان ترافیک سواره در میدان بهارستان به رینگ جمع کننده و پخش کننده پیرامونی (صفی علیشاه، قائدی، ابن سینا، مجاهدین اسلام، آجانلو، امیر کبیر و ملت).

۲. تغییر عملکرد خیابان جمهوری اسلامی از شریانی درجه دو به جمع و پخش کننده بعد از تقاطع با خیابان سعدی.

۳. حذف پیوستار حرکت سواره در خیابان مصطفی خمینی و بهارستان.

۴. حذف پارک حاشیه ای سرتاسری در خیابان های جمهوری، مصطفی خمینی و ابن سینا.

۵. ساماندهی خطوط تاکسیرانی و اتوبوس رانی ضلع

شمال ایستگاه مترو.

۶. اختصاص خیابان مصطفی خمینی در حد فاصل مجاهدین اسلام و امیر کبیر به حرکت پیاده.

۷. اختصاص خیابان جمهوری اسلامی بعد از خیابان صفی علیشاه تا خیابان مصطفی خمینی به مسیر پیاده.

۸. ارتباط خیابان مجاهدین اسلام وصفی علیشاه در شمال ایستگاه مترو.

و در گام نهایی میدان بهارستان به شکل ذیل مورد باز پیرایی قرار خواهد گرفت.

- بینش و چارچوب نظری

همانطور که در طرح مسأله اشاره شد، هدف اساسی تحقیق بررسی نقش ارزیابی طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان بر توسعه پایدار شهری می باشد. لذا سؤال اساسی که در اینجا باید به کمک مباحث نظری بدان پاسخ داد، این است که ادبیات علمی توسعه پایدار شهری را چگونه تعریف و چه شاخص های برای آن تعیین می کند؟ از این رو در این بخش ابتدا نظریه های مرتبط با توسعه پایدار شهری در ادامه چارچوب نظری معرفی خواهد شد.

الف- نظریه فضاهای شهری پایدار شهری جدید

شهرسازی نوین در راستای پایداری محیطی،

بین محیط طبیعی و محیط انسان ساخت ارتباط برقرار می کند. نوشهرگرایی و یا طراحی نئوسیتی واحدهای همسایگی، مجموعه اصولی را برای برنامه ریزی فراهم می کند که قابلیت پیاده روی و زیست پذیری واحدهای همسایه و خلق محیط دوستانه برای عابران از نکات مهم آن است. البته هدف، حذف خودرو از زندگی روزانه نیست، بلکه سعی می شود که پیاده ها، با وجود خودروها در سطح شهر، احساس ایمنی و آسایش، راحتی و رضایت نمایند. لزوم برخورد مستقیم و نزدیک مردم با یکدیگر در نوشهرگرایی کاملاً مورد توجه قرار می گیرد. نهضت نوشهرگرایی در واحدهای همسایگی طراحی شده، کاربری های مختلف مسکونی از آپارتمان گرفته تا خانه های تک نفری و ویلایی را فراهم کرده که می تواند همه اقشار درآمدی را پشتیبانی کند. اهداف آن درصدد حمایت از محیط های طبیعی و مسکونی است. در نگرش نوشهرگرایی ارتباط واحدهای همسایگی با محیط اطراف مورد توجه قرار می گیرد و همچنین از مراکز شهری و فضاهای باز برای عموم شهروندان حمایت می شود. در رهیافت نوشهرگرایی، واحدهای همسایگی باید در مقیاسی طراحی شوند که دسترسی عابران و دوچرخه برای ساکنان از

وضع پیشنهادی: فضای شهری ایمن و پیاده مدار، با تمرکز

راستای دید به ساختمان قدیمی مجلس، همراه با ملمان

شهری مناسب، نماهای زیبا و خط آسمان هماهنگ

چشم انداز کلی میدان بهارستان از جانب غرب غلبه نقش

عبوری و تداخل حرکت سواره و پیاده با نماهایی

مغشوش و نابسامان



طریق ایجاد واحدهای همسایگی یا قابلیت پیاده میسر باشد. نظریه نوشهرگرایی مبتنی بر اصول ذیل می باشد:

۱. قابلیت پیاده روی؛

۲. ارتباط پذیری؛

۳. کاربری مختلط و تنوع؛

۴. مسکن مختلط؛

۵. معماری و طراحی شهری با کیفیت؛

۶. برنامه ریزی دوسویه؛

۷. تراکم افزایش یافته؛

۸. حمل و نقل هوشمند.

ب- نظریه شکل شهر (شهر فشرده در مقابل شهر افقی)

یکی از موضوعات حیاتی قرن ۲۱ در ارتباط با کیفیت زندگی شهر، شکل یا فرم شهر است. شکل یا فرم شهر، به عنوان الگوی توزیع فضایی فعالیت های انسان در برهه خاصی از زمان تعریف می شود. در این راستا دو شکل اصلی شهر، شهر فشرده و شهر گسترده مورد توجه اندیشمندان مطالعات شهری است. شکل شهری مسلط قرن بیستم در اکثر نقاط جهان، شکل گسترده یا گسترش افقی شهری است که به دلیل پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی، کاهش استانداردهای محیطی و به ویژه زیست محیطی و عدم استفاده بهینه از زمین و وابستگی زیاد به اتومبیل شخصی، انتقادهای زیادی بر آن شده و به عنوان ناپایدارترین شکل شهری شناخته شده است. به دنبال آن دانشمندان در جستجوی شکل پایدار شهری، شکل فشرده را پیشنهاد کردند که با الگوی های توسعه پایدار هم خوانی بیشتری دارد. ایده شهر فشرده سعی دارد با تحول در عناصر فرم کالبدی شهر، زمینه پایداری بیشتر آن را فراهم کند. بیشتر تئوری های شهر فشرده بر ارتباط فرم شهری و کیفیت زندگی تأکید داشته اند. ادعا شده است متراکم سازی شهری، سبب ایجاد نواحی شهری امن تر و سرزنده تر می شود و علاوه بر این موجب حمایت از مشاغل و سرویس های

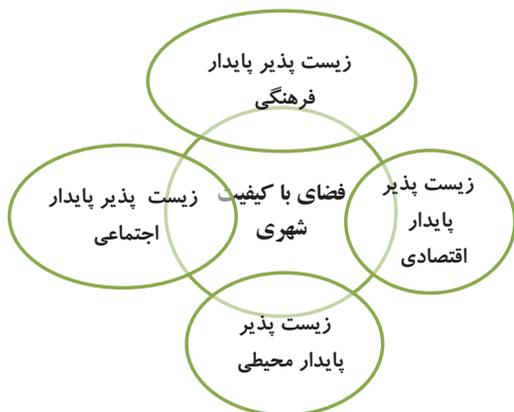
محلی و روابط اجتماعی شهری می شود. این گرایش به کیفیت زندگی در حرکت های معاصر و جاری به سوی طراحی فرم های شهری و سنتی جدید روستا شهری، به عنوان گرایش مسلط قابل مشاهده است. ایده «شهر فشرده» می تواند برای ارتقاء کیفیت زندگی شهری شهروندان با ایجاد فضاها پُرتحرک، مناسب و جذاب از نظر انرژی مقرون به صرفه و مشوق حمل و نقل عمومی، سودمند باشد (مثنوی، ۱۳۸۱: ۳۱). در فرم شهر فشرده، تأکید بر رشد مراکز شهری موجود و زمین های باز یافتی و در عین حال دوری از گسترش و پخش شدن در حاشیه هاست که در مقابل ایده شهر افقی قرار می گیرد.

چارچوب نظری

نگاه به ادبیات موجود در حوزه شهر سازی، حکایت از آن دارد که تمام تلاشها در دست یابی به مفهوم کیفیت شهری با مفهوم پایداری و زیست پذیری شهری پیوند خورده است. پایداری شهری و مفهوم پایداری شدن در سال های اخیر از بدهای مختلفی مورد بحث قرار گرفته است؛ از این رو، یافتن یک مفهوم مشترک برای آن تاحدی مشکل شده است. بایستی توجه شود که پایداری حقیقی، تنها منجر به پایداری منابع اکولوژیکی نمی شود، بلکه پایداری اجتماعی و اقتصادی را نیز شامل می شود. پایداری هنگامی که به طراحی شهری مربوط می شود، باید تضمین کند که یک شهر از زیر ساختاری حمایت می کند که انتخاب های سالم و در حال پیشرو را برای شهروندانش فراهم کرد تا کار، زندگی و تفریح کنند.

در بحث انتخاب رویکرد نظری، از بین رویکردهای مطرح، رویکرد تلفیقی برای تحلیل نقش طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان در توسعه پایدار شهری انتخاب شده است که هسته اساسی این رویکرد، فضاهای کیفی پایدار زیست پذیر با تأکید بر هویت اجتماعی می باشد. برای این که معماری و طراحی فضای کالبدی بتواند تأثیر مثبتی بر جریان اجتماعی شهر داشته باشد، بایستی کالبد مناسب

از این رو با توجه به به مطالعات پیشین، چارچوب نظری این پروژه مبتنی بر فضاهای کیفی پایدار زیست پذیر با تأکید بر هویت اجتماعی می باشد که این فضاهای زیست پذیر در چهار بُعد زیست پذیری اجتماعی؛ زیست پذیری اقتصادی و زیست پذیری محیطی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و میزان زیست پذیری پروژه و نقش آن در توسعه پایدار شهری مشخص خواهد شد. نمودار ذیل مدل نظری تحقیق را نشان می دهد.



روش شناسی

با توجه به طرح مسأله، اهداف و سؤالاتی که مطالعات نظری برای این تحقیق فراهم کردند از ابزار، تکنیک و روش های گوناگونی در این مطالعه استفاده شده است. بنابراین با توجه به اهداف و اقتضای مطالعات ارزیابی اجتماعی، روش ترکیبی یا آنچه به نام مختلط در ادبیات علمی امروز مطرح است در این تحقیق مورد توجه خواهد بود.

(*) **ابزار و شیوه سنجش متغیرها:** همانطور که مشاهده می شود، بخش اعظم مقولات تحت بررسی نیاز به ارزیابی کمی و کیفی دارند. لذا ابزارهای جمع آوری اطلاعات این مطالعه در دو دسته کیفی و کمی قرار می گیرند. بنابراین بر حسب نحوه سنجش متغیر از ابزارهای کیفی و کمی استفاده شده است. ابزارهای کیفی خود دو دسته اند: دسته اول مصاحبه های انجام گرفته با

برای تقویت ساختارهای اجتماعی و تقویت رفتارهای اجتماعی شهروندان متناسب با فرهنگ بومی جامعه را فراهم نماید. به عبارت دیگر، معماری اجتماعی در جهت تأمین کیفیت بالاتر زندگی عمل می کند و کیفیت بر اساس مجموعه ای از خواسته های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روانی تعریف می شود و تنها بُعدی از آن را شاخص های مادی تشکیل می دهد. در واقع معماری و طراحی شهری باید در چارچوب هویت اجتماعی هر جامعه باشد و به آن غنا بخشد. هویت اجتماعی معماری بر اساس عناصر زیر در چارچوب یک مدل مفهومی قابل نمایش است. هویت جامعه و افراد بر اساس ارتباط (Relationship)، حضور (Presence)، اشتراک یا سهیم شدن (Sharing)، گفتگو (Conversation)، شهرت و اعتبار (Reputation)، و گروه ها (Groups) تبیین می شود.

در معماری فضای کالبدی (ارتقاء کیفی) از جنبه اجتماعی باید به این مولفه ها توجه نموده و فضای کالبدی را در جهت بسترسازی برای شکل گیری و تقویت اجتماعی مشخص هدایت نماید. این مولفه های کارکردهای اجتماعی یک جامعه را منعکس می کند که بر آیند آن یک جامعه با هویت مشخص می باشد. ایجاد فضای کالبدی برای جریان روان این برآیند به تقویت این نقشها و در نهایت تقویت هویت اجتماعی کمک می کند و در نتیجه آن افزایش همبستگی، امنیت و مشارکت اجتماعی و پایداری جامعه خواهد بود (Morvill, 2007). به نقل از جمعه پور، (۱۳۸۹). در نهایت این که در معماری و طراحی شهری در سازگاری با ابعاد اجتماعی و ایجاد فضای زندگی با کیفیت مناسب باید موضوعات زیر را در نظر داشته باشد:

- ۱- دسترسی؛ ۲- سلامت و امنیت؛ ۳- دید و چشم انداز؛ ۴- هویت؛ ۵- خوانایی؛ ۶- ارتباط با پیرامون؛ ۷- محله مداری؛ ۸- منطقه مداری؛ ۹- امنیت زیست محیطی؛ ۱۰- امنیت اجتماعی (Carolyn Stone, 2008). به نقل از جمعه پور، (۱۳۸۹).

مسئولان، کارشناسان، کسبه و شهروندان و دسته دوم بررسی‌های اسنادی را شامل می‌شود ابزار کمی نیز عمدتاً شامل پرسشنامه می‌باشد.

(*) **جامعه آماری مطالعه:** نوع بررسی‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی به گونه‌ای است که باید اطلاعات مرتبط با هدف‌های تحقیق از حوزه نفوذ سه گانه و به طور خاص حوزه نفوذ مستقیم و بلافصل جمع‌آوری شود. از این رو جامعه آماری تحقیق ساکنان، صاحبان کسب، رانندگان و مراجعان به سازمان‌های در محدوده مداخله، بلافصل و فراگیر می‌باشد.

(*) **شیوه نمونه‌گیری و حجم نمونه:** در تحقیقات علمی، نمونه تحقیق باید، نمونه گویایی از جامعه آماری باشد. بر این مبنا با توجه به اینکه جمعیت محدوده میدان و بلافصل ۹۲۹۹ می‌باشند. برای این جمعیت بر اساس فرمول کوکران ۷۶ نفر می‌تواند نمونه گویایی باشد. با توجه به اینکه یکی از متغیرهای زمینه‌ای تحقیق جنسیت می‌باشد، لذا در تعیین نمونه زنان ۵۰٪ به عنوان P و مردان با ۵۰٪ به عنوان q در نظر گرفته شده است. ضریب اطمینان را ۱/۹۶ در نظر گرفته که نتایج حاصله را بتوان با ۹۵٪ اطمینان تعمیم داد.

$$n = \frac{N(t)^2 \cdot (p)(q)}{(N)(d)^2 + t^2 \cdot (p \cdot q)}$$
$$n = \frac{9299 \times 3/84 \times 0/16}{9299 \times 0/0081 + 3/84 \times 0/16} = \frac{5713}{75/9} \approx 76$$

در تحقیقات ارزیابی تأثیر محقق باید با توجه به متغیرهای غیر از مبانی نمونه‌گیری تصمیم بگیرد. از این رو نظر به اهمیت نظرات کسبه اطراف میدان بهارستان که محدوده مداخله می‌باشد، ۳۰ نفر از کسبه اطراف میدان مورد مطالعه قرار گرفتند. در منطقه بلافصل و فراگیر نیز به شکل نمونه‌گیری سهمیه‌ای اقدام شد، به ترتیبی که از اصناف مختلف ۳۰ نفر مورد مطالعه قرار گرفتند تا هر کدام از اصناف نیز سهمیه‌ای در تحقیق داشته باشند. در این تحقیق علاوه بر نظرات صاحبان کسب و کار ۱۲۰ نفر از ساکنان حوزه نفوذ مورد مطالعه قرار

گرفتند. از این ۱۲۰ نفر ۶۰ نفر در حوزه مداخله مستقیم طرح ۶۰ نفر نیز در حوزه بلافصل تحقیق انتخاب شدند.

(*) **روایی و پایایی ابزارها:** در خصوص اعتبار داده می‌توان به این نکته اشاره کرد که اکثر مصاحبه‌ها از طرف محقق انجام شده است، بنابراین یافته‌های مرتبط با مصاحبه‌ها از حیث صحت در حد بسیار بالا می‌باشد. در خصوص داده‌هایی که از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است نیز می‌توان به این ملاک که پرسشگران در خصوص طرح کاملاً توجیه شده و بعد از آن داده‌ها را جمع‌آوری کردند اشاره نمود، ضمن اینکه سوالات تحقیق از نظر اعتبار صوری مورد تأیید افراد صاحب صلاحیت قرار گرفت.

(*) **متغیرها**

۱. **زیست‌پذیری:** فضای سرزنده در صورت پایداری به فضای زیست‌پذیر منجر خواهد شد. زیست‌پذیری به میزانی از ظرفیت جذب سرمایه برای بقا، بهبود و تطابق نیازهای متغیر فضا اشاره دارد. زیست‌پذیری را مطابق با مطالعات می‌توان به چهار گونه زیست‌پذیری پایدار اجتماعی، فرهنگی، محیطی و اقتصادی مشخص کرد.

۲. **زیست‌پذیر پایدار محیطی:** زیست‌پذیری پایدار محیطی به نیازهای فیزیکی انسان مانند تناسبات، آسایش اقلیمی، استراحت؛ نحوه دسترسی به محدوده پیاده از راه ایجاد پارکینگ یا بهبود وضعیت شبکه حمل و نقل عمومی؛ بهسازی سیما و منظر شهری، کاهش منابع آلودگی هوا و صدا، افزایش ایمنی، توسعه فضای سبز و باز، کاهش تراکم و ازدحام، آرام‌سازی محله‌های مسکونی و تحرک رفت و آمد در مراکز شهری، تشویق استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی، دگرگونی در الگوی رفت و آمد و توسعه پارکینگ‌های عمومی اشاره دارد. در فضاهای زیست‌پذیر ایمنی شاخص مهمی می‌باشد. این شاخص اشاره به موارد و عوامل محیطی دارد؛ که در صورت عدم تأمین شرایط مطلوب، وقوع

حوادث اجتناب ناپذیر است و خطرات به صورت بالقوه و بالفعل جان و مال حاضران، عابران و ناظران را تهدید خواهد کرد (صالحی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۲).

۳. زیست پذیری پایدار اجتماعی: فضاهای زیست پذیر پایدار اجتماعی، اجتماع پذیرند، اجتماع پذیر شهری بر دعوت کنندگی فضا بیش از سایر شاخصه‌های آن تأکید می‌کند و جذابیت یک شهر را با توجه به انبوه مردمی که در فضاهای همگانی آن گرد هم می‌آیند و وقت خودشان را در آنجا می‌گذرانند، مفهوم می‌بخشند؛ فضای شهری دعوت کننده، فضایی است که بتوانیم با هم‌شهری‌هایمان چهره به چهره دیدار کنیم و به طور مستقیم از راه حواسمان به تجربه اندوزی بپردازیم (Gehl, ۱۹۸۷).

۴. زیست پذیر پایدار اقتصادی: فضای زیست پذیر پایدار اقتصادی باید زمینه افزایش درآمد برای کسبه و ساکنان را فراهم و موجب گردشگری اقتصادی و تغییر مشاغل ناسازگار باشد. بنابراین در فضای با کیفیت زیست پذیر پایدار اقتصادی باید زمینه رونق اقتصادی با نگاه به گردشگری اقتصادی به وجود آید.

۵. زیست پذیر پایدار فرهنگی: فضای زیست پذیر پایدار فرهنگی فضایی است که در آن افراد احساس هویت فرهنگی و تاریخی کنند. چنین فضایی باید زمینه حضور سبک زندگی فرهنگی را در محیط فراهم کند. از این رو فضای زیست پذیر پایدار فرهنگی فضایی است که سبک زندگی فرهنگی فعلی در این محدوده تغییر داده و موجب افزایش هویت تاریخی و فرهنگی این منطقه باشد.

بیان یافته‌ها و نتایج

در این بخش یافته‌های پیمایش از ساکنان و کسبه و مصاحبه‌های کیفی مرتبط با هر شاخص معرفی می‌شود:

سیمای پاسخگویان: «سن»: میانگین سنی پاسخگویان این پیمایش ۴۱ سال است؛ «جنسیت»: مردان ۶۴ درصد و زنان ۳۶ درصد از پاسخگویان را تشکیل می‌دهند؛ «وضعیت تأهل»: از نظر وضعیت زناشویی،

۶۸ درصد از پاسخگویان متأهل و ۳۲ درصد مجرد می‌باشند؛ «میزان تحصیلات»: از مجموع صد درصد پاسخگویان ۴ درصد بی‌سواد، ۲۹ درصد تا سوم راهنمایی، ۴۳ درصد دیپلم و ۱۶ درصد فوق دیپلم و لیسانس و ۷ درصد دارای تحصیلات تکمیلی می‌باشند. در مجموع می‌توان گفت بخش عمده (حدود ۵۵ درصد) از پاسخگویان دارای تحصیلات سطح راهنمایی و دیپلم می‌باشند.

جدول ۱. توزیع ساکنان بر مبنای تحصیلات

ردیف	سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
۱	بی سواد	۵	۴,۱۶
۲	تا سوم راهنمایی	۳۵	۲۹,۱۶
۳	دیپلم	۵۱	۴۲,۵
۴	فوق دیپلم و لیسانس	۱۹	۱۵,۸
۵	فوق لیسانس و بالاتر	۱۰	۸,۳۳
جمع		۱۲۰	۱۰۰

درآمد: اطلاع از وضعیت درآمدی پاسخگویان می‌تواند به ما در شناخت جامعه تحقیق کمک کند. یافته‌های این متغیر نشان می‌دهد، ۶۵ درصد دارای درآمد کمتر از ۱ میلیون تومان، ۱۵ درصد بیشتر از ۱,۵ میلیون، ۸ درصد بیش از دو میلیون در ماه دارند. ۱۲ درصد نیز درآمدشان را اعلام نکردند؛ هزینه زندگی: یافته‌های این متغیر نشان می‌دهد، ۴۰ درصد هزینه‌های زندگی شان را کمتر از ۱ میلیون تومان در ماه عنوان کرده‌اند. ۳۵ درصد بیشتر از ۱,۵ میلیون، ۱۶ درصد بیش از دو میلیون و ۹ درصد نیز هزینه زندگی شان را اعلام نکردند.

آزمون فرضیه‌ها

۱- به نظر می‌رسد، ارتقاء کیفی میدان بهارستان واجد شرایط لازم برای زیست پذیری پایدار محیطی باشد.

این فرضیه از سه فرضیه جزئی زیر تشکیل شده

باشد. از نظر ۶۶ درصد از ساکنان و کسبه، این طرح موجب بهبود منظر میدان خواهد شد.

جدول ۳. تأثیر طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان در بهبود منظر از نظر ساکنان و کسبه

ردیف	موارد	فراوانی	درصد
۱	خیلی بیشتر می شود	۴۰	۲۲
۲	بیشتر می شود	۷۹	۴۴
۳	فرقی نمی کند	۵۰	۲۸
۴	کمتر می شود	۷	۴
۵	خیلی کمتر می شود	۴	۲
جمع	۱۸۰	۱۰۰	۴
جمع		۱۸۰	۱۰۰

است. این فرضیات بر تأثیر طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان بر کاهش آلودگی محیطی، زیبایی بصری و آسایش ساکنان و کسبه تأکید دارند، با سوآلاتی مورد بررسی قرار گرفته است؛ در این قسمت یافته‌های آن ارائه می شود.

۱-۱- به نظر می رسد، اجرای طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان آلودگی‌های محیطی میدان را کاهش خواهد داد.

یافته‌ها نشان می دهد، بیش از ۵۷ درصد پاسخگویان اجرای طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان را حامل تأثیرات مثبت بر کاهش آلودگی محیطی منطقه می دانند. ۲۸ درصد از پاسخگویان به این طرح چندان خوشبین نیستند و معتقدند که این طرح تأثیری در کاهش آلودگی محیطی منطقه نخواهد داشت. عده‌ای نیز نسبت به این طرح بدبین بوده و عقیده دارند اجرای آن آلودگی محیطی میدان بهارستان را افزایش خواهد داد. تعداد این گروه از پاسخگویان نسبتاً کم بوده و ۱۱ درصد از کل پاسخگویان را شامل می شود.

جدول ۲. تأثیر طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان بر آلودگی محیطی

ردیف	موارد	فراوانی	درصد
۱	خیلی بیشتر می شود	۵	۳
۲	بیشتر می شود	۱۵	۸
۳	فرقی نمی کند	۵۰	۲۸
۴	کمتر می شود	۷۶	۴۲
۵	خیلی کمتر می شود	۲۷	۱۵
۶	بی پاسخ	۷	۴
جمع		۱۸۰	۱۰۰

۲-۱- به نظر می رسد، اجرای طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان موجب بهبود منظر میدان باشد. بهبود منظر شهری از نقاط قوت برجسته و مورد تأکید در طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان می

۳-۱- به نظر می رسد، طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان شلوغی ناشی از بارگیری را کاهش خواهد داد.

۴۶ درصد از ساکنان معتقدند، اجرای طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان تأثیرات مثبتی بر شلوغی ناشی از بارگیری در محدوده خواهد داشت و با اجرای این طرح شلوغی ناشی از بارگیری در میدان بهارستان کاهش خواهد یافت. نزدیک به ۱۹ درصد از ساکنین نیز نسبت به این طرح بدبین بوده و عقیده دارند اجرای آن شلوغی ناشی از بارگیری در میدان بهارستان را افزایش خواهد داد. ۱۵ درصد نیز معتقدند اجرای طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان تأثیری بر شلوغی ناشی از بارگیری در این محدوده بر جای نخواهد گذاشت. بررسی نظرات کسبه در این خصوص نشان می دهد، بین نظرات ساکنان و کسبه در این مورد تفاوت معنی داری وجود دارد. کسبه در خصوص تأثیر طرح بر کاهش شلوغی ناشی از بارگیری همانند ساکنین فکر نمی کنند. بیش از ۵۶ درصد از کسبه معتقدند شلوغی ناشی از بارگیری از طریق این طرح بیشتر می شود.

جدول ۴. تأثیر طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان بر شلوغی ناشی از بارگیری (نظرات ساکنین)

ردیف	موارد	فراوانی	درصد
۱	خیلی بیشتر می شود	۴	۳
۲	بیشتر می شود	۱۹	۱۶
۳	فرقی نمی کند	۱۸	۱۵
۴	کمتر می شود	۵۵	۴۶
۵	خیلی کمتر می شود	۱۴	۱۲
	بی پاسخ	۱۰	۸
جمع		۱۲۰	۱۰۰

جدول ۶. تأثیر طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان در رونق و درآمد کسبه از نظر ساکنان

ردیف	موارد	فراوانی	درصد
۱	خیلی بیشتر می شود	۲۶	۲۲
۲	بیشتر می شود	۵۳	۴۴
۳	فرقی نمی کند	۳۳	۲۸
۴	کمتر می شود	۵	۴
۵	خیلی کمتر می شود	۳	۲
جمع	۱۲۰	۱۰۰	۸
جمع		۱۲۰	۱۰۰

جدول ۵. تأثیر طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان بر شلوغی ناشی از بارگیری (نظرات کسبه)

ردیف	موارد	فراوانی	درصد
۱	خیلی بیشتر می شود	۵	۸
۲	بیشتر می شود	۲۸	۴۷
۳	فرقی نمی کند	۱۲	۲۰
۴	کمتر می شود	۹	۱۵
۵	خیلی کمتر می شود	۴	۷
	بی پاسخ	۲	۳
جمع	۶۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول ۷. تأثیر طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان در رونق و درآمد کسبه (از نظر کسبه)

ردیف	شرح	فراوانی	درصد
۱	خیلی بیشتر می شود	۱	۲
۲	بیشتر می شود	۳	۵
۳	فرقی نمی کند	۲۳	۳۸
۴	کمتر می شود	۲۲	۳۷
۵	خیلی کمتر می شود	۱۱	۱۸
جمع	۶۰	۱۰۰	۸
جمع		۱۲۰	۱۰۰

۲- به نظر می رسد، ارتقاء کیفی میدان بهارستان واجد شرایط لازم برای زیست پذیری پایدار اقتصادی باشد.

۱-۲- به نظر می رسد اجرای طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان موجب افزایش درآمد کسبه و رونق میدان شود.

با توجه به اینکه یافته های این متغیر در بین کسبه و ساکنین تفاوت معنی داری دارد، از این رو یافته های این بخش به صورت تفکیکی ارائه می شود. بیش از ۶۶ درصد ساکنان محدوده معتقدند که این طرح موجب بهبود وضعیت کسب و کار در محدوده خواهد شد. اما بخش زیادی (۵۵ درصد) از صاحبان کسب

و کار که در میدان بهارستان فعالیت می کنند، ساکن این منطقه نیستند و به این میدان تنها به عنوان محل کار و مکانی برای کسب درآمد نگاه می کنند، معتقدند که این طرح موجب کساد بازارشان خواهد شد.

بررسی مصاحبه ها در این خصوص نکات قابل تأملی را نشان می دهد. بخشی از کسبه با رویکرد رونق از طریق این طرح موافق هستند و بخشی دیگر در صورت برنامه ریزی دقیق و انجام کامل پروژه موافق می باشند. اما تعدادی نیز هستند که نظرات افراطی در این خصوص دارند: «این قسمت مرده است. می خواهید مرده ترش کنید. آنوقت بارگیری

چی؟ وقتی من کسب و کار ندارم پیاده راه و پیاده رو به چه درد می خورد» یا «گر مثل خیابان ناصر خسرو شود چی؟ کاسبی ما از ۱۰۰ می شود ۱۰. آنوقت نه بار می آید نه بار می رود. می شود مثل بعضی مغازه های هفده شهریور»

۲-۲- به نظر می رسد، اجرای طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان، گردشگری در منطقه را افزایش خواهد داد. یافته های تحقیق، تفاوت معنی داری بین نظرات ساکنان و کسبه در این خصوص نشان نمی دهد. تحلیل یافته ها بیانگر این نکته است، پاسخگویان معتقدند طرح ارتقاء کیفی تا حدی می تواند موجب بهبود گردشگری شود.

۳-۲- به نظر می رسد، ارتقاء کیفی میدان بهارستان واجد شرایط لازم برای زیست پذیری پایدار فرهنگی باشد.

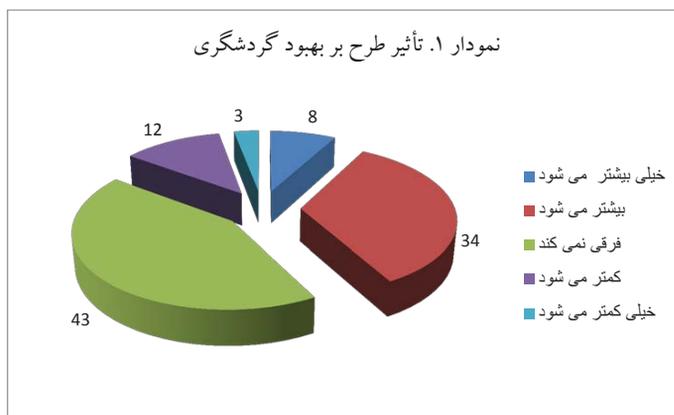
۳-۳- به نظر می رسد، اجرای طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان، موجب افزایش هویت تاریخی و فرهنگی باشد. یافته های مربوط به این سؤال نشان می دهد تفاوتی بین نظرات ساکنان و کسبه در خصوص تأثیر طرح ارتقاء کیفی بر افزایش هویت تاریخی و فرهنگی منطقه وجود ندارد. تحلیل یافته ها نشان می دهد، ۴۸ درصد از پاسخگویان تأثیر طرح ارتقاء بر افزایش هویت تاریخی و فرهنگی را زیاد و خیلی زیاد می دانند. ۳۵ درصد بر این نظر هستند که تا

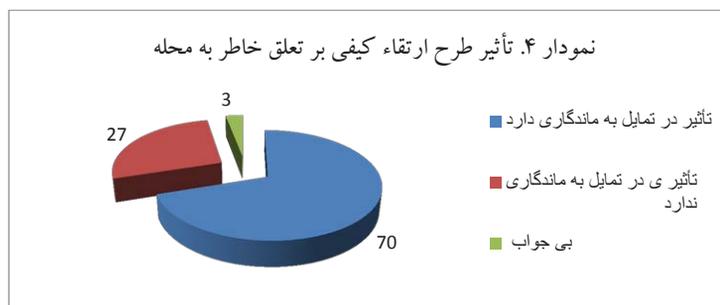
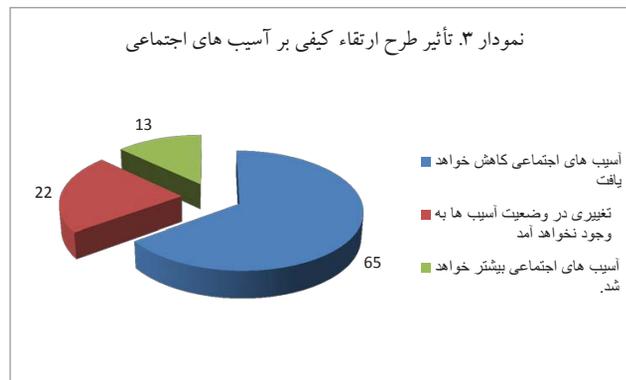
۳-۱- به نظر می رسد، اجرای طرح ارتقاء کیفی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۲۲۳





که با اجرای طرح یاد شده از میزان آسیب های اجتماعی به طور قابل توجهی کاسته خواهد شد. ۲۲ درصد از پاسخگویان اظهار کرده اند که اجرای طرح تغییری در وضعیت آسیب های اجتماعی منطقه ایجاد نخواهد کرد و ۱۳ درصد نیز گفته اند که با اجرای طرح آسیب های اجتماعی افزایش خواهد یافت.

اما بررسی متن مصاحبه های انجام شده هرچند بیانگر تأیید کاهش آسیب های اجتماعی از طریق این طرح است اما کسانی هم بودند که خلاف این نظر را داشتند و بر این نظر هستند که چنانچه این طرح به شکل کامل اجرا نشود، زمینه و بستری برای کارتن خوابی و محل آرامی برای فروش مواد مخدر خواهد شد. بنابراین دیدگاه، این طرح می تواند موجب افزایش آسیب های اجتماعی شود. ۲-۴- به نظر می رسد اجرای طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان، تعلق خاطر ساکنان منطقه را افزایش خواهد داد.

از ساکنین سؤال شد، اجرای طرح ارتقاء کیفی

جدول ۸. تأثیر طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان بر هویت تاریخی و فرهنگی منطقه

۱	موارد	فراوانی	درصد
۲	خیلی زیاد	۳۶	۲۰
۳	زیاد	۵۰	۲۸
۴	تاحدی	۶۳	۳۵
۵	کم	۲۲	۱۲
۶	خیلی کم	۹	۵
جمع	۱۸۰	۱۰۰	۳

حدی تأثیر می گذارد و ۱۷ درصد نیز این تأثیر را در حد کم و خیلی کم می دانند.

۴- به نظر می رسد ارتقاء کیفی میدان بهارستان واجد شرایط لازم برای زیست پذیری پایدار اجتماع باشد.

۴-۱- به نظر می رسد اجرای طرح ارتقاء کیفی آسیب های اجتماعی را کاهش خواهد داد.

بخش زیادی از پاسخگویان (۶۵ درصد) بر این باورند

میدان بهارستان آیا تأثیری در تمایل به ماندگاری در این منطقه خواهد داشت؟ یافته‌ها نشان می‌دهد، ۷۰ درصد بیان کردند که تمایل به رفتن کم خواهد شد. ۲۷ درصد گفته‌اند که تأثیری نخواهد داشت و ۳ درصد نیز جوابی نداده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که با اجرای این طرح احساس دل‌بستگی ساکنین به محله افزایش خواهد یافت. لذا می‌توان پیش‌بینی کرد جریان خروج ساکنان اصیل منطقه کند شود.

اما مقایسه یافته‌های پیمایشی با مصاحبه‌ها بیانگر نتیجه‌ای غیر از این امر می‌باشد. بخشی از مصاحبه‌ها در این خصوص در ادامه آمده است. «اینجا همه می‌خواهند بروند، همه خونه‌ها تبدیل به انبار شده فقط فقرا اینجا مانده‌اند، فقط افغانی‌ها می‌آیند، اینجا زندگی می‌کنند، بازسازی هم بشود هیچ کس نمی‌آید فقط پول الکی خرج می‌کنند، هیچ خانواده‌ای نمی‌آید اینجا زندگی کند»، «هر کس امکانش را داشته باشد، از این محل می‌رود، مشکل اصلی این منطقه تولیدی‌ها و انبارها است که سروصدا تولید می‌کنند. هر خانواده‌ای که توان رفتن داشته باشد، یک روز هم اینجا نمی‌ماند، بیشتر انبار است.»

۳-۴- به نظر می‌رسد اجرای طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان سرمایه اجتماعی منطقه را افزایش

خواهد داد.

موضوع نقش ارتقاء کیفی میدان در افزایش سرمایه اجتماعی ساکنان و کسبه نشان می‌دهد بیش از ۷۰ درصد از ساکنین تأثیرات طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان بر تعاملاتشان را مثبت ارزیابی می‌کنند. از نظر این گروه از شهروندان با اجرای این طرح شهروندان تعاملات بیشتری خواهند داشت. ۲۶ درصد از ساکنان عنوان کرده‌اند که اجرای این طرح تأثیری بر تعاملات آنها نخواهد داشت و بالاخره ۵ درصد پاسخگویان نیز تأثیر اجرای طرح را در تعاملات اجتماعی منفی دانسته و معتقدند اجرای این طرح تعاملات آنها را کمتر خواهد کرد. نظرات کسبه در این خصوص هماهنگ با ساکنان نمی‌باشد. یافته‌های کسبه نشان می‌دهد، ۳۵ درصد از آنان معتقدند که این طرح می‌تواند برای آنها تعاملات بیاورد ولی ۵۵ درصد نیز معتقدند که تعاملات را از آنها خواهد گرفت. این در حالی است که ۸ درصد نیز بر این نظرند که این طرح تأثیری در تعاملات آنها نخواهد داشت.

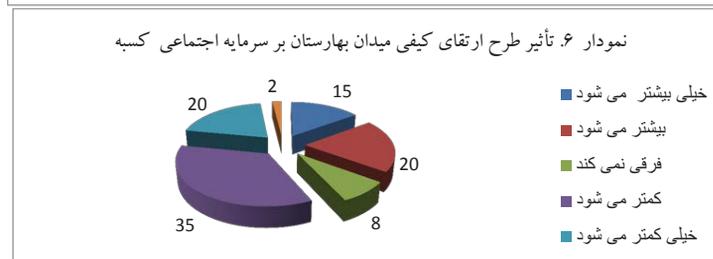
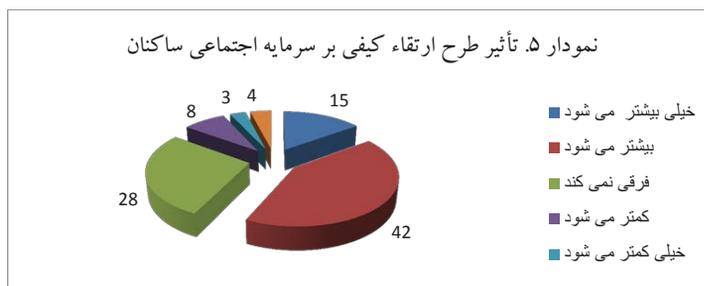
۴-۴- به نظر می‌رسد اجرای طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان، امنیت اجتماعی منطقه را افزایش خواهد داد.

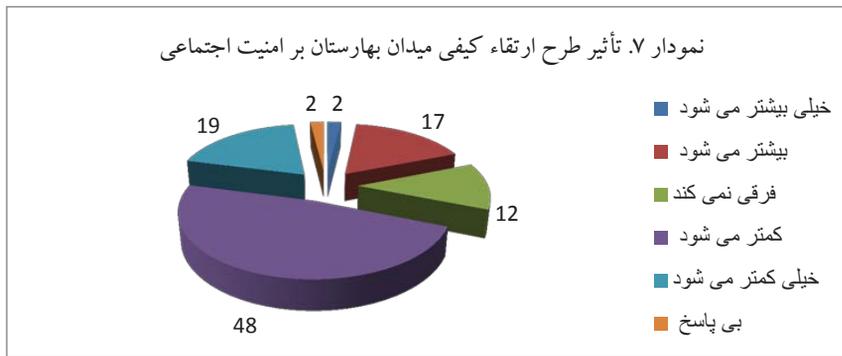
امنیت اجتماعی یکی دیگر از موضوعاتی است که تأثیر اجرای طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان بر

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۲۲۵





پایدار شهری گام خواهد برداشت. اما اگر این طرح به شکل ناقص اجرای شده یعنی تنها به محدودیت در تردد خودروها ختم شود، این امر نه تنها موجب توسعه پایدار شهری نخواهد شد، بلکه مشکل مضاعفی را مشکلات محدوده بهارستان و مرکز شهر خواهد افزود.

منابع و مآخذ

آزادی، الهام (۱۳۹۱) توسعه گردشگری شهری با تکیه بر مرکز شهر تهران و رویکرد مدیریت شهری، تهران: نشر تیسرا.

استفن، ام. ویلر (۱۳۹۳) ایجاد جامعه زیست پذیر، متعادل و اکولوژیک، مترجم، محمود جمعه پور، تهران، انتشارات علوم اجتماعی

بارج، رابل جی (۱۳۹۱) ارزیابی تأثیر اجتماعی، ترجمه محمد علی زکریایی، تهران: نشر جامعه فرهنگ و دفتر مطالعات اجتماعی شهرداری تهران بنتلی، ای یین و دیگران (۱۳۸۲) محیط های پاسخده، مترجم: مصطفی بهزاد فر تهران: دانشگاه علم و صنعت.

راست بین، ساجد و همکاران (۱۳۹۱) رابطه همبستگی بین کیفیت های محیطی و تداوم حیات شهری در عرصه های عمومی (نمونه موردی: جلفای اصفهان)، مجله باغ نظر، شماره ۲۱، سال نهم.

جمعه پور (۱۳۸۷) «بررسی ابعاد اجتماعی معماری و شهرسازی تهران» مرکز مطالعات برنامه ریزی شهر تهران، شهرداری تهران.

جمعه پور، محمود (۱۳۸۹) «توسعه پایدار شهری؛ استانداردی، کیفیت زندگی و پایداری فضایی» کتاب

آن مورد سؤال قرار گرفته است. یافته ها نشان می دهد، بین نظرات ساکنین و کسبه تفاوتی در این خصوص وجود ندارد. ۶۷ درصد از پاسخگویان تأثیر طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان بر امنیت اجتماعی را مثبت ارزیابی کرده اند. از نظر این گروه با اجرای این طرح ناامنی کاهش خواهد یافت، ۱۲ درصد نیز عنوان کرده اند که اجرای طرح یاد شده تأثیری بر این موضوع نخواهد داشت و بالاخره، ۱۹ درصد نیز تأثیر اجرای طرح را بر کاهش ناامنی منفی دانسته و معتقدند ناامنی را افزایش خواهد داد.

نتیجه گیری و جمع بندی

بررسی یافته های تحقیق نشان می دهد، میزان مطابقت طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان با معیارهای شهرسازی نوین و نگاه انسان گرایانه به شهر بسیار بالا می باشد. این طرح از لحاظ نظری مشکلات هسته مرکزی شهر را به خوبی تشخیص داده و راه حل های مناسبی را بهبود این مشکلات در نظر گرفته است. اما آنچه در تحلیل نهایی باید مورد توجه قرار گیرد، این نکته است که اقدامات طرح ارتقاء کیفی میدان بهارستان باید در راستای زیست پذیری پایدار محیطی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و نهایتاً کیفیت زندگی شهروندان منطقه ختم شود. بر این اساس باید اذعان کنیم که چنانچه نکاتی را که ساکنین و کسبه میدان بهارستان پیش بینی کرده اند، در اثر اجرای طرح بهبود یابند، می توان پیش بینی نمود که شرایط ارتقای کیفیت زندگی شهروندان منطقه فراهم خواهد شد و این پروژه در راستای فضاهای شهری زیست پذیر پایدار و توسعه

For people choas or Quality of life , European Commission.

Pezzoli k.(1996),Sustainable Development:A Trans-disciplinary overview of the literature , paper at joint international congress of colegiate schools of planning and the association og the european schools of planning Toronto.

Peter ,Morville (2007)Social information architecture – an interesting approach. www.findability.org

Shaftoem, Henry (2008),Convivial Urban Spaces,Creating Effective public places,London:Earthscan.

Wilson, E.(1992),The Sphinx in the city, los Angeles,CA:University of California press.

Euro stat (1998) Indicators of Sustainable Development.

ماه علوم اجتماعی: دوره جدید، آبان - شماره ۳۲ از ۹۳-۸۶

صالحی، اسماعیل (۱۳۸۷) ویژگی های محیطی فضاهای شهری امن، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی.

فیشلر، رافائل (۲۰۰۰) «برنامه ریزی برای بهبود وضعیت زندگی؛ از استاندارد زندگی تا کیفیت زندگی»، ترجمه محمد تقی زاده مطلق، مجله جستارهای شهری، شماره اول، بهار ۸۱.

قربانی، رسول و جام کری، محمد (۱۳۸۹) جنبش پیاده گستری، رویکردی نو در احیاء مراکز شهری، مورد مطالعه پیاده راه تربیت تبریز، مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال دوم، شماره ششم، صص ۷۲-۵۵

گلکار، کورش (۱۳۸۰) مؤلفه های سازنده کیفیت طراحی شهری، دو فصلنامه صفا (۳۲): ۶۱-۳۸
لینچ، کوین (۱۳۷۶) تئوری شکل خوب شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

مثنوی، محمد رضا (۱۳۸۱) «پارادایم جدید توسعه پایدار و توسعه شهری: شهر فشرده و شهر گسترده» مجله مطالعات محیطی، شماره ۳۱، صص ۹۸-۱۰۴.
مهندسین مشاور طاش (۱۳۹۲) «ارتقای کیفی میدان بهارستان» سازمان زیباسازی شهر تهران

Dines,Nicholas,et all.(2006)Public spaces,social relations and well-being in East London, Joseph Rowntree Foundation,pp.13-18. Could be found at: <http://www.jrf.org.uk/sites/files/jrf/public-spaces-social-relations.pdf>

Gehl,j.1987.life between,R.Ewings. New york: van Nostrand Reinhold.

Foo,T.S, 2005, Subjective Assessment of urban quality of Life in Singapore(1997-1998),Habitat International, Vol.24, No.1, PP.31-49.

Margaret.wallstrom(2011),Reclaming City Streets



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

■ ۲۲۸ ■

تأثیر مولفه های هویت کالبدی و فعالیتی بافتهای تاریخی در ایجاد تعاملات اجتماعی

رقیه عطائی* - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه معماری، تبریز، ایران.
محمد رضا پورمحمدی - عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز، گروه برنامه ریزی شهری، تبریز، ایران.

The impact of physical identity components and activity of the historical contexts in creating social interactions

Abstract

Historical context of cities reflects the civil character, culture and urban interactions. In these contexts, in addition to the physical, is answered to create an atmosphere in accordance with the function and performance. Moreover, the notions of "body" and function are raised as effective components in interventions of historical contexts. Therefore, understanding these components are important both towards intervening in historical contexts and towards extending its notions to other sectors, by looking at the historical context, it is obvious that forming and their life in historical continuity, cultural, social, environmental has been explicit as coherent and coordinated. Residents of these contexts have received their identity through social interactions and participation in creating these permanent atmospheres. The impact of such permanent places is in forming of individual and social and cultural identity. This paper evaluates effective components such as social interactions, activities, interests in social links of individuals with the old context and is in order to physical and architecture respond to them. In this study, by research method of descriptive, analytical and library studies and the theory of social links and its main components, is tried to investigate the physical concepts in historical contexts, to investigate the concepts such as participation, attachment, commitment, belief and the sociological positioning, in terms of physical and understanding the features of social links and the need for its physical restoration in historical contexts. So as, leads to the separation of the components of physical and the activity that is effective in the links between people and old context.

Keywords: historical context, social, physical, function, interactions, identity, location.

چکیده

بافت تاریخی شهرها منعکس کننده شخصیت مدنی، فرهنگ و تعاملات شهری است. در این بافت ها علاوه بر کالبد به فضا سازی مطابق با کارکرد و عملکرد نیز پاسخگویی می شود. علاوه بر این، انگاره های «کالبد» و «کارکرد»، به عنوان مؤلفه های مؤثر در مداخلات بافت های تاریخی مطرح اند. بنابراین شناخت این مولفه ها هم در جهت مداخله در بافتهای تاریخی و هم در جهت تعمیم انگاره های آن به سایر بخشها حائز اهمیت اند با نگاهی به بافت تاریخی، این نکته مشهود است که شکل گیری و حیات آن ها در تداومی تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، و محیطی به صورتی منسجم و هماهنگ عیان گردیده است. ساکنان این بافت ها هویت خود را از طریق ارتباطات اجتماعی و مشارکت در ایجاد این فضاهای ماندگار دریافت می نموده اند. تاثیر چنین مکان های ماندگاری در شکل دهی به هویت فردی و اجتماعی و فرهنگی است. این مقاله مولفه های مؤثری نظیر: تعاملات اجتماعی، فعالیتها، دلبستگی را در پیوند اجتماعی افراد با بافت قدیم مؤثر ارزیابی می کند و در جهت پاسخگویی کالبدی و معماری به آنهاست. در این پژوهش با روش تحقیق توصیفی، تحلیلی و مطالعات کتابخانه ای و با چارچوب نظریه پیوند اجتماعی و مولفه های اصلی آن درصدد بررسی مفاهیم کالبدی در بافتهای تاریخی، به بررسی مفاهیمی نظیر مشارکت، دلبستگی، تعهد و باور و موضع گیری جامعه شناختی آن، از منظر کالبدی و شناخت ویژگی های پیوند اجتماعی و لزوم احیای کالبدی آن در بافتهای تاریخی پرداخته می شود. تا بدین طریق به تفکیک مولفه های کالبدی و فعالیتی که در پیوند میان مردم و بافت قدیم مؤثر است بینجامد.

واژه های کلیدی: بافت تاریخی، اجتماع، کالبد، کارکرد، تعاملات، هویت، مکان.

بر پیکره حیاتی شهر وارد آورد. و سبب عدم تمایز ویژگی‌های خاص یک شهر (نظیر عناصر کالبدی) از دیگری گردد. بنابراین در این پژوهش با هدف بررسی مفهوم کالبدی در بافتهای تاریخی، به بررسی مفاهیمی نظیر هویت، مشارکت، دلبستگی، تعهد و باور و موضع‌گیری جامعه‌شناختی آن، از منظر کالبدی و شناخت ویژگی‌های پیوند اجتماعی و لزوم احیای کالبدی آن در بافت‌های تاریخی پرداخته می‌شود. این مقاله سعی دارد با استناد به مولفه‌های پیوند اجتماعی به بررسی میزان هماهنگی آن با فضاهای سنتی پرداخته، عناصر کالبدی موثر در معماری از قبیل دسترسی، فضای مورد نیاز، قابلیت‌های کالبدی لازم، امنیت و کیفیت فضا را ارائه دهد؛ بدین ترتیب حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می‌آید حس مکانی می‌باشد (رحمانی، ۱۳۸۷، ص ۷۸) که بر میزان دلبستگی به مکان تاثیر می‌گذارد. و شامل عوامل کالبدی، احساسات و معانی و فعالیت‌ها می‌باشند. هویت در محیط مصنوع در این پژوهش با رویکرد رابطه میان کالبد و معنا، از این منظر که «ویژگیهای تعریف و تمایزهای با دیگران، چه وجه اشتراکی با کالبد و معنا دارند؟» قابل طرح و بررسی است. امروزه نابسامانی‌های هویتی تهدیدی برای بقا و پایداری کالبدی محسوب می‌شود و می‌تواند تمام ارزشهای میراث فرهنگی شهروندان را از بین ببرد. بنابراین در کالبد مکان و حس مکان در بافت تاریخی، می‌بایست به مفهوم هویت و تبعات آن، تاکید بسیاری گردد؛ لذا بی‌توجهی به هویت شهر می‌تواند عواقب ناخواسته‌ای را بر پیکره حیاتی شهر وارد آورد. تاکید این مقاله بر روی مولفه‌های پیوند اجتماعی و اهمیت آن در مکان‌های سنتی است. چارچوب نظری این تحقیق مولفه‌های پیوند اجتماعی در فضای سنتی است که با استناد به مطالعات کتابخانه‌ای و باتکیه بر کتب و مقالات برگرفته از آن می‌توان مولفه‌های مصنوع و ارزشهای نهفته در ناحیه تاریخی را طبقه‌بندی نموده و با

جست و جوی معنی در مکان‌ها و فضاهای شهری در دهه‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. به دنبال انقطاع تاریخی و بریدن از آن چه میراث گذشته محسوب می‌شد، و در پی بیانیه‌های تقسیم شهر به نواحی عملکردی با فضاهای سیال و بی‌انتها و فرم‌های ساده و احجام خالص و مکعب شکل، آن چه حاصل شد مکان‌های بدون تفاوت در کیفیت و رمز و راز بود. عملکردگرایی خود در زمینه‌ای تاریخی تحقق یافته بود که چنین نوعی از شهرسازی و معماری را ناگزیر می‌کرد. هویت کالبدی بر الگوهای رفتاری و نحوه تعاملات افراد در بافتهای تاریخی تاثیرگذار بوده است و مردم نیز مشتاقانه به حضور و مشارکت در چنین فضاهای تاریخی پاسخ مثبت داده‌اند (گهل، ۲۰۰۴)؛ همچنین علاوه بر ابعاد کالبدی و هویت کالبدی که در حضور و تعامل اجتماعی افراد موثر است، پیش‌بینی و خلق رویدادهای اجتماعی است که در عین ایجاد فرصت‌های مشارکت در فعالیتها اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز ارتقا حس تعلق به مکان نیز باشد (لنارد، ۱۹۸۴). «تراویس هیروشی» چهار مولفه تاثیرگذار بر پیوند اجتماعی افراد را «مشارکت، دلبستگی، تعهد و باور» معرفی کرده است و بر این عقیده است که رابطه معناداری بین این مولفه‌ها و پیوند افراد با جامعه برقرار است. از این رو شناخت ابعاد کمی و کیفی فضاهای سنتی حائز اهمیت است. امروزه نابسامانی‌های در بافت‌های تاریخی بوجود آمده است، که تهدیدی برای بقا و پایداری کالبدی آن محسوب می‌شود و می‌تواند تمام ارزش‌های میراث فرهنگی شهروندان را از بین ببرد. بنابراین در کالبد بافت‌های تاریخی، می‌بایست به مفاهیم هویت، دلبستگی، مشارکت، تعهد و باور تاکید بسیاری گردد؛ لذا در بافت‌های تاریخی هر شهر علاوه بر مداخلات بافت‌ها در جهت تعمیم‌انگارهای آن به سایر بخش‌ها نیز باید توجه کرد. همچنین بی‌توجهی به آن می‌تواند عواقب ناخواسته‌ای را

روش تحقیق توصیفی- تحلیلی مابه ازای معماری این مفاهیم را در فضاهای سنتی ارائه نمود.

بافت های تاریخی و ارزش های نهفته آن

با نگاهی به بافتهای تاریخی^۱ این نکته مشهود است که شکل گیری و حیات آن ها برپایه اصول خاص انسانی، کالبدی و طبیعی بوده است؛ از این رو، از شخصیت و هویت ویژه ای برخوردار است. با وجود این، در چند دهه اخیر بر اثر تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و موارد مشابه (چنگیزی و احمدیان، ۱۳۹۲، ص ۵۴). نابسامانی های در مداخلات بافت قدیم بوجود آمده است، این تحولات و ساخت وسازها در درون شهر و بافتهای قدیم- که به صورت ناهنجار و بدون احترام به کیفیتهای موجود، فضاهای شهری و سیمای شهری اتفاق می افتد- تهدیدی برای بقا و پایداری کیفیت محیط شهری بافت قدیم محسوب می شود و می تواند تمام ارزشهای میراث فرهنگی شهروندان را از بین ببرد. احیا بافت های تاریخی هر شهر علاوه بر مداخلات بافت ها در جهت تعمیم انگارهای آن به سایر بخشهای طراحی- از قبیل طراحی شهری و معماری در بافت های جدید- بسیار حائز اهمیت است. در این قسمت با بررسی مفهوم پیوند اجتماعی مرتبط با روانشناسی اجتماعی و جامعه شناسی- که مرتبط ترین حوزه به مفاهیم کالبدی است- پرداخته می شود. «ناحیه تاریخی (Historic Region) مرکز شهر طبق نمونه های پیش گفته و تاکید بر این تعریف مبتنی بر: محدوده ای از بخش مرکزی شهر، که شامل اصلی ترین محلات قدیمی است که دارای ارزش هویتی- فرهنگی بوده و از بخش های دیگر شهر متمایز می باشد» (خلیل آباد و پوراحمد، ۱۳۸۴، ص ۳۲)؛ بعلاوه فضایی است عمومی که ضمن دارا بودن شخصیت و هویتی ویژه، آن را به مقصدی یگانه برای شهروندان مبدل ساخته و نیز منعکس کننده شخصیت مدنی کل شهر در خود است. چنانچه که گفته شد کالبد به مفهوم نوعی حس و درک

انسانی مطرح نیست، ولی در عین حال دربرگیرنده اندیشه ها، باورها، فعالیتها است. بنابراین در بافت های قدیمی شناسایی ارزش های زیبایی شناسی، فرهنگی و بومی از طریق مفاهیم زیر امکان پذیر می باشد.

ارزش زیباشناختی در تنوع معماری

مناطق تاریخی دارای کیفیت های خیره کننده ای هستند. آنها عطر و بوی دوره مهارت های اصیل و فردیت هایی را برون می تراوند که در دوران فرآورده های صنعتی و نظام های ساخت و سازهای مهم از دست رفته است. احتمالاً نوعی هویت غریزی در مصالح و مواد طبیعی یافت می شود که حال و هوایی بهتر از مواد ماشین ساز به آن ها می دهد. به عقیده اپلیارد (Appleyard) «راحتی عینی، تولیدات ارزان و ایمنی، به بهای فردیت زدایی کسب شده اند». بنابراین مقیاس انسانی، فردیت و تشخص، اهمیت دادن و مهارت از عناصر کالبدی از لحاظ زیبایی شناسی در بافت قدیم می باشند که اکنون در شهر ماشین ساز مدرن با اجزای تکراری و پروژه های کلان مقیاس آن به چشم نمی خورد (امینی لاری، ۱۳۹۰)

ارزش تداوم خاطره فرهنگی؛ ارزش میراث: از اواسط دهه ۱۹۶۰ به این سو، این توجیه برای حفاظت مناطق تاریخی، اهمیت فزاینده ای یافت و پرداختن به مقوله اصالت فرهنگی، به صورت گسترده مطرح شد. شواهد رویت پذیر گذشته به لحاظ آموزشی و تربیتی به هویت فرهنگی و حفظ یاد و خاطره مردم و مکانهای خاص یاری می رسانند و جامعه امروز را با سنت گذشته پیوند می دهند و با تداخل گذشته در زمان حال، معنا و مفهومی به حال می بخشد. این ایده در پیشگفتار «قانون حفاظت تاریخی ملی امریکا» (۱۹۹۶) نیز عنوان گردیده است (امینی لاری، ۱۳۹۰).

ارزش های بومی و منطقه ای: مطالعه کالبد مستلزم بررسی خصوصیات متمایزکننده شکل شهر و بستر طبیعی آن دو است که لزوماً متفاوت است.

۱. آن بخش از شهرهای ایران را که تا عهد قاجار شکل گرفته اند، بافت قدیم یا تاریخی می نامند.

از آنجا که معماری بومی دارای ویژگی‌هایی است که با تمام وجوه انسانی در ارتباط است و از نظر محیطی نیز با محیط طبیعی و طبیعت در ارتباطی از نوع سازگاری و هماهنگی است (کامیار، ۱۳۹۳، ص ۹۲).

رویکردی به مقوله هویت

شاید اولین مرحله از شناخت هر مفهوم، به ویژه مفهوم پیچیده‌ای مانند هویت، تحقیق در معنی آن از دیدگاه واژه‌شناختی یا به اصطلاح فقه اللغه باشد؛ بدین منظور در این قسمت از بحث، معانی و تعاریف واژه شناختی هویت در واژه نامه‌های فارسی و لاتین مطرح می‌گردد. هویت عبارتست از تشخیص و همین معنی میان حکیمان و متکلمان مشهور است، هویت گاه بر وجود خارجی اطلاق می‌گردد، هویت گاه بر ماهیت با تشخیص اطلاق می‌گردد که عبارتست از حقیقت جزئی. اصطلاح و مرتبه احدیت و لاهوت اشارت است از آن. در انسان کامل گوید صوفیه هویت مرتبه ذات حجت را گویند هویت حق تعالی عین او است که ممکن نیست ظهور آن. هویت از لفظ هو گرفته شده که اشاره به غایب است و آن درباره خدایتعالی اشاره است به کنه ذات او به اعتبار اسماء و صفات او با اشعار به غیوبت آن (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۳۵). هویت به معنای احساس تعلق و این همانی با محیط و معیارهایی چون احساس امنیت، خاطره انگیزی، حس تعلق و وابستگی نیز تعریف شده است. هویت کالبدی از نظر مفهومی با اصطلاحات «شخصیت» و «حس مکان» مترادف است (میرمقتدایی، ۱۳۸۳، ص ۲۹). در ترجمه‌هایی که از زبان‌های اروپایی انجام شده

است، اغلب واژه هویت را در برابر واژه Identity در زبان انگلیسی برگزیده‌اند. واژه Identity انگلیسی از زمان پیدایش تا کنون بر پنج معنا دلالت کرده است:

۱. کیفیت یا وضعیت «همان» بودن؛ همانی مطلق یا وجودی؛
 ۲. فردیت، شخصیت (از سال ۱۶۳۸ م)؛ وجود فردی (از سال ۱۶۸۲ م)؛
 ۳. (در جبر) معادله یا عبارتی که به ازای همه مقادیر متغیرهای خود ثابت باشد؛
 ۴. بازشناخته شدن از نظر احساس و علاقه، (از سال ۱۸۶۸، کاربرد این معنا محدود است)؛
 ۵. آنچه مالک خود را بشناساند، مانند کارت شناسایی (از سال ۱۹۰۰ م) (رحیم زاده، ۱۳۸۷).
- طبق تعالیم اسلام، اهداف حیات انسان اصولاً در مقولات معنوی و روحانی خلاصه می‌شود و وجه مادی حیات وی تنها به عنوان وسیله وصول به آن آرمانها معرفی می‌گردد. عمده ترین اهداف حیات انسان عبارتند از: عبودیت و عبادت حضرت حق، حضور در معاد، تمرکز بر توحید و وحدانیت الهی و انجام اعمال برای او، قیام برای برپایی عدل، خروج از ظلمات به سوی نور، و در نهایت وصول به قرب الهی (نقی زاده، ۱۳۸۲، ص ۲۳). هویت اجتماعی، در حقیقت شناخت و آگاهی انسان نسبت به جایگاه و منزلت خود در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی است و علاوه بر شناخت خود در جامعه، شامل شناخت نحوه ارتباط و تعامل عناصر جامعه نسبت به یکدیگر است. در تعریف هویت اجتماعی ریچارد جنکینز معتقد است که «هویت اجتماعی درک ما از این

جدول ۱. معیار ارزیابی هویت کالبدی (Physical Identity)

تمايز / تشابه	تمايز از غير و تشابه با خودی
تداوم / تحوّل	پیوند با گذشته و عدم انقطاع (تداوم معنی و ارزش‌های خودی) در عین نوآوری و خلاقیت با توجه به شرایط زمانه (خود ماندن ولی همان نماندن).
وحدت / کثرت	پیوند میان اجزای متفاوت، ناهمگون و حتی متضاد به گونه‌ای که در کنار هم یک کل را به وجود بیاورند.

جدول ۲. شناسایی ارکان هویت

<p>پیوستگی و تمرکز</p>	<p>تمرکز ایجاد هویت می کند و این از مضارب شهرهای کهن است (مزینی، ۱۳۷۷، ص ۶۶). شهر بی شناسه شهری بدون تاریخ و بدون هویت است؛ چون هویت عامل محدودکننده و مقاوم در برابر تغییر و تمرکز طلب و متعلق به گذشته است اما در عین حال سیر معکوس شهر را نمی کند (مزینی، ۱۳۷۷، ص ۷).</p>
<p>تمایز</p>	<p>هویت کالبدی به معنای صفات و خصوصیات است که جسم شهر را از غیر متمایز و شباهتش را با خودی آشکار می کند. این صفات باید به گونه ای باشند که جسم شهر، در عین تداوم زمانی، در حال تحوّل و تکامل نیز باشد و در نهایت به پیدایش یک کل منجر شود (میرمقتدایی، ۱۳۸۳، ص ۳۵).</p>
<p>تداوم</p>	<p>حس انقطاع از گذشته و الگوبرداری از مدل‌های دیگران برای مسکن که به گسستگی تداوم تجربه های معماران انجامیده است، نشانه های امروزی بودن را در خود داشته و همچون راه حلی آماده و آسان در دسترس بود (اقبال، ۱۳۷۲، ص ۳۷).</p>
<p>خاطره</p>	<p>خاطره محفوظ در حافظه در مفهوم گسترده آن، همانا بازسازی گذشته است. هر فرد اجتماعی، دو حافظه دارد؛ یکی درونی و دیگری بیرونی. حافظه، چه فردی و چه جمعی، به معنی حفظ گذشته در حال یا حفظ زمان حال در گذشته است (هالبواش، ۱۹۸۳، ص ۴۵).</p>
<p>مذهب</p>	<p>عاشورا عامل بسیار مهمی در حفظ هویت ایرانی و اسلامیبوده و هست (بلخاری، ۱۳۹۱). محیط شهری عامل مهمی در تجلی دادن هویت فرهنگی بهره گیری از هنرهای بومی و ملی در معماری و فضاهای خاص یک شهر است که نمایشگر هویت جامعه واجد آن فرهنگ نیز می باشد (نقی زاده، ۱۳۸۷، ۲۶). احترام گذاشتن به نیاکان و گذشتگان که این فرهنگ سازی از تخریب بافت قدیمی و سنتی جلوگیری می کند.</p>

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۲۳۳

مطلب است که چه کسی هستیم و دیگران کیستند و از آن طرف درک دیگران از خودشان و افراد دیگر از جمله خود ما چیست» (چنگیزی و احمدیان، ۱۳۹۲، ص ۴۵). هویت اجتماعی در کنار هویت شخصی، مکمل هویت انسان به شمار می آید.

هویت جمعی، جایگاهی از زندگی اجتماعی است که طی فرآیند اجتماعی شدن حاصل می شود و طی آن افراد جامعه معمولاً با ضمیر «ما» خود را متعلق و مدیون بدان می دانند و در برابر آن نوعی احساس تعهد و تکلیف می نمایند. این نوع هویت که شیوه

و نحوه تفکر، احساسات و تمایلات گروه است، نوعی احساس تعهد مشترک و تکلیف به گروه را بر می انگیزد. این احساس، تا حد به شدت و میزان فراوانی روابط اجتماعی افراد در سطح کشور وسیعی، بستگی دارد. هرچه این نوع هویت، در سطح کشور، قوی تر باشد، شخصیت اجتماعی شهروندان نیز منسجم تر و جدی تر پی ریزی می گردد.

در نگاه سنتی هویت انسان مقدم بر وجود اوست و در نگاه مدرن وجود انسان مقدم بر هویت او. زیستن انسان سنتی در این جهان آمیخته با ریاضت‌ها،

رعایت‌ها، خودداری‌ها، و بردباری‌هاست. او می‌داند که غایت او فراتر از این قلمرو ناسوتی است که به او داده شده تا بر آن حکومت کند (نصر، ۱۳۷۶، ص ۲۲۴). هدف انسان مدرن (سکولار) از زیستن در این جهان، کام گرفتن از این جهان است. فرانسیس بیکن (۱۵۲۶-۱۵۶۸ میلادی) در واقع به دنبال ایجاد علم جدیدی بود که بتواند انسان را بر طبیعت مسلط سازد و به او قدرت و تفوق بر محیط بدهد؛ چنین فردی زندگی را یک فروشگاه بزرگ می‌داند که او در آن آزاد است تا پرسه زند و هرچه را می‌پسندد، انتخاب کند (نصر، ۱۳۸۰، ص ۳۱).

مکان

با نگاهی به بافت تاریخی، این نکته مشهود است که شکل‌گیری و حیات آن‌ها در تداومی تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، و محیطی به صورتی منسجم و هماهنگ عیان گردیده است. ساکنان این بافت‌ها هویت خود را از طریق ارتباطات اجتماعی و مشارکت در ایجاد این فضاهای ماندگار دریافت می‌نموده‌اند. تاثیر چنین مکان‌های ماندگاری در شکل‌دهی به هویت فردی و اجتماعی و فرهنگی زیاد است سرچشمه می‌گیرد. کانون این تحقیقات به صورت ذهنی و عینی و نوع مطالعات به صورت پژوهشی و میدانی می‌باشد. صاحب نظران حوزه مذکور رلف (۱۹۷۶)، نوربرگ شولتز (۱۹۸۳)، وایت (۱۹۸۸)، هیس (۱۹۹۰) بوده‌اند. که با این ایده اصلی: «مردم چگونه محیط اطراف خود را مشاهده، احساس و استفاده می‌کنند و این دو چگونه بر هم تاثیر می‌گذارد» به جستجوی مفهوم مکان (Place)، حس مکان (Sense of place) و احساس تعلق به مکان (Sense of belonging to place) پرداختند (R.Cuthbert، ۲۰۰۶). شولتز مکان را فضای احساس و درک شده و با خاطره عجین شده تلقی می‌کند و بخشی از معنای مکان را در تجربه‌ها و حالات روحی انسان جست و جو می‌نماید. برای او مکان همان فضای زنده است. (شولتز، ۱۳۸۳، ص ۷۳). استفاده از نشانه‌های خاطره‌انگیز و نمادها در

ادراک و فهم انسان از مکان موثر می‌باشد. این نشانه‌ها می‌توانند علائم آشنا و یا خاطره‌انگیز برای مردم باشد. و در کل احساسات و درک فضا به مفهوم مکان است (سادات حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۴۳).
عوامل شکل دهنده به هویت مکان در بافت تاریخی

تجربه مکان از نحوه ارتباط بین شخص و محیط حاصل می‌شود. پس شناخت مکان در لحظه حضور در آن صورت می‌گیرد که ساختار کالبدی با خصوصیاتش، تجارب ما از مکان، خاطره‌ها و احساس‌های وابسته به مکان را برای ما زنده می‌کند و شناخت ما از مکان را ممکن می‌سازد. خصوصیات مکان در بافت‌های تاریخی که ما را به سوی درک هویت مکان رهنمون می‌سازد، به صورت سیما و چشم‌انداز، نظم فضایی، رویداد، خاطره، جهت‌گیری و یگانه‌پنداری قابل تفکیک است، اگر هر یک از این وجوه در مکان حضور نداشته باشد، وضوح و روشنی مکان برای شهود ناظر از میان خواهد رفت و معنایی از پس این مکان به او متبادر نخواهد شد.

بیکره وسیما (چشم‌انداز به عنوان نماد هویت)

به صورت کلی هر مکان دارای خصوصیتی است که بازگوکننده شخصیت استفاده‌کنندگان و زیستندگان در آن مکان است. برای درک و سپس توصیف نقش مکان در زیست جهان می‌توان موقعیتی را در نظر آورد که در آن، محیط برای فرد اهمیت بیش از اندازه می‌یابد و آن لحظه ورود به هر شهری است. ورود و رسیدن به هر شهر تنها زمانی معنی می‌یابد که آن شهر پیشتر هویتی به دست آورده باشد. هویتی که بازگوکننده ویژگی‌های ساکنان نیز هست. هویت پذیرفتن هر جا منوط به نزدیک شدن ما بدان است و منظره اطراف، به تدریج که به آن نزدیک می‌شویم، هستی می‌پذیرد (زید، ۱۳۶۷، ص ۲۰). پس می‌توان گفت که هویت مکان در نگاه اول در لحظه رویارویی با آن شناخته میشود و بدین سان می‌توان گفت که در این لحظه مکان جدید کشف

جدول ۳. مکان و معیارهای سنجش آن، پونتر و مونتگمری ماخذ: (Carmona, ۲۰۰۶)

مکان	معیارهای سنجش
تصویر ذهنی	خاطره و نمادگرایی، خوانایی و نمایانی، تجربه های حسی، ارتباطات روانی، ادراک، شخصی، جهانی
فعالیت	گوناگونی، سرزندگی، زنده بودن خیابان، نظاره کردن مردم، کافه فرهنگی، سرگرمی های محلی - سنتی، ساعتی فعالیت، فعالیتهای جاذب، معامله و اقتصاد
فرم	مقیاس، مرکزگرایی، نفوذپذیری، نشانه ها، فضاهای ساخته شده، نسبتها، فضاهای عمومی

می شود. درست به این دلیل که ما برای رویارویی به مکان نیاز داریم، می باید این مکان سرشار از تنوع و چندگانگی باشد. در این رویارویی، شناخت، زمانی رخ می دهد که شخص پیش تر با آن مکان آشنایی داشته باشد، از این رو، سیمای شهرهای تاریخی دارای ویژگی های است که به شکل گیری تصویر ذهنی مشخص کمک می نماید:

۱. عناصر شهری در ارتباط با محیط اطراف هستند؛
۲. توالی و تداوم در دیدهای پیاپی به وضوح دیده می شود؛
۳. روشن، زنده و پیوسته است؛
۴. یادآور خاطرات و سمبل هاست؛
۵. عناصر نشانه های دارد که بر ذهن ناظر تاثیر گذار است. احساس امنیت در هم نهشتی عناصر و کاربردها را نمایان می سازد؛
۶. واضح و مشخص است؛

۷. بر معنا، فرم نیک، تفرح خاطر ریتم، محرک احساس و وسعت دامنه اختیار تاثیر می گذارد. وجود نظم فضایی در بافت های تاریخی، نوید توحید است. تمامی پدیده های طبیعی و همچنین امرهای واقع اجتماعی، مجموعه ای پویا از عناصری هستند که در این مجموعه های در حرکت همساز می شوند و به یک هویت می رسند. بدین سان که عناصر ترکیب پذیر با حفظ هویت ویژه خود، در ترکیب با یکدیگر نیز یک کل واحد ملموس را شکل می دهند.

نظم فضایی

هر مکانی به حکم ماهیت خود در فضا متحقق است

و چون چنین بوده و هست به نظم فضایی که خود حاصل نظم ادراکی است، نیازمند است. «اتم سفر هر مکانی با یک فرم یکپارچه و انسجام فضایی تناظر برقرار می کند و تک تک عناصر این مکان به یاری این کلیت متناظر توصیف و شناخته می شوند» (شولتز، ۱۳۸۵، ص ۴۳). در بین عناصر مجموعه، در بافت تاریخی پیوند فضای وجود دارد و این پیوند از طریق گذرها با مراکز محله های دیگر و با مرکز شهر در پیوستگی تمام قابل مشاهده است. نحوه ارتباط فضاها با فضای شهری، با رعایت مقیاس های مختلف عملکردی، به صورتی متناسب و همخوان رعایت شده است. در بافت های قدیم فضاها نه آنقدر بزرگ است که تماس بصری با اطراف ضعیف شود و نه آن قدر کوچک که به انسان ترس از مکان محصور دست دهد. و محصوریت ها در بافت تاریخی با استفاده از رنگ های روشن در بدنه ها به گونه ای تعدیل شده است و احساس ناخوشایندی به انسان دست نمی دهد.

رویداد

رسیدن به مکان بعد از رویارویی رخ می دهد و شناخت مکان که پس از کشف نظم فضایی آن رخ می دهد، به ماندن، تعمق و فهم رویداد مکان می انجامد. هم رویداد از فهم بیننده حاصل می شود و هم مکان دیدار می تواند به سادگی، محلی برای ژرف اندیشی و تامل برای فهم رویداد مکان باشد که در این حالت دوری و فاصله ای میان دیدارکنندگان به وجود می آید. مکان های که با امر مقدس مرتبط هستند، جایگاه خاصی را برای خود تعریف

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

می کنند. مکان های مقدس، نه تنها بیانگر پذیرش هستند، بلکه خبر از روشنی و پالایشی می دهند که آن مکان را به عرصه کیهانی وصل می کند. این حالت در مساجد به کمال خویش می رسد: به این معنا که آدمی با گشت میان داخل و خارج، میان وحدت و کثرت، و خلوت و جلوت سیر می کند. هر فضای داخلی خلوت گاه و محل توجه به داخل و هر فضای خارجی، جلوت گاه و مکان توجه به ظاهر می شود. نما و سردر مسجد، دروازه آسمان و داخل آن تصویری از بهشت را نمایان می کند (پور جعفر، ۱۳۸۹).

هویت فردی

«در هر کالبدی در خود حسی از گوشه گیری و انزای هنگامی پدیدار می شود که تک و تنها به ماوای خود پناه می بریم. تنها هنگامی که از آستانه ماوا و مسکن خود در می گذریم، به واقع خورا در کاشانه می یابیم. در خانه است که ما در جهان آن گونه که هستیم معنی پیدا می کند و سکنی گزینی تعریف می شود» (شولتز، ۱۳۸۵، ص ۴۶). معلوم و مشخص بودن حد و مرز یا قلمرو فضایی که انسان در آن حضور می یابد، از تمایلات فطری اوست. این قلمروها معمولاً به دو صورت عمومی و خصوصی قابل تفکیک است. در معماری بافت های تاریخی به قلمرو واسط و حد میانی فضاهای عمومی و خصوصی توجه بسیاری شده است. قلمروها به صورت یک واحد محله ای (مجموعه همسایگی)، و قلمرو یک واحد مسکونی تفکیک شده است (پرتوی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۴).

خاطره

شرط لازم برای کاربرد هر مکانی به معنای واقعی کلمه خاطره است کیفیت های بصری و هنری و ملاحظات زیبایی شناسی از عوامل تجزیه ناپذیر مکان هستند. کلیتی که این کیفیت ها می سازند، باز گو کننده چیستی مکان هستند. گاه محیط طبیعی و مصنوع چنان در قالب موجودیتی وحدت یافته در هم می آمیزند که همچون تصویری یگانه

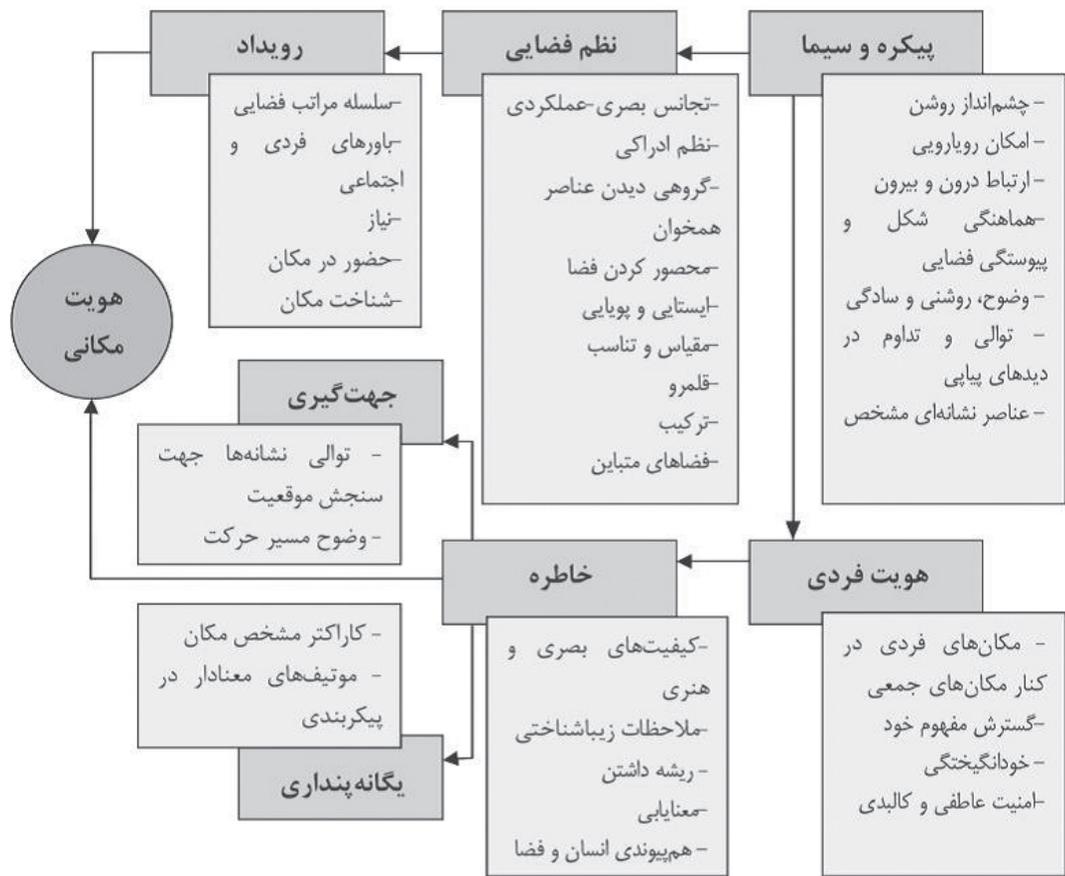
به خاطر سپرده می شوند. این تجربه را یم توان به زیبایی با حضور در مکانی قدیمی یا بافت تاریخی شهرهایمان درک کرد. با چنین مکان ملموسی به سادگی می توان یگانه پنداری کرد و خود را جزئی از آن دید. مکانی که فاقد نشانه های آشنای شکلی و تصویری باشد، هویت کمرنگی خواهد داشت و خوگیری با آن ممکن نخواهد بود (شولتز، ۱۳۸۵، ص ۴۹).

جهت گیری

خاطره مستلزم جهت گیری است، به عبارت دیگر برای رفتن به هر جایی نخست باید از هدف و مقصد، دانسته ای در ذهن باشد. نه تنها مکان مورد بحث باید کیفیت های بصری داشته باشد، باید مشخص و دریافتی نیز باشد تا چگونگی حرکت به سوی آن واضح باشد. وضوح بصری بسیار زیادی در معابر و گذرهای بافت های تاریخی وجود دارد که حس حرکت و تمایل به سمت هدف مشخص را بروز می دهد. این امر با سایه اندازی ها، عقی نشینی عناصر و ورودی ها و تعریف انتهای مسیرها ایجاد گشته است. نشانه ها عوامل نمادی هستند که در شهر های قدیم در مقیاس های مختلف کلان و خرد و با کارکردهای مختلف فعال و غیرفعال شکل گرفته اند. نظام تقسیم بندی محله ها و کارکردها نیز معناهای مشخصی به محدوده ها داده اند که می توان از آن ها به عنوان نشانه های ذهنی یاد کرد. این نشانه ها جهت یابی آسان، تصویر خوانا، آسایش شهروندان و حرکت آسان را در شهر به دنبال خواهند داشت.

یگانه پنداری

خاطره، کارکرد بنیادین در یگانه پنداری با محیط دارد. در بافت های تاریخی شخصیت منحصر به فرد خصوصیت مشخص آن، به شکلی خود انگیخته ثبت و ضبط شده است، حتی پیش از آشنایی ما با نشانه های شاخص آن، یعنی نقش مایه های معناداری که پیکربندی کالبد بدان معناداری می بخشد. پس برای شناخت هویت هر مکان ابتدا باید شکلی عینی، چگونگی و چیستی مکان را فهمید.



نمودار ۱. مدل مفهومی برای عوامل شکل دهنده به هویت مکانی در بافت تاریخی؛ ماخذ: نگارندگان.

فضای جمعی، هر گونه فضای سرپوشیده و محصور یا سرباز شهری به منظور برپایی فعالیت‌های جمعی (مثل صحن یا شبستان مساجد، سالن نمایش و امثال هم) است. افرادی که در فضا گردهم می‌آیند و با هم در ارتباط هستند (نقی زاده، ۱۳۸۶، ص ۱۸۲). اهمیت فضاهای عمومی و جمعی بر هیچ کس پوشیده نیست. فضای جمعی فیزیک و عرصه‌ای است که نقش معنایی و محتوایی را ایفا می‌کند. در فضاهای جمعی موقعیت‌هایی برای ایجاد خاطره جمعی و ذهنیت مشترک پدید می‌آید. فضای جمعی جایی است که حیات اجتماعی در آن جریان دارد و به دلیل یک واقعه تاریخی و اجتماعی یا برنامه از پیش تعریف شده در خاطر جمعی مردم جای دارد. این فضاها مکان‌هایی اند که بیشترین

هویت معماری را همان ارزش‌هایی رقم می‌زند که تنها در بستر ابنیه سنتی ادراک می‌شود، چرا که معماری به آن دلیل شکل می‌گیرد تا ارزش‌ها را در خویش بپروراند و صورتی کالبدی بر آنها متصور شود که اگر چنین نبود و معماری سنتی ایرانی فاقد ارزش می‌نمود، معماری ابنیه کهن چیزی بیشتر از مشتکی خشت و خاک نمی‌نمود. این نکته بر این دلالت دارد که معماری و شهرسازی، واجد رسالتی است تا ارزش‌های کهن فرهنگی را در درون ذات خویش پاس دارد و بر این اساس عنصری هویت بخش به ساختار فرهنگی شمرده شود، چنانچه التزام همگونی هویت و معماری در آثار معماری جهان مشاهده می‌شود.

فضاهای جمعی و عمومی

برخوردها و کنش میان افراد در آن‌ها به وقوع می‌پیوندد و شامل تمام بخش‌هایی از شهرند که مردم به آن‌ها دسترسی فیزیکی و بصیری دارند. بنابراین مرزهای این فضاها، خیابان‌ها، پارک‌ها، میدان‌ها با بناهایی که آن‌ها را محدود می‌سازد، تعیین می‌شوند (تیبالدز، ۱۳۸۵).

تقویت حس باهم بودن از طریق ایجاد انواعی از فضاهای عمومی امکان‌پذیر است. برای مثال، فضای عمومی یعنی «زمینه مشترکی که مردم در آن بتوانند فعالیت‌های عملکردی را که منجر به پیوند بینشان می‌شود، انجام دهند» (کر، ۱۹۹۲، ص ۱). تقویت فضای عمومی به عنوان نقطه گردهمایی مجدد افرادی که از هم جدا افتاده‌اند به خوبی بر اهمیت باهم بودن تأکید دارد. عرصه عمومی قوی (یعنی جایی که زندگی عمومی در آن متجلی شده و از قلمرو خصوصی به وضوح جداست) به عنوان عنصری اساسی برای سلامت یک جامعه مطرح است (مدنی پور، ۱۳۸۹، ص ۲۴۷). در طول تاریخ، فضاهای عمومی شهرها همیشه نقش اصلی در زندگی اجتماعی شهرها بازی می‌کرده‌اند لکن اهمیت خود را از دست داده و دیگر به عنوان گره‌های اصلی در شبکه‌های اجتماعی تلقی نمی‌شوند. طراحان شهری مکان‌های فضایی بسته را پیشنهاد می‌کنند که مثبت تلقی شده و مخلوطی از انواع مردم و فعالیت‌ها را در خود جای می‌دهند. ایجاد این گروه‌های درون‌نگر و انحصاری می‌تواند قدم مثبتی باشد در جهت کاهش تضادهایی که منتج از برداشت‌ها و انتظارات گوناگونی است که درباره فضای شهری وجود دارد و می‌تواند به شهرگرایی با نگاه تحمل‌بیشتر یکدیگر و افزایش پیوند اجتماعی منجر شود (مدنی پور، ۱۳۸۹، ص ۲۵۷).

عرصه عمومی صحنه‌ای است که در آن شهروندان در شکل دادن به افکار و عقاید مشترک و تاثیرگذاری بر اقدامات مشترک بین خود گرد می‌آیند. اگرچه فضای عمومی لازم برای انس و معاشرت بر روابط بین شخصی در مکان‌های عمومی به عنوان عنصر اصلی و پیوند زندگی اجتماعی تأکید می‌ورزد، اما حاوی اهداف سیاسی نمی‌باشد (مدنی پور، ۱۳۸۹، ص ۲۱۹). عرصه عمومی صحنه‌ای است که از نظر کالبدی و سازمانی یکپارچه شده و افراد را به یکدیگر پیوند می‌دهد تا آنان را قادر سازد با اعمال کنترل بر اینکه تاجچه اندازه آشکارسازی و پنهان‌سازی کنند، به روابطشان نظم دهند. علاوه بر آن، این مکان فراهم می‌شود تا افراد بتوانند تفاوت‌ها و هویت‌های خود را بروز دهند، آنچه که به عنوان واقعیت می‌شناسند آزمون کنند، ثبات را از طریق برقراری ارتباط با نسل‌های دیگر تجربه کنند در عین حال که حکومت را تحت مذاقه و بازرسی قرار داده و افکاری مشترک را شکل دهند تا بدین وسیله معانی مثبت و منفی آزادی را با یکدیگر در یکجا جمع کنید (مدنی پور، ۱۳۸۹، ص ۲۲۰).

نظریه پیوند اجتماعی^۱

یکی از راهکارهایی که بتوان نظم اجتماعی را حفظ کرد و باعث باعث افزایش یکپارچگی اجتماعی شد، ایجاد اجتماعات منسجم در جامعه است که مهم‌ترین روش برای تحقق کل‌گرایی از طریق تشویق و تقویت باهم بودن و ایجاد پیوندهای اجتماعی جدید است تا بتواند از انفجار و ازهم‌گسیختگی بافت اجتماعی جلوگیری کرد (مدنی پور، ۱۳۸۹، ص ۲۱۳). ایجاد ارتباط قوی بین افراد فقط هنگامی امکان‌پذیر می‌شود که مجموعه‌ای از چارچوب‌های اجتماعی در جای خود قرارگیرند: چه از دیدگاه

۱. سطوح مختلف حس مکان: هویت یافتن با معانی نمادین محیط ساخته شده احساس تعلق مردم را به یک گروه اجتماعی یا یک مکان افزایش می‌دهد (لنگ، ۱۳۸۱). هیومن پنج‌گونه حس مکان را معرفی کرده که عبارت از ریشه‌داری عقیدتی، ریشه‌داری ناخودآگاه، مکان نسبی، بیگانگی با مکان و بی‌مکانی است (هیومن، ۱۹۹۲). کراس حس مکان را ترکیبی از رابطه با مکان و حس حضور در اجتماع می‌داند. کراس نیز پنج سطح مختلف از حس مکان را به صورت ریشه‌داری منسجم، ریشه‌داری نامنسجم، بیگانگی با مکان، بی‌مکانی نسبی و بی‌مکانی مطلق دسته‌بندی می‌کند (کراس، ۲۰۰۱).

جامعه‌گرایی و چه از دیدگاه فردگرایی دموکراتیک. فضا یکی از این چارچوب‌هاست و طراحی فضای شهری زمینه‌ای برای روابط اجتماعی فراهم می‌کند (مدنی پور، ۱۳۸۹، ۱۸۹).

با ایجاد فضاهای عمومی واقعی به جای ایجاد گره‌ها و محدوده‌های محصور و بسته که منجر به قطبی شدن جامعه و فضا می‌شود، می‌توان انتظار داشت که قدری میزان تحمل یکدیگر و پیوند اجتماعی افزایش یابد (مدنی پور، ۱۳۸۹، ص ۲۴۵). ایجاد ارتباط قوی بین افراد فقط هنگامی امکان‌پذیر می‌شود که مجموعه‌ای از چارچوب‌های اجتماعی در جای خود قرار گیرند چه از دیدگاه جامعه‌گرایی و چه از دیدگاه فردگرایی دموکراتیک. فضا یکی از این چارچوب‌هاست و طراحی فضای شهری زمینه‌ای برای روابط اجتماعی فراهم می‌کند. چارچوب نظری این تحقیق بر نظریه اجتماعی «تراویس هیرشی»^۲ استوار است. وی مولفه‌های پیوند اجتماعی را مشارکت، دلبستگی، تعهد و باور معرفی کرده است و بر این عقیده است که رابطه معناداری بین این مولفه‌ها و پیوند افراد با جامعه برقرار است؛ به طوری که هر چه این مولفه‌ها در جامعه تقویت شود پیوند اجتماعی افزایش می‌یابد (رضایی شریف، ۱۳۹۱). بهره‌گیری از این مولفه‌ها گامی موثر در جهت پایداری اجتماعی و ارتقا کیفیت فضاهای شهری است. در زیر به بررسی این مولفه‌ها پرداخته می‌شود.

نظریه هویت و مکان در بافت تاریخی

دلبستگی به مکان

دلبستگی به مکان آیینی از سطوح حس مکان است که در این سطح، فرد ارتباط عاطفی پیچیده با مکان دارد. مکان برای او معنا دارد و مکان محور فردیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان آیینی شخصیت می‌دهد در این حالت برمنحصر به فرد بودن مکان و تفاوت بر آن با دیگر مکان‌ها تاکید می‌شود (فلاح، ۱۳۸۵). دلبستگی به این معناست که فرد نسبت

به دیگران حساس است و شامل ادراک تعلق، احساس خوشایندی و افتخار به بودن در جامعه و احساس ایمنی و راحتی در جامعه است (مادوکس و پرینز، ۲۰۰۳). مازلو احساس خوشایندی برآورده شود (رضایی شریف، ۱۳۹۱). کیفیت معماری مکان‌ها و طرح کالبدی یکی از عوامل محیطی موثر در حس دلبستگی به مکان و کاربران محیط است. این تاثیر مستقیم یا جبری نبوده، بلکه به صورت عاملی ادراکی با ایجاد تصاویر ذهنی و تسهیل برخی فعالیت‌ها بر استفاده‌کنندگان تاثیر می‌گذارد. طرح کالبدی مکان‌ها با القا زیبایی و هویت و با تسهیل روابط اجتماعی، فعالیت‌ها و ایجاد رضایتمندی در کاربران بر شکل‌گیری نسبی حس دلبستگی به مکان موثر است (فلاح، ۱۳۸۴). یک مکان به دلیل امکان رخداد یک رابطه اجتماعی و تجربه مشترک میان افراد، احساس تعلق و دلبستگی را شکل می‌دهد (پاکزاد، ۱۳۸۸، ص ۳۱۹). احساس تعلق و دلبستگی به مکان، سطح بالاتری از حس مکان است که در هر موقعیت و فضا به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش‌ننده‌ای می‌یابد (فلاح، ۱۳۸۵، ص ۶۰). حس تعلق یکی از علایم و عوامل مهم در ارزیابی ارتباط انسان، محیط و ایجاد محیط‌های انسانی با کیفیت است. این سطح از معنای محیطی بیانگر نوعی ارتباط عمیق فرد با محیط بوده و در این سطح فرد نوعی هم‌ذات‌پنداری بین خود و مکان احساس می‌کند (جوان‌فرورزنده، ۱۳۹۰). حس تعلق دارای دو بعد کالبدی و اجتماعی است که نتایج، نشان‌دهنده برتری تعلق اجتماعی بر تعلق کالبدی در محیط است. حس تعلق به مکان منطبق بر مدل شکل‌گیری معنا در محیط (برایند تعامل فرد، دیگران و محیط)، از یک طرف وابسته به مشخصات و ویژگی‌های فردی شامل: انگیزش‌ها، شایستگی‌ها و شناخت افراد نسبت به مکان بوده و از طرف دیگر، ریشه در تعاملات اجتماعی و ارتباط فرد و دیگران در محیط دارد که منبث از نیاز انسانی تعلق به عنوان نیاز اولیه انسانی است (همان).

جامعه‌گرایی و چه از دیدگاه فردگرایی دموکراتیک. فضا یکی از این چارچوب‌هاست و طراحی فضای شهری زمینه‌ای برای روابط اجتماعی فراهم می‌کند (مدنی پور، ۱۳۸۹، ۱۸۹).

با ایجاد فضاهای عمومی واقعی به جای ایجاد گره‌ها و محدوده‌های محصور و بسته که منجر به قطبی شدن جامعه و فضا می‌شود، می‌توان انتظار داشت که قدری میزان تحمل یکدیگر و پیوند اجتماعی افزایش یابد (مدنی پور، ۱۳۸۹، ص ۲۴۵). ایجاد ارتباط قوی بین افراد فقط هنگامی امکان‌پذیر می‌شود که مجموعه‌ای از چارچوب‌های اجتماعی در جای خود قرار گیرند چه از دیدگاه جامعه‌گرایی و چه از دیدگاه فردگرایی دموکراتیک. فضا یکی از این چارچوب‌هاست و طراحی فضای شهری زمینه‌ای برای روابط اجتماعی فراهم می‌کند. چارچوب نظری این تحقیق بر نظریه اجتماعی «تراویس هیرشی»^۲ استوار است. وی مولفه‌های پیوند اجتماعی را مشارکت، دلبستگی، تعهد و باور معرفی کرده است و بر این عقیده است که رابطه معناداری بین این مولفه‌ها و پیوند افراد با جامعه برقرار است؛ به طوری که هر چه این مولفه‌ها در جامعه تقویت شود پیوند اجتماعی افزایش می‌یابد (رضایی شریف، ۱۳۹۱). بهره‌گیری از این مولفه‌ها گامی موثر در جهت پایداری اجتماعی و ارتقا کیفیت فضاهای شهری است. در زیر به بررسی این مولفه‌ها پرداخته می‌شود.

نظریه هویت و مکان در بافت تاریخی

دلبستگی به مکان

دلبستگی به مکان آیینی از سطوح حس مکان است که در این سطح، فرد ارتباط عاطفی پیچیده با مکان دارد. مکان برای او معنا دارد و مکان محور فردیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان آیینی شخصیت می‌دهد در این حالت برمنحصر به فرد بودن مکان و تفاوت بر آن با دیگر مکان‌ها تاکید می‌شود (فلاح، ۱۳۸۵). دلبستگی به این معناست که فرد نسبت

تعهد به مکان های سنتی در بافت تاریخی

منظور از تعهد، سرمایه گذاری در فعالیت های عرفی و قراردادهای اجتماعی یا تلاش برای بدست آوردن یک وجهه خوب است. در واقع تعهد نوعی وابستگی عاطفی و روانی نسبت به محیط جامعه است که فرد و جامعه را به یکدیگر پیوند می زند (رضایی شریف، ۱۳۹۱). تعهد یا سپردگی به معنای آن که فضا باید به گونه ای طراحی شود که افراد از روی اختیار بیایند و لحظاتی را در آن سپری کنند. تعهد به مکان از سطوح حس مکان است که بالاتر از مرتبه حس دل بستگی به مکان است (فلاح، ۱۳۸۵). ویژگی های کالبدی محیط با ایجاد معانی و تامین فعالیت های خاص، در ایجاد حس مکان موثر است. تامین فعالیت ها از فضا با رضایت مندی ای ویژگی های متغیر محیط مانند: دما، صدا و امکان انجام فعالیت های فردی و تعاملات اجتماعی توسط عناصر ایستایی محیط مانند ابعاد، تناسب و فرم ها به وجود می آید. شناخت و عاطفه نسبت به فضا با درک معانی، نمادها، زیبایی شناختن فرمی معنایی فضا و هویت مندی با آن حاصل می شود (همان، ص ۶۳). از این رو برای فراهم کردن زمینه جذب افراد به مکان باید از فعالیت های جذاب کننده مانند برگزاری انواع مراسم آیینی سنتی مانند تعزیه خوانی، مراسم ماه محرم، مراسم نذری، مراسم اعیاد و مناسبت ها و دیگر مراسم باستانی و مذهبی بهره گرفته شود. از طرف دیگر برای آن که افراد در فضا بمانند و در کمال رضایت به سر ببرند، کالبد مناسب مانند ارتقای کیفیت زیبایی شناسانه فضا، از جمله فرم و نمای مناسب، ساخت آبنما، کاشت گیاهان به منظور تلطیف هوا، محلی برای نشستن، گفتگو، نورپردازی در شب و سایر عناصر نمادین معماری پیشنهاد می شود (خستو، ۱۳۸۹).

مشارکت اجتماعی در مکان های سنتی

این مولفه بیانگر مشارکت و تعاملات اجتماعی در نقش ها و فعالیت های اجتماعی و سنتی است. مشارکت در

فعالیت های عرفی، پیوند افراد را با ارزش ها و قواعد جامعه افزایش می دهد. به این صورت که فرد حین انجام این فعالیت ها، ارزش ها و هنجارهای عرفی را درونی کرده، ویژگی های سازگار کننده درونی تقویت می شود و در نتیجه به جامعه پذیری افراد کمک می کند (رضایی شریف، ۱۳۹۱). مونتهگمری فضای عمومی موفق را در نوع فعالیت فضا می داند که می بایست تا حد امکان متنوع باشد (مونتهگمری، ۱۹۹۸: ۹۹). چهار عامل اصلی راحتی و تصویر پذیری، دسترسی و ارتباط، کاربرد و فعالیت، اجتماعی بودن در ایجاد یک مکان موفق موثر است (مدیری، ۱۳۸۷). برای افزایش مشارکت و تعاملات اجتماعی در فضاهای آیینی اجتماع بودن فضا نقش موثری دارد.

ویژگی های مکان های سنتی اجتماع پذیر

به طور کلی خلق یک فضای عمومی یا فضای سنتی موفق که بتواند پذیرای افراد و گروه های مختلف باشد مستلزم تامین عوامل زیر است:

۱. تامین قلمرو، امنیت، ساختار منسجم، تداوم و خوانایی و قابل پیش بینی بودن فضا؛
۲. وجود تسهیلات مناسب در فضا، پاسخگویی، راحتی و آسایش محیطی؛
۳. میزان اطلاعات، شور و هیجان محیطی؛ که مستلزم وجود ابعادی چون پیچیدگی و رمز آلودگی، آموزش، امکان بیان خود، گوناگونی و تضاد، انتخاب، هویت یابی، خلوت جویی و دل بستگی در فضا است؛ و
۴. تعاملات اجتماعی (دانشپور، ۱۳۸۶).

بعد اجتماعی فضاهای عمومی و فضای آیینی، مبتنی بر مثلثی از انسان، فضا و حیات جمعی است که پاسخگویی به ابعاد مذکور مستلزم توجه به موارد زیر است:

۱. شناخت نیازهای انسان در رابطه با فضا و شناخت گروه های مختلف استفاده کننده از فضا؛
۲. شناخت ابعاد کالبدی فضای عمومی و قابلیت های آن در رابطه با بعد اجتماع پذیری فضا؛
۳. شناخت ابعاد موثر در حیات جمعی در نمونه های موجود و تامین مابهازه های کالبدی و فرصت های

جدول ۴. ارتباط بین کیفیت فعالیت های اجتماعی و اختیاری؛ ماخذ: دانشپور، ۱۳۸۶.

کیفیت محیطی مطلوب	کیفیت محیطی نامطلوب	نوع فعالیت ها
		فعالیت های اجباری
		فعالیت های اختیاری
		فعالیت های اجتماعی

لازم جهت بروز فعالیت های اجتماعی (دانشپور، ۱۳۸۶).

به طور کلی فعالیت های حاکم در فضاهای عمومی و سنتی را می توان بر اساس نوع و نحوه فعالیت کاربران فضا به سه دسته زیر تقسیم بندی کرد: با آنکه عوامل بصری و زیباشناسانه در اجتماع پذیری فضاها از شروط لازم اند ولی به تنهایی کافی نیستند. وجود فضاهای کافی برای نشستن و گفتگو، وقوع رویدادهای خاص در فضا از قبیل نمایش های آیینی سنتی، هنرهای عمومی و رخدادهایی از این قبیل که مردم را با یکدیگر پیوند می دهند، به جذابیت فضاهای سنتی می افزاید (همان).

باورها و اعتقادات در مکان های سنتی

باور به معنای پذیرش ارزشها و هنجارهای اجتماعی است. مولفه باور، بیانگر پذیرش و اعتقاد فرد به اعتبار قواعد اخلاقی و اجتماعی، اعتقاد او به ارزشها و هنجارهای اخلاقی جامعه و وفاداری اش به آن هاست (رضایی شریف، ۱۳۹۱). برخی تحقیقات نشان داده است که مشارکت در فعالیت های عرفی، پیوند فرد را با ارزش ها و قواعد جامعه افزایش می دهد. به این صورت که فرد در حین انجام این فعالیت ها، ارزش ها و هنجارهای عرفی را درونی کرده، ویژگی های سازگارکننده درونی تقویت می شود و در نتیجه به جامعه پذیری افراد کمک کرده و به تبع آن اقدامات مجرمانه نیز کاهش می یابد. باورها و اعتقادات بخشی از صورت های ذهنی آثار انسان هستند که بر پایه ی آن ها، مراسم و سنت ها که آن ها هم بخشی از صورت های رفتاری آثار انسان هستند شکل می

گیرند. مراسم ها و جشن های سنتی از جمله تعزیه خوانی و اجرای نمایش های آیینی - سنتی به عنوان زنده و پویای فرهنگ هستند. مراسم ها و مکان های سنتی به لحاظ زمان و مکان مقدس برگزاری آن ها، در ترکیب با یکدیگر و به نسبت گستره رواج و شعاع عمل خود، موجب قوام و دوام مجموعه نظام فرهنگ سنتی می شوند (میرشکری، ۱۳۸۱). هگل برخلاف تاکید بر اهمیت ابزاری جامعه و طبیعت، عبارت زندگی اخلاقی ۱ را بکار می برد که به معنای تعهد اخلاقی فرد نسبت به محلی است که او را در برمی گیرد. او معتقد است که اخلاقیات نه در خلا بلکه در اجتماع منسجم محلی به تکامل و اوج خود می رسد و آزادی و حس کمال افراد درون محله کسب می شود و نه در پس زمینه های غیر قابل تمایز از یکدیگر (تیلور، ۱۹۷۹).

ویژگی های کالبدی مکان های سنتی در ایجاد دلبستگی، تعهد و اجتماع پذیری به مکان های سنتی

این دسته از عوامل بر اساس نظریه مکان - رفتار در روانشناسی محیطی، در دسته بندی محیط به دو عامل مهم فعالیت و کالبد می پردازد (جوان فروزنده، ۱۳۹۰). عوامل موثر در ایجاد حس تعلق بیشتر مربوط به تصویر ذهنی و همچنین فعالیت ها و رویدادها از معنی مکان را شامل می شود (سرمست، ۱۳۸۹). فعالیت های حاکم در یک محیط را بر اساس عوامل اجتماعی، کنش ها و تعاملات عمومی انسان ها تعریف می کنند و کالبد را به همراه متغیرهای فرم و ساماندهی اجزاء، به عنوان مهم ترین عوامل در

شکل گیری حس تعلق محیط ارزیابی می نماید. عناصر کالبدی از طریق ایجاد تمایز محیطی، ارتباط درون و بیرون در فضاها به ایجاد حس تعلق می پردازند. شکل، اندازه، رنگ، بافت و مقیاس به عنوان ویژگی های فرم هر یک نقش موثری در شکل گیری حس تعلق داشته و نوع ساماندهی و چیدمان اجزای کالبدی نیز عامل موثر دیگر نیز می باشد. از سوی دیگر عناصر کالبدی از طریق هم سازی و قابلیت تامین نیازهای انسان در مکان در ایجاد حس تعلق موثر است (جوان فروزنده، ۱۳۹۰). در طراحی هر یک از متغیرهای رنگ، شکل، بافت، مقیاس و نوع ساماندهی بر اساس نیازهای انسانی و تامین نوع فعالیت موردنظر در فضاهای سنتی از اهمیت خاصی برخوردار می شوند که بیانگر قابلیت محیطی است که فرم عملکرد را شکوفا می کند (مطلبی، ۱۳۸۵). کیفیات کالبدی یک فضای سنتی به عنوان یک فضای عمومی با نحوه ی دسترسی، موقعیت، آسایش فیزیولوژیکی در شرایط مختلف اقلیمی و امنیت، در رابطه است. علاوه بر این وجود عناصر طبیعی در فضاهای عمومی که سبب افزایش هیجان و سرزندگی محیط و دعوت کنندگی می شود (کاپلن، ۱۹۹۸). در نظر گرفتن کیفیت طراحانه ای مانند تعیین و یکپارچگی فضا، ابعاد، تناسب، انعطاف پذیری، فرم، هندسه، مصالح، محصوریت، بدنه ها، پیوستگی کالبدی، و فضایی می تواند نقش موثری در ادراک انسان از فضا باشد (پاکزاد، ۱۳۸۴). نکات زیر برای افزایش اجتماع پذیری فضاهای سنتی راهگشا است:

۱. فرصت های کالبدی مناسب جهت نشستن، مکث و تامل بیشتر در فضا؛
۲. فضاهای کانونی جهت تجمع افاد مانند گردهمایی های کوچک و برگزاری کلاس های آموزشی و موارد مشابه؛
۳. ورودی های دعوت کننده و دسترسی به فضا به لحاظ بصری و کالبدی؛
۴. پیش بینی عناصر عملکردی در کنار ابعاد زیبایی شناسانه آن؛

۵. راه ها و ارتباطات فضایی مناسب در هدایت مردم درون فضا، خوانایی و وضوح فضایی؛
۶. کنترل دسترسی وسایل نقلیه و امنیت پیاده؛
۷. تعریف بدنه و هویت جداره ها؛
۸. ارتباط با سیستم حمل و نقل شهری؛
۹. پیش بینی فعالیت های جاذب (مدیری، ۱۳۸۷).

نتیجه گیری و جمع بندی

به طور کلی نتایج نشان می دهد که کالبد فضا در پیوند اجتماعی افراد موثر است. با توجه به مطالعات انجام شده می توان دریافت که علت پویایی و سرزندگی فضاهای سنتی در مرحله اول به دلیل ویژگی خاص فعالیتی آن بوده که از اعتقادات و باورهای سنتی نشان می گیرد. کارکردهای متنوع در این فضاها می تواند بر جذابیت و سرزندگی این فضاها بیافزاید. افراد با شرکت در مراسم های آیینی - سنتی که از اعتقاد و باور آن ها برخاسته نوعی هم ذات پنداری با محیط پیدا می کنند. از طرف دیگر فرم مناسب و قابل ادراک و کالبد متمایز و استفاده از عناصر و نمادهای سنتی در ایجاد تصویرهای ذهنی افراد و خاطره انگیزی فضا کمک و حس دلبستگی و تعهد به مکان را افزایش می دهد. معیارهای کالبدی معماری علاوه بر تنوع فعالیت های سنتی در این فضاها در پیوند اجتماعی افراد موثر است. با توجه به این که دلبستگی و تعهد زیر شاخه حس تعلق محسوب می شود، از این رو پیشنهادات معماری یکسانی برای این دو مولفه ذکر شده است. برخی از ابعاد معماری موثر پیوند اجتماعی در فضاهای سنتی در زیر ارائه شده است.

۱. ابعاد کالبدی معماری موثر بر مولفه مشارکت و تعاملات اجتماعی در فضاهای سنتی عبارت است از: دعوت-کنندگی، دسترسی بصری و کالبدی، پاسخگویی به مقیاس عملکردی و سرانه فضا، تنوع و انعطاف پذیری فضایی و فعالیتی در جذب گروه های مختلف (جنس، سن و...)، دسترسی گروه های اجتماعی مختلف، مطلوبیت فضایی، مقیاس مناسب با تاثیرات رفتاری و حسی در فضا، جاذبه بصری

طراحی مطلوب، دید و منظر، عوامل طبیعی، خوانایی).

۲. ابعاد فعالیتی موثر بر مولفه مشارکت و تعاملات اجتماعی فضاهای سنتی عبارت است از: پاسخگویی فعالیتی، تنوع و سرزندگی فعالیتی، نهادهای آموزشی، تنوع کاربردی، فعال بودن فضا در زمان های مختلف.

۳. ابعاد کالبدی معماری موثر بر مولفه دل‌بستگی و تعهد به مکان سنتی: فرم، اندازه، مقیاس انسانی، بافت، رنگ، نور، روابط، چیدمان و سازماندهی فضایی، رعایت سلسله مراتب فضایی، جذابیت بصری ارتباط درون با بیرون محیط، مرکزگرایی، نماد های سنتی، شاخص سازی، خوانایی.

۴. ابعاد فعالیتی موثر بر مولفه دل‌بستگی و تعهد به مکان سنتی عبارت است از: برگزاری انواع مراسم های آیینی سنتی، تنوع فعالیت و کاربری، رویدادها و وقایع اجتماعی.

۵. ابعاد کالبدی معماری موثر بر مولفه باور و اعتقاد به مکان سنتی عبارت است از: جذابیت و مطلوبیت، رعایت سلسله مراتب فضایی.

۶. ابعاد فعالیتی موثر بر مولفه باور و اعتقاد به مکان سنتی عبارت است از: برگزاری انواع مراسم های آیینی سنتی، تنوع فعالیت و کاربری.

منابع و مآخذ

کامیار، سجاد (۱۳۹۳) رابطه وجوه ادراکی انسان با عوامل هویت بخش در معماری، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۶، صفحه ۹۲

چنگیزی، نگار و احمدیان، رضا (۱۳۹۲) بررسی شاخص های هویت فضای شهری در بافت تاریخی (نمونه موردی: بازار کرمان)، فصلنامه مطالعات شهر

ایرانی اسلامی، شماره ۱۱، صفحه ۵۴

کلانتری خلیل آباد، حسین و پوراحمد، احمد (۱۳۸۴) فنون و تجارب برنامه ریزی مرمت شهری،

انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران، صفحه ۳۲

امینی لاری، سارا (۱۳۹۰) راهنمای طراحی برای باززنده سازی ناحیه تاریخی مرکز شهر با تاکید

بر ابعاد ریخت شناسانه بافت کهن (نمونه مورد مطالعه: ناحیه تاریخی مرکز شهر گرگان)، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته شهرسازی گرایش طراحی شهری، استاد راهنما: دکتر کامران ذکاوت، دکتر محمود قلعه نوعی، استاد مشاور: دکتر محمدسعید ایزدی، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان، صفحه ۳۰، ۳۱ و ۳۲

نقی زاده، محمد (۱۳۸۶) ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی، اصفهان: انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ص ۱۸۲.

مدنی پور، علی (۱۳۸۹) فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه فرشاد نوریان، تهران: انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.

تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۵) شهرسازی شهروندگرا: ارتقای عرصه های همگانی و محیط های شهری، ترجمه محمد احمدی نژاد، اصفهان، نشر خاک.

جوان فروزنده، علی و مطلبی، قاسم (۱۳۹۰) مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده: نشریه هویت شهر، شماره ۸، ص ۲۷-۳۷.

خستو، مریم و سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۸۹) عوامل موثر بر سرزندگی فضاهای شهری، نشریه هویت شهر، سال ۴، شماره ۶، صص ۶۳-۷۴.

دانشپور، سید عبدالهادی و چرخچیان، مریم (۱۳۸۶) فضاهای عمومی و عوامل موثر بر حیات جمعی، نشریه باغ نظر، شماره ۷، صص ۱۹-۲۸.

رضایی شریف، علی (۱۳۹۱) پیوند با مدرسه: نظریه ها، تحقیقات و روش های اندازه گیری، تهران، انتشارات دیار.

پاکزاد جهان‌شاه (۱۳۸۸) سیر اندیشه ها در شهرسازی ۳، تهران: انتشارات شهیدی.

سرمست، بهرام و متوسلی، محمد مهدی (۱۳۸۹) بررسی سیر تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان (مطالعه موردی: شهر تهران)، نشریه مدیریت شهری، شماره ۲۶، صص ۱۳۳-۱۴۶.

فلاحی، محمد صادق (۱۳۸۴) نقش طرح کالبدی در حس مکان مسجد، مجله هنرهای زیبا، شماره

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۲۲، صص ۳۵-۴۲.

هویت و مکان در بافت تاریخی، فصلنامه شهر ایرانی-اسلامی.

رحمانی، محبوبه (۱۳۸۹) مکان و مفهوم آن در معماری سنتی هویت مکان در معماری امروز، ماهنامه راه و ساختمان و شماره ۷۷.

سادات حبیبی، رعنا (۱۳۸۷) تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۵.

Cross, J.E. (2001). What is sense of place, Research on place & space website, 20 feb.

Carr, S., Francis, M., Rivlin, L. and Stone, A., (1992). Public Space Cambridge University Press, Cambridge.

Hummon, D. (1992). Community Attachment: Local sentiment& sense of place, plenum. New York.

Taylor, Ch. (1979). Hegel and Modern Society, Cambridge University Press, Cambridge.

Montgomery, J. (1998), Space, Place and Gender, Polity Press: Cambridge.

Kaplan, R., Kaplan, S & Ruan, S. (1998). With people in mind, Design and management of everyday nature, Washington DC, Island press.

Maddox, S. J and Prinz, R. J. (2003). School bonding in children and adolescents: Conceptualization, assessment, and associated variables, Clinical Child and Family Psychology Review, 6 (1), p. 31-49.

Cross, J.E. (2001). What is sense of place, Research on place & space website, 20 feb.

Carr, S., Francis, M., Rivlin, L. and Stone, A., (1992). Public Space Cambridge University Press, Cambridge.

Hummon, D. (1992). Community Attachment: Local sentiment& sense of place, plenum. New York.

Taylor, Ch. (1979). Hegel and Modern Society,

----- (۱۳۸۵) مفهوم حس مکان و عوامل

تشکیل دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص ۵۷-۶۶.

لنگ، جان (۱۳۸۱) آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مطلبی، قاسم (۱۳۸۵) بازشناسی نسبت فرم و عملکرد در معماری، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۵، صص ۵۵-۶۴.

مدیری، آتوسا (۱۳۸۷) مکان، نشریه هویت شهر، سال دوم، شماره ۲، صص ۶۹-۷۹.

رحیم زاده، محمد رضا (۱۳۷۷) مفهوم هویت، مقدمه ای بر هویت معماری معاصر ایران، مقاله چاپ نشده، دانشگاه تهران.

مزینبی، منوچهر (۱۳۷۷) نقدی بر مقاله شهر عام، مجله آبادی، شماره ۲۵.

میرمقتدایی، مهتا (۱۳۸۳) معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۹.

نصر، سید حسین، (۱۳۸۰) معرفت و معنویت، ترجمه انشا الله رحمتی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.

نقی زاده، محمد (۱۳۷۸) هویت تجلی فرهنگ در محیط، مجله آبادی، شماره ۳۴ و ۳۵، تهران. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، جلد پانزدهم، انتشارات دانشگاه تهران

شولتز، کریستیان نوربرگ (۱۳۸۲)، معماری، معنا و مکان، ترجمه ویدا نوروز براز جانی، نشر جان جهان، تهران.

شولتز، کریستیان نوربرگ (۱۳۸۵)، معماری، حضور، زبان، مکان، ترجمه علیرضا سید احمدیان، انتشارات نیلوفر، تهران.

ژید، اندره (۱۳۶۷) مایده های زمینی، ترجمه پرویز داریوش و جلال آل احمد، اساطیر، تهران.

پور جعفر، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۹)، پدیدارشناسی

Cambridge University Press, Cambridge.
Montgomery, J. (1998), Space, Place and Gender, Polity Press: Cambridge.
Kaplan, R., Kaplan, S & Ruan, S. (1998). With people in mind, Design and management of everyday nature, Washington DC, Island press.
Maddox, S. J and Prinz, R. J. (2003). School bonding in children and adolescents: Conceptualization, assessment, and associated variables, Clinical Child and Family Psychology Review, 6 (1), p. 31-49.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

■ ۲۴۶ ■

دولت الکترونیک: الگوی جدید در اصلاح نظام اداری و ارائه خدمات عمومی

مهدی رضایی* - استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
اسماعیل یعقوبی - دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده

یکی از مهمترین چالش‌هایی که همواره دولت‌ها با آن مواجه هستند، پاسخ به خواست‌ها و انتظارات در حال تغییر شهروندانی است که مشروعیت خود را از آنها کسب می‌کنند. در راستای پاسخ به این خواسته‌هاست که دولت باید در جستجوی شیوه‌های نوینی باشد که نوآوری مستمر در ارائه خدمات خدمات عمومی را برای شهروندان به ارمغان آورد. کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات جهت ارائه خدمات دولتی به جامعه، که از آن تحت عنوان دولت الکترونیک نام می‌برند، ابتکار عمل جدیدی است که قصد دارد تا زمینه دسترسی شهروندان به خدمات عمومی را از طریق رسانه‌های الکترونیک فراهم آورد و روابط دولت و شهروندان را به گونه‌ای جدید پایه‌ریزی نماید. دولت الکترونیک آغازگر مرحله جدیدی از حیات روابط بین دولت و شهروندان است که توانسته جایگاه خود را به خوبی در میان برنامه‌های اصلاحات مدیریت بخش عمومی و اصلاح نظام اداری باز نماید. آنچه این نوشتار به دنبال آن است تبیین برخی از زوایای دولت الکترونیک همچون مفهوم، سنخ‌شناسی، دلایل شکل‌گیری، اهداف و ضرورت‌ها، مزایا و کاربردها و دلایل گرایش به استفاده از دولت الکترونیک و چالش‌های فراروی آن می‌باشد.

واژگان کلیدی: فناوری اطلاعات و ارتباطات، بوروکراسی، دولت الکترونیک، نظام اداری، حکمرانی خوب

E-Government: A new model of public service and administrative reform

Abstract

One of the major challenges facing the government is to respond to changing demands and expectations of citizens who earn their legitimacy. In order to respond to this need that the government should seek new ways to continuous innovation in providing public services for citizens. The use of information and communication technology to provide public services to the community, which is referred to as e-government, a new initiative that aims to citizen access to public services provided through electronic media and the government and citizens to establish the new species. E-government initiated a new phase of life, the relationship between the state and citizens who have their place as well as the reform of public sector management and reform of administrative system. What this article aims to explain some aspects of E-governance as a concept, typology, for the formation of goals and requirements, advantages and applications and reasons for interest in the use of E-government.

Keywords: information and communication technology, bureaucracy, E-government, Good Governance

مقدمه

فناوری اطلاعات در بخش دولتی را فراهم آورند. شاید بتوان عوامل بیشماری را در گرایش به سوی دولت الکترونیکی موثر دانست اما آنچه در این میان از هر عامل دیگری بیشتر جلب توجه می نماید قدرت خارق العاده فناوری اطلاعات و ارتباطات و توانایی آن در ایجاد تحولی بنیادین در روابط دولت - شهروند می باشد.

ابتکار عمل دولت الکترونیک در آن است که کارگزاران بخش عمومی را قادر می سازد تا از طریق فناوری اطلاعات، خدمات عمومی را در تمام ایام هفته و در هر ساعتی که شهروندان تقاضا کنند به آنها ارائه نمایند و نقش مؤثری در راستای توانمند سازی شهروندان ایفا نمایند. بهر حال استفاده مناسب بخش عمومی از فناوری های جدید به منظور ارائه خدمات به جامعه، تحولی اساسی در روابط میان دولت با شهروندان ایجاد خواهد نمود و بسیاری از مشکلاتی را که شهروندان در الگوی سنتی با آن مواجه هستند از جمله سلسله مراتب طولانی، پراکندگی سازمان های دولتی، اتلاف وقت را کاهش خواهد داد (الوانی و یعقوبی، ۱۳۸۲، ص ۶).

مفهوم دولت الکترونیک

دولت الکترونیک یکی از مفاهیمی است که امروزه توجه اکثر دولت ها را به خود جلب نموده است. دولت الکترونیک، تغییرات پایه ای را در دولت های سنتی و پیشین انجام داده و باعث کاهش هزینه های دولتی، کاهش فساد اداری، روشن شدن امور و افزایش رضایت شهروندان از دریافت خدمات مورد نیاز دولتی در زمان مورد نیاز و با کیفیت مناسب شده است. عوامل مذکور بخشی از رویکردهای نوین دولت الکترونیک است و به همین دلیل امروزه دولت ها در صدد برداشتن موانع پیش روی استقرار دولت الکترونیک هستند و حرکت خود را به سمت دولت الکترونیک پیش می برند. از دولت الکترونیک تعاریف مختلفی ارائه شده است که از میان آنها به چند مورد زیر اشاره کرد:

دولت الکترونیک عبارت است از ارائه خدمات و

پیشرفت های چشمگیر فناوری اطلاعات طی سالهای اخیر روابط میان شهروندان و دولت را در شرایط تحولی بنیادین قرار داده است. بسیاری از دولت ها در صددند تا با بهره گیری از فناوری اطلاعات در راستای تغییر و اصلاحات در سازمانهای دولتی اقدام نمایند (Lips, ۱۹۹۸, ۳۲۹-۳۳۰). دلیل تمایل دولت ها به استفاده از فناوری های جدید را میتوان از زوایای مختلفی مورد بحث قرار داد. قابلیت های متحیر کننده فناوری اطلاعات، افزایش تقاضای شهروندان به منظور ارائه خدمات سریع تر و کارا تر، افزایش فشارهای سیاسی، دولت ها را به سوی استفاده از فناوری های اطلاعات و ارتباطات در راستای ارائه خدمات عمومی کشانده است. اصطلاح دولت الکترونیک حاصل بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات جهت ارائه خدمات به بخش عمومی است. لولینگ دولت الکترونیک را به معنای استفاده دولت از شبکه ی گسترده جهانی با اینترنت یا هدف ارائه خدمات پیوسته و همزمان به شهروندان و برقراری امکان تعامل الکترونیکی شهروندان با سازمان های مختلف در سطوح مختلف بکار برده است (Robins & Burn, ۲۰۰۳). همانگونه که از تعریف فوق بر می آید دولت الکترونیک صرفاً به قوه مجریه محدود نمی شود بلکه گستره آن قوه مقننه و قضاییه و همچنین سطوح مختلف آن از سطح مرکزی تا محلی را نیز در بر می گیرد (Vintar, ۲۰۰۱, ۹). استفاده از فناوری های نوین اطلاعات و ارتباطات در بخش دولتی با هدف ایجاد ساز و کار، ارائه خدمات به گونه ای سریع، آسان و مناسب طی چند سال اخیر در اغلب کشورهای جهان مورد توجه کارگزاران بخش عمومی قرار گرفته است. درک اهمیت کاربرد فناوری اطلاعات در بخش دولتی و نقشی که فناوری اطلاعات می تواند در اصلاحات بخش عمومی ایفا نماید، سیاستگزاران جوامع مختلف را بر آن داشته است تا با در دستور کار قرار دادن آن و وضع خط مشی های مرتبط، بسترهای نهادی و اجرایی کاربرد

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

اطلاعات دولتی از طریق اینترنت و سایر رسانه‌های الکترونیکی که در این صورت سیستم‌های ارائه خدمات و اطلاعات مبتنی بر اینترنت برخلاف ساختارهای سنتی که سلسله‌مراتبی، خطی و یک طرفه‌اند، حالتی غیرسلسله‌مراتبی، غیرخطی و دو طرفه به خود گرفته و به صورت بیست و چهار ساعته و هفت روز هفته به ارائه خدمات برخط می‌پردازند (یعقوبی، ۱۳۹۲، ص ۱۶).

از دیدگاه عملیاتی، دولت الکترونیکی شیوه‌ای است برای دولت‌ها به منظور استفاده از فناوری‌های نوین که تسهیلات لازم را برای دسترسی مناسب به اطلاعات و خدمات دولتی با کیفیت بالاتری مهیا می‌سازد و فرصت‌های بیشتری را برای مشارکت مردم در فرآیندهای دموکراسی ایجاد می‌کند (Velcu, 2005, 15).

دولت الکترونیک را می‌توان به صورت کاربرد فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در ارائه مؤثر و کارآمد اطلاعات و خدمات به شهروندان و مشتریان تعریف کرد (World Bank Group, 2003).

دولت الکترونیک عبارت است از بکارگیری فناوری اطلاعات در فرآیندهای دولتی جهت ایجاد یک دولت هوشمند، ساده، اخلاقی، محاسبه‌گر، پاسخگو و شفاف (Ghasemzade & Safari, 2003, 72).

در یک بیان کلی، دولت الکترونیک شیوه‌ای است نوین که با روش‌های سنتی اداره امور عمومی بسیار متفاوت است و دولت‌ها از فناوری‌های اطلاعات و فناوری‌های جدید، یا به عبارتی دیگر از مجموعه‌ای از ارتباطات الکترونیک بین دولت، شرکت‌ها و شهروندان استفاده می‌کنند تا بتوانند تسهیلات و امکانات لازم و مناسب را به منظور دسترسی به خدمات و اطلاعات دولتی فراهم کنند که این امر فرصت گسترش مشارکت در فرآیندها و فعالیت‌ها را به شهروندان می‌دهد.

علاوه بر تعاریفی که ذکر شد می‌توان دولت الکترونیک را بر مبنای دو عامل کارکردهای دولت الکترونیک (کارکرد اقتصادی، کارکرد خدمات رسانی،

کارکرد اطلاع رسانی، کارکرد سیاسی) و کاربردهای دولت الکترونیک (ارتباط دولت با شهروند، ارتباط دولت با دولت، ارتباط دولت با شرکتها) تعریف کرد. در کارکرد اقتصادی، دولت الکترونیک به معنای استفاده از قابلیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات برای بهبود وضعیت اقتصادی دولت و جامعه بکار رفته است. در کارکرد خدمات رسانی، توجه دولت بر این نکته معطوف می‌شود که با استفاده از قابلیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات شرایطی فراهم آورد که شهروندان بتوانند خدمات مورد نیاز را آسان‌تر از الگوی سنتی ارائه خدمات عمومی به دست آورند. در کارکرد اطلاع رسانی دولت قصد دارد با استفاده از قابلیت‌های فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، اشتراک‌گذاری اطلاعات را در جامعه تسهیل کند و با دسترسی آسان‌تر و سریع‌تر شهروندان به اطلاعات گامی مهم در راستای تقویت زیرساخت‌های جامعه اطلاعاتی و افزایش شفافیت بردارد و سرانجام کارکرد سیاسی، دموکراسی الکترونیک با مشارکت شهروندان در فرایندهای سیاسی و خط‌مشی‌گذاری عمومی دنبال می‌گردد. انتخابات و نظرسنجی عمومی از طریق اینترنت نمونه‌ای از کارکردهای سیاسی دولت الکترونیک است. همچنین در رابطه با کاربردهای دولت الکترونیک بحث مخاطبان دولت مطرح است و کارگزاران بخش عمومی در صددند با استقرار دولت الکترونیک تعامل دولت با شهروندان، تعامل دولت با شرکت‌ها، تعامل دولت با کارکنان و تعامل سطوح مختلف ساختار حکومت را به گونه‌ای متفاوت از الگوی سنتی و متناسب با الزامات عصر اطلاعات برقرار کنند (یعقوبی، ۱۳۹۲، ص ۱۷).

با اندکی تأمل در تعاریف ارائه شده می‌توان به این نتیجه رسید که کانون توجه اندیشمندان در تعریف دولت الکترونیک بر دو محور استوار است. یکی استفاده دولت از فن‌آوری اطلاعات در راستای ارائه خدمات و اطلاعات بخش عمومی و دیگری کاهش شکاف میان دولت و شهروندان و افزایش سطح دسترسی شهروندان به خدمات دولتی. در مجموع

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

می توان گفت که دولت الکترونیک کارگزاران بخش عمومی را قادر می سازد تا از طریق فن آوری اطلاعات خدمات و اطلاعات عمومی را در تمام ایام هفته و در هر ساعتی که شهروندان تقاضا کنند، در دسترس آنها قرار دهد و از این طریق گامی اساسی در راستای اصلاحات و خدمات دهی مناسب، سریع و آسان به شهروندان بردارد.

دولت الکترونیک و تفاوت آن با الگوی حکومتگری بوروکراتیک

تفاوت میان الگوی جدید ارائه خدمات بخش عمومی با الگوی حکومتگری بوروکراتیک را می توان با مقایسه محورهای مورد تاکید هر کدام از این دو الگو از هم بازشناخت. الگوی سنتی دیوانسالار توجه خود را بر مسائل درونی و مدیریتی متمرکز کرده و بخش بندی، تخصص گرایی، استانداردسازی و یکنواخت کردن فرایند را مورد تاکید قرار می دهد. الگوی سنتی با تاکید بر استانداردسازی، بخش بندی، تخصص گرایی، قوانین و مقررات و سلسله مراتب می ورزد، مزایایی همچون ناکارآمدی، ناتوانی در ارائه خدمات به مشتریانی که خواسته ها و اولویت های متفاوتی دارند، انعطاف پذیری، تاکید بر رویه ها و دیگر موارد مورد انتقاد واقع گشته است. در واقع مدل حکومتگری بوروکراتیک خدمات اداری یکنواختی را با استانداردهای تعیین شده ارائه میدهد (Considine & Lewis, ۱۳۱, ۲۰۰۳).

در مقابل الگوی دولت الکترونیک از زاویه دیگری به سازمان و ارباب رجوع می نگرد. بر اساس این الگو ارتباط میان کارگزاران بخش عمومی و شهروندان به جای آنکه در اتافک های کارگزار برقرار شود، از طریق مودم ها و اینترنت برقرار شده و فن آوری اطلاعات و سیستم های هوشمند مداخله ی کارگزار دولتی را به حداقل خواهد رساند (Bovens & Zouridis, ۱۸۰, ۲۰۰۲-۱۸۱).

شاید بتوان تغییر الگوی ارائه خدمات عمومی و تفاوت میان الگوی بوروکراتیک با الگوی دولت الکترونیک را در چارچوب ارائه شده توسط یکی از

صاحب نظران دولت الکترونیک بهتر مورد تحلیل قرار داد. بر اساس این چارچوب، اصول مورد تاکید الگوی دولت الکترونیک با اصول مورد تاکید الگوی سنتی تفاوت دارد. الگوی بوروکراتیک بر ارتباط سلسله مراتبی و رویکرد بالا به پایین تاکید میورزد، در حالیکه الگوی دولت الکترونیک بر کار گروهی، شبکه چند بعدی، ارتباط مستقیم میان طرف های برقرار کننده ارتباط و حلقه ی بازخورد سریع تاکید می کند. همچنین در الگوی جدید، ساختار وظیفه ای واحدها و فرایند ارائه خدمات عمومی برای کاربرانی که به مرکز ارائه دهنده خدمات عمومی به صورت یکجا مراجعه می کنند، قابل رویت نیست و در صورتی که مرکز بتواند خدمات مورد نیاز شهروندان را به طور مناسب و به موقع عرضه کند، شهروند نیازی به دانستن اینکه چه واحد یا سازمانی مسئول ارائه خدمات بر روی شبکه است ندارد.

ظهور اینترنت و عصر دیجیتال باعث شده است تا سازمان های سنتی، تغییراتی را در ساختارهای سازمانی بوروکراتیک خود انجام دهند. زیرا با توجه به توسعه روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات، نیاز به استفاده از آنها در سازمان های دولتی برای ارائه خدمات و اطلاعات کارا به شهروندان به شدت احساس می شود. تغییر پارادایم از دولت سنتی به دولت الکترونیک در جدول زیر نشان داده شده است. امروزه دولت ها با چالش ها و دگرگونی هایی روبرو شده اند که آنها را به سوی دولت الکترونیک و تغییر در ساختارهای پیشین خود سوق داده است و الگوی سنتی بوروکراتیک دولت ها توجه خود را بر بازده داخلی، تقسیم وظایف، سلسله مراتب و عقلانیت محوری متمرکز کرده است. این الگو به مرور جای خود را به ساختاری دانش محور داده است که استراتژی مشتری محور، ساختاری شبکه ای با انعطاف پذیری بیشتر و یکپارچه کردن ساختارهای عمودی و افقی از ویژگی های بارز آن است.

جدول ۱. تغییر پارادیم از دولت سنتی به دولت الکترونیک؛ ماخذ: Tapscott, ۱۹۹۶

شاخص ها	پارادیم دولت بوروکراتیک (سنتی)	پارادیم دولت الکترونیک
گرایش	بهره‌وری از طریق کاهش هزینه‌های تولید	بهره‌وری از طریق رضایت کاربران و انعطاف پذیری
فرآیند سازماندهی	عقلانیت، سلسله مراتب عمودی	سلسله مراتب افقی، شبکه سازمانی، به اشتراک گذاری اطلاعات
اصول مدیریت	مدیریت قانونی و دستوری	مدیریت منعطف، کار تیمی، تمرکز رهبری
سبک رهبری	فرماندهی و کنترل	تسهیل و هماهنگی، کارآفرینی نوآورانه
ارتباطات داخلی	بالا به پائین، سلسله مراتبی	ارتباطات مستقیم و شبکه‌ای
ارتباطات خارجی	تمرکز، کانال‌های رسمی، ارتباطات محدود	ارتباطات رسمی و غیر رسمی، بازخورد سریع و مستقیم، کانال‌های ارتباطی متعدد
نحوه ارائه خدمات	مستند و ارتباطات متقابل	تبادل الکترونیکی، ارتباطات بدون نیاز به برخورد رو در رو و مستقیم
اصول تحویل خدمات	استاندارد، بی طرفی، عدالت	شخصی‌سازی و سفارشی نمودن خدمات

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۲۵۱

و یافتن روش‌های نوین می‌باشد. بنابر آنچه مذکور افتاد توجه مدیران به دو سوال اساسی می‌تواند آنها را در شرایط امروزی محیط رهنمون سازد (بارکی ما، ۲۰۰۲، صص ۹۱۸-۹۱۹):

۱. سازمان و مدیریت آن به منظور بقاء در محیط رقابتی امروزی و سازگاری با پویایی‌های آن به چه ویژگی‌هایی نیاز دارد؟

۲. چه راهبردها و ساختارهایی می‌تواند ظرفیت‌های سازمانی را در سطوح مختلف آن از قوه به فعل درآورد؟ روند رو به گسترش تجارت الکترونیک در بخش خصوصی در واقع یکی از راهبردهایی است که در سال‌های اخیر در پاسخ به سوالات مطرح شده فوق و چالش‌های محیطی مورد توجه مدیریت این بخش واقع شده است. تجارت الکترونیک محدودیت‌های زمانی و مکانی گذشته را به حداقل رسانده و این امکان را برای مشتریان بخش خصوصی فراهم نموده است تا در هر کجا باشند و هر زمانی که مایل باشند کالاها و خدمات مورد نظر خود را به صورت برخط خریداری نمایند و پیش‌بینی می‌شود تجارت

دلایل شکل‌گیری دولت الکترونیک و گرایش به آن

برای بررسی علل گرایش به دولت الکترونیک و دلایل شکل‌گیری آن به بررسی و تحلیل عوامل چهارگانه موفقیت بخش خصوصی در کاربرد تجارت الکترونیک، حکمرانی خوب و کارکرد دولت الکترونیک، انتظارات شهروندان از دولت، تداوم اصلاحات بخش عمومی با استفاده از الگوی دولت الکترونیک پرداخت تا دلایل گرایش به دولت الکترونیک تبیین شود.

الف) موفقیت بخش خصوصی در کاربرد تجارت الکترونیک

موفقیت بخش خصوصی در کاربرد تجارت الکترونیکی از عواملی است که کارگزاران بخش عمومی را به سوی الگوی دولت الکترونیک کشانده است. فعالیت بخش خصوصی در محیطی پویا و توأم با رقابت، تحولی بنیادین در نگرش مدیران آن ایجاد نموده است. مدیریت بخش خصوصی در چنین محیطی به این امر واقف گشته است که تنها راه بقاء و تداوم حیات، گذر از الگوهای سنتی ارائه کالاها و خدمات

الکترونیکی در آینده نقش مسلطی در توسعه ایفا نماید و به عنوان محرک توسعه در تعاملات تجاری قرن بیست و یک قلمداد گردد (عبدالله، ۲۰۰۲، ص ۱۰۶).

تحقیقات انجام شده در ارتباط با موفقیت کاربرد تجارت الکترونیکی در بخش خصوصی موید آن است که تجارت الکترونیکی اثرات چشمگیری بر عملکرد این بخش گذاشته است. با رشد سریع تجارت الکترونیکی در سالهای گذشته و تسهیل دریافت کالاها و خدمات مشتریان این بخش احساس رضایت بالایی می کنند (Edmiston, ۲۰۰۳, ۲۰-۲۱). و پیش بینی می شود با گسترش فزاینده تجارت الکترونیکی در آینده ای نزدیک و دسترسی آسان و سریع مشتریان به کالاها و خدمات، سطح رضایت مشتریان از آنچه اکنون شاهد آن هستیم فراتر رود. صاحب نظران معتقدند تجربه موفق بخش خصوصی در کاربرد تجارت الکترونیکی فشار زیادی بر بخش دولتی به منظور ارائه خدمات الکترونیکی وارد آورده است. همانطور که مشتریان بخش خصوصی انتظار دارند خدمات را به صورت یکجا به شیوه ای کاربر پسند و به موقع دریافت نمایند شهروندان نیز از بخش دولتی انتظار دارند اطلاعات و خدمات دولتی را سریع، آسان و به موقع در اختیار آنها قرار دهد (Tat – Kei Ho, ۲۰۰۳, ۴۳۴-۴۳۵). و این دو عامل یعنی تجربه موفق بخش خصوصی و فشارهای شهروندان باعث تقویت گرایش کارگزاران بخش عمومی به دولت الکترونیک شده است و شاید به همین دلیل است که برخی از صاحب نظران اعتقاد دارند ایده دولت الکترونیکی همانند بسیاری از مفاهیم دیگر از بخش خصوصی گرفته شده است (Moon, ۲۰۰۲, ۴۲۵).

ب) حکمرانی خوب و کارکرد دولت الکترونیک

دلیل دیگر گرایش دولت به دولت الکترونیک، کارکردی است که استقرار آن می تواند در تحقق بعضی از شاخص های حکمرانی خوب داشته باشد. حکمرانی خوب را به معنای فرایند باز خط مشی

گذار، حرفه ای شدن دیوانسالاری، دولت پاسخگو و جامعه مدنی قوی، فعال و مشارکت جو در امور عمومی تعریف کرده اند. در تعریف دیگری بر شاخص های شفافیت، پاسخگویی و مشارکت بعنوان شاخص های مهم حکمرانی خوب تاکید شده است. بر اساس این تعریف حکمرانی خوب با محوریت برابری و حاکمیت قانون در صدد تعیین اولویت های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است و در تعیین این اولویت ها و تصمیم گیری های مهم نیز توافق جمعی، وفاق ملی و نقش و صدای جامعه را مورد توجه قرار می دهد (Koch, ۲۰۰۲, ۸۴-۸۵-۸۶). البته حکمرانی خوب همچون بعضی از الگوهای مدیریت بخش عمومی یک وضعیت آرمانی را به تصویر می کشد که تحقق صد در صد شاخص های آن امکانپذیر نیست، اما آنچه اهمیت دارد فاصله گرفتن از شاخص های حکمرانی ضعیف و نزدیک شدن به شاخص های حکمرانی خوب است. این شاخصه ها عبارتند از: وجود و تقویت ساختارهای دموکراتیک، شفافیت و پاسخگویی، هوشمندی و توسعه مشارکت، توجه و واکنش مناسب به خواسته های مردم، وضع خط مشی های مناسب اقتصادی برای تسهیل توسعه و احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون (Taylor, ۱۹۹۲, ۲۰۰۰).

تحقق بسیاری از محورهای مهم حکمرانی خوب با توسعه و کاربری فن اوری اطلاعات در دولت با امکان پذیری بیشتری توأم خواهد بود. دولت الکترونیک با قابلیت های منحصر به فرد خود بستر اطلاع رسانی گسترده، دسترسی برابر به خدمات و کاهش تبعیض، گسترش مشارکت شهروندان در فرایند خط مشی گذاری عمومی از طریق تعامل آنلاین با خط مشی گذار، کاهش شکاف دیجیتالی، جبران محرومیت های پیشین قشرهای خاصی از جامعه و دموکراسی الکترونیک را فراهم می آورد و این همان آرمان مهمی است که در بسیاری از رویکردهای حکمرانی خوب از آن یاد می شود. معماران دولت الکترونیک با باز مهندسی اساسی فرآیندها و روش ها و تغییر

ساختار وظیفه‌ای حاکم بر بخش دولتی کمک شایانی به پیاده‌سازی حکمرانی خوب می‌کنند. متولیان پیاده‌سازی حکمرانی خوب با معماری حاکمیت، بسیاری از موانع استقرار اثربخش دولت الکترونیک را کاهش داده یا از بین می‌برند. معماری حاکمیت، شامل ایجاد و مدیریت مستمر چارچوبی برای حاکمیت آینده است. این چارچوب، دگرگونی بنیادی و مستمر در دولت را هدایت کرده و توجه توأمان بر تغییر محتوا (چرایی) و فرایند (چگونگی) در مقیاس وسیع را امکانپذیر می‌سازد. تغییر الگوی حاکمیت یک تغییر گسترده و پایدار در ابعاد سازمان دولت است که به طور معنا داری عملکرد آن را تغییر می‌دهد. دولت الکترونیک با بهره‌گیری از قابلیت‌های فن آوری اطلاعات، فرایند انتقال به حاکمیت خوب را تاحدی تسهیل کرده و با ایجاد و توسعه سیستم‌های سیاسی، اقتصادی، حقوقی و اداری مبتنی بر فناوری اطلاعات، شتاب فاصله گرفتن از حاکمیت ضعیف و نزدیک شدن به حاکمیت خوب را افزایش می‌دهد (یعقوبی، ۱۳۹۲، ص ۹۱).

ج) انتظارات شهروندان از دولت

در نظام‌های مردم سالار حکومت، مشروعیت خود را از شهروندان کسب می‌کنند و بدیهی است که حفظ و تقویت این مشروعیت مستلزم حساسیت دولت در سطوح مختلف به انتظارات در حال تغییر شهروندان می‌باشد. همچنین دولت‌ها مصرف‌کننده منابع کمیاب هستند و شهروندان انتظار دارند دولت به گونه‌ای در راستای ارائه خدمات عمومی اقدام نماید که از اتلاف منابع جلوگیری شده و عملیات دولت از کارآمدی لازم برخوردار گردد (همان، ص ۹۱). صاحب‌نظران معتقدند در جامعه در حال تغییر امروزی روش‌های سنتی حکومتمگری که بر جریان محدود اطلاعات و تعاملات میان بخش‌های مختلف جامعه و دولت پایه ریزی شده است کارآمدی لازم را نخواهد داشت و آنچه که در این وادی در حال تغییر به شدت مورد نیاز است شناخت مسیرهای آتی تغییرات اجتماعی و ارزش‌های مورد پذیرش

شهروندان می‌باشد (Kakabadse, ۲۰۰۳, ۵۶-۵۷). و به تبع آن یافتن شیوه‌های نوین ارائه خدمات عمومی به گونه‌ای که با خواسته‌ها و انتظارات شهروندان تناسب داشته باشد. الگوهای دولت الکترونیک و ابتکار عمل‌های منحصر به فرد آن از جمله الگوهای جدید ارائه خدمات عمومی است که امکان ارائه خدمات آسان تر و سریع تر و با هزینه کمتر را برای شهروندان فراهم می‌آورد و می‌تواند در برآوردن بخشی از تقاضای شهروندان موثر واقع گردد. دسترسی برابر شهروندان به اطلاعات و خدمات دولتی انتظار به حق دیگری است که فقدان یا ضعف آن می‌تواند نگرانی شهروندان را دامن زند. ویژگی‌های خاص حاکم بر الگوی سنتی بوروکراتیک همچون ناتوانی در ارائه خدمات به مشتریانی که خواسته‌ها و اولویت‌های متفاوتی دارند، انعطاف پذیری، تاکید بر رویه‌ها و غیره (Tat- Kei Ho, ۲۰۰۲, ۴۳۵) در بسیاری از موارد دسترسی نابرابر شهروندان به خدمات و اطلاعات را موجب شده و در صورتی که چاره‌ای مناسب اندیشیده نشود چه بسا به پیامدهای نامطلوبی همچون واکنش شهروندان منجر گردد. جهت‌گیری سازمان‌های بخش عمومی به سوی ساختارهای شبکه‌ای حکومتمداری، توسعه شبکه‌ها و حل و فصل مشکلات حکمرانی از طریق تشریک مساعی به جای هدایت و کنترل‌های متمرکز در واقع اقدام‌هایی است که کارگزاران بخش عمومی در واکنش به افزایش انتظارات و تقاضاهای شهروندان دنبال می‌کنند (Teisman & Klijn, ۱۹۸, ۲۰۰۲). و در این میان تلاش می‌شود معضل نابرابری دسترسی شهروندان به خدمات عمومی از طریق پیاده‌سازی دولت الکترونیک که بر ارائه خدمات و اطلاعات آنلاین تاکید می‌ورزد و به جای بلوکه کردن اطلاعات در بخش‌های خاصی از بوروکراسی بر انتشار گسترده آن در میان تمام اقشار جامعه اصرار دارد مرتفع گردد.

کاهش شکاف میان دولت و شهروندان از خواسته‌های دیگر شهروندان می‌باشد که دولت الکترونیک

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

در صدد است با حذف عوامل واسطه ای و برقراری ارتباط مستقیم میان کارگزاران دولتی و شهروندان زمینه کاهش شکاف ها را فراهم آورد. در این حالت بسیاری از موانعی که در گذشته منجر به ایجاد شکاف میان بوروکراسی و جامعه می گردید از میان برداشته خواهد شد و شهروندان قادر خواهند بود از طریق ارتباطات اینترنتی نظرات و دیدگاههای خود را در مورد خط مشی های دولتی و عملکرد سازمان ها ارائه نمایند و دولت نیز با دریافت بازخوردهای مستقیم از نحوه قضاوت شهروندان و نگرش آنها شناخت حاصل خواهد کرد. عملی شدن این آرمان در واقع تغییری در فرهنگ غالب سازمان ها ایجاد خواهد کرد و به خواست صاحب نظرانی که معتقدند دولت بایستی از فرهنگ بوروکراتیک به سوی جامعه شهروند محور تغییر جهت دهد (Claver et al, 1999, 459) جامعه عمل خواهد پوشاند.

د) تداوم اصلاحات بخش عمومی

ضرورت تداوم اصلاحات در بخش عمومی از عوامل مهم دیگری است که دولت ها را به سوی الگوی دولت الکترونیکی کشانده است. اصلاحات بخش عمومی که از دهه ۱۹۸۰ به بعد آغاز شد در گذر زمان برنامه ها و الگوهای مختلفی را در دستور کار دولتها قرار داده است و در این میان فناوری اطلاعات بویژه طی دو دهه گذشته به عنوان یکی از ارکان اصلی اصلاحات دولتی مطرح بوده و توانسته است نقش برجسته ای ایفا نماید (Moon, 2002, 424). دولت الکترونیکی که بر کاربرد فناوری اطلاعات جهت ارائه خدمات بخش عمومی تاکید می ورزد در واقع در صدد است اصلاحات مدیریت بخش عمومی را با رویکرد جدید دنبال نماید. رویکردی که تحول در دولت را از طریق بهبود ارائه خدمات و همچنین بهبود ارتباطات میان شهروندان و دولت مورد توجه قرار داده است (Mcneal et al, 2003, 2-3). شاید ارتباط میان نهضت اصلاحات مدیریت عمومی و الگوی دولت الکترونیکی را بتوان در نوشته های صاحب نظران بهتر شناخت. هیوز در خصوص ارتباط

دولت الکترونیکی و با نهضت اصلاحات مدیریت عمومی می نویسد: شاید بتوان دولت الکترونیکی و نهضت اصلاحات را جدا از هم قلمداد نمود اما هر دو نهضت به صورت متقابل یکدیگر را تقویت می کنند (Hughes, 2003, 195). و هیکس به عنوان یکی از صاحب نظران فناوری اطلاعات و دولت الکترونیک تاکید می ورزد که دولت الکترونیکی خواه به عنوان بخشی از نهضت اصلاحات که از دهه ۱۹۸۰ آغاز گشته است دیده شود و خواه به عنوان شکل توسعه یافته آن، نمونه ای از آخرین طرح هایی است که به منظور گذر از الگوی سنتی به الگوی جدید مورد توجه دولت ها قرار گرفته است (Heeks, 2002, 2). «هیکس» معتقد است قرار گرفتن راهبرد اصلاحات و بازآفرینی دولت که در دستور کار مقامات بخش عمومی برخی از کشورها قرار گرفته، برآیندی از چندین عامل بوده است که عوامل سه گانه زیر و در کنار آن انقلاب فن آوری اطلاعات و فشارهای رقابتی بازارهای جهانی از جمله مهمترین آنهاست (Lenkowsky & Perry, 2000, 298-203).

۱- بحران در بخش دولتی

روند فزاینده و ناپایدار هزینه های بخش دولتی یکی از مشکلات عدیده ای بود که به این بحران دامن می زد. دیوانسالاری دولتی هر روز بزرگتر می شد، هدر رفتن منابع، تاخیر در انجام کارها، سوء مدیریت و فساد اداری در بخش دولتی، ناکارآمدی دیوانسالاری و افزایش هزینه خدمات عمومی را روندی تصاعدی بخشیده بود. تمرکز در ساختار قدرت و وجود شکاف میان خط مشی گذار و گروه های هدف منجر به اتخاذ تصمیماتی می شد که با واقعیت های جامعه سازگار نبود و اجرای آن بسیاری از خواسته های جامعه را پوشش نمی داد و از سوی دیگر پاسخگویی خط مشی گذاران در مقابل کسانی که به شدت تحت تاثیر تصمیمات آنها قرار می گرفتند، رضایت بخش نبود. از سوی دیگر بخش دولتی در ارائه مطلوب کالاها و خدمات عمومی ناتوان بود و آنچه از این بخش انتظار می رفت برآورده نمی شد (یعقوبی،

۲- پدیدار شدن ایدئولوژی لیبرالیسم جدید

«ایدئولوژی لیبرالیسم جدید» که با تفکر «راست جدید» نیز شناخته می‌شود، در واقع احیای مجدد ایده‌های لیبرالیسم بود که به اندیشه‌های «جان لاک و آدام اسمیت» در قرن هفدهم و هجدهم بر می‌گشت. «نئولیبرالیسم» در حقیقت ارائه دهنده چارچوب نظری جدیدی بود که اصلاحات در بخش دولتی و کاهش نقش دولت در اداره امور عمومی را تشویق می‌کرد. بر اساس این تفکر، بازار و بخش خصوصی به دلیل ویژگی‌های خاص خود بازدهی بیشتری در مقایسه با بخش دولتی دارد. از اینرو می‌باید با بازنگری در چگونگی سازماندهی و مدیریت بخش دولتی، الگوی مدیریت بخش خصوصی را در بخش دولتی به کار گرفت و با استفاده از سازوکارهای این بخش، بازدهی بخش دولتی را در ارائه کالاها و خدمات افزایش داد. نکته‌ای که در رابطه با تفکر راست جدید قابل توجه می‌نماید آن است که به گفته یکی از صاحب‌نظران این تفکر صرفاً درصد اصلاحات در دولت نبود، بلکه اصلاحات بر ضد دولت را دنبال می‌کرد. به طور خلاصه جایگزین کردن سازمان‌های بخش خصوصی با سازمان‌های دولتی، تاکید بر نقش حمایتی دولت از بخش خصوصی و مدیریت سازمان‌های دولتی با رویکرد بازار، سه مورد از مهم‌ترین محورهای مورد تاکید این تفکر است (یعقوبی، ۱۳۹۲، ص ۹۵).

۳- قدرت و اراده سیاسی

اگر چه بحران در بخش دولتی و احیای تفکر لیبرالیسم در قالب لیبرالیسم جدید برای اصلاحات در بخش دولتی ضروری بود، اما این دو شرط به تنهایی برای اصلاحات کافی نبود و شرط سوم می‌طلبید که همان قدرت و اراده سیاسی جهت وضع قوانین و خط‌مشی‌های مرتبط با اصلاحات در بخش دولتی بود. برخی از این عوامل بر قدرت و اراده سیاسی جهت آغاز فرایند اصلاحات و تداوم آن عبارتند از: افزایش درخواست عمومی برای اصلاحات

دولتی، گسترش نقش سیاست‌مداران و مدیران دولتی در انجام تغییرات، پشتیبانی سرمایه‌داران ملی و جهانی از اطلاعات، افزایش کارکرد سازمان‌های بین‌المللی و جهانی در پیشبرد برنامه‌های تغییر.

کانون‌های دولت الکترونیک

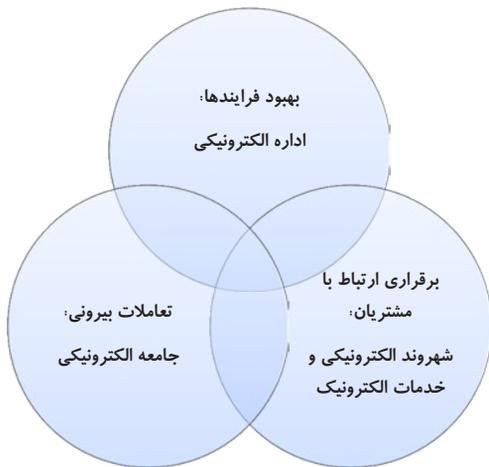
در الگوی سنتی بکارگیری فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در فعالیت‌های بخش عمومی، تاکید عمده بر خودکار کردن امور داخلی دولت بود. اما الگوی جدید به کارگیری فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در بخش دولتی فراتر از توجه صرف به امور داخلی دولت می‌اندیشد. بر اساس این الگو، بهبود فرایندهای درونی دولت فقط بخشی از قلمرو دولت الکترونیک است و برقراری تعاملات بیرونی و ارتباط با شهروندان، کانون‌های دیگری است که مدل جدید به آن توجه می‌کند (Heeks, 2002, 4-8). برقراری تعاملات بیرونی، ارتباط با شهروندان و بهبود فرایندها کانون‌های اصلی دولت الکترونیک به شمار می‌رود که در زیر به تشریح آن پرداخته می‌شود.

الف) بهبود فرایندها: اداره الکترونیک

بهره‌گیری از تجهیزات الکترونیک با هدف خودکارسازی فرایندها از جمله اقدامات ضروری در راستای دولت الکترونیک است. ابتکار عمل دولت الکترونیک در این محدوده منجر به بهبود امور درونی بخش دولتی در موارد زیر می‌شود:

- کاهش هزینه‌های فرایند: افزایش نرخ ستاده - داده از طریق کاهش هزینه‌های مالی و هزینه زمان؛ - مدیریت عملکرد فرایند: برنامه ریزی، نظارت و کنترل عملکرد منابع فرایند (انسانی، مالی و سایر منابع)؛

- برقراری روابط استراتژیک درون دولت: برقراری ارتباط میان موسسات، سطوح مختلف دولت و مراکز دولتی دخیل کننده اطلاعات به منظور تقویت قابلیت‌های تحقیق و توسعه و اجرای استراتژی‌ها و خط‌مشی‌هایی که فرایندهای دولت را جهت می‌دهد؛



خدمات مناسب تر، با کیفیت تر و با هزینه کمتر. - توسعه قابلیت های جامعه از جمله قابلیت های اقتصادی و اجتماعی.

- تقویت روابط نهادی همچون روابط دولت با نهادهای بین المللی و سازمان های جامعه مدنی. - باید یادآور شد که کانون های سه گانه برقراری تعاملات بیرونی، ارتباط با شهروندان و بهبود فرآیندها اگر چه به صورت جدا از هم تشریح شده اند، اما در دنیای واقعی این محورهای سه گانه با یکدیگر تداخل پیدا کرده و نوعی همپوشانی ایجاد می کنند. شکل زیر تداخل میان کانون های سه گانه دولت الکترونیک را نشان می دهد (Heeks, 2001, 14).

تداخل کانون های سه گانه دولت الکترونیک

نتیجه ای که از شکل فوق میتوان گرفت این است که مسئولین استقرار دولت الکترونیک به جای یک سونگری و تمرکز فعالیت ها در بخش خاص، بایستی کل مجموعه را با هم ببینند؛ زیرا اداره الکترونیک و امکان ارائه خدمات الکترونیک به جامعه الکترونیک و شهروند الکترونیک نیاز دارد و زمانی میتوان به اثربخشی استقرار دولت الکترونیک امیدوار بود که هم عامل ارائه دهنده خدمات و هم استفاده کنندگان خدمات عمومی در شرایط مناسبی قرار داشته باشند و به صورت متقابل یکدیگر را تقویت کنند.

- تواناسازی: انتقال قدرت، اختیار و منابع از حالت فعلی فرایندها به حالت جدید آن.

ب) ارتباط با شهروندان: شهروند الکترونیک و خدمات الکترونیک

کانون دوم دولت الکترونیک روابط میان دولت و شهروندان را در بر می گیرد. شهروندان می توانند رای دهندگانی باشند که بخش عمومی مشروعیت خود را از آنها کسب می کند یا مشتریانی باشند که از خدمات بخش عمومی استفاده می کنند. امروزه شهروندان از دولت انتظار دارند تا در راستای بهبود خدمات، کاهش اتلاف وقت ارباب رجوع جهت دریافت خدمات، بهبود دسترسی شهروندان به اطلاعات و پاسخ به نیازهای در حال تغییر آنها اقدام کند (Deconti, 1998, 4). این ابتکار عمل دولت الکترونیک ممکن است بهبود فرایندها تعریف شده در کانون اول را مدنظر قرار دهد. یکی از اهداف مهم دولت الکترونیک در این مرحله حذف عوامل واسطه ای است. برای مثال با ارائه فرم ها بر روی شبکه، کارکنان کشوری نمی توانند به صورت غیر قانونی مانع از دسترسی شهروندان به چنین فرم هایی شوند. البته این نکته قابل ذکر است که حذف عوامل واسطه ای مستلزم آنست که شهروندان از طریق کامپیوترهای شخصی خود یا از طریق سایر کامپیوترها بتوانند به شبکه وصل شوند و از این طریق اطلاعات و خدمات مورد نیاز را مستقیم و بدون واسطه به دست آورند.

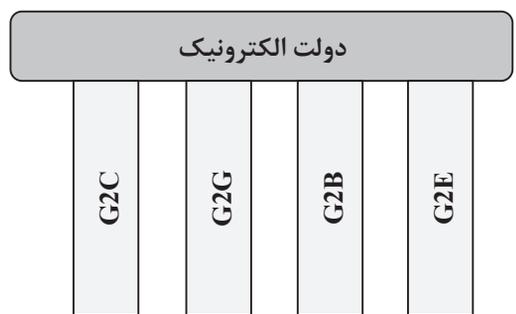
ج) برقراری روابط بیرونی: جامعه الکترونیک

برقراری روابط بیرونی به روابط میان موسسه های عمومی و سایر نهادها و شرکت های بخش خصوصی، سازمان های مردمی و غیرانتفاعی و نیز روابط میان نهادهای جامعه مدنی اشاره دارد و همانند کانون دوم، برقراری روابط بیرونی هم ممکن است به بهبود فرایندهای ذکر شده در کانون اول منجر گردد (Heeks, 2002, 7-8). برقراری روابط بیرونی موارد زیر را در برمی گیرد:

- بهبود تعامل میان دولت و بخش تجاری و ارائه

کاربردهای دولت الکترونیک

در ساختار دولت الکترونیک از نمادهایی استفاده می‌شود. این نمادها نشان می‌دهند که دولت الکترونیک می‌تواند چه بخش‌ها و چه افرادی را با هم مرتبط سازد. مهمترین این نمادها که در شکل زیر نمایش داده شده است، عبارتند از:



ستون‌های دولت الکترونیک

الف) دولت با شهروندان (G2C): مهمترین و گسترده‌ترین کاربرد دولت الکترونیک رابطه دولت و شهروندان و بالعکس است. دولت الکترونیک باید بتواند شهروندان را به دولت مرتبط سازد. رابطه دولت با شهروندان طیف گسترده‌ای را شامل می‌شود به عنوان مثال: ارائه خدمات و اطلاعات مناسب به شهروندان، در اختیار قرار دادن فرصت‌های مناسب برای شهروندان، تجدید گواهینامه‌های رانندگی و سایر مدارک، پرداخت قبض‌های مختلف بخشی از این طیف گسترده هستند. این روابط بین دولت و شهروندان، به ایجاد تغییراتی در زندگی شهروندان منجر می‌شود (فیضی و مقدسی، ۱۳۸۴، ص ۵۸).

ب) دولت با دولت (G2G): این رابطه مربوط به تعاملات میان دستگاه‌های دولتی است (Millard, ۲۰۰۳). این روابط بسیار مهم می‌باشند، زیرا سازمان‌های دولتی متکی به دیگر نمایندگان دولتی هستند و تعامل الکترونیکی بین آنها، از اهمیت خاصی برخوردار است. در این نوع روابط، نیاز به دسترسی به پایگاه‌های اطلاعاتی وجود دارد. این نکته باید مورد توجه قرار گیرد که پیاده‌سازی کامل دولت الکترونیک بدون توجه به این وجه که نمایانگر

ایجاد یک نظام جامع، به هم پیوسته و پیکارچه بین دستگاه‌های دولتی است، امکان ندارد. چنانچه این رابطه به درستی شناسایی و پیاده‌سازی و برقرار شود دولت‌ها را در رسیدن به ویژگی‌های مورد نیاز یک حکومت خوب همچون مشارکت هر چه بیشتر شهروندان در کارهای دولت، تعیین آیین‌نامه‌ها و قانون‌گذاری‌های درست، افزایش توان پاسخگویی دولت به نیازها و خواسته‌های شهروندان و شفافیت در کارهای دولتی و کاهش فساد کمک خواهد کرد (نقدی فرد، ۱۳۸۲، ص ۳۲).

ج) دولت با کسب و بخش تجاری (G2B): این رابطه، اولین رابطه‌ای بود که توسعه پیدا کرد و در آن به نیازهای خاصی از جامعه کسب و کار توجه شد. این روابط گسترده وسیعی را شامل می‌شود و به طور کلی چند وجهی است. کسب و کارهای اقتصادی می‌توانند عرضه‌کننده، شریک، مشتری و حتی رقیب دولت نیز محسوب شوند. این رابطه موجب افزایش توان رقابتی کشورها در بازار جهانی و از طریق مشارکت بخش دولتی و خصوصی خواهد شد. مولفه دولت-بخش تجاری به طور معمول در برگزیده عرضه‌کنندگان، شرکاء تجاری، مشتریان و دولت می‌باشد و تعاملات گسترده‌ای را در برمیگیرد که دامنه‌ای از ثبت نام، مجوزها، پروانه‌ها، تدارکات الکترونیک، سیستم‌های مناقصه الکترونیک تا مالیات دهی را در بر می‌گیرد (هاشمیان، ۱۳۸۲، ص ۱۶).

د) دولت با کارکنان (G2E): این روابط به این منظور طراحی شده تا بتواند اطلاعاتی را برای بخش عمومی عرضه کند و کارکنان دولتی بتوانند از شبکه‌های دولتی یا شبکه‌های خصوصی و غیر دولتی به اطلاعات منابع انسانی مانند اطلاعات مربوط به فرم‌های درخواستی، بازنشستگی و اطلاعات تازه شغلی، تسهیلات اعطایی و سایر خدمات و اطلاعات مرتبط دست پیدا کنند.

مزایای دولت الکترونیک

منافع دولت الکترونیک نه تنها نصیب خود دولت، بلکه شامل حال شهروندان، بخش خصوصی، کارکنان

دولت و افراد مقیم در کشورهای دیگر و مهاجرین نیز میشود که در زیر به مهمترین آنها اشاره می شود:

الف) مزایای دولت الکترونیک برای شهروندان

- **افزایش کیفیت خدمات دولتی:** امروزه، همچنانکه آگاهی افراد از روش های عملکردی دولت الکترونیک افزایش می یابد، میزان تمایل آنها به آن بیشتر می شود. دولت الکترونیک به شیوه ای نوین برای دولت ها در استفاده از فناوری های تازه است که به شهروندان ابزارهای مورد نیاز برای دسترسی مناسب به اطلاعات و خدمات، اصلاح کیفیت خدمات و ارائه فرصت های گسترده تر برای مشارکت در فرایند ها و نمادهای مردم سالار را فراهم می آورد (Knol, 11, 2001). این تغییرات به این دلیل رخ می دهد که اینترنت راهکارهای سازمان ها و بخش های تجاری و نحوه ارتباط متقابل افراد جامعه را به طرز شگفت آوری تغییر داده است. برای مثال دولت با بکارگیری ابزارهایی نظیر فاکس، تلفن های همراه، تلویزیون های دیجیتالی و کیوسک های اطلاعاتی و ایجاد درگاههای مختلف بهتر می تواند مسئولیت های خود را به انجام برساند.

- بهبود وضعیت شهروندان به دلیل توزیع مناسب خدمات دولتی: دولت الکترونیک بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات برای سادگی و سهولت کارهای دولت از طریق ارائه گسترده خدمات و اطلاعات کارآ و موثر به شهروندان است. استفاده کنندگان خدمات دولت الکترونیک که بطور عمده شهروندان هستند، می توانند همان سطح خدماتی را که از سازمان های تجاری دریافت می کنند، از سازمان های دولتی نیز انتظار داشته باشند (Millard, 24, 2003).

- **امکان ارائه خدمات مستقیم و بی واسطه به شهروندان:** دولت الکترونیک آمیزه ای از فناوری اطلاعات و شبکه اطلاع رسانی وب برای ارائه خدمات مستقیم به مردم است؛ به طوریکه شهروندان بدون نیاز به تماس مستقیم و حضوری با سازمانهای دولتی می توانند به خدمات مورد نیاز خود دست یابند (Renu, 13, 2004).

- **کاهش هزینه های خدمات دولتی برای شهروندان:** باید بر این نکته تاکید شود که دولت الکترونیک فراتر از فناوری اطلاعات است و به کمک آن می توان به شهروندان جامعه امکان داد که با حذف بوروکراسی و با صرف هزینه و زمان کمتر به خدمات مورد نیاز خود دسترسی پیدا کنند. چنانچه ارائه خدمات سازمان یافته مبتنی بر عملکردها و فناوری های جدید باشد دولت خواهد توانست خدمات مورد نیاز شهروندان را با قیمت مناسبتری در اختیار آنها قرار دهد. برای مثال از طریق دولت الکترونیک دبی و به کمک اینترنت خدمات گمرکی و بندری ۲۴ ساعته انجام می گیرد و این کار علاوه بر کاهش قابل توجه در زمان و هزینه، کاهش هزینه های هماهنگی تا ده درصد را بواسطه ارائه خدمات الکترونیکی به همراه داشته است.

مزایای دولت الکترونیک برای دولت

- **کاهش هزینه های دولت:** دولت الکترونیک به مجموعه ای از فعالیت ها اطلاق می شود که خدمات و اطلاعات دولتی را به صورت الکترونیکی و به اینترنت با کاربران این خدمات مبادله می کند. دولت الکترونیک از طریق ساده و موثر کردن نحوه انجام عملیات ها، فرصت هایی را برای کاهش هزینه های دولت فراهم می کند که این امر به نوبه خود منجر به افزایش راندمان برنامه های دولت می گردد و نتایج مثبت آن را در زمینه هایی مانند اجرا و بکارگیری قوانین، آموزش و پرورش و ... می توان مشاهده کرد (Chen, 223, 2002).

- **کاهش تخلفات و فساد اداری:** مهم ترین دستاورد دولت الکترونیک برای تمامی کشورها از جمله ایران ایجاد دولتی ساده، اخلاقی، مسئولیت پذیر، پاسخگو و شفاف است که تمامی این مزایا برای بر طرف کردن یکی از عمده ترین ضعف های دولت های سنتی یعنی فساد و تخلفات اداری می باشد. برای مثال، کاهش انحراف و فساد با استفاده از اینترنت در دستور کار دولت کنیا قرار گرفته است. به طوریکه انجمن استانداردهای فناوری

اطلاعات در کنیا، هدایت پروژه مدیریت الکترونیکی این کشور را در دست گرفته است. هدف این پروژه بالا بردن آگاهی مردم و تشویق آنان به مشارکت در امر مبارزه علیه کارهای انحرافی می باشد (Chen, 2002, 224).

افزایش مشارکت مردمی: دولت الکترونیک فرصتی را برای مخاطبان دولت همچون شهروندان، اشخاص حقیقی و حقوقی فراهم میکند تا به کمک روش های الکترونیکی با دولت ارتباط برقرار کنند و با اظهار نظر و ارائه پیشنهادهای شازنده خود دولت را یاری دهند، به این ترتیب شهروندان فرصت می یابند تا از طریق مزیت حکمرانی خوب در فعالیت های اجتماعی مشارکت کنند.

افزایش شفافیت در بدنه دولت: پیاده سازی دولت الکترونیک باعث افزایش رفاه مردم بویژه در بخش خدمات دولتی، کاهش نابرابری ها و شفاف سازی کارها خواهد شد. برای مثال در راستای پیاده سازی این استراتژی، اطلاعات مناسب و گسترده ای برای شهروندان کانادا بر روی اینترنت گذاشته می شود و بسیاری از خدمات دولتی به صورت الکترونیکی ارائه می گردد. عمده ترین آرمان دولت کانادا از گسترش دولت الکترونیک، شفاف کردن عملیات دولت است، ضمن آنکه به افزایش کارایی دولت و نیز تقویت مشارکت مردم در فرایندهای سیاسی نیز نگاهی دارد (فیضی و مقدسی، ۱۳۸۴، ص ۴۱).

کاهش تمرکز گرایی: کانال های ارتباطی و فناوری های جدید، فرصت ها و امکانات وسیعی را برای بهینه کردن سطوح خدمات و افزایش انتخاب های شهروندان فراهم می آورند. سازماندهی دوباره فرایندهای کسب و کار باعث کاهش تمرکز در تصمیم گیری های اداری خواهد شد، چراکه در دولت الکترونیکی، فرایندهای تجاری به صورت آنلاین انجام می شود و سازمان ها تا حد زیادی از جنبه های مثبت آن نظیر خدمات موثرتر به همراه کاهش هزینه ها بهره مند خواهند شد. در

راستای پیاده سازی این طرح، شهروندان و بازرگانان می توانند انواع متنوعی از کانال های خود خدمت مکانیزه و امن را برای انجام کارهایشان انتخاب کنند و به صورت الکترونیکی از طریق پست الکترونیک یا به صورت مستقیم با آن ارتباط داشته باشند (فیضی و مقدسی، ۱۳۸۴، ص ۴۱).

تقویت پایه های دموکراسی: امروزه بیشتر افراد جامعه نسبت به حقوق خود آگاهی دارند و از فرصت هایی که به آنان امکان میدهد تا توانایی خود در گزینش تصمیمات آگاهانه را در زمینه های دولتی و دیگر جنبه های تاثیر گذار بر زندگی شان پرورش دهند، آگاهی دارند. دموکراسی دیجیتال یک اقدام اجتماعی غیر انتفاعی به سمت استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به منظور توسعه و غنی سازی همزیستی دموکراتیک در جامعه است. این امر جدیدترین موضوع از ابعاد دولت الکترونیک در قرن جدید می باشد که روابط دولت و شهروندان را از طریق ارائه الکترونیکی خدمات و پیاده سازی دموکراسی الکترونیک تغییر می دهد. هدف این استراتژی، پخش اطلاعات در مورد موضوعات مربوط به افکار عمومی و نیز ایجاد فضاهای جدید برای همفکری و مشورت است. در زمینه انتخابات، دموکراسی الکترونیک میزان آگاهی مردم از فعالیت های نامزدها را از طریق پست الکترونیک و سایر تجهیزات و آدرس های ارتباطی که برای حمایت از حقوق تک تک افراد جامعه بکار گرفته میشود، افزایش می دهد. دموکراسی دیجیتالی افراد را تشویق می کند تا بطور مستقیم نگرانی هایشان را برای مسئولان و تصمیم گیرندگان کلیدی بیان کنند (یعقوبی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۲).

اصلاح بوروکراسی اداری و دولتی: دولت الکترونیک بستر و فرایند مدیریت بدون کاغذ در حکومت است و بیشتر ارتباطات خود را از طریق مجراهای چند رسانه ای انجام میدهد. از دیگر سو، ایجاد شرایطی که تحت آن شهروندان و صاحبان حرفه های مختلف بتوانند بدون مراجعه به دفاتر

دولتی و ایستادن در صف‌های طولانی و یا پرداخت رشوه به اطلاعات دست یابند، پیشرفتی انقلابی در اصلاح بوروکراسی و ریشه‌کنی فساد خواهد بود. بنابراین، سایت‌های انتشار اطلاعات دولتی از ابزارهای مهم دولت الکترونیک هستند.

افزایش قدرت پاسخگویی دولت: خدماتی که از طریق دولت الکترونیک ارائه می‌شود، قابلیت دسترسی بیشتری دارند و باعث می‌شوند تا دولتها در برابر خواسته‌های شهروندان قدرت پاسخگویی افزون تری داشته باشند.

چالش‌های دولت الکترونیک از منظر حقوق عمومی و مدیریت بخش عمومی

پس از آشنایی با مبانی و مفهوم دولت الکترونیک، جا دارد با نگاهی آسیب‌شناسانه به مشکلات و چالش‌های آن نیز بپردازیم. واقعیت این است که عصر دیجیتال دغدغه‌های بسیاری را در پی دارد که مهم‌ترین آن نابرابری است. اما مهم‌ترین عرصه نابرابری در عصر جدید، نابرابری و تبعیض در دانایی و اطلاعات است که دارای عمق و ابعاد تازه‌ای است. هر چند دولت الکترونیک قابلیت‌های بسیاری دارد و به عنوان مثال «آموزش الکترونیک» در زمینه‌های مختلف از جمله حوزه حقوق می‌تواند آگاهی شهروندان را افزایش دهد و از بار مشکلات جامعه بکاهد و یا با استفاده از سیستم‌های رایانه‌ای هوشمند (سیستم‌های خبره) بسیاری از امور تسهیل می‌گردد و حتی به این روش نتیجه احتمالی دعاوی پیش بینی می‌شود و در نتیجه، بدون مراجعه به قاضی و محاکم دادگستری، طرفین به حل و فصل اختلافات می‌پردازند و از این رو پاره‌ای از دعاوی و اختلافات کاهش می‌یابد، اما به موازات شناخت و استفاده از این امکانات سودمند، آسیب‌شناسی و بررسی چالش‌های فراروی دولت الکترونیک نیز از موضوعات بسیار مهم و قابل ملاحظه‌ای است که به تازگی مورد توجه گسترده صاحب‌نظران قرار گرفته است (باطنی و یزدان شناس، ۱۳۸۵، ص ۷۲).

استقرار دولت الکترونیک مستلزم سه پیش‌نیاز

اساسی است: سطح حداقلی از زیرساخت‌های فنی، سرمایه انسانی (نیروی متخصص و شهروندان آموزش دیده) و شبکه‌های الکترونیکی. برای آنکه دولت الکترونیک در سطح گسترده‌ای قابل استفاده گردد، مردم باید از حداقل دانش استفاده از کامپیوتر و اینترنت برخوردار باشند و اینترنت برای همه در دسترس باشد. مهیا کردن چنین شرایطی، اولین چالش فراروی دولت الکترونیک است. منابع مالی هنگفت مورد نیاز برای آموزش، ایجاد زیرساختها، استقرار، توسعه و روزآمد کردن شبکه‌های الکترونیکی، در دسترس بخش گسترده‌ای از جهان قرار ندارد. از سوی دیگر فاصله و شکاف کشورهای پیش‌تاز و توسعه یافته با سایر کشورها در حال افزایش است که با فراگیر شدن دولت الکترونیک انتظار می‌رود این «شکاف دیجیتال» نیز افزایش یابد.

هدف از کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات، تقویت دموکراسی و مشارکت عمومی بوده، اما در عمل شکاف دیجیتال و آثار آن، مسئله‌ای چالش برانگیز و امری خطیر فراروی مردم‌سالاری است. نگرانی عمده در این خصوص به پیامدهای دسترس نابرابر، فقدان زیرساخت‌های مناسب و ضعف تکنولوژیکی بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته اشاره دارد. بنابراین شکاف دیجیتال به نابرابری در دسترس به تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات بر می‌گردد. با توجه به گسترش روزافزون کاربرد تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی در جامعه مدرن امروزی، پیامدهای شکاف دیجیتال بسیار گسترده و ریشه‌ای خواهد بود. امکانات نابرابر، درآمد پایین، آموزش ناکافی، مهارت‌های فنی ضعیف، فقدان آگاهی و درک ناکافی، از عوامل اصلی مؤثر در ایجاد و تشدید شکاف دیجیتال است. با گسترش دولت الکترونیک و استفاده بیشتر از تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، مسئله شکاف دیجیتال اهمیت بسیاری پیدا می‌کند (باطنی و یزدان شناس، ۱۳۸۵، ص ۷۳).

همان‌طور که محققانی چون ازبورن و گابلر عباراتی چون «بازآفرینی دولت» یا به عبارتی دیگر، احیا

یا «باز مهندسی» دولت را مطرح نموده‌اند، دولت الکترونیک نیز امکان نوعی اصلاح و بازمهندسی کلی ساختار دولت و نهادهای وابسته به آن را از لحاظ شکلی و حتی ماهوی پیش روی دولتمردان و مدیران قرار می‌دهد و به عنوان ضرورتی برای حکومت دولتها در جوامع اطلاعاتی مطرح می‌گردد. (Backus, 2001, 5) چنین فرایندی می‌تواند سیستمهای اداری را نیز با تحولاتی شگرف مواجه نماید و کار کردن با حضور در مکان و زمانی خاص، آرام آرام مفهوم خود را از دست می‌دهد. از این رو ماهیت پدیده اشتغال و روابط کار در دولت الکترونیک و جامعه اطلاعاتی متفاوت با مفاهیم سنتی و کلاسیک خواهد بود. بنا بر آنچه ذکر گردید، دولت الکترونیک شکل ساختاری سازمانها و ادارات دولتی را نیز دگرگون خواهد کرد و ساختارهای عمودی و سلسله مراتبی حاکم بر سازمانها را در هم خواهد شکست (خاکی، 1381، ص 3). در این فرایند، فعالیتها و امور اداری، بدون کاغذ و در فضای دیجیتال صورت می‌گیرد، لایه‌های متعدد سازمانها و ادارات کاهش می‌یابد و نهادهای دولتی ناگزیر به انعطاف پذیری و اتخاذ سیاستهای کوچک‌سازی می‌گردند. این تغییرات بیانگر آن است که نظام اداری و دولت، وارد مرحله جدیدی در عصر اطلاعات می‌شوند که اتخاذ تدابیر و پیش‌بینیهای لازم در این جهت ضروری است. هرچند بوروکراسی، تمرکز و نظام سلسله مراتبی در این ساختار تا حدود زیادی حذف می‌شود و پاسخگویی بهبود می‌یابد، اما آثار نامطلوبی نیز متوجه آن خواهد بود که به عنوان مثال می‌توان به کاهش امنیت شغلی کارکنان و ترس از دست دادن شغل، با توجه به نیاز روزافزون به نیروی متخصص و آشنا به فناوری اطلاعات و ارتباطات و همچنین کاهش تعهد و مسئولیت‌پذیری کارکنان دولت اشاره نمود. در دولت الکترونیک سعی بر این است تا با فراهم آوردن زمینه‌های مشارکت مردم در اداره امور و با کاهش تصدی دولت، فناوری اطلاعات می‌تواند پاسخگویی را از جهات مختلفی بهبود بخشد. اما در

عین حال، نظام پاسخگویی با توجه به شرایط متغیر است. لذا همان طور که دولت الکترونیک می‌تواند تأثیر مثبتی بر پاسخگویی داشته باشد، از سویی دیگر می‌تواند منجر به مخدوش شدن پاسخگویی گردد. این خدشه ممکن است به دلیل از دست رفتن مستندات مکتوب در فضای مجازی نیز باشد. به عقیده عده‌ای از صاحب‌نظران، اسناد رایانه‌ای به جهت ناملموس بودن و انعطاف‌پذیری فراوان، ظرفیت کمتری برای پاسخگویی نسبت به اسناد مکتوب دارند. مخدوش شدن پاسخگویی همچنین می‌تواند به علت داده‌های غلط، مخفی کردن داده‌ها و یا فضا سازی و ایجاد اطلاعات موهوم و استفاده از آنها باشد. بنابراین، همان طور که امید به بهبود پاسخگویی در دولت الکترونیک وجود دارد، بیم مخدوش شدن پاسخگویی نیز می‌رود و این کارکرد دوگانه، چالشی عمده فراروی بهبود پاسخگویی است.

نامن شدن سیستمهای اطلاعات دولتی و شخصی افراد و نیز چگونگی پخش محرمانه اطلاعات در نظام یکپارچه دولت الکترونیک، از دیگر دغدغه‌های اساسی این نظام است که در تعارض با حریم خصوصی شهروندان قرار می‌گیرد. حریم خصوصی را از جهات مختلف می‌توان مورد تقسیم قرار داد. در یک دسته‌بندی، حریم خصوصی به حریم خصوصی ارضی (مسکن)، حریم خصوصی ارتباطات (نظیر مکالمات تلفنی)، حریم خصوصی جسمانی (نظیر اطلاعات راجع به بیماری افراد) و حریم خصوصی اطلاعاتی تقسیم می‌گردد. در دولت الکترونیک، حریم خصوصی اطلاعات مورد تهدید جدی قرار می‌گیرد و این امکان استفاده از شخصی‌ترین و خصوصی‌ترین اطلاعات افراد که در اختیار دولت الکترونیک قرار دارد، معارض با حقوق مسلم شهروندان در محرمانگی اطلاعات شخصی و حفظ حریم خصوصی افراد است. بنابراین اهمیت حمایت از زندگی خصوصی افراد در مقابل خطرهای ناشی از فناوری انفورماتیک باید مورد توجه قرار گیرد. امروزه «حق اشخاص بر

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

حریم شخصی خود» از حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود و رعایت آن نشان میزان توسعه یافتگی حقوق و احترام به کرامت انسانها در آن جامعه است. در همین عرصه نظارت الکترونیک نیز مسئله قابل توجهی در دولت الکترونیک به حساب می‌آید.

موضوع بسترها و زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات یکی از چالش‌های اولیه و اصولی در زمینه دولت الکترونیک است. برای استقرار و پیاده سازی دولت الکترونیک، بایستی معماری دولت‌های سنتی و بینش افراد تغییر کند که برای این کار نیاز به اصول و استانداردهای خاصی است. با توجه به اینکه اینترنت اطلاعات و خدمات مورد نیاز شهروندان را به وسیله کانال‌های ارتباطی جدید فراهم می‌کند، شکاف دیجیتالی مشکل اساسی در اکثر کشورهای در حال توسعه است. توسعه زیرساخت‌های اساسی برای استفاده از مزایای ابزارهای ارتباطی و فناوری‌های نوین برای پیاده سازی دولت الکترونیک امری ضروری است.

فرآیندهای ایجاد شده توسط دولت الکترونیک نیاز به طیف وسیعی از قوانین جدید و تغییراتی در روند قانون گذاری برای فعالیتهای الکترونیک (مانند امضای الکترونیک، آرشیو الکترونیک، حقوق مالکیت معنوی، مسائل حق چاپ و ...) دارد. قوانین مربوط به دولت الکترونیک و تجارت الکترونیک که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه هنوز در دسترس نیست، به منظور ایجاد امنیت حقوقی، ایجاد، حمایت و اصلاحات قانونی برای اطمینان از توسعه دولت الکترونیک امری مهم و ضروری به شمار می‌رود. برای این منظور، دولت‌های سراسر جهان باید برای پیاده سازی و توسعه دولت الکترونیک و تضمین امنیت معاملات تجاری به اصلاحات قانونی و وضع قوانین جدید در این مبحث پردازند. عدم وجود اطلاعات و مهارت‌های مورد نیاز در زمینه فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی در کارکنان سازمان‌های دولتی (به خصوص کشورهای در حال توسعه) چالشی مهم در دولت الکترونیک است. وجود مهارت‌های

کافی و لازم در این زمینه برای استقرار و توسعه دولت الکترونیک بسیار مهم است. دولت الکترونیک نیاز به ترکیبی از مهارت‌های نیروی انسانی شامل مهارت‌های فنی (برای نصب، نگهداری، طراحی و پیاده سازی زیرساخت فناوری اطلاعات)، و مهارت‌های ادراکی و ارتباطی (برای مدیریت برخط، فرآیندها، عملکردها و ارتباط با مشتریان) دارد. برای کارآمدی و اثربخشی دولت الکترونیک توجه به مسائل مربوط به نیروی انسانی، مدیریت دانش در امر آموزش کارکنان و برگزاری دوره‌های آموزشی برای ایجاد مهارت‌های فنی، ادراکی و ارتباطی، راهکارهای کلیدی است. ارتباطات و همکاری در تمامی سطوح مختلف ناحیه‌ای و ملی و همچنین بین سازمان‌های دولتی و خصوصی امری مهم در زمینه کارآمدی دولت الکترونیک است؛ با این وجود رسیدن به این امر کار آسانی نیست. دولت‌ها سعی دارند در مقابل سیستم‌های باز، سلسله مراتب خود را حفظ کنند. اعتماد عموم مردم به دولت برای همکاری آنها در پیاده سازی دولت الکترونیک، امری بسیار مهم است زیرا مردم نمی‌توانند به دولت‌هایی که سابقه دیکتاتوری و بی‌ثباتی دارند اعتماد کنند. ایجاد یک استراتژی مناسب در یک بستر مناسب، چالش اساسی دیگری در زمینه دولت الکترونیک است. بسیاری از سازمان‌های دولتی، استراتژی خود را در یک ارتباط آسان در ارائه خدمات و اطلاعات برخط خلاصه می‌کنند و مهندسی مجدد فرآیندها را برای بهره‌وری بهتر از دولت الکترونیک در نظر نمی‌گیرند. دولت باید بتواند یک استراتژی روشن برای غلبه بر موانع ترسیم کند. این استراتژی باید بتواند شامل ارزیابی‌هایی در مورد وضعیت فعلی و واقعیت موجود، هزینه‌های جاری، اثرات و مزایای برنامه‌ها و تعاملات و ارتباطات با محیط بیرونی باشد. یک استراتژی ایده آل برای دولت الکترونیک باید در مفهوم، به معنای ایجاد امکانات و تسهیلات بیشتر برای دسترسی عموم مردم به اطلاعات مورد نیاز و همچنین ارائه خدمات با کیفیت بهتر با

استفاده از شیوه‌های آسان تر به صورت بیست و چهار ساعته برای آنها باشد

نتیجه گیری و جمع بندی

بکارگیری فناوری اطلاعات توسط دولت برای ارائه خدمات به جامعه که آنرا دولت الکترونیک می نامند، ابتکار عمل جدیدی است که در صدد است تا زمینه دسترسی شهروندان به خدمات عمومی را از طریق رسانه های الکترونیک فراهم آورد و روابط دولت و شهروندان را به گونه ای جدید پایه ریزی نماید. گرایش به دولت الکترونیک و ارائه خدمات توسط دولت به مردم از طریق رسانه های الکترونیک به دلیل اهمیت فناوری اطلاعات در ساختار کلان جامعه و قابلیت های متحیر کننده آن در روابط بین G2G, G2C, G2B, G2E دانست. به همین دلیل دولت ها با هدف برآورده ساختن نیازها و خواسته های در حال تغییر شهروندان ناچارند تا از فناوری اطلاعات در راستای انجام اصلاحات در بخش عمومی بهره گیرند و از این طریق تحول اساسی در نحوه ارائه خدمات عمومی فراهم آورند. دولت الکترونیک با قدرت شگرفی که دارد، نقش عمده ای را در کاهش کاغذ بازی، مهندسی مجدد، تغییر نهادهای دولتی، کاهش هزینه های دولت، افزایش انعطاف پذیری ساختار دولت و امکان تطابق به موقع با تغییرات، کاهش تخلفات و فساد اداری، افزایش مشارکت مردمی، افزایش شفافیت در بدنه دولت، کاهش تمرکززدایی، تقویت پایه های دموکراسی، اصلاح بوروکراسی اداری و دولتی، افزایش قدرت پاسخگویی دولت، افزایش کارایی و بهره وری، کیفیت اطلاعات و دسترسی به داده ها و اطلاعات، صرفه جویی در زمان و اثربخشی را ایفا می نماید. از طرف دیگر دولت ها در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات به این نکته پی برده اند که کاربرد فناوری های نوین در بخش دولتی با هدف پیاده سازی کامل دولت الکترونیک انتخابی نبوده بلکه ضرورتی اجتناب ناپذیر است که نمی توان از پذیرش آن سرباز زد بلکه با هدف همگام شدن با

تحولات دنیای پیرامون و تسهیل خدمات رسانی به شهروندان از این الگو استقبال کرد و با نگاهی تیزبین و ترسیم چشم اندازی روشن قابلیت های متحیر کننده آنرا به خدمت اجتماع آورد. نکته ی قابل ذکر دیگر آن است که عوامل چندگانه کارآمدی فن آوری اطلاعات، تجربه موفق بخش خصوصی در کاربرد تجارت الکترونیک، حکمرانی خوب و کارکرد مثبت و اثرگذار دولت الکترونیک بر شاخص های حکمرانی خوب، انتظارات شهروندان از دولت و تداوم اصلاحات بخش عمومی با استفاده از الگوی دولت الکترونیک تنها برخی از عوامل موثر در گرایش و الزام دولت ها به استقرار دولت الکترونیک باشند و احتمالاً موارد دیگری نیز وجود دارد که می تواند در توجیه دلایل روی آوری دولتها به دولت الکترونیک مفید افتد. در خاتمه باید یادآور شد که روند کنونی گرایش به دولت الکترونیک در سراسر دنیا و عزم جدی دولت ها در پیاده سازی آن، نوید از تحولات بنیادین در نحوه ارائه خدمات عمومی و تعاملات دولت با شهروندان و حتی روابط میان دولت ها می دهد و در این فضای ایجاد شده، دولت های موفق آنهایی خواهند بود که از استراتژی های منفعلانه و واکنشی نسبت به تغییرات سریع جهانی دوری کرده و با رویکردی اثر گذار تلاش کنند در راستای بهبود خدمات رسانی و افزایش سطح رفاه اجتماعی بهره گیرند.

منابع و ماخذ

- هیوز، آون (۱۳۸۰) «مدیریت دولتی نوین»، ترجمه سید مهدی الوانی و حسن دانایی فرد، تهران، انتشارات گلشن.

- یعقوبی، نورمحمد (۱۳۹۲) «دولت الکترونیک رویکرد مدیریتی»، چاپ سوم، نشر افکار.

- اعرابی، سید محمد (۱۳۸۰)، «مطالعه نظام پاسخگویی دولت در ایران: نگرشی تطبیقی»، ویژه نامه مدیریت دولتی «دانش مدیریت»، شماره ۵۵، زمستان.

- الوانی، سید مهدی و یعقوبی، نورمحمد (۱۳۸۲)، «مدیریت دولتی و دولت الکترونیک»، مجله فرهنگ

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

and New Zealand. Public Administration Review Journal, vol. 62, No. 2

-Deconti, L. (1998). *plannigang Creating a Government Web Site*. Working Paper, No. 2, ISPD, University of Manchester, Manchester.

-Edmiston, K. D. (2003). *State and Local E-Governance: prospects and Challenges*. American Review of Public Administration Journal, vol. 33, No. 1.

-Ghasemzadeh, F. & H. Safari (2003). *Transition to Electronic Government: A Plan for Iran*. Danesh Modiriat Journal, No. 278

-Heeks, R. (2002). *failure, success and improvisation of information systems project in developing countries*, working paper, NO. 11, ISDPM, university of Manchester, Manchester.

-Hughes, O. et al. (2003). *E-Government in Australia and Spain*, Working Paper, No. 31/03, Faculty of Business and Economics, Monash University. --

Gordon, T. F. (2002). *Introduction to E-Government*. Special Theam :E-Government, European Research Consortium for Information and Mathematics, No. 48.

-Kakabadse, A. et al. (2003). *Reinventing the Democratic Government Project Through Information Technology*, Public Administration Review, vol. 63, no. 1.

-Knol, W. H., & Stroeken, J. H. (2001). *The Diffusion and Adoption of Information Technology in small and Medium-Size Enterprises Through it Scenarios*, Technology Analysis and Strategic Management, vol. 13, No. 2.

-Lenkowsky, R., Perry, J. L. (2000). *Reinventing Government: The Case of National Service*, Public Administration Review, vol. 6, no. 4

-Lips, M. (1998). *reorganizing public service delivery in an information age*, iso press.

مدیریت، سال اول، شماره سوم، بهار و تابستان. پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۰) «مدیریت دولتی و عدالت اجتماعی»، ویژه نامه مدیریت دولتی «دانش مدیریت»، شماره ۵۵، زمستان.

-خاکی، غلامرضا، «راهبرد مجازی سازی دولت: مهمترین چالش پیش روی نظام اداری در برنامه چهارم توسعه»، مجله مدیریت و توسعه، شماره ۵۸. -ریاحی، حمید رضا (۱۳۸۲) «دولت الکترونیکی؛ هدف یا بهانه؟» مجله تکفآ، شماره ۸ و ۷، مرداد و شهریور.

-فیضی، کامران؛ مقدسی، علیرضا (۱۳۸۴)، «دولت الکترونیکی باز آفرینی دولت در عصر اطلاعات»، چاپ اول، انتشارات ترمه

-نقدی فرد هاشمیان، محسن (۱۳۸۲) «مفاهیم دولت الکترونیکی»، مجله تکفآ، شماره ۸ و ۷، مرداد و شهریور.

-وارث، سید حامد (۱۳۸۰) «نگرش فرا پارادایمی به مدیریت دولتی»، ویژه نامه مدیریت دولتی «دانش مدیریت»، شماره ۵۵، زمستان.

-Abdullah, W. M. (2002), *E-Commerce and International Transfer Pricing of tangible Goods and Intangible Assets in the Twenty-first*, LJCM, Vol. 12, No. 3-4.

-Backus, M. E. *governance in Development Countries*, IICD Research Brief, Issue 1, 2001.

-Cain, p. *Making the Transition to the Electronic Age*, Information for Development, Vol. 7, Issue 4, 1996.

-Chen, H. (2002). *Special Issue in Digital Government: Technologies and Practices*. Decision Support Systems Journal, vol. 34.

-Claver, E. et al. (1999), *Public Administration: From Bureaucratic Culture to Citizen-Oriented Culture*, The International journal of Public Sector Management, Vol. 12, No. 5.

-Considine, M. & J. M. Lewis (2003).

Bureaucracy, Network or Enterprise: Comparing Models of Governance in Australia, Britain, Netherlands

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No. 41 Winter 2015

۲۶۴

- Mcneal,B.ET AL.(2003), Innovating in Digital Government in the American States,Social Science Quarterly,vol.84,No.1.
- Moon,M.J.(2002). The Evolution of E-Government Among Municipalities:Rhetoric or Reality?.Public Administration Review Journal,Vol,62,No.4.
- Murnane, L, Digital Government: Digital Tools for the Electronic Dissemination of Government Information, Knowledge Network Unlimited, Vol. 10, Issue 2, 2002.
- OECD, Learning to Bridge the Digital Divide, OECD, 2000. 38. OECD, Partnerships for Better Governance, OECD, 2001.
- OLooneryJ.(2000).The Implication of Internet Voting.Government Technology Journal,vpl.13,No.12.
- Robins,G&burn,j(2003), moving toward E-government:A case study of organizational change processes, logistics information management,vol.16,issue,1.
- Tat-Kei,H(2002). Reinventing Local Government and the E-Government Initiative.Public Administration Reiveiw Journal,vol.62,Vo.4.
- Teisman,G.R.,&Klijn,e.h.(2002), Partnership Arrangements:Governmental Rhetoric or Governance",Public Administration Review,vol.62,No.2
- Thuman,L.W.&L.Davies(2001). Best practices in electronic government:Comprehensive electronic information dissemination for Science and Technology.Government Information Quarterly,No.18.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

■ ۲۶۶ ■

بررسی رویکرد علوم شناختی طراحی معماری بر میزان یادگیری و خلاقیت آفرینی در فضاهای آموزشی ابتدایی شهر

فریبا سادات مفتخری قویدل - پژوهشگر مطالعات شهری، تهران، ایران.

زینت سادات جلالی چیمه - پژوهشگر مطالعات شهری، تهران، ایران.

علیرضا دودانگی* - کارشناس معماری دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

Cognitive science approach to architectural design on learning and creativity in the creation of educational spaces in the cit

Abstract

One of the factors of education in modern education and training, the quality of architecture, spatial school. Education in the new school should be such that the physical space as a living and dynamic, the quality of students' educational role. Accordingly, addressing the development needs of educational spaces, especially in the early stage of cognitive science of architecture in order to increase learning and creativity in children and students is considered. In this paper, "Design of educational spaces and creating student learning and creativity," emphasized that the meta-analysis and analytical method is used. The findings are components of architectural spaces designed for primary education in the form of design parameters and component quality. At the end of the set of rules and standards that have been mentioned in this regard.

Keywords: architecture, educational spaces, creativity, learning strategies and design criteria.

چکیده

یکی از عوامل مؤثر تربیتی در آموزش و پرورش نوین، چگونگی معماری، کالبد و فضای مدرسه است. در تعلیم و تربیت جدید، فضای کالبدی مدرسه باید چنان باشد که به عنوان عاملی زنده و پویا، در کیفیت فعالیت های آموزشی و تربیتی دانش آموزان ایفای نقش کند. بر این اساس پرداختن به چگونگی طراحی فضاهای آموزشی خاصه در مرحله ابتدایی از ضرورت های علوم شناختی دانش معماری در راستای افزایش میزان یادگیری و ایجاد خلاقیت در کودکان و دانش آموزان بشمار می رود. در این مقاله موضوع «طراحی فضاهای آموزشی و میزان یادگیری و خلاقیت زایی دانش آموزان» مورد تاکید بوده که از روش فراتحلیل و توصیفی-تحلیلی استفاده کرده است. یافته های تحقیق نیز مولفه های معمارانه طراحی فضاهای آموزش ابتدایی است که در قالب پارامترهای طراحی و مولفه های کیفی بوده است که در پایان به مجموعه ای از ضوابط و استانداردهای مورد نظر در این رابطه نیز اشاره شده است.

واژگان کلیدی: طراحی معماری، فضاهای آموزشی، خلاقیت، یادگیری، راهکارها و ضوابط طراحی.

مقدمه

«دستیابی به قله‌های دانش و فرهنگ و درخشش هرچه بیشتر کشور در زمینه‌های علمی ریشه در آموزش و پرورش دارد. تأمین فضاهای آموزشی مناسب و کارا و هماهنگ با نظام آموزشی کشور از مهمترین لوازم دستیابی به این امر مهم است» (محمدی قاضی محله، ۱۳۸۶). بنا به عقیده «لاکهد» و «ورسپور» یادگیری و آموزش همواره در کلاس و مدرسه مناسب و با حضور معلم و دانش آموز جریان می‌یابد (لاکهد و ورسپور، ۱۳۷۱). آموزش و پرورش سازنده و شکل‌دهندگی افکار و توانهای جامعه، می‌تواند با رعایت کردن قواعد و استانداردهای لازم در زمینه طراحی فضای معماری و تجهیزات در مقاطع مختلف تحصیلی با همکاری سایر سازمان‌های مربوطه چون سازمان برنامه و بودجه، سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور در بالا بردن سطح علمی و آگاهی دانش‌آموزان، پرورش روحیه آنان و دست یافتن به آموزش و پرورش کارا تر عمل نماید (مولایی، ۱۳۸۴). از سویی دیگر، دنیای کنونی دریافته است که آموزش و پرورش جوانان نوعی سرمایه‌گذاری ملی است و هر کشوری در این راه تلاش بیشتری انجام دهد، از رشد و توسعه بیشتری در آینده برخوردار خواهد شد (عمادزاده، ۱۳۸۶)¹. علاوه بر این، یکی از عوامل مؤثر تربیتی در آموزش و پرورش نوین، چگونگی معماری، کالبد و فضای مدرسه است. در تعلیم و تربیت جدید، فضای کالبدی مدرسه باید چنان باشد که به عنوان عاملی زنده و پویا، در کیفیت فعالیت‌های آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان ایفای نقش کند؛ بدین معنا که فعالیت‌های آموزشی و پرورشی مدرسه بایستی در فضاهای مناسب و دارای ابعاد استاندارد و

براساس نیازها و علایق دانش‌آموزان انجام پذیرد تا معلم در تدریس و شاگرد در یادگیری احساس رغبت و انگیزه نموده و از فعالیت خود لذت برند (طباطباییان و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۹۴). با پیشرفت علوم در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رویکردهای رفتاری انسان با محیط پیرامون خویش چنان درهم تنیده شناخته که تفکیک آنها از هم امکان پذیر نبود. براساس این رویکرد، محیط ادامه هستی و شخصیت افراد به شمار می‌رود و در واقع، افراد عامل تغییر محیط و نه پذیرنده صرف تأثیرات محیطی هستند. این رویکرد رابطه انسان را با محیط خود پویا و دائم در حال تغییر می‌داند و رابطه انسان با محیط را در سطوح گوناگون تعریف می‌کند. نکته حائز اهمیت این است که شیوه‌های رفتاری فرد یا گروه شاید به دلیل فشارها و قیدوبندهای محیط تغییر و تحول یابد که این مسئله با به حداکثر رساندن قابلیت‌های محیطی و آموزش شیوه‌های استفاده از محیط قابل حل خواهد بود (محمودی، ۱۳۹۰، ص ۴۰). لذا، یادگیری، بخش مرکزی زندگی هر فرد است؛ حتی زمانی که به آن فکر نمی‌کنیم نیز اتفاق می‌افتد؛ با این تفکر که رفتار در خلأ رخ نمی‌دهد؛ لذا راه‌های گوناگون رفتار، مرتبط با محیط کالبدی است. محیط‌های آموزشی از مؤلفه‌ها و عناصری تشکیل خواهند شد که در کنار هم معنادار می‌شوند. ویژگی‌ها و کیفیت‌های هر کدام از این عناصر در شکل‌گیری رفتارهای مختلف مؤثر می‌باشند (لطف عطا، ۱۳۸۷، ص ۷۳). شایان ذکر است که «رابرت گیفورد» در مبحث یازدهم کتاب خود با عنوان «روان‌شناسی محیط» به محیط‌های آموزشی می‌پردازد و مسائلی نظیر جایگاه دانش‌آموز و معلم در کلاس، میزان سروصدا،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۲۶۸

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: (*) آفاقی، آ (۱۳۷۸) موقعیت مکانی فضاهای آموزشی، فصلنامه مدرسه نو، شماره ۱۲، (*) مولایی، س (۱۳۸۴) بررسی مقایسه‌ای وضعیت فیزیکی مدارس ابتدایی شهر تبریز با استانداردهای کشور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز. (*) محمدی قاضی محله، م (۱۳۸۶) دفتر تحقیقات و پژوهش سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور، استانداردهای فضاها و سطوح مورد نیاز آموزش متوسطه، تهران: انتشارات مؤلف. (*) عمادزاده، م (۱۳۸۶) اقتصاد آموزش و پرورش، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان. (*) لاکهد، ا، و ورسپور، آ (۱۳۷۱) توسعه کمی و بهبود کیفی آموزش ابتدایی در کشورهای در حال توسعه، سید جعفر سجادیه و حسن محمد علیزاده هنجی، مترجم؛ تهران: مدرسه..

نور و رنگ، آب و هوا، میزان رطوبت را مورد بحث قرار می دهد. در واقع تأکید وی به آموزش موثرتر و لذت بخش تر است (کامل نیا، ۱۳۸۶). همچنین، در ایران متأسفانه مقدار قابل توجهی از ساختمان های مدارس موجود به دلایل گوناگون آسیب دیده اند و با محیط نشاط انگیز علم و دانش تناسب کمی دارند و در چنین مدرسی که فضای فیزیکی مدرسه و محیط حاکم بر روح و روان دانش آموزان باعث خستگی، بی نظمی و بی تمرکزی آن ها می شود، تحقق اهداف تربیتی و آموزشی با مشکل جدای روبرو است (بختیاری نصرآبادی، ۱۳۸۰). در این مقاله به نحوه تاثیر طراحی بر یادگیری و روشها و ضوابط طراحی فضاهای آموزشی که بتواند امکان یادگیری و خلاقیت دانش آموزان مراکز ابتدایی را فراهم کند، اشاره شده و راهکارهایی چند در این رابطه مورد اشاره قرار می گیرد.

ادبیات نظری تحقیق

آموزش در تاریخ

«آموزش از زمان های باستان در ایران و جهان، دارای اهداف و روشهای مختلفی بوده است. ایرانیان فقط قشر خاصی را تعلیم می دادند؛ که شامل طبقه اشراف بود؛ مردم اسپارت آزاد مردانی را پرورش می دادند که دلیر و سخنور باشند. «کلیسای کاتولیک» ریاضت بدنی روح و انس به فقر و طاعت آموزش می داد» (ادیب زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۲). هدف آموزشهای باستانی کسب معارف انسانی، اجرا قوانین و ایجاد آزادگی و سجایای اخلاقی بمنظور عبودیت انسان ها بود. با طلوع رنسانس، آموزشها شکل جدیدی به خود گرفتند. در این دوره انسان با توجه به خود به عنوان محور عالم هستی، شکل و محتوای آموزش به ویژه اهداف آن را در مسیر جدیدی قرار داد. دستگاه های علمی پا به عرصه میدان گذاشت و برای کنترل رفتار و یا پیش بینی رفتار انسان تئوری های جدید آموزشی پایه ریزی شد (ادیب زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۳).

از سویی دیگر، بهره وری مدرسه عبارتند از: الف-

امکانات موجود؛ ب- هدف های معقول و ج- استفاده مطلوب (نوید ادهم، ۱۳۷۴). بهره وری در سازمان نوسازی باید زمینه ساز دست یابی به مدرسه های بیشتر، مقاومتر، زیباتر، مناسب تر و ارزانتر باشد. مدرسه های بیشتر به منظور پاسخگویی به رشد جمعیت، مدرسه های مقاوم تر با هدف افزایش عمر مفید مدرسه ها و نیز ایمنی بیشتر مدرسه ها در برابر حوادث، مدرسه های زیباتر با انگیزه پاسخ گویی به نیازهای روحی و روانی دانش آموزان و ایجاد جذابیت در فراگیری علوم و فنون، مدرسه های مناسب تر به منظور تطبیق فرآیند ساخت و ساز با برنامه های آموزش و پرورش و نیز فرهنگ اسلامی جامعه، مدرسه های ارزانتر به منظور کاهش هزینه ها و استفاده مطلوب از اعتبارات و اقتصاد (نوید ادهم، ۱۳۷۴). از سویی دیگر، «برای رویارویی با انبوه چالشهایی که آینده در دل خود پنهان داشته است، جامعه بشری در تلاش برای رسیدن به آرمانهایی چون صلح، آزادی و عدالت اجتماعی، آموزش و پرورش را سرمایه ای اجتناب ناپذیر می داند. با توجه به پیشرفت تکنولوژی و تغییرات مداومی که به وجود می آید، باید شرایط تغییر در هر جامعه ای ایجاد شود. شرط اولیه هر تغییری شناخت و آگاهی است که به دنبال آن باید کار با برنامه ریزی برای دست یابی به اهداف مطلوب صورت بگیرد. اهمیت و ثمر بخشی روشهای یادگیری بهتر همواره مورد نظر دانشمندان و محققین علوم تربیتی بوده است از آغاز قرن بیستم توسط «مومان» و «لای» و سپس «کلاپارد»، «ماریا منتسوری»، «جان دیویی»، «هربارت»، «ثورندایک» و همکارانش، در بسیاری از کشورها مطالعات زیادی به مدت چهل سال در مورد ثمر بخشی میزان روشهای آموزش در کلیه دروس انجام گرفت» (افشار، ۱۳۶۸، ص ۱۸۳).

پیشینه آموزش در جهان عبارتند از:

۱. «آموزش در جوامع بدوی»: در جوامع بدوی، آموزش محدود به انتقال فرهنگ بود و هدف آن پرورش فرزندان بگونه ای بود که بتوانند اعضا خوبی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

برای گروه یا قبیله شان باشند. یک انسان بدوی دنیا را به شکل ثابت و تغییر ناپذیر میدید. برای او فرهنگ تمام دنیا اش را تشکیل می‌داد، و این فرهنگ در انتقالش از یک نسل به نسل بعدی تنها مقدار کمی تغییر می‌کرد.

۲. «آموزش در قدیمی‌ترین تمدن‌ها»: تمدن در خاورمیانه، در بین رودهای دجله و فرات و در مصر، حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد شروع شد. تمدن عمده بعدی هزار و پانصد سال بعد در شمال چین زاییده شد. انتقال فرهنگ در این جوامع پیچیده، «نوشتن» را ضروری کرد. البته در هیچ زمانی در دوران باستان، بیش از ۲۰ تا ۳۰ درصد مردان بالغ و تقریباً ۱۰ درصد کل جمعیت نمی‌توانستند بخوانند و بنویسند.

۳. «آموزش در ایران باستان»: به گواهی تاریخ، ایرانیان از دیرباز برای خرد و دانش ارزش زیادی قایل بوده‌اند تا آنجا که در ادعیه و اورادی که از آن زمانها برجای مانده، از خداوند خواسته شده است که به آنها دانش و بینش عطا فرماید. در گات‌ها آمده است: «هر مرد و زن، یا پیر و دختر باید در راه دانایی و بینایی خود بکوشد؛ و هر که دانشمند نباشد، کور و ناتوان است.» (کوشا، ۱۳۸۸، ص ۳۵). در آموزه‌های زرتشت یکی از راه‌های رسیدن به بهشت موعود «کوشش و کمک به تعلیم و تربیت نوع بشر» عنوان شده است، چراکه به نیروی دانش، شر و ستم، دو آثار جهل از جهان رخت بر می‌بندند. در ایران باستان هدف از آموزش و پرورش این بود که کودک را معتقد به خدا و متدین بار آورند، او را به اخلاق نیکو توصیه کنند، به او پیشه و هنر بیاموزند و به بهداشت تن متوجه و مامور سازند. در زمان هخامنشیان نیز آموزش سایر علوم غیر علوم دینی مورد توجه قرار گرفت. با توسعه علم و دانش که در نتیجه توسعه آموزشگاه‌ها و مدارس دولتی و عمومی بود و حشر و نشر با یونانیان و برقراری رابطه با هندوستان به تدریج مدارس عالی در ایران پدیدار شد. جلوه بارز این گونه آموزشگاه‌ها که

در آنجا، در سطوح عالی تدریس و تحقیق می‌شد، دانشگاه جندی شاپور است که به دستور «اردشیر بابکان» در قرن ۳ میلادی بنیانگذاری شد (کوشا، ۱۳۸۸، ص ۳۶). قدیم، زمانی که هنوز شیوه‌های جدید آموزش و پرورش متداول نشده بود، همه جا، در اغلب فنون و پیشه‌ها، و از جمله در معماری، آموزش در حین عمل و در چارچوب روابط شاگرد و استاد صورت می‌گرفت. طبیعتاً خیل عظیم افرادی که اغلب از طفولیت وارد حرفه می‌شدند و با ساده‌ترین کارها شروع می‌کردند، به تدریج و در عرصه تجربه و عمل، علاوه بر هزاران پیشه‌ور و استادکار ماهر، چهره‌های برجسته‌ای نیز پیدا می‌کرد که در کار خود به مرجعیت می‌رسیدند و الگوها و بدعتها و نوآوری‌های آنها باعث پیشرفت و اعتلای حرفه و راهنمای دیگران می‌شد (غمامی، ۱۳۷۵، ص ۴۸).

۴. «آموزش در دنیای اسلام»: آموزش در اسلام از ارزش زیادی برخوردار بوده‌است. با مسلمان شدن مردمان از نژادها و جوامع مختلف، آموزش نقش مهمی در تشکیل یک اجتماع به هم پیوسته و جهانی ایفا کرد. تا اواسط قرن نهم میلادی، تقسیم بندی مشخصی از دانش انجام شده بود: علوم به سه دسته تقسیم شده بودند: علوم اسلامی، علوم فلسفی و طبیعی و علوم ادبی هنری. علوم اسلامی به بررسی منابع اسلامی مانند قرآن، احادیث و تفاسیر آن می‌پرداخت. علوم اسلامی از نظر فرهنگی از همه با ارزشتر به حساب می‌آمد؛ فلسفه و علوم طبیعی به اندازه علوم اسلامی مهم دیده می‌شد ولی کم‌فضیلت تر دیده می‌شد. سیستم آموزش اسلامی در ابتدا تأکید زیادی روی فنون و امور عملی مانند توسعه سیستم‌های آبیاری، ابداعات کشاورزی، خیاطی، تولید محصولات با آهن و فولاد، محصولات چرمی، تولید کاغذ و باروت، گسترش تجارت زمینی و دریایی، و ساختن اشیاء سفالی داشت. به تدریج و از قرن ۱۱ میلادی به بعد، علاقه به علوم مذهبی به صورت عمده‌ای جای

علوم دیگر را گرفت. علوم یونانی و فلسفه دیگر تنها به صورت خصوصی و به عده کمی تدریس می شد و هنرهای ادبی به شکل عمده‌ای رو به کاهش نهادند. از آزادی فکری داده شده به اندیشمندان و نخبگان کاسته شد. علوم غیر دینی و بررسی‌های پژوهش گرایانه غیر دینی دیگر تحمل نمی شدند. این نحوه سیستم آموزشی از ازبکستان امروزی در شرق تا مصر در غرب در طول سال‌های ۱۰۵۰ تا ۱۲۵۰ میلادی گسترش پیدا کرد. با ظهور اسلام و پذیرش آن توسط ایرانیان نه تنها در اعتقاد و باور آنان به آموزش خللی پدیدار نشد، بلکه با تأکیدی که بر آموختن علم به عنوان یک ارزش اسلامی صورت گرفت، این اعتقاد راسخ تر شد، اینکه در قرآن کریم هم به تحصیل و تحقیق توصیه شده است، همه گویای ترغیب مسلمانان به آموختن دانش است. در اواخر قرن سوم هجری در شهرهای عمده ایران مدارس برپا و حجره‌هایی برای سکونت طلاب تعیین شد؛ همچنین برای تأمین مخارج مدرسه و پرداخت حقوق مدرس و کمک هزینه تحصیلی طلاب، با آغاز صدرات خواجه نظام الملک روند توسعه مدارس، بیش از پیش صورت پذیرفت (کوشا، ۱۳۸۸، ص ۳۸).

۵. «آموزش مدرن در ایران»: شروع آموزش به نحوه مدرن در ایران با تأسیس مدرسه دارالفنون در تهران و به همت امیر کبیر رقم خورد. در دارالفنون علوم فنی، علوم طبیعی و همچنین کمی علوم انسانی توسط اساتید خارجی، و تحت نظارت رضا قلی خان، تدریس می شد. تأسیس این مدرسه باعث ترجمه آثار مختلفی از زبان‌های اروپایی به فارسی شد. رضا شاه مسبب ایجاد تغییرات عمده‌ای در سیستم آموزشی ایران می باشد. به عنوان بخشی از برنامه غربی سازی، مدرن سازی و تمرکز اداره امور، او مکتب‌خانه‌ها را بر چید. مکتب‌ها جاهایی بودند که در آنها به تمامی دانش آموزان در هر سنی که بودند در یک اطاق توسط یک آخوند آموزش داده می شد. رضا شاه دستور داد که تمامی افراد

جامعه، دختر و پسر، بصورت اجباری به مدارس دولتی بروند، و اینکه محتوای کتابهای درسی به روز و مدرن شوند. او محلی برای تربیت معلمین ایجاد کرد و همچنین دانشگاه تهران را بنا نهاد. چند سال بعد رضا شاه دستور در اختیار گرفتن دولتی کردن تمامی مدارس خارجی تبلیغی مسیحی (میسونری) را داد. بیشتر مدرسه‌های عالی آن زمان، مانند دارالمعلمین عالی (دانشسرای عالی)، مدرسه حقوق و علوم سیاسی (دانشکده حقوق) و مدرسه عالی طب (دانشکده پزشکی) در شمار دانشکده‌های این دانشگاه در آمدند. با تأسیس دانشگاه تهران، دانش آموزان توانستند، پس از به پایان رساندن دوره دبیرستان، در رشته‌های ادبیات و فلسفه و علوم تربیتی، پزشکی، حقوق، علوم طبیعی و ریاضی، علوم معقول و منقول و مهندسی به تحصیل بپردازند. بعدها دانشگاه تهران گسترش یافت و دارای دانشکده‌ها و رشته‌های درسی دیگری شد. آموزش و پرورش در ایران آموزش و پرورش در ایران بیشتر متمایل به روش پیازه می باشد ولی در عمل شیوه‌هایی که پیازه بر آن تأکید کرده است عملی نمی شود آموزش در ایران بیشتر معلم محور بوده و کودک در جریان یادگیری بیشتر نقش انبار کننده دارد در سالهای اخیر سازمان آموزش و پرورش ایران در پی این بوده است که تغییراتی اساسی در شیوه آموزش کودکان به وجود آورد ولی این تغییرات بیشتر جنبه کمیته داشته و کمتر به کیفیت آموزش توجه شده است.

«پرورش» یا «تربیت»، جریانی است منظم و مستمر که هدف آن هدایت رشد جسمانی، شناختی، اخلاقی و اجتماعی یا به طور کلی رشد همه جانبه شخصیت دانش آموزان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعداد آنان است (سیف، ۱۳۷۹، ص ۲۸). بر اساس چنین تعریفی پرورش یک نظام است، نظامی که کارکرد اساسی اش شکوفا کردن استعداد و تربیت شهروندانی است

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

که هنجارهای مورد پذیرش جامعه را کسب کنند و متعهد به ارزشهای آن باشند. حتی بسیاری از صاحب نظران تربیتی کارکردی فراتر از کارکرد ذکر شده برای پرورش قائلند و معتقدند که القای ارزشها و سنتها و اخلاقیات پذیرفته شده جامعه به افراد یکی از قدیمی ترین دیدگاه پرورشی است، به جای چنین کارکردی، نظام تربیتی باید رشد مهارتهای شناختی از قبیل تفکر انتقادی، تحلیل ارزشها و مهارتهای گروهی را در کانون کارکردهای خود قرار دهد تا زمینه مردم سالاری در جامعه فراهم شود؛ گروهی دیگر نیز بر این باورند که نظام تربیتی باید عامل تغییر و تحول اجتماعی باشد. در هر حال باید گفت که، «روشهای تدریس» به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: «۱. روش‌هایی که در گذشته بسیار دور به کار می‌رفته‌اند، روش‌های تاریخی» و «۲. روش‌هایی که متکی بر یافته‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی جدید می‌باشند، روش‌های نوین» نامیده می‌شوند.

الف- روش‌های تاریخی: از میان روش‌های تاریخی، دو روش بیش از سایر روش‌ها در ایران شهرت دارند: «۱. یکی روش سقراطی» و دیگری «۲. روش مکتبی».

«روش سقراطی»: سقراط، فیلسوف شهیر یونانی که در فاصله سال‌های ۴۷۰ - ۳۷۷ قبل از میلاد مسیح می‌زیست، روش ویژه‌ای را برای اثبات سهو و خطا و رفع شبهه از اذهان به کار می‌برد. وی به وسیله سؤال و جواب و مجادله، پس از آنکه خطای مخاطب را مشخص می‌کرد، تا رسیدن به کشف حقیقت، به همان ترتیب، مکالمه و پرسش و پاسخ را دنبال می‌کرد. در روش سقراطی، مدرس صحبت نمی‌کند؛ سؤال می‌کند و شاگردان سخن می‌گویند. اما سؤال‌ها بگونه‌ای تنظیم و مطرح می‌شوند که شاگرد را از جهل خویش نسبت به موضوع آگاه می‌گردانند و اندیشه او را برای دستیابی به حقیقت، ژرفا می‌بخشند. روش سقراط از چند ویژگی برخوردار است: «۱. نخستین هدف سقراط،

کنکاش درباره مسئله موردنظر بود. سقراط به آموختن حقایق ویژه و مسائل جزئی کمتر اهمیت می‌داد؛ زیرا قصدش این بود که مهارت شاگردان برای کشف حقایق پرورش یابد؛ ۲. در روش سقراطی، نقش مدرس عمدتاً شامل پرسیدن و نقش شاگرد این بود که در سازمان‌دهی و بکارگیری دانش و تجربه گذشته خود برای پاسخ به سؤال‌ها بود؛ ۳. روش سقراط نه تنها روش جدلی (دیالکتیک) و شامل کنش متقابل بین شاگرد و مدرس بود، بلکه استقرایی نیز بود؛ یعنی از جزئیات به کلیات می‌رسید.»

«روش مکتبی»: این روش بطور معمول در ایران مورد توجه بوده است، چنان که سیل عظیم مکتب خانه‌ها در نه چندان دور ایران نیز اشاراتی به این روش داشته و دارند؛ کما اینکه هنوز در برخی نقاط ایران ان روش مورد توجه و معمول بوده و هست. نظام آموزش مکتبی نیز جنبه تاریخی و سنتی دارد. این نظام از چند اصل و روش تشکیل شده است: ۱. «آزادی‌ها»: مکتب که فلسفه آن باسواد شدن است، یک نوع نظام آموزش ابتدایی مبتنی بر آزادی است. ۲. «آزادی سنی»: با وجود اینکه مکتب به کودکان گروه سنی ۶ تا ۱۰ ساله تعلق دارد هر فرد با توجه به شرایط خاص زندگی فردی، خانوادگی و شغلی می‌تواند زمان آغاز تحصیلات ابتدایی خود را آزادانه انتخاب نماید. ۳. «آزادی شروع»: کودک در هر فصل و زمانی از سال، حتی هر ماه یا روز و هر ساعت که می‌تواند، در مکتب را به روی خود باز می‌یابد. ۴. «آزادی مدت تحصیل»: این آزادی را هم به او می‌دهد که در هر مدتی که می‌تواند، درس‌ها را بیاموزد و دوره مکتب را تمام کند؛ منتهی هر چه زودتر، بهتر و افتخارآمیزتر. ۵. «اصل آزادی فردی»: مکتب، برخلاف مدارس کنونی، برحسب هفته، ماه، فصل و سال، کلاسبندی و برنامه‌ریزی ثابت ندارد. هر شاگردی می‌تواند برحسب زمانی که شروع کرده است و استعدادی که در فراگیری دارد، آهنگ پیشرفت درسی خود را تنظیم کند.

فرایند برنامه ریزی کند؛ با این هدف که عملکرد فرد پس از آموزش ارتقاء خواهد بود. بر این اساس، دو نوع محتوایی آموزش در نظر گرفته شده است: ۱. «آموزش انتقالی مثبت» (آموزش مثبت): اگر آموزش های قبلی فرد و تجربیات او در مرحله جدید به سود او باشد، انتقال آموزش درست صورت گرفته است و این همان چیزی است که سیستم های آموزشی به دنبال آن هستند و می کوشند آن را حداکثر نمایند.

۲. «آموزش انتقالی منفی» (آموزش منفی): از سوی دیگر، ممکن است گاهی آموزش های قبلی باعث کاهش سطح عملکرد شخص در مواجهه با وضعیت جدید باشد که به آنها «انتقال آموزش منفی» گفته می شود. یک سیستم آموزش مناسب باید به نحوی طراحی شده باشد که دو حالت انتقال منفی و انتقال با تأخیر را به حداقل برساند. شاید بزرگ ترین مزیت «رویکرد سیستمی» به مسئله آموزش آن باشد که می توان به جای تلاش های گسسته روی موضوعات مختلف به بررسی اثرات مستقیم آموزش بر عملکرد شغلی شخص پرداخت و آن را بهبود بخشید. اصولاً طراحی هر سیستم آموزشی باید بر مبنای پاسخ به سه سؤال مهم باشد که عبارتند از: «چرا؟ چه چیز؟ و چگونه؟»

۱. «چرا»: پاسخ سؤال اول تعیین ضرورت آموزش و اهداف آن می باشد.

۲. «چه چیز»: در پاسخ به سؤال دوم بایستی محتوی و روش های آموزش مشخص شود یعنی بسته به اینکه چه امکاناتی برای آموزش داریم و به چه اهدافی می توانیم برسیم، یک برنامه آموزشی تدوین نمائیم.

۳. «چگونه»: در پاسخ به سؤال سوم، روش ها و مواد آموزشی را مشخص کنیم.

نظریه های یادگیری در فضاهای آموزشی

نکته قابل توجه در این مدل های آموزشی و یادگیری، بیشتر تأکید بر مقوله «توانایی های فراشناختی»

۶. «خلیفه»: وضع خاص پذیرش آزاد شاگرد، اختلاف سطح شاگردان، تنوع درس ها، اختلاف سن مدرس مکتب و نوآموز، نیاز بیشتر کودکان به سرپرستی، کمک، پاسخ به سؤالات، رسیدگی به تازه واردین و سایر مسائل، وجود مقامی را به نام «خلیفه» ایجاب می کند، خلیفه دستگیری است که از میان شاگردان انتخاب می شود تا در کلیه امور به مدرس و همکلاسان خود یاری رساند. ۷. «درس ها»: درس های مکتب بر اساس دو پایه اصلی مذهب و فرهنگ انتخاب می شود. قرآن، به عنوان سنگ زیربنای معنویت در ایران، کتاب اصلی تعلیم مکتب است. پس از آن کتاب های گلستان سعدی، دیوان حافظ در منابع فارسی و کتاب معراج السعاده ملاحمد نراقی در اخلاق تدریس می شود. «آموزش فطری»: علاوه بر آنچه گفته شد، می توان به نوعی دیگر از آموزش اشاره داشت که به آن «آموزش فطری» می گویند. «فرهنگ اکسفورد»، واژه فطری را «ناتورال» دانسته و صفات و ویژگی های آن را چنین اعلام می کند: «۱. طبیعی و سالم؛ ۲. معمولی؛ ۳. بومی؛ ۴. وراثتی؛ ۵. واقعی؛ ۶. کامل و سالم؛ ۷. مفسور» (ادیب زاده، ۱۳۸۴، ص ۲۰).

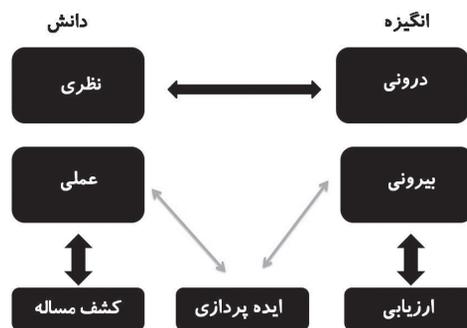
یادگیری در فضاهای آموزشی

در ابتدای بحث، لازم است به تفاوت و احراز ماهیت دو مفهوم «یادگیری» و «آموزش» اشاره شود:

۱. «یادگیری» یک فرایند داخلی است و به صورت یک فرایند ذهنی برای تکمیل اطلاعات و مهارت های فرد از آن یاد می شود؛ و ۲. «آموزش» وسیله ای است که برای بهبود فرایند یادگیری و در کنترل آن به سمت مطلوب مورد استفاده قرار می گیرد.

شخصی که طراحی سیستم های آموزشی را بر عهده دارد، باید با فرایند یادگیری در افراد آشنائی داشته باشد. به عبارت دیگر، او بایستی توان، ظرفیت و مطلوبیت های سیستم یادگیری افراد تحت آموزش را بشناسد تا بتواند برای کنترل این

است. در این رابطه باید گفت که توانایی های فراشناختی افراد با تفکر خلاق آنها ارتباط دارد. «گیلفورد» (۱۹۷۵) می گوید: «افراد ماهیت منابع فکری را به گونه ای شناخته اند که می توانند بر آنها کنترل داشته باشند.» «دیویس» (۱۹۹۱) نیز اظهار می دارد که کمک به درک فراشناخت از خلاقیت حائز اهمیت است؛ افزایش شناخت از خلاقیت، باعث برانگیختن افراد در ایده یابی و تولیدات خلاق می شود. «رانکو و چاند» (۱۹۹۵) نیز ابراز داشته اند که فکری خلاق است که به اندیشه، راه حل و بینش ابتکاری منجر شود. این امر مستلزم وجود مولفه ها و فرآیندهای تعاملی است که در نمودار مشاهده می شود. نمودار زیر. دو ردیفی تفکر خلاق رانکو و چاند (۱۹۹۵) و مبانی آموزشی؛ ماخذ: نگارنده بر اساس رانکو و چاند (۱۹۹۵).



مطرح شدن نظریه های یادگیری شناختی که از اوایل دهه ۶۰ آغاز شد، بر درک ما از خلاقیت تاثیر گذاشته است. این نظریه ها، فکر را فرآیندی ساختاری می دانند. «هوتز» و «کروک» گزارش کردند که یادگیری را می توان هم تلاشی «شناختی» و هم «عاطفی» دانست. بر اساس نظریه شناختی، باید سه سطح را در مقوله «یادگیری» و پاسخ به آن یعنی «آموزش» دخیل دانست: ۱. «سطح اول»: شامل عوامل متعدد شناختی و انگیزشی موسوم به کارکردهای واگرا در این

سطح، تاکید بر باز بودن، دیدن، حس کردن و امکانات متعدد بسیار است: سطح اول، پایه و اساس فراگیری خلاق را تشکیل می دهد؛ زیرا تعدد متنوعی از فرآیندهای تفکر و احساس را که در یادگیری دارای نقش اساسی هستند (از جمله سیلان ایده ها، انعطاف پذیری، ابتکار، بهسازی، عوامل عاطفی مانند کنجکاوی، علاقه، واکنش، نشان دادن و خطرپذیری) را در بر می گیرد.

۲. «سطح دوم»: فرآیندهای سطح بالاتر و پیچیده تر تفکر و احساس را شامل می شود. علاوه بر آن، بر برخورد با احساس ها و تنشهای پیچیده، درگیر شدن در تصویرسازی ذهنی و ایجاد آزادی و ایمنی روانی تاکید می کند. در این سطح می توان به عوامل شناختی چون کاربرد و تجزیه و تحلیل سنتز و عوامل ارزشی مانند آموزش و پرورش ارزشها اشاره کرد.

۳. «سطح سوم»: بر درگیری یادگیرنده با مسائل و چالشهای واقعی تاکید دارد. عوامل شناختی در این سطح عبارتند از: تفحص مستقل، خود جهت دهی در یادگیری، مدیریت منابع و پرورش محصول (قاسم زاده، ۱۳۷۵؛ بنقل از حسینی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۲).

طراحی و برنامه ریزی معماری

بر طبق مطالعات طراحی پژوهی، فرآیند تفکر طراحی و برنامه ریزی طراحی از سه گونه فعالیت یا سازوکار ذهنی به شرح زیر تشکیل می گردد:

۱. «سازوکار تبیین هدف»: این سازوکار رویکرد اصلی به مساله طراحی را مشخص می نماید و تفکری هدفمند را شکل می دهد که در تلاش برای تحلیل و ارزیابی چالشها، ویژگی ها و مسائل مختلف درگیر با مساله مورد نظر طراحی است. در این راستا این فاعلیت به تعریف مساله برای طراح و تبیین نقش طراحی می پردازد.

۲. «سازوکار حل مساله»: این سازوکار از یافتن و آفریدن گزینه های حل مساله و یافتن پاسخ در دو وجه دریافت کلی یا دریافت عناصر جزئی

راه حل تشکیل شده است. این سازوکار، نوعی فعالیت درونی - ذهنی و وابسته به قوه تصور است و به توانایی‌های ادراکی و تشخیصی برای آفریدن و فرآیندهای تحلیلی وابسته است. ویژگی اصلی مساله این است که با اولین پاسخی که به ذهن می‌رسد، نمی‌توان آن را حل کرد و حل کردن آن، مستلزم استفاده از دانش‌ها و اصول آموخته شده پیشین در ترکیبی تازه است. «مورگان» در تعریف مساله چنین می‌نویسد: «به طور کلی مساله عبارت است از تعارض یا تفاوت بین یک موقعیت موجود و موقعیت دیگری که ما می‌خواهیم ایجاد کنیم» (بنقل از مورگان، سیف، ۱۳۷۰، ص ۵۱۵).

۳. «ساز و کار ارزیابی»: این سازوکار به تفکر نقادانه می‌پردازد. در این فعالیت راه‌حل‌های پیشنهادی به مرحله نقد و ارزیابی گذارده می‌شوند. آنچه در این مرحله لازم است توانایی پیش‌بینی موقعیت‌های مختلف راه‌حل ارائه شده و ارزیابی نقادانه آن است (دانشگر مقدم، ۱۳۸۸، ص ۶۰-۶۱).

خلاقیت و فضاهای آموزشی

به باور بیشتر پژوهشگران شیوه‌های سنتی آموزش و پرورش نه تنها به رشد خلاقیت کودکان کمکی نمی‌نماید، بلکه آنان را از حرکت در این راستا باز می‌دارند (آماییل، ۱۹۹۶؛ تورنس، ۱۹۹۰؛ جوی، ۱۹۹۰؛ برگ، ۲۰۰۰). بنابراین، اگر آموزگاران در حد امکان، فضایی مناسب و مطمئن در کلاس پدید آورند و از روشهای آموزشی فعال و اکتشافی در کلاس بهره‌گیرند، دانش آموزان را در راستای بهره‌برداری از نیروی خلاق خویش یاری نموده‌اند (حسینی، ۱۳۸۱؛ بنقل از شرفی و داوری، ۱۳۸۸، ص ۵۸). پژوهش‌های زیاد چند دهه اخیر در زمینه خلاقیت، علاوه بر مطالعه ویژگی‌های افراد خلاق، به دنبال پاسخگویی به دو سوال اساسی در این زمینه بوده‌اند: اول اینکه «آیا خلاقیت را می‌توان آموزش داد؟ و در صورتی که پاسخ مثبت باشد، این سوال پیش می‌آید که چگونه؟ و دیگر اینکه آیا خلاقیت را می‌توان اندازه گرفت؟ و چنانچه باز

هم پاسخ مثبت است، چگونه؟» (عابدی، ۱۳۷۲؛ بنقل از دائمی و مقیمی بارفروش، ۱۳۸۳، ص ۲). «تورنس و تورنس» (به نقل از انیل، عابدی و اسپیل برگر، ۱۹۹۴) اشاره می‌کنند که طی ۱۵ سال تجربه مطالعاتی و آموزش تفکرات خلاق، شواهدی را یافته‌اند که نشان می‌دهد خلاقیت را می‌توان آموزش داد. در مورد اندازه‌گیری خلاقیت نیز در سالهای اخیر پژوهش‌های متعددی شده که به ساخت آزمون‌های گوناگون اندازه‌گیری خلاقیت منجر شده است. یکی از این آزمونها که بیشترین کاربرد را داشته، «آزمون تفکر خلاق تورنس» (ITCT) است (انیل و همکاران، ۱۹۹۴) می‌گویند تاکنون بیش از دو هزار مقاله که در آنها از آزمون تورنس به عنوان ملاک سنجش خلاقیت استفاده شده، چاپ گردیده است (دائمی و مقیمی بارفروش، ۱۳۸۳، ص ۲).

«گیلفورد» (۱۹۵۶، ۱۹۵۹، ۱۹۶۲، ۱۹۶۷، ۱۹۸۷) رویکرد تحلیل آموزش خلاقیت را که پیش از او توسط روانشناسانی همچون «اسپیرمن» (۱۹۲۷) و «ترستون» (۱۹۳۸) در زمینه تفاوت هوش و قوه خلاقه به کار گرفته شده بود، به نحو پیشرفته‌تری به کار بست و با استفاده از انواع پاسخهای متفاوتی که هوشمندان تصور می‌شدند، نظریه خود را که به نظریه «ساختار ذهنی» با الگوی سه بعدی شهرت دارد، عرضه کرد. در این «الگوی سه بعدی» [عمل، محتوا و فرآورده ذهنی]، «پنج نوع عمل» (شناخت، حافظه، تفکر همگرا، تفکر واگرا و ارزیابی)، «چهار نوع محتوا» (تصویری، نمادی، معنایی و رفتاری) و «شش نوع فرآورده ذهنی» (واحدها، طبقات، روابط، نظامها، تبدیلات و تلویحات) منظور شده است. چون اعمال ذهنی مورد نظر گیلفورد با مساله هوش و خلاقیت پیوند نزدیک دارند (حقیقی و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۴۷). علاوه بر این، «جیکوبس و دیمینسکی» ابراز داشته‌اند که دانش آموزان وقتی به مسائل شناختی می‌پردازند که نیازمند به کارگیری روشهای غیرمعمول حل مساله باشند.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

در این صورت، ناگزیر به بازسازی مساله دست می زنند. «مارتینسن» نیز معتقد است که سبکهای گوناگون شناختی در این زمینه تاثیر دارند. او دو نوع سبک شناختی را در مقوله آموزش خلاقیت تفکیک می کند:

۱. «هماندسازی»: در همانندسازی اولویت با نظام شناختی است؛

۲. «کاوشگری»: در کاوشگری برای پاسخ به مسائل راه حل‌های تازه و روشهای جدیدی جست و جو می شود.

کاوشگران، زمانی از همانندسازان بهتر عمل می کنند که کارشان به میزان زیادی تازگی داشته باشد و همانندسازان زمانی موفق ترند که سطح تطابق موضوع با تجربیات آنها بالا باشد. مارتینسن، همچنین دریافت، همانندسازان در ان دسته از مسائل شناختی موفق ترند که در حل آنها، شرط بالا بودن تجربه مطرح است. اما کاوشگران در برخورد با مسائلی که حل آنها به تجربه کمی نیاز دارد، بهتر عمل می کنند. این نتایج مبین آن است: وقتی مسائل را به خوبی حل کرد که راهکار و شرایط کار باهم جور در بیایند (فاسکو، ۲۰۰۱؛ بنقل از حسینی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۹). بر این اساس در مقوله پژوهش‌های مرتبط با سنجش میزان خلاقیت و مقوله آموزش آن، تحقیقاتی بوسیله «اندرسن» (۱۹۶۱)، «وایزبرگ» (۱۹۶۱)، «بارون» (۱۹۶۳)، «مک کینون» (۱۹۶۲، ۱۹۶۵)، «گتزلز و جکسون» (۱۹۶۲)، «یاماموتو» (۱۹۶۳)، «والاک و کوگان» (۱۹۶۵)، «تورنس» (۱۹۶۲، ۱۹۶۳، ۱۹۶۵، ۱۹۷۰) و «کراپلی» (۱۹۷۱) گزارش شده است. در هر حال، بنا به همه تحقیقات خوانده شده، ساختار آموزشی (تدریس)، از مهم ترین ابعاد عملکرد معلم محسوب می شود. آموزگار آگاه و توانا می تواند با بهره گیری از روشها و راهبردهای خلاق تدریس، حتی محتوایی نامناسب را خلاقانه تدریس کند و جو مناسب خلاقیت در کلاس را بوجود آورد (حسینی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۸).

معماری مدارس

هر فضای معماری، به خصوص فضای معماری مدارس، باید در برابر خصوصیات جغرافیایی و اقلیمی بتواند شرایط مساعدی برای پاسخگویی به نیازهای انسانی فراهم آورد. عوامل اقلیمی در شکلگیری فضای کالبدی مدارس همواره تاثیر قاطع و یک جانبه نداشته اند. یکی از مهمترین عناصر فضایی یک مدرسه، حجره‌های آن است که مهمترین نقش را در تکوین شکل نهایی فضای کالبدی آن برعهده دارد. قرارگرفتن حجره‌ها در چهار جهت بنا، موجب تکوین سیمایی خاص گردیده است. عناصر فضایی - کارکردی مدارس عبارتند از: حجره، مدرس، کتابخانه، مسجد، اتاقهای خادم و چراغدار و آبکش و سرویسهای بهداشتی.

خلاقیت و نوآوری معماران موجب شده است که فضای معماری مدارس از تنوع بسیار زیادی برخوردار شود. نحوه قرار گیری عناصر فضایی - کارکردی مدارس اغلب به این ترتیب که در چهار جهت پیرامون حیاط مرکزی قرار گرفته آن است. شکل حیاطها به صورت مستطیل کشیده یا نزدیک به مربع (با گوشه‌های قائمه یا پخ) است. ورودی مدرسه در یک سوی محوری که از وسط دو ضلع و مرکز مستطیل می‌گذرد، قرار دارد. فضایی که از سوی دیگر محور مذکور، یعنی روبروی فضای ورودی قرار می‌گرفته، به کارکردی غیر از حجره - مانند گنبد خانه و مسجد و مدرسه، مدرس، کتابخانه یا ایوانی بزرگ که به عنوان مسجد یا مدرس مورد استفاده قرار می‌گرفت - اختصاص می‌یافته است.

پیرنیا (۱۳۷۱، ص ۹۱) مدرسه را بعد از مسجد مهم ترین بنای همگانی درون شهری می‌داند و برای مدارس، دو فضای معماری اصلی را بیان می‌کند: حجره و مدرس (همان، ص ۹۱) این دو فضا به عنوان فضای آموزشی در شناخته می‌شود. ۱. «حجره»: یا اتاق طلبه‌ها که به طور معمول دارای ایوانچه و پستو بوده و شکل‌های گوناگون

دارد. حجره‌ها برای سکونت یک یا سه نفرند (پیرنیا، ۱۳۷۱، ص ۹۲). حجره را که سهم قابل ملاحظه و چه بسا عمده‌ترین نقش را در شکلگیری فضای مدارس نسبت به سایر فضاها داشت، می‌توان مهمترین واحد ویژه معماری مدارس به شمار آورد (سلطانزاده، ۱۳۶۴، ص ۴۳۸).

۲. «مدرس»: فضای درس مدرسه بوده که در بیشتر مدارس یکی است، ولی در مدرسه خان شیراز پنج عدد دیده می‌شود (پیرنیا، ۱۳۷۱، ص ۹۳). مدرس را فضایی معرفی می‌کند که گاه در زوایای مدرسه جای داشته‌اند (سلطانزاده، ۱۳۶۴، ص ۴۳۸)؛ اما منظور از مدرس به عنوان فضای آموزشی، یک کالبد معماری است که مختص آموزش و درس دادن ساخته شده باشد و نه ایوان‌ها و یا گنبدخانه محرابدار و شبستان؛ اگرچه این فضاها در مدارس گاهی کارکرد آموزشی نیز دارند.

به طور کلی می‌توان گفت فضای معماری مدارس همزمان با تحولی که در معماری مساجد در دوره سلجوقیان به وقوع پیوست، دگرگون شد و به شکل چهار ایوانی درآمد. داخل مدرسه حیاطی سرسبز با حجره‌ها و ایوان‌هایی در اطراف داشته است. جای سمینارها در ایوان‌های مدارس بوده است. ایوانچه‌های جلوی حجره‌ها نیز محل بحث بوده است. حجره‌ها یا اتاق معمولاً دارای یک ایوانچه

و پستو بوده است، که محلی برای استراحت و مطالعه و آشپزخانه داشته است. در بیشتر مدارس ایوانچه‌های جلوی حجره‌های طبقه اول به راهرو تبدیل شده در جلوی حجره‌ها راهرو و در پشت آنها نیز پستوها قرار گرفته‌اند. استاد در مدرس درس می‌داده است. غیر از اینها، هر مدرسه یک مسجد، نمازخانه و کتابخانه‌ای داشته است. قدیمی‌ترین مدرسه، مدرسه فخریه سبزواری است. مدارس زیبای متعددی در ایران بجای مانده است. یکی از آنها مدرسه غیاثیه خرگرد است. خرگرد بین خواف و جام است. این کار توسط قوام الدین شیرازی و بعد او پسرش غیاث الدین ساخته شده است. این مدرسه به نام غیاث الدین پیر احمد خافی وزیر شاهرخ نام گذاری شده و در میان مدارس ایران در دقت و تنوع در کار و پلان و نیز تنوع در آمود، کامل‌ترین نمونه است.

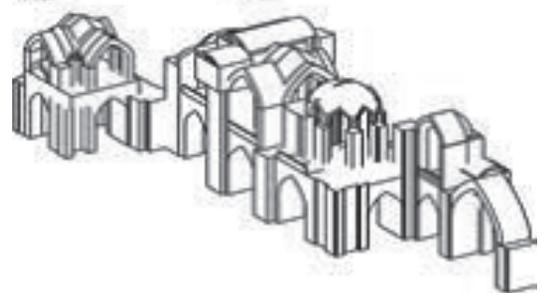
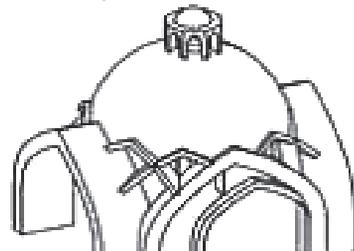
ارکان عمومی طراحی فضاهای آموزشی

هدف از طراحی فضای آموزشی، حل کردن روابط فضایی مورد نیاز جهت فرایند آموزش است. این معنا که فضایی که امر آموزش در هر رشته‌ای نیازمند آن فضاها و امکانات است، به چه صورت و با چه نظمی در کنار یکدیگر قرار بگیرند تا بتوانند هدف نهایی را به بهترین صورتی حاصل کنند. کاربری‌های سازگار و ناسازگار

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۲۷۷



تصاویر ۱ و ۲. سازه گنبدخانه فضای مدرس در مسجد حکیم؛ ماخذ: آرشیو نگارندگان.

جدول ۱. بررسی فضای معماری مدارس در دوره های تاریخی؛ ماخذ: هوشیاری و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۹۲.

دوره تاریخی	ویژگی مدرسه از نظر نوع فضای نیایشی
پیش از حمله منول	<ul style="list-style-type: none"> ▪ مدارس چهار ایوانی که گاهی در انتهای ایوان قبله محراب دیده می شود. شاید فضای نیایشی به گونه ای در پشت ایوان قبله شکل می گرفته که نیازمند پژوهش های باستان شناسی بیشتر است.
دوره ایلخانی	<ul style="list-style-type: none"> ▪ یک گنبدخانه محرابدار که معمولاً در پشت ایوان قبله جای دارد و گاهی آرامگاه بانی نیز در آن قرار می گیرد.
دوره تیموری	<ul style="list-style-type: none"> ▪ ساختار دو گنبدخانه یا چهار گنبدخانه ای در چهار کنج بنا که معمولاً دو گنبدخانه آنها بزرگتر و برجسته تر است. معمولاً یکی از گنبدخانه ها دارای محراب بوده که فضای نیایشی را تشکیل می دهد. ▪ شبستان به صورت تالار یا اتاق تاق و چشمه ای ▪ ایوان قبله محرابدار (ایوانی که در مدارس چهار ایوانی در سمت قبله بوده و دارای محراب است)
دوره صفوی	<ul style="list-style-type: none"> ▪ مدرسه بدون فضای نیایشی (گاهی ایوان محرابدار) ▪ مدرسه با یک شبستان ▪ مدرسه با شبستان و گنبدخانه ▪ مدرسه در کنار مسجد ▪ مدرسه در یک مسجد دو شبستانی
دوره قاجار	<ul style="list-style-type: none"> ▪ مدرسه بدون فضای نیایشی (گاهی ایوان محرابدار) ▪ مدرسه با یک شبستان ▪ مدرسه با شبستان و گنبدخانه ▪ مدرسه در کنار مسجد ▪ مدرسه در یک مسجد دو شبستانی

هر چند که کاربری بهداشتی مثل کاربری آموزشی نیازمند به فضایی آرام به دور از هرگونه آلودگی های صوتی و هوا است، از طرفی دسترسی سریع به واحدهای درمانی برای واحدهای آموزشی ضروری است. لیکن این کاربری یکی از منابع شیوع آلودگیهای میکروبی، شیمیایی و حتی رادیواکتیویته است و در این صورت این دو کاربری ناسازگار شناخته شده، از همجواری آنها باید احتراز کرد.

۴. «کاربری آموزشی و فضای سبز»: در کلیه تحقیقاتی که در زمینه فضاهای آموزشی ابتدایی صورت گرفته، تاکید بر ارتباط آنها با فضاهای سبز می باشد. هر چند فضای سبز ویژگی های خود را دارا می باشد و با سیستم تقسیم بندی منطقه مسکونی، محله ها یا واحد همسایگی ارتباط دارد. لیکن همجواری آنها با فضای آموزشی می تواند از

۱. «کاربری مسکونی و کاربری آموزشی»: محیطی یک واحد آموزشی ابتدایی می بایست واجد تمامی نیازهای یک فضای مسکونی باشد. پس همجواری واحدهای آموزشی با کاربری مسکونی به خصوص ضروری می باشد.

۲. «کاربری آموزشی و کاربری فرهنگی»: کاربری فرهنگی بالاخص برای فضاهای آموزشی پایه و ابتدایی، شامل مدارس، مساجد، تکایا، کتابخانه، مرکز فرهنگی تربیتی، موزه و گالری، و نمایشگاه می باشد؛ چنانکه از عملکرد آنها انتظار می رود، نزدیکی نسبتاً زیادی با کاربری آموزشی دارند و این دو کاربری می توانند به عنوان دو کاربری سازگار در کنار هم و جوار یکدیگر استقرار یابند.

۳. «کاربری آموزشی و کاربری بهداشتی»:

جدول ۲. گونه شناسی کالبدی فضاهای آموزشی در تاریخ؛ ماخذ: نگارندگان.

گونه های ترکیبی					
۶	۵	۴	۳	۲	۱
					
حکیم اصفهان	مسجد جامع عباسی و مدارس ناصری و سلیمانیه	چهارباغ ^۶ اصفهان	ملا عبدالله اصفهان	شیخ علیخان تویسرکان	مدرسه خان شیراز
-----	-----	فرح آباد ^۶ ساری	-----	جده کوچک درب کوشک (اصفهان) محمودیه کرمان	کاسهگران جده بزرگ میرزا حسین تیماور اصفهان (اصفهان) عباسقلی خان (مشهد) گنجعلی خان (کرمان)
سپهسالار تهران رکن الملک و سید اصفهان آقابزرگ کاشان حکیم باشی قنبرعلیخان و معیرالممالک (تهران)	شیخ عبدالحسین (تهران) درب یلان کاشان	سلطانی کاشان سردار قزوین سپهداری اراک حاج رجبعلی تهران سید زنجان	صدر خواجه (اصفهان) صالحیه قزوین معزالدوله تهران فیلسوف الدوله مشیرالسلطنه خازن الملک معمارباشی مروی (تهران)	ابراهیم خان (کرمان) امام خمینی یزد	صدر اصفهان صدر تهران فیضیه قم
					نمونه بنای شاخص یا آغازین کاسهگران جده بزرگ میرزا حسین تیماور اصفهان (اصفهان) عباسقلی خان (مشهد) گنجعلی خان (کرمان)
					نمونه های کالبدی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۲۷۹

فضاهای فرهنگی قرار گیرند..
استانداردها و ضوابط طراحی فضاهای آموزشی
ابتدایی

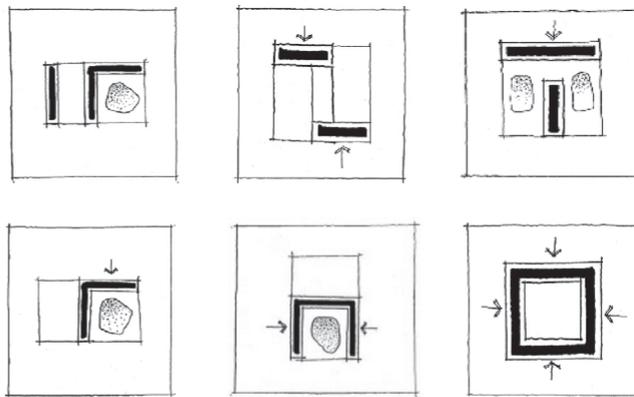
سازماندهی فضایی و چیدمان

یکی از مؤلفه های کالبدی که در کلاس درس تغییر می یابد چیدمان میز و صندلی دانش آموزان است و این مسئله توسط متخصصین آموزش و پرورش به خوبی مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است. ردیفی قرار گرفتن میزها، متناسب با انجام کارهای انفرادی است و زمان افزایش کار را موجب می شود (Galton, et al; ۱۹۹۹). در یک تحقیق «ودال و همکارانش» به طور خاص، چیدمان میز و صندلی ها را مقایسه کردند، (Wheldall et al,

نظر سالم سازی، جلوگیری از آلودگی و انتقال به واحد آموزشی و ایجاد چشم انداز و آرامش خط بصری که دانش آموزان با تماشای آن فضا کسب می نمایند و در بهبود شرایط فراگیری بسیار موثر باشد.

۵. «کاربری آموزشی و شبکه ارتباطی حمل

و نقل»: شبکه حمل و نقل منبع اصلی آلودگی صوتی و هوایی به شمار می رود. لوله های اصلی گاز و نفت، دامداری ها، مرغداری ها و باغ خانه ها نباید همجوار کاربری آموزشی قرار گیرند. و مکان آتش نشانی، مراکز پلیسی، کاربری فرهنگی (سینما و تئاتر) وجود دارد که باید در فاصله های معین از واحدهای آموزشی جهت امداد رسانی و استفاده از



۱. الگوی حیاط مرکزی: ساخت با ارتفاع‌های گوناگون پیرامون فضای باز صورت می‌گیرد. (این الگو در معماری سنتی مدارس ایرانی جایگاه ویژه‌ای دارد) ۲. الگوی U شکل ۳. الگوی L شکل ۴. الگوی T شکل ۵. الگوی Z شکل ۶. الگوی ترکیبی.

تصویر ۳. الگوهای ساخت مدارس ابتدایی بر اساس پیشینه معماری سنتی؛ ماخذ: نگارندگان.

صورت می‌گیرد، لازم است که کلاس‌ها مقداری انعطاف‌پذیری داشته باشند (Higgins, Hall, Wall, Woolner & Mc Caughey, 2005). به طور همزمان، انعطاف‌پذیری فضای کالبدی هم به عنوان عامل مهمی در کیفیت آموزشی مطرح شد. والدین نگاه و احساس از فضا را ارزیابی کردند، در تحقیقاتی که صورت گرفت، معلمان توضیح دادند که چگونه طراحی فضا می‌تواند باعث محدودیت بچه‌ها و توانمند ساختن آنها شود. معلمان شرح دادند که در فضای بزرگ بچه‌ها می‌توانند اتاق کار داشته باشند، که صداها را کمتر می‌کند و نظارت بصری را سهولت می‌بخشد. آنها تأکید دارند که انعطاف‌پذیری بدین معناست که یک اتاق می‌تواند با تصورات بچه‌ها و طبق افکار آنها تغییر کند و خستگی را از آنها دور کند (Berris & Miller, 2011). به نظر می‌رسد که چیدمان‌ها و سازماندهی‌های متفاوتی برای آموزش و یادگیری زمینه‌های مختلف مورد نیاز است. آنچه که پژوهشگران درباره آن توافق دارند این است که برای یک مدرسه امری ضروری است که یک چشم‌انداز روشن در جهت طراحی امکانات و تسهیلات داشته باشد که می‌تواند همساز با

Hastings, Wheldall & Lam, 1987; 1995). و این تحقیق حاکی از این واقعیت بود که دانش‌آموزانی که دقت و موفقیت کمتری داشتند، تحت تأثیر آرایش میزها قرار گرفتند و توجه آنها به طور قابل ملاحظه‌ای، هنگامی که پشت سر هم می‌نشستند تا اینکه دور یک میز بنشینند، افزایش یافت. این نویسندگان خاطر نشان کردند که عنصر حیاتی واسطه بین محیط فیزیکی و شرایط بهبود یافته کلاس درس، تعاملات منفی بین معلم و دانش‌آموز را کاهش می‌دهد، زیرا دانش‌آموز در چیدمان ردیفی میزها قادر به تمرکز حواس می‌باشند و بنابراین موجب اختلال و سرزنش کمتری از سوی معلم می‌شوند. این زنجیره قابل پذیرش با هر تغییری در محیط کالبدی مناسب است. پس چیدمان صندلی‌ها و در کل مبلمان بر یادگیری دانش‌آموزان مؤثر است؛ زمین انجام کار تغییر می‌کند و موفقیت آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. و میزان مشارکت دانش‌آموزان در بحث‌ها و پرسیدن سؤالات طی کلاس بیشتر می‌شود (Higgins, Hall, Wall, Woolner & Mc Caughey, 2005). چون چیدمان متفاوت اتاق‌ها با اهداف متفاوتی

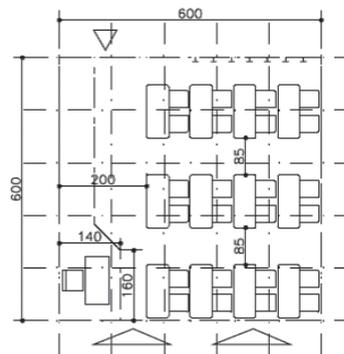
آموزش و یادگیری باشد (Stevanson, K, ۲۰۰۷: ۳; Higgins et al, ۲۰۰۵: ۱۴).

تناسبات و مقیاس

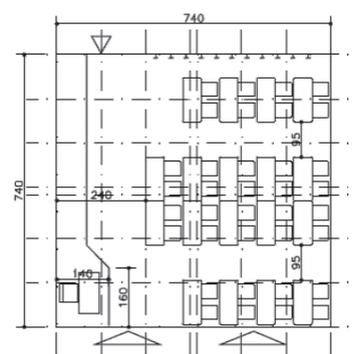
طراحی فضای منطبق با شرایط دانش آموزان به طور قطع بستگی به شناخت کافی از ویژگیهای رشد آنان دارد. خصوصیات جسمی و روانی دانش آموزان در مراحل رشد، اساس برنامه ریزی فضا و طراحی برای آنان است. اگر فضا و عناصر آن متناسب با اندازه های دانش آموزان باشد، آنها به سادگی می توانند از فضاها و وسایل مربوط به خود استفاده کنند (شاطریان، ۱۳۸۷، ص ۳۹).

مثلاً در این زمینه «آرتزن» و «یوانس» (۱۹۸۴)

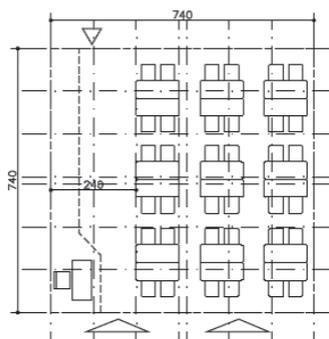
پی بردند که سقفهای بلندتر در کلاسها باعث کاهش هوشمندی و تیزبینی معلمان و دانش آموزان می شود و اینکه ارتفاع سقف کلاس رابطه چشمگیری با رضایت معلم از کلاس دارد. در هر حال، سقف بلندتر ممکن است مشکلات دیگری را ایجاد کند. مثلاً ارتمن استدلال می کند که مشکل اصلی مدارس قدیمی تر این است که سقفهای بلند آنها، بهره مندی از روشنایی را کاهش می دهد و مشکلات صوتی را به واسطه انعکاس صوت افزایش می دهند. رید و همکارانش (۱۹۹۹) پی بردند که ارتفاع سقف، رفتار فعالیت گروهی و همکاری را در میان کودکان پیش دبستانی



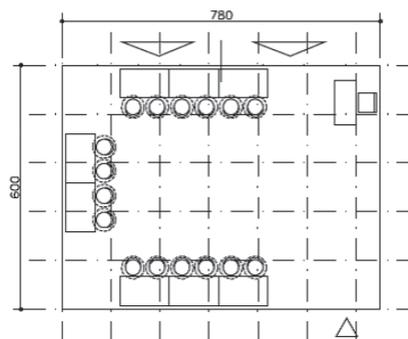
کلاس درس - روستایی
مساحت: ۳۶
ظرفیت: ۲۴ دانش آموز



کلاس درس - شهری
مساحت: ۵۴/۷۶
ظرفیت: ۳۶ دانش آموز



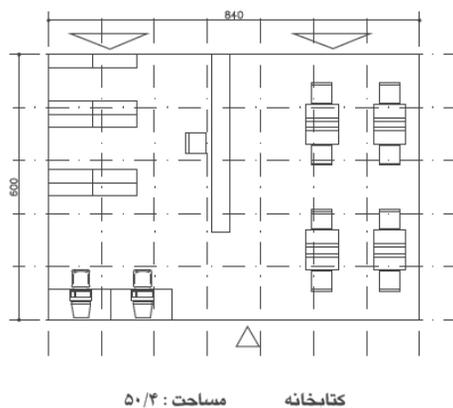
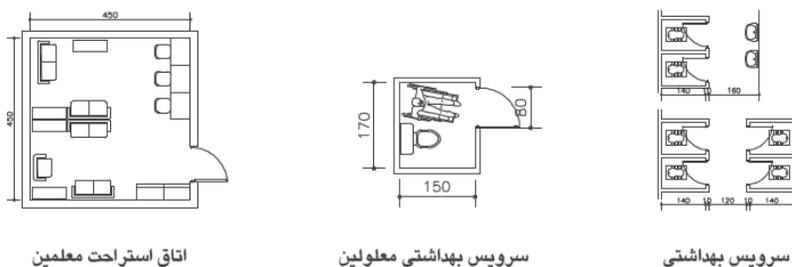
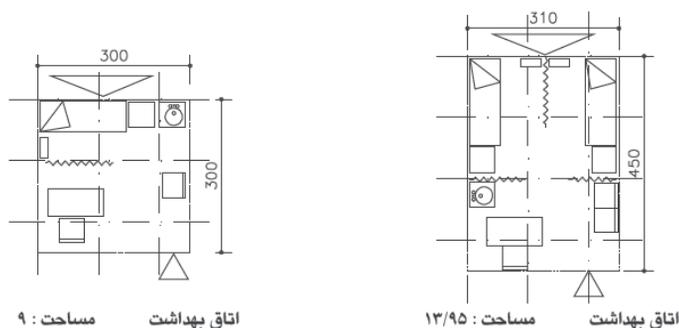
کلاس گروهی
مساحت: ۳۵/۶۴
ظرفیت: ۳۶ دانش آموز



کارگاه سمعی بصری
مساحت: ۴۶/۸
ظرفیت: ۱۶ دانش آموز

تصویر ۴. چیدمان کلاسهای مراکز آموزشی ابتدایی؛ ماخذ: ضوابط و

استانداردهای سازمان نوسازی مدارس، ۱۳۹۱.



تصویر ۵. چیدمان فضایی مراکز آموزش ابتدایی؛ ضوابط و استانداردهای سازمان نوسازی مدارس، ۱۳۹۱.

فرم فضایی

شکل مطلوب کلاس های درس با توجه به اصول تکنولوژی آموزشی (وسعت دید، نقاط پرانرژی و حتی کلاس و غیره) می بایستی ترجیحا به شکل مربع باشد. این شکل کلاس درس دارای مزایای متعددی است، از جمله:

۱. معلم دامنه دید وسیعی دارد.
۲. دامنه دید معلم در تمام جهات به یک اندازه

تحت تأثیر قرار می دهد (Higgins, Hall, Wall, Woolner & Mc Caughey, ۲۰۰۵). با توجه به اختلاف در اندازه بین دانش آموزان مدرسه، انطباق پذیری مبلمان با اندازه بچه ها نیز عاقلانه است و در واقع باید مورد حمایت قرار گیرد. اندازه قطعات متنوع مبلمان از جمله میز و صندلی، نیمکت، تابلوها، قفسه ها و غیره باید با اندازه و مقیاس دانش آموزان متناسب باشند.

است. او می تواند در آن واحد کلیه دانش آموزان را زیر نظر بگیرد.

۳. دانش آموزان انتهای کلاس به علت فاصله کمتر (نسبت به شکل مستطیل) از توجه بیشتری برخوردار می شوند.

۴. در شکل مربع تعامل بین دانش آموزان با یکدیگر و با معلم افزایش می یابد (آفاقی، ۱۳۷۸، صص ۹-۱۰).

کلاس درس در واقع اصلی ترین بخش قسمت آموزش های تئوری مراکز آموزش ابتدایی می باشد. آنچه در تعیین ابعاد کلاس ها نقش اساسی دارد، همانا تعداد صندلی ها می باشد که خود عامل تعیین کننده مخروط دید می باشد. «مخروط دید» در واقع عبارتست از محدوده ای که ناظر (دانشجویان) به راحتی قادر به دیدن موضوع دید (تخته و استاد) باشند؛ چنین استانداردی در مورد مدرس مقطع ابتدایی نیز وجود دارد. زاویه دید مدرس باید در حدود ۱۴۰ درجه در نظر گرفته شود که بر اساس آن عرض کلاس تعیین می شود. بهتر است کلاس درس در طبقات اول و دوم در نظر گرفته شود که دلیل آن حجم بالای مراجعه کنندگان (استفاده کنندگان، دانشجویان) و تخلیه سریع تر و راحت تر آنها می باشد. کلاس هایی که بر حسب نوع درس ارائه شده از جمعیت بیشتری برخوردار هستند یا به عبارت دیگر کلاس هایی که با ظرفیت زیاد طراحی می شود، باید سطحی شیبدار داشته باشد که نفرات پشت سر به راحتی بتوانند تخته و مدرس را مشاهده کنند.

نور در فضاهای آموزشی

نور

تحقیقات زیادی در رابطه با نور در فضاهای آموزشی صورت گرفته است. تحقیقاتی در رابطه با انواع متعدد نور، از نور طبیعی گرفته تا نور مصنوعی و در میان محققان درباره اینکه کدام یک مناسبترین نور برای کلاس های درس است اختلاف نظر وجود دارد. به علاوه از میزان موفقیت دانش آموزان می

توان پی برد که روشنایی روز دارای مثبت ترین تأثیر است، زیرا روشنایی روز اثرات بیولوژیکی بر بدن انسان دارد. و در هر حال، صرفاً داشتن منبع نور طبیعی (روشنایی روز) در کلاس درس، عملی یا امکان پذیر نیست. بنیاد پیشنهاد کرد که برای مؤثر واقع شدن روشنایی، نور طبیعی باید توسط نور الکتریکی کنترل شده ای که در پاسخ به سطوح نور طبیعی ضعیف می شود، کامل گردد. بازنیت پیشنهاد کرد که به نور خوب می توان از طریق ترکیب نور مستقیم و غیرمستقیم دست یافت. انواع متعدد نورپردازی داخلی و تفاوت در شدت نور وجود دارد که بستگی به دماهای رنگ دارد. ژاگو و تانر استدلال می کنند که محیط بصری توانایی یادگیرنده را در درک محرکهای بصری تحت تأثیر قرار می دهد و همچنین بر نگرش ذهنی و در نتیجه عملکرد فرد هم مؤثر است. «نز» (۱۹۹۵) به شواهدی بر این مبنا دست یافت که شرایط نوری که تأثیر منفی ایجاد می کند، باعث تضعیف عملکرد و بر عکس شرایط نوری که تأثیر مثبت ایجاد می کند، باعث بهبود عملکرد می شوند (Higgins, Hall, Wall, Woolner & Mc Caughey, ۲۰۰۵). پس داشتن نور طبیعی روز در کلاس برای فرایندهای آموزشی دانش آموزان امری حیاتی و مهم می باشد. نور طبیعی و پنجره ها در دو طرف کلاس امکان مشاهده فراتر از دیوارهای کلاس و نیز استراحت چشمان را فراهم می سازند، ولی باید دقت شود که نور، خیره کننده نباشد و انعکاس نور نیز چشم کاربران را آزار ندهد.

مصالح فضاهای آموزشی ابتدایی

فراهم کردن بافت و مصالح متنوع در محیطهای یادگیری بر روی سطوح، به منظور استفاده دانش آموزان بسیار حائز اهمیت است. در انتخاب مصالح باید به محل استفاده از آن و شرایطی که فعالیت موجود در مکان ایجاد می کند توجه کرد. استفاده از بافتهای نرم بویژه در مکانهایی که امکان استفاده از آنها بیشتر است برای دانش آموزان

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

مطلوب می-باشد، مثل مکانهایی که نیاز به سکوت و آرامش یا برای استراحت است. همچنین استفاده از بافتهای سخت برای مکانهایی که فعالیت دانش آموزان در آن زیاد است مناسب می باشد تا در طول زمان فرسوده نشود. استفاده از بافتهای نرم و مصالح طبیعی، متنوع و ظریف سبب آرامش فراگیران شده و برای آنها خوشایند می باشد. برای مثال استفاده از چوب سبب ایجاد محیط آرام برای دانش آموزان می شود و سنگ، آجر و کف پوشهای نرم با رنگهای شاد برای آنها جذاب است. نظر «ادوارد» بر این است که عواملی چون رنگ، نرمی و زبری سطوح که متغیرهای تزئینی نامیده می-شوند نیز تأثیر بسزایی روی عملکرد محیطهای آموزشی و روی هیجانها و خلق و خوی دانش آموزان دارد و با ایجاد تغییر جزئی در این گونه عوامل می توان محیطهای آموزشی مطلوب تری ایجاد نمود (رهبری منش، رحمتی زاده؛ ۱۳۹۱، ص ۳).

دما

تأمین آسایش حرارتی، برآوردن یک نیاز جسمی و روحی کاربران در یک محیط آموزشی محسوب می شود. در این زمینه نیز تحقیقاتی صورت گرفته است. «ارتمن» (۲۰۰۴)، میزان دما، گرما و کیفیت هوا را به عنوان منحصر به فردترین عناصر برای موفقیت دانش آموز تعیین کرد. در دو مطالعه انجام شده، به اهمیت این مسائل در گزارشی که به نیازهای خاص مدارس امریکا می پردازند، اشاره شده است، در این تحقیقات «فیشر» (۲۰۰۱) و «اشنایدر» (۲۰۰۲) به طور مشابه میزان این عوامل را به عنوان عواملی که رفتار و نتایج کاری دانش آموز را تحت تأثیر قرار می دهند، ارزیابی می کنند (Higgins, Hall, Wall, Woolner & Mc Caughey, ۲۰۰۵). پس دما، سیستم گرمایشی و کیفیت هوا، از مهمترین عناصر یک محیط کالبدی هستند که بر موفقیت دانش آموزان مؤثر واقع می شوند (Earthman, ۲۰۰۴: ۱۱-۱۶).

آکوستیک و صدا در فضاهای آموزشی ابتدایی
آثار زیادی وجود دارد که تأثیر صدا بر عملکرد انسان در آنها مطرح شده است که بخش قابل ملاحظه ای از آن به یادگیری دانش آموزان در محیط های پر سر و صدا مربوط می شود. به این مسئله می توان از طریق آزمایشهای روان شناسی رسیدگی کرد که در آنها درک اثر سروصدا بر عملکرد شناختی، از جمله حافظه صورت می گیرد. در هر حال، حتی این آزمایشها، در شرایطی که به طور قابل توجهی محدودتر از کلاس درس هستند، امکان برخی استدلال ها درباره مکانیسم های دقیق شناختی برای نتایجی که آنها به دست آورند را فراهم می آورد (Higgins, Hall, Wall, Woolner & Mc Caughey, ۲۰۰۵).

تحقیق در زمینه تأثیر زندگی کردن یا یادگیری در محیط های پر سروصدا در ابتدا با چالش هایی درباره قرارگرفتن در معرض صداهای خارجی همیشگی، از جمله صداهایی به واسطه ترافیک جاده ای و هواپیما، مواجه بود. در بررسی یک منطقه، «استانس فلد» و «ماتسون» احتمال مشکلات بهداشتی و روانشناختی را مورد بحث قرار دادند و نتیجه-گیری کردند که: شواهد بسیاری برای اثرات سر و صداهای محیطی بر سلامت در زمینه آزار (اسباب مزاحمت)، خواب و عملکردشناختی در بزرگسالان و کودکان بوده است. «کوهن و همکارانش» (۱۹۸۰) به شواهدی از افزایش فشار خون و علائم ناتوانی به واسطه سر و صدا دست یافتند، گرچه به این مشکلات در مطالعات دیگر پی برده نشده است. یک یافته علمی موثق تر در زمینه محیط های آموزشی این است که قرار گرفتن مداوم در معرض سروصدا علاوه بر اینکه عملکرد شناختی را تضعیف می کند و مشکلاتی را در مهارتهای خواندن و مطالعه کردن ایجاد می کند. در پایان، می-توان نتیجه گیری کرد که آکوستیک و سر و صدا عوامل مهمی در محیط کالبدی مدارس می باشند (Higgins, Hall, Wall, Woolner & Mc Caughey, ۲۰۰۵).

جدول ۳. نحوه استفاده از نور در طراحی فضاهای آموزشی ابتدایی؛ ماخذ: سازمان نوسازی مدارس.

نظام آموزشی	کلاس	نمازخانه	کتابخانه	اداری	راهرو			کلاس		
					دیوار	دره	چهارچوب	دره	بنجره	بنجره
دبستان	دخترانه									
	پسرانه									
	مختلط									
راهنمائی	دخترانه									
	پسرانه									
	مختلط									
دبیرستان	دخترانه									
	پسرانه									
	مختلط									

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۲۸۵

Woolner & Mc Caughey, ۲۰۰۵).

رنگ در فضاهای آموزشی ابتدایی

رنگ عامل مهمی در محیط فیزیکی و کالبدی یادگیری و عنصر اصلی در طراحی داخلی است که موفقیت دانش آموز و کارکرد معلم و قابلیت کارکنان را تحت تأثیر قرار می دهد. تحقیقات ثابت کرده است که الگوها و رنگهای خاص تأثیر مستقیمی بر سلامت، روحیه، احساسات، رفتار و عملکرد فراگیران دارند که بستگی به فرهنگ، سن، جنسیت و سطح رشد فرد و فعالیتی که انجام می شود، دارد (Willard, Jeffrey & Steven, ۲۰۰۸). هنگام بحث در مورد رنگ در حوزه مدارس و فضاهای آموزشی، انتخاب رنگ به لحاظ کارکردی مهم است تا از دیدگاه زیبایی شناسی. رنگ کارکردی، متمرکز بر استفاده از رنگ برای رسیدن به نتیجه نهایی از جمله افزایش دقت و کاهش میزان خستگی چشم است. این طرحهای رنگی از طریق معیار زیبایی ارزیابی نمی شوند بلکه بیشتر از طریق شواهد ملموس ارزیابی آنها صورت

می گیرد (Engelbrecht, ۲۰۰۳).

رنگ موضوع برخی از خوش بینانه ترین ادعاها درباره روحیه و توانایی است (Sundstorm, ۱۹۸۷: ۷۵۱). طبق برخی تحقیقات، انتخاب و استفاده از بهترین رنگها وابسته به سن کودک، (رنگهای روشن تر دانش آموزان کم سن و سال تر و رنگهای ملایم تر برای نوجوانان) و تفاوتها بین جنس مذکر و مؤنث (مذکرها رنگهای روشن، مؤنث ها رنگهای ملایم تر) است. اکثر یافته های تحقیقاتی درباره رنگ مغایرند و مطالعه درباره آنها ادامه دارد. مثلاً در این زمینه «انگلبرت» اظهار می دارد که رنگ دیوارها در کلاس درس، بازدهی و دقت را تحت تأثیر قرار می دهد. در حالی که «برابیکر» (۱۹۹۸) استدلال می کند که رنگ های سرد باعث متمرکز شدن حواس می شوند. «براس» و «جکسون» (۱۹۸۱) با انجام یک مطالعه، بر روی دختران کلاس های ۷-۹، متوجه شدند که شرکت کنندگان هنگام کار کردن در کلاسهایی که با رنگ دلخواهشان رنگ شده بود، کمتر مرتکب خطا می

شوند. و زمان برای کامل کردن تکالیفشان به طور نامحسوسی تغییر می یابد (Higgins, Hall, Wall, Woolner & Mc Caughey, ۲۰۰۵).

پس در مدارس، رنگ فضاها و تجهیزات آموزشی، به دلیل شرایط روحی کودکان و نوجوانان از حسایست بیشتری برخوردار است. زیرا این امر می تواند باعث شادابی، نشاط، آرامش روانی، تحرک و تلاش دانش آموزان گردد و فرایند یادگیری را افزایش دهد (شجاعی، ۱۳۸۹، ص ۴۴).

در راهرو و پله ها بهتر است رنگ سرد و آرام باشد که این رنگها علاوه بر آرامش محیط در کنترل هیجانات روحی دانش آموزان تاثیر دارد. ابعاد راهروها رنگ دیوارها و جنس و نوع مواد و مصالح در روحیه دانش آموز تاثیر می گذارد.

مکان و سایت فضاهای آموزشی ابتدایی

این بخش شامل استاندارد های طراحی یک مدرسه مناسب بر اساس استاندارد های جهانی و البته سازمان نوسازی مدارس ایران می باشد. محلی که برای احداث مدرسه در نظر گرفته می شود باید ضمن نزدیک بودن به مسیر وسایل نقلیه عمومی، از کارخانجات، خطوط راه آهن و شاهراه ها، بیمارستان، گورستان، کشتارگاه، دامداری، مرغداری، دباغ خانه، محل انباشتن زباله و کود، مراکز پر سر و صدا و پر رفت و آمد و سایر مراکزی که به نحوی ممکن است ایجاد مزاحمت، دود، بو، گرد و غبار و سر و صدا نماید، دور باشد. معیار جهت مساحت زمین مورد نیاز به منظور احداث مدرسه، تعداد دانش آموزانی خواهد بود که بایستی در آن مدرسه به تحصیل اشتغال ورزند. بر این اساس حداقل اندازه لازم به ازای هر دانش آموز ۶ تا ۸ متر مربع می

باشد که فضای لازم جهت ورزش دانش آموزان نیز می بایست طبق ضوابط موجود، مدنظر قرار گیرد. در هر حال حداقل مساحت لازم زمین، بدون توجه به تعداد دانش آموزان هزار متر مربع پیشنهاد گردیده است. زمین بازی باید به قدر کافی وسعت داشته باشد که بدون ازدحام و برخورد ضمن بازی، فعالیت دانش آموزان را به راحتی فراهم کند. این شرط با در نظر گرفتن مساحتی حدود ۱۰ متر مربع برای هر دانش آموز مطلوب خواهد بود که البته این استاندارد بیشتر در محل هایی با ارزانی و فراوانی زمین قابل عمل خواهد بود.

تجهیزات ایمنی در فضاهای آموزشی ابتدایی

در مدارس باید خاموش کننده های دستی پودر و گاز ۶ کیلویی و گاز کربنیک چهار کیلویی به تعداد لازم حداکثر به فاصله هر ۲۲ متر یک دستگاه در نظر گرفته شود. استفاده از قرقره های آتش نشانی (هورزیل) متصل به آب شهر یا منبع ذخیره مجزا و پمپ مستقل در فواصل لازم و مناسب ضروری باشد. آموزش های لازم جهت استفاده مناسب و اصولی از امکانات و تجهیزات ایمنی برای کادر آموزشی و دانش آموزان در سطوح مختلف الزامی است. همچنین خاطر نشان می سازد که قبل از احداث، تأسیس و بهره برداری از مدارس اخذ تأییدیه ایمنی از آتش نشانی می تواند در ارتقاء ایمنی مدرسه نقش بسزایی ایفا نماید. قبل از نصب بخاریها نسبت به سرویس و رفع نقایص احتمالی آنها بالاخص در ناحیه سیستم سوخت رسانی دستگاه اقدام نمائید. کوره دستگاهها را حتماً نظافت کنید. حتی الامکان وسایل گرمازا را در فاصله نیم متر از دودکش مربوطه نصب نمائید.

جدول ۴. شعاع دسترسی به مراکز ابتدایی؛ ماخذ: سازمان نوسازی مدارس.

شرح	دبستان	راهنمایی	دبیرستان
حداکثر فاصله از مسکن تا مدرسه دانش آموز	۵۰۰	۱۰۰۰	۲۰۰۰
پیاده	۱۵	۲۰	۳۰
وسیله نقلیه	۱۰	۲۰	۳۰

وسایل گرمازا مانند بخاری ها را در نزدیکی و تماس نزدیک با پرده ها و وسایل اجسام قابل اشتعال نصب نکنید. در صورت بروز آتش سوزی در بخاری ها خونسردی خود را حفظ کرده و در وهله اول جریان سوخت دستگاه را قطع کرده و ابتدا سازمان آتش نشانی را مطلع نمائید. چنانچه از سقف های شیروانی استفاده شود، فضای داخلی آن از ضایعات و فضولات پرندۀ های وحشی که یکی از عوامل بروز حریق خود به خود سوز می باشد، حداقل ماهی یکبار توسط سرایدار پاکسازی شود. حتی المقدور از استفاده از سقف های شیروانی با خرپاهای چوبی احتراز شود.

محرمیت و آسایش در فضاهای آموزشی ابتدایی

مساله محرمیت و اشراف باید به عنوان یکی از اصول اولیه طراحی مدارس دخترانه د نظر قرار گیرد و در هنگام طراحی - از مکانیابی تا طراحی جزئیات فضا- مورد توجه و مذاقه واقع شود. به طور کلی می توان عوامل اشراف در بافت را به ۲ دسته طبقه بندی کرد:

۱. «معابر و دسترسی»: معابر که شامل خیابانهای هم سطح (از طریق رابطه ای که معبر با ورودی بنا دارد) و خیابانهای شیب دار، پل های سواره و پیاده می باشد.

۲. «ساختمان ها»: مهمترین عامل اشراف هر مدارس ساختمانهای اطراف مدرسه می باشند. در ارتباط با نحوه محرمسازی میتوان بافتها را به طور کلی به سه دسته طبقه بندی کرد:

الف- بافتهایی با عوامل مشرف تا ارتفاع ۷ متر که حل مسأله اشراف با مرتفع گرداندن دیوار کاشت درختان و روشهایی از این نوع میتواند مفید باشد و مسأله جدی وجود ندارد.

ب- بافتهایی با عوامل مشرف از ارتفاع ۷ تا ۱۹ متر: برای حل مسأله اشراف در این نوع بافتها باید از روشهایی نظیر سایه بصری حاصل از خود ساختمان استفاده کرد.

ج- بافتهایی با عوامل مشرف با ارتفاع بیش از ۱۹ متر: در این گونه شرایط عموماً امکان محرم سازی تمامی فضای باز مدرسه فراهم نیست و تنها ممکن است کنجهایی محرم را پدید آورد.

نتیجه گیری و جمع بندی

در تدریس دو دیدگاه وجود دارد: یکی بر بعد هنری و دیگری بر بعد علمی آن تاکید می ورزد و مجری هر یک مسلماً روش تدریس خواسته خود را خواهد داشت. در بعد هنری تدریس، بر هنرمند بودن مدرس و ذهنی کردن، ادراک و ابتکار و خلاقیت تکیه می کند. در نقطه مقابل بعد علمی شامل تمرین هدایت کننده، مرور روزانه، باز خورد و اصلاح، مرورهای هفتگی و از این قبیل است. دیدگاههای اخیر به تلفیقی در این دو بعد هنر و علمی تکیه دارند. گنج معتقد است علم باید به عنوان بنای نیرومند برای هنر تدریس به کار گرفته شود و نمی توان مجموعه ای از بایدها و نبایدها را از آن استنتاج نمود. علم و هنر می تواند به عنوان فرآیند یا محصول باشند، فرآیند علم بر عقلانیت تکیه داشته و محصول آن دانش در جریان تدریس باید علم و هنر، احساس و عاطفه و عقل به هم پیوند بخورند تا بتواند تاثیرگذار گردد.

نکته ای که باید در مورد ادراکات محیط یادگیری دانش آموزان مورد توجه قرار گیرد این است که محیط فیزیکی مدرسه و کلاس درس مثل امکانات، فضا، نور، تهویه، میز و صندلی و هوای کلاس، موجب پیدایش امنیت و آسایش برای دانش آموزان و در نتیجه یادگیری و رشد فردی آنان می شود که به ویژه با ادراکات و احساسات در مورد روابط اجتماعی میان دانش آموزان و معلمان مرتبط است. درگیر کردن دانش آموزان در فرایند یادگیری موجب رشد احساس شایستگی در آنها شده و همچنین به آنان کمک می کند تا خود را عضو متعلق به مدرسه بدانند. این امر از ترک تحصیل آنها جلوگیری کرده و باعث افزایش انگیزه و علاقه آنها به مدرسه خواهد شد. مواردی همچون وضوح اهداف

آموزشی، حمایت و پذیرش دانش آموزان از سوی معلم و کادر مدرسه، موفقیت‌های تحصیلی، عدالت و عدم تبعیض معلم در کلاس، می‌توانند از جمله مهمترین عوامل ادراک عضویت دانش آموزان در مدرسه و کلاس باشند. ارائه تکالیف درسی منطبق با نیازها و زندگی واقعی دانش آموزان همراه با فعالیتهای درسی عینی و نه انتزاعی، میزان اصالت تکلیف را در ادراکات دانش آموزان بالا می‌برد، چرا که دانش آموزان، یادگیری را با تجارب شخصی خود هم‌تا ساخته و آن را معنادار درک می‌کنند. در زمینه رنگ در فضاهای آموزش ابتدایی نیز باید موارد زیر رعایت شود: در مورد رنگ باید توجه داشت که رنگ کف کلاس باید به صورت مات در نظر گرفته شود تا از بازتابش ناخواسته نور سقف و در نتیجه ایجاد مزاحمت جلوگیری به عمل آید. برای رنگ دیوارها نیز بهتر است از رنگ‌های روشن و مات استفاده شود. در مورد فرم کلاس باید توجه داشت که مهمترین هدف، کم کردن فاصله می‌باشد. این امر باعث صدای آرام و در نتیجه فشار کمتر بر مدرس می‌شود، می‌توان به سادگی بر صداهای مزاحم خارجی غلبه کرد، می‌توان از وسایل سمعی و بصری کوچکتر و ارزان‌تری استفاده کرد. بهتر است از رنگ‌های روشن استفاده شود چون اتاق‌ها بزرگ‌تر به نظر می‌آیند: بهتر است از بیشترین سطح‌های سقف و دیوار برای دستیابی به بالاترین میزان بازتاب نور استفاده شود. می‌توان با طراحی مناسب نور و استفاده از بازتاب سطح‌های مجاور تا ۲۵ درصد از شمار چراغها کم کرد. در رابطه با مصالح و بافت در فضاهای آموزش ابتدایی هم باید گفت که: در مورد مصالح کلاس‌های درس فضاهای آموزشی ابتدایی باید توجه داشت که: در ساخت کف نباید از مصالح سیقلی استفاده کرد. دلیل این است که هنگام خروج از کلاس بخصوص در هنگام خروج‌های اضطراری، کف‌های سر و سیقلی ایجاد خطر می‌کنند. در ضمن کف باید در مقابل سایش مقاوم بوده و قابلیت تمیز کردن باشد

و دلیل آن هم میزان زیاد رفت و آمد می‌باشد. در زمینه نور در فضاهای آموزش ابتدایی نیز موارد زیر الزامی است: در مورد نور فضای کلاس‌های آموزش تئوری نکات زیر قابل توجه بوده و دلایل عملکردی دارند: ارتفاع پنجره رابطه مستقیمی با عمق کلاس دارد؛ بدین معنا که هرچه عمق کلاس بیشتر باشد، ارتفاع پنجره نیز باید بلندتر در نظر گرفته شود. دلیل این امر هدایت بهتر نور به عمق کلاس می‌باشد. البته در این مورد اقلیم باید به خوبی در نظر گرفته شود؛ زیرا اگر چنین اقدامی در مناطق کویری مانند یزد انجام شود، در واقع دمای کلاس را به نحو چشمگیری افزایش داده ایم. هر چقدر هم که طراحی پنجره درست و اصولی باشد، باز هم بی‌نیاز از نور مصنوعی نیستیم. در استفاده از نور مصنوعی باید توجه داشت که:

۱. نور مصنوعی باید از سقف و توسط لامپ‌های مهتابی (فلوروسنت) تامین گردد.
۲. علت نورگیری از سقف این است که اگر مهتابی‌ها بر روی دیوار نصب شوند، موجب آزار چشم کودکان خواهند شد.
۳. نکته مهم بعدی این است که ردیف مهتابی‌ها باید عمود بر ردیف صندلی‌ها قرار گیرد تا نوری یکنواخت حاصل شود.

در حوزه اکوستیک و صدا در فضاهای آموزش ابتدایی رعایت موارد زیر الزامی است: مبحث اکوستیک بودن یکی از مباحث مهم در کلاس‌های درس می‌باشد. ۱/۲ تا ۱/۳ سقف باید از مصالح اکوستیک باشد. دیوار پشت سر دانش آموزان نیز باید از دیوارک‌های گچی ساخته شود تا بتواند در مقابل پژواک صدای مدرس که در جلوی کلاس قرار دارد مقاومت کند. یکی دیگر از نکات مهم در مورد صدا، پخش یکنواخت صدا در کلاس می‌باشد. به این منظور باید از در نظر گرفتن فواصل طولانی در طراحی جلوگیری کرد. حداکثر فاصله بین گوینده و شنونده باید ۲۵ متر در نظر گرفته شود تا صدای مدرس به خوبی به آخرین نفرات و ردیف‌ها هم

برسد. اگر نصف کلاس خالی باشد، به علت انعکاس صدا، از وضعیت مطلوب صدادهی کاسته می شود. در راستای افزایش میزان یادگیری فضاهای آموزشی، ضوابط عمومی طراحی فضاهای آموزشی ابتدایی لازم است: تابلو کلاس درس باید در محلی مناسب که نور کافی به آن می رسد قرار داشته و در معرض دید کامل دانش آموزان و به رنگ سبز مناسب و غیر براق باشد تا از ایجاد خیرگی بر اثر بازتاب نور جلوگیری گردد. فاصله تابلو کلاس درس از اولین ردیف دانش آموزان ۲/۲ متر کمتر نباشد. برای هر نفر دانش آموز در کلاس حداقل باید ۵۱/۲ متر مربع سطح در نظر گرفته شود. حداکثر ابعاد قابل قبول برای کلاس درس ۸ متر طول و ۷ متر عرض می باشد. ارتفاع سقف کلاس نباید از ۳ متر کمتر باشد. حداکثر ارتفاع پله در مدرسه ۱۸ سانتیمتر و حداقل عرض آن ۳۰ سانتی متر و طول آن حداقل ۱،۳۰ متر باشد. سالن اجتماعات، کارگاه، آزمایشگاه، مکانهای ورزشی و اتاقهای عمومی در نقشه ساختمانی مدرسه طوری منظور شود که مزاحمتی برای کلاسهای درس بوجود نیورد. آبخوری عمومی آموزشگاه باید دارای شرایط زیر باشد: الف - کف محوطه آبخوری قابل شستشو و دارای شیب کافی و مناسب به طرف مجرای فاضلاب باشد. ب - دیوار لبه آبخوری بایستی از جنس قابل شستشو (نظیر کاشی) بوده و دارای شیب مناسب بطرف مجرای فاضلاب باشد. ج - دیوار اطراف آبخوری از جنس قابل شستشو (نظیر کاشی، سرامیک، سنگ) باشد. د - آبخوری عمومی دانش آموزان باید با شیرهای مناسب با آب سردکن مجهز گردد و حداقل برای هر کلاس ۴۵ نفر ۷۵ یک شیر آبخوری پیش بینی شود. ارتفاع شیر آن متناسب با سن دانش آموزان در دوره های مختلف تحصیلی (۱۰۰ - سانتیمتر) از سطح زمین باشد. ه - آبخوری باید خارج از سرویسهای بهداشتی و با رعایت شرایط بهداشتی و با فاصله حداقل ۱۵ متر احداث گردد. تعداد توالتها در مدرسه به ازاء هر ۴۰ نفر حداقل یک چشمه

توالت و هر ۶۰ نفر یک دستشویی در نظر گرفته شود. ارتفاع دستشویی ها متناسب با سن دانش آموزان در دوره های مختلف تحصیلی ۷۵ - ۶۰ سانتیمتر از سطح زمین باشد. کلاسها باید حتی الامکان طوری ساخته شوند که از نور طبیعی استفاده نمایند، ترجیحاً پنجره ها در سمت چپ دانش آموزان تعبیه شود و سطح آنها حدود یک پنجم مساحت کلاس باشد. در مورد کلاسهای شبانه و یا کلاسهایی که اجباراً از نور مصنوعی استفاده می نمایند شدت روشنایی بایستی برابر ۵۰۰ - ۳۰۰ لوکس بوده و نحوه تابش طوری باشد که ایجاد خیرگی در دانش آموزان ننماید. میزان نور راهروها بایستی برابر ۱۵۰ - ۱۰۰ لوکس و برای رختکن، توالتها و دستشوییها حداقل ۱۰۰ - ۵۰ لوکس در نظر گرفته شود. درجه حرارت مناسب جهت کلاسها بین ۲۱ - ۱۸ درجه سانتی گراد و رطوبت ۶۰ - ۵۰ درصد می باشد. کلیه مراکز آموزشی باید مجهز به وسایل اعلام و اطفاء حریق بوده و از نظر طراحی بایستی پیش بینی های لازم جهت تأمین راههای ورودی و خروجی اضطراری با توجه به ظرفیت مدرسه و تعداد طبقات به عمل آید. این راهها بایستی با علائم ویژه و با رنگ سبز مشخص گردد تا محل فرار اضطراری مشخص گردند. حداقل دو راه فرار برای مواقع اضطراری که از هر نقطه داخل ساختمان قابل رؤیت باشد لازم است و بایستی امکان تخلیه در کوتاهترین زمان میسر گردد و اجزاء سازه ای مسیرهای فرار در مقابل حریق مقاوم باشد. وجود هرگونه حوض و حوضچه در محوطه مدارس ممنوع است. هر مدرسه بایستی دارای اتاق خدمات بهداشتی مجهز به تجهیزات کامل جهت انجام فعالیتهای بهداشتی تغذیه ای و معاینات بهداشتی درمانی دانش آموزان شامل بیماریابی، بینایی سنجی، شنوایی سنجی و پایش رشد - آموزش بهداشت و تغذیه به کارکنان و دانش آموزان - کمک های اولیه در مواقع بروز حادثه و باشد. در هر مدرسه باید به ازاء هر دانش آموز ۰/۵

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

متر مربع فضای سبز در نظر گرفته شود. به منظور جلوگیری از ایجاد گرد و غبار در محیط مدرسه، محوطه مدرسه باید با آسفالت یا بتون کف و نظایر آن مفروش گردد. دید مستقیم از کلاس های درس به زمین های ورزشی و بازی برای دانش آموزان میسر نباشد تا تمرکز آنان از بین نرود. سطح زمین های ورزشی باید صاف و یکدست و بدون هرگونه پستی و بلندی ساخته شود و از اصطکاک کافی نیز برخوردار باشد. تجهیزات ورزشی باید مطابق با اصول بهداشتی باشد و هر چند روز یکبار تمیز شود. تورهای دروازه ها، راکت ها، حلقه های بسکتبال و... باید مطابق با استاندارد تهیه شود. تعداد درهای ورود و خروج باید متناسب با تعداد دانش آموزان باشد. رختکن و تعویض لباس اکیدا نباید در زمین با سطوح پایین تر باشد. در مواردی که در زمین بازی از توپ استفاده می شود محصور کردن آن حداقل با ارتفاع ۳ متر از بروز حوادث احتمالی چون برخورد توپ با شیشه پنجره های کلاس و نیز بدن دانش آموزان جلوگیری خواهد کرد. در محوطه باز که محل بازی و جست و خیز دانش آموزان است هیچ نوع مانعی نباشد. راه های دسترسی و عرض و ارتفاع سردر ورودی در محوطه طوری طراحی شود که امکان ورود و حرکت آسان خودرو های سبک و سنگین امدادی را فراهم آورد. محل عبور دانش آموزان و مسیر عبور وسایل نقلیه (مثل امبولانس- ماشین حمل اثنائیه و تجهیزات مدرسه- ماشین آتش نشانی و غیره) باید از هم جدا باشد و در صورت عدم امکان محل عبور دانش آموزان با نصب علائم راهنمای مشخص شود. محل عبور دانش آموزان باید مشخص و قابل رویت باشد. جداکننده ها (دیوار محوطه و جداکننده پارکینگ از سایر قسمتها) در صورت نرده باشد فاصله میله های عمودی آن نباید از ۱۰ سانتی متر بیشتر باشد. جدا کننده ها باید دارای ارتفاع کافی حداقل به میزان ۱/۸۰ متر باشد.

منابع و ماخذ

- آفاقی، آ (۱۳۷۸) موقعیت مکانی فضاهای آموزشی، فصلنامه مدرسه نو، شماره ۱۲.
- مولائی، س (۱۳۸۴) بررسی مقایسه ای وضعیت فیزیکی مدارس ابتدایی شهر تبریز با استانداردهای کشور، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- محمدی قاضی محله، م (۱۳۸۶) دفتر تحقیقات و پژوهش سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور، استانداردهای فضاها و سطوح مورد نیاز آموزش متوسطه، تهران: انتشارات مؤلف.
- عمادزاده، م (۱۳۸۶) اقتصاد آموزش و پرورش، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان.
- لاکهدی، ا و درسیور، آ (۱۳۷۱) توسعه کمی و بهبود کیفی آموزش ابتدایی در کشورهای در حال توسعه، سید جعفر سجادیه و حسن محمد علیزاده هنجی، مترجم؛ تهران: مدرسه.
- طباطبایان و فرح حبیب (۱۳۹۰) دیدگاه مطلوب و نامطلوب دانش آموزان دبیرستان های نسبت به رنگ فضای آموزشی و راه های بهبود کیفیت فضای تحصیلی، نشریه نوآوری های آموزشی، شماره ۹۳.
- هوشیاری و دیگران (۱۳۹۲) گونه شناسی مسجد مدرسه در معماری اسلامی ایران، مطالعات معماری ایران، شماره ۳.
- دانشگر مقدم، گلرخ و بحرینی، سیدحسین و عینی فر، علیرضا (۱۳۹۰) تحلیل اجتماع پذیری محیط کالبدی متأثر از ادراک طبیعت در محیط انسان ساخت، هنرهای زیبا، شماره ۴۵.
- رهبری منش، کمال و رحمتی زاده، علی (۱۳۹۱) بررسی عوامل مؤثر کالبدی در محیط های آموزشی جهت بهبود فرایند یادگیری کودکان، همایش منطقه ای تازه های معماری، آموزشکده سما شوستر.
- سمیع آذر، علیرضا (۱۳۷۶) پویایی و خلاقیت در ساماندهی فضاهای آموزشی، مدرسه نو، تابستان ۱۳۷۶.
- شاطریان، رضا، (۱۳۷۸) طراحی و معماری فضاهای

تکنولوژی محیط زیست زمستان ۱۳۸۴ شماره ۲۷. ززولی محمد علی، عبدی ماهره، قهرمای اسماعیل، قربانیان اله آباد مهدی (۱۳۸۷) بررسی شاخص های بهداشت محیط مدارس ابتدایی ناحیه یک ساری در سال ۱۳۸۷، فصلنامه علمی و پژوهشی انجمن علمی بهداشت محیط ایران شماره سوم. صفرزاده آسیه، شریفی غلامرضا، عروجی محمدعلی (۱۳۸۹) مقایسه وضعیت بهداشت محیط مدارس ابتدایی دولتی نواحی مختلف شهر اصفهان، مجله نظام سلامت، شماره ۶.

کوشا، محمد مهدی (۱۳۸۸) دانستنی های فرهنگ: انقلاب فرهنگی، تهران، دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، معاونت اجتماعی وزارت علوم. Berris, R., Miller, E., "How design of the physical environment impacts early learning: Educators and parents perspectives", *Australasian Journal of Early Childhood*, 36(4), (2011).

Dillon, M., *Buildings and Betterment: Influences on the Design of State School Buildings 1900- 1920*", *International Education Journal*, Vol 2, No 2, 109-115, (2001).

Earthman, GI, "Prioritization of 31 Criteria for School Building Adequacy", *American Civil Liberties Union Foundation of Maryland*, (2004).

Engelbrecht, K., "The Impact of Color on Learning", *Perkins & Will, Chicago, Illinois*, (2003).

Higgins, S., Hall, E., Wall, K., Woolner, P., McCaughey, C., "The Impact of School Environments: A literature review", *The Centre for Learning and Teaching, School of Education, Communication and Language Science, University of Newcastle*, (2005).

Jamieson, P., Fisher, K., Gilding, T., Taylor, P. G., Trevitt, A.C.F., "Place and Space in the Design of New Learning Environments", *HERDSA (Higher Education Research and Development)*, Volume 19

آموزشی، تهران: انتشارات سیمای دانش. شجاعی، سید علیرضا (۱۳۸۸) فضاهای آموزشی؛ قواعد و معیارها، تهران: انتشارات سیمای دانش. لطف عطا، آیناز (۱۳۸۷) تأثیر عوامل محیطی بر یادگیری و رفتار در محیط های آموزشی (ابتدایی) در شهر، مدیریت شهری، شماره ۲۱.

لنگ، جان (۱۳۸۸) آفرینش نظریه معماری؛ نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، علیرضا عینی فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

محمودی، محمد مهدی، (۱۳۹۰) طراحی فضاهای آموزشی با رویکرد انعطاف پذیری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مرتضوی، شهرناز، (۱۳۷۶) فضاهای آموزشی از دیدگاه روانشناسی محیط، سازمان نوسازی مدارس کشور، دفتر تحقیقات و پژوهش.

ملکوتیان. محمد، اکبری. حمیده، نکویی مقدم، محمد (۱۳۸۷) بررسی وضعیت بهداشت محیط و ایمنی مدارس شهر کرمان، فصلنامه پژوهشی دانشکده بهداشت یزد سال هفتم شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.

دستورانی. محمد جواد، رضانی، عباس علی (۱۳۸۹) بررسی وضعیت بهداشت محیط و ایمنی مدارس ابتدایی و راهنمایی شهر زابل سال ۸۹، فصلنامه علمی پژوهشی رستمینه دانشگاه علوم پزشکی زابل، شماره ۳.

داوری، پرویز (۱۳۸۰) دستورالعمل اجرایی مدارس مروج سلامت در جمهوری اسلامی ایران، آئین نامه بهداشت محیط مدارس.

شیر دره، محمدرضا، رحمانیان، رضا (۱۳۸۷) بررسی وضعیت بهداشت محیط مدارس راهنمایی شهرستان جهرم، سال ۱۳۸۷، دوازدهمین همایش ملی بهداشت محیط ایران، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دانشکده بهداشت، آبان ماه

نصیری، پروین، عباسپور، مجید، محمودی، محمود، بابایی اصغر (۱۳۸۴) ارزیابی آلودگی صدا در مدارس بخش مرکزی شهرستان کرج، مجله علوم و

Number 2, pp221-237, (2000).

McGregor, J., "Spatiality and the Place of the Material in Schools", Pedagogy, Culture and Society, vol. 12, no. 3 pp.347-372, (2004).

Siegel, J, Architecture California, vol. 20, no. 1, in McGregor, J 2004, 'Editorial', Forum, vol 46. no. 1, p.2, (1999).

Stevenson, K. R., "Educational Trends Shaping School Planning and Design: 2007", National Clearinghouse for Educational Facilities, Washington DC, (2007).

Willard R., Jeffrey E., Steven J., "Color in an Optimum Learning Environment", International center for leadership in education, (2008).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

■ ۲۹۲ ■

بررسی مبانی فقهی مسئولیت حکومت اسلامی در مساله کنترل موالید و جمعیت شهری

سعید رهایی - استادیار دانشگاه مفید قم، قم، ایران.

نسرین سنجابی* - عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور و دانشجوی دکتری فقه دانشگاه مفید قم، قم، ایران.

مجید رضایی - استادیار دانشگاه مفید قم، قم، ایران.

Check Islamic jurisprudence on the issue of birth control and responsibility of the urban population

Abstract

Authorized or unauthorized discussions of government intervention in the issue of population control, always among the scholars and jurists have pros and cons. The importance of this issue, which is compounded when the issues at the macro level, the policy of the Muslim population by the government to be seen. This article refers to the responsibility and the involvement of an Islamic state in the execution of control and regulation of birth, the analysis focuses jurisprudence responsibility. Whether such liability is an Islamic state? Why and what are its limits? This article is an introduction to this topic is, attempts to briefly assess the issue from several perspectives and based on several principles, principles and scope of government intervention show. The debate is that the first principle of any basis of reason and dimensions checked Conclusion As can be seen, and then do the basic responsibility of the government or not?

Keywords: Birth control, government, scope of authority, responsibility of governance, privacy.

چکیده

بحث مجاز یا غیر مجاز بودن دخالت دولت در مساله کنترل جمعیت، همواره موافقان و مخالفانی را در میان فقها و علما داشته است. اهمیت این موضوع زمانی دوچندان می گردد که به این مقوله در سطح کلان، یعنی اتخاذ سیاست های جمعیتی از سوی حکومت های مسلمان نگر بسته شود. نوشتار حاضر ضمن اشاره به ابعاد مسئولیت و دخالت حکومت اسلامی در اجرای حکم کنترل و تنظیم موالید، به بررسی و تحلیل مبانی فقهی این مسئولیت می پردازد. این مقاله تلاش می کند از منظرهایی چند به ارزیابی موضوع بپردازد و بر اساس مبانی چندی، اصل و محدوده دخالت دولت را نشان دهد. شکل بحث نیز این گونه است که نخست اصل هر مبنا از نظر دلیل و ابعاد بررسی می شود و سپس در مقام استنتاج ملاحظه می گردد آیا آن مبنا مسئولیتی را متوجه دولت اسلامی می کند یا خیر؟ مقاله مورد نظر از لحاظ بررسی مسئولیت حکومت در مساله کنترل جمعیت بدیع می باشد.

کلید واژگان: کنترل موالید، حکومت، قلمرو اختیارات، مسئولیت حکومت، حریم خصوصی.

*نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۸۳۳۰۷۵۶۲، رایانامه: n_sanjabi@pnu.ac.ir

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نسرین سنجابی است که بدیونسیله از اساتید راهنما و مشاور تشکر و قدردانی می گردد.

این باب را به بحث می گذارد که بررسی مساله از این لحاظ بسیار بدیع می باشد.

۲- کنترل جمعیت در کشورهای اسلامی و ایران

امروزه تنها حدود سه درصد از کشورها خواهان افزایش جمعیت هستند. هفده درصد جمعیت خود را مطلوب و متناسب می دانند در حالی که حدود هشتاد درصد از کشورهای جهان طالب کاهش باروری هستند تا اوضاع اقتصادی و اجتماعی خود را هم آهنگ سازند (جهان فر، ۱۳۷۶، صص ۲۱۴ و ۲۳۰).

بدیهی است نوع نگرش ها به مساله جمعیت در این کشورها، نقش تعیین کننده ای در اعمال سیاست های لازم توسط دولت ها خواهد داشت. چنین سیاست هایی در دانش جمعیت شناسی «سیاست های جمعیتی» نامیده می شود. مجموعه اصول و تدابیر و تصمیمات مدون جمعیتی که از سوی دولت در کشوری اتخاذ می شود و حدود فعالیت های او را در رابطه با مسایل جمعیتی یا اموری که نتایج جمعیتی دارند، تعیین می کند (تقوی، ۱۳۸۹، صص ۷۳).

یکی از مهم ترین سیاست هایی که دولت ها برای دست یابی به اهداف مطلوب جمعیتی خود در پیش می گیرند، سیاست کنترل موالید و تنظیم خانواده است. اعمال چنین سیاست هایی در کشورهای غربی از حدود صد سال پیش آغاز شده، اما سابقه آن در کشورهای اسلامی، به بیش از پنجاه سال نمی رسد. مهم ترین دلیل این مطلب، افزایش بی رویه جمعیت در کشورهای در حال توسعه است که منجر به ایجاد مشکلات اقتصادی و اجتماعی در این کشورها گردیده است.

نفوذ چنین اندیشه های جمعیتی در کشورهای مسلمان ابتدا بازتاب هایی منفی داشت به گونه ای که دانشمندان مسلمان به شدت با آن به مخالفت برخاسته و هر نوع سیاستی را در جهت کاهش جمعیت مسلمانان محکوم نمودند. بررسی نظرات این فرهیختگان، گواه این مطلب است که غالب آنها

سخن درباره جمعیت از موضوعاتی است که توجه بسیاری از اندیشوران را از گذشته های دور به خود مشغول داشته است. بررسی اجمالی آرای دانشمندان گذشته نشان می دهد که این نظریات با توجه به اندازه خانواده و با تاکید بر تعداد فرزندان بیان شده است. سیاست های کلی نیز که توسط سیاست مداران اتخاذ شده است، با توجه به تعداد اعضای خانواده تنظیم شده و هدف از اجرای این سیاست ها، تلاش برای نیل به جامعه ای متعادل از طریق ساماندهی به وضعیت خانواده و تعداد آن ها بوده است. تحولات جمعیتی در جهان اسلام و رشد بی سابقه جمعیت در ایران در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسولان سیاسی کشور را با این سوال مهم مواجه ساخت که آیا اصولاً دولت حق دخالت در تعیین تعداد فرزندان برای زوجین را دارد؟ و بفرض جواز این امر، سیاست های جمعیتی چگونه باید اتخاذ شود؟ آیا صرفاً بر این پایه که فرزندآوری از دید شارع مقدس مطلوبیت دارد، نباید به موضوع جمعیت و رشد آن توجه کرد یا حکومت دینی و مسولان نظام سیاسی باید برای جمعیت یک برنامه و هدف گذاری معینی را اتخاذ کنند؟

مساله دخالت و مسولیت حکومت اسلامی در اجرا و برپایی حکم کنترل جمعیت در جامعه را بر اساس اصول و مبانی چندی مانند، نسبت حکومت با حوزه عمومی، امر به معروف و نهی از منکر و اهداف و مسولیت های حکومت اسلامی، می توان بررسی و ارزیابی کرد. مطابق این موارد پرداختن به موضوع جمعیت، در عرصه عمومی، می تواند در حوزه اختیارات و مسولیت های حاکم اسلامی قرار گیرد اما حکومت حق ورود به عرصه خصوصی و شخصی افراد در مساله کنترل جمعیت را ندارد.

این مقاله ضمن بیان بسیار اجمالی تايخچه کنترل جمعیت در ایران، مساله دخالت دولت در امر کنترل موالید را از دید موافقان و مخالفان مورد بررسی قرار می دهد و سپس حدود اختیارات دولت اسلامی در

با توجه به مبانی اولیه دین اسلام و پای بندی به شریعت- که گاه موجب کم توجهی نسبت به بررسی ها و مطالعات جدید علمی در زمینه تنظیم خانواده شده است- چنین نظریاتی را ابراز داشته اند. اگر چه در این زمینه نباید موقعیت های زمانی و مکانی را از نظر دور داشت؛ زیرا در این دوره، یعنی از پنجاه سال پیش، نفوذ اندیشه های استعماری، به ویژه نفوذ چپاول گرایانه و سلطه گرایانه دولت های استعمار گر و صهیونیست در کشورهای مسلمان بسیار شدت داشته است. در چنین شرایطی، موضع گیری علمای مسلمان در مقابل نظریاتی که جمعیت مسلمین را مورد حمله قرار می داد، امری کاملاً طبیعی به نظر می رسد (طلعتی، ۱۳۸۳، ص ۶۴).

این روند در کشور ما نیز پیش از پیروزی انقلاب اسلامی وجود داشت. برنامه های تنظیم خانواده در سال ۱۳۳۴ با تاسیس اداره بهداشت مادران و کودکان در وزارت بهداشتی، نخستین گام خود را برمی داشت. در سال ۱۳۴۵ عده ای از کارشناسان شورای جمعیتی مساله بهداشت و تنظیم خانواده و مسایل جمعیتی را مطالعه کردند. در سال ۱۳۴۶ قطع نامه سران کشورها درباره جمعیت، توسط شاه ایران امضا شد (کیهان، ۱۳۴۸، ص ۱۵۱). در سال ۱۳۶۷ به دنبال انتشار نتیجه های سرشماری، دولت جمهوری اسلامی ایران سیاست مبتنی بر کاهش جمعیت را پیش گرفت و پس از کمتر از یک دهه به دلایلی دوباره به سیاست افزایش جمعیت روی آورد (رهبری، ۱۳۸۵، صص ۲۲-۲۳).

اگرچه هدف این برنامه ها در درجه اول پیشرفت و تامین رفاه اقتصادی و اجتماعی خانواده ها عنوان می شد، اما بدبینی هایی که نسبت به رژیم گذشته وجود داشت، علمای شیعی را بر آن داشت که در برابر چنین سیاست هایی موضع گیری نمایند. چنان که قبلاً اشاره شد به دلیل موقعیت و شرایط حاکم در آن زمان، شاید نتوان بر آنها خرده گرفت هرچند وجود برخی فتاوی مراجع دینی در زمینه کنترل و جلوگیری از مولید جالب توجه است. نکته

قابل تامل این است که امروزه برخی از این نظریات هنوز مطرح است و مصرانه از آن حمایت می شود. به گونه ای که این مساله هنوز حل نشده تلقی می شود. حداقل می توان گفت مبانی این مساله کاملاً منقح نشده و مورد اتفاق نظر نیست.

پرسش هایی که اینجا مطرح می شود این است که آیا حکومت اسلامی می تواند نسبت به کنترل جمعیت یا اجرای سیاست های پیش گیرانه از رشد آن در سطح کلان اجتماعی، اقدامی الزامی، هر چند در مدت زمان محدود، انجام دهد؟ آیا دولت و یا حاکم اسلامی می-تواند بنا به تشخیص خود و طبق مصالح و مفاسد امر بدین کار اقدام نماید و یا حتی سیاست های الزامی و اجباری در پیش بگیرد؟ پاسخ به این پرسش ها در گرو بازبینی آرا و نظریات موافق و مخالف، در این زمینه است.

۳- حکم تنظیم موالید

علماء و محققان اسلامی حول حکم تنظیم زاد و ولد چه به صورت شخصی یعنی در سطح خانواده و زوجین، چه به صورت جمعی، در سطح دولت و حاکمیت اسلامی- اختلاف نظر دارند. نظرات ایشان به دو دسته کلی قابل تقسیم است:

گروه اول که اکثریت آنها را اهل سنت تشکیل می دهند (الکببسی، ۲۰۱۲، ص ۱۶۶). معتقد به عدم دخالت دولت و حاکمیت در اموری چون تنظیم موالید می باشند. به اعتقاد این گروه حاکم اسلامی مجاز به تصمیم گیری در مورد فرزندان و تعداد آنها برای افراد جامعه، نیست و نمی تواند قوانینی اتخاذ کند که چنین نتایجی دربرداشته باشد و فقط در صورت ظهور نیاز و بروز ضرورت در سطح فردی، انجام چنین کاری را از سوی حاکم اسلامی مباح می دانند و در غیر این حالات حکم به کراهت آن داده اند (البوطی، ۱۴۰۸، ص ۱۵)؛ این گروه دعوت عمومی به تحدید نسل را گمراه کننده، از نقشه های استعمار و برخلاف دلیل عقل و عقلانیت در اسلام می دانند (ر.ک: تهرانی، ۱۴۲۵، صص: ۸۵-۹۳).

احترام به مخلوق پروردگار، نگرانی از نابودی نوع

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

بشر، افزودن معتقدان به یک کیش و آیین خاص، افزایش توان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، از مهمترین دلایل ایشان می باشد. علاوه بر ادله فوق به ذکر پاره‌ای آیات و روایات در صحت استدلال خود، استناد می کنند. طبق این ادله تحدید نسل در سطح فردی دارای کراهت تنزیهی است و برای دولت نیز جایز نیست قوانین عمومی اتخاذ کند که افراد را به لحاظ سیاسی مجبور به تحدید و تنظیم نسل کند. به اعتقاد ایشان، اگر گاه به تحدید نسل عمومی تعبیر می شود، به معنای مجبور نمودن امت اسلامی یا مجبور نمودن منطقه ای از مناطق کشور اسلامی بر محدود نمودن نسل برای دست یابی به نسبت و میزان مشخص تولد، نیست. بلکه می توان گفت مراد از تحدید نسل عمومی جمعی آن است که پدر و مادر نسبت به وظیفه پدری و مادری و وظایف زن و شوهری خود عمل نمایند و در واقع آنها را باید به وظایف خود، آگاه نمود تا نسبت به آینده فرزندان خود با احتیاط بیشتری عمل نمایند و میزان فرزندان را بر حسب توانایی مادی و معنوی خود، تنظیم نمایند و جامعه را در رویارویی با مشکلات یاری دهند، زیرا از موارد اهتمام شریعت، دست یابی به زندگی اجتماعی به بهترین وضع است و این امر محقق نمی شود مگر آنکه خود دولت و حکومت اسلامی به صورت مستقیم و نه اجباری، در این امر مداخله نماید (التازری، ۱۴۰۹ق، ص ۳۶۵). البته امت اسلامی نیز تنها در چارچوب خاصی که با روح شریعت اسلامی و عقیده مسلمانان سازگار است، می تواند سیاست های تنظیم خانواده را، به صورت تشویقی نه الزامی، به اجرا گذارد (سلامه، ۱۴۰۹ق، ص ۲۹۵). لازم به ذکر است فقهای شیعه بر مبنای چنین روایات و احادیثی، در آثار و مباحث فقهی خود بر حفظ نسل، اهمیت ازدواج و افزوده شدن نسل مسلمانان توجه داشته اند و مباحثی مانند کنترل جمعیت و تنظیم خانواده بدین صورت که امروزه مطرح است، در فقه شیعی سابقه نداشته است (پوریانی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۰).

گروه دوم مطلقاً اجرای برنامه های کنترل مولید و تنظیم خانواده را در سطح حاکمیت و مردم جایز می دانند (مطهری، ۱۳۴۷، صص ۷۸-۸۴، و بهشتی، ۱۳۷۹، ۳۱۱-۳۲، صدر، ۱۳۵۰، ص ۲۷۵). غالب دیدگاه های این گروه، بر محورهای اقتصادی و اجتماعی دور می زند (معزی، ۱۳۷۱، ص ۱۷). به اعتقاد ایشان حاکم در صورت بروز مصلحت، می تواند از طریق اقناع مردم به تنظیم نسل و دسترسی آسان به وسایل جلوگیری به شکل موقت، نه دائم، مردم را به تنظیم زاد و ولد به صورت جمعی دعوت کند. این گروه نیز در توجیه استدلال خود به ادله عقلی و نقلی استناد کرده اند. از جمله این دلایل: به احادیثی که دلالت بر اباحت عزل دارند، استدلال نموده اند. به عنوان مثال: صحیح محمد بن مسلم «سالت ابا عبدالله عن العزل، فقال: ذلک الی الرجل یصرفه حیث یشاء» (کلینی، ۱۳۶۵، ص ۵۰۴) و موثقه عبدالرحمن بن ابی عبدالله: «سالت ابا عبدالله (ع) عن العزل، فقال: ذاک الی الرجل» و موارد فراوان دیگر که دلالت بر جواز عزل دارند. در صورت افزایش رشد جمعیت و افزایش کند درآمدها و نارسایی تکنولوژی، چاره ای جز بهره برداری بی رویه از منابع زمین برای به دست آوردن غذا و سوخت نمی باشد که نتیجه اش بدتر شدن محیط زیست انسانی و طبیعی است (خرازی، ۱۳۶۹، ص ۷). کثرت جمعیت ذاتا مطلوبیتی ندارد و مباحثات پیامبر در قیامت به فزونی امتش، مطابق روایت «انی مکائر بکم الامم غدا فی القیامه» (طباطبایی بروجردی، ۱۳۹۹، ۲۰، ص ۵۸). به کثرت عددی نیست بلکه به حسن فعل است و اقلیت دارای منفعت بهتر از کثیر بی فایده است. قرآن نیز کثرت بدون فایده را محکوم و اقلیت قدرتمند و صالح را ستوده است. «کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیره باذن الله» (بقره، ۲۴۹) و «قل لا یستوی الخبیث و الطیب و لو اعجبک کثره الخبیث فاتقوا الله یا اولی الالباب لعلکم تفلحون» (مائده، ۱۰۰).

حاکم اسلامی می تواند مردم را به تنظیم و تحدید

نسل دعوت کند. همان گونه که زوجین شرعاً مجازند که در شرایط خاص کنترل موالید داشته باشند، برای ولی امر نیز جایز است در صورت وجود مصلحت عامه، مردم را دعوت به این کار کند. زیرا مصلحت جامعه مقدم بر مصلحت فرد است و از اهم وظایف رییس حکومت این است که نسبت به صیانت از امور داخلی و خارجی امت، متعهد باشد و آن‌ها را از هر تهدیدی که موجب ضعف و نابودی امت می‌شود، صیانت نماید (عباده، ۲۰۱۱م، ۱۶ و صرامی، ۱۳۸۰، صص ۶۲-۶۵).

همان گونه که ذکر شد قصد ما در نگارش این مقاله تحلیل نظرات موافقین و مخالفین برنامه‌های کنترل و تنظیم موالید نیست. صرفاً جهت ورود به بحث به برخی از این نظریه‌ها به اختصار اشاره شد.

۴- تحلیل مبانی فقهی مسوولیت دولت

پس از بیان مختصر نظرات موافقان و مخالفان تحدید موالید به بررسی ابعاد مسوولیت و دخالت حکومت اسلامی در این موضوع می‌پردازیم. آیا اساساً در این مساله مسوولیتی متوجه دولت اسلامی هست؟ به چه دلیل و محدوده آن کدام است؟

قبل از ورود به اصل موضوع، توجه به چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

(الف) حوزه بحث، مبانی فقهی دخالت و مسوولیت حکومت اسلامی در مساله تحدید موالید از نظر مقام «ثبوت» و بدون لحاظ مقام «امثال حکم» است زیرا در مقام اجراء، ملاحظه موضوع و دخالت عنصر مصلحت و ضرورت، عاملی تعیین کننده و فراگیر است و تحقیق این امر خارج از محدوده این نوشتار می‌باشد.

(ب) در صورت پذیرش مسوولیت دولت در این مورد طبعاً راهکارهای عملی در جهت شیوه اجرای این مسوولیت باید در جای دیگر مورد بررسی قرار گیرد.

(ج) محور بحث اگرچه کنترل و تحدید موالید است اما مبانی ذکر شده اختصاص به این موضوع ندارد و حکم مذکور در غالب موارد یک مصداق خواهد بود.

(د) آن چه در این مقاله مورد بحث قرار می‌گیرد

بیشتر حوزه عمومی موضوع مورد بحث است، اما این که از ناحیه حوزه خصوصی مسوولیتی متوجه حکومت هست یا خیر و محدوده حریم خصوصی چیست، مواردی هستند که بحث از آن‌ها به نحو تفصیل در این مقال نمی‌گنجد.

۱-۴. مبنای اول: نسبت حکومت با حوزه خصوصی و شخصی

اگرچه واژه «حریم خصوصی» در محاورات و نیز در مباحث سیاسی و حقوقی مکرر به کار می‌رود، هنوز تعریف متقن و مشخصی از آن بیان نشده است. زیرا مفهوم حریم خصوصی ریشه‌های عمیقی در مباحث فرهنگی، جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی جوامع دارد. به طور خلاصه می‌توان گفت که امروزه، حق حریم خصوصی حقی است نسبت به زندگی کردن با میل و سلیقه خود و با حداقل مداخله و ورود دیگران. به دیگر سخن، حریم خصوصی حقی است که بر اساس آن افراد تعیین می‌کنند که دیگران تا چه اندازه می‌توانند به لحاظ کمیت و کیفیت، اطلاعاتی درباره آنان داشته باشند. از مجموع تعاریف متعدد که برای شناسایی حریم خصوصی از عمومی ارائه شده است، می‌توان حریم خصوصی را این گونه تعریف کرد: «قلمروی از زندگی هر فرد که آن فرد نوعاً و عرفاً انتظار دارد که دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند یا به آن قلمرو وارد نشوند یا به آن قلمرو نظارت نکنند یا به هر صورت دیگری وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهند» (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۲۱۰).

ما در این نوشتار می‌کوشیم در حد توان به این پرسش پاسخ دهیم که آیا کنترل و تحدید موالید در حوزه دخالت و مسوولیت دولت قرار می‌گیرد یا خیر؟ و اصولاً قلمرو حکومت حاکم الهی تا کجاست؟ مسئله محدوده ولایت و قلمرو اختیارات «حکومت ولایی» از جمله مسائل مهم و مورد بحث فقیهان شیعه بوده و هست. اقوال فقیهان در این مسئله در بدو نظر بسیار مختلف و متفاوت به نظر می‌رسد.



آخوند خراسانی صاحب کفایه الاصول، محدوده ولایت معصومان را خارج از امور شخصی می داند و معتقد است که حضرات معصومان (ع) با اموال مردم، معامله بقیه مردم را می نموده اند. مردم موظف نیستند به اوامر و نواهی ائمه (ع) غیر از امور سیاسی و احکام شرعی، در امور عادی گردن بنهند. قدر متیقن آیات و روایات وجوب اطاعت معصومان (ع) در اوامری است که از جهت نبوت و امامت ایشان صادر شده باشد (آخوند خراسانی، ۱۴۰۶، ص ۹۱). این فقیه عالیقدر در زمینه حدود ولایت امام معصوم معتقدند که: «شکی نیست که امام (ع) در مهام امور کلی سیاسی که وظیفه روسا و رهبران است ولایت دارد، اما در امور جزئی متعلق به اشخاص نظیر خرید و فروش خانه و امثال آن، از جمله تصرف در اموال مردم، ولایت امام (ع) محل اشکال است و با ادله ای که مخالف این تصرف است، تقابل می یابد. ادله ای از قبیل آن چه دلالت بر عدم نفوذ تصرف دیگران در ملک شخصی بدون اجازه مالک آن دارد و نیز آن چه دلیل عدم حلیت اموال بدون رضا و طیب نفس مالک است.» (همان، ص ۹۳).

محقق نایینی نیز همانند آخوند خراسانی بر پایه نظریات اصولی، گسترش دامنه ولایت حاکم را در خارج از حوزه شریعت نمی پذیرد (نایینی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۲).

نظر حضرت امام خمینی (ره) در زمینه قلمرو ولایت، در آثار فقهی اصولی ایشان کاملاً مشخص است. همان اختیارات پیامبر و امام (ع) در امور عمومی و مسائل سلطانی و موارد مرتبط با حکومت با رعایت مصلحت جامعه اسلامی.

امام خمینی دامنه نفوذ حاکم اسلامی را تا آن جا گسترش می دهد که شامل حوزه خصوصی افراد نیز می شود. هر چند که ایشان اعمال قدرت و نفوذ حکم حاکم را به وجود مصلحت عمومی مشروط کرده است ولی این گونه به نظر می رسد که امام خمینی ولایت را به گونه دیگری تفسیر می کند که با تفسیر آخوند خراسانی و نایینی تفاوت بنیادین

دارد. به نظر وی ولایت نه تنها در حوزه تشریحی بلکه در حوزه تکوینی نیز ادامه می یابد. بنابراین ولی فقیه به نوعی خلیفه و جانشین خداوند در زمین و دارای قدرت تصرف در امور مادی است. در حوزه تشریح نیز در منطقه الفراغ که احکام شرعی وجود ندارد و به عرف و عقلا واگذار شده نیز ولایت می یابد (ر.ک: خمینی، ۱۳۷۲، ص ۳۱). از این جاست که امام در مواردی چون کنترل موالید و محدود کردن مالکیت خصوصی با استناد به مصلحت عمومی دخالت دولت و قدرت حاکم را مجاز می داند. در پاسخ اینکه کنترل موالید شرعاً صحیح است یا نه امام می نویسد: راجع به موالید تابع آن است که حکومت چه تصمیمی بگیرد (خمینی، ۱۳۶۹، ص ۳۹).

امام مسائل حکومتی را از مسائل غیرمرتبط باحکومت تفکیک کرده درمسائل قسم اخیرتقید به احکام شرعی اولی را دقیقاً لازم می داند و تنها قسم اول را محدوده احکام حکومتی و حکم سلطانی می داند (همان، ۱۳۶۹). در نظریات امام عنصر مصلحت در احکام حکومتی به عنوان حکم اولی شرعی به کار می رود. ویژگی اصلی این نظریه امام عدم تقید به احکام فرعی اولی و ثانوی در عین تقید به مصلحت نظام است. برای اداره حکومت اختیاراتی درحد اختیارات سلطانی پیامبر و امام (ع) لازم است تا بتوان با تشخیص مصلحت جامعه اسلامی، مسلمانان را به نحو احسن اداره نمود. به نظر ایشان در حیطه امور عامه ولی فقیه مقید به احکام فرعی اولی و ثانوی نیست. ولی فقیه فراتر از حیطه شرع (اما در چهارچوب دین) می تواند براساس مصلحت نظام، حکم وضع نماید. این احکام نه تنها مانند دیگر احکام شرعی لازم الاتباع و واجب الاطاعه هستند، بلکه درصورت تراحم مقدم برهمه احکام شرعیه فرعیه می باشند. البته این عبارت هرگز به معنای ناامن بودن حوزه خصوصی و حریم شخصی افراد در مقابل قدرت دولت و حاکم نیست. بر این اساس امام در پیام هشت ماده ای خود به ویژه بند ۶ آن، ورود به حریم «خصوصی» افراد را جرم و گناه می داند

و ورود بدون اجازه به آن را مجاز نمی داند. بنابراین
اجمالاً می پذیریم که حکومت اسلامی دست کم
اولاً و بالذات حق دخالت در حوزه خصوصی افراد را
ندارد (همان، ص ۱۸).

۱-۴. استنتاج بر اساس مبنای اول

امور شخصی زمانی که خارج از حوزه خصوصی
قرار می گیرد، موضوع برای دخالت و مسئولیت
حکومت می شود؛ مانند برخی مقررات رانندگی که
بی توجهی به آن تنها به ضرر شخص خواهد بود
اما مأموران حکومت حق جلوگیری از آن را دارند.
مانند بستن کمر بند ایمنی. با همه اختلاف نظر
در معنای ولایت و حدود اختیارات و دامنه قدرت
حاکم اسلامی، این قدرت به حوزه عمومی محدود
می شود، چه این حوزه عمومی شامل احکام فرعی
شرعی باشد و یا فراتر از آن، ولی هرگز به حوزه
خصوصی و حریم شخصی افراد کشیده نمی شود،
در صورتی که مساله ای مانند کنترل مولید، که
اگرچه به ظاهر امری کاملاً شخصی می باشد، به
دلیل دارا بودن بعد عمومی، عرصه دخالت حکومت
قرار می گیرد.

۲-۴. مبنای دوم: امر به معروف و نهی از منکر و رابطه آن با حکومت اسلامی

پرسشی که در این جا مطرح می شود این است
که حکومت اسلامی در مقام اجرا چه نسبتی با
مجموعه فروع دین دارد و کدام یک از آنها به صورت
اختصاصی یا اشتراکی در محدوده وظایف اجرایی
حاکم اسلامی قرار می گیرد؟ در مورد نماز برخی
موارد آن اساساً امری حکومتی است مانند نماز جمعه
(جعفریان، ۱۳۷۰، ص ۳۰).

زکات و به ویژه خمس، با وجود اختلاف نظریات در
این خصوص، ارتباط اجرایی آن با حاکم اسلامی را
نمی توان نادیده گرفت (التمیمی المغربي، ۱۳۸۳،
ص ۲۵۳). جهاد در فرض ابتدایی آن اساساً وظیفه
ای است که به امام (ع) یا حاکم مربوط است (حلبی،
۱۴۰۳، ۵، صص ۲۴۶-۲۴۷). در فرض دفاعی نیز هر
چند منوط به اذن وی نیست اما جزء وظایف وی نیز

به شمار می رود (حلی (محقق)، ۹۸۵، ۱، ص ۵).
حال پرسش این است که امر به معروف و نهی
از منکر، از این نظر چه حکمی دارد؟ آیا حکومت
اسلامی نسبت به آن مسئولیتی دارد؟

تردید نیست این حکم اگر شامل حاکم اسلامی
حتی به صورت ویژه شود، چنان که از مستندات و
نصوص آن به خوبی پیداست، با شرایطی که در فقه
آمده، بر تمام مکلفان واجب است. از جمله این آیه:
«و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یا مرون
بالمعروف و ینهون عن المنکر و یقیمون الصلاة و
یؤتون الزکاة و یطیعون الله و رسوله، اولئک سیرحهم
الله ان الله عزیز حکیم» (توبه: ۷۱).

از سوی دیگر، یکی از مسئولیت های حکومت
اسلامی امر به معروف و نهی از منکر است. اساساً
طبق گفته برخی از فقها بسیاری از مراتب امر و
نهی به ویژه با وجود حکومت اسلامی، جزء شئون
آن به شمار می رود (حلی (علامه)، ۱۴۱۵، ۴، ۴۷۵).
خاستگاه اصلی امر حسب چنان که شرح آن خواهد
آمد، همین وظیفه است.

یکی از بهترین ادله ای که حاکم را مصداقی روشن
برای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر معرفی
می کند موثقه مسعده بن صدقه است. وی نقل می
کند کسی از امام صادق (ع) در باره امر به معروف
و نهی از منکر پرسید که آیا بر همه امت واجب
است؟ امام فرمود: نه. گفته شد: چرا؟ فرمود: «انما
هو علی القوی المطاع العالم بالمعروف من المنکر
لا علی الضعیف الذی لا یهدی سبیلاً الی ای من
ای،». فقط وظیفه کسی است که توانا و مطاع و
آگاه به معروف و منکر باشد، نه بر ناتوانی که راه به
جایی ندارد» (حر عاملی، ۱۴۱۶، ۶، ص ۱۲۶).

بی شک مصداق روشن «قوی مطاع» دولت اسلامی
است. یکی از وظایف مهم و کلیدی دولت اسلامی،
تلاش جهت به بار نشاندن احکام و شعائر اسلامی
و مبارزه با زمینه های تباهی در قالب سیاست
گذاری ها و برنامه ریزی در همه زمینه ها از جمله
امر به معروف و نهی از منکر است.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

سپس حضرت به آیه «ولتکن منکم امة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» (آل عمران: ۱۰۴) استدلال کرد که خاص است نه عام. زیرا سخن از لزوم وجود گروهی در جامعه اسلامی است که امر به معروف و نهی از منکر را بر عهده بگیرند.

ضرورت دخالت دولت در این عرصه، بیشتر بدان جهت است که اگر این مهم به آحاد جامعه واگذار شود و از نقش قانون گذاری و نظارت و حتی اجرایی دولت غافل شویم، شاهد برخوردهای همراه با افراط و تفریط خواهیم بود.

۱-۲-۴. استنتاج بر اساس مبنای دوم

با فرض پذیرش وظیفه شرعی امر به معروف و نهی از منکر برای حکومت، شکی نیست که حکم کنترل موالید در جامعه نیز در محدوده این وظیفه قرار می گیرد، چرا که پای بندی به آن، در شرایط عادی، یک معروف شرعی مسلم و ترک آن با توجه به وضعیت کنونی جامعه اسلامی «منکر» است. و محدوده این وظیفه نیز در عرصه عمومی شامل تمام مواردی است که این حکم در اصل وجود دارد و یا مایه فساد و یا بی اعتنایی دیگران باشد.

۳-۴. مبنای سوم: نسبت تنظیم و کنترل موالید با مسئولیت های حکومت اسلامی از منظر فقه به نظر می رسد عمده ترین و دست کم فراگیرترین مبنا در بررسی نسبت کنترل موالید با حکومت، مسئله اهداف و مسئولیت های کلی دولت اسلامی است که خود در چند شاخه قابل بررسی و ارزیابی می باشد. در این رابطه آن چه مهم تر به نظر می رسد، آشنایی با دلایلی است که می توان از نگاه فقه بر حکومتی بودن مساله کنترل موالید ارائه داد. **دلیل نخست:** می توان در یک نگاه فراگیر، مجموعه احکام اسلام را به دو دسته زیر تقسیم نمود:

الف) احکام فردی مانند احکام مربوط به نماز و روزه و این احکام صرفاً با فرد و عملکرد او در ارتباط هستند. هر چند ممکن است آثار و پیامدهای

اجتماعی نیز داشته باشند. برای مثال در جامعه ای که نماز برپا داشته می شود، بزه کاری کمتری به چشم می خورد که «ان الصلاه تنهی عن الفحشاء و المنکر» (عنکبوت: ۴۵)

ب) احکام اجتماعی مانند وجوب دفاع، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، ازدواج و طلاق، احکام مربوط به اداره جامعه، کشورداری و به طور کلی احکامی که در بستر جامعه، نمود پیدا می کنند و موضوعیت می یابند (فیض، ۱۳۸۵، صص ۲۵ و ۱۳۷-۱۳۹).

حکم کنترل موالید از احکام اجتماعی و از موضوعاتی است که پیوند وثیق و ارتباط مستقیم با جامعه و نظام حاکم بر جامعه اسلامی دارد. بر همین اساس شایسته است تنظیم مقررات، جهت اجرای این حکم به دولت سپرده شود.

دلیل دوم: وظایف کلی دولت اسلامی

بی تردید از وظایف دولت و حاکم اسلامی آن است که زمینه ساز سعادت اخروی و دنیوی مردم و فراهم آوردن بستر رشد و تعالی آنها باشد. در نامه امام علی(ع) به یکی از کارگزارانش به نام عثمان بن حنیف آمده است: «فاعلم ان افضل عباد الله عند الله امام عادل هدی و هدی، فاقام سنه معلومه و امان بدعه المجهوله» (سید رضی، ۲۳۴، خطبه ۱۶۴) و در روایتی معروف که آن را شیخ صدوق با سند خود از فضل بن شاذان نقل می کند، وی از امام رضا (ع) از فلسفه حکومت و ضرورت وجود حاکم می پرسد و حضرت می فرمایند: چون مردم در محدوده ای مشخص، محدود شده اند و فرمان یافته اند از آن چارچوب نگذرند، این امر ثابت نیست مگر این که شخصی امین بر آنان گمارده شود..... تا آنان را از فساد بازدارد و احکام را در میانشان اقامه نماید (صدوق، ۲۰۰۶، ۱، ص ۲۵۱).

بر اساس مفاد روشن این حدیث از وظایف حکومت اسلامی، ممانعت از ورود مردم به کارهای مفسده انگیز است و بدیهی است انجام این وظیفه، نیازمند تنظیم مقررات و صدور احکام حکومتی است. مسئولیت

دولت نسبت به افراد و خانواده ها در عصر حاضر با گذشته بسیار متفاوت است. در زمان گذشته عمده وظیفه دولت ایجاد امنیت و رسیدگی به دعاوی بود اما امروزه جامعه و دولت مسئولیت های زیادی نسبت به خانواده ها دارد: تعلیم و تربیت، ایجاد اشتغال، تقویت فرهنگ بومی، رشد علمی و تامین امکانات رفاهی، بهداشتی و اگر دولت قادر به تامین این امور نباشد مورد اعتراض قرار می گیرد و از آن جا که رابطه بین دولت و خانواده ها متقابل است بنابراین خانواده ها نیز تعهدی نسبت به دولت و جامعه پیدا می کنند.

تنظیم خانواده یکی از مواردی است که بحث فوق بر آن منطبق است. به عبارت دیگر تکثیر نسل آثار و پیامدهایی دارد که به گستردگی و دشواری وظایف دولت منجر می شود و حکومت باید تامین کننده آنها باشد. از این رو چنین نیست که فقط والدین حق تنظیم نسل را داشته باشند و جامعه و مسئول جامعه نسبت به آن، حقی نداشته باشد (ایازی، ۱۳۷۴، صص ۹۳-۹۷).

در این مبنا در پی پاسخ به این پرسش نیستیم که حکم کنترل موالید امری حکومتی است یا نه؟ بلکه این پرسش را پی می گیریم که کنترل موالید در خارج از حوزه و محدوده حریم خصوصی، به عنوان یک مسئله دینی اجتماعی آیا در حوزه مدیریت و مسئولیت های حکومت «نیز» قرار می گیرد؟ مانند مسئله حفظ محیط زیست و بهداشت که هر چند در اصل یک مسئله حکومتی نیست، اما دست کم امروزه یکی از مسائل عمده مطرح در حکومت هاست، هر چند اختصاص به آنها ندارد. در مورد کنترل و تنظیم موالید نه تنها شواهدی مبنی بر حکومتی بودن آن وجود ندارد بلکه موردی در تاریخ شیعه و اهل سنت وجود ندارد که زوجین به دلیل نداشتن فرزند یا داشتن تعداد کم فرزندان مجازات شده باشد. حتی برخی از علما معتقدند: «در هیچ کتاب فقهی نداریم که افزایش اولاد واجب است؛ حتی اگر کسی اصلاً بچه دار نشود، نمی گوئیم کار

حرامی انجام داده است» (نادری، ۱۳۹۲، ص ۱۵۰ به نقل از آیت الله ناصر مکارم شیرازی) هر جا امری مجازات داشته در کتب روایت جزء جزء آن ذکر شده است اما در مورد این مساله نه تنها روایتی در این زمینه نداریم بلکه احادیث فراوان مبنی بر کنترل و تنظیم تعداد فرزندان وجود دارد (پیام زن، ۱۳۸۲، ص ۱۱۷).

این مبنا را در چند قسمت مورد بررسی قرار می دهیم.

۱-۳-۴. برخی ادله و شواهد روایی

در میان متون روایی و تاریخی پاره ای موارد را می یابیم که نشان می دهد ائمه (ع) از موضع حکومت در باره ابعاد کمی خانواده موضعی داشته اند. از جمله در حدیثی مشهور از امیر المومنین علی (ع) در نهج البلاغه آمده که آن حضرت فرمودند: «قله العیال احد الیسارین» (سید رضی، کلمه قصار ۱۳۵) و از پیامبر اکرم (ص) است که فرمودند: «اللهم من احببني فارزقه الكفاف والعفاف و من ابغضني ماكثر ماله و ولده» (مجلسی، لوح فشرده انتشارات نور، ص ۶۴).

قصد ما استدلال و استشهاد به چنین مواردی نیست، بلکه چنین مواردی می رساند حکومت در برابر اجرای این احکام اجمالا مسئولیت دارد.

۲-۳-۴. حق حکومت اسلامی

بنابر پذیرش اصل ولایت فقیه و نقش او در امور اجتماعی و سیاسی، حاکم شرع می تواند متناسب با شرایط و نیازهای جامعه، مساله کنترل جمعیت و مسایل وابسته به آن را مدیریت کند. با توجه به مطالب گفته شده و بنابر پذیرش مبنای اختیارات حکومت اسلامی نسبت به امور جامعه، در مورد کنترل موالید می توان گفت: وظیفه حکومت اسلامی تبلیغ و اجرای احکام اولیه است و مادام که ضرورت ها یا مصالح اجتماعی موجب پدید آمدن احکام ثانوی و حکومتی نشده است، حاکمان جامعه اسلامی باید مجری دستورات اولیه شرع انور باشند (خمینی، سید حسن، پیشین، ص ۱۸).

اما در صورتی که حکومت اسلامی تشخیص دهد که رشد بی رویه جمعیت، معضلات جدی برای اجتماع به وجود خواهد آورد، می تواند بنا به حکم لا ضرر و لا ضرار- قانونی را برای پیشگیری از آن وضع نماید و این در واقع مقید نمودن امر مباحی است که بنا به تشخیص حاکم شرع و ولی فقیه، مقید شده است (تسخیری، ۱۴۰۹، ۳۱۷ به نقل از طلعتی، صص ۱۴۳-۱۴۴).

ولی امر مسلمانان به خاطر دارا بودن این منصب حق خواهد داشت که در محدوده احکام و اهداف اسلام و با توجه به رعایت مصلحت، احکامی را که برای اداره جامعه لازم است، صادر کند. وی وظیفه دارد بر اساس درک مصالح و مفاسد همگانی، احکامی را، هر چند ناسازگار با نصوص اسلامی، به مورد اجرا درآورد (صرامی، ۱۳۸۰، ص ۶۵). اجرای این حکم ها و قانون ها از جمله در باب جمعیت و مسائل آن، بایسته و لازم و همانند شریعت، از اعتبار برخوردارند. بنابراین بحث تنظیم خانواده و کنترل موالید، محدود به تصمیمات شخصی و فردی خانواده ها نیست.

۳-۳-۴. مسئولیت از باب امور حسبه

جایگاه مسئولیت ها و خاستگاه تصرفات حاکم یا حکومت اسلامی، همان اختیار و حق تصرفی است که از باب «ولایت» به حاکم و حکومت واگذار شده است، نه از باب «حسبه». در میان اهل سنت باب گسترده ای با عنوان حسبه معرف بخششی از مسئولیت و اختیارات حاکم اسلامی می باشد و خاستگاه اصلی آن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر است (مرتضوی، پیشین، ص ۱۲۰)؛ چنان که ابن خلدون نوشته است:

«اما الحسبه فهی وظیفه دینیة من باب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر الذی هو فرض علی القائم بامور المسلمین، یعنی لذلك من یراه اهلاً له فیتعیّن فرضه علیه، و یتخذ الأعوان علی ذلك و یبحث عن المنکرات، و یعزّر و یؤدب علی قدرها و یحمل الناس علی المصالح العامّة فی المدینة؛ حسبه وظیفه ای دینی از باب امر به معروف و نهی از منکر

می باشد که وظیفه متولی امور مسلمانان است و برای آن فردی شایسته را معین می کند و این وظیفه بر عهده او می افتد و افراد را به کمک می گیرد. منکرات را پی گیری می کند و به تناسب آن تعزیر و تأدیب می کند و مردم را بر مصالح عمومی شهر و می دارد» (ابن خلدون، ۱۳۷۴، فصل ۳۲ از فصل ۳، ص ۴۰۹). «در فقه شیعه برخی فقیهان، حکومت را نیز از باب امور حسبه می دانند، در حالی که برخی دیگر دایره امور حسبه را ضیق گرفته، حکومت را از مصادیق آن نمی دانند» (شریعتی، ۱۳۸۷، ص ۳۰۰). سوالی که این جا مطرح می شود این است که اگر حتی خاستگاه دخالت و تصرف حاکم در عصر غیبت را نه ولایت بلکه از باب «حسبه» شمردیم آیا جلوگیری از تحدید و تنظیم موالید و سایر موارد مشابه در این محدوده قرار می گیرد یا نه؟ از مجموع ادله و شواهد در باب وظایف و اختیارات حکومت اسلامی چه بسا بتوان این قاعده کلی را در باب معروف و منکر استنباط کرد که آن دسته از امور اجتماعی و عمومی که جامعه اسلامی به گونه ای نیازمند آن است و ترک یا فعل آن مورد ابتلا و نیاز جامعه است و متولی خاصی ندارد یا به تنهایی از عهده آن بر نمی آید و از این قبیل، در دایره مسئولیت و دخالت حاکم قرار می گیرد. تحدید و تنظیم موالید نیز در این محدوده قرار دارد.

۳-۳-۴-الف محدودده حسبه

محدوده امور حسبیه و احتساب را می توان گسترش معروف و دفع منکر در جامعه شمرد. برخی دایره «منکر» را تمام آنچه عقل یا شرع نمی پذیرد شمرده اند، حتی اگر فقط «مکروه» باشد یا حتی «مباح» باشد ولی از نظر عرف کار پسندیده ای نباشد. «ربّ امر لا یکون بالذات محرّماً و لکن مصالح المجتمع و البلاد تقتضی تحدید حرّیات الافراد بالنسبة الیه؛ چه بسا کاری که ذاتاً حرام نیست اما مصالح جامعه و کشور می طلبد آزادی افراد نسبت به آن محدود شود» (منتظری، ۱۴۰۹، ۲، ۲۷۰) وظایف محتسب به دو گروه عمده تقسیم می شود:

امر به معروف و نهی از منکر (ماوردی، ۱، ۱۴۱۰، صص ۳۹۴-۴۱۳). برخی از دیگر وظایف محتسب عبارتند از نظارت بر اخلاق عمومی، نظارت بر اصناف، نظارت بر فرهنگ عمومی، آیین‌های مذهبی و صاحب‌جوهر، یکی از اختیارات حاکم را ختنه کردن مردی می‌شمارد که به این وظیفه شرعی تن نمی‌دهد بلکه ایشان حتی آن را در صورت نبود «حاکم» از باب «حسبه» و وظیفه آحاد مردم می‌داند: «و للحاکم ختن الکامل الممتنع منه بل للآحاد بطریق الحسبه مع فقد الحاکم» (نجفی، ۶، ۱۳۸۶، ص ۶۷۲).

در حالی که این حکم، امری کاملاً خصوصی، شخصی و پنهان است. اما از این جهت که وظیفه‌ای شرعی است شخص حاکم از باب «حسبه» و وظیفه اجرای آن را دارد! با این وصف، آیا می‌توان گفت حکم تنظیم موالید که مورد توجه رهبر انقلاب و از جمله مسائلی است که با حفظ کیان جمهوری اسلامی ایران مرتبط است، امری است که در حوزه دخالت و مسئولیت حاکم اسلامی قرار نمی‌گیرد؟

۳-۳-۴. استنتاج بر اساس مبنای سوم

با توجه به مجموع محورهایی که در برشماری اهداف و وظایف حاکم اسلامی ذکر شد، تردیدی نمی‌ماند که حکومت اسلامی مسئولیت دفع هر نوع مفسده عمومی و نیز برپایی واجبات و حتی اقامه مستحبات - به هدف اینکه که اصل آن از میان نرود - را دارد و محدوده این مسئولیت در خصوص کنترل موالید نیز برابر دایره خود حکم در جامعه می‌باشد. البته حوزه خصوصی که در دایره حریم خصوصی افراد قرار می‌گیرد اجمالاً از این محدوده بیرون است.

۴-۴. مبنای چهارم: اهداف و وظایف کلی حکومت اسلامی

با توجه به این که حکم اولیه شرع انور بر افزایش و توالد هست، آیا دولت اسلامی حق دارد مردم را ترغیب به کنترل جمعیت کند یا خیر؟ این موضوع باید در مبحث اختیارات ولی مورد بررسی قرار گیرد بنابراین به چند مورد از اختیارات ولی فقیه اشاره می‌کنیم.

صدور احکام الزامی یا تحریمی در محدوده امور مباح، بدین معنا که امر مباحی را به جهت مصلحت اجتماعی ضروری، واجب یا حرام کند. تشخیص موارد تراحم در امور اجتماعی (تقدیم اهم بر مهم)، (طلعتی، پیشین، ص ۱۴۲)؛ یعنی زمانی که یک حکم شرعی اجتماعی با حکم شرعی اجتماعی دیگری تراحم کند و امکان عمل به هر دو نیز ممکن نباشد، در این جا وظیفه حاکم است که به تشخیص خود اهم را بر مهم، مقدم کند. قاعده تقدیم اهم بر مهم، قاعده‌ای عقلی است که همه انسان‌های عاقل آن را ادراک می‌کنند و بدان ملتزم می‌شوند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ش، ۲۴۵).

بنابر وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، افراد جامعه را به عمل به واجبات ملزم نماید (ر.ک: نراقی، ۱۳۶۵، صص ۵۴۶-۵۵۰). حال آیا بین حدود اختیارات ولی فقیه در اموری که اباحه فردی دارد با اموری که اباحه جمعی دارند، فرقی وجود دارد؟ به عبارت دیگر حدود اختیارات ولی فقیه در امور فردی مقید به قیود است اما در امور جمعی این گونه نیست؟

برخی بر این باورند که اسلام برخی احکام را به صورت دائمی برای افراد تشریح کرده مانند ازدواج و طلاق (موسوی الصافی، ۱۴۲۹، ص ۲۱) دولت اسلامی حق ندارد چنین مواردی را محدود کرده یا قیودی برای آن قرار دهد. در مقابل برخی میان امور مباح مانند راه رفتن و امور مباح دیگر مانند ازدواج و طلاق تفاوت قائل شده و معتقدند حلیت اموری مانند ازدواج و طلاق، نسبت به اصل این موارد و بدون لحاظ کردن قیود و شرایط، به دست شارع است اما اگر برخی قیود و شرایط را مدنظر داشته باشیم، مثلاً در جایی که دولت اسلامی مصلحت بداند که ازدواج مقید به نوشتن نزد کاتب عادل شود، در این صورت این حق برای دولت اسلامی وجود دارد. البته در صورتی که تراحمی میان امر

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

مباح و بقای نظام اجتماعی عمومی که اهم است، وجود نداشته باشد و گرنه امر عقلاً و شرعاً مقدم می شود (طلعتی، پیشین، ص ۱۴۳).

۱-۴-۴. استنتاج بر اساس مبنای چهارم

با توجه به اختیارات ولی فقیه در مانحن فیه می توان گفت: در صورتی که حکومت اسلامی تشخیص دهد که رشد بی رویه جمعیت، معضلات جدی برای جامعه به وجود خواهد آورد، می تواند با تشخیص ضرورت این امر، قانونی را برای پیشگیری از آن وضع نماید و این در واقع مقید نمودن امر مباحی است که بنابر تشخیص ولی فقیه و حاکم شرع، مقید شده است. بنابراین ممکن است قانونی در مورد تعداد فرزندان وضع نماید (مومن قمی، ۱۴۱۵، ص ۶۸). در این محورها فرقی میان حکم کنترل موالید و سایر احکام شرعی نیست و بسته به اهمیت حکم، حاکم اسلامی در اتمام به آن و اقامه عملی آن مسئولیت دارد.

۵- نسبت حکم شرعی تحدید موالید و قانون

وظیفه حکومت اسلامی اجرای احکام اولیه است و حاکمان جامعه اسلامی باید مجری دستورات اولیه دین مبین باشند. اما دسته ای دیگر از احکام، احکام ثانوی هستند که بیش از آن که جنبه فردی داشته باشند، نمود و بعد اجتماعی و حکومتی دارند. چرا که این احکام، ابزار کارآمدی است که حاکم اسلامی می تواند به کمک آنها، بسیاری از دشواری های جامعه اسلامی را رفع نموده و در امور مهمی مانند تعیین و کنترل قیمت ها، مسائل پولی و ارزی، بانکداری، مالیات، تجارت داخلی و خارجی، مهار تورم، کنترل و تنظیم جمعیت و ... از آنها کمک بگیرد. کنترل جمعیت از مسائلی است که تحت حکم اولیه باقی نمانده است و تابع حکم حکومتی هست و همین امر عاملی می شود که در اذهان این سوال مطرح شود که اساساً آیا حکم اولی برای موضوع متصور است و یا این که موضوع مورد بحث در ازمنه و امکانه متفاوت دارای احکام متفاوتی است. ظاهراً هیچ یک از فقها و اندیشمندان اسلامی قایل به وجوب تکثیر

نسل نشده اند. البته نصوص فراوانی وجود دارد که از آن ها مطلوبیت تکثیرنسل استفاده می شود و حتی در پاره ای از آن ها، امر به تکثیر ولد شده که فی نفسه، ظهور در وجوب دارد؛ اما به دلیل ادله معارض و قرائنی که بر استحباب وجود دارد، ناچار باید این روایات را حمل بر استحباب نمود.

اما آنچه مورد بحث واقع می شود این است که حکم کنترل موالید چیست؟ آیا به صرف اینکه حکمی در اسلام ولو به نحو استحباب، آمده باشد، تخلف از آن، می تواند پی گیری و کیفر حکومت را به دنبال داشته باشد یا ابتدا باید در لباس قانون و در قالب مقررات تفصیلی مصوب و مورد اجرا در آید تا عنوان تخلف از قانون و جرم صدق کند. به عبارت دیگر تردیدی نیست مسئله کنترل موالید در شرایط خاص، به عنوان یک امر اجتماعی که حکومت حق پی گیری آن را دارد، قابل این هست که موضوع قانونگذاری قرار گیرد اما آیا پیش از آن تنها براساس اصل حکم شرعی آن قابل تعقیب هست یا نه؟ «برخی آن را حداکثر گناهی شخصی می دانند که قابل پی گیری نیست. از جمله گفته اند: در امر کنترل موالید مطلق دین با دموکراسی سازگار است زیرا حکم کنترل موالید یا عدم آن به صراحت در قرآن ذکر نشده و هیچ مجازاتی برای عاملین به تحدید موالید تعیین نشده است» (مرتضوی، پیشین، ص ۵۰).

به نظر می رسد این مدعا قابل دفاع باشد که آن دسته از احکامی که جزء مسلمات و قطعیات دین است مانند اصل حکم حجاب، امر به معروف و نهی از منکر و موارد مشابه، اساساً جای اجتهاد و نظریه پردازی فقهی نیست و از این رو منوط به قانونگذاری نیست ولی سایر احکام به دو دلیل لازم است از مجاری قانون گذاری بگذرد تا قابل ورود حکومت در آن حکم و پی گیری آن باشد. اصل کنترل موالید در شرایط خاص هر چند امری قطعی است اما احکام فرعی و جزئی آن همانند اندازه، کیفیت، محدوده و کیفر ترک آن، به دو دلیل نیازمند قانون است.

لازمه پذیرش نظام قانونگذاری و اداره کشور بسط قانون به تمام عرصه‌هایی است که حکومت حق دخالت دارد. هر مسئله‌ای که در فقه محل اجتهاد و عرصه نظریه پردازی فقهی باشد طبعاً زمینه اختلاف نظر در آن وجود دارد. بنابراین هم شرع و هم مصلحت اجرا و قانونگذاری اقتضا می‌کند که نظام اجرایی و قضایی باید چارچوبی مشخص و ثابت، و در واقع وحدت رویه‌ای در اجرا داشته باشد. مثال روشن آن مسئله اجازه ولّی در ازدواج دختر است که با توجه به اقوال مختلف و آثار اجتماعی قابل توجه، نیازمند قانون است و نمی‌توان آن را واگذار به فتاوا کرد (همان، ص ۵۰).

۶- جمع بندی و نتیجه گیری

تکثیر نسل آثار و پیامدهایی دارد که به گستردگی و دشواری وظایف دولت منجر می‌شود و حکومت باید تامین کننده آنها باشد. از جمله تعلیم و تربیت، ایجاد اشتغال، تقویت فرهنگ بومی، رشد علمی و تامین امکانات رفاهی، و بهداشتی. اگر دولت قادر به تامین این امور نباشد مورد اعتراض قرار می‌گیرد و از آن جا که رابطه بین دولت و خانواده‌ها متقابل است بنابراین خانواده‌ها نیز تعهدی نسبت به دولت و جامعه پیدا می‌کنند. چنین نیست که فقط والدین حق تنظیم نسل را داشته باشند و جامعه و حاکم نسبت به آن، حقی نداشته باشد. رییس حکومت امین و مکلف به حفظ مصالح ملی است و بر وی جایز نیست در حفظ مصالح تفریط و کوتاهی داشته باشد و سیاست‌های کلی اتخاذ کند که مردم را ملزم به تنظیم نسل یا داشتن تعداد معینی فرزند کند. تحدید کلی نسل، مورد تایید شارع مقدس نیز نمی‌باشد هم چنین تعداد فرزندان را که یک خانواده باید داشته باشد را نمی‌تواند تحدید نماید و اگر گاه به تحدید نسل عمومی تعبیر می‌شود، به معنای آن است که دولت اسلامی همت خود را در جهت طرح برنامه‌هایی برای ارتقای آگاهی افراد جامعه و آمادگی برای قبول

و پذیرش برنامه‌های تنظیم خانواده، به کار بندد. البته امت اسلامی نیز می‌تواند سیاست‌های تنظیم خانواده را، به صورت تشویقی نه الزامی، به اجرا گذارد. مساله دخالت و مسئولیت حکومت اسلامی در اجرا و برپایی حکم کنترل جمعیت در جامعه را بر اساس اصول و مبانی چندی می‌توان بررسی و ارزیابی کرد. هر چند برخی از این مبانی نمی‌تواند این مسئولیت را در تمام مصادیق عمومی آن ثابت کند اما دست کم بر اساس سه مبنا و اصل، به خوبی می‌توان چنین مسئولیتی را برای حکومت ثابت کرد. یکی نسبت حکومت با حوزه عمومی، دیگری امر به معروف و نهی از منکر، و سوم، اهداف و مسئولیت‌های حکومت اسلامی. از مجموع موارد یاد شده نیز به روشنی پیداست که لزوم کنترل یا عدم کنترل جمعیت در عرصه عمومی در حوزه اختیارات و مسئولیت‌های نظام اسلامی قرار دارد و هیچ تردیدی در آن نیست؛ در حوزه خصوصی تنها احکام شریعت الهی است که نحوه رفتاری را تعیین می‌کند و دولت و حاکم هیچ گونه نقشی را نمی‌تواند در این حوزه به عهده گرفته و یا بازی کند. اگر پرسشی باشد به حوزه مصلحت اندیشی در مقام اجرا و شیوه اجرایی آن برمی‌گردد و این امر نیز اختصاص به اجرای حکم مذکور ندارد.

منابع و ماخذ

ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۴) مقدمه، مترجم: پروین گنابادی، محمد، چاپ هشتم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی .
ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۱) علل الشرایع، مترجم: سید محمد جواد ذهنی تهرانی، قم، اندیشه هادی، چاپ دوازدهم.
ایازی، محمد علی (۱۳۷۳) اسلام و تنظیم خانواده، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
انصاری، باقر (۱۳۸۶) گزارش تحلیلی درباره طرح حمایت از حریم خصوصی، اطلاع رسانی حقوقی، دوره جدید سال ششم، شماره ۱۲، ۱۳۸۶.
تقوی، نعمت الله (بی تا) جمعیت و تنظیم خانواده،

- تبریز: نیما.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹) ولایت فقیه، محقق: محمد محرابی، چاپ نهم، قم: مؤسسه اسراء.
- جهان فر، محمد (۱۳۷۶) مبانی جمعیت شناسی، چاپ اول تهران، دهخدا.
- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۷۹) بهداشت و تنظیم خانواده، چاپ اول، تهران، بقیه.
- حسینی طهرانی، محمد حسین (۱۴۲۵) رساله نکاحیه، چاپ دوم، مشهد، مؤسسه تنظیم و نشر دوره علوم و معارف اسلام.
- حلبی، تقی بن نجم ابو الصلاح (۱۴۰۳) الکافی فی الفقه، تحقیق: استاد، رضا، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمومنین علی(ع).
- دخداپرست، جواد (۱۳۹۴) کنترل جمعیت با رویکرد فقهی، فصلنامه علمی- تخصصی محفل، معاونت پژوهشی حوزه علمیه استان تهران، شماره هفتم برگرفته از سایت اینترنتی در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۱۰ <http://pajooresh.howzettehran.com>
- خرازی، سید محسن (۱۳۷۹) کنترل جمعیت و عقیم سازی، مجله فقه اهل بیت، شماره ۲۲، ۱۳۷۹.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۲) ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ، (۱۳۶۹) صحیفه نور، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- خمینی، سید حسن (۱۳۸۲) مبانی فقهی تنظیم خانواده، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام (کمیسیون مطالعات اسلامی) (۱۳۹۱) جمعیت در منابع اسلامی (جهت تدوین سیاست های کلی) مجری: پوریانی، محمد حسین.
- رهبری، حسن (۱۳۸۵) اسلام و ساماندهی جمعیت، چاپ اول، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
- رضی (سید)، ابوالحسن محمد (۱۳۷۹) نهج البلاغه، مترجم: انصاریان، حسین، تهران، پیام آزادی.
- شریعتی، روح الله، (۱۳۸۷) قواعد فقه سیاسی، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۹) اقتصاد ما، چاپ سوم، قم، انتشارات دارالکتاب اسلامی، نشر برهان و اسلامی.
- صرامی، سیف الله، (۱۳۸۰) احکام حکومتی و مصلحت، چاپ اول، تهران (مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام)، نشر عبیر.
- طلعتی، محمد هادی (۱۳۸۳) رشد جمعیت، تنظیم خانواده و سقط جنین، چاپ اول، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
- فیض، علیرضا (۱۳۸۵) مبانی فقه و اصول، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳) الکافی، محقق: غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- کیهان، روح الله (۱۳۴۸) کنترل مولید، تهران، چاپ بهمن.
- مرتضوی، سید ضیاء (۱۳۸۶) ماهنامه پیام زن، ش ۱۸۴ و ۱۸۵، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ، مبانی فقهی حجاب و مسئولیت دولت اسلامی، فصلنامه فقه، سال چهاردهم، شماره ۵۱ و ۵۲، (۱۳۸۶).
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱) خاتمیت، چاپ پانزدهم، تهران، انتشارات صدرا.
- معزی، اسدالله (۱۳۷۱) مبانی جمعیت شناسی، چاپ دهم، تهران، آوای نور.
- نادری، فرج الله (۱۳۹۲) کنترل جمعیت از دیدگاه اسلام، چاپ اول، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین (۱۴۰۶) حاشیه بر مکاسب، تصحیح سید مهدی شمس الدین، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
- بوطی، محمد سعید رمضان، (۱۴۰۹) مسأله تحدید النسل وقایه و علاجاً، چاپ چهارم، دمشق: مکتبه

الفارابي.

-----، تحديد النسل و تنظيمه، مجله مجمع
الفرقه الاسلامى، ش ٥، ١٤٠٩ق.

تازرى، مصطفى كمال (١٤٠٩ق) تحديد النسل و
تنظيمه، مجله مجمع الفرقه الاسلامى، ش ٥، ١٤٠٩ق.
تسخيرى، محمد على (١٤٠٩ق) راي فى تنظيم
العائله و تنظيم النسل، مجله مجمع الفرقه الاسلامى،
ش ٥، ١٤٠٩.

حرّ عاملى، محمد بن الحسن (١٤١٦) وسائل الشيعه،
چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء
التراث.

حلى (محقق)، ابوالقاسم جعفر بن حسن (٩٨٥)
النهايه و نكتها (نسخه كتابخانه آستان قدس رضوى)،
قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين
حوزه علميه قم.

حلى (علامه)، حسن بن يوسف بن مطهر (١٤١٥)
مختلف الشيعه، ج ٤، قم: مكتب الاعلام الاسلامى.
سلامه، الطيب (١٤٠٩ق) تنظيم النسل و تحديده،
مجله مجمع الفرقه الاسلامى، ش ٥، ١٤٠٩ق.

قمى (صدوق)، ابو جعفر، محمد بن على بن حسين
بن بابويه، (٢٠٠٦) علل الشرايع، چاپ اول، بيروت،
دارالمرضى.

الكبيسى، فواد محمد (١٤٢٦) الانجاب، لبنان،
موسسه دار النوادر.

محمد عباده، حاتم امين (٢٠١١) تحديد النسل و
تكثره و مدى سلطه الدوله فى منع الانجاب، چاپ
اول، اسكندريه، دارالفكر الجامعى.

موسوى الصافى، السيد حسين (١٤٢٩) تحديد و
تنظيم النسل فى ضوء الشريعه و علم الحديث، قم،
نور وحى.

مومن قمى، محمد (١٤١٥) كلمات سديده فى مسائل
جديده، چاپ اول، قم، موسسه النشر الاسلامى.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ٤١ زمستان ٩٤
No.41 Winter 2015

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

■ ۳۰۸ ■

بررسی تاثیر کیفیت زندگی کاری بر عملکرد شغلی با میانجی گری توانمندسازی روانشناختی شهروندان

رضا رستمی* - مربی، عضو هیات علمی رشته مدیریت دانشگاه پیام نور، ایران.
عبدالمجید محمدی - مربی، عضو هیات علمی رشته مدیریت دانشگاه پیام نور، ایران.
محمد نظری - مربی، عضو هیات علمی رشته مدیریت دانشگاه پیام نور، ایران.
اکبر ویسمرادی - مربی، عضو هیات علمی رشته حسابداری دانشگاه پیام نور، ایران.
سیدصادق بحرینی - استادیار، عضو هیات علمی رشته مدیریت دانشگاه پیام نور، ایران.

The effect on the quality of working life, job performance mediating psychological empowerment of citizens

Abstract

The aim of this study was to design a structural model of the relationship between quality of work life and job performance and also the role of mediator psychological empowerment of citizens. The study of the purpose and the method of data collection, descriptive, correlative and, in particular, is based on structural equation modeling. Conceptual model based on research done previously formed. In this study, three types of standard questionnaire which its validity and reliability have been approved. For data analysis, factor analysis was used to identify factors in the conceptual model. In recognition of the relationship between the variables of the path analysis of structural equation modeling to estimate the relationship between variables and is used by the software SPSS and AMOS. The sample of the research staff of Kermanshah PNU and the final results showed that the initial conceptual model is fitted perfectly and have a direct impact on the quality of work life and job performance was significant And indirect impact through psychological empowerment of citizens was confirmed.

Key words: quality of working life, job performance, psychological empowerment of citizens

چکیده

هدف از پژوهش حاضر طراحی الگوی ساختاری از روابط میان کیفیت زندگی کاری با عملکرد شغلی و نیز بررسی نقش میانجی توانمندسازی روانشناختی شهروندان است. این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه جمع آوری اطلاعات توصیفی و از نوع همبستگی و به طور مشخص مبتنی بر مدل معادلات ساختاری است. مدل مفهومی این تحقیق بر مبنای تحقیقات انجام شده قبلی شکل گرفته است. در این تحقیق از سه نوع پرسشنامه استاندارد استفاده شده که روایی و پایایی آن مورد تایید قرار گرفته است. در تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی به منظور شناسایی عوامل موثر در مدل مفهومی استفاده شده است. در شناسایی روابط میان متغیرها از روش تحلیل مسیر که از نوع مدلیابی معادلات ساختاری است جهت برآورد میزان ارتباط متغیرها و به کمک نرم افزارهای SPSS و AMOS استفاده شده است. نمونه آماری این تحقیق کارکنان دانشگاه پیام نور استان کرمانشاه بوده و نتایج نهایی نشان داد که مدل مفهومی اولیه از برازش مناسبی برخوردار بوده و تاثیر مستقیم کیفیت زندگی کاری بر عملکرد شغلی معنادار بوده و تاثیر غیرمستقیم آن نیز از طریق توانمندسازی روانشناختی شهروندان تایید شد.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی کاری، عملکردشغلی، توانمندسازی روانشناختی شهروندان

مقدمه

مهمترین سرمایه سازمان‌ها و عامل تحقق اهداف و برنامه‌های هر سازمان افرادی هستند که در آن کار می‌کنند. صاحب‌نظران معتقدند که بدون نیروی انسانی ماهر، توانمند، متعهد و خشنود تحقق اهداف سازمانی غیرممکن است. با وجود اینکه پیشرفت فناوری‌های ارتباطی سازمان‌ها را به سمت مجازی بودن (با مشخصه عدم تمرکز نیروی انسانی از نظر جغرافیایی و متغیر بودن تعداد کارکنان) سوق می‌دهد، اما در هر حال تحقق اهداف اقتصادی، تجاری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی - چه در سطح کلان و ملی و چه در سطح بنگاه‌های خرد - مستلزم وجود افرادی است که در قالب سازمان، اداره شرکت، مؤسسه و حتی خانواده فعالیت می‌کنند (حرآبادی فراهانی، ۱۳۹۲، ص ۸).

عدم رضایت کارکنان از کیفیت زندگی کاری مشکلی است که تقریباً توجه به مقام و جایگاه آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هدف بسیاری از سازمانها افزایش رضایت این مسأله پیچیده است. گاهی اوقات عبارت کیفیت زندگی کاری مفاهیم زیادی را در بر می‌گیرد که یکی از این مفاهیم ادراک کارکنان از زندگی کاری و غیرکاری است (نسل و دراکی، ۲۰۰۶، ص ۴). امروزه کیفیت زندگی کاری به عنوان یک مفهوم جهانی در مرحله مدیریت منابع انسانی و توسعه سازمانی مورد تأمل قرار گرفته و تأمین و ارتقا آن کلید اصلی موفقیت مدیریت هر سازمان به شمار می‌رود. کیفیت زندگی کاری به عنوان یکی از فنون بهبود سازمانی مورد توجه مدیران ارشد سازمانها می‌باشد (عالمه، ۱۳۷۸، ص ۱۲).

کیفیت زندگی کاری

کیفیت زندگی کاری برنامه‌ای جامع و گسترده است که رضایت کارکنان را افزایش می‌دهد، یادگیری آنها را در محیط تقویت می‌کند و به آنها در امر مدیریت، تغییر و تحولات یاری می‌رساند. عدم رضایت کارکنان از کیفیت زندگی کاری مشکلی است که تقریباً به همه کارمندان بدون توجه به

مقام و جایگاه آنها آسیب می‌رساند. هدف بسیاری از سازمان‌ها افزایش رضایت کارکنان در تمام سطوح است، اما این مسئله پیچیده‌ای است، زیرا تفکیک و تعیین اینکه چه مشخصه‌هایی با کیفیت زندگی کاری رابطه دارند، امری دشوار است. کیفیت زندگی کاری ساختاری پویا و چندبعدی دارد که مفاهیمی نظیر امنیت شغلی، نظامهای پاداش، فرصتهای پیشرفت آموزشی و شغلی و شرکت در تصمیم‌گیری را دربر می‌گیرد (داچ و شرمن، ۱۹۹۳، ص ۱۲). اخیراً اظهار داشته‌اند که برنامه‌های کیفیت زندگی کاری که در ایالات متحده به کار گرفته شده است، مشارکت کارمندان را در تصمیم‌گیریهای مربوط به فن‌آوری جدید، محیط کاری و آموزش مهارتها افزایش می‌دهد. به معنای دقیق‌تر، کیفیت زندگی کاری مجموعه‌ای از روشها و اقداماتی است که به افزایش و حفظ رضایت کارمندان کمک می‌کند و هدف آن بهبود شرایط کاری آنها و افزایش کارایی سازمان است (سراجی، ۲۰۰۹، ص ۹). مروری بر ادبیات موجود نشان می‌دهد که تعریف معمول و پذیرفته شده‌ای برای کیفیت زندگی کاری وجود ندارد و متغیرهای مختلفی از قبیل خط‌مشی سازمانی، سبکهای رهبری، روشها و عملیات بر روی نگرش کارکنان از کیفیت زندگی کاری تأثیر می‌گذارند (لیوز و دیگران، ۲۰۰۷). همان‌طور که سازمان ILO در گزارش کار جهانی خود آورده است تعریف واحد معمولی که به طور عمومی مورد قبول همگان باشد وجود ندارد (وندل، ۱۹۹۵، ص ۳). مفهوم کیفیت زندگی کاری در حال حاضر مربوط به فلسفه‌ای در سازمانهاست که می‌خواهد شأن و منزلت کارکنان را افزایش دهد، تغییراتی در فرهنگ سازمانی ایجاد کند و رفاه فیزیکی و روحی کارکنان را افزایش دهد. در بعضی سازمانها، برنامه‌های کیفیت زندگی کاری قصد دارند اعتماد و توانایی حل مسئله کارکنان را افزایش دهند و در نتیجه رضایت و اثربخشی سازمانی را افزایش دهند (کاسیو، ۱۹۹۵، ص ۲۵).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

بهبود کیفیت زندگی در گرو بهبود وضع اقتصادی و اشتغال است. اتخاذ راهبردهای بلند مدت دولت در این زمینه و اجرا و ارزیابی آنها می‌تواند در آینده تاثیر چشمگیری در کیفیت زندگی و کار داشته باشد (سلمانی، ۱۳۸۴، ص ۸). مفهوم کیفیت زندگی کاری در تمام ابعاد آن در زمینه کارایی و اثربخشی سازمانها و برای دست یابی به نتایج مطلوب سازمانی وضع شده است. از طرفی کیفیت زندگی کاری بر چسبی برای بیان نظریه‌های اخیر طرح شغل شده است تا سبب افزایش رضایت خاطر کارمند و استعدادهای تولیدی او گردد.

در بسیاری از برنامه‌های کیفیت زندگی کاری تلاش بر آن بوده است تا رضایتمندی شغلی عملکرد کارکنان از طریق ارتقاء سطح انگیزش دورنی آنان افزایش یابد. یافته‌های مطالعاتی نشان می‌دهد اجرای این برنامه‌ها موجب کاهش میزان شکایات کارکنان، کاهش نرخ غیبت از کار، کاهش میزان اعمال مقررات انضباطی، افزایش نگرشهای مثبت کارکنان و افزایش مشارکت آنان در برنامه‌های نظام پیشنهادها شده است (گوردون، ۱۹۹۵، صص ۶۳۳-۶۳۵). یکی از عوامل مهمی که بر عملکرد افراد در سازمان مؤثر بوده و تأثیرات آن عملکرد سازمانی مورد توافق صاحب نظران علوم رفتاری سازمانی است، نحوه و شرایط کیفیت زندگی کاری در سازمانها است.

توجهی که اکنون به کیفیت زندگی کاری می‌شود بازتابی است از اهمیتی که همگان برای آن قائلند. کارکنان درخواست دارند در پیامدهای اقتصادی و غیر اقتصادی کارشان تغییراتی داده شود. اهمیت پاداشهای غیر اقتصادی در مقایسه با اهمیت پاداشهای اقتصادی هم اکنون در حال افزایش است، به ویژه در نزد کارکنانی که از آموزش و پرورش بالینی بهره مند هستند چنین به نظر می‌رسد که نیاز شدیدی به بهتر کردن کیفیت زندگی کاری بسیاری از کارگران و کارمندان وجود دارد. بهبود «کیفیت زندگی» کاری به هر فعالیتی اطلاق

می‌گردد که در هر سطحی از سازمان رخ می‌دهد و هدف از آن افزایش اثربخشی سازمان از طریق بالا بردن مقام و منزلت و فراهم نمودن امکان ترقی می‌باشد. کیفیت زندگی کاری فرایندی است که سهامداران سازمان، مدیریت، اتحادیه‌ها و کارکنان می‌آموزند چگونه باید با یکدیگر بهتر کار کنند. عملیات را برای خود تشریح نمایند و بهبودهای لازم را اعمال نمایند تا دو هدف بهبود کیفیت زندگی کاری برای اعضای سازمان و افزایش اثربخشی شرکت و اتحادیه‌ها بطور همزمان تحقق یابد (فلیپو، ۱۹۸۷، ص ۱۲).

ابعاد کیفیت زندگی کاری

کیفیت زندگی کاری که از اوایل دهه ۱۹۷۰ مطرح شد، در طول چند دهه گذشته با توجه به زوایای متفاوت مورد بررسی قرار گرفته است. نگرش جاری به کیفیت زندگی کاری کلیه جنبه‌های مربوط به کارکنان، منافع سازمان و جامعه را هم زمان مدنظر قرار می‌دهد و محدود به تغییر محتوای کار، یکنواخت کردن قوانین و استانداردهای کار، بهبود سازمانی و غنی سازی شغل نیست. بلکه ضمن توجه به کلیه عوامل مذکور، به انسانی کردن کار و محیط کار به منظور ایجاد علاقه و انگیزه در کارکنان از طریق پاسخگویی به نیازهای آنان، زمینه‌های پیشرفت و بهبود شایستگی‌های آنان احترام به شخصیت آنان، جلب مشارکت و همکاری و توجه به عوامل فیزیکی و روانی محیط کار نیز می‌پردازد. در واقع کیفیت زندگی کاری نوعی احساس مسئولیت اجتماعی در مدیران ایجاد می‌کند که به منافع کارکنان نیز بیندیشد تا در مقابل کارکنان نیز منافع سازمان را تضمین نمایند. ریچارد والتون در مقاله‌ای در کنفرانس کیفیت زندگی کاری، یکی از بهترین توضیحات را در مورد یک کیفیت زندگی کاری ارائه نمود (والتون، ۱۹۷۳، ص ۱۳). والتون در ارائه چارچوبی برای تجزیه و تحلیل کیفیت زندگی کاری آن را به هشت عامل تقسیم نمود. عوامل هشت گانه مدل والتون به شرح زیر می‌باشد:

۱. «پرداخت منصفانه و کافی»: منظور پرداخت

مساوی برای کار مساوی و نیز تناسب پرداختها با معیارهای اجتماعی و معیارهای کارکنان و تناسب آن با دیگر انواع کار می باشد. پاداشهای تعلق گرفته به کارکنان در کار نیز بایستی بالاتر از حداقل استاندارد زندگی باشد.

۲. «محیط کاری ایمن و بهداشتی»: منظور، ایجاد

شرایط کاری ایمن از نظر فیزیکی و نیز تعیین ساعات کار منطقی است. همچنین محیط کاری بایستی اثرات آلودگی را که می تواند تأثیر معکوسی بر وضعیت فیزیکی و ذهنی کارکنان در محیط کار بر جای گذارد، کاهش دهد.

۳. «تأمین فرصت رشد و امنیت و مداوم»: به

معنای فراهم نمودن زمینه بهبود تواناییهای فردی، فرصتهای پیشرفت و فرصتهای به کارگیری مهارتهای کسب شده و تأمین امنیت درآمد و اشتغال میباشد. کارکنان نبایدست تحت شرایط ثبات کاری و درآمدی در آینده کار کنند.

۴. «قانون گرایی در سازمان کار»: منظور، فراهم

نمودن زمینه آزادی سخن کارکنان بدون ترس از انتقام مقام بالاتر و نافذ بودن سلطه قانون نسبت به سلطه انسانی می باشد؛ لذا بایستی رویه های خاصی که ناظر بر تضمین حقوق کارکنان می باشد، در محیط کاری وجود داشته باشد.

۵. «وابستگی اجتماعی زندگی اجتماعی»: به

چگونگی برداشت (ادراک) کارکنان در مورد مسئولیت اجتماعی سازمان اشاره دارد. این مؤلفه اقداماتی که در جهت افزایش درک کارکنان نسبت به مقاصد و اهداف سازمان و اهمیت مشارکت آن در تحقق آن اهداف انجام می گیرد را نیز شامل می شود.

۶. «فضای کلی زندگی»: این مؤلفه به برقراری

توازن و تعادل بین زندگی کاری و دیگر بخش های زندگی کارکنان شامل اوقات فراغت، تحصیلات و زندگی خانوادگی می شود. این عامل توجه به فعالیتهای کاری بر روی زندگی خصوصی کارکنان را نیز شامل می شود.

۷. «یکپارچگی و انسجام اجتماعی در سازمان»: ایجاد

یک فضا وجود کاری که احساس تعلق کارکنان به سازمان و اینکه آنان مورد نیاز سازمان می باشند را تقویت نماید. در این راستا هر چیزی که بالقوه می تواند منجر به عدم شناسایی افراد با گروههایی که بدان تعلق دارند، بایستی از صحنه کار حذف و ارزش، حفظ اصالت، منافع افراد در سازمان و تشویق به شکل گیری تیمها و گروههای اجتماعی منجر شود.

۸. «توسعه قابلیت های انسانی»: به فراهم بودن

فرصت هایی چون استفاده از استقلال و خود کنترلی در کار، بهره مند شدن از مهارت های گوناگون، دسترسی به اطلاعات متناسب با کار و برنامه ریزی کار برای کارکنان اشاره دارد. در این راستا مشاغل بایستی به گونه ای طراحی شوند که قابلیت برآورده نمودن نیاز سازمان به تولید و نیازهای افراد به کار جالب، پرمعنا و چالشی را داشته باشد.

عملکرد شغلی

عملکرد شغلی یکی از مؤلفه های اثرگذار در سازمانها است که بخش مهمی از مطالعات سازمانی را دربر گرفته است. واژه ای است که هم مفهوم فعالیت برای انجام کار و هم نتیجه کار را یکجا دربر دارد (یمنی، ۱۳۷۳). یکی از عمده موضوعات مورد بحث در مسائل سازمانی به درک صحیح عملکرد شغلی شهروندان بر می گردد. عملکرد فرد در یک سازمان به نوع شخصیت او و نقش سازمانی که به عهده دارد و نیز به موفقیت و شرایط سازمانی بستگی دارد. این شرایط به عنوان محیط، فرهنگ، احساس، مهارت های ارتباطی و توانمندسازی مورد مطالعه و توجه قرار گرفته است (ژه ای و همکاران، ۱۳۸۸). توانمندسازی روان شناختی و عملکرد شغلی نیز دو متغیر سازمانی هستند که اثر به سزایی بر اثربخشی و موفقیت یک سازمان دارند. وجود سازمان های مناسب در هر جامعه ای که بتوانند با کارآمدی و اثربخشی از عهده ی وظایف خود برآیند، از مهمترین وسایل دستیابی به پیشرفت و ترقی است. کارآمدی

و اثربخشی در وظایف، عملکرد شغلی مطلوب را خلق می‌کنند. بنابراین، سازمانها برای نیل به کارآمدی و اثربخشی در انجام وظایف و در نهایت بهبود عملکرد شغلی اعضای خود باید بر عواملی متمرکز شوند که موجبات عملکرد شغلی مطلوب را فراهم کنند (فرخ نژاد و همکاران، ۱۳۹۰).

توانمندسازی شهروندان

از نظر «کانگر و کانگو» توانمندسازی عبارت است از فرایند تقویت شایستگی افراد سازمان از طریق شناسایی شرایطی که باعث احساس بی‌قدرتی در آنها شده و تلاش در جهت رفع آنها با کمک اقدامات رسمی و همچنین با بهره‌گیری از فنون غیررسمی و نیز تهیه و تدارک اطلاعاتی که به کفایت آنها در سازمان کمک می‌کند (کانگر، ۱۹۹۸). امروزه توانمندسازی به عنوان یکی از ابزارهای سودمند ارتقاء کیفی کارکنان و افزایش اثربخشی سازمانی تلقی می‌گردد. به منظور کسب موفقیت در محیط در حال تغییر کسب و کار امروزی، سازمانها به دانش، نظرات، انرژی و خلاقیت کلیه کارکنان، اعم از کارکنان خط مقدم تا مدیران سطح بالا نیازمندند. جهت تحقق این امر، سازمانها از طریق توانمندسازی کارکنان به منظور تشویق آنان به ابتکار عمل بدون اعمال فشار، ارج نهادن به منافع جمعی سازمان با کمترین نظارت و انجام وظیفه به عنوان مالکان سازمان، اقدام می‌نمایند.

هدف توانمندسازی به کار انداختن و استفاده بهینه از مغزهای افراد همانند بازوان آنهاست. در شرایط متغیر امروزی، سازمان چاره‌ای جز بهره برداری مناسب از نیروی انسانی ندارد و تنها عاملت ایجاد تعادل در سازمان توانمندسازی کارکنان خواهد بود. نتایج مطالعات توانمندسازی به وضوح اثرات مثبت آن را بر فرآیندهای کاری از جمله تغییر در نگرش کارکنان نشان می‌دهد. استقلال در کار، منجر به افزایش رضایت شغلی، کاهش استرس، تقلیل ابهام و مواردی چنین می‌گردد. قدرت و آزادی در تصمیم‌گیری از دیگر اثرات نگرشی آن می‌باشد.

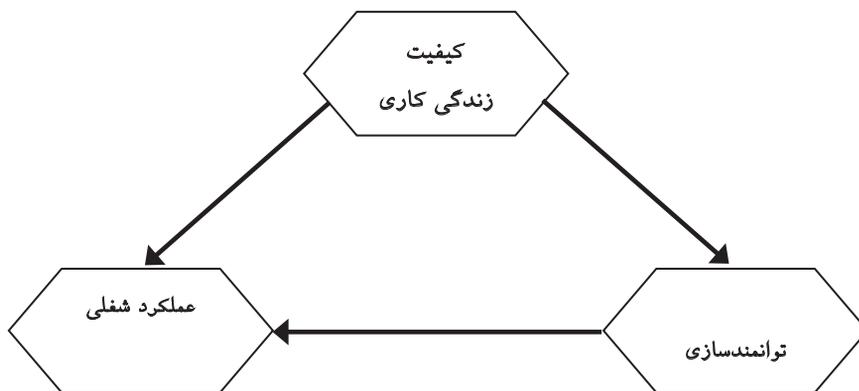
اما از اثرات رفتاری آن می‌توان به افزایش اعتماد به نفس کارکنان، افزایش قدرت انطباق، تسریع در پاسخگویی به مشتریان و مواردی این چنین نام برد. کارکنان توانمند در عملکرد سازمان تأثیر مثبتی خواهند داشت و سازمانهای موفق، توسعه و توانمندسازی منابع انسانی را به عنوان یک اصل اساسی مورد توجه قرار می‌دهند. بررسی‌ها نشان می‌دهد مواردی چون عدم به کارگیری شیوه‌های نوین مدیریت، ضعف در فرهنگ کار گروهی، ارتقای مهارت و دانش کارکنان، عدم استفاده از قابلیت‌ها و استعدادهای بالقوه آنان در رفع مشکلات، عدم توجه به ایجاد بستر مناسب خلاقیت، نوآوری کارکنان و خودکنترلی به عنوان برخی از عوامل مشکل ساز برای سازمانهای عصر حاضر می‌باشد.

پیشینه تحقیق

مفهوم کیفیت زندگی کاری دامنه‌ای از مفاهیم نظری را با هدف تعدیل مشکلات سازمانی دربر می‌گیرد (مارتل، ۲۰۰۶). کیفیت زندگی کاری را ادراک کارکنان از بهداشت فیزیکی (جسمی) و روانی (ذهنی) خود در محیط کار تعریف کرده و عوامل آن را بدین شرح برشمرده است: مشارکت کارکنان، توسعه شغلی، حل تعارض، ارتباط، سلامت، امنیت شغلی، جبران برابر و محیط امن و افتخارآمیز (میرکمالی، ۱۳۸۳). همچنین آرمسترانگ می‌گوید کیفیت زندگی کاری یعنی رضایت یک کارمند از برآورده شدن نیازهایش از طریق منابع، فعالیتهای و نتایجی که از درگیری و مشارکت در محیط کار بدست می‌آید. او همچنین می‌گوید محققان بسیاری دریافته‌اند که کیفیت زندگی کاری شخص، معمولاً تحت تاثیر تجربه کاری و انتظارات شغلی آینده‌اش قرار می‌گیرد (آرمسترانگ، ۲۰۰۷). کیفیت زندگی کاری را عکس العمل کارکنان در برابر کار، به ویژه پیامدهای ضروری آن در ارضای نیازهای شغلی و سلامت روحی، تعریف می‌کنند (والتون، ۲۰۰۷). با استفاده از این تعریف کیفیت زندگی کاری بر پیامدهای شخصی، تجربه کاری و چگونگی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق از ارتباط کیفیت زندگی کاری، توانمندسازی شهروندان و عملکرد شغلی

شی یا پدیده واقعی، یکسان است. بدین ترتیب درشرایطی که امکان دسترسی به تمام جزئیات امور و روابط پدیده‌ها، مشکل، پرهزینه و وقت‌گیر است مدل، آنها را سهل و آسان می‌کند و با برخورداری از امکان تجزیه و تحلیل، پیش‌بینی نتایج را ممکن می‌نماید (رزاقی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۴). در این تحقیق سه مفهوم کیفیت زندگی کاری، توانمندسازی شهروندان و عملکرد مدل مفهومی تحقیق را تشکیل می‌دهند (شکل ۱) که در آن کیفیت زندگی کاری با توانمندسازی و عملکرد رابطه مستقیم و به صورت غیر مستقیم و از طریق توانمندسازی بر عملکرد تاثیر غیرمستقیم دارد.

فرضیه‌های تحقیق

کیفیت زندگی کاری بر عملکرد شغلی تاثیر دارد. کیفیت زندگی کاری بر توانمندسازی روانشناختی شهروندان تاثیر دارد. کیفیت زندگی کاری با میانجی‌گری توانمندسازی روانشناختی شهروندان بر عملکرد شغلی تاثیر دارد.

روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق کلیه کارکنان دانشگاه پیام نور استان کرمانشاه به تعداد ۵۲۷ نفر بوده که با استفاده از جدول تعیین حجم کرجسی ومورگان به روش تصادفی ساده تعداد ۲۱۷ نفر از آنها انتخاب گردید. این پژوهش از

بهبود کار به منظور رفع نیازهای فرد تأکید دارد. در بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۶ پژوهشهای فراوانی در زمینه کیفیت زندگی کاری انجام شده است که نتایج آنها نشان می‌دهد کیفیت زندگی کاری رابطه مثبتی با سایر متغیرهای موجود در سازمان (رضایت شغلی، بهره‌وری، تعهد سازمانی) دارد که می‌توان از جمله آنها به عملکرد سازمانی اشاره کرد. تحقیقات انجام شده به این موضوع اشاره دارد که بین کیفیت زندگی کاری، توانمندسازی و عملکرد سازمانی رابطه‌ای مثبت و قوی برقرار است (علی اکبری، ۱۳۸۳). در تحقیقی دیگر ضریب همبستگی بین کیفیت زندگی کاری و عملکرد شغلی ۰/۲۹۴ می‌باشد (رمضانی، ۱۳۸۰). خرازیان در پایان‌نامه خود به این نتیجه رسید که بین کیفیت زندگی کاری و عملکرد مدیران رابطه معناداری وجود دارد و تنها بین مولفه‌های حقوق و مزایای منصفانه و کیفیت شغل با عملکرد مدیران رابطه معناداری وجود ندارد.

مدل مفهومی تحقیق

مدل به مجموعه‌ای مادی، ریاضی یا منطقی اطلاق می‌شود، که ساخت‌های اساسی یک واقعیت را می‌رساند و در سطح خود، قادر به تبیین آن و ارائه کارکردهایش است (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۴۵۸). مدل جزء کوچک بازسازی شده‌ای از یک شی یا پدیده‌ی بزرگ است که از لحاظ کارکرد با آن

نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات توصیفی و از نوع همبستگی است. در طراحی مدل تحقیق از مدل یابی معادلات ساختاری استفاده شده است. در این تحقیق کیفیت زندگی کاری به عنوان متغیر مستقل، و عملکرد شغلی متغیر وابسته و توانمندسازی متغیر میانجی موثر بر عملکرد شغلی است. عملکرد شغلی به صورت مستقیم و غیر مستقیم تحت تاثیر متغیر کیفیت زندگی کاری است. که با استفاده از تکنیک تحلیل مسیر سهم هر یک مشخص خواهد شد. نظر به اینکه روش های آماری همبستگی و تحلیل رگرسیون در تعیین روابط علی بین متغیرها، دارای محدودیت می باشد (بندورا، ۱۹۸۶، به نقل از حجازی، ۱۳۸۷). پژوهشگران بر استفاده از روش های علی مانند تحلیل مسیر و تحلیل معادلات ساختاری تأکید ورزیده اند (هومن، ۱۳۸۸).

ابزارهای اندازه گیری

برای جمع آوری اطلاعات در این پژوهش از سه پرسشنامه استاندارد استفاده شده است که در زیر به بررسی آنها پرداخته می شود.

پرسشنامه کیفیت زندگی کاری

این پرسشنامه بر اساس مولفه های کیفیت زندگی کاری و بر اساس پرسشنامه استاندارد والتون طراحی شده است. ریچارد والتون در مقاله ای در کنفرانس کیفیت زندگی کاری، یکی از بهترین توضیحات را در مورد یک کیفیت زندگی کاری ارائه نمود (والتون، ۱۹۷۳: ۱۲-۱۱). والتون در ارائه چارچوبی برای تجزیه و تحلیل کیفیت زندگی کاری آن را به هشت عامل تقسیم نمود. این پرسشنامه در ۸ بعد شامل موارد پرداخت منصفانه و کافی، محیط کار ایمن و بهداشتی، تامین فرصت رشد و رشد و امنیت مداوم، قانون گرایی در سازمان کار، وابستگی اجتماعی زندگی کاری، فضای کلی زندگی، یکپارچگی و انسجام اجتماعی در سازمان و توسعه قابلیت های انسانی است. در تحقیقی نعیمی و همکاران (۱۳۹۰) دامنه اعتبار این پرسشنامه را در روش آلفای کرونباخ

۰/۶۶ و در روش تصنیف ۰/۸۸ برآورد کردند.

پرسشنامه توانمند سازی

در این تحقیق از پرسشنامه توانمندسازی روانشناختی اسپریتزر استفاده شده است که ۵ بعد را مورد بررسی قرار می دهد. البته مولفه اعتماد از آن حذف شده است و به جای آن مولفه مشارکت با دیگران با ۶ سوال مربوطه به پرسشنامه نهایی اضافه شده است. بنابراین این پرسشنامه در پنج بعد؛ احساس معنی داری شغل، احساس شایستگی در شغل، احساس داشتن حق انتخاب، احساس مؤثر بودن و احساس مشارکت با دیگران و در ۱۹ گویه تنظیم و بر اساس مقیاس پنج گزینه ای لیکرت (۵-۱) و به صورت کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم تنظیم شده است. اسپریتزر (۱۹۹۰) با استفاده از روش آلفای کرونباخ و روش باز آزمایی، پایایی پرسشنامه را تعیین نموده است که ضرایب پایایی آلفای کرونباخ در نمونه ای از یک شرکت فنی و مهندسی ۰/۷۲ و در نمونه ای از اداره بیمه ۰/۶۲ و ضریب پایایی باز آزمایی در نمونه سازمانی ۰/۹۲ و در نمونه اداری ۰/۸ گزارش شده است (برزگر، ۱۳۹۲).

پرسشنامه عملکرد شغلی

پرسشنامه عملکرد شغلی پاترسون (۱۹۷۰) دارای ۱۵ سوال و دربرگیرنده ۷ بعد شامل توانایی، وضوح نقش، حمایت، انگیزه، بازخورد، اعتبار و محیط است که توسط ارشیدی و شکرکن (۱۳۷۵) ترجمه شده است. ضریب پایایی این پرسشنامه در نمونه دبیران مدارس پسرانه شهرستان اهواز با استفاده از فرمول اسپیرمن - براون و روش تصنیف زوج-فرد معادل ۰/۸۴ گزارش شده است. در تحقیق دیگری در نمونه کارکنان شرکت فولاد خوزستان با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ و با روش تصنیف ۰/۸۵ گزارش شده است (برزگر، ۱۳۹۲).

تحلیل عاملی

تحلیل عاملی روشی است برای تحلیل واریانس بین چند متغیر وابسته براساس توصیف آنها برحسب تعداد اندکی متغیر (عامل) نهان. به عبارت دیگر،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

تحلیل عاملی می‌خواهد داده‌های پیچیده را با توصیف آنها برحسب تعداد کمتری متغیر ساده‌سازی کند (مارتین، ۲۰۰۷). در این تحقیق با توجه به کثرت ابعاد مربوط به هر یک از متغیرهای تحقیق، به منظور سهولت تحلیل میان ابعاد متغیرها، تحلیل عاملی از هر متغیر مستقل (کیفیت‌زندگی کاری) و متغیرهای وابسته (توانمندسازی و عملکرد شغلی) انجام شده است. قبل از اجرای تحلیل عاملی لازم است مفروضه های شاخص کفایت نمونه‌برداری (KMO) دست کم ۰/۶ و بالاتر و نیز معناداری آزمون بارتلت مورد بررسی قرار بگیرد (هومن، ۱۳۹۱).

جدول ۱. آزمون کفایت نمونه برداری برای انجام تحلیل عاملی

۰/۷۰۴	KMO شاخص
۰/۷۱۲	مقدار آماره آزمون بارتلت
۰/۰۰۰	سطح معناداری

با توجه به اینکه مقدار شاخص kmo برابر ۰/۷۰۴ و مقدار آماره آزمون بارتلت برابر ۷۱۲٪ بوده و این مقدار نزدیک به یک می‌باشد و سطح معناداری کوچکتر از ۱/۵۲ است تعداد نمونه برای آزمون

تحلیل عاملی مناسب است.

تحلیل عاملی پرسشنامه های تحقیق

نتیجه حاصل از تحلیل عاملی ابعاد هشت گانه کیفیت‌زندگی کاری در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که حدود ۷۳ درصد از واریانس تراکمی متغیرها در دو عامل قابل تبیین است. علیرغم امکان استفاده از این دو عامل در تحلیل روابط میان متغیرها، با توجه به آنکه کیفیت زندگی کاری متغیر مستقل این تحقیق است و جهت دخالت تمامی عوامل در تحلیل مدل مفهومی از تمامی ابعاد هشت گانه استفاده شده است.

جدول شماره ۲ مقادیر ویژه و درصد واریانس تبیین شده پرسشنامه توانمندسازی را نشان می‌دهد. در این جدول در حدود ۷۴ درصد از واریانس میان این ابعاد در دو عامل نشان داده شده است. به همین منظور در تحلیل روابط میان متغیرهای مدل مفهومی از دو عامل ویژگیهای شخصیتی و ارتباطات سازمانی استفاده شده است.

جدول شماره ۳ مقادیر ویژه و درصد واریانس تبیین شده پرسشنامه توانمندسازی را نشان می‌دهد. در این جدول در حدود ۷۶ درصد از واریانس میان این ابعاد در سه عامل نشان داده شده است. به

جدول ۲. مقادیر ویژه و درصد واریانس تبیین شده پرسشنامه

کیفیت‌زندگی کاری

مولفه ها	مقادیر ویژه		
	مجموع	واریانس درصدی	تراکمی درصدی
۱			
۲	۳,۴۳۵	۵۳,۴۷۸	۵۳,۴۷۸
۳	۱,۸۲۳	۲۰,۲۲۲	۷۳,۷
۴	۰,۷۴۵	۷,۹۳۷	۸۱,۶۳۷
۵	۰,۷۲۱	۶,۶۴۳	۸۸,۲۸
۶	۰,۵۶۱	۵,۸۷۲	۹۴,۱۵۲
۷	۰,۳۳۴	۳,۹۰۱	۹۸,۰۵۳
۸	۰,۱۸۹	۱,۹۴۷	۱۰۰

جدول ۳. مقادیر ویژه و درصد واریانس تبیین شده پرسشنامه توانمندسازی

مؤلفه ها	مقادیر ویژه		
	مجموع	واریانس درصدی	تراکمی درصدی
۱			
۲	۲,۷۳۴	۴۸,۲۱۳	۴۸,۲۱۳
۳	۲,۰۱۲	۲۵,۸۷۳	۷۴,۰۸۶
۴	۱,۲۳۲	۹,۷۳۴	۸۳,۸۲
۵	۰,۸۲۱	۵,۵۵	۸۹,۳۷
۶	۰,۶۹۴	۴,۷۱۹	۹۴,۰۸۹
۷	۰,۵۶۶	۳,۴۱۹	۹۷,۵۰۸
۸	۰,۳۱۲	۲,۴۹۲	۱۰۰

جدول ۴. مقادیر ویژه و درصد واریانس تبیین شده پرسشنامه عملکرد شغلی

مؤلفه ها	مقادیر ویژه		
	مجموع	واریانس درصدی	تراکمی درصدی
۱			
۲	۲,۴۷۲	۴۲,۸۱۶	۴۲,۸۱۶
۳	۲,۰۱۲	۱۹,۸۳۶	۶۲,۶۵۲
۴	۱,۵۸۷	۱۴,۰۸۳	۷۶,۷۳۵
۵	۰,۶۸۲	۹,۳۷۲	۸۶,۱۰۷
۶	۰,۴۸۱	۶,۱۰۳	۹۲,۲۱
۷	۰,۲۵۹	۴,۹۳۱	۹۷,۱۴۱
۸	۰,۰۳۵	۲,۸۵۹	۱۰۰

همین منظور در تحلیل روابط میان متغیرهای مدل مفهومی، سه عامل حمایت سازمانی، انطباق شخصیتی و ماهیت کار مدنظر قرار گرفته است. **تحلیل مسیر** تحلیل مسیر روشی است که در آن تلاش می‌شود تا روابط میان پدیده‌ها از حالت کیفی به حالت کمی درآمده و در داخل مدل قرار گیرد. در این حالت به دنبال این مساله هستیم که هر عامل تا چه اندازه بر معلول به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تاثیر می‌گذارد. همچنین در تحلیل مسیر، عناصر مولفه اصلی در مدل مفهومی مورد توجه قرار می‌گیرد تا میزان تاثیر هر یک از مولفه‌ها در ایجاد یک شبکه علی مورد سنجش قرار گیرد (منصورفر، ۱۳۸۶). در بررسی نقش متغیر مستقل (کیفیت زندگی کاری) بر متغیرهای وابسته (توانمندسازی و عملکرد کاری) از روش تحلیل مسیر به منظور تعیین اثرات مستقیم

و غیرمستقیم استفاده شده است. این روش از انواع مدل یابی ساختاری است که در آن علاوه بر نشان دادن تاثیر مستقیم، اثر غیرمستقیم متغیر مستقل بر متغیر وابسته مورد بررسی قرار می گیرد. در شکل ۲ رابطه میان متغیرهای مستقل و وابسته بر مبنای مدل مفهومی تحقیق نشان داده شده است.

برازش الگوی پیشنهادی

به منظور برآورد نیکویی برازش مدل مفهومی از شاخصهای پراکندگی برازش مدل استفاده شده است. جدول ۵ نشان دهنده برخی از این شاخصها در خصوص مدل مفهومی این تحقیق است.

جدول ۵ نشان می دهد که مجذور کای (X^2) برابر با ۲۵۸٫۷ بوده و نسبت مجذور کای به درجه آزادی ۲٫۳ که مقداری مناسب است. همچنین سایر شاخصهای نیکویی برازش مانند جذر میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص نرم شده برازندگی (NIF) و شاخص تاکر لویز (TLI) نیز دارای مقادیر مناسب در تایید نیکویی برازش مدل مفهومی تحقیق هستند.

همچنان که ماتریس همبستگی نشان می دهد، همبستگی میان کیفیت زندگی کاری و توانمندسازی

دارای بالاترین مقدار (۰/۸۲۴) و میان کیفیت زندگی کاری و عملکرد نیز کمترین مقدار (۰/۷۱۳) است. هر دو مقدار در سطح معناداری ۹۵ درصد مورد تایید می باشند. ضریب همبستگی میان توانمندسازی و عملکرد آنان نیز ۰/۷۸۲ است که این متغیر نیز در سطح معناداری ۹۵ درصد مورد تایید می باشد. ماتریس همبستگی هر سه فرضیه تحقیق مبنی بر تاثیر کیفیت زندگی کاری بر توانمندسازی و عملکرد کاری را تایید می کند.

کیفیت زندگی کاری با عملکرد و توانمندسازی رابطه مستقیم دارد. این مقدار در رابطه مستقیم به ترتیب ۰/۷۳ و ۰/۷۱ است. رابطه میان توانمندسازی و عملکرد نیز به میزان ۰/۵۸ برآورد شده است. با توجه به مدل مفهومی تحقیق کیفیت زندگی کاری به صورت غیرمستقیم بر عملکرد تاثیرگذار است که این رابطه با توجه به تاثیر توانمندسازی بر آن قابل برآورد است (۰/۲۳). لذا کل تاثیر مستقیم و غیرمستقیم کیفیت زندگی کاری بر عملکرد عبارت است ۰/۸۱ است.

شکل ۲. مدل نهایی تاثیر کیفیت زندگی کاری بر عملکرد با توجه به نقش متغیر میانجی توانمندسازی

تحلیل رگرسیون میان متغیرها

در تحقیقاتی که از تحلیل رگرسیون استفاده

جدول ۵. شاخصهای برازش مدل مفهومی تحقیق

TLI	NIF	CFI	AGFI	GFI	RMSEA	df/ X^2	X^2
۰/۸۶	۰/۸۳	۰/۹	۰/۶۴	۰/۸	۰/۸۹	۲٫۳	۲۵۸٫۷

جدول ۶. میانگین و انحراف استاندارد و واریانس کیفیت زندگی کاری،

توانمندسازی و عملکرد کاری

متغیر	واریانس	انحراف معیار	میانگین
کیفیت زندگی کاری	۰/۸۳	۰/۹۱	۲۲٫۳
توانمندسازی	۰/۷۸	۰/۸۸	۵۷٫۳
عملکرد کاری	۰/۸۱	۰/۹۰	۴۳٫۳

جدول ۷. ماتریس همبستگی مربوط به تأثیر متغیرهای کیفیت زندگی کاری، توانمندسازی و عملکرد کاری

		۱	کیفیت زندگی کاری
	۱	۰/۸۲۴	توانمندسازی
۱	۰/۷۸۲	۰/۷۱۳	عملکرد کاری

جدول ۸. مقادیر تأثیر مستقیم و غیر مستقیم متغیر مستقل بر متغیرهای وابسته بر اساس تحلیل مسیر

مقدار کل		روابط غیر مستقیم		روابط مستقیم		شرح روابط متغیرهای مدل
مقدار استاندارد شده	مقدار برآورد	مقدار استاندارد شده	مقدار برآورد	مقدار استاندارد شده	مقدار برآورد	
۰/۷۸	۰/۷۳	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۷۸	۰/۷۳	کیفیت زندگی کاری با عملکرد
۰/۸۲	۰/۷۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۸۲	۰/۷۱	کیفیت زندگی کاری با توانمندسازی
۰/۸۹	۰/۸۱	۰/۲۸	۰/۲۳	۰/۶۱	۰/۵۸	توانمندسازی با عملکرد

جدول ۹. رابطه رگرسیونی بین کیفیت زندگی کاری و عملکرد شغلی

متغیر مستقل	ضریب B	t	سطح معناداری	R ^۲
کیفیت زندگی کاری	۰/۷۳	۱۶/۱	۰۰ .۰	۰/۵۳

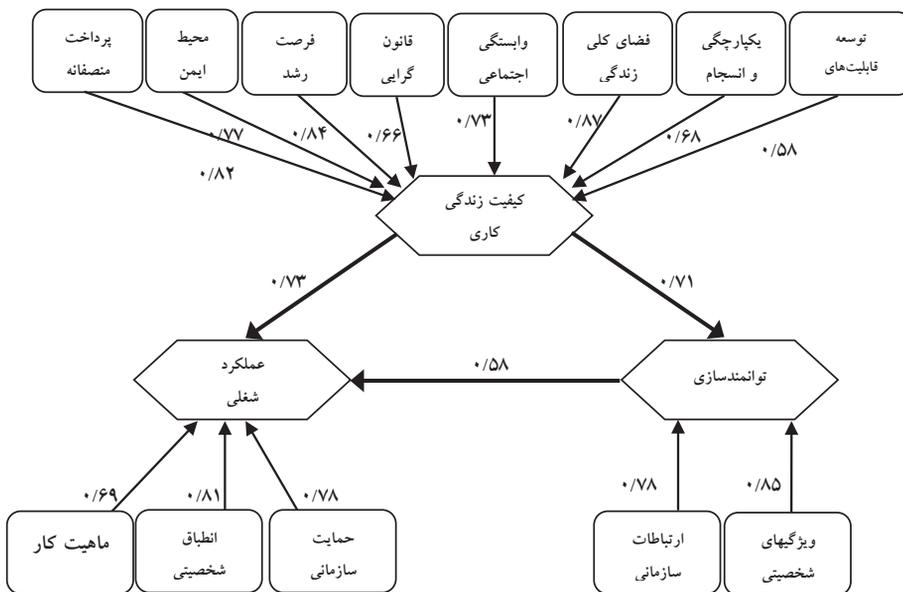
مرحله اول: تحلیل رگرسیون مربوط به عملکرد شغلی

در مرحله اول تحلیل رگرسیونی سلسله مراتبی و بر اساس مدل مفهومی تحقیق، رابطه میان کیفیت زندگی کاری و عملکردی شغلی مورد بررسی قرار گرفته است.

همچنان که در جدول ۹ نشان داده شده است در رابطه رگرسیونی میان کیفیت زندگی کاری و عملکرد شغلی، کیفیت زندگی کاری به تنهایی ۵۳ درصد تغییرات عملکرد کاری را تبیین می کند (R^۲=۰/۵۳). ضریب t (۱۶/۱) و سطح معناداری (۰/۰۰) نیز بیانگر تایید فرضیه اول تحقیق مبنی بر تأثیر کیفیت زندگی کاری بر عملکرد است.

مرحله دوم تحلیل رگرسیون مربوط به عملکرد کاری

می شود، هدف معمولاً پیش بینی یک یا چند متغیر وابسته از یک یا چند متغیر مستقل است. در روش تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی ترتیب ورود متغیرها به تحلیل بر اساس یک چارچوب نظری یا تجربی مورد نظر محقق صورت می گیرد. به عبارت دیگر پژوهشگر درباره ترتیب ورود متغیرها به تحلیل تصمیم گیری می کند. این تصمیم گیری که قبل از شروع تحلیل اتخاذ می شود می تواند بر اساس سه اصل عمده رابطه علت و معلولی، رابطه متغیرها در تحقیقات قبلی و یا ساختار طرح پژوهشی باشد از آن جا که روش تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی با توجه به چارچوب نظری یا تجربی ویژه ای صورت می گیرد، در تحقیقات علوم رفتاری از اهمیت خاصی برخوردار است.



جدول ۱۰. رابطه رگرسیونی بین کیفیت زندگی کاری و توانمندسازی بر عملکرد شغلی

متغیر مستقل	ضریب B	t	سطح معناداری	R ^۲
کیفیت زندگی کاری	۰/۷۳	۱۶/۱	۰۰/۰	۰/۶۸
توانمندسازی	۰/۵۸	۹/۳	۰۰/۰	

نتیجه گیری و جمع بندی

نتایج تحلیل مسیر در تحلیل تاثیر کیفیت زندگی کاری بر عملکرد شغلی با میانجی گری متغیر توانمندسازی نشان می دهد به ازای یک واحد تغییر در کیفیت زندگی کاری، ۷۱ درصد تغییر در توانمندسازی و ۷۳ درصد تغییر در عملکرد شغلی ایجاد می شود. همچنین به ازای یک واحد تغییر در توانمندسازی، ۵۸ درصد تغییر در عملکرد شغلی ایجاد می شود. از سوی دیگر، میزان تبیین متغیر وابسته در این تحقیق از طرف متغیرهای مستقل نشان داد که بخش زیادی از عملکرد شغلی تحت تاثیر کیفیت زندگی کاری و عملکرد شغلی است. بر مبنای چارچوب مفهومی تحقیق، کیفیت زندگی کاری به صورت مستقیم ۰/۵۳ و به صورت غیرمستقیم و از طریق

بر اساس چارچوب مفهومی تحقیق در مرحله دوم تحلیل رگرسیونی سلسله مراتبی، رابطه میان کیفیت زندگی کاری و توانمندسازی بر عملکرد شغلی مورد بررسی قرار گرفته است.

داده های جدول ۱۰ نشان می دهد که کیفیت زندگی کاری و توانمندسازی ۶۸ درصد تغییرات عملکرد کاری را تبیین می کند. با توجه به مدل مفهومی تحقیق که در آن توانمندسازی به عنوان متغیر میانجی بر عملکرد شغلی تاثیرگذار بوده این مقدار تبیین رگرسیونی قابل توجه است. مقادیر مربوط به t و سطح معناداری فرضیه دوم و سوم تحقیق مبنی بر تاثیر کیفیت زندگی کاری بر توانمندسازی و نیز تاثیر آن بر عملکرد کاری را با میانجی گری متغیر توانمندسازی تایید می کند.

متغیر میانجی توانمندسازی به میزان ۰/۶۸ تغییرات مربوط به عملکرد شغلی را تبیین می کند.

در تبیین فرضیه های تحقیق می توان گفت کیفیت زندگی کاری که در آن پرداخت منصفانه فرصت رشد و محیط ایمن را جهت توسعه قابلیت های انسانی فراهم آورد می تواند فضای کلی زندگی را تحت تاثیر قرار داده و یکپارچگی و انسجام را به همراه داشته باشد. وجود چنین فضایی در سازمان احساس معناداری، شایستگی و موثر بودن را در افراد تقویت کرده و موجب مشارکت با یکدیگر می شود. از سوی دیگر این عوامل می تواند سهم موثری در ایجاد توانایی شهروندان و انگیزه آنان در عملکرد کاری فراهم ساخته و با توجه به وضوح نقش و حمایت مدیر عالی سازمانی شایسته و در مسیر تحقق اهداف متعالی خود سامان دهد.

منابع و مآخذ

حرآبادی فراهانی، مجید (۱۳۹۲) بررسی رابطه بین ساختار سازمانی و توانمندسازی کارکنان، «پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد خرازیان، زهره (۱۳۸۵) بررسی رابطه کیفیت زندگی کاری با عملکرد مدیران زن دبیرستان های دخترانه شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران
رضانی فرزانه طاهره (۱۳۸۰) بررسی رابطه کیفیت زندگی کاری با عملکرد مدیران دبیرستان های عادی دخترانه و پسرانه ناحیه ۱ و ۲ شهرستان همدان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
سلمانی داوود (۱۳۸۴) کیفیت زندگی کاری و بهبود در رفتار سازمانی. تهران: انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
علی اکبری معصومه (۱۳۸۳) بررسی رابطه کیفیت زندگی کاری با عملکرد کارکنان شاغل در سازمان گمرک تهران". پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

محبعلی داوود (۱۳۷۳) زندگی کاری بهتر، عاملی در افزایش بهره وری. فصلنامه مطالعات مدیریت. شماره

۱۳-۱۴

Akdere Mesut (2006). Improving Quality of Work Life Implications for Human Resources. Business Review, vol. 1, p. 173. 13.

Armstrong Deborah. J. Riemenschneider, Cynthia. K. Allen, Myria. w (2007). Advancement, Voluntary Turn Over and Woman in IT: a Cognitive Study of Work-Family Conflict. Information and Management. Vol44. 14.

Beach Dale. S. (1991). Personnel, The management of People at Work. 5th Ed. New York : MaxWell MCMillan. 15.

Cassio Wayne F .(1998). Human Resources Management. 4th Ed. New York: MCGraw- Hill, inc. 16. Chaipol H. (1989). A Comparative Study of that Middle Managers Perception of there Quality of Work Life in American-Owned, Japanese Owned and that Owned Companies Operating in Thailand. D. B. A. Dissertation. United State International University. 17.

Deutsch S. Schurman (1993). Labor Initiatives for Worker Participation and Quality of Work Life. Economic and Industrial Democracy, Vol. 14, pp. 345-354. 18. Filippo Edwin B. (1998). Personnel management. 6th Ed. New York: MC Graw – Hill. 19.

Gordon Judith R. (1993). A Diagnostic Approach To Organizational Behavior. 4th Ed Boston: Allyn and Bacon. Inc. 20.

Godman Lewis. P & Fudent P. (1995). Management. Ohayo: South Western College Publishing Cincinnati. 21.

Harvey Michael. G. (2002). Developing Leaders Rather Than Managers for the Global Marketplace. University of Oklahoma, USA, Available Online 11 November. 22.

Kayem K. (1986). Quality of Work Life Professional Staffs of Selected Public School (Job Satisfaction). Educated. D. Dissertation. Brigham Young University. 23.

Lewis David & et al. (2007). Extrinsic and Intrinsic Determinants of Quality of Work Life. International Journal of Health Care Quality Assurance, Vol. 14. 24.

Luthans Fred (1998). Organizational Behavior. 8th Edition. New York: MC Graw- hill Interna-

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

tional Editions. P. 205. 25.

Martel Jean- Pierre & Gilles Dupuis (2006). Quality of Work Life: Theoretical and Methodological Problems, and Presentation of New Model and Measuring Instrument. Social Indicators Research, vol. 11. 26.

Moorhed Gregory & Ricky Griffin (1998). Organizational Behavior. 5th Edition. Hongton, Mifflin Company, p. 550. 27.

Ngambi Helicy . C. (2003) . Can Job-sharing Improve Quality of Work Life in South Africa ? Southern African Business Review. Vol. 1. No. 4. Retrieved 5/10/2003 from Internet. 28. Pollock Steve . (1993). Doing Organizational Effectiveness Effectively. Journal of Quality & Participation . Vol. 16. No. 5. 29.

Saraji, Nasl and H, Dargahi (2006). Study of Quality of Work Life. Iranian J. Public Health, Vol. 35, No. 4. 30. Shareef, Reginald. (1990). QWL Programs Facilitate Change. Personnel Journal, Vol. 69, pp. 50-67.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

التزام زیست محیطی اجرای پروژه های CDM در راستای تحقق بخشی به اهداف اقتصاد مقاومتی

محمدحسین رستمیان* - کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران.

The need for implementation of CDM projects in order to defeat of sanctions and achieving resistive economic goals

Abstract

One of the mechanisms for control and reducing greenhouse gas emissions adjusted is the clean development Mechanism. These mechanisms include projects that the developed countries operate to fulfill their commitments to reducing emissions and also contribute to sustainable development in developing countries and for reducing emissions are received CER (Certified Emission Reduction). In this paper, the role of implementation of CDM projects to achieve the goals of the resistance economy, Perspective Document and strategies to defeat unjust sanctions imposed on the country has been studied. One way of controlling and greenhouse gas management optimum use of energy from fossil fuels for reducing energy usage and consequently reduce dissemination of pollutant gases of it. Another way is the use of fuels with low-carbon or no-carbon (nuclear power and renewable energy sources such as solar energy, wind energy, and biomass fuels). A third option that has been discussed in this article the role of CDM and environmental projects, especially carbon management by extraction or stopping carbon to reduce greenhouse gases and increasing the efficiency of energy generation from wasted energy and the combustion process. According to the International Covenant on Kyoto, signatory countries are required to implement the commitments and provide needed items of CDM and environmental projects. Therefore, mentioned projects, are not subject to sanctions imposed against Iran and since the Iran has abundant oil and gas resources and is in the area with the capabilities full of renewable energy and also the recent sanctions imposed on the country's economy is causing injuries incidence, Environmental and CDM projects can be used as a mechanism to defeat sanctions and to be used greater prosperity for resistive economic goals of Islamic Iran.

Keywords: CDM, resistive economy, greenhouse gases

چکیده

یکی از مکانیسم هایی که جهت کنترل و کاهش انتشار گازهای گلخانه ای تنظیم شده، مکانیسم توسعه پاک است. این مکانیسم شامل پروژه هایی است که کشورهای توسعه یافته جهت تحقق تعهدات خود در کاهش انتشار و همچنین کمک به توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه اجرا می نمایند و به ازای کاهش انتشار، CER (گواهی کاهش انتشار) دریافت می نمایند. در این مقاله، نقش اجرای پروژه های CDM جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی، سند چشم انداز و راهکارهایی جهت شکست تحریم های ناعادلانه تحمیلی به کشور مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از روش های کنترل و مدیریت گازهای گلخانه ای استفاده بهینه از انرژی حاصل از سوخت های فسیلی برای کاهش مصرف انرژی و در پی آن کاهش انتشار گازهای آلاینده حاصل از آن می باشد. راه دیگر، استفاده از سوخت های با کربن پایین و یا بدون کربن است (نیروی هسته ای و منابع انرژی های نو مانند انرژی خورشیدی، انرژی باد، و سوخت های زیست توده). راه حل سومی که در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفته است نقش پروژه های CDM و زیست محیطی بویژه مدیریت کربن توسط استحصال یا توقف کربن جهت کاهش گازهای گلخانه ای و افزایش راندمان تولید انرژی از محل انرژی های اتلافی فرآیند احتراق و می باشد. طبق پیمان بین المللی کیوتو، کشورهای امضا کننده ملزم به اجرای تعهدات و تامین اقلام مورد نیاز پروژه های CDM و زیست محیطی هستند. لذا پروژه های مذکور، مشمول تحریم های تحمیل شده بر علیه ایران نمی باشند و از آنجا که کشور ایران دارای ذخایر نفت و گاز فراوان بوده و در منطقه ای با قابلیت های سرشار از انرژی های تجدید پذیر قرار دارد و از طرفی تحریم های تحمیلی اخیر موجب بروز صدماتی در اقتصاد کشور گردیده است، پروژه های زیست محیطی و CDM را می توان به عنوان راهکاری جهت شکست تحریم ها و شکوفایی هرچه بیشتر اهداف اقتصاد مقاومتی ایران اسلامی مورد استفاده قرار داد.

واژگان کلیدی: CDM، اقتصاد مقاومتی، گازهای گلخانه ای.

۱. مقدمه

مصرف می‌گردد. کم شدن منابع سوخت‌های فسیلی به دلیل مصرف روزافزون آن و بالا رفتن تدریجی بهای آنها به دلیل کم شدن مقدار آنها در جهان باعث جستجوی منابع جایگزین تولید انرژی جهت مصارف مختلف می‌گردد [۵]. همچنین با توجه به بالا بودن هزینه تمام شده تولید انرژی توسط این منابع، کوشش‌های فراوانی جهت افزایش بهره‌وری و کاهش نرخ تولید این منابع بعمل می‌آید.

۲- ضرورت بیان مسئله

همانطور که قبلاً اشاره شد پیمان کیوتو برای کاهش هزینه‌های عمل به تعهدات، سه مکانیسم انعطاف پذیر تعریف کرده است که در بین آنها مکانیسم توسعه پاک تنها مکانیسمی است که کشورهای در حال توسعه از جمله ایران می‌توانند در آن مشارکت داشته باشند. ماده ۱۲ پیمان کیوتو به تعریف مکانیسم توسعه پاک اختصاص دارد. طبق این ماده، هدف از مکانیسم توسعه پاک کمک به کشورهای در حال توسعه جهت دستیابی به توسعه پایدار، کمک به هدف نهایی کنوانسیون و مساعدت اقتصادهای در حال گذار و کشورهای توسعه یافته در جهت عمل به تعهدات کاهش انتشار پیمان می‌باشد [۱]. طبق این مکانیسم کشورهای در حال توسعه از فعالیت‌های پروژه‌های که منجر به صدور گواهی کاهش انتشار (CERs) میشوند نفع می‌برند. برای کاهش هر یک تن معادل CO₂، یک CER اختصاص می‌یابد. کشورهای عضو می‌توانند از گواهی کاهش انتشار حاصل از این پروژه‌ها برای عمل به تعهدات خود در قبال پیمان کیوتو استفاده کنند. بعبارت دیگر، مکانیسم توسعه پاک به کشورهای توسعه یافته اجازه می‌دهد که اعتبارات کاهش انتشار حاصل از اجرای پروژه در کشورهای در حال توسعه را خریداری کنند. در عوض، کشورهای در حال توسعه به منابع و تکنولوژی‌های لازم برای کمک به توسعه پایدار اقتصاد خود دسترسی خواهند داشت. ایران با مصرف ۲/۲ درصد از نفت خام دنیا و ۴/۵ درصد از گاز دنیا یکی از بزرگ‌ترین کشورهای مصرف کننده

روبارویی خردمندانه و آگاهانه با مسائل زیست محیطی که جهان از بعد از انقلاب صنعتی با آن روبه‌رو است، از مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین جهتگیری‌هایی است که کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه با آن مواجهند، لذا تصمیم جهانی برای مقابله با پیامدهای انتشارات گازهای گلخانه‌ای، راه حلی مناسب و مطمئن در سلسله نشست‌هایی در کیوتو ژاپن پیش روی گذاشت که از آن با عنوان پروتکل کیوتو یاد میشود. به منظور مبارزه با پدیده جهانی تغییر اقلیم، دو توافق نامه در جامعه بین‌الملل منعقد شد که عبارتند از:

۱. کنوانسیون تغییر آب و هوای سازمان ملل در سال ۱۹۹۲ در ریو؛

۲. پروتکل کیوتو در سال ۱۹۹۷.

میزان انتشار آلاینده‌های مختلف به واسطه نیروگاه‌های فسیلی، و نیاز به سرمایه قابل توجه جهت جایگزینی این نیروگاه‌ها با منابع تجدیدپذیر، بهتر است در گام اول جهت کاهش اثرات نامطلوب زیست محیطی برداشته شود و با فروش محصولات بدست آمده و اعتبارات کسب شده نسبت به جایگزینی منابع تجدیدپذیر اقدام شود. با توجه به افزایش مصرف گاز طبیعی در ماه‌های سرد سال، استفاده از گاز طبیعی به عنوان سوخت دائمی نیروگاه مخصوصاً در این دوره زمانی محقق نمی‌گردد، لذا ناگزیر به مصرف مازوت در این مدت می‌گردد. البته طبق استانداردهای زیست محیطی، استفاده از مازوت نیز تنها در شرایطی که از تجهیزات فیلتراسیون استفاده شود، قابل قبول است. با توجه وجود سیستم‌های گوناگون و پیشرفته‌های صورت گرفته در تجهیزات کنترل آلودگی، یکی از مهمترین و تاثیرگذارترین عوامل جهت نصب این سیستم‌ها، قیمت تمام شده این گونه تجهیزات است که نهایتاً در قیمت برق تولیدی تاثیرگذار خواهد بود. لازم به ذکر است میزان قابل توجهی از سوخت مورد نیاز کشور نیز در بخش نیروگاهی و تولید برق

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

انرژی فسیلی و در نتیجه تولیدکننده گازهای گلخانه ای است و در بین ۲۰۷ کشور جهان از نظر انتشار گازهای گلخانه ای رتبه سیزدهم را دارد. آمارها نشان می دهد در سال ۱۳۸۷ در ایران ۴۵۳ میلیون تن گاز دی اکسید کربن تولید شده است و با این روند مصرف انرژی در جهان تا سال ۲۰۳۰ میلادی میزان تولید این گاز در جهان به ۴۱ گیگاتن خواهد رسید [۶]. در نتیجه ایران دارای پتانسیل بسیار بالایی برای تعریف پروژه های مکانیسم توسعه پاک است و با اجرایی نمودن این پروژه ها علاوه بر کاهش دمای زمین از سود مالی فراوانی می تواند برخوردار باشد و بدین سان می تواند در صدد جبران خسارت ها ناشی از تحریم های چندین ساله با رویکرد اقتصاد مقاومتی طبق فرمایشات مقام معظم رهبری بر آید. بدین جهت پرداختن به این موضوع در قالب یک مسئله ملی امری ضروری و مهم می باشد.

۳- مکانیسم توسعه پاک (CDM)

سازوکار توسعه پاک در سال ۱۹۹۷ در بند ۱۳ پروتکل کیوتو به عنوان یک عامل برای ترفیع پایداری محیط زیست وضع شد. این سازوکار، هزینه های محدود کردن انتشار گازهای گلخانه ای را به حداقل می رساند. این پروژه ها سبب می شوند که کشورهای توسعه یافته با تأمین مالی پروژهها ی کاهش انتشار گازهای گلخانه ای در کشورهای در حال توسعه، با هزینه کمتر، تعهدات خویش را برای کاهش انتشار، عملی کنند. در حقیقت پروژه CDM شکل اصلاح شده پروژه های JI هستند که عمده تفاوت آنها در این است که برخلاف پروژه JI که فقط ما بین کشورهای توسعه یافته انجام می گیرد، ما بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه اتفاق می افتد. پروژه های CDM در دو سطح کوچک مقیاس و بزرگ مقیاس قابل پی ریزی هستند، که مهمترین جنبه ی تفاوت این دو، مقیاس آن می باشد. سه نوع پروژه کوچک مقیاس در ضوابط و آیین نامه مکانیسم توسعه پاک گنجانده شده است که عبارتند از [۱]:

۱. پروژه های انرژی تجدیدپذیر با ظرفیت خروجی حداکثر معادل ۱۵ مگاوات؛

۲. پروژه های افزایش کارایی انرژی که موجب کاهش میزان مصرف در بخش عرضه و یا در بخش تقاضا می شوند و معادل با ۱۵ گیگا وات ساعت در سال هستند؛ و

۳. سایر پروژه هایی که هم میزان انتشار حاصل از فعالیت انسان را کاهش می دهند و هم به طور مستقیم معادل ۱۵۰۰۰ تن دی اکسید کربن در سال منتشر می کنند.

روشن است که سایر پروژه ها در گروه پروژه های بزرگ مقیاس طبقه بندی می شوند. برای تحقق این پروژه ها (کوچک مقیاس و بزرگ مقیاس) برای کشورهای در حال توسعه و میزبان نیز وظایفی در نظر گرفته شده است. نقش کشورهای میزبان در این رابطه عبارت است از:

• تصویب پروتکل کیوتو توسط مجلس آن کشور؛

• تعیین یک مرجع ملی؛

• ایجاد ضوابطی برای سازگاری پروژه با استراتژی توسعه پایدار؛

• حصول اطمینان از اینکه در صورت لزوم، براساس قوانین محلی، مطالعه اثرات به طور کامل انجام می شود؛

• ارائه تاییدیه رسمی برای تحویل پروژه ها به هیأت اجرایی (EB) سازوکار توسعه پاک؛

• بخش های عملیاتی پروژه ی CDM شامل سه بخش کلی است که عبارتند از کمیته اجرایی (EB)، بخش عملیاتی منتخب (DOE) و مرجع ملی (DNA).

۴- سیکل پروژه های مکانیسم توسعه پاک

هر پروژه CDM قبل از اجرا تا صدور گواهی کاهش انتشار باید مراحل را پشت سر بگذارد. این مراحل عبارتند از [۳]:

• تنظیم سند طراحی پروژه (Project Design Documents-PDD)؛

• تأیید پروژه (Validation)؛

• ثبت پروژه (Registration)؛

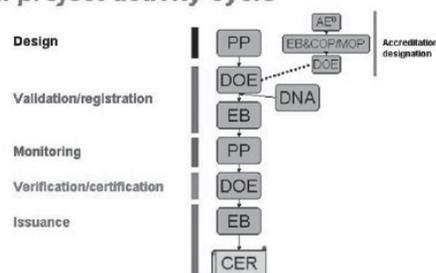
• پایش (Monitoring)؛

• بازبینی، صحه گذاری و گواهی نمودن کاهش انتشار (Verification/Certification)؛

• صدور گواهی کاهش انتشار (Issuance of CERs).

سه مرحله اول، قبل از اجرای پروژه (مرحله طراحی) و سه مرحله بعدی بعد از اجرای پروژه (مرحله اجراء) انجام می‌گیرند. شکل (۱) سیکل پروژه‌های مکانیسم توسعه پاک و ترتیب مراحل مختلف آن را نشان می‌دهد. در این بخش هریک از این مراحل شرح داده می‌شوند.

CDM project activity cycle



شکل ۱. سیکل پروژه‌های مکانیسم توسعه پاک و ترتیب مراحل آن [۱۲]

۵-۲- روش شناسی پروژه‌های مکانیسم توسعه پاک

نشان می‌دهد، سناریوی انتشار پایه نامیده می‌شود. یک سناریوی انتشار پایه باید همه انتشارات گازهای گلخانه‌ای (CO₂، CH₄، PFCs، HFCs، N₂O و SF₆) از همه بخشها و منابع موجود در داخل مرزهای پروژه را پوشش دهد. روش شناسی که در آن به سناریوی انتشار پایه، محاسبات مربوط به کاهش انتشار حاصل از اجرای پروژه و اثبات افزونگی پروژه پرداخته می‌شود، روش شناسی پایه نامیده می‌شود. طبق توافقات مراکش، یک پروژه مکانیسم توسعه پاک در صورتی دارای افزونگی است که انتشارات گازهای گلخانه‌ای ناشی از فعالیتهای بشری را به زیر مقدار انتشار پایه (انتشارات در غیاب پروژه) کاهش دهد [۱۲].

۵-۲- روش شناسی پایه

تاکنون تعداد زیادی روش شناسی پایه و پایش در زمینه‌های مختلف برای پروژه‌های مکانیسم توسعه پاک به تصویب رسیده است. فرآیند تصویب این روش شناسی‌ها توسط هیئت اجرایی مکانیسم توسعه پاک انجام می‌گیرد. در تهیه سند طراحی پروژه می‌توان از روش شناسی مصوبی که مناسب پروژه مورد نظر باشد استفاده کرد. جدول (۱) تعداد روش شناسی‌هایی که تاکنون در زمینه‌های مختلف به تصویب رسیده‌اند را نشان می‌دهد.

۶- بررسی وضعیت کنونی پروژه‌های مکانیسم توسعه پاک در دنیا

تعداد پروژه‌های ثبت شده در دنیا با سرعت بسیار زیادی در حال افزایش می‌باشد؛ به گونه‌ای که تعداد این پروژه‌ها در طی ۴ سال اخیر از ۱۱۶۲ پروژه ثبت شده به ۴۵۰۰ پروژه افزایش یافته که نشان از نرخ ثبت ۶۵ پروژه در ماه است. میزان CER حاصل از این ۴۵۰۰ پروژه ثبت شده بیش از ۶۲۸ میلیون گواهی در سال می‌باشد و انتظار می‌رود تا پایان سال ۲۰۱۲ بیش از ۱۴/۲ میلیارد گواهی از این پروژه‌های ثبت شده حاصل شود. بررسی روند رشد گواهی‌های صادر شده از پروژه‌های ثبت شده حاکی از آن است که تعداد این گواهی‌ها از ۲۲۲

روش شناسی پروژه‌های مکانیسم توسعه پاک از دو قسمت تشکیل می‌شود که عبارتند از:

۱. روش شناسی پایه [۱۲]

۲. روش شناسی پایش [۱۳].

۵-۱- روش شناسی پایه

پروژه‌های مکانیسم توسعه پاک باید منجر به کاهش واقعی و قابل اندازه‌گیری انتشار گازهای گلخانه‌ای یا جذب آنها شوند. برای محاسبه کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در اثر اجرای پروژه پیشنهادی، باید مقدار انتشاری که در غیاب پروژه اتفاق می‌افتد مشخص باشد. سناریویی که بطور مستدل مقدار انتشار گازهای گلخانه‌ای در غیاب پروژه پیشنهادی را

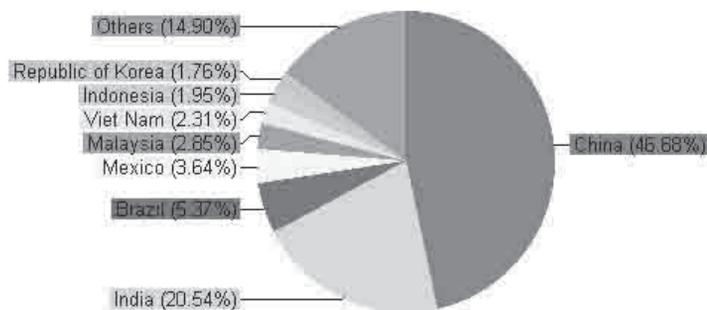
جدول ۱. تعداد روش شناسی هایی مصوب در زمینه های مختلف

تعداد روش در مقیاس بزرگ در (AM، AR-AM) مقیاس کوچک (AMS، تلفیقی (AR-AMS) (ACM)	حوزه شماره
۵۰	۱) صنایع انرژی (تجدید پذیر؛ منابع غیر قابل تجدید)
۲	۲) توزیع انرژی
۱۴	۳) تقاضای انرژی
۲۶	۴) صنایع تولیدی
۱۸	۵) شیمی صنعتی
۰	۶) ساخت و ساز
۷	۷) حمل و نقل
۱	۸) معدن تولید مواد معدنی
۷	۹) تولید فلزی
۸	۱۰) انتشارات فرار از سوخت (جامد، نفت و گاز)
۸	و هگزا Halocarbons تولید گازهای گلخانه ای فراری از تولید و مصرف (فلوراید گوگرد ۱۱)
۰	۱۲) استفاده حلال
۱۸	۱۳) دست زدن به زباله و دفع
۱۷	۱۴) جنگل کاری و احیای جنگل

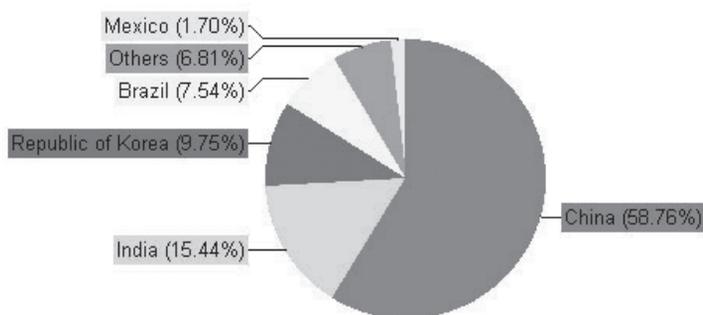
در رتبه های بعدی قرار دارند. یکی دیگر از معیارهای نشان دهنده سهم کشورهای مختلف در پروژه های مکانیسم توسعه پاک، میزان CER سالانه حاصل از پروژه های ثبت شده هر کشور می باشد. با این نوع تقسیم بندی، کشور چین با ۷۶/۵۸ درصد از کل CER های سالانه حاصل از پروژه های ثبت شده در صدر قرار گرفته است (حدود ۵۱۴ میلیون CER در سال). دلیل سهم بالای چین در CER های حاصل از پروژه های ثبت شده، تمرکز این کشور بر ثبت پروژه های بزرگ مقیاس می باشد. کشور هند با ۲۰/۵۴٪ از CER های سالانه حاصل از پروژه های ثبت شده رتبه دوم را به خود اختصاص

میلیون گواهی در سپتامبر ۲۰۰۸ به ۶۲۸ میلیون گواهی در ژولای ۲۰۱۲ رسیده است که نشان از صدور ۱۲/۸ میلیون گواهی در ماه است. در حال حاضر (فوریه ۲۰۱۳) تعداد پروژه های ثبت شده به ۶۵۵۰ پروژه و کل گواهی کاهش انتشار صادر شده برای این تعداد پروژه ثبت شده در حدود ۲/۱ میلیارد گواهی بوده است [۷].

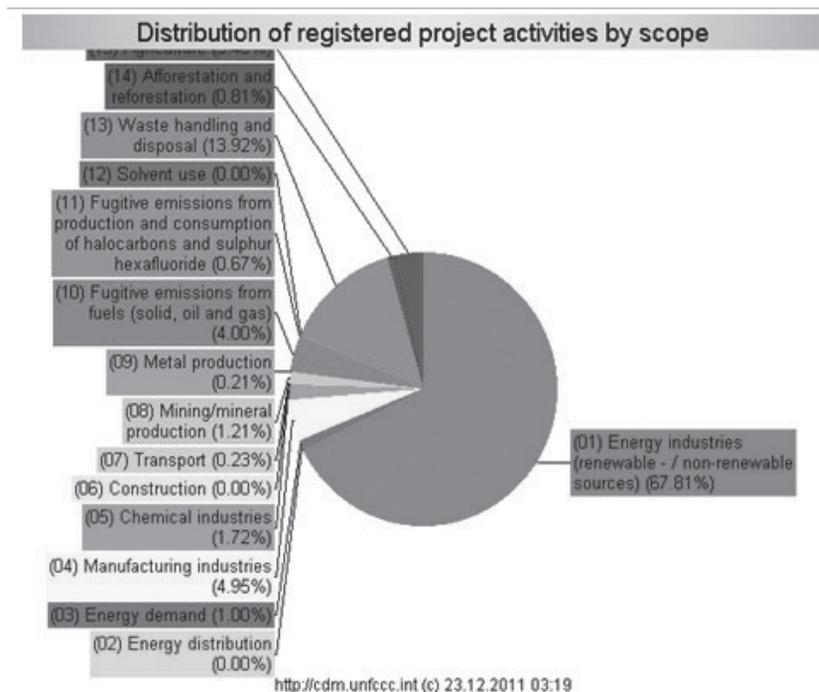
شکل (۲) سهم کشورهای مختلف در ثبت پروژه های ثبت شده را نشان می دهد. در حال حاضر کشورهای چین، هند و برزیل به ترتیب با ۳۵۸۶، ۱۳۶۶ و ۲۸۹ پروژه ثبت شده در صدر این کشورها قرار گرفته اند. کشورهای مکزیک، مالزی، ویتنام، اندونزی و کره نیز



شکل ۲. سهم کشورهای مختلف در حال توسعه از تعداد پروژه‌های ثبت شده مکانیسم توسعه پاک



شکل ۳. سهم کشورهای در حال توسعه از گواهی کاهش انتشار سالیانه حاصل از پروژه‌های ثبت شده



شکل ۴. زمینه فعالیت پروژه‌های مکانیسم توسعه پاک ثبت شده

جدول ۲. اطلاعات پروژه‌های مکانیسم توسعه پاک در کشور

موضوع	تعداد پروژه	میزان گواهی (میلیون تن در سال)	تعداد پروژه‌های تعریف شده در بخش برق
پروژه‌های ثابت شده	۱۳	۶۲/۳	۵
پروژه‌های در حال بررسی توسط نهاد‌های عملیاتی	۱۱	۳/۶	۵
پروژه‌های در مرحله پیش لحاظ (اعلام اولیه)	۱۷	-	۸
جمع کل	۴۱	۹۲/۹	۳۲

داده است. در این رتبه بندی، کشورهای کره جنوبی، برزیل، مکزیک در مکانهای بعدی قرار دارند (شکل ۳).

۱-۶- زمینه فعالیت پروژه‌های ثابت شده

همانگونه که ذکر شد، زمینه‌های مختلفی برای انجام پروژه‌های CDM وجود دارد. شکل (۴) چگونگی توزیع پروژه‌های ثابت شده در این زمینه‌ها را نشان می‌دهد. همانگونه که مشاهده می‌شود بیش از ۶۸ درصد از پروژه‌های ثابت شده مربوط به صنایع انرژی (منابع تجدید پذیر و تجدید ناپذیر) می‌باشد. پس از صنایع انرژی، دفع زائدات با حدود ۱۴ درصد در رتبه بعدی قرار دارد. انتشارات از سوختها، کشاورزی، صنایع تولیدی و صنایع شیمیایی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. لازم بذکر است که عمده پروژه‌های تعریف شده در صنایع تولیدی بر بهینه سازی مصرف برق و سوخت تمرکز دارد. ضمناً بیشتر پروژه‌های دفع زائدات نیز بر تولید برق از گاز دنگاه تمرکز دارند که بنحوی می‌توان آن را جزء پروژه‌های تولید پراکنده برق دانست که فشار از بخش عرضه برق را تقلیل می‌نماید.

۲-۶- وضعیت پروژه‌های مکانیسم توسعه پاک در ایران

کشور ایران با انتشار حدوداً ۵۳۰ میلیون تن گاز دی اکسید کربن ناشی از احتراق سوخت، رتبه هفتم در بین کشورهای دنیا در انتشار گازهای گلخان ای

را بخود اختصاص داده است، در صورتی که اگر سهم سایر زیربخشهای غیرانرژی نظیر فرآیندهای صنعتی، کشاورزی، مدیریت پسماند را نیز در نظر بگیریم میزان انتشار معادل دی اکسید کربن گازهای گلخانه‌ای کشور در سال ۱۳۸۹ در حدود ۷۵۰ میلیون تن می‌گردد.

بر اساس گزارش آژانس بین المللی انرژی شدت انتشار دی اکسید کربن در ایران به ازای تولید هزار دلار کالا و خدمات ۱۵ برابر ژاپن، ۱۳ برابر اسپانیا، ۱۰ برابر کره، ۳/۵ برابر ترکیه و ۲/۶ برابر پاکستان می‌باشد. لذا کشور از پتانسیل بالایی در کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای برخوردار است، مطالعات موجود حاکی از آن است که پتانسیل بهره‌وری انرژی در کشور بیش از ۲۰٪ در انتهای برنامه پنجم توسعه می‌باشد (قانون برنامه پنجم)، با احتساب این پتانسیل کشور از پتانسیل کاهش انتشاری در حدود ۱۰۰ میلیون تن در انتهای سال ۱۳۹۴ برخوردار است. بررسی وضعیت کاهش انتشار ناشی از پروژه‌های ثابت شده و در حال ثبت نشان می‌دهد که میزان گواهی‌های قابل دریافت تا انتهای برنامه پنجم در حدود ۱۰ میلیون گواهی (میلیون تن معادل دی اکسید کربن) است که در مقایسه با پتانسیل موجود در حدود ۱۰٪ آن می‌باشد (جدول ۷).

در حال حاضر ایران دارای ۱۲ پروژه ثبت شده،

۸ پروژه در مرحله بررسی و تایید توسط نهادهای عملیاتی بین المللی و ۲۹ پروژه در مرحله اعلام اولیه به سازمان ملل متحد می باشد. چنانکه از جدول (۷) پیداست بیشتر پروژه های ثبت شده و در حال ثبت کشور در بخش تولید نیرو (نیروگاههای سیکل ترکیبی و یا منابع تجدید پذیر تولید برق) بوده است.

در حال حاضر سه پروژه ایران از سازمان ملل متحد در حدود ۲۶۵ هزار گواهی اخذ نموده اند. این سه پروژه عبارتند از:

- جمع آوری گازهای همراه میادین نوروژ و سروش، توسعه دهنده شرکت کربن لیمیتس، مقدار گواهی دریافتی ۲۳۶ هزار گواهی؛
- جایگزینی گاز طبیعی بجای مازوت در صنایع نیشکر امیرکبیر، توسعه دهنده شرکت انرژیهای تجدیدپذیر مهر، ۱۸ هزار گواهی؛
- جایگزینی گاز طبیعی بجای مازوت در صنایع نیشکر دعبل خزاعی، توسعه دهنده شرکت انرژیهای تجدیدپذیر مهر، ۱۵ هزار گواهی؛

۷- ضرورت و دلایل بکارگیری از پروژه های CDM

هزینه ساخت نیروگاه های تجدیدپذیر غالباً بالغ بر چند برابر نیروگاه های فسیلی می باشد. از آنجا که جایگزینی نیروگاه های با فسیلی و استفاده از نیروگاه های تجدیدپذیر نیاز به سرمایه گذاریهای کلان و صرف زمان فراوان دارد، تبدیل نیروگاههای فسیلی در حال استفاده به نیروگاه های پاک و استفاده از اعتبارات مرتبط و فروش محصولات حاصل از جمع آوری آلاینده ها میتواند بهترین راه حل در خصوص تامین سرمایه لازم جهت جایگزینی نیروگاه ها با نیروگاه های تجدیدپذیر و استفاده موثر از آنها در کل طول عمر مفیدشان تلقی گردد [۸]. در گزارشی از شرکت آرمسترانگ تحت عنوان «ورود به مرحله جدیدی از رشد: انرژی های تجدیدپذیر در جنوب شرقی آسیا» تجزیه و تحلیل منطقه برای انرژی های تجدیدپذیر، با استناد به فرصت های

سرمایه گذاری و پتانسیل موجود در زمینه فتوولتائیک خورشیدی، باد، آب و زیست توده و یا بیوگاز، سرمایه گذاری در آنها را بسیار آینده دار و به صرفه با سود بلندمدت خوانده است که خود گواهی بر این مدعای سرمایه گذاری در این مقوله می باشد [۷]. در بسیاری از نقاط جهان جهت کاهش اثرات نامطلوب زیست محیطی، گازهای آلاینده حاصل از سوخت به درون زمین تزریق می گردند. بعنوان مثال شرکت نروژی «استاتاویل» از سال ۱۹۹۶ اقدام به دفن گاز کربنیک در چاههای فرسوده خود در دریای شمال کرده است. اما به دلیل نگرانی از هزینه های اینکار در پی دریافت معافیتها یا تخفیفهای مالیاتی برای تامین هزینه آن هستند. علت کاربرد این روش در نروژ این است که در این کشور از شرکتهای مالیات بر کربن گرفته می شود و استاتاویل در صورت وارد کردن این گاز به جو، باید مالیات پردازد در حالیکه ذخیره سازی گاز در چاه ارزانتر تمام می شود. شرکتهای نفتی و نیروگاه های بسیاری عضو بورس خرید و فروش سهمیه انتشار گاز کربنیک هستند. این شرکتها با عضویت در این بازار موظف به کاهش میزان انتشار گازهای گلخانه ای به کمتر از میزان تعیین شده هستند. این شرکتها میتوانند از روشهای گوناگونی برای رسیدن به این هدف استفاده کنند. این روشها می توانند افزایش کارایی انرژی، سرمایه گذاری در زمینه انرژیهای جایگزین، درختکاری یا خرید اعتبار انتشار گاز از دیگر شرکتها باشد. هرچند ذخیره سازی گازهای کربنی در چاههای فرسوده راه دیگری برای این امر است [۹].

۸- پتانسیل ایران برای پروژه های CDM

پروتکل کیوتو از ۲۷ بهمن سال ۱۳۸۳، ۱۶ فوریه ۲۰۰۵ پس از امضای روسیه جنبه اجرایی یافت. در این زمان بیش از ۱۴۰ کشور جهان این پیمان را امضاء کرده بودند. در ایران نیز در دوره مجلس ششم این پیمان به تصویب مجلس رسید، ولی شورای نگهبان عضویت ایران در این پیمان را مغایر

با اصل ۱۳۹ و بند ۱۳ اصل قانون اساسی قلمداد کرد، اما پس از مذاکرات انجام گرفته سوء تفاهم شورای نگهبان برطرف شد و ایران نیز در ۳۱ مرداد ماه سال ۱۳۸۵ به جمع امضاءکنندگان این پیمان پیوست [۳]. بر اساس منابع موجود، سازمان حفاظت از محیط زیست به عنوان مرجع ملی هماهنگ کننده پروژه های DNA, CDM معرفی شده و برخی طرح ها نیز با عنوان پروژه هایی که قابلیت استفاده از CDM را دارند به سازمان محیط زیست ارسال شده اند. شدت مصرف انرژی و انتشار گازهای گلخانه ای در بخش های اقتصادی ایران بالاست. بخش حمل و نقل بیشترین حجم از انتشار CO₂ در بین بخش های اقتصادی کشور را دارد و بخش تولید محصولات کانی غیرفلزی نیز در جایگاه دوم قرار گرفته است [۵]. در سال ۱۳۷۸ میزان انتشار دی اکسیدکربن به طور مستقیم توسط خانوارها (در فعالیتهای پخت و پز و در گرمایش و سرمایش ساختمان و بدون احتساب مصرف بنزین توسط وسایط نقلیه شخصی) ۷۲۰۴۸۴۵۷ تن بوده است که این رقم بسیار بالاتر از انتشار CO₂ توسط بخش حمل و نقل می باشد که همه این ها نشانگر پتانسیل بالای ایران برای جذب پروژه های CDM است. در رابطه با به کارگیر مکانیسم توسعه پاک در ایران، پرداختن به انرژیهای نو و استفاده برنامه ریزی شده از آنها بهترین راه حل برای مواجه شدن با بحران های زیست محیطی ناشی از انرژیهای فسیلی و شوک های قیمتی آن می باشد، چراکه ایران کشوری است که از نظر داشتن منابع انرژی تجدیدپذیر نظیر انرژی خورشیدی، انرژی زمین گرمایی، انرژی زیست توده، انرژی برق آبی و انرژی باد، از مزیت های فراوانی برخوردار است.

۹- مالیات بر انتشار آلاینده ها

موضوع مالیات بر انتشار آلودگیها نخستین بار توسط سرآرتور پیگو در سال ۱۹۲۰ مطرح شده است. برای تعیین و وضع مالیات بر انتشار آلاینده ها ضروری

است تا هزینه نهایی خسارت وارده بر محیط زیست و هزینه نهایی کاهش آلودگی بنگاهها تعیین شود. از محل تقاطع این دو منحنی، قیمت هر واحد آلودگی مشخص می شود که این نقطه، نقطه بهینه انتشار آلودگی از نظر اجتماعی است. البته در برخی از موارد براساس این رویکرد، مالیات (Tax) و در برخی موارد عوارض (Fee) اخذ میشود. تفاوت مالیات با عوارض در این است که مالیات مصرف ملی داشته و عوارض مصرف محلی دارد. بر اساس اصل «پرداخت آلودگی از سوی خسارت زننده» هر فرد، یا بنگاهی که آلوده کرده است، مکلف است تا نسبت به رفع آلودگی، یا پرداخت خسارت اقدام کند. بر این اساس لازم است تا آلوده کننده با آلوده شونده وارد مذاکره شود تا بتواند هزینه های نهایی خسارات وارده را بپردازد [۲]. مالیات تعلق گرفته به نیروگاه به دلیل بازیافت دی اکسیدکربن، بسته به میزان بازیافت کاهش می یابد. در حال حاضر گاز کربنیک گرفته شده به بهای میانگین ۱۰ یورو برای هر تن در بازار جهانی قابل فروش است [۶].

۱۰- دلایل توصیه اجرای پروژه های CDM

به دلایل زیر اجرای پروژه های CDM در این مقطع زمانی توصیه می گردند:

- تمدید پروتکل کیوتو تا سال ۲۰۲۰ و فرصت محدود پیش رو با افزایش راندمان استحصال انرژی، میزان سوخت مصرفی کاهش میابد که این مقدار میتواند به بخش صادرات افزوده و موجب درآمد بیشتر برای کشور گردد؛
- تمایل کشورهای توسعه یافته جهت اجرای پروژه های زیست محیطی و کاهش آلاینده ها و کسب درآمدهای بلاعوض طولانی مدت که در زیر به دلایل آن اشاره می نمایم. به این دلیل که کاهش آلاینده ها در بسیاری از پروژه ها و نقاط جهان مقدور نمی باشد یا صرفه اقتصادی ندارد، بسیاری از کشورها یا شرکت هایی که در ایجاد این آلاینده ها و انتشار آنها دخالت دارند در تلاشند که میزان آلاینده ها را در دیگر نقاط که هزینه های

کمتری دارد تا حدی کاهش دهند که از پرداخت بخشی از مالیات مربوطه رهایی یابند.

با توجه به افزایش روزافزون مالیات بر تولید آلاینده های محیط زیست با سناریو های مختلف میتوان ادعا کرد تقاضای حذف آلاینده ها در سنوات آتی بسیار افزایش می یابد و به همین دلیل امکان افزایش اعتبارات ناشی از کاهش آلاینده ها نیز وجود دارد [۹]. پتانسیل موجود جهت امکان کاهش آلاینده ها

در کشور ایران می تواند موجب سرمایه گذاری های فراوان کشور های پیشرفته جهان در این خصوص شود. با حدود ۵٪ افزایش راندمان، میتوان به همین میزان سوخت مصرفی را نیز کاهش داد.

۱۱- منافع روش توسعه پاک برای ایران

روش توسعه پاک به کشورهای توسعه یافته امکان می دهد که با سرمایه گذاری در پروژه های کم هزینه تر در کشورهای در حال توسعه بتوانند اعتبار لازم را جهت ایفای تعهدات خود بدست آورند. در حالی که این روش هزینه رعایت تعهدات پروتکل را برای کشورهای توسعه یافته کاهش می دهد، کشورهای در حال توسعه نیز به نوبه خود از این روش بهره مند می شوند. این روش برای کشورهای در حال توسعه دارای امتیازاتی به شرح زیر است: جذب سرمایه های خارجی برای اجرای پروژه های اقتصادی؛ راه اندازی پروژه های اقتصادی با حداقل میزان انتشار آلاینده ها؛ مشارکت فعال بخش دولتی و خصوصی در اجرای پروژه ها؛ انتقال تکنولوژی به کشورهای در حال توسعه؛ و کمک به تعیین اولویتهای سرمایه گذاری در جهت رشد و توسعه پایدار. از آنجاکه رعایت ملاحظات زیست محیطی باعث افزایش هزینه های اجرایی پروژه ها خواهد شد، روش توسعه پاک به کشورهای در حال توسعه کمک میکند که این افزایش هزینه را به نحو مناسبی از کشورهای توسعه یافته دریافت کنند؛ بنابراین روش توسعه پاک دارای منافع اجتماعی و زیست محیطی برای کشورهای در حال توسعه است. در عین حال، دسترسی به تکنولوژیهای

جدید و منابع مالی به کشورهای در حال توسعه کمک می کند که فرصتهای شغلی زیادتری ایجاد کنند و سطح درآمد عمومی را افزایش دهند و در نتیجه با فقر مبارزه کنند. این پروژه ها همچنین به کشورهای در حال توسعه کمک می کند که این کشورها به آب و هوای پاکتری دسترسی پیدا کنند و از آلودگی خاک جلوگیری کنند و در مصرف انرژی صرفه جویی کنند.

۱۲- مدیریت پروژه های CDM در پژوهش و فناوری شرکت ملی گاز ایران

بررسی انتشار گازهای گلخانه ای دنیا نشان می دهد روند انتشار این گازها و میزان مطلق آن در کشورهای صنعتی (توسعه یافته) از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ کاهش یافته، در حالی که این میزان انتشار در سطح جهان با افزایشی حدود ۲۰ درصد تا سال ۲۰۲۰ پیش بینی شده است. در سال ۲۰۱۰ کشور چین با ۲۳٫۸ درصد سهم بزرگترین منتشر کننده گازهای گلخانه ای در جهان بشمار می رفت و آمریکا با ۱۷٫۷ درصد دومین، هند با ۵٫۴ درصد سومین و روسیه با ۵٫۲ درصد چهارمین رتبه در انتشار دی اکسید کربن دنیا را دارا بوده اند. در همان سال ایران با سهم ۱٫۷ درصدی، رتبه نهم جهان در انتشار گاز دی اکسید کربن را داشت، ولی این میزان در سال ۲۰۱۱ به ۱٫۶ درصد رسید و ایران جایگاه هفتم انتشار دی اکسید کربن ناشی از احتراق سوخت را در دنیا به خود اختصاص داد. بررسی روند انتشار گازهای گلخانه ای کشور در محدوده سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ حاکی از آن است که انتشار دی اکسید کربن ناشی از احتراق سوخت در کشور از رشد سالیانه ۶ درصد برخوردار است که در مقایسه با روند جهانی در شمار کشورهایی با رشد بالای انتشار گازهای گلخانه ای قرار می گیرد [۴]. مدلسازی صورت گرفته در گزارش ملی دوم تغییر آب و هوای کشور نشان می دهد که برای حصول به رشد اقتصادی ۳٫۵ درصد سال، میزان انتشار کشور از ۵۰۰ میلیون تن در سال ۲۰۰۵ به بیش از ۲٫۲ میلیارد تن در سال ۲۰۲۵

(افق ۱۴۰۴) در بخش انرژی می‌رسد که در این صورت رتبه ایران از جایگاه کنونی با توجه به روند نزولی انتشار در جهان صنعتی، به جایگاه چهارم دنیا خواهد رسید. از طرفی اقتصاد کشور، یک اقتصاد پر کربن بوده و به شدت به درآمدهای حاصل از تولید، فرآورش و صادرات سوخت‌های هیدروکربنی وابسته است و از طرف دیگر نیز استراتژیهای توسعه صنعتی در سالهای گذشته به دلیل قیمت کم حامل‌های انرژی، بر توسعه صنایع انرژی بر تمرکز یافته است. این الگوی توسعه صنعتی، در آینده کشور را در معرض فشار جدی از سوی جهان صنعتی برای قبول تعهدات کاهش انتشار قرار خواهد داد [۳].

نظر به اهمیت مباحث فوق و ضرورت مدیریت انتشار گازهای گلخانه‌ای و عطف به بند ۴ ماده ۲ آیین‌نامه اجرائی کنوانسیون تغییرات آب و هوا و پروتکل کیوتو مبنی بر آموزش و تحقیقات در زمینه موضوعات تغییر آب و هوایی، مدیریت پژوهش و فناوری از سال ۸۸ با تشکیل کارگروه پژوهشی مدیریت کربن تلاش کرد تا با حرکت به سوی تحقق اهداف ذیل، زمینه‌ها و مقدمات لازم برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در شرکت ملی گاز را همسو با تعهدات جهانی و وظایف ملی فراهم کند. بر این اساس فعالیت‌هایی که در پی می‌آید حاصل فعالیت‌های قریب به ۳ سال این کارگروه است:

- ایجاد زیرساخت‌های لازم و معرفی مفاهیم مرتبط با مدیریت دی‌اکسید کربن در صنعت گاز؛
- فرهنگ سازی در راستای مدیریت دی‌اکسید کربن در صنعت گاز؛
- سیاستگذاری و برنامه ریزی در خصوص تعیین اولویت‌های پژوهشی در این زمینه؛
- تعریف طرح‌ها و پروژه‌های تحقیقاتی در راستای تحقق اولویت‌های پژوهشی؛
- فراهم کردن مقدمات ضروری برای بهره‌گیری از فرصت‌های بین‌المللی تحت کنوانسیون تغییرات آب و هوا نظیر CDM.

در کارگروه یادشده در قالب جلسات ماهانه و مستمر

که با حضور نمایندگان مجموعه‌های ذیربط ستادی و شرکت‌های تابعه تشکیل می‌شد، تعریف طرح پژوهشی «برآورد منابع و میزان انتشار آلاینده‌های هوا، مدیریت کربن و ثبت پروژه‌های مکانیزم توسعه پاک (CDM) در صنعت گاز» و برخی پروژه‌های پژوهشی مرتبط با این طرح در سطح شرکت‌های تابعه انجام شد.

اهم دستاوردهای متصور از اجرای موفقیت پروژه‌های CDM

طرح فوق و دستاوردهای حاصل از آن زیرساخت‌های ضروری جهت کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و به تبع آمادگی لازم برای پاسخگویی به تعهدات احتمالی تحت پروتکل کیوتو و سایر قوانین زیست محیطی بین‌المللی و داخلی را در شرکت ملی گاز ایران ایجاد خواهد کرد که در زیر به اهم این دستاوردها اشاره شده است:

- شناسایی وضعیت کنونی شرکت ملی گاز ایران در انتشار گازهای گلخانه‌ای و تعیین جایگاه صنعت گاز کشور در مقایسه با سایر کشورهای دنیا از طریق برآورد شاخص‌های انتشار و ایجاد بانک اطلاعاتی انتشار گازهای گلخانه‌ای در صنعت گاز؛
- تعیین روند آتی انتشار دی‌اکسید کربن و سایر گازهای گلخانه‌ای در شرکت ملی گاز ایران بر اساس برنامه‌های توسعه؛
- شناسایی سیاست‌های مختلف در کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، بررسی اثربخشی آنها در کاهش انتشار و جهت‌گیری در بکارگیری آنها (بسترسازی برای اجرای تعهدات محوله بر عهده شرکت ملی گاز در آیین‌نامه اجرایی کنوانسیون تغییر آب و هوا و پروتکل کیوتو مصوب مرداد ماه ۱۳۸۸ هیئت وزیران)؛
- تدوین استراتژ برنامه عمل کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در شرکت ملی گاز (بسترسازی جهت اجرای تعهدات محوله به شرکت ملی گاز در آیین‌نامه اجرایی کنوانسیون تغییر آب و هوا و پروتکل کیوتو مصوب مرداد ماه ۱۳۸۸ هیئت وزیران)

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

• شناسایی تکنولوژیهای کاهش انتشار شامل تکنولوژیهای کم کربن، روشهای جمع آوری دی اکسید کربن، روشهای کنترل و حذف آلاینده ها و گازهای گلخانه ای و هزینه های تحصیل آنها

• اجرای پروژه های مکانیزم توسعه پاک (CDM) و بهره مندی از درآمدهای آن

• امکان پیش بینی کیفیت هوا و وضعیت انتشار آلاینده های هوا در برنامه های توسعه منطقه پارس جنوبی و ارزیابی راهکارهای بهبود کیفیت هوا و کنترل آلاینده های هوا در این منطقه

۱۲-۱- زیر پروژه های CDM در ایران

در این بخش خلاصه وضعیت زیر پروژه های CDM ارائه شده است :

- «ثبت پروژه های مکانیزم توسعه پاک (CDM) در صنعت گاز: این موضوع شامل پروژه های نصب اکونومایزر در بویلرهای پالایشگاه گاز خانگیران و نصب بویلر بازیاب در خروجی زباله سوزهای پالایشگاه گاز خانگیران بوده که اجرای آنها منوط به برگزاری مناقصه و مشخص شدن تاریخ عقد قرارداد خرید تجهیزات است که مراتب در حال پیگیری است.

- شناسایی نقاط نشر، برآورد میزان نشر و شناسایی فناوریها و روشهای اجرایی برای کاهش نشستی در خطوط و تجهیزات روی زمینی انتقال گاز پروژه فوق با هدف بررسی و پتانسیل سنجی اجرای پروژه کاهش نشستی متان در شرکت انتقال گاز ایران در قالب CDM در حال اجرا است که تاکنون شناسایی منابع نشر و جمع آوری اطلاعات مورد نیاز برای انجام محاسبات صورت گرفته و در مرحله انجام اندازه گیریهای میدانی است.

- پروژه ایجاد سیستم محاسبه و گزارش دهی میزان انتشار آلاینده های هوا و گازهای گلخانه ای در پالایشگاهها و خطوط انتقال شرکت ملی گاز ایران: هدف این پروژه توسعه یک سیستم نرم افزاری محاسبه و گزارش دهی موجودی انتشار در سطح ملی و بین المللی در حوزه فعالیت پالایشگاهها و شرکت انتقال گاز بوده و در حال حاضر جاری است.

- پروژه تدوین استراتژی و برنامه عمل (Action Plan) کاهش انتشار گازهای گلخانه ای در شرکت ملی گاز ایران: این پروژه با هدف توسعه سیستم انرژی بر اساس قیده های زیست محیطی با ملاحظات اقتصادی است، به طوری که منجر به اتخاذ سیاستهای توسعه بخش انرژی (نفت و گاز) و در راستای حصول به تعهدات زیست محیطی با حداقل هزینه ها شود. در حال حاضر، جمع آوری اطلاعات جهت توسعه سیستم انرژی مرجع در حال انجام بوده و این سیستم در حال طراحی و توسعه است.

- پروژه بررسی کیفی و کمی منابع انتشار آلاینده های هوا و گازهای گلخانه ای و شبیه سازی پراکنش آلاینده های هوا در شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی: هدف اصلی این پروژه ایجاد بخشی از زیرساخت های لازم برای مدیریت کیفیت هوا در منطقه عملیاتی است و به بررسی وضعیت موجود انتشار آلاینده های هوا در مجتمع گاز پارس جنوبی پرداخته و در نهایت به مدلسازی روند آتی انتشار می پردازد. تاکنون اندازه گیری های میدانی پروژه انجام شده و در حال تکمیل است.

۱۲-۲- پروژه های مستقل تعریف و اجرا شده در سطح شرکتهای تابعه مرتبط با طرح

با توجه به ماهیت موضوعی مدیریت کربن که باید در کلیه حوزه های شرکت ملی گاز ایران به ویژه شرکتهای پالایشی پیاده سازی و اجرا شود، همگام با بسترسازی و سیاستگذاری کلان در مدیریت پژوهش و فناوری با اجرای طرح پژوهشی مذکور، پروژه های کاربردی مستقلی توسط شرکتهای تابعه تعریف و در حال اجرا است که اهم موارد در ذیل آمده است :

- پروژه مطالعه و بررسی منابع گاز دی اکسید کربن در تأسیسات عملیاتی و ارائه راهکارهای جداسازی و مصرف: این پروژه در قالب قراردادی میان شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران و پژوهشگاه صنعت نفت، انجام و هم اکنون خاتمه یافته است. در این پروژه، منابع گاز دی اکسید کربن در منطقه عملیاتی

با تمرکز بر پالایشگاههای گازی، پتروشیمیهای پارس و مبین و نیروگاه عسلویه (بعثت) بر اساس مدارک طراحی، همچنین اکتساب آمارهای رسمی اعلام شده مورد شناسایی قرار گرفته و مقدار آن از نظر میزان و فرآیندهای موجود بررسی شد. هدف از انجام این پروژه نیز تعیین منابع مناسب جداسازی گاز دی اکسید کربن در مجتمع گاز پارس جنوبی و بررسی فنی و اقتصادی روشهای جداسازی و موارد مصرف دی اکسید کربن جدا شده است.

- پروژه شناسایی پتانسیل پروژههای مکانیسم توسعه پاک در شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی: این پروژه طی قراردادی پژوهشی میان شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی و پژوهشگاه صنعت نفت، با هدف شناسایی و تعیین پروژه های قابل ثبت در قالب CDM در حال اجرا است.

- پروژه توسعه متدولوژی، ثبت و اخذ گواهی انتشار از هیئت اجرائی برای جمع آوری گازهای ارسالی به فلر شرکت پالایش گاز سرخون و قشم تحت مکانیسم توسعه پاک پروتکل کیوتو: این پروژه خاتمه یافته و متدولوژی تدوین شده نیز به تصویب هیئت اجرائی کنوانسیون تغییرات آب و هوای سازمان ملل متحد رسیده است. در حال حاضر مراحل ثبت این پروژه در سازمان ملل، طی همکاری با پژوهشگاه صنعت نفت و شرکت انرژی های تجدیدپذیر مهر در حال انجام است. پروژه های پتانسیل سنجی با عناوین زیر نیز در پالایشگاه های گاز پارسیان، ایلام و بیدبلند در مرحله اجرا است:

- شناسایی پتانسیل پروژه های مکانیسم توسعه پاک در شرکت پالایش گاز پارسیان
- شناسایی پتانسیل پروژه های مکانیسم توسعه پاک در شرکت پالایش گاز ایلام
- شناسایی پتانسیل پروژه های مکانیسم توسعه پاک در شرکت پالایش گاز بیدبلند

۱۳- چالش ها، موانع و راهکارهای اجرای پروژه های CDM در ایران
کشور ما علیرغم پتانسیل های فراوان که به برخی

از آنها اشاره شد و با توجه به اینکه ایران با تولید ۳۷۰ میلیون تن گاز گلخانه ای در سال، رتبه اول را در خاورمیانه و منطقه آفریقا دارد (از این میزان گاز بیش از ۷۵ درصد مربوط به بخش انرژی است) (۱) و با در نظر داشتن این موضوع که ایران زودتر از کشور چین به این پیمان ملحق شده است، اما تا کنون بهره برداری مناسبی از این فرصت بین المللی نکرده است. در این بخش با توجه به مطالب بیان شده، و نظرات مسئولین و کارشناسان متخصص امر در کنفرانس ها، رسانه ها، مطبوعات، شبکه های اینترنتی و سایر مراجع معتبر چالش ها و موانعی که منجر به سهم ناچیز ایران از پیمان کیوتو شده است بیان و در پایان راهکار پیشنهادی جهت رفع آن ها در قالب یک مدل مفهومی با استناد به استاندارد مدیریت ارزش بیان می گردد.

۱۳-۱- چالش ها و موانع

- عدم وجود نگاه راهبردی و برنامه ریزی بلند مدت و استراتژیک برای پیمان کیوتو در سطح کلان کشور؛
- فقدان آگاهی، شناخت و اطلاع رسانی عمومی در خصوص این پیمان و مزایای حاصل از اجرای پروژه های ذیربط؛
- عدم تخصیص حداکثر منافع پروژه های ثبت شده به صاحبان پروژه؛
- عدم قطعیت در همکاری با نهاد های بین المللی؛
- در نظر نگرفتن ردیف اعتباری جهت تخصیص بودجه برای اجرای مراحل اولیه پروژه ها؛
- عدم آشنایی صاحبان پروژه با نحوه انعقاد قرارداد با شرکت های خریدار گواهی کاهش انتشار؛
- عدم وجود تجربه و توانمندی شرکت های داخلی در این خصوص و کمبود مشاوران تخصصی ذیربط؛
- وجود شبهات و عدم اعتقاد کافی در سطوح بالای مدیریتی در مورد اثر بخشی مکانیسم توسعه پاک؛
- عدم تطابق قوانین و مقررات مالی و حقوقی با شرایط حاکم بر قراردادهای مکانیسم توسعه پاک؛
- دشواری اخذ مجوز برای ترک تشریفات مناقصه در قانون مناقصات و آیین نامه انتخاب مشاور در

سازمان ها دولتی؛

- مشکلات اجرایی آیین نامه انتخاب مشاور در سازمان های دولتی؛
- قانون حداکثر استفاده از توان داخلی؛
- آیین نامه تضمین برای معاملات دولتی؛
- قانون حاکم بر قرارداد و داوری پروژه ها توسط مراجع ذیصلاح بین المللی؛
- محدودیت استفاده از فناوری های جدید در کشور؛
- کم توجهی به پژوهش، مطالعات کاربردی و داده های آماری مورد نیاز در کشور؛
- عدم وجود تعامل و ارتباط ساختاری و منسجم بین نهادهای متولی داخلی در این زمینه؛
- عدم توجه به بدنه کارشناسی در سازمان های دولتی؛
- کم توجهی به گزارشات ارزیابی کارشناسان و پژوهشگران توسط مسئولین ذیربط؛
- تغییرات متناوب در رده مدیریتی سازمان های دولتی؛
- کم توجهی به ریسک مخاطرات زیست محیطی در صنایع.

۱۳-۲- راهکار های پیشنهادی

کشور ما دارای نیروگاههای فسیلی بسیار میباشد و خصوصا در مناطق جنوب و غرب دارای شمار قابل توجهی چاههای نفت فرسوده است که ذخایر مفید آنها به پایان رسیده است ولی هنوز تمامی ماشین آلات و دستگاههای بهره برداری از این چاهها در محل وجود دارد و میتوان از این دستگاهها برای تزریق دوباره دی اکسید کربن به این چاهها استفاده کرد و یا بجای گاز طبیعی تزریقی به چاههای نفت میتوان از این گاز بهره جست. این اقدام باعث افزایش فشار به بخش های زیرین منبع و در نتیجه بالا آمدن ذخایر نفتی منبع و افزایش ظرفیت تولید حوزههای نفتی خواهد شد. این فناوری که به عنوان تکنیک تقویت و افزایش تولید منابع نفتی شناخته شده از سوی بسیاری از شرکت های نفتی برای افزایش عمر بهره برداری از منابع نفتی

به کار می رود اما کاربرد این فناوری در درجه اول ذخیره سازی گاز کربنیک برای جلوگیری از آلودگی هوا و استفاده از آن برای تزریق به منابع نفتی با هدف افزایش ظرفیت تولید این منابع است [۱۴]. هرچند میتوان با استخراج ذخایر باقیمانده در چاههای فرسوده با تزریق دی اکسید کربن فشرده به چاه، درآمد اضافی بدست آورده و هزینه ذخیره سازی و تزریق را جبران کرد. این در حالیست که استخراج ذخایر باقیمانده در چاههای فرسوده با هیچ روش دیگری امکانپذیر نیست. این روش بازیافت پیشرفته نفت نام دارد که از آن به ویژه در آمریکای شمالی استفاده میشود. این فرایندها جهت نیروگاههای نزدیک به این مناطق کاربرد دارد و گاز کربنیک پس از جداسازی از گازهای حاصل از احتراق قابلیت ذخیره سازی در مخازن خالی نفت و گاز، مخازن نفتی برای ازدیاد برداشت، منابع آب شور زیر زمینی و کف اقیانوسها را دارد. لذا میتوان بر این ادعا بود که استفاده از گازهای حاصل از احتراق و ذخیره سازی آنها در موارد ذکر شده در ذیل نیز کاربرد دارد [۱۵].

مخازن خالی نفت و گاز

* مخازن نفتی برای ازدیاد برداشت

انجام این عملیات برای نیروگاه یا منابعی که فاصله طولانی از این حوزه ها دارد به دلیل هزینه های لجستیکی و ایجاد خط لوله انتقال و تجهیزات جانبی اقتصادی نمیباشد ولی کاهش آلایندهای گازهای حاصل از احتراق و بازیافت انرژی های موجود در دود و استفاده از گاز های گرم خروجی از دودکشها بعنوان واسطه ای برای افزایش راندمان احتراق را میتوان مورد ارزیابی قرار داد [۵] و [۶] و [۷]. با حدود ۵٪ افزایش راندمان، میتوان به همین میزان سوخت مصرفی را نیز کاهش داد.

در حال حاضر مصرف گاز طبیعی در کشور در حدود چهل و پنج هزار میلیون متر مکعب در سال میباشد [۳]. با صرفه جویی همین مقدار ۵٪ طبق موارد ذکر شده، درآمدی بالغ بر یک میلیارد و هفتصد

جدول ۳. نرخ گاز طبیعی در سنوات گذشته، حال و پیش بینی در آینده بر اساس سناریوی مبنا (۱۰)

سال مطالعه	گاز طبیعی (سنت بر متر مکعب)
۱۳۸۳	۳/۶
۱۳۸۸	۳/۶
۱۳۹۳	۳/۸
۱۳۹۸	۳/۸
۱۴۰۸	۴

میلیون دلار در سال مورد انتظار میباشد. فرایند بازیافت انرژی از دود نیز حتی در نیروگاههای نزدیک به مخازن نفت و گاز قبل از تزریق ضروری به نظر میرساند؛ بدلیل الزام استفاده از مازوت خصوصا در فصول سرد سال به جهت افزایش تقاضای مصرف گاز طبیعی در این بازه زمانی و وجود مقادیری گوگرد در این فراورده، در صورت احداث واحد پیشنهادی تولید اسید سولفوریک در کنار واحد استحصال گاز کربنیک، علاوه بر کاهش آلاینده های حاصله، میزان قابل توجهی نیز در هزینه های اجتماعی صرفه جویی میشود همچنین منافع شایان ذکری نیز از فروش این محصول کاربردی عاید میگردد. هر چند میتوان در زمانهای دیگر نیز از سوخت مازوت بهره برد. در این روش امکان تولید بخار و در نتیجه امکان ذخیره کردن بیشتر انرژی فراهم شده است همچنین فرایند سیستم پیش گرمایش غیر مستقیم، منجر به عملکرد بهتر در زمان راه اندازی واحد میگردد.

۱۴- نتیجه گیری و جمع بندی

کشور ایران دارای منابع عظیم نفت و گاز میباشد ولی متأسفانه میزان بالای از گازهای همراه ارزشمند تولید شده به علت عدم وجود زیرساختهای لازم جهت استفاده از گاز همراه سوزانده می شود؛ به طوریکه ایران جایگاه سوم در میزان سوزاندن گاز همراه در جهان را دارا میباشد. با انتخاب و عملیاتی نمودن یکی

از روشهای استحصال گاز همراه نظیر ایجاد واحد فرآورش گاز جهت تبدیل به فرآوردههایی نظیر گاز طبیعی، NGL، LNG، LPG و سایر محصولات، تزریق گاز همراه به مخازن نفت و گاز جهت افزایش برداشت، استفاده از گازهای همراه به عنوان سوخت واحدهای صنعتی و سایر متدهای استفاده از گاز همراه، میتوان از سوزاندن گازهای همراه جلوگیری به عمل آورد. با توجه به اینکه در هفدهمین کنفرانس اعضاء کنوانسیون تغییرات آب و هوا و هفتمین نشست متعهدین پروتکل کیوتو (۷ لغایت ۸ سپتامبر ۲۰۱۱ برابر با ۱۶ لغایت ۱۷ شهریور ماه ۱۳۹۰) پیمان پروتکل کیوتو تا سال ۲۰۱۷ تمدید گردیده است این فرصت فراهم گردیده تا نسبت به شناسایی و ثبت پروژه های مرتبط اقدامات لازم را برنامه ریزی و اجرایی نمایند، واز آنجاکه امروزه برنامه ریزی ها و تصمیمات کوتاه مدت جوابگوی معضلات و چالش های اشاره شده در صنایع نیست و با توجه با اینکه در کشور های توسعه یافته تمامی اقدامات مشابه در قالب استراتژی های بلند مدت طرح ریزی و پیگیری می شود، ضروری است تمامی نهادهای موثر و درگیر در این زمینه مانند سازمان حفاظت محیط زیست، وزارت نفت، وزارت نیرو، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت راه و ترابری (سازمان بنادر و کشتیرانی و سازمان هواشناسی)، شهرداری ها، مجلس شورای اسلامی، سازمان حمل و نقل، وزارت کشور و مراکز تحقیقاتی و مطالعاتی، در هنگام پیوستن به پیمان های بین المللی مانند مکانیسم توسعه پاک ضمن تشکیل کارگروهی که زیر نظر ریاست جمهوری فعالیت مینماید به تدوین استراتژی محیط زیستی در زمینه مکانیسم توسعه پاک و یا طرح های مشابه بین المللی اقدام و جهت اجرا به سازمان های ذیربط ارائه نمایند. این استراتژی در صورتی که با دقت تدوین و با عزم جدی مسوولین اجرا گردد می تواند به شاه کلید حل معضلات تبدیل شود و حتی می تواند به عنوان یک مدل و الگوی موفق برای بقیه صنایع تبدیل گردد. بنابراین

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

با اجرای پروژه های CDM میتوان به نتایج و اهداف زیر دست یافت:

- تعریف پروژه های جدید بدون نیاز به دخالت کشورهای غربی
- تحقق برخی از اهداف اصلی سند چشم انداز توسعه
- اجبار لابی های وابسته به غرب جهت شکست تحریمها و تامین اقلام پروژه های طرح شده.
- ایجاد فرصتهای شغلی فراوان بصورت مستقیم و غیر مستقیم
- ایجاد بازار انحصاری برای کشور جهت صدور فن آوری
- جذب سرمایه های بین المللی طولانی مدت بلاعوض
- بهره زیست محیطی حاصل از مکانیسم توسعه پاک و ایجاد محیط زیستی سالمتر بجهت کاهش گازهای آلاینده

• کاهش چشمگیر هزینه های اجتماعی

• بهروری انرژی به دلیل افزایش راندمان و تولید انرژی بیشتر در نیروگاهها و دیگر مصرف کنندگان انرژی

منابع و ماخذ

۱. پروتکل کیوتو در مورد کنوانسیون تغییرات آب وهوا سازمان ملل متحد
۲. پورغفار دستجردی، جواد (۱۳۹۳) مالیات سبز، مجله اقتصادی سال ۱۴، شماره های ۱.
۳. ترازنامه انرژی سال ۱۳۹۰، دفتر برنامه ریزی کلان وزارت نیرو
۴. تمدید پروتکل کیوتو در مورد کنوانسیون تغییرات آب وهوا سازمان ملل متحد.
۵. توحیدنژاد، مهریار (۱۳۹۳) پایان نامه کارشناسی ارشد، مدیریت گازکربنیک در نیروگاه شازند با رویکرد انرژی پاک.
۶. توحیدنژاد، مهریار و میری شکتایی، سید تقی و براتی، ابوالفضل (۱۳۹۳) بازیافت انرژی از گازهای حاصل از احتراق، دومین همایش سراسری محیط

زیست، انرژی و پدافند زیستی.

۷. توحیدنژاد، مهریار و مرزبان، مالک و مرزبان، محمود (۱۳۹۲) مدیریت گازهای آلاینده حاصل از نیروگاه های کشور، اولین همایش سراسری محیط زیست، انرژی و پدافند زیستی.

۸. سعیدی، محسن و کرباسی، عبدالرضا و سهراب، تیکا و صمدی، رضا (۱۳۸۴) وزارت نیرو، سازمان بهره وری انرژی ایران (سابا) - مدیریت زیست محیطی نیروگاهها.

۹. سیاوش درفشی، میرمحمد چاوش باشی و سعید رادمان (۱۳۹۰) مطالعه امکان سنجی سیستم بازیابی گازهای ارسالی به فلر پتروشیمی تبریز و کاهش عملیات فلرینگ تحت مکانیسم CDM.

۱۰. شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۴) قراردادهای ساخت،

بهره برداری و انتقال، دانشگاه تهران، پردیس قم.
11. Bettelheim, Eric C., and Gilonne d'Origny,(2002), "Carbon Sinks and Emissions Trading under the Kyoto Protocol: A Legal Analysis" Philosophical Transactions: Mathematical, Physical and Engineering Sciences, Vol. 360, No. 1797.

12. Bodansky, Daniel,(1993), "The United Nations Framework Convention on Climate Change: A Commentary" Yale Journal of International Law, Vol. 18.

13. Halvorssen, Anita M.,(2005), "The Kyoto Protocol and Developing Countries the Clean Development Mechanism" Colorado Journal of International Environmental Law and Policy, Vol. 16.

14. Hanafi, Alex G.,(1998), "Joint Implementation: Legal and Institutional Issues for an Effective International Program to Combat Climate Change" Harvard Environmental Law Review, Vol. 22.

15. Nelson, Patricia, "An African Dimension to the Clean Development Mechanism: Finding a Path to Sustainable Development in the Energy Sector" Denver Journal of International Law & Policy, vol. 32, 2003-2004.

استراتژی توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان با رویکرد رشد هوشمند و شهر فشرده

مسعود تقوایی - استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
حمیدرضا وارثی - دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
مسعود نریمانی* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

شهرنشینی شتابان و محدودیت زمین و منابع زیستی، ضرورت توسعه پایدار شهری را بیش از پیش، برای جوامع شهری و کلان شهرها، تأکید نموده است. یکی از راهبردهای دستیابی به توسعه پایدار شهری، شکل پایدار شهر است که نقشی تأثیرگذار و تعیین کننده در پایداری محیط های شهری دارد. براین اساس، هدف این پژوهش، بازتعریف و تعیین استراتژی توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان، برای دستیابی به توسعه پایدار شهری در چشم انداز سال ۱۴۱۴ (۲۰۳۵) می باشد. روش این تحقیق از نظر هدف، کاربردی- توسعه ای و از نظر روش، ترکیبی از روشهای اسنادی، تحلیلی، علی و پیمایشی است و ابزار جمع آوری داده های تحقیق نیز پرسشنامه محقق ساخته می باشد که با توجه به اهداف و ماهیت پژوهش و برای دستیابی به اجماع نظری در شناخت و ارزیابی قوت ها، ضعف ها، فرصت ها و تهدیدهای توسعه شهری اصفهان، با استفاده از ۸۷۹ نمونه از جامعه آماری پژوهش، شامل شهروندان، کارشناسان و مدیران شهری اصفهان و با مصاحبه تکمیلی با ۲۵ نفر از منتخبی از کارشناسان و مدیران شهری، حاصل شده و با استفاده از روش ضریب همبستگی پیرسون و با نرم افزار SPSS، تحلیل و ارزیابی شده است. همچنین، برای بازتعریف و تدوین استراتژی توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان و تکمیل مراحل ارزیابی داده های تحقیق، از روش تحلیل راهبردی SWOT و ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE) و ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE) استفاده شده و استراتژی های توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان، شامل رشد پراکنده با شکل شهر گسترده یا گسسته و استراتژی رشد هوشمند شهری با شکل شهر فشرده، تحلیل و ارزیابی شده است. بر اساس نظرات منتخبین شهروندان، کارشناسان و مدیران شهری و همچنین، ماتریس SWOT و با ارزیابی عوامل داخلی و خارجی، شامل قوت ها، ضعف ها، فرصت ها و تهدیدها و با ارزیابی امتیازات استراتژی های توسعه شهری، نتیجه گرفته می شود که استراتژی رشد هوشمند شهری و شهر فشرده، با مجموع امتیازات نهایی ۳/۰۸ و ۳/۱۱ برای عوامل داخلی و خارجی و با رویکرد استراتژی تهاجمی، استراتژی منتخب و بهینه برای توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان می باشد.

واژگان کلیدی: توسعه فیزیکی، شکل پایدار شهر، رشد هوشمند شهری، شهر فشرده، اصفهان.

Physical development strategy and sustainable form of Isfahan city with approach of smart growth and compact city

Abstract

The need for sustainable urban development in urban communities and large cities has been emphasized due to rapid urbanization and limitation of land and biological resources. One of the strategies to achieve sustainable urban development is sustainable form of city which has influential role in determining the sustainability of urban environments. Accordingly, the aim of this study is to redefine and determine physical development strategy and sustainable form of Isfahan city to achieve sustainable urban development in prospect of 2035. This study is applied in term of objective. The methodology of this study is a combination of document, analysis, causal and survey. Data collection tool is questionnaire. According to the objectives and the nature of research and to achieve consensus on the identification and assessment of the strengths, weaknesses, opportunities and threats of Isfahan urban development, data was gathered through 879 samples from the study population including citizens, urban experts and managers and supplementary interviews with 25 people from a selection of experts and city managers and then was analyzed and evaluated using Pearson correlation coefficient and SPSS software. Also, to redefine and establish physical development strategy and sustainable form of Isfahan and completion of evaluation research data, SWOT strategic analysis and internal factors evaluation matrix (IFE) and external factors evaluation matrix (EFE) was used and development physical strategies and sustainable form of Isfahan including the sprawl growth with compact or discrete form of city and smart growth strategy of a compact city has been analyzed and evaluated. According to the perspective of citizens, urban experts and managers as well as the SWOT matrix and the evaluation of internal and external factors, including strengths, weaknesses, opportunities and threats and evaluating the benefits of urban development strategy, it was concluded that strategy of urban smart growth and compact city is the best and selected strategy for physical development and sustainable form of Isfahan city with total scores of 3.80 and 3.11 for the internal and external factors using aggressive strategy approach.

Key words: Physical Development, Sustainable Form of City, Urban Smart Growth, Compact City, Esfahan

فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی می باشد که برای تحقق توسعه پایدار شهری، نیاز به بازشناسی و ارزیابی قوت ها، ضعف ها، فرصت ها، تهدیدها و چالش های شهری و تدوین استراتژی توسعه شهری دارد. با توجه به نقش تأثیرگذار و تعیین کننده شکل شهر در پایداری محیط شهری، این مهم، ابتداً مستلزم بازتعریف و تدوین استراتژی توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان می باشد. از این رو و در این پژوهش، با استفاده از روش تحلیل راهبردی SWOT و ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE) و ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE) و همچنین، با استفاده از نتایج نظرات ۸۷۹ نمونه از شهروندان، کارشناسان و مدیران شهری اصفهان و نیز با مصاحبه تکمیلی با ۲۵ نفر از منتخبی از کارشناسان و مدیران شهری، استراتژی توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان، برپایه برنامه ریزی استراتژیک و با اجماع نظری، تحلیل و ارزیابی شده است. بر این اساس و از نظر منتخبین شهروندان، کارشناسان و مدیران شهری اصفهان و همچنین، براساس نتایج تحلیل راهبردی با روش SWOT، استراتژی رشد هوشمند شهری با شکل شهر فشرده، استراتژی بهینه برای توسعه پایدار شهری اصفهان، در چشم انداز سال ۱۴۱۴ (۲۰۳۵) می باشد. ضرورت این پژوهش، بر بازتعریف و تدوین استراتژی توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان، برای تحقق توسعه پایدار شهری است؛ تا به عنوان استراتژی پایه و فرادست، برنامه ها و طرح های توسعه شهری و اقدامات مدیریت شهری، دارای انسجام و پایداری باشد و منجر به توسعه پایدار کلانشهر اصفهان شود و اهداف خرد و برنامه های عملیاتی کوتاه مدت و طرح های موضوعی و موضعی توسعه شهری، بر اساس آن و در چارچوب یک استراتژی هدفمند و یکپارچه، قابل تدوین و اجرا باشد.

اهداف این پژوهش، بازتعریف و تدوین استراتژی توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان و همچنین، بررسی و ارزیابی استراتژی رشد هوشمند

جهانی که امروزه در آن زندگی می کنیم؛ جهان شهری است (تقوایی و کیومرثی، ۱۳۹۰، ص ۱). جمعیت جهان با روندی افزایشی، به سوی شهری شدن پیش می رود؛ به نحوی که از اوایل قرن ۲۱ به بعد، بیش از نیمی از جمعیت جهان در نواحی شهری زندگی می کنند (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱). با این روند، پیش بینی می شود تا سال ۲۰۲۵ بیش از ۶۵ درصد جمعیت جهان در نواحی شهری زندگی کنند (Feng, et al, ۲۰۰۸). با این سرعت شهرنشینی، محیط های شهری جایگزین اکوسیستم های طبیعی می شوند (Pauleit, et al, ۲۰۰۵) و پیامدهایی همچون، افزایش نابرابری های اجتماعی و اقتصادی و محیطی را در نواحی شهری به همراه داشته است (Jenny & Ericson, ۲۰۰۶). الگوهای توسعه شهری، منجر به برهم خوردن نظم زیست محیطی شده و بقایای نسل بشر و پایداری زندگی روی کره زمین را با تهدیدات جدی روبرو ساخته است (مثنوی، ۱۳۸۱، ص ۹۰). از دیدگاه برنامه ریزان شهری، یکی از راهبردهای دستیابی به توسعه پایدار و ارتقای کیفیت محیط زیست شهری، متعادل ساختن توزیع فضایی کاربری ها از طریق، شکل پایدار شهر است (Caves, ۲۰۰۵:۱۳۹) شکل شهر که به عنوان الگوی توزیع فضایی فعالیت های انسان در برهه خاصی از زمان تعریف می شود؛ نقشی تأثیرگذار و تعیین کننده در پایداری محیط شهری دارد (Anderson, ۱۹۹۶:۳۴). از این رو و از اواخر قرن بیستم، الگوی رشد هوشمند شهری، برای پایداری فرم فضایی و شکل شهرها و با حمایت از شکل شهر فشرده، بنا شده است (ضرابی و همکاران، ۱۳۹۰، صص ۳ و ۲) و شهر فشرده نیز یکی از این الگوهای مناسب و مؤثر، برای پایداری شهرهاست (Grant, ۲۰۰۴:۶).

در این راستا، کلانشهر اصفهان، با شهرنشینی شتابان و گسترش کالبدی، دارای چالش های متعددی در عرصه های زیست محیطی، کالبدی،

شهری با شکل شهر فشرده، برای دستیابی به توسعه پایدار شهری اصفهان است که هدف اصلی این پژوهش می باشد.

۲- پیشینه تحقیق و مبانی نظری

از دیدگاه برنامه ریزان شهری، یکی از راهبردهای دستیابی به توسعه پایدار و ارتقای کیفیت محیط زیست شهری، متعادل ساختن توزیع فضایی کاربری‌ها از طریق «شکل پایدار شهر» است (Caves, 1399: 205). شکل شهر که معمولاً به نام محیط زیست کالبدی نیز خوانده شده است؛ به مفهوم الگوی فضایی عناصر کالبدی بزرگ، بی حرکت و دائمی در شهر می باشد (لینچ، 1376، ص 58). شکل شهر و الگوی توسعه شهری در کشورهای مختلف، از تنوع زیادی برخوردار است اما با بررسی الگوهای توسعه شهری، دو استراتژی توسعه فیزیکی و شکل شهر، قابل دسته بندی است (Newman & Kenworthy, 1999) که شامل استراتژی رشد پراکنده شهری که با افزایش محدوده شهر و گسترش پراکنده و افقی شهر و با شکل شهر گسترده و گسسته، ظاهر می شود و همچنین، استراتژی رشد هوشمند شهری که با الگوی فشرده شهری و شکل شهر فشرده نمایان می شود (پورمحمدی و قربانی، 1382، ص 92).

یکی از رویکردهای شهرسازی نوین، رشد هوشمند شهری است و سیاست های عمومی آن، متأثر از اصول شهرسازی نوین است (Grant, 2004: 64). رشد هوشمند برای اولین بار، در سال 1997 و برای جلوگیری از توسعه بی رویه و رشد پراکنده شهری، به کار گرفته شد (Yang, 2009: 29). رشد هوشمند شهری به عنوان پاسخی برای تداوم مشکلات توسعه پراکنده شهرها و نتایج منفی آن به وجود آمده است (Edwards & Anna, 2007: 49) و نوعی از برنامه ریزی است که ضمن توجه به شاخص های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی با توسعه زمین-های بایر و الگوی کاربری مختلط باعث کاهش حجم سفر و خلق جوامع قابل زیست

و پایدارتر می شود (قربانی و نوشاد، 1387، ص 165). در این الگو، سیستم یکپارچه کاربری زمین و حمل و نقل عمومی چندگانه، مورد تأکید است و یک روش پیشنهادی برای اصلاح رشد پراکنده شهری است (Litman, 2005: 21). در واقع، نوعی از برنامه ریزی است که با استفاده از عوامل اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی توسعه را به نواحی دایر و مجهز به زیرساخت های لازم و نواحی ای که می توانند به تأسیسات مورد نیاز تجهیز شوند؛ هدایت می کند (Walmesley, 2006: 13). رشد هوشمند، واکنشی برای پراکندگی شهری است و شامل توسعه درونی، تراکم های بالاتر، یکپارچه سازی فعالیت ها در درون شهر، کاربری های مختلط، کاهش مصرف زمین و کاهش فواصل بین محل کار و زندگی، بهره گیری مفیدتر از فضا، کاهش مصرف انرژی، کاهش آلودگی-های زیست محیطی، کاهش استفاده از حمل و نقل خصوصی و افزایش کاربرد حمل و نقل عمومی و حداکثر دسترسی به خدمات شهری می باشد (Peiser, 2001: 353).

شکل شهر فشرده، یکی از الگوهای توسعه فیزیکی شهرها، در چارچوب استراتژی رشد هوشمند شهری است. شهر فشرده یا فشرده سازی شهری، به عنوان یکی از مهمترین الگوهای مطرح شده جهت کنترل رشد پراکنده شهری، از دهه 1990 به بعد، مجدداً مورد توجه قرار گرفته است (Grant, 2004: 6). شهر فشرده، شهری است که تراکم آن بالا و کاربری ها ترکیبی است و سیستم حمل و نقل عمومی خوبی دارد و پیاده روی و دوچرخه سواری را تشویق می کند (Burton, 1997: 10). در فرم شهری فشرده، تأکید بر رشد مراکز شهری موجود و زمین های باز یافتی و در عین حال اجتناب از گسترش و پخش شدن شهر در حاشیه هاست (حسینیون، 1385، ص 14). شهر فشرده نسبت به شهر گسترده به دلیل تراکم بالاتر، محدوده کمتری را اشغال می کند (Borrego, et al, 2006) و سیستم حمل و نقل عمومی با کیفیت و خوبی دارد و پیاده روی و دوچرخه

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره 41 زمستان 94
No.41 Winter 2015

سواری را تشویق می کند (Burton, ۱۹۷:۲۰۰۰).

در شکل شهری فشرده، تأکید بر رشد شهری در زمین های بازیافتی موجود و درون شهر و اجتناب از گسترش و پخش شدن شهر در حاشیه هاست (Richard Rogres, ۱۹۹۹:۳۶) و از طریق متراکم کردن شهر موجود و تشویق مردم برای زندگی در شهرها و ساختمان های فشرده تر، قابل دستیابی است (Williams, et al, ۱۹۹۶:۸۳). اصطلاح «شهر فشرده» بیشتر در اروپا و رشد هوشمند شهری بیشتر در آمریکای شمالی، مورد استفاده قرار می گیرد (سیف الدینی و شورچه، ۱۳۹۳، ص ۲۴۷).

در مورد موضوع این تحقیق، پژوهش های مختلفی انجام شده است که به برخی از آنها به شرح زیر، اشاره می شود؛ لیکن، در جستجوهای نگارندگان، پژوهشی که بر پایه برنامه ریزی استراتژیک و با تأکید بر ضرورت بازتعریف و تدوین استراتژی توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر، برای دستیابی به توسعه پایدار شهری اصفهان، انجام شده باشد؛ یافت نشده است. از این رو، این تحقیق می تواند از سایر پژوهش ها در این خصوص، متفاوت باشد.

در این راستا، مثنوی (۱۳۸۱) در مقاله «توسعه پایدار و پارادایم های جدید توسعه شهری: شهر فشرده و شهر گسترده» دستیابی به توسعه پایدار را مهمترین راهبرد در قرن بیست و یکم

می داند و در این راستا دو رویکرد و الگوی متناقض در تحقق توسعه پایدار شهری شامل، شهر فشرده یا شکل متراکم شهری و شهر گسترده یا شکل کم تراکم شهری را مطرح می کند و با معرفی نقاط قوت و ضعف هر دو الگو، نتیجه می گیرد که الگوی شهر فشرده و شکل متراکم شهری، با معیارهای توسعه پایدار، سازگاری و انطباق بیشتری دارد. تقوایی و سرایی (۱۳۸۵) در مقاله «گسترش افقی شهر و ظرفیت های موجود زمین (مورد: شهر یزد)» رشد و توسعه فیزیکی شهر یزد را بررسی کرده اند و معتقدند که برای تحقق توسعه پایدار شهری،

بهینه سازی

بهره گیری از زمین شهری، یکی از شروط مهم در کنار کارآمدی اقتصادی و عدالت اجتماعی و حفظ محیط زیست است. آنان با استفاده از روش هلدن، گسترش افقی شهر یزد را ارزیابی کرده و نتیجه گرفته اند که شهر یزد دارای گسترش افقی بی رویه (رشد پراکنده شهری) است و نیمی از مساحت این شهر که در دهه های اخیر شکل گرفته؛ کاذب است و برای ۲۵ سال آینده، نیاز به هیچگونه افزایش محدوده شهر نمی باشد. صابری و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله «اولویت بندی استراتژی های توسعه شهر (CDS) با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی AHP مطالعه موردی: کلان شهر اصفهان» استراتژی های توسعه کلان شهر اصفهان را در شش استراتژی اصلی و ۳۸ استراتژی فرعی، با رویکرد برنامه ریزی استراتژیک و راهبرد توسعه شهری (CDS) تحلیل و اولویت بندی کرده اند. نتایج این پژوهش، نشان می دهد که استراتژی های عدالت فضایی اولویت اول؛ درآمدهای پایدار، اولویت دوم؛ گسترش توریسم شهری، اولویت سوم؛ کاهش آلودگی هوا، اولویت چهارم؛ داشتن بیانیه چشم انداز درباره آینده توسعه شهر، اولویت پنجم و... می باشد. مبارکی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «برنامه ریزی استراتژیک توسعه پایدار شهر ارومیه» وضعیت توسعه پایدار شهری ارومیه و الگوهای رشد هوشمند شهری و فرم شهری را تحلیل و ارزیابی کرده و بر پایه برنامه ریزی استراتژیک، استراتژی های توسعه پایدار شهر ارومیه را تدوین و پیشنهاد نموده است. وی نتیجه می گیرد که توسعه فشرده شهری می تواند به پایداری شهر منجر گردد. پوراحمد و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله «ارزیابی و سنجش میزان پراکنش و فشردگی شکل شهر با استفاده از مدل های کمی (مطالعه تطبیقی بین کلان شهرهای تهران و سیدنی)» ارتباط توسعه پایدار شهری با شکل شهر را تأکید کرده و معتقدند بین شکل شهر و پایداری آن، رابطه مستقیم و تنگاتنگی وجود دارد.

همچنین، الگوهای شهر فشرده و شهر گسترده را با دو نمونه کلانشهرهای تهران و سیدنی استرالیا، بررسی نموده و نتیجه گرفته اند که برای دستیابی به توسعه پایدار شهری، بایستی الگوی توسعه شهری از الگوی پراکنش شهری و شهر گسترده تغییر نماید و فشردگی کالبدی و شهر فشرده، جایگزین پراکنش شهری شود. آنان نتیجه گرفته اند که توسعه شهری کلانشهر تهران بسیار سریع بوده که منجر به پراکنش شهری و توسعه افقی این شهر در دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ شده و البته در دهه ۱۳۸۰، به سمت شهر متمرکز و فشرده گرایش داشته است؛ در حالیکه شکل شهری کلانشهر سیدنی در استرالیا، تک مرکزی می باشد. سرور و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله «میزان فشردگی و گستردگی توسعه مدیریت شهری از منظر توسعه پایدار (مطالعه موردی: شهر یزد)» توسعه شهری یزد را طی سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ بررسی کرده و نتیجه گرفته اند که مساحت شهر یزد حدود ۱۹ برابر و جمعیت آن حدود ۵ برابر افزایش داشته و طی این سال ها، تراکم شهر یزد از ۱۳۱/۳ نفر به ۳۴/۵ نفر در هکتار کاهش داشته است که بیانگر گستردگی بیش از حد شهر و خالی

ماندن فضاهای زیاد و غیرفعال بودن سطوح شهری در محدوده شهر یزد می باشد که نهایتاً موجب توسعه افقی و گستردگی این شهر شده است. آنان معتقدند که توسعه شهری فشرده، منجر به پایداری و عدالت اجتماعی و فضایی می شود.

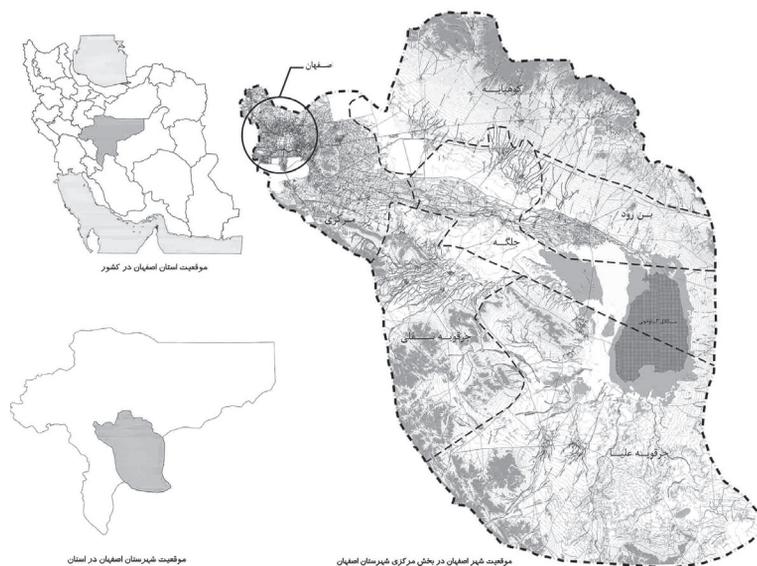
۳- مدل مفهومی تحقیق

با توجه به موضوع و اهداف پژوهش، برنامه ریزی استراتژیک و اجماع نظری، پایه و اساس این تحقیق است. بر این اساس، داده های پژوهش، برآیندی از نتایج پرسشنامه محقق ساخته و با جامعه آماری فراگیر، شامل شهروندان، کارشناسان و مدیران شهری اصفهان، با ۸۷۹ نمونه است که با گفتگو و مصاحبه با منتخبی از کارشناسان و مدیران شهری نیز همراه و تکمیل شده است. بر این اساس، نتیجه پژوهش با تحلیل داده های پرسشنامه تحقیق، حاصل اجماع نظری و خرد جمعی منتخبی از ذی نفعان شهر اصفهان می باشد. همچنین، از روش SWOT که روش تحلیل برنامه ریزی استراتژیک و با رویکردی راهبردی و کیفی است؛ برای تحلیل و ارزیابی استراتژی توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان و تکمیل داده های تحقیق و نتایج

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۳۴۳



نقشه ۱. موقعیت شهر اصفهان، مأخذ: مهندسین مشاور نقش جهان پارس، ۱۳۹۳

پرسشنامه، استفاده شده است. این مجموعه، اساس و پایه مدل مفهومی پژوهش است. در این راستا و در چارچوب موضوع و اهداف پژوهش، سؤال‌ها و فرضیه تحقیق عبارت است از:

- استراتژی توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان برای آینده و در چشم انداز سال ۱۴۱۴ کدام است؟

- آیا استراتژی رشد هوشمند شهری با شکل شهر فشرده، استراتژی بهینه برای توسعه پایدار شهری اصفهان است؟

- استراتژی رشد هوشمند شهری و شهر فشرده، استراتژی بهینه برای توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان است که منجر به توسعه پایدار شهری می شود.

قلمرو پژوهش نیز، محدوده کلانشهر اصفهان است. کلانشهر اصفهان، دارای پانزده منطقه است و مساحت حریم و محدوده آن ۵۵/۰۷۲ هکتار می باشد که ۲۰/۰۳۴ هکتار از آن، مساحت محدوده شهر است (آمارنامه شهر اصفهان، ۱۳۹۲). موقعیت و محدوده اصفهان در نقشه شماره ۱ ارائه شده است.

۴- روش شناسی تحقیق

روش تحقیق این پژوهش از نظر هدف، کاربردی - توسعه ای و از نظر روش، ترکیبی از

روش های اسنادی، تحلیلی، علی و پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش، شامل سه گروه شهروندان، کارشناسان شهری و مدیران شهری اصفهان می باشد. بر این اساس، داده های گروه شهروندان با ۳۸۳ نمونه و گروه کارشناسان شهری با ۳۸۴ نمونه، به صورت تصادفی و همچنین، گروه مدیران شهری با ۱۱۲ نمونه شامل مدیران شهرداری اصفهان، اداره کل راه و شهرسازی استان و اعضای شورای اسلامی شهر اصفهان است، به صورت تمام شماری، جمع آوری شده اند. ابزار جمع آوری داده ها از جامعه آماری نیز با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته می باشد. همچنین، با توجه به اهداف و ماهیت پژوهش که بر پایه برنامه ریزی استراتژیک

و با رویکرد استراتژی توسعه شهری (CDS) می باشد و برای دستیابی به اجماع نظری و اخذ نظرات تکمیلی کارشناسان و مدیران شهری در خصوص قوت ها، ضعف ها، فرصت ها و تهدیدهای توسعه شهری اصفهان و امتیازدهی به عوامل داخلی و خارجی، با ۲۵ نفر از منتخبی از کارشناسان و مدیران شهری اصفهان در هنگام تکمیل پرسشنامه، مصاحبه و گفتگو و اخذ نظر شده است. داده های پرسشنامه پژوهش، به تفکیک گروه های سه گانه شهروندان، کارشناسان و مدیران شهری و با استفاده از روش ضریب همبستگی پیرسون و با نرم افزار SPSS، تحلیل و ارزیابی شده است. همچنین، با توجه به ماهیت پژوهش که بر پایه برنامه ریزی استراتژیک و با رویکرد استراتژی توسعه شهری استوار است؛ از این رو، برای بازتعریف و تدوین استراتژی توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان و تکمیل ارزیابی و تحلیل داده ها، از روش تحلیل راهبردی SWOT نیز استفاده شده است. روش SWOT، ابزار تحلیل برنامه ریزی استراتژیک است (هینز، ۱۳۸۷: ۲۳۲). این روش تحلیل، ابزاری برای شناخت تهدیدها و فرصت ها در محیط خارجی و بازشناسی ضعفها و قوت های داخلی آن، به منظور سنجش وضعیت و تدوین استراتژی برای هدایت و کنترل آن سیستم است (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۹۰، ص ۳۱۲). SWOT که حروف اول چهار کلمه انگلیسی با معادل فارسی «قوت، ضعف، فرصت و تهدید» است (زیاری، ۱۳۹۰، ص ۱۹۶) یک روش تحلیل راهبردی و کیفی است که به شکل نظام یافته، هریک از عوامل قوت، ضعف، فرصت و تهدید را شناسایی کرده و استراتژی های متناسب را ارائه می نماید (علی احمدی همکاران، ۱۳۸۲، ص ۲۴۶). در این روش تحلیل، ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE) شامل قوت ها و ضعف ها و همچنین، ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE) شامل فرصت ها و تهدیدها، بررسی و ارزیابی می شود. ماتریس ارزیابی عوامل داخلی که ابزاری برای بررسی عوامل داخلی

میباشد؛ نقاط قوت و ضعف اصلی سیستم را ارزیابی می نماید (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۹۰، ص ۳۱۶) و برای تهیه آن، عمدتاً به قضاوت های شهودی و نقطه نظرات کارشناسان تکیه می شود (محمودی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۰۰). نحوه تدوین ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE) نیز مشابه مراحل تدوین ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE) است اما صرفاً، شامل فرصت ها و تهدیدهاست (همان، ص ۹۸).

۵- تجزیه و تحلیل داده ها

فرآیند تحلیل پژوهش، هم پیوند با اهداف و مبانی نظری و براساس نتایج پرسشنامه تحقیق و اجماع نظری به شرح پیشگفته، حاصل شده است و بر این اساس، ماتریس قوت ها، ضعف ها، فرصت ها و تهدیدها تدوین شده و عوامل داخلی و خارجی، امتیازدهی و ارزیابی شده اند. بر این اساس، استراتژی های توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان، شامل رشد پراکنده شهری با شکل شهری گسترده یا گسسته و همچنین، رشد هوشمند شهری با شکل شهری فشرده، با روش تحلیل راهبردی SWOT و ماتریس عوامل داخلی (IFE) و ماتریس عوامل خارجی (EFE) در فرآیندی گام به گام، تحلیل و ارزیابی شده است. بدین ترتیب و در گام اول، داده های پرسشنامه پژوهش به تفکیک گروه های سه گانه جامعه آماری، شامل شهروندان، کارشناسان و مدیران شهری، با روش ضریب همبستگی پیرسون و با استفاده از نرم افزار SPSS تحلیل و ارزیابی شده است. سپس و در گام دوم، ماتریس SWOT شامل قوت ها، ضعف ها، فرصت ها و تهدید های استراتژی های توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان، تدوین شده است. در ادامه و در گام سوم، ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE) شامل قوتها و ضعف ها و در گام چهارم، ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE) شامل فرصت ها و تهدیدها بر اساس ماتریس SWOT، تدوین شده و وزن عامل ها و امتیازات

وضع موجود و امتیازات وزن دار (موزون) هر یک از عوامل داخلی و خارجی نیز تعیین و ارائه شده است. نهایتاً و در گام پنجم، نوع استراتژی توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان، براساس مجموع امتیازات وزن دار (موزون) هر یک از استراتژی های توسعه فیزیکی و شکل شهر (شهر گسترده، شهر گسسته و شهر فشرده)، تحلیل و ارزیابی و انتخاب شده و امتیازهای استخراج شده از ارزیابی ماتریس عوامل داخلی و خارجی نیز در نمودار ماتریس SWOT اعمال شده و در نتیجه، نوع استراتژی توسعه شهری تعیین شده است. بنابراین و بر اساس نتایج فرآیند تحلیل و یافته های پژوهش، مشخص می شود که «استراتژی رشد هوشمند شهری و شهر فشرده» و با «استراتژی تهاجمی» می تواند استراتژی منتخب و بهینه برای توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان باشد که با استفاده از قوتها (عوامل داخلی)، فرصت ها (عوامل خارجی) افزایش می یابد. مشروح مراحل فرآیند تحلیل پژوهش، به شرح زیر ارائه شده است:

۵-۱- گام اول: ارزیابی استراتژی توسعه شهری براساس داده های پرسشنامه پژوهش

در این مرحله، استراتژی توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان، براساس داده های پرسشنامه پژوهش و به تفکیک گروه های سه گانه جامعه آماری تحقیق شامل شهروندان، کارشناسان و مدیران شهری، به شرح زیر تحلیل و ارزیابی شده است.

الف) گروه شهروندان: بر اساس ضریب همبستگی پیرسون و مقادیر جدول شماره ۱ و با توجه به مقدار $Sig = 0/000$ و اینکه ضریب همبستگی تا سطح $0/05$ معنادار است؛ از این رو و از نظر شهروندان، استراتژی رشد هوشمند و شهر فشرده با توسعه پایدار شهری اصفهان، دارای همبستگی و ارتباط معنادار می باشد. بدین ترتیب، مشخص می شود که استراتژی رشد هوشمند شهری و شهر فشرده، از نظر شهروندان، استراتژی منتخب و بهینه برای تحقق توسعه پایدار شهری اصفهان است.

جدول ۱. ضریب همبستگی پیرسون استراتژی رشد هوشمند و شهر فشرده «شهروندان»

		وضعیت توسعه پایدار شهری	استراتژی رشد هوشمند و شهر فشرده
وضعیت توسعه پایدار شهری	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰/۵۴۱
	مقدار معناداری دو طرفه (Sig)		۰/۰۰۰
	تعداد مشاهدات	۳۳۴	۲۸۷
استراتژی رشد هوشمند و شهر فشرده	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۵۴۱	۱
	مقدار معناداری دو طرفه (Sig)	۰/۰۰۰	
	تعداد مشاهدات	۲۸۷	۳۰۴

جدول ۲. ضریب همبستگی پیرسون استراتژی رشد هوشمند و شهر فشرده «کارشناسان شهری»

		وضعیت توسعه پایدار شهری	استراتژی رشد هوشمند و شهر فشرده
وضعیت توسعه پایدار شهری	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰/۴۹۹
	مقدار معناداری دو طرفه (Sig)		۰/۰۰۰
	تعداد مشاهدات	۳۳۳	۲۹۱
استراتژی رشد هوشمند و شهر فشرده	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۴۹۹	۱
	مقدار معناداری دو طرفه (Sig)	۰/۰۰۰	
	تعداد مشاهدات	۲۹۱	۳۱۱

شهر فشرده با توسعه پایدار شهری اصفهان، دارای همبستگی و ارتباط معنادار می باشد. بدین ترتیب، استراتژی رشد هوشمند شهری و شهر فشرده، از نظر کارشناسان شهری، استراتژی منتخب و بهینه برای تحقق توسعه پایدار شهری اصفهان است.

ب) گروه کارشناسان شهری: بر اساس ضریب همبستگی پیرسون و مقادیر جدول شماره ۲ و با توجه به مقدار $Sig = 0/000$ و اینکه ضریب همبستگی تا سطح $0/05$ معنادار است؛ از این رو و از نظر کارشناسان شهری، استراتژی رشد هوشمند و

جدول ۳. ضریب همبستگی پیرسون استراتژی رشد هوشمند و شهر فشرده «مدیران شهری»؛ مأخذ: نگارندگان

		وضعیت توسعه پایدار شهری	استراتژی رشد هوشمند و شهر فشرده
وضعیت توسعه پایدار شهری	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰/۳۹۵
	مقدار معناداری دو طرفه (Sig)		۰/۰۰۰
	تعداد مشاهدات	۱۰۹	۹۷
استراتژی رشد هوشمند و شهر فشرده	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۳۹۵	۱
	مقدار معناداری دو طرفه (Sig)	۰/۰۰۰	
	تعداد مشاهدات	۹۷	۹۸

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۳۴۷

مبانی نظری و براساس داده های پرسشنامه و اجماع نظری حاصل از نظرات کارشناسان و مدیران شهری، تدوین شده است که به لحاظ تلخیص مطالب در چارچوب مقاله، نتایج آن شامل: قوت ها، ضعف ها، فرصت ها و تهدیدهای توسعه شهری اصفهان، با تأکید بر استراتژی رشد هوشمند و شهر فشرده، به صورت توأم با ارزیابی عوامل داخلی (قوت ها و ضعف ها) و عوامل خارجی (فرصت ها و تهدیدها)، در قسمت عوامل داخلی و خارجی جداول شماره ۴ و ۵ منعکس شده و به شرح زیر، معرفی و ارائه شده است.

۵-۳- گام سوم: ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE)

در این مرحله و بر اساس ماتریس SWOT، عوامل داخلی شامل «قوت ها و ضعف ها» استراتژی رشد هوشمند شهری و شهر فشرده، تدوین و امتیازدهی شده است. برای امتیازدهی عوامل، از اجماع نظری حاصل از اخذ نظر از ۲۵ نفر از منتخبی از کارشناسان و مدیران شهری از بین پرسش شونده های پرسشنامه، که از طریق مصاحبه و گفتگو، حاصل شده و همچنین، هم پیوند با مبانی نظری پژوهش،

ج) گروه مدیران شهری: براساس ضریب همبستگی پیرسون و مقادیر جدول شماره ۳ و با توجه به مقدار $Sig = 0/000$ و اینکه ضریب همبستگی تا سطح $0/05$ معنادار است؛ از این رو و از نظر مدیران شهری، استراتژی رشد هوشمند و شهر فشرده با وضعیت توسعه پایدار شهری اصفهان، دارای همبستگی و ارتباط معنادار می باشد. بدین ترتیب، استراتژی رشد هوشمند شهری و شهر فشرده، از نظر مدیران شهری، استراتژی منتخب و بهینه برای تحقق توسعه پایدار شهری اصفهان است.

۵-۲- گام دوم: تدوین ماتریس SWOT

با توجه به اهداف و فرضیه پژوهش که تأکید بر رشد هوشمند شهری و شهر فشرده می باشد؛ از این رو، در این مرحله و از بین استراتژی های توسعه شهری، استراتژی رشد هوشمند شهری و شهر فشرده، به عنوان استراتژی بهینه، تعیین و انتخاب شده است. بر این اساس، ماتریس SWOT این استراتژی، شامل عوامل داخلی (قوت ها و ضعف ها) و خارجی (فرصت ها و تهدیدها) آن، به تفکیک لایه های اجتماعی، اقتصادی، حرکتی و دسترسی، کالبدی و مدیریتی و زیست محیطی، هم پیوند با

استفاده شده است. بدین منظور، عوامل داخلی شامل قوت ها و ضعف ها، از ماتریس SWOT، استخراج شده و سپس هر یک از عوامل داخلی، به شرح پیشگفته، امتیازدهی و وزن دار شده اند که حاصل ضرب آنها، امتیاز نهایی و موزون هر یک از عوامل داخلی را مشخص و تبیین نموده است. مجموع وزن ها، برابر با یک و همچنین، مجموع امتیازها، بین ۱ تا ۴ خواهد بود که در صورتی که مجموع امتیاز نهایی عوامل داخلی، بیش از ۲/۵ باشد؛ بیانگر این است که شهر و استراتژی توسعه فیزیکی آن از نظر عوامل داخلی، دارای قوت و قابل انتخاب است. بدین ترتیب، جدول ماتریس عوامل داخلی، تدوین و ارزیابی شده و نتایج آن در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

۵-۴- گام چهارم: ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE)

در این مرحله و مشابه مراحل ارزیابی عوامل داخلی، عوامل خارجی شامل «فرصتها و تهدیدها» استراتژی رشد هوشمند شهری و شهر فشرده، بر اساس ماتریس SWOT، تدوین و امتیازدهی شده است. برای امتیازدهی عوامل، از اجماع نظری حاصل از اخذ نظرات ۲۵ نفر از منتخبی از کارشناسان و مدیران شهری از بین پرسش شونده های پرسشنامه، که از طریق مصاحبه و گفتگو، حاصل شده و همچنین، هم پیوند با مبانی نظری پژوهش، استفاده شده است. بدین منظور، عوامل خارجی شامل فرصت ها و تهدیدها، از ماتریس SWOT، استخراج شده و سپس هر یک از عوامل خارجی، امتیازدهی و وزن دار شده اند که حاصل ضرب آنها، امتیاز موزون هر یک از عوامل خارجی را مشخص نموده است. مجموع وزن ها، برابر با یک و همچنین، مجموع امتیازها بین ۱ تا ۴ خواهد بود که در صورتیکه مجموع امتیاز نهایی عوامل خارجی، بیش از ۲/۵ باشد؛ بیانگر این است که شهر و استراتژی توسعه فیزیکی آن از نظر عوامل خارجی، دارای قوت و قابل انتخاب است. بدین ترتیب، جدول ماتریس عوامل خارجی، تدوین

و ارزیابی شده و نتایج آن در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

۵-۵- گام پنجم: انتخاب استراتژی توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان

با توجه به اینکه این پژوهش، برگرفته از پایان نامه دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه اصفهان با عنوان «برنامه ریزی استراتژیک توسعه پایدار شهری با تأکید بر توسعه فیزیکی مطالعه موردی: کلان شهر اصفهان» می باشد. در این پایان نامه، ماتریس SWOT و عوامل داخلی و خارجی، به تفکیک استراتژی های رشد پراکنده شهری با شکل شهری گسترده و گسسته و همچنین، رشد هوشمند شهری با شکل شهری فشرده، تدوین و ارزیابی شده است. اما با توجه به اهداف و فرضیه تحقیق، در این پژوهش صرفاً، استراتژی رشد هوشمند شهری و شهر فشرده، تحلیل و ارزیابی شده است. از این رو، نتایج تحلیل استراتژی رشد پراکنده شهری و شهر گسترده و شهر گسسته و امتیازات آنها، از پایان نامه مذکور، استخراج و برای مقایسه، در جدول شماره ۶ ارائه شده است. در ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE) و عوامل خارجی (EFE)، مجموع امتیازات وزن دار (موزون)، حداقل ۱ و حداکثر ۴ می باشد و امتیاز متوسط آن ۲/۵ است. اگر امتیاز موزون نهایی شهر، کمتر از ۲/۵ باشد؛ شهر از نظر عوامل داخلی، دچار ضعف می باشد و اگر امتیاز موزون نهایی بیشتر از ۲/۵ باشد؛ بیانگر این است که شهر از نظر عوامل داخلی، دارای قوت می باشد. بنابر این و در این مرحله، ابتدا و بر اساس مجموع امتیازات وزن دار حاصل شده از ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی، امتیازات وزن دار استراتژی های توسعه فیزیکی و شکل شهر، به شرح زیر و در جدول شماره ۶ رتبه بندی و ارائه شده است. بدین ترتیب و بر اساس امتیازات و با در نظر گرفتن قوتها و فرصتها و به منظور کاهش ضعف ها و تهدیدها، استراتژی رشد هوشمند شهری و شهر فشرده، با مجموع امتیازات نهایی ۳/۰۸ و ۳/۱۱، استراتژی

جدول ۴. ماتریس ارزیابی عوامل داخلی توسعه شهری اصفهان با استراتژی رشد هوشمند و شهر فشرده؛ مأخذ: نگارندگان

امتیاز وزن دار (موزون)	امتیاز وضع موجود	وزن عامل	عوامل داخلی (قوت ها - ضعف ها)
۰/۱۶	۴	۰/۰۴	بالا بودن امنیت عمومی شهر
۰/۱۲	۴	۰/۰۳	شهروندان هوشمند و مشارکت جو (سرمایه انسانی)
۰/۰۹	۳	۰/۰۳	مشارکت عمومی فراگیر شهروندان در توسعه و اداره شهری
۰/۰۹	۳	۰/۰۳	نظام محله ای پایدار و با هویت
۰/۰۶	۳	۰/۰۲	بالا بودن فعالیت های سالم با پیاده روی و دوچرخه سواری
۰/۱۲	۴	۰/۰۳	کاهش هزینه های توسعه و عمران شهری
۰/۱۲	۴	۰/۰۳	کاهش هزینه های مدیریت شهری در اداره شهر و نگهداری تأسیسات و تجهیزات شهری
۰/۰۹	۳	۰/۰۳	کاهش هزینه های حمل و نقل با کاهش سفرهای شهری
۰/۰۹	۳	۰/۰۳	کاهش هزینه های سوخت با استفاده کمتر از اتومبیل
۰/۱۲	۴	۰/۰۳	رونق اقتصادی و ایجاد فرصت های شغلی با استفاده از ظرفیت های اقتصادی و سرمایه گذاری در محدوده شهر
۰/۱۲	۴	۰/۰۳	ضرورت وجود سامانه حمل و نقل عمومی متنوع و با کیفیت
۰/۰۶	۳	۰/۰۲	افزایش دسترسی با حمل و نقل متنوع و چندگانه
۰/۰۶	۳	۰/۰۲	کاهش سفرهای شهری با فشردگی شهر و کاربری های مختلط و ترکیبی
۰/۰۹	۳	۰/۰۳	استفاده کمتر از اتومبیل شخصی و استفاده بیشتر از حمل و نقل عمومی
۰/۱۶	۴	۰/۰۴	استفاده حداکثری از ظرفیت های درونی شهر
۰/۰۹	۳	۰/۰۳	محله محوری و نظام محله ای پایدار
۰/۱۶	۴	۰/۰۴	حفاظت و بهسازی بافت و بناهای تاریخی منحصر به فرد
۰/۱۲	۴	۰/۰۳	نوسازی و استحکام بخشی ساخت و سازهای شهری
۰/۱۲	۴	۰/۰۳	عدم گسترش فیزیکی شهر و حفظ پهنه های سبز و باغات حومه شهر

کتاب:

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۳۴۹

۰/۰۳	۳	۰/۰۱	انسجام و عدم پراکندگی فضاهای شهری	فوت‌ها
۰/۰۹	۳	۰/۰۳	ارتقای عملکرد مدیریت شهری در ارائه خدمات و اداره شهر	
۰/۱۶	۴	۰/۰۴	حفظ باغات و پهنه سبز نازوان در حومه غربی شهر	
۰/۱۶	۴	۰/۰۴	حفظ چشم اندازهای طبیعی و پهنه های سبز حاشیه رودخانه زاینده رود	
۰/۰۶	۳	۰/۰۲	کاهش مصرف سوخت های فسیلی (بنزین و گازوئیل) با محدودیت های ترافیکی	
۰/۰۳	۱	۰/۰۳	ضعف فرهنگ آپارتمان نشینی	ضعف‌ها
۰/۰۴	۲	۰/۰۲	ضعف مهارت های شهروندی برای زندگی در شهر فشرده	
۰/۰۴	۲	۰/۰۲	کاهش فضاهای اختصاصی در ساختمان های مسکونی	
۰/۰۲	۱	۰/۰۲	عدم تولید زمین شهری و مسکن ارزان قیمت	
۰/۰۲	۲	۰/۰۱	کاهش سرمایه گذاری در ایجاد مراکز تجاری و خدماتی در حومه شهر	
۰/۰۲	۲	۰/۰۱	کاهش سرمایه گذاری و ایجاد فرصت های شغلی در حومه و پیرامون شهر	
۰/۰۳	۱	۰/۰۳	تراکم ترافیک در مناطق مرکزی شهر	
۰/۰۴	۲	۰/۰۲	کمبود پارکینگ عمومی در مناطق مرکزی شهر	
۰/۰۴	۲	۰/۰۲	کاهش تنوع گزینه های مسکن و الگوی غالب مسکن آپارتمانی و چندخانواری	
۰/۰۴	۲	۰/۰۲	کاهش مساحت زیربنای ساختمان های مسکونی	
۰/۰۲	۲	۰/۰۱	فرسودگی ساختمان ها در بافت های فرسوده و قدیمی شهر	
۰/۰۴	۱	۰/۰۴	فشرده‌گی و تراکم بیش از حد فضاهای شهری	
۰/۰۳	۱	۰/۰۳	کاهش سرانه فضاهای سبز و باز شهری	
۰/۰۲	۲	۰/۰۱	افزایش سطوح سخت شهری و کاهش نفوذ آبهای سطحی	
۳/۰۸	-	۱/۰۰	جمع	

جدول ۵. ماتریس ارزیابی عوامل خارجی توسعه شهری اصفهان با استراتژی رشد هوشمند و شهر فشرده

امتیاز وزن دار (موزون)	امتیاز وضع موجود	وزن عامل	عوامل خارجی (فرصت ها - تهدیدها)
۰/۰۹	۳	۰/۰۳	حفظ پیشینه تمدن و مدنیت و شخصیت ملی و فراملی (برند اصفهان) با انسجام اجتماعی و فرهنگی شهر
۰/۰۸	۴	۰/۰۲	افزایش تعاملات و همبستگی اجتماعی شهروندان
۰/۱۲	۴	۰/۰۳	عدالت اجتماعی در توزیع خدمات عمومی در مناطق شهری
۰/۱۲	۴	۰/۰۳	ارتقاء کیفیت زندگی با توسعه کیفی و خدمات عمومی
۰/۱۲	۴	۰/۰۳	شهروندان هوشمند و آموزش دیده
۰/۰۶	۳	۰/۰۲	محیط های شهری فعال تر و سرزنده تر
۰/۰۸	۴	۰/۰۲	ارتقاء هویت فرهنگی و مدنی شهر (ارتقای سرمایه انسانی)
۰/۰۶	۳	۰/۰۲	صرفه جویی در هزینه های شهری با فشردگی و تجمع فضاهای شهری
۰/۰۶	۳	۰/۰۲	استفاده از ظرفیت های اقتصادی موجود تجاری و خدماتی
۰/۰۸	۴	۰/۰۲	سرمایه گذاری در هوشمندسازی زیرساخت ها و فضاهای شهری (شهر هوشمند)
۰/۰۶	۳	۰/۰۲	سرمایه گذاری در بازآفرینی شهری و نوسازی بافت های فرسوده و قدیمی شهر
۰/۰۶	۳	۰/۰۲	سرمایه گذاری در باززنده سازی مرکز شهر و بهسازی بافت تاریخی
۰/۱۲	۴	۰/۰۳	توسعه گردشگری پایدار براساس ظرفیت های گردشگری فرهنگی و طبیعت محور
۰/۱۲	۴	۰/۰۳	ارتقاء کیفیت سامانه های حمل و نقل عمومی و تنوع رفت و آمدهای شهری
۰/۱۲	۴	۰/۰۳	هوشمندسازی سامانه های حمل و نقل عمومی
۰/۱۲	۴	۰/۰۳	افزایش ظرفیت حمل و نقل عمومی
۰/۰۸	۴	۰/۰۲	توسعه حمل و نقل غیرموتوری با دوچرخه سواری و پیاده محوری

فرصت ها

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۰/۱۲	۴	۰/۰۳	توسعه پایدار شهری	فرصت‌ها
۰/۱۲	۴	۰/۰۳	شهر هوشمند با دانش محوری و فناوری	
۰/۰۶	۳	۰/۰۲	حفظ ساختار فیزیکی و عدم پراکندگی فضاهای شهری	
۰/۰۸	۴	۰/۰۲	بازآفرینی شهری و نوسازی بافت های فرسوده و قدیمی	
			بازیافت زمین های بایر شهری و بازتولید زمین و مسکن	
	۰/۰۸	۴	۰/۰۲	
۰/۰۸	۴	۰/۰۲	عدالت فضایی و محرومیت زدایی از محله های محروم و کم برخوردار	
۰/۱۲	۴	۰/۰۳	هوشمندسازی و یکپارچگی مدیریت شهری	
۰/۰۳	۳	۰/۰۱	همپوشانی مراکز خدمات عمومی و تقویت مرکز شهر	
۰/۰۳	۳	۰/۰۱	کاربری های مختلط و ترکیبی	
۰/۱۲	۴	۰/۰۳	حفظ باغات و پهنه های سبز اکولوژیکی در حومه شهر	
۰/۱۲	۴	۰/۰۳	حفظ منابع زیستی و طبیعی (منابع آب و زمین) حومه شهر	
۰/۱۲	۴	۰/۰۳	پایداری منابع آب و رودخانه زاینده رود	
۰/۰۶	۳	۰/۰۲	کاهش آلودگی آب های زیرزمینی و سطحی حومه شهر	
۰/۱۲	۴	۰/۰۳	کاهش آلودگی های زیست محیطی با کاهش مصرف سوخت های فسیلی و محدودیت استفاده از اتومبیل شخصی	
۰/۰۴	۱	۰/۰۴	تراکم بالای جمعیت و شلوغی شهر	تهدیدها
۰/۰۲	۲	۰/۰۱	محدودیت در انتخاب نوع مسکن	
۰/۰۲	۱	۰/۰۲	احتمال درآمدهای ناپایدار شهری ناشی از تراکم فروشی	
۰/۰۳	۱	۰/۰۳	گرانی قیمت زمین و مسکن در محدوده شهر	
۰/۰۲	۲	۰/۰۱	کاهش سرمایه گذاری در توسعه زیرساخت های شهری در حومه شهر	
۰/۰۲	۱	۰/۰۲	محدودیت بیش از حد در استفاده از اتومبیل شخصی	

۰/۰۲	۱	۰/۰۲	کاهش سرعت و حرکت سواره در سطح شهر	تهدیدها
۰/۰۲	۱	۰/۰۲	افزایش بیش از حد تراکم شهری	
۰/۰۲	۱	۰/۰۲	تراکم مازاد بر تراکم های مجاز (تراکم فروشی)	
۰/۰۳	۱	۰/۰۳	فشرده‌گی و تراکم فضاهای شهری و شلوغی شهر	
۰/۰۲	۲	۰/۰۱	درهم آمیختگی و تلفیق بیش از حد پهنه های سکونت و فعالیت	
۰/۰۲	۲	۰/۰۱	افزایش جزایر حرارتی در مرکز شهر	
۰/۰۲	۲	۰/۰۱	کاهش تهویه و جریان هوا در سطح شهر	
۳/۱۱	-	۱/۰۰	جمع	

جدول ۶. امتیازات استراتژی های توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان

امتیاز	رشد پراکنده شهری - شهر گسترده
۱/۹۵	ماتریس ارزیابی عوامل داخلی شهر گسترده (IFE)
۱/۶۰	ماتریس ارزیابی عوامل خارجی شهر گسترده (EFE)

امتیاز	رشد پراکنده شهری - شهر گسسته
۲/۰۲	ماتریس ارزیابی عوامل داخلی شهر گسسته (IFE)
۱/۸۴	ماتریس ارزیابی عوامل خارجی شهر گسسته (EFE)

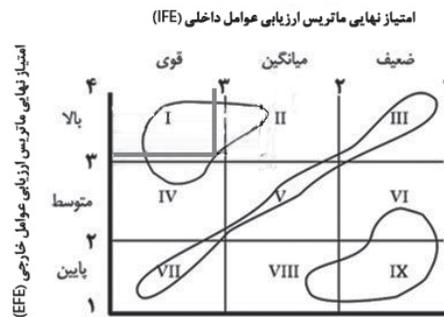
امتیاز	رشد هوشمند شهری - شهر فشرده
۳/۰۸	ماتریس ارزیابی عوامل داخلی شهر فشرده (IFE)
۳/۱۱	ماتریس ارزیابی عوامل خارجی شهر فشرده (EFE)

منتخب و بهینه برای توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان می باشد. در ادامه، امتیازات و داده‌های استخراج شده از ماتریس عوامل داخلی و خارجی، در نمودار ماتریس SWOT به شرح نمودار شماره ۱ منعکس شده است. بر این اساس، استراتژی رشد هوشمند شهری و شهر فشرده که دارای امتیاز بالای ۲/۵ در عوامل داخلی و خارجی می باشد؛ در این نمودار در «ناحیه ۱» این ماتریس قرار گرفته که نشانگر عملکرد قوی و استراتژی «تهاجمی» است. بنابر این، مشخص می شود که «استراتژی رشد هوشمند شهری و شهر فشرده» با «استراتژی تهاجمی» استراتژی منتخب

و بهینه برای توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان برای آینده و در افق سال ۱۴۱۴ می باشد.

یکپارچه، دارای انسجام و پایداری باشد و منجر به توسعه پایدار کلانشهر اصفهان در چشم انداز ۱۴۱۴ (۲۰۳۵) شود.

بر این اساس و با توجه به اهداف و ماهیت پژوهش و برای دستیابی به اجماع نظری در شناخت و ارزیابی قوت ها، ضعف ها، فرصت ها و تهدیدهای توسعه شهری، از شهروندان، کارشناسان و مدیران شهری اصفهان، با ۸۷۹ نمونه و با ابزار پرسشنامه و مصاحبه، اخذ نظر شده و با استفاده از روش ضریب همبستگی پیرسون و با نرم افزار SPSS، داده های پرسشنامه تحقیق، تحلیل و ارزیابی شده است. بر این اساس، از نظر جامعه آماری پژوهش شامل منتخبی از شهروندان، کارشناسان و مدیران شهری اصفهان، استراتژی رشد هوشمند و شهر فشرده با توسعه پایدار شهری اصفهان، دارای همبستگی و ارتباط معنادار می باشد و نتیجتاً، از نظر منتخبین شهروندان، کارشناسان و مدیران شهری اصفهان، استراتژی رشد هوشمند و شهر فشرده، استراتژی بهینه برای دستیابی به توسعه پایدار شهری اصفهان خواهد بود. همچنین، برای بازتعریف و تدوین استراتژی توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان و تکمیل ارزیابی و تحلیل داده های تحقیق، از روش تحلیل راهبردی SWOT استفاده شده است. بدین ترتیب و در فرآیندی گام به گام، با روش تحلیل راهبردی SWOT و ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE) و ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE)، استراتژی های توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان، شامل رشد پراکنده با شکل شهری گسترده یا گسسته و نیز، رشد هوشمند شهری با شکل شهری فشرده، تحلیل و ارزیابی شده است. بر اساس ماتریس SWOT و با شناخت و ارزیابی عوامل داخلی و خارجی شامل قوت ها، فرصت ها، ضعف ها و تهدیدها و با بررسی و ارزیابی امتیازات استراتژی های توسعه شهری «استراتژی رشد هوشمند شهری و شهر فشرده» با مجموع امتیازات نهایی ۳/۰۸ و ۳/۱۱ برای عوامل داخلی و خارجی،



نمودار ۱. موقعیت امتیازهای عوامل داخلی و خارجی استراتژی رشد هوشمند و شهر فشرده در ماتریس SWOT: مأخذ: نگارندگان

۶- نتیجه گیری و جمع بندی

شهرنشین شدن جمعیت و گسترش شهرنشینی، به همراه محدودیت زمین و منابع زیستی و هزینه های هنگفت تأمین و توسعه زیرساخت های شهری، ضرورت توسعه پایدار شهری را بیش از پیش، برای جوامع شهری و کلان شهرها، مطرح کرده است. الگوهای توسعه شهری در قرن اخیر، منجر به برهم خوردن نظم زیست محیطی شده و پایداری زندگی روی کره زمین و کیفیت زندگی را با تهدیدات جدی روبرو ساخته است. یکی از راهبردهای دستیابی به توسعه پایدار و ارتقای کیفیت محیط زیست شهری نیز متعادل ساختن توزیع فضایی کاربری ها با شکل پایدار شهر است. شکل شهر، نقشی تأثیرگذار و تعیین کننده در پایداری محیط شهری دارد. بر این اساس، بازتعریف و تعیین استراتژی توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر، برای کلان شهر اصفهان، یک ضرورت استراتژیک است. ضرورت این پژوهش، بر بازتعریف و تدوین استراتژی توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر برای تحقق توسعه پایدار شهری اصفهان است تا به عنوان استراتژی توسعه شهری پایه و فرادست، برنامه ها و طرح های توسعه شهری و اقدامات مدیریت شهری، در چارچوبی هدفمند و

استراتژی منتخب و بهینه برای توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان می باشد. همچنین، با توجه به امتیازات بالای ۲/۵ ماتریس عوامل داخلی و خارجی و جانمایی آن در ناحیه شماره ۱ نمودار ماتریس SWOT، نشانگر عملکرد قوی و انتخاب «استراتژی تهاجمی» است. بنابر این، استراتژی رشد هوشمند شهری و شکل شهر فشرده با استراتژی تهاجمی، استراتژی منتخب و بهینه برای توسعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان برای آینده و در چشم انداز سال ۱۴۱۴ (۲۰۳۵) می باشد.

این استراتژی، با توجه به شهرنشینی شتابان و افزایش جمعیت شهری و با محدودیت زمین و منابع زیستی، یک واقعیت گریزناپذیر و اجتناب پذیر، برای توسعه شهری در هزاره سوم است و به نوعی، خود را بر نظام های تصمیم سازی (برنامه ریزی شهری) و تصمیم گیری (مدیریت شهری) تحمیل می کند. در این راستا، درک استراتژی رشد هوشمند شهری و شهر فشرده و پذیرش آن برای توسعه پایدار شهری و شناخت و درک ملزومات و ضروریات این استراتژی و اجرای کامل و یکپارچه آن، حائز اهمیت اساسی است. نایستی فراموش کرد که رشد هوشمند شهری و شهر فشرده، صرفاً تراکم زیاد و یا کاربری مختلط و ترکیبی نمی باشد؛ بلکه مجموعه ای یکپارچه است که شامل ویژگی ها و شاخص هایی به صورت «توسعه درونی و رشد فیزیکی در داخل محدوده موجود شهر، شکل شهری فشرده و متراکم، استفاده حداکثری از ظرفیت های درونی شهر، بازآفرینی و باز یافت زمین شهری، یکپارچه سازی سیستم های حمل و نقل و کاربری زمین، کاربری های مختلط و ترکیبی، افزایش کاربرد حمل و نقل عمومی متنوع و چندگانه با کیفیت، پیاده محوری و دوچرخه سواری، کاهش اتکاء به اتومبیل شخصی، قابلیت دسترسی، محدودیت رشد پیرامونی و توسعه بیرونی بدون افزایش محدوده شهر، حفاظت از فضاهای باز و سبز شهری» می باشد. تحقق کامل این استراتژی، مستلزم حفظ یکپارچگی آن، اتکاء بر

دانش محوری و فناوری، مدیریت شهری یکپارچه و هوشمند، شهروندان هوشمند با مشارکت عمومی فراگیر، هوشمندسازی زیرساخت ها و فضاهای شهری و استراتژی توسعه شهری (CDS) می باشد.

پیشنهادات

با توجه به اهداف و یافته های این پژوهش، پیشنهادات زیر ارائه می شود:

- با انتخاب استراتژی رشد هوشمند شهری و شهر فشرده برای کلان شهر اصفهان، تدوین استراتژی توسعه شهری (CDS) و تهیه طرح توسعه شهری یکپارچه (با یکپارچگی نظام کاربری زمین و نظام حمل و نقل و ترافیک) و همچنین، هوشمندسازی زیرساخت ها و فضاهای شهری، ضرورت دارد. در این راستا، بهسازی و باززنده سازی بافت تاریخی شهر اصفهان و بازآفرینی بافت های فرسوده و قدیمی شهر نیز یکی از اولین اولویت های راهبردی است.

- تحقق استراتژی رشد هوشمند شهری و اداره بهینه شهر فشرده، مستلزم مدیریت شهری یکپارچه و هوشمند با مشارکت فراگیر شهروندان است. بر این اساس، ضرورت دارد که مدیریت شهری اصفهان و اساساً همه کلان شهرها، ارتقای کیفی یافته و در چارچوبی یکپارچه و هوشمند و با مشارکت فراگیر شهروندان و تمامی ذی نفعان شهر، بازسازماندهی شود.

- با توجه به ویژگی ها و مشخصه های رشد هوشمند شهری و شهر فشرده، افزایش ظرفیت و توسعه سامانه اتوبوس رانی شهر اصفهان، راه اندازی و توسعه قطار شهری و تراموای برقی در سطح شهر اصفهان و حومه و به ویژه، در مناطق مرکزی شهر اصفهان و استفاده گسترده از اتوبوس های دو طبقه برقی به همراه هوشمندسازی شبکه معابر و سامانه های حمل و نقلی شهر اصفهان، ضرورت دارد. همچنین، جایگزینی تاکسی ها و موتورسیکلت های بنزینی و آلاینده با اتومبیل های هیبریدی و موتورسیکلت های برقی، با محدودیت استفاده و تردد اتومبیل های شخصی در مناطق مرکزی شهر،

دارای اولویت راهبردی برای توسعه پایدار کلانشهر اصفهان است.

- برای تحقق کامل رشد هوشمند شهری و شهر فشرده، ضرورت دارد که محدوده شهر اصفهان، افزایش و گسترش نیابد و شهر دیگری نیز به محدوده شهر اصفهان، الحاق نشود. همچنین، تراکم شهری اعم از تراکم جمعیتی و ساختمانی، در حد مجاز، کنترل شده و رعایت گردد و از تراکم مازاد (تراکم فروشی) اجتناب کرد.

- در راستای تحقق توسعه پایدار شهری و برای کاهش آلودگی های زیست محیطی و همچنین، پایداری منابع آب و رودخانه زاینده رود، ضرورت دارد ضمن تهیه طرح جامع زیست محیطی منطقه کلان شهری اصفهان، برنامه خروج تدریجی مراکز صنعتی بزرگ و آلاینده شامل: پالایشگاه اصفهان، نیروگاه های برق شهید منتظری و اسلام آباد، کارخانه سیمان اصفهان، کارخانه های ذوب آهن و فولاد مبارکه و همچنین، کارگاه های آجرپزی و سنگ بری، به شعاع حداقل یکصد کیلومتری و در شرق کلانشهر اصفهان، در دستور کار جدی تصمیم گیران ملی و استانی قرار گیرد و به تدریج، عملیاتی شود.

- حفاظت مطلق از پهنه های طبیعی و سبز موجود شهر اصفهان و پیرامون آن، به ویژه، پهنه ناژوان، باغات غرب اصفهان، پارک کوهستانی صفه، پارک طبیعی شرق و بوستان ها و فضاهای سبز شهری، به همراه ایجاد و توسعه کمربند سبز حفاظتی در پیرامون شهر اصفهان و خصوصاً در شرق، برای جلوگیری از پیشروی کویر، بایستی در اولویت های اساسی و اولیه مدیریت شهری اصفهان قرار گیرد و برای این کار، منابع مالی و بودجه مناسب و کافی، تأمین و تخصیص یابد.

- زندگی در شهر فشرده، مستلزم آموزش و ارتقای مهارت های شهروندی ساکنین شهر است. از این رو، ضرورت دارد که آموزش مستمر شهروندان در دستور کار مدیریت شهری قرار گیرد. موضوعاتی همچون، آپارتمان نشینی، کاهش مصرف انرژی، استفاده

کمتر از اتومبیل شخصی و استفاده بیشتر از حمل و نقل عمومی، حفاظت از منابع زیستی و طبیعی شهر و حومه، از اولویت های راهبردی در آموزش شهروندی است.

منابع و مأخذ

- ۱- آمارنامه شهر اصفهان (۱۳۹۲)، شهرداری اصفهان.
- ۲- اطلس کلان شهر اصفهان (۱۳۹۴)، شهرداری اصفهان.
- ۳- پورا احمد، احمد و صابر محمدپور و ایوب منوچهری میاندوآب و احمد خلیلی (۱۳۹۱)، ارزیابی و سنجش میزان پراکنش و فشردگی شکل شهر با استفاده از مدل های کمی (مطالعه تطبیقی بین کلان شهرهای تهران و سیدنی)، فصلنامه جغرافیا، دوره ۱۰، شماره ۱۹، صص ۲۱۵-۲۳۶.
- ۴- پورمحمدی، محمدرضا و رسول قربانی (۱۳۸۲)، ابعاد و راهبردهای متراکم سازی در فضاهای شهری، مجله مدرس، دوره ۷، شماره ۲، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ۵- تقوایی، مسعود و حسین سرایی (۱۳۸۵)، گسترش افقی شهرها و ظرفیت های موجود زمین مورد شهر یزد، فصلنامه پژوهش های جغرافیایی، شماره ۵۵.
- ۶- تقوایی، مسعود و حسین کیومرثی (۱۳۹۰)، سطح بندی محلات شهری براساس میزان بهره مندی از امکانات و خدمات شهری با بهره گیری از تکنیک TOPSIS (مطالعه موردی: محلات شهر آباده)، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال دوم، شماره ۵.
- ۷- تقوایی، مسعود و حسین حسینی خواه و جبار علیزاده اصل (۱۳۹۴)، استراتژی توسعه شهری با تأکید بر توانمندسازی محلات شهری مطالعه موردی: محله اکبرآباد یزد، فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا، شماره ۱۵.
- ۸- حسینیون، سولماز (۱۳۸۵)، شهر فشرده شهر فردا، مجله شهرداری ها، سال ششم، شماره ۷۳، تهران.
- ۹- حکمت نیا، حسن و میرنجف موسوی (۱۳۹۰)،

۲۰- محمودی، فرزین و علی اصغر یوسف نژاد و محمد محمدپور (۱۳۹۱)، راهنمای تدوین برنامه های استراتژیک برای شهرها، انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، چاپ اول، تهران.

۲۱- مهندسین مشاور نقش جهان پارس (۱۳۹۳)، گزارش طرح بازنگری طرح تفصیلی شهر اصفهان.

۲۲- هینز، استیون (۱۳۸۷)، رویکرد تفکر سیستمی به برنامه ریزی و مدیریت استراتژیک، نشر، تهران.

23- Anderson, W.P., Kanaroglou, P.S. and Miller, E.J., 1996, (Urban Form, Energy and The Environment: A Review of Issues, Evidence and Policy. Urban Studies, 33(1).

24- Basiago, A.D., 1998, (Economic, Social, and Environmental Sustainability in Development Theory and Urban Planning Practice. The Environmentalist, 19.

25- Borrego, C., Martins, H., Tchepel, O., Salmim, L., Monteiro, A., & Miranda A.I., 2006, (How Urban Structure can Effect City Sustainability from an air Quality Perspectiv, Environmental Modeling & Software, 21(4).

26- Burton, E., 2000, (The Compact City: Just Compact? A Preliminary Analysis, Urban Studies, University of Glasgow 37.

27- Edwards, Mary and Haines, Anna, 2007, (Evaluating Smart Growth : Implications for small Communities, Journal of Planning Education and Research, 49, 64.

28- Feng, L, et al, 2008, (Measurement Indicators and an Evaluation Approach for Assessing Urban Sustainable Development : A Case Study for China, Jining City , Landscape and Urban Planning.

29- Grant, Jill, 2004, (Encouraging Mixed use in Practice. International Planning Symposium.

30- Jenny, A. & Ericson, A., 2006, (A Participatory Approach to Conservation in the Calakmul Biosphere Reserve, Campeche, Mexico, Landscape Urban Plan, 74.

31- Litman, Todd, 2005, (Evaluating Criticism Of Smart Growth, Victoria Transport Policy Institute, VTPI. (www.vtppi.org).

32- Newman, P. & Kenworthy, J., 1999, (Sustainability and Cities. Overcoming Automobile Dependence. Washington D. C: Island Press.

33- Pauleit, S., Ennos, R., Golding, Y., 2005, (Modeling The Environmental Impacts of Urban Land

کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه ای، انتشارات علم نوین، چاپ دوم، یزد.

۱۰- زیاری، کرامت اله (۱۳۹۰)، مکتب ها، نظریه ها و مدل های برنامه و برنامه ریزی منطقه ای، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران.

۱۱- سرور، رحیم و بهروز درویش ورچه زاده و علیرضا جاوید (۱۳۹۳)، میزان فشردگی و گستردگی توسعه مدیریت شهری از منظر توسعه پایدار (مطالعه موردی: شهر یزد)، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، دوره ۳، شماره ۹، صص ۱۴۱-۱۵۶.

۱۲- سیف الدینی، فرانک و محمود شورچه (۱۳۹۳)، برنامه ریزی هوشمندانه کاربری زمین و حمل و نقل شهری، انتشارات مدیران امروز، چاپ اول، تهران.

۱۳- صابری، حمید و اصغر ضرابی و جمال محمدی (۱۳۹۱)، اولویت بندی استراتژی های توسعه شهر (CDS) با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی AHP مطالعه موردی: کلان شهر اصفهان، فصلنامه فضای جغرافیایی، سال دوازدهم، شماره ۳۹.

۱۴- ضرابی، اصغر و حمید صابری و جمال محمدی و حمید رضا وارثی (۱۳۹۰)، مجله پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۷۷.

۱۵- علی احمدی، علیرضا و ایرج تاج الدین و مهدی فتح اله (۱۳۸۲)، نگرش جامع بر مدیریت استراتژیک، انتشارات تولید دانش، چاپ اول، تهران.

۱۶- قربانی، رسول و سمیه نوشاد (۱۳۸۷)، راهبرد رشد هوشمند در توسعه شهری، اصول و راهکارها، مجله جغرافیا و توسعه، پاییز و زمستان، شماره ۱۲.

۱۷- لینچ، کوین (۱۳۷۶)، تئوری شکل خوب شهر، ترجمه سیدحسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۸- مبارکی، امید (۱۳۹۱)، برنامه ریزی استراتژیک توسعه پایدار شهر ارومیه، پایان نامه دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه اصفهان.

۱۹- مثنوی، محمدرضا (۱۳۸۱)، توسعه پایدار و پارادایم های جدید توسعه شهری: شهر فشرده و شهر گسترده، مجله محیط شناسی، شماره ۳۱.

Use and land cover Change—a Study in Merseyside, UK. Landscape Urban Plan, 71.

34- Peiser, Richard,)2001(, Decomposing Urban Sprawl, Town Planning Review. Vol 72, No 3.

35- Richard, Rosers, lord Rogred,)1999(, Urban Task Force, Toward an Urban Renaissance.

36- Walmsley, Anthony ,)2006(, Green Ways : Multiplying and Diversifying in the 21st Century, Landscape and Urban Planning, Vol 76.

37- Williams, K., Burton, E., and Jenks, M.,)1996(, Achieving the Compact City Through Intensification : an acceptable option?, in Jenks, London : 83-96.

38- Yang, F.,)2009(, If Smart is Sustainable? An Analysis of Smart Growth Policies and Its Successful Practices, A Thesis Submitted to the Graduate Faculty in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Community and Regional Planning, Iowa State University Ames.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری

Urban Management

شماره ۴۱ زمستان ۹۴

No.41 Winter 2015

■ ۳۵۸ ■

کاربست تکنولوژی و بحران هویت در معماری معاصر ایران در عصر جهانی شدن و ارائه راهکارهای برون رفت از وضع موجود

سارا ناصری* - کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

Use of technology and the crisis of identity in contemporary architecture and strategies for overcoming the status quo

Abstract

Now, according to a scientific backwardness, economic, technological and so on in Iran, the country's approach to entering science and technology from the West has been in different areas. While any assessment of the results of this hasty in arriving and the use of technology, especially in the architecture there. On the other hand, proximity to culture, identity and other peculiarities of Iranian society with modern technology, especially for elementary and incomplete, has caused abnormalities. That is the question that technology and its effects on humans, architecture and lays identity? Regarding the question posed in this study, the research study, we have tried to respond to the needs of the modern Iranian society which should be resolved using the new technology, the crisis of identity today's architecture. Immethodical of technology architecture be examined. It must also avoid damage to the intellectual and philosophical context of modern technology in the field of architecture to Identity and spirituality in architecture can also be the best and most characteristic of Iranian architecture. The News strategies in order to overcome the current situation and the concept is briefly mentioned.

Key words: technology, architecture and identity, culture and sociology of knowledge, strategies and recommendations.

چکیده

در حال حاضر با توجه به عقب ماندگی های بسیار علمی، اقتصادی و تکنولوژیکی و غیره در ایران، رویکرد عمومی کشور به سمت وارد کردن علوم و تکنولوژی مدرن از غرب در عرصه های مختلف بوده است؛ در حالی که هیچگونه ارزیابی از نتیجه این شتابزدگی در ورود و استفاده از تکنولوژی خاصه در معماری صورت نگرفته است. از سوی دیگر، همجواری فرهنگ، هویت و دیگر مختصات جامعه ایرانی با تکنولوژی مدرن آنهم به صورت ابتدایی و ناقص، ناهنجاری هایی را سبب گردیده است که این سؤالات مطرح می کند که تکنولوژی چیست و چه تاثیراتی بر انسان، معماری و هویت می گذارد؟ لذا با توجه به پرسش مطرح شده در این تحقیق با بررسی پژوهش های صورت گرفته، سعی شده است تا ضمن پاسخ گویی به نیازهای امروزی جامعه ایرانی که می بایست با استفاده از تکنولوژی نوین مرتفع گردد، بحران هویت معماری امروز ناشی از توسعه بی رویه تکنولوژی در معماری مورد بررسی قرار گرفته و همچنین با دوری از آسیب های آن، بایستی به بستر فکری و فلسفی تکنولوژی مدرن در عرصه معماری ارائه کرد تا هویت و معنویت موجود در معماری بتواند همچنان برترین و بارزترین شاخصه معماری ایران باشد. در پایان نیز راهکارهایی در راستای برون رفت از وضع موجود به اختصار مورد اشاره و تبیین مفهومی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: تکنولوژی، معماری و هویت، فرهنگ و جامعه شناسی شناخت، راهکارها و پیشنهادات.

تکنولوژی را می‌توان تمام دانش، محصولات، فرایندها، ابزارها، روشها و سیستمهایی تعریف کرده که در جهت خلق و ساخت کالاها و ارائه خدمات بکار گرفته می‌شوند. به زبان ساده تکنولوژی عبارت از روش انجام کارها توسط انسان است. تکنولوژی ابزاری است که بوسیله آن می‌توانیم به اهداف خود دست یابیم. تکنولوژی، اجرای عملی دانش است و ابزاری است که به کمک تلاش و سعی آدمی می‌آید. بر اساس تعریف، مدیریت تکنولوژی فرآیند برنامه‌ریزی، هدایت، کنترل و راهبری جهت توسعه و به کارگیری «توانمندی‌های تکنولوژیکی» برای طراحی و اجرای اهداف عملیاتی و استراتژیک سازمان است. پژوهشگران مدل‌های مختلفی برای مدیریت تکنولوژی ارائه نموده‌اند که تقریباً در تمامی آنها به فرآیند اکتساب تکنولوژی به عنوان کارکردی کلیدی در مدیریت تکنولوژی اشاره شده است. از سویی دیگر، امروزه گسترش کاربرد تکنولوژی به نوعی مفهوم فرهنگ و هویت را دچار چالش معنایی و محتوایی کرده است که اثرات آن در بی‌هویتی شهرها و معماری امروز قابل شهود است. پس از انقلاب صنعتی و تحولات گسترده قرن بیستم، تکنولوژی به سرعت وارد زندگی بشر شد و آن را دچار تغییر و تحولات اساسی کرد. انسان با انگیزه دستیابی به رفاه و امنیت بیشتر، هر روز بیشتر از روز قبل از تکنولوژی‌های مختلف استفاده کرد تا اینکه پس از مدتی، فن‌سالاری (تکنوکراسی) در جوامع بشری مطرح شد؛ بدین صورت که کم‌کم ابزار و آلات نقش کلیدی را در زندگی انسان‌ها پیدا کردند. بتدریج تکنولوژی برای تمام توقعات انسان، در همه زمینه‌ها پاسخ‌ارائه داد. بدین ترتیب راه برای ظهور تکنوپولی (انحصارگرایی تکنولوژی) باز شد. در این زمان بود که تکنولوژی بطور نامحسوسی سنت و فرهنگ را از زندگی انسان‌ها خارج کرد و برای همه لغات کلیدی زندگی آنها، تعریفی را که خود می‌پسندید، جایگزین کرد؛ لذا کار بجایی رسید که تکنولوژی به جای خدا قرار گرفت و انسان کاملاً در دام آن افتاد. آنچه می‌تواند بسیار

تعیین‌کننده باشد، سرشت و اعتقادات معنوی جامعه‌ای است که تکنولوژی به آن وارد می‌شود. هر جامعه‌ای می‌تواند با توجه به پیشینه‌های ارزشمند فرهنگی، تاریخی و اعتقادی خود از جنبه‌های مناسب و مفید تکنولوژی‌های جدید استفاده کرده و جنبه‌های غیر مفید و آن‌هایی را که نمی‌پسندد، کنار بگذارد. پس بهره‌وری از تکنولوژی در هر جامعه‌ای می‌تواند به صورت گزینشی و کاملاً بجا در معماری مورد استفاده قرار گیرد. در هر حال، در این مقاله به موضوع تکنولوژی و بحران هویت موجود در معماری به دلیل کاربردی نادرست یا بیش از اندازه تکنولوژی پرداخته شده و راهکارهایی برای ارتقاء هویت در زمینه بکارگیری و بهره‌برداری از تکنولوژی در معماری ارائه می‌گردد.

مبانی نظری

جامعه‌شناسی فرهنگ

جامعه‌شناسی، علمی است که: «روابط متقابل و مناسبات انواع زندگی اجتماعی با انواع شناخت‌ها و دانش‌ها را نشان می‌دهد.» در ابتدا برای آشنایی بیشتر با محوریت نحوه برهمکنش تکنولوژی و هویت، مسأله «دانش دانش» در موارد زیر بررسی می‌شود:

۱. «شناخت‌شناسی و بررسی چگونگی پیدایش شناخت و آگاهی در انسان»: که چیزی به نام «ذهن» به وجود می‌آید و بر زیست فردی و اجتماعی انسان (بالجمله یا فی‌الجمله) شکل و جهت می‌دهد و در نتیجه چیزی به نام جامعه و تاریخ را به وجود آورده است. طرح مسأله بدین صورت، مسأله‌ای از مسائل اساسی فلسفی را به نمایش می‌گذارد که از مسائل جامعه‌شناسی نیست.

۲. «تفسیر جامعه‌شناختی اندیشه بشر»: در این طرح آگاهی انسان به عنوان یک پدیده اجتماعی مانند سایر پدیده‌های اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳. «تفسیر جامعه بر اساس چگونگی پیدایش آگاهی فردی و آگاهی اجتماعی»: سیر و تحول این آگاهی‌ها و کاربردها در تحول سایر ابعاد جامعه از قبیل اخلاق، اقتصاد، دین، سیاست. در این صورت جامعه‌شناسی شناخت در ردیف: جامعه‌شناسی

سیاسی، جامعه‌شناسی اقتصاد، جامعه‌شناسی هنر، جامعه‌شناسی شناخت، قرار می‌گیرد. با این تفاوت که سیاست (مطابق نظر اجتماعی) و اقتصاد و هنر (در نظر بعضی‌ها) هر کدام صرفاً یک پدیده اجتماعی هستند. ولی آگاهی، تنها در نظر امیل دورکیم، چنین است. ۴. «بررسی تعاطی میان جامعه و ذهن»: تبیین اتحاد میان عین و ذهن در مرحله پیدایش ذهن، و تبیین مشارکت میان جامعه و ذهن پس از مرحله اول پیدایش ذهن.

ردیف اول بخشی از فلسفه و ردیف‌های دوم و سوم هر دو، بخشی از علم جامعه‌شناسی و رویکردهای التزامی پرداخت به مقوله تکنولوژی هستند. ردیف چهارم دو مسأله اصلی (با اساسی‌ترین نقش) در جامعه‌شناسی شناخت هستند که اولی (اتحاد) در عین حال از مسائل مهم فلسفه نیز می‌باشد. با یک دقت می‌توان حضور ردیف دوم و چهارم را در ضمن و بطن ردیف سوم مشاهده کرد با این نگاه دقیق باید گفت جامعه‌شناسی شناخت یعنی همان ردیف سوم که بستر بحث ما می‌باشد لیکن نظر به واژه (گذر) که در عنوان این جزوه قرار دارد - گذری بر جامعه‌شناسی شناخت - بیشتر سر و کارمان در این بستر با دو مسأله‌ای که ردیف چهارم بیانگر آن است می‌باشد و چون مسأله اول از دو مسأله (اتحاد - مشارکت) ردیف چهارم یعنی «تبیین اتحاد میان عین و ذهن در مرحله پیدایش ذهن» یکی از مسائل مهم فلسفه نیز می‌باشد پس قهراً بحث ما با ردیف اول نیز سر و کار دارد. جامعه‌شناسی شناخت توجه اش را صرف مطالعه زندگی روحی به عنوان اساسی در شرایط اجتماعی و تاریخی کرده است. تصدیق و تعیین اجتماعی یک عمقی که

تئوری ایدئولوژی انجام نمی‌دهد در حالی که تئوری ایدئولوژی همیشه نقش مذهبی را در نظریات اجتماعی و تاریخی ایفا خواهد کرد.^۱

اخیراً جامعه‌شناسی شناخت جدید به عنوان قسمتی از این جنبشهای بزرگتر در علم جامعه‌شناسی، می‌تواند در نظر گرفته شود که با دوری گزیدن از ساختار مادیت و اجتماعی و گرایش به سوی «تئوریهای نشانه‌شناختی» ککه به روشهای که به مفهوم نظام اجتماعی تأکید دارد تشخیص داده می‌شود. «اردیت و سویندلر» (۱۹۹۴) تأکید می‌کنند بر این که چگونه سازمانهای اجتماعی (برای مثال رسانه) علم و دانش را تنظیم می‌کنند تا به بررسی کردن موقعیت اجتماعی و طبقه‌بندی کردن علایق بپردازند. همچنین از جنبه تئوریهای جدید نیروی اجتماعی و عملی، آنها بررسی کرده‌اند چگونه علم و دانش سلسله مراتب اجتماعی را حفظ می‌کنند و چگونه تکنیکهای قدرت از لحاظ تاریخی و هم‌زمانی به علم و دانش ارتباط دارند.

طرفدار «جامعه‌شناسی شناخت جدید» ادعا نمی‌کند که رشته‌های فرعی به وسیله آثار جدیدتر در تحقیقات جامعه‌شناسی و فرهنگی کاملاً جایگزین شده است. گرچه آنها یادآور شده‌اند که جامعه‌شناسی شناخت جدید یک رشته واحد نیست، یک دلیل که به وسیله نویسندگان اخیر که سروکار دارند با جامعه‌شناسی شناخت به عنوان چهارچوب منابع تأمین به عنوان تئوری در حق خودشان پیشنهاد می‌شود. دو عامل مهم می‌توانند برای پافشاری از نزدیکی وسیع به علم و دانش محسوب شوند:

۱. اول پیشنهاد کلر و مانهایم و دیگری پیشنهاد نویسندگان جدید در این زمینه (مثل آمریکا، آثار

۱. شایان ذکر است که تئوری ایدئولوژی نگرانی‌های اصلی جامعه‌شناسی شناخت در رابطه با گسترش بکارگیری تکنولوژی را ندارد. «برگر و لاکمن» در کتاب واقعیت ساختمان (ساختار) اجتماعی، جامعه‌شناسی شناخت را بعنوان «نظم انسان‌گرا و تصویری که هستی و ماهیت انسان یک ماهیت اساساً اجتماعی است»، معرفی کردند. این آثار به علوم و نظرات تئوری هیچ تمایلی ندارد و به سوی دانش یا نظراتی که حامیان و مدعیان اجتماعی آن را از زندگی روزمره دریافت کرده‌اند گرایش دارد. توضیحاتشان، تئوری رایج تعیین اجتماعی نظریه‌ها را بوسیله واقعیات اجتماعی دوباره تقویت می‌کند: واقعیت اجتماعی یک ساختار است. ماهیت اجتماعی چشم‌انداز افکار اجتماعی کلاسیک اروپایی (مارکس، دورکیم، وبر) را با روان‌شناسی اجتماعی فیلسوف آمریکایی پیر و فلسفه علمی جرج هربرت مید باهم کامل می‌کند که منتج به توسعه روان‌شناسی اجتماعی به عنوان یک تئوری مکمل جامعه‌شناسی شناخت اروپایی می‌شود. این آثار جامعه‌شناسی شناخت را بر اساس یک دامنه جدیدی که تأکیدش بر محدوده وسیعی از سیستمها شکل گرفته و در رابطه با واقعیات اجتماعی است، طبقه‌بندی کرده‌اند.

ارائه شده «فلوریان زنائیکی، رایت میلر و ادوارد شیلز» که تاکید دارند تا مقاله‌هایی در دسترس دانشجویان اجتماعی و هم‌چنین متخصصین امور دیگر شامل زیر رشته‌های تاریخ عقاید، روان‌شناسی اجتماعی، تحقیقات اجتماعی علم، نظریات طرفداران حقوق زنان و تحقیقات فرهنگی قرار گیرد. به همین علت دیدگاه جامعه‌شناسی شناخت در رابطه زندگی و فکر گروهی به خیلی از زیر رشته‌های جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی در برابر تاریخ مربوط است؛ و

۲. دوم اینکه علاوه بر این مادامی که علوم به عنوان پدیده فرهنگ برتر درک می‌شوند، احتمالاً به این علت باشد که جامعه‌شناسی شناخت به طور گسترده‌ای شامل مجموعه‌ای از تئوریها و تحقیقات نسبت به زیررشته‌هایی با موضوع مشخص و واضح در نظر گرفته می‌شود. علم و دانش به قلمرو ظاهری و سطحی محدود نمی‌شود. آنها در حوزه‌های وسیعی از امور روزانه تا موسسات حقوقی، سیاست، هنر و مذهب تا سایتها و رشته‌های گوناگون علوم فعالیت می‌کنند. جامعه‌شناسی شناخت جدید نتایج علم قابل فهم و شکل‌گفتار در مجموعه‌های موسسه‌های خاص را بررسی می‌کند.

فرآیند انسان شدن در رابطه متقابل با محیط انجام می‌شود. این گفته زمانی معنی پیدا می‌کند که به خاطر آوریم که این محیط هم یک محیط طبیعی است و هم محیط انسانی. انسانیت بر حسب جامعه و فرهنگ تغییر می‌پذیرد. به عبارت دیگر، هیچ‌گونه ذات یا سرشت انسانی به مفهوم بنیاد جوهری از لحاظ زیستی ثابتی که تغییرپذیری شکل‌بندی‌های اجتماعی فرهنگی را تعیین کند وجود ندارد. فقط ذات انسانی به معنی عوامل ثابت انسان شناختی مثلاً سازگاری همه‌جانبه با جهان و نرمش‌پذیری ساختار غریزی وجود دارد که شکل‌بندی‌های اجتماعی- فرهنگی انسان را محدود می‌کند و مجاز می‌سازند. دوره‌ای که در آن ارگانیسم آدمی از لحاظ ارتباط متقابل با محیط خود مرحله کمالش را می‌پیماید مرحله‌ای است که در آن خویشتن یا نفس انسان نیز ساخته می‌شود. بنابراین،

تشکیل نفس را نیز باید هم در رابطه با تکامل مداوم ارگانیسمی و هم در ارتباط با فرآیندی اجتماعی که در جریان آن محیط طبیعی و انسانی از طریق افراد مهم و ذی‌نفوذ انتقال می‌یابد فهمید. آدمی باید پیوسته از طریق فعالیت و عمل به خود وجودی بیرونی بخشد. این ضرورت انسان شناختی بر پایه ابزارهای زیستی آدمی استوار است. بی‌ثباتی ذاتی ارگانیسم انسانی ضروری می‌سازد که آدمی، خود، محیط ثابتی برای کردارش به وجود آورد.

هر دنیای نهادی به مثابه واقعیتی عینی به تجربه در می‌آید، دارای تاریخی است که قدمت آن به پیش از تولد فرد می‌رسد، و حافظه فرد را به آن راهی نیست. قبل از تولد او وجود داشته و پس از مرگ وی نیز وجود خواهد داشت. خود این تاریخ، به عنوان سنت نهادهای موجود، دارای صفت عینیت است. زندگی نامه فرد همچون حادثه‌ای فرعی تلقی می‌شود که در بطن تاریخ عینی جامعه جای دارد. نهادها، به منزله حقایق عینی و تاریخی، به صورت رویدادهایی انکارناپذیر در برابر فرد قرار می‌گیرند:

۱. «جهان‌نهادی» فعالیت عینی شده انسان است. رابطه میان انسان، صانع، و دنیای اجتماع مصنوع او، رابطه‌ای دیالکتیکی است و خواهد بود. یعنی آدمی، البته نه در حالت انفرادی، بلکه در اجتماعات خود و دنیای اجتماعی او بر یکدیگر اثر می‌گذارند.

۲. «برونی‌کردن و عینی‌ساختن» همچون عوامل مهم در یک روند دیالکتیکی مستمر به شمار می‌روند. ۳. سومین عامل مهم در این فرآیند، درونی‌گردانیدن است و به وسیله آن دنیای عینیت یافته اجتماعی در جریان اجتماعی شدن فرد بار دیگر به آگاهی او باز می‌گردد. تنها با انتقال دنیای اجتماعی به نسلی جدید یعنی با درونی‌گردانیدن، آن‌گونه که در جریان اجتماعی شدن صورت می‌بندد، دیالکتیک اصلی اجتماعی در کلیتش به ظهور می‌رسد. در همین مرحله، دنیای نهادی نیازمند مشروعیت است؛ یعنی به روش‌هایی نیاز دارد که بدان وسیله بتوان آن را تبیین

و توجیه نمود^۱.

نقش توجیه‌گری این است که تجلیات عینی درجه اولی را که به صورت نهادی درآمده اند از لحاظ عینی قابل استفاده سازد و از نظر ذهنی موجه و قابل قبول جلوه دهد. ایجاد وحدت، به این یا آن شکل، نیز همان هدف معینی است که انگیزه توجیه‌گران واقع می‌شود. ایجاد وحدت و متناسب با آن، مسئله موجه نمایی ذهنی به دو سطح اشاره می‌کنند:

۱. نخست کل نظام نهادی باید برای کسانی که در فرایندهای نهادی گوناگون شرکت دارند معنی و مفهوم هماهنگی داشته باشد و

۲. دوم کلیت زندگی فرد یعنی گذشت پیاپی انواع مختلف نظام نهادی، باید از حیث ذهنی معنادار شود. مسئله توجیه‌گری به طور حتم، زمانی پدید می‌آید که قرار باشد مظاهر عینی نظام نهادی (اکنون تاریخی) به نسل جدیدی منتقل شود.

توجیه‌گری، نظام نهادی را با نسبت دادن اعتبار

شناختی به معانی عینیت یافته‌اش تبیین می‌کند. توجیه‌گری مشروعیت نظام نهادی را با دادن یک شان هنجاری به فرمانهای عملی‌اش به اثبات می‌رساند، درک این نکته که مشروع سازی هم عنصری شناختی و هم عنصری هنجاری دارد، بسیار مهم است. توجیه‌گری نه تنها به فرد می‌گوید که چرا باید عملی را انجام دهد و عمل دیگری را انجام ندهد، بلکه به او می‌گوید که چیزها چرا این چنین هستند، از نظر تحلیلی می‌توان میان مطرح مختلف توجیه‌گری فرق گذاشت.

۱. توجیه اولیه زمانی است که سیستمی از جلوه‌های عینی زبانی تجربه انسانی انتقال یابد. این سطح ماقبل نظری است؛

۲. دومین سطح توجیه شامل پیش‌گذاردهای نظری در شکلی ابتدایی است. (افسانه‌ها و داستان‌های عامیانه و قس علیهذا)؛

۳. سومین سطح توجیه شامل نظریه‌های صریحی است که به وسیله آنها یک بخش نهادی بر حسب

۱. خود آدمی باید سائقه‌هایش را اختصاصی کند و هدایت نماید. این حقایق زیستی به عنوان پیش فرض‌های لازم برای ایجاد نظم اجتماعی به کار می‌آیند. به بیان دیگر، هر چند هیچ نظم اجتماعی موجودی را نمی‌توان از داده‌های زیست شناختی استخراج کرد، خود ضرورت وجود نظم اجتماعی از ابزارهای زیستی انسان ناشی می‌شود. هرگونه فعالیت انسانی به صورت عادت در می‌آید. هر عملی که بارها تکرار گردد، در الگویی قالب ریزی می‌شود که بعداً می‌توان با صرفه‌جویی در کوشش دوباره آن را به اجرا درآورد و بنا بر ماهیت عمل، به صورت همان الگو به ادراک اجرا کننده در می‌آید. به شکل عادت در آمدن کارها این نفع روانی مهم را دارد که انتخاب‌ها محدود می‌شوند. این امر فرد را از زیر بار همه آن تصمیم‌ها آزاد می‌سازد و آرامشی روانی به وجود می‌آورد که اساس آن در ساختار غریزی جهت‌ناگرفته انسان واقع است. نهادها زمانی تشکیل می‌شوند که نمونه‌سازی متقابل از اعمال عادی شده انواع عمل‌کنندگان وجود داشته باشد. نهادها همچنین به اعتبار وجودشان کردار انسان را با ارائه الگوهای از پیش تعریف شده رفتار کنترل می‌کنند، این الگوها مسیر کردار را در مقابل مسیرهای متعدد دیگری که از لحاظ نظری امکان پذیرند در جهت خاص هدایت می‌نماید. تقسیم کار و نوآوریها به تشکیل عادات جدید منجر خواهند شد و زمینه مشترک هر دو فرد فرضی را توسعه خواهند داد. به بیان دیگر، دنیایی اجتماعی در روند ساخته شدن خواهد بود که ریشه‌های نظم نهادی توسعه‌یابنده‌ای را در درون خود خواهد داشت. با گذشت زمان و ظهور نسلی دیگر، نهادها اینک چنان به تصور می‌آیند که گویی از واقعیتی خاص خود برخوردارند، واقعیتی که با فرد به عنوان امری خارجی و ضروری مواجه می‌شود.

معنی اصلی نهادها از راه حافظه برای آنان، نسل جدید، حاصل نمی‌شود. بنابراین، لازم می‌آید که این معنی با فرمولهای توجیه‌کننده مختلفی بر ایشان تفسیر گردد. فقط بخش کوچکی از کل تجربه‌های انسانی در آگاهی باقی می‌ماند. تجربه‌هایی که باقی می‌ماند ته نشین می‌شود، یعنی به صورت ذراتی قابل تشخیص و قابل یادآوری در حافظه منجمد می‌گردند. رسوب-گزارای مشترک نیز هنگامی روی می‌دهد که افرادی چند، زندگی نامه‌ای مشترک داشته باشند که تجربه‌های آن در ذخیره دانش مشترکی به صورت کل یگانه‌ای درآید. رسوب‌گزارای مشترک را تنها زمانی می‌توان به راستی اجتماعی نامید که در این یا آن نوع نظام علامتی عینیت یافته باشد، یعنی هنگامی که امکان عینی سازی مکرر تجربه‌های مشترک به وجود آید. نظام علامتی مهم در این جا نظام زبانی است. عینیت یافتن تجربه در قالب زبان موجب می‌شود که آن تجربه از طریق آموزش اخلاقی، شعر اشرافی، تمثیل دینی، و چیزهایی از این دست، در مجموعه بزرگتر سنت جذب گردد. عمل‌کنندگان بالقوه اعمال نهادی شده، نسل‌های آینده؛ باید به نحوی اصولی و منظم با این معانی آشنا باشند. این امر وجود نوعی فرآیند آموزشی را ایجاب می‌کند. معانی نهادی در جریان انتقال به تدریج به شکل ساده در می‌آیند تا نسل‌های آینده به آسانی بتوانند مجموعه معینی از فرمول‌های نهادی را فراگیرند و به حافظه بسپارند. فرایندهای روتین سازی و عامیانه نهادها به کمک نقش‌ها در تجربه فردی تجسم می‌یابند. فرد با ایفای نقش در یک دنیای اجتماعی شرکت می‌کند. سرچشمه‌های اولیه نقش‌ها، مثل سرچشمه نهادها، در همان فرآیند اساس تشکیل عادت و عینی سازی قرار دارند. به محض آن که اندوخته دانش مشترک شامل نمونه سازی‌های دو جانبه رفتار، در جریان شکل‌گیری باشد، نقش‌ها پدید می‌آیند.

مجموعه دانش مشخصی توجیه می شود. این جاست که توجیه‌گری از کاربرد عملی فراتر رفته و به صورت «نظریه ناب» در می آید. این‌ها به سبب پیچیدگی شان غالباً بر عهده کارگزاران متخصص نهاده می شوند. قلمروهای نهادی چهارمین سطح توجیه‌گری را تشکیل می دهند. اینها مجموعه‌هایی از سنت‌های نظری هستند که نظام نهادی را در کلیتی نمادی در بر می گیرند.

هویت و مفاهیم آن

«فرایندهای هویتی و نمادی»، فرایندهای دلالت‌کننده‌ای هستند که به واقعیت‌هایی غیر از واقعیت‌های تجربی روزمره اشاره می‌کنند. قلمروی نمادی قالب همه معنی‌هایی انگاشته می‌شود که عینیت اجتماعی دارند و از لحاظ ذهنی واقعی هستند. کل جامعه تاریخی و کل زندگی نامه فرد به عنوان وقایعی تلقی می‌گردند که در درون این قلمرو جریان می‌یابد. حدود این گونه توجیه‌گری‌هایی، در اصل همراه با بسط دامنه بلندپروازی نظری و ابزار ابتکار از جانب توجیه‌گران، یعنی تعریف‌کنندگان مجاز و معتبر واقعیت، بسط و توسعه می‌یابد. قلمرو نمادی، با قرار دادن نقش‌های روزمره، اولویت‌ها و شیوه‌های اجرای کار در شمول کلیات، یعنی در زمینه کلی‌ترین چهارچوب داوری قابل تصور، آن‌ها را نظم می‌بخشد و در نتیجه مشروعیتشان را به اثبات می‌رساند در درون همین زمینه حتی پیش‌پافتاده‌ترین کارهای زندگی روزمره ممکن است رنگ معنایی عمیقی را به خود گیرد. لازم نیست این نکته بدیهی را بشکافیم که این گونه نمادسازی به احساس

امنیت و احساس تعلق می‌انجامد. اما خطاست که در این جا فقط به جوامع ابتدایی بیندیشیم. یک نظریه جدید روانشناسی درباره رشد شخصیت نیز می‌تواند همین وظیفه را ایفا کند. در هر مورد، فرد با گذار از یک مرحله زندگی شخصی به مرحله دیگر می‌تواند خود را به عنوان تکرار‌کننده جریان مداومی که تقدیر در ذات امور یا در طبع خود او معین کرده است بنگرد، یعنی می‌تواند دیگر بار اطمینان یابد که به طور صحیح زندگی می‌کند.

هویت با قرار گرفتن در درون بافت یک قلمرو نمادی توجیه می‌شود. بدین ترتیب لازم نیست که حقانیت واقعی بودن هویت از طریق آگاهی فرد به اثبات برسد. بلکه همین بس که این حقانیت در قلمرو نمادی «قابل شناخت» است. مرگ، که از ترسناک‌ترین واقعیت‌های زندگی روزمره است، در درون قلمروهای نمادی توجیه می‌شود و بدین ترتیب از وحشت فرد کاسته، ادامه حیات او را ممکن می‌سازد. قلمرو نمادی در سلسله مراتبی از وجود به پدیده‌های مختلف درجاتی نسبت می‌دهد و دامنه‌ی پدیده‌های اجتماعی درون این سلسله مراتب را تعریف و تعیین می‌کند. از آن جا که جامعه هم به عنوان واقعیت عینی و هم به صورت واقعیت ذهنی وجود دارد، هرگونه درک نظری کافی درباره آن باید هر دو جنبه را شامل باشد. ماهیت این جنبه‌ها در صورتی به درستی شناخته خواهد شد که جامعه بر حسب فرآیند دیالکتیکی پیشرونده‌ای متشکل از سه عامل اساسی برونی‌سازی، عینی‌سازی، و درونی‌سازی فهمیده شود.^۱

۱. تا جایی که به پدیده جامعه مربوط می‌شود، نباید چنین انگاشت که این عوامل اساسی در توالی زمانی منظمی روی می‌دهند؛ بلکه خصوصیات جامعه و هر بخشی از آن را این هر سه عامل در یک زمان مشخص می‌سازند به طوری که هرگونه تحلیلی که بر حسب یک یا دو عامل صورت پذیرد، ناقص است. جریان تکامل فردی که درونی‌سازی به باری آن حاصل می‌گردد «جامعه‌پذیری» است، که می‌توان آن را کشاندن همه جانبه و منظم فرد به درون دنیای جامعه یا بخشی از آن تعریف کرد. جامعه‌پذیری اولیه هنگامی به پایان می‌رسد که مفهوم دیگران تعمیم یافته و هر آن چه که ملازم با آن است در آگاهی فرد استقرار یافته باشد. فرد در این مرحله یکی از اعضای اثربخش جامعه به شمار می‌رود و از نظر ذهنی صاحب یک نفس و یک جهان است. البته جامعه‌پذیری هرکس کامل نیست و هرگز به پایان نمی‌رسد. هیچ جامعه‌ای را نمی‌شناسیم که نوعی تقسیم کار و ملازم با آن نوعی توزیع اجتماعی دانش در آن نباشد و به محض آن که چنین وضعی برقرار شود، پرورش اجتماعی ثانویه ضروری می‌گردد. جامعه‌پذیری ثانویه عبارت است از درونی‌سازی خرده‌جهانهای نهادی یا مبتنی بر نهادها. بنابراین، گستره و سرشت آن بر حسب پیچیدگی تقسیم کار و توزیع اجتماعی دانش که -ملازم با آن است- تعیین می‌شود. هر جامعه قابل زنده ماندن باید شیوه‌هایی برای حفظ واقعیت پدید آورد تا درجه‌ای از تقارن و تناسب میان واقعیت عینی و ذهنی را حفظ کند. واقعیت زندگی روزمره در کنش متقابل فرد با دیگران پیوسته از نو تایید می‌شود. واقعیت، درست همان گونه که در اصل از طریق فرایندی اجتماعی به صورت درونی در می‌آید، به وسیله فرایندهای اجتماعی در آگاهی جایگزین می‌گردد. این فرایندهای اخیر تفاوت اساسی و چشمگیری با فرایندهای مربوط به درونی‌سازی آغازین ندارند.

جامعه‌شناسی هویت

در رابطه با دوره‌های پیشینی این مفهوم باید گفت؛ کلیت شناخت‌شناسی «قرون وسطای مسیحی» را می‌توان در قالب سه نسخه اصلی تشریح کرد:

۱. «نسخه آگوستینی و اکویناسی»: عینی‌گرایی و واقع‌گرایی شناختی^۱؛

۲. «نسخه آبلاری»: ذهنی‌گرایی و مفهوم‌گرایی شناختی^۲؛

۳. «نسخه اوکامی»: سازه‌گرایی و نام‌گرایی شناختی^۳؛ البته شایان ذکر است که برخی دیگر حوزه‌های اختصاصی معرفت را دیگرگونه تقسیم بندی کرده‌اند. برخی از متفکران، سه معرفت عمده، یعنی «معرفت دینی»^۱،

۲. «معرفت فلسفی» و

۳. «معرفت علمی» را از هم متمایز کرده‌اند. بر این سه معرفت، باید معرفت سیاسی (ایدئولوژی) را نیز باید افزود (علیزاده و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۷۲).

همچنین برای شناخت، تقسیم بندی‌های گوناگونی وجود دارد که بنا به ماهیت با هم تفاوت‌های ویژه‌ای دارند؛ در هر حال یکی از این انواع تقسیم بندی‌ها، «شناخت علمی»، «شناخت هنری» و «شناخت فلسفی» می‌باشد (ر.ک: آگ برن و نیم کوف، ۱۳۸۰، صص ۴۳-۴۸). برای فلسفه‌شناخت و فیلسوفان شناخت، شناخت گزاره‌ای مهم‌ترین نوع شناخت برای بحث‌های دقیق‌البت پیچیده فلسفی است؛ اما برای «شناخت‌شناسی اجتماعی» و «جامعه‌شناسی شناخت» هر سه نوع شناخت بالا (شناخت‌های حاصل از آشنایی؛ مهارتی و گزاره‌ای) از منظر زمینه اجتماعی آن‌ها قابل توجه و بحث‌اند. تاریخ معرفت‌شناسی می‌تواند در قالب چند اپیستم (نظام دانایی و دانشی که مبتنی بر پروپلماتیک خاص خود است، یعنی حاوی نوع نگاه و نوع پرسش‌ها و پاسخ‌ها و مفروضات منحصر بفرد و متمایز از دیدگاه‌های پیش و پس از خود

است) مرتب کرد. این کار البته توسط هاملین صورت نگرفته؛ وی تنها بر اساس کروئولوژی (زمان‌شناسی تاریخی شکل‌گیری آرای شناخت‌شناسی) به طرح این آرا پرداخته است.

بنیاد دیدگاه‌های اصالت به یونان کهن می‌رسد و در معنی اصالت سازگاری با طبیعت درونی خود است. همه ما با طبیعت درونی خود به یک میزان سازگاری نداریم، یا به یک اندازه اصیل و منسجم نیستیم و باید پذیرفت که هیچ سیستمی نمی‌تواند با نسخه برداری از معیاری بیرونی و تحمیلی، درباره اینکجه چه باید باشد، به سازگاری بیشتری با خود نایل شود و به اصالت دست یابد (نقی زاده، ۱۳۷۹، ص ۳۹). اصالت یک کار هنری، میزان راستین بودن وحدت ذاتی، فرآیند خلاق و نمود فیزیکی آن کار و نیز تأثیرات پیام آن در طول زمان تاریخی آن است. نقی زاده اصالت داشتن و دارای الگو بودن را یکی از معیارهای زیبایی ماندگاری داند و افلاطون انسان سنتی را کسی می‌داند که نسبت به اصالت خویش وفادار بماند و در حقیقت، اصالت راه وفادار به سنتی بودن می‌پندارد (بینای مطلق، ۱۳۸۵، ص ۷۱). سندنارا (۱۹۴۴) نیز بر مفهوم اصالت تأکید کرده و معتقد است توانایی ما برای درک ارزش‌های میراثی، به میزان معتبر یا موثق و در نتیجه، اصیل بودن منابع داده‌ها بستگی دارد. اما در تفکر مدرن غالباً «شکل» را مهمترین مشخصه اصالت بافت می‌دانند و به تبیین ساز و کار اشکال و عناصر کالبدی، چون خط و سطح، در تکوین و تعیین ماهیت فضا می‌پردازند؛ یعنی بیشتر به کمیات پرداخته می‌شود نه کیفیات فضایی. در مقابل، حکمای مسلمان به اصالت عوامل کیفی در بافت معتقد بودند. در تفکر سنتی معماران ما در ماهیت حجم و فضا، اصالت زاییده عوامل کمی نیست بلکه کیفیات است که فضا را در یک محیط تشکیل می‌دهد. اگر فرم از محتوا جدا گردد، فضا اصالت خود را بر اساس بینش افلاطونی از دست می-

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۳۶۵

1. epistemological realism-objectivism
2. epistemological conceptualism-subjectivism
3. epistemological constructivism-nominalism

دهد و به فرم ظاهری یا غیر اصیل تعبیر می‌گردد (نقی زاده و امین زاده، ۱۳۸۲، ص ۹۹).

هویت و معماری دو مقوله جدایی ناپذیر و تاثیرگذار و متاثر از یکدیگرند. مباحث مرتبط با هویت بیشتر در مباحث جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. اما به هر روی با توجه به تاثیر معماری بر هویت، از جمله دغدغه‌ها و دل مشغولی‌های جامعه معماران و دانشجویان حال حاضر این رشته در ایران محسوب می‌شود. در عرصه معماری بحث از هویت، تقلید از آثار گذشته را به ذهن متبادر میکند در حالی که هویت با تقلید از گذشته متفاوت است چرا که در بهره‌گیری از آثار گذشته اگر اشکال و فرمها به طور خلاصه و جسد گذشته تکرار شوند نامی جز واپسگرایی را نخواهند یافت (نقی زاده، ۱۳۷۹، ص ۹۰).

تقلید از گذشته و نوآوری دو صفت متقابل یکدیگرند که در بحث از هویت یک دوئیت ارزشی را به خود اختصاص داده‌اند. چرا که نه گذشته را به عنوان یک کالبد برای معانی امروزی به عنوان هویت امروزی می‌توان پذیرفت و نه در قالب نوآوری صرف، هویت (به خصوص هویت تاریخی) نقشی را به عهده دارد. «نوگرایی مطلوب، پذیرش اصول و ارزشهای اصیل و فرهنگی و هویت بخش گذشته به همراه تجلی مطابق نیاز انسان و نیز بومی نمودن هر آنچه که از سایر تمدنها وارد شده و تزاخم با ارزشهای فرهنگی جامعه ندارد، میباشد» (نقی زاده، ۱۳۷۹، ص ۹۰).

مفهوم هویت در معماری پیش از مدرن به تبع روزگار آن به شکل امروزی مطرح نشده بود. تاکید معماری گذشته بر کرامت انسان بود و معماری کارایی، پایایی و زیبایی را برای تکریم مقام انسان می‌خواست (حجت، ۱۳۸۲، ص ۶۵). در دوران مدرن به انسان به عنوان یک کل با نیازهای فیزیولوژیکی نگریسته شد و از نیازهای معنوی و روحانی او چشمپوشی شد. تحقق کالبدی این دیدگاه در حوزه عمل به شکلگیری شهرها و آثار معماری متاثر از جریان عقلگرایی و فلسفه پوزیتیویسم (اثباتگرایی) منجر گشت و عملکردگرایی در رأس اولویتها قرار گرفت.

آلن جیکوبز و داندل اپلیارد (۱۹۸۷) کیفیت‌هایی را به ترتیب زیر برای دستیابی به فضایی مطلوب و ماندگار فهرست نمودند که هویت و اصالت، از جمله آنها است (گلکار ۱۳۸۰، ص ۴۵). مفهوم اصالت در مولفه‌های نامبرده در حوزه مرمت شهری نیز همچون دیگر هنرها (چنانچه بتوان آن را هم‌ردیف دیگر هنرها پذیرفت) مخاطبین گسترده‌ای دارد و با توجه به اینکه مردم بافت با این مفاهیم در تماس هستند، می‌توان به جایگاه و حساسیت آن در مرمت پی برد. از آنجا که گواه تاریخی بر اصالت استوار است، اکنون اگر استمرار زمانی اثر در نتیجه تکثیر از اهمیت بیفتد آنچه در واقع در معرض خطر قرار می‌گیرد، اصالت اثر یا تجلی آن است؛ بدین معنی که تکرار بی حد و اندازه از جایگاه اصالت آن اثر کاسته و ارزش آن از اعتبار ساقط می‌گردد.

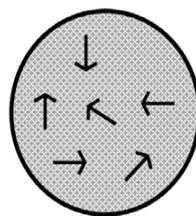
در فرهنگ معین واژه هویت به معنی: آنچه که موجب شناسایی شخصی باشد، یا آنچه که باعث تمایز یک فرد از دیگری باشد آورده شده است. به تعبیر ویلیام هانوی، ما تا ندانیم که بودیم، نمی‌توانیم بدانیم که هستیم، یعنی شناخت هستی ما در گرو شناخت تاریخی ماست و تا ندانیم که چگونه به جایی که هستیم رسیده‌ایم نمی‌توانیم بدانیم که کجا می‌رویم (موتقی و ایرملو، ۱۳۸۵، ص ۲).

اما هویت در نگرش کلان به معنای تشخص، هستی و وجود و آنچه موجب شناسایی شخصی باشد [همچون شخصیت یا کیفیت] است و بیانگر ویژگی‌های هر فرد یا پدیده‌ای می‌باشد. «صدرالمتألهین» در این مورد معتقد است:

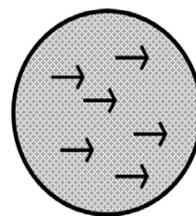
«هویت هر موجودی عبارت است از نحوه خاص وجود او و در انسان هویت واحده است که متشکل به شئون مختلف می‌شود. انسان‌ها را مشخصاتی هست که به واسطه آن‌ها هریک از دیگری متمایزند و تا آخر عمر وحدت شخصیت در آن‌ها باقی است و به آن هویت گویند» (حجت، ۱۳۸۴، ص ۵۷).

هویت در ریشه لاتین به معنای تشابه و تداوم است، یعنی در آن هم اشتراک وجود دارد هم استمرار، به عبارتی آنچه در طول تاریخ ثابت و مشترک مانده و

تحول و دگرگونی تاریخی روی آن اثر نگذاشته است. اما نباید ماهیت پارادوکسی هویت را نیز فراموش کرد؛ بدین معنی که هویت بطور همزمان حامل یک عنصر ایستا و پویاست، از یک سو رجوع به مفهوم هویت بیانگر استمرار و تداوم تاریخی است، اما از سوی دیگر نباید این واقعیت را نادیده بگیریم که هویت دائماً در معرض فرآیند بازتعریف و بازتولید است. بدیهی است از نقطه نظر واژه شناسی هویت مترادف تاریخ قلمداد می شود. مثلاً وقتی از شهری بی هویت یا بافتی بی هویت سخن به میان می آید، منظور آن است که نشانه ای از گذشته را در خویش ندارد و یا به عبارتی هیچ گونه رابطه ای با گذشته از آن برداشت نمی شود. این همان دیدگاهی است که فوکو برای چیستی هویت در معنای نوین آن با شعار «ما باید سرپیچی کنیم از آن چیزی که هستیم» بیان کرده است. اما، هویت برای انسان سنتی (مذهبی) در یک بافت سنتی، باوری است که به مدد ایمان به غیب شکل می گیرد و سازنده و پردازنده پندار، کردار و رفتار اوست، در حالی که انسان مدرن (سکولار) خود به مدد خود هویت خویش را می سازد. هویت در جامعه سنتی، واحد و الهی و در جامعه مدرن متکثر و اکتسابی است. در یک نگاه سنتی هویت انسان مقدم بر وجود اوست و در نگاه مدرن وجود انسان مقدم بر هویت اومی باشد.



هویت فردی - جامعه مدرن
(واگرایی در کالبد و رفتار)



هویت جمعی - جامعه سنتی
(همگرایی در کالبد و رفتار)

نمودار ۱. تعریف هویت در جوامع مدرن و سنتی، ماخذ:

حجت، ۱۳۸۴، ص ۵۷.

فرهنگ، هویت و معماری شهری

آداب و رسوم (شیوه های عملکرد مرسوم و خو کرده)، و عرف ها (آداب و رسوم مهم تری که دلالت های مهم

شایست و ناشایست دارند) از جمله روش هایی هستند که به بروز هنجارها منجر شده و فرهنگ را می سازد. یک هنجار به معیار تثبیت شده ای از آنچه که باید در یک فرهنگ خاص وجود داشته باشد، اطلاق می شود. به شهری که در آن هنجارها و معیارهای تثبیت شده ای مورد استفاده قرار می گیرد گفته می شود که دارای ساختاری هنجارمند است (کوئن، ۱۳۸۶، ص ۱۵۸). مفهوم فرهنگ همراه با مفهوم جامعه، یکی از مفاهیمی است که در جامعه شناسی کاربرد زیادی دارد. فرهنگ عبارت است از ارزش هایی که اعضای یک گروه معین بدان باور دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می کنند و کالاهای مادی که تولید می کنند. فرهنگ مجموعه قواعدی را می آفریند که شکل ساخته شده، بازتابی از آن است. مردم به کمک فرهنگ یعنی مجموعه ارزشها، باورها، جهان بینی و نظام های نمادین مشترک، به محیط خود معنی می دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می کنند. بدین ترتیب محصول مادی جامعه نشانگر فرهنگ آن جامعه می باشد. مهم ترین محصول مادی یک جامعه، محیط کالبدی و معماری شهری است که جامعه برای خود بوجود می آورد تا در آن رشد و نمو کرده و فرهنگ را از نسلی به نسل دیگر منتقل کند. پس کیفیت کالبدی محیط نه تنها متأثر از فرهنگ که تأثیرگذار بر انتقال فرهنگ نیز هست. در ادامه به بررسی آرا و نظریات برخی طراحان شهری در خصوص نحوه تأثیر فرهنگ و نظارت اجتماعی بر نحوه شکل گیری اثر معماری و توجه آن به محیط شهری در فرایند شکل گیری یک معماری و طراحی شهری هماهنگ و منسجم پرداخته می شود.

ارزشها، آرمان های انتزاعی هستند، حال آنکه هنجارها، اصول و قواعد معناداری هستند که انتظار می رود مردم آنها را رعایت کنند. هنجارها نشان دهنده (بایدها) و (نبایدها) در زندگی اجتماعی هستند و آداب و رسوم و عرف و سنت را بوجود می آورند. در اجتماعی که دارای ساختار هنجارمند است، فرد از طریق اجتماعی شدن می آموزد که در موقعیت های گوناگون چه الگوهای رفتاری پذیرفتنی است و تفاوت میان الگوهای رفتاری

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

شایسته و الگوهای رفتاری ناشایست چیست. «نظارت اجتماعی در واقع به بسط فراگرد اجتماعی شدن اطلاق می شود. این نظارت به روش ها و وسایلی مرتبط است که در جامعه به کار بسته می شوند تا افراد را وا دارند که خودشان را با چشم های یک گروه یا جامعه خاص تطبیق دهند. به گفته گیدنز (فرهنگ) به شیوه زندگی اعضای یک جامعه معین - عادات و رسوم آنها، همراه با کالاهای مادی که تولید می کنند - مربوط می شود. (جامعه) به نظام روابط متقابلی اطلاق می گردد که افرادی را که دارای فرهنگ مشترکی هستند به همدیگر مربوط می سازد» (گیدنز، ۱۳۸۶، صص ۵۵-۵۶).

«ادموند بیکن» (۱۹۷۹) نحوه شکل گیری معماری شهری هماهنگ در نحوه رابطه معمارانی که در یک فضا اما در زمان های مختلف کار کرده اند را جستجو کرده و با عنوان کردن (نظریه شخص ثانی) می گوید که این دومین طراح است که با نحوه عمل خویش تعیین می کند که آیا اثر معماری نخستین ارزشمند است و یا آنکه آن را بی ارزش نشان می دهد. به عبارتی، با رویکرد خود به جامعه و پذیرش یا نفی فرهنگ گذشته تعیین می کند که آیا اثر و خلق هنری شخص نخست تداوم یافته و یا از بین برود (Bacon, ۱۹۷۹: ۱۰۹). این رویکردی است که طراحان دوران رنسانس با هدف خلق فضای شهری طراحی شده اتخاذ کرده و از جلوه گری معمارانه آثار خود به نفع هماهنگی در فضای عمومی چشم می پوشیدند. این کاملاً یک رویکرد فرهنگی خاص است که طراح، هماهنگی محیط را بر ایجاد معماری شهرت برانگیز برای خود ترجیح داده است. شاید همین بستر باشد که فرهنگ در تعامل با معماری، به شکلگیری سکونتگاه های بشری معطوف شده است. البته به قول اموس راپاپورت مدلها اساس

تمامی مجتمع های زیستی می باشند و اصولاً انسانها بر اساس مفاهیم و کیفیات محیط زیست و نه بر اساس کیفیات ذهنی آن به عکس العمل و تجربه می پردازند. بدین ترتیب با استفاده از این تغییر، می توان تغییرات فرهنگی مجتمع های زیستی را بررسی نمود و به مقایسه بخشهای بومی معماری پرداخت (موریس، ۱۳۸۴، فصل آخر: منشا فرهنگی مجتمع های زیستی، راپاپورت، ص ۴۳۷).

فرهنگ گرایی در معماری و شهرسازی

گرچه تعاریف متفاوتی از فرهنگ گرایی وجود دارد، در این جا به چند تعریف از صاحب نظران این رشته و به تحلیل این دیدگاهها پرداخته می شود. پارخ یکی از صاحب نظران چندفرهنگی، «فرهنگ گرایی» را ناظر بر هرگونه تفاوت و هویت نمی داند بلکه آن دسته از تفاوت ها و هویت ها را شامل می شود که ریشه در فرهنگ - به معنی مجموعه عقاید و اقداماتی که گروه ها و مردم خویش - فهمی، جهان فهمی و زندگی فردی و جمعی خود را با آن ها سازمان می دهند - دارد. این تنوع فرهنگی در یک نظام معنایی و مشترک و تاریخی ریشه دارد. بنابراین وی چندفرهنگ گرایی راهی به تنوع فرهنگی یا تفاوت های مبتنی بر فرهنگ و نه هر تفاوتی قلمداد کرده است. لذا وی تنوع فرهنگی در جوامع مدرن را بر پایه سه نوع تنوع تشریح کرده است:

۱- «تنوع نگرشی»: زمانی که برخی اعضای جامعه نسبت به اصول و ارزش های فرهنگ حاکم به شدت منتقد بوده و درصددند ارزش های دیگری را جایگزین آن نمایند؛ و

۲- «تنوع خرده فرهنگی»: که اعضای چنین فرهنگی ضمن اشتراک ارزشی و معنایی با فرهنگ

۱. «والرشتاین» در مقاله ای تحت عنوان «فرهنگ و میدان جنگ ایدئولوژیکی نظام جدید جهانی» که در سال ۱۹۹۹ منتشر کرد، فرهنگ را گسترده ترین مفهوم در علوم اجتماعی بیان کرد. از نظر وی لغت فرهنگ طیف وسیعی از معانی را شامل می شود و شاید بتوان گفت منبع خیلی از مشکلات هم می باشد. از نظر وی بر طبق دیدگاه انسان شناسان می توان گفت همه افراد دارای یک سری خصیصه ها و ویژگی های مشترک می باشند، برخی از افراد دارای خصیصه های مشترکی با برخی دیگر از افراد می باشند و همه افراد، یک سری خصیصه ها و ویژگی هایی را دارا می باشند که با خصیصه های هیچ کس یکسان نیست. می توان یک مدل را ارائه نمود که دارای سه وجه می باشد: «۱. ویژگی های عام که همه افراد واجد آن می باشند؛ ۲. مجموعه ای از ویژگی ها که باعث می شود شخص عضو یک گروه تعریف بشود (به خاطر داشتن یک سری ویژگی های مشترک با اعضای آن گروه)؛ ۳. ویژگی هایی که مختص خود فرد می باشد.»

مسلط در تلاشند تا در چهارچوب همان «فرهنگ فضایی»، فضایی برای سبک زندگی متفاوت یا ساختار خانوادگی نامتعارف ارائه کنند؛

۳- «تنوع انجمنی یا جامعه‌ای»: شامل گروه‌هایی در جوامع مدرن توأم با نوعی خودآگاهی و اجتماعات کم و بیش سازمان یافته است که بر طبق سیستم اعتقادی و عمل خاص خود زیست می‌کنند.^۱

علاوه بر اینها، راپاپورت در مقاله‌ای با عنوان «تاملاتی بیشتر بر فرهنگ و محیط»، ترجمه زهرا غزنویان چنین اشاره می‌کند: نقش فرهنگ در محیط‌های غیر مسکونی احتمالاً می‌تواند با تغییر مقیاس، تغییر کند؛ به عنوان مثال، ساختمان‌های اداری ممکن است نتوانند مشخصاً فرهنگی باشند، فضای داخلی، سازمان‌دهی محیط‌ها، عبارات سلسله‌مراتبی، عبارات موقعیتی و به همین ترتیب بقیه بخش‌ها ممکن است متفاوت از فرهنگ باشند. در ادامه مقوله فرهنگ و شکلگیری فضاهای شهری به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرد. در جستجوی «ماهیت شناخت شناسانه محیط مصنوع انسان» به معنای عام، دو دیدگاه «ذهنی و عینی»، «فلسفی و علمی» و یا «کیفی و کمی» قابل طرح هستند:

۱. دیدگاه اول؛ نگرشی کیفی است، در این نگرش اثر معمارانه یا شهرسازانه، از جنبه‌های زیباشناختی یا روان‌شناختی مثل زیبایی، مطلوبیت، عظمت، وحدت و یا از باب بعضی مفاهیم اعتقادی و یا متافیزیکی مورد مطالعه قرار می‌گیرد (شیخ زین الدین، ۱۳۷۶)؛

۲. دیدگاه دوم، نگرشی کمی است که بیشتر چشم به جنبه‌های ملموس و کاربردی اثر دارد. مواد و مصالح، خصوصیات عملکردی، فن‌آوری، اندازه‌ها و تناسبات

و موضوعات این برخورد به شمار می‌روند. بر همین اساس شهر مقوله‌ای علمی می‌گردد چون ابعاد عینی و کاربردی آن در همه زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، و فضایی با ضوابط و معیارهای علمی قابل سنجش و ارزش‌گذاری است و به این اعتبار، لازم است به شهر و اجزای فضایی آن مانند یک مقوله علمی نگریسته شود.

«گلکار» (۱۳۸۰، ص ۳۸-۶۵) معتقد است که «کیفیت طراحی شهری» را می‌توان به عنوان برآیند سه نیرو (مولفه) «کیفیت عملکردی، کیفیت تجربی-زیباشناختی، و کیفیت زیست‌محیطی» شهرها در نظر گرفت:

۱. «کیفیت عملکردی» از یک سو دربرگیرنده تامین حرکت و دسترسی سهل و آسان پیاده‌ها و سواره‌ها به مراکز جاذب شهری است و از سوی دیگر، دربرگیرنده عملکردهای دیگری همچون تفریح غیرفعال، تماشای مردم و مراسم گوناگون نیز بوده تا ضامن سرزندگی و غنای تجربه فضایی شهر گردند؛

۲. «کیفیت تجربی-زیباشناختی» به دریافت‌های ادراکی، شناختی و ترجیحات محیطی افراد در قبال فضاهای شهری سروکار دارد؛ و درنهایت،

۳. «کیفیت زیست‌محیطی» در بعد خرد آن فضاهای شهری است و در بعد کلان دغدغه پایداری زیست‌محیطی شهری را دارد.

هویت و برنامه‌ریزی فضایی

روندی برای بهره‌ورسازی و آرایش منطقی، حفظ تعادل، توازن و هماهنگی بین جمعیت و تأسیسات اقتصادی و اجتماعی ایجاد شده توسط آن در فضای کشور و جلوگیری از بروز عدم تعادل و بازتابهای

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۳۶۹

۱. به نظر برخی فرهنگ‌گرایی با تمرکز بر مقوله فرهنگ، هم به شیوه‌های روابط متقابل و تعامل فراملی بین فرهنگ‌های دو یا چند کشور و هم به طور خاص به هویت‌های چندگانه و متکثر در درون مرزهای یک ملت واحد دلالت دارد؛ لذا با ابتدای تعریف خود بر رابطه حوزه عمومی و خصوصی معتقدند که چندفرهنگ‌گرایی در جامعه‌ای متضمن برابری فرصت ایجاد می‌شود؛ جامعه‌ای که در حوزه عمومی بسیط و یکپارچه، اما در موضوعات و مسائل خصوصی و جامعه‌ای متنوع می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت در مجموع فرهنگ‌گرایی مبارزه برای به رسمیت شناختن شدن و مسئله تنوع و تکثر فرهنگی-هوبتی و نسبت آن با هویت جامعه-ای و حقوق اقلیتها و سیاستگذاری عمومی است. اما مسئله مهم دیگر در خصوص فرهنگ‌گرایی منشا و منبع آن است. برخی معتقدند که سه عامل در پیدایی چندفرهنگ‌گرایی دخیل بوده است: مهاجرت بین‌المللی بعد از جنگ جهانی دوم به کشورهای غربی و در پی آن تغییر ترکیب انسانی این جوامع، فرایند جهانی شدن و اهمیت یابی عنصر فرهنگ از دهه ۷۰ به بعد و رواج مکاتب نوین فکری همانند جامعه‌گرایی و رهیافت‌های متعدد آن به شمار می‌روند.

۱. **اول:** ارزشهای هیجانی: الف- حیرت انگیز؛ ب- هویتی؛ پ- پیوستگی؛ ت- معنوی و نمادین.
۲. **دوم:** ارزشهای فرهنگی و تربیتی: الف- اسنادی؛ ب- تاریخی؛ پ- باستان شناسی؛ ت- قدمت؛ ث- کمیابی؛ ج- زیبایی شناختی و نمادی، چ- معماری، ه- فضای شهری- بوم شناختی- منظر، خ- علمی و تکنولوژی؛
۳. **سوم:** ارزشهای کاربردی: الف- کارکردی، ب- اقتصادی، ج- اجتماعی، چ- آموزشی، ه- قومی و سیاسی (Feilden, ۲۰۰۳، ص ۶).

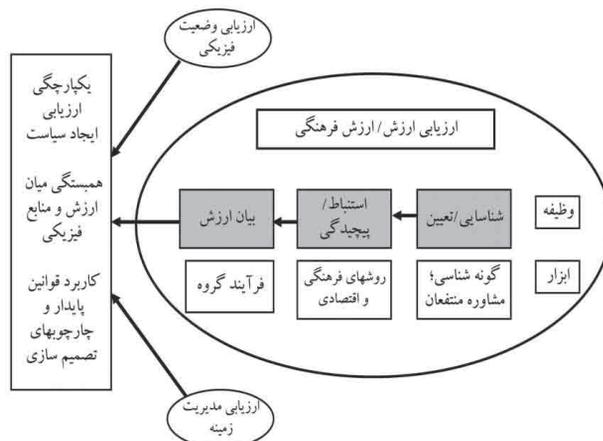
هویت و مکاتب مداخله در بافتهای تاریخی

۱- «مکتب کارکردگرایی»: این مکتب در صفت خاص نظام پذیری گروه‌ها، نهادها و سازمانهای بزرگتر اجتماعی به عمق می‌رود، در همان حال به سازمان داخلی، مشخصات ساختی و مناسبات مشترک آنها می‌پردازد (شکویی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۹).

۲- «مکتب خردگرایی»: آلدورسی از معماران ایتالیایی و از پیروان این مکتب، معماری بناهای تاریخی را در برگیرنده خاطرات، افکار و آثار و نسل متعدد در گذشته می‌داند و نقش آن را در خلق هویت، اساسی می‌داند (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱، ص ۴۶).

۳- «مکتب فرهنگ‌گرایی»: نظریه پردازان این مکتب، از جمله کامیلوسیت، لودوک، جان راسکین طی سالهای (۱۹۴۰-۱۸۱۸) توجه به میراث فرهنگی و جلوگیری از نابودی تاریخ گذشته را بسیار با اهمیت

تخریبی و منفی در فضای سرزمین میباشد (اشکوری، ۱۳۷۶، ص ۴۷). پاتریک گدس می‌گوید که «شناخت شهر درگرو شناخت عوامل جغرافیایی و تاریخی است، در واقع قبل از هرگونه اقدامی در شهر باید روح شهر را شناخت» (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۶، ص ۴۲). آثار تاریخی و فرهنگی بعنوان ظاهر و تجسم فیزیکی فرهنگ هر جامعه دارای ارزش های ذاتی و آرمانی است که با استحصال و حفاظت از آنها، پویایی و شفافیت عناصر فرهنگی اجتماع های دارای این ارزش ها را بدنبال خواهد داشت. ضرورت بررسی ارزشهای میراث فرهنگی از این باب نیست که نیازمند اثبات آن هستیم. تقریباً هر کتاب مربوط به این زمینه با جملات مشابه ارزشهای میراث فرهنگی را مفروض قلمداد کرده اند. آنچه نیاز به بررسی دارد ابهاماتی است که در نحوه ارزیابی این ارزشها وجود دارد. ما از بین باقیمانده از گذشته معمولاً به آن چیزهایی توجه می‌کنیم که با ارزش (significant) تلقی گردیده اند. برای تعیین آنکه چه چیز با ارزش است باید به ارزشها مراجعه کنیم. این ارزشها باید تحلیل و سپس هماهنگ گردد تا با ارزش بودن اثر تاریخی تعیین گردد» (حجت، ۱۳۸۰، ص ۹۴)، ارزشهای موجود در آثار تاریخی زمانی را می‌توان در قالب واژه‌های مشخص و معین این ارزشها دسته‌بندی کرد. ارزشهای موجود در بناهای تاریخی در قالب سه دسته کلی تقسیم بندی می‌شود:



نمودار ۲. ارزیابی ارزشهای فرهنگی در مداخله در بافتهای تاریخی؛

ماخذ: Randall Mason, ۲۰۰۲ و بنقل از احدنژاد، ۱۳۹۱.

و ضروری می دانند. همچنین توجه به فرهنگ ملی و سنتهای قدیمی در توسعه شهری و بهسازی و مرمت، تکمیل بناها به سبک گذشته و کاربری موزه ای و مرمت و بافت بناهای شهری موجب پابرجا و زنده ماندن تمدن شهری می دانند. همچنین این مکتب معتقد است که مفهوم فرهنگی شهر بر مفهوم مادی آن تقدم دارد و شهر فقط از سازمانهای اجتماعی - فرهنگی زنده می شود. برگشت به گذشته و توجه به زیباشناسی نیز از مشخصات دیگر این مکتب است (زیاری، ۱۳۸۴، ص ۱۴).

تکنولوژی و معماری

تکنولوژی اساساً مجموعه ابزاری است که گسترش اختیارات انسان را فراهم ساخته و بشر همیشه به تکنولوژی وابسته بوده است. تکنولوژی یعنی توانایی ابزارسازی و اکنون مبنایی برای تولید ثروت بیشتر از طریق افزایش بهره‌وری است. «برنارد گندرن» می‌نویسد:

«تکنولوژی به هر دانش عملی نظام یافته‌ای اطلاق می‌شود که بر تجربه و یا نظریه عملی مبتنی باشد و توان جامعه را در تولید کالاها و خدمات افزایش دهد و در قالب مهارتهای تولید و سازمان‌ها یا ماشین‌آلات تجسم یابد» (شاهرودی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۵).

کم‌کم پیشرفت‌های تکنولوژیکی ابداع روشهای جدید یا پیدایش مصالح جدید با مقاومت بالا امکاناتی فراهم کرد تا ساختمان‌ها از قید و بند بکارگیری مصالح‌ها شوند. پس معماری از اصل خود، یعنی تکنولوژی زاده شد؛ بطور مثال میس وندروهه کسی بود که با قدرت تمام بدعت را آغاز کرد. با وجود اینکه در آن زمان تکنولوژی به اندازه امروز پیشرفته نبود، اما او با عریان ساختن تیر و ستونها، استفاده از خرپاهای نمایان روی بام، قابهای فضایی نمایان، دهانه‌های وسیع و استفاده از شیشه به ابعاد بی سابقه، فضاهای گشوده و پیوسته و شفاف‌ی پدید آورد. این معماری مدرن بعد از جنگ جهانی دوم با اعتقادی که به تکنولوژی و فنون جدید داشت، مسیری برای رسیدن به سبک‌های تک‌باز کرد. سبک «های‌تک»، تکنولوژی را مهمترین دستاورد

مدرنیته و آن را عامل توسعه و پیشرفت و مشخصه اصلی قرن بیستم می‌داند. معماران «های‌تک»، با خوشبینی به علم، تکنولوژی را در ساختمان به نمایش گذاشتند؛ مثل نمایش فرآیند اجرا و ساخت بنا، نمایش اجزای سازه‌ای و تأسیساتی و بهره‌گیری از سازه به عنوان نیرویی زیبایی-بخش در ساختمان. عصر سلطه صنعت در معماری مدرن تبدیل به فراصنعت در دوره پست مدرن شد و اهمیت دادن به تکنولوژی تداوم یافت (وفامهر و مجیدی، ۱۳۸۶، ص ۱۴).

هنگامی که از تکنولوژی مدرن و ورود آن به عرصه معماری سخن گفته می‌شود، چیزی که بیشتر از همه به ذهن بسیاری خطور می‌کند، کامپیوتر و تأثیر آن بر معماری دنیاست. در هنر و مخصوصاً هنر معماری که باید از ذهنیت به عینیت برسد، هنرمند یا طراح باید بتواند بوسیله ابزاری قدرتمند و توانا آنچه در ذهن دارد، برای سایرین قابل درک کند. از قرن‌ها و سالهای گذشته، معماران از ابزارها و روش‌های متعددی به منظور انتقال ایده‌های خود استفاده می‌کردند؛ مثل طراحی با قلم (اسکیس)، نقشه‌های دو بعدی، تصاویر سه بعدی (پرسپکتیو) و مدل‌های سه بعدی (ماکت). در این روش‌ها، امکان دستیابی به دیدهای سه بعدی از تمام زوایای فضاهای معماری نبود؛ اما در سال‌های اخیر و با روی کار آمدن تکنولوژی گرافیک کامپیوتری، تغییرات شگرفی در این زمینه پدید آمده که نتایج مثبت آن، باعث شده که با سرعت فراوانی همه‌گیر شود. با این سیستم، معمار این توانمندی را یافته که بدون ترسیم تصاویر فراوان دستی برای نمایش گوشه‌ای از فضای خود، با تصاویر سه بعدی ثابت و متحرک (انیمیشن) کامپیوتری، به راحتی به تمام زوایای کارش دست یابد. میتوان به تعدادی از محاسن بکارگیری از کامپیوتر در فرآیند طراحی اشاره کرد:

۱. طراحی، کنترل و ویرایش طرح توسط طراح با صرف کمترین زمان و بیشترین امکانات در مقایسه با سیستمهای قدیمی تجسم بصری؛
۲. امکان انتقال دقیق ایده و کلیه موارد فنی مربوط به آن؛

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۳. امکان ایجاد پایگاه اطلاعاتی سه بعدی که تا آخرین مراحل اجرا قابل استفاده خواهد بود؛

۴. معرفی دقیق گرافیکی طرح جهت ارائه در مکانهای مختلف؛

۵. سرعت و دقت در محاسبات و گزارش گیری در مورد طرح.

استفاده از این سیستم نه تنها روشهای متنوع و آسانی را برای ارائه طرح های معماری پدید آورده و می آورد، بلکه نرم افزارهای متعدد به معمار و طراح کمک های شایانی در جهت محاسبات و طراحی های اولیه هم می نمایند، بطوری که بسیاری از طرح های مدرن امروزی بدون کمک محاسبات کامپیوتری محقق نمی شدند؛ بطور مثال، کامپیوتر برای فرانک گهیری در گوگنهایم بیلباتو یا سانتیاگو کالاتراوا در بسیاری از طرح های آن نه تنها ابزاری مطمئن، بلکه سرنوشت ساز بوده است (وفامهر و مجیدی، ۱۳۸۶، ص ۱۶).

سنجش میزان کاربست تکنولوژی در معماری

تکنولوژی می تواند منشأ خیر یا شر باشد که این تا حد زیادی به شیوه مدیریت آن بستگی دارد. برای مدیریت درست تکنولوژی باید با دید همه جانبه ای به آن نگریست و همه پیامدهای آن را در نظر گرفت. هرچه دانش انسان درباره بکارگیری و توسعه یک نوع از تکنولوژی بیشتر باشد و تمام تأثیرات آن بر جامعه و محیط در نظر گرفته شود، غافلگیری و اشتباه کمتری رخ خواهد داد. استفاده آگاهانه از تکنولوژی، انسان را از پرداخت جرائم سنگینی مثل تخریب محیط زیست، تهدید سلامتی بشر، نابودی مهارت ها، بیکاری و حال و هوای غیرانسانی حفظ می کند. در بررسی تأثیرات تکنولوژی، هم تأثیرات آنی و آشکار باید مدنظر قرار گیرند و هم تأثیرات غیرآنی و غیرآشکار آن باید توجه انسان را جلب کنند.

«سولاندت» رئیس شورای علم کانادا در نشریه (science Solandt) سال ۱۹۶۹ میلادی می نویسد: جامعه باید به گونه ای سازماندهی شود که بخشی از تواناترین و شایسته ترین دانشمندان آن همواره به کار پیش بینی تأثیرات درازمدت تکنولوژی جدید بپردازد.

ارزشیابی به معنای اعمال نوعی معیار است که معیار به هدف ارزشیابی بستگی دارد. در واقع ارزیابی، تلاش نظام مند برای پیش بینی پیامدهای یک تکنولوژی خاص در تمامی حوزه هایی که احتمالاً با آن تکنولوژی تعامل دارند، است.

امروز هر جا سخن از تکنولوژی به میان می آید، انواع ماشینها، کامپیوترها، ساختمانهای بزرگ، وسایل ارتباط جمعی و دیگر ابزار و آلات موجود در صنایع و نقش موثر آنها در اقتصاد و فرهنگ جامعه، در ذهن انسان تصویر می شود، طبیعی است که این وسایل همان دستاوردهای تکنولوژی است که پاسخگوی نیازهای اساسی برای انسان معاصر می باشند، اما چنانچه به مسیر تکنولوژی بنگریم کم و بیش به منشاء برخی پدیده ها پی می بریم، به اینکه هر پدیده صنعتی و یا ساختمانی از کدام الگوی زنده طبیعت الهام گرفته است، شاید در آن صورت تکنولوژی جلوتر از زمان گام بردارد، بنابر این لازم است ارتباطی با اصول منطقی و علمی بین سیستمهای ماشینی و سیستمهای زنده پدیدار شود. پس می توان گفت تکنولوژی زنده است و



نمودار ۳. چرخه طراحی روزنبرگ و ایکلز؛ ماخذ: مظفر و خاک زند، ۱۳۸۷، ص ۵۴. توضیح تصویر: بر اساس نمودار استفاده از تکنولوژی در معماری در مرحله طراحی و اجرا را توامان دربرمی گیرد که در چرخه فوق موردنظر بوده است.

همیشه و در همه حال پویاست.

خواهد شد.

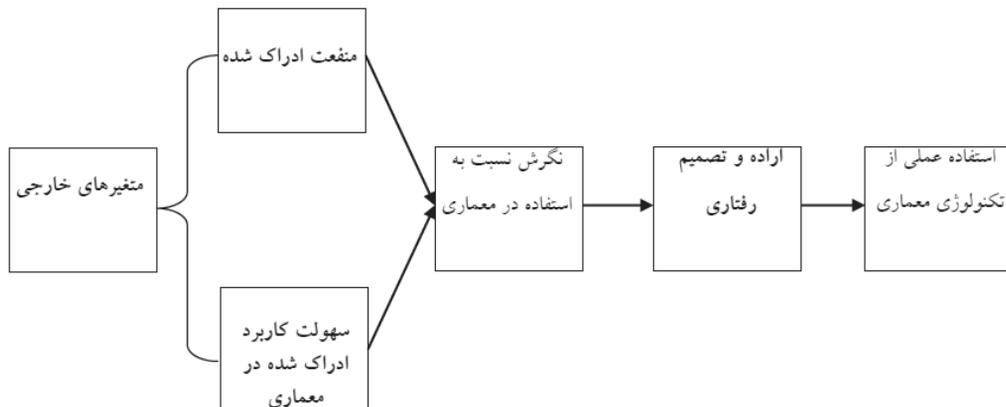
معماری خود زاینده تکنولوژی می باشد به این معنی که با علم و تکنولوژی گره خورده و در ارتباط مستقیم با آن می باشد، تکنولوژی ما در معماری است، معماری همیشه با تکنولوژی روز همراه بوده است و به نظر می رسد که شاید در بعضی موارد این جامعه است که از تکنولوژی روز عقب می افتد، بنابراین نمی توان گفت که تکنولوژی چیزی جدا از معماری است، و در طول تاریخ ظهور معماری که خود نوعی از تکنولوژی می باشد قابل مشاهده است هیچگاه نمی توانیم بکارگیری، فن آوری و تکنولوژی روز جامعه آن زمان را در آثار معماری گذشته و یا حال نادیده بگیریم. در واژه Architecture به معنی معماری که اکنون در زبان های اروپایی یا بیشتر آنها رایج است، تخ یا تک (tech) اصل یونانی دارد و در واژه technology نیز موجود است و این خود مؤید این معنی است. در زبان فارسی نیز معادل کلمه تکنولوژی کلمه فن آوری و علم به صنایع و حرفه ها آورده شده است، بنابراین آیا می توان تاثیر چیزی به نام تکنولوژی را بر روی خود آن چیز بررسی کرد؟ اگر در خصوص تاثیر تکنولوژی بر معماری سخن به میان آید باید گفت که اگر معماری و تکنولوژی با یکدیگر همگام و همقدم باشند این تاثیر نامحسوس می باشد، ولیکن اگر معماری از تکنولوژی عقب بیفتد و همگام و هم قدم نباشد خوب مسلماً در زمان همگام کردن این دو با یکدیگر این تاثیر کاملاً محسوس می باشد و باعث دگرگونی هایی در معماری

در این راستا، یکی از مدل هایی که جهت پیش بینی استفاده از تکنولوژی های نوین مطرح شد، «مدل پذیرش تکنولوژی دیویس» می باشد. مدل پذیرش تکنولوژی به عنوان جریان پیوسته علی از توالی باورها، نگرشها و رفتارها تئوریزه شده است بدین معنا که استفاده واقعی از یک تکنولوژی تحت تاثیر تصمیم و اراده رفتاری بوده که در این اراده نگرش و دیدگاه کاربر نقش مؤثری دارد. در این بین دو عامل منفعت ادراک شده و سهولت کاربرد تکنولوژی پایه گذار نگرش فرد خواهد بود. نمودار ۱ نمای کلی مدل پذیرش تکنولوژی را نشان می دهد. (Chen & et.al, 2002, and Un Jan & Contreras, 2011, p. 848) این مدل چرایی پذیرش یا رد تکنولوژی اطلاعات را توسط کاربران بیان کرده و به توضیح و پیش بینی رفتارهای افراد در موقعیت های خاص می پردازد. (Legris & et.al, 2003, p. 192) یک هدف کلیدی مدل پذیرش تکنولوژی آن است که مبنایی را برای سنجش و ارزیابی پیامد متغیرهای خارجی بر مقاصد، نگرش ها و عقاید درونی فراهم آورد. این مدل نشان می دهد که سهولت استفاده ادراک شده و منفعت ادراک شده دو عامل بسیار مهم در استفاده از یک سیستم می باشد (Legris & et.al, 2003, p. 192, and Hernandez & et.al, 2008, p. 114). منفعت ادراک شده اشاره به باور یک فرد دارد که به چه میزان استفاده از یک سیستم خاص عملکرد کاریش را توسعه می بخشد. همچنین سهولت

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۳۷۳



نمودار ۴. مدل پذیرش تکنولوژی دیویس، ترسیم نگارنده.

کاربرد ادراک شده عبارتست از میزان باور فرد از اینکه استفاده از یک سیستم خاص تلاش چندانی را به دنبال ندارد (Hernandez & et al, ۲۰۰۸, p. ۱۱۴).

برای نیل به چنین هدفی، ارنست براون در کتاب ارزیابی و پیش بینی تکنولوژی خود، گام های زیر را پیشنهاد می دهد:

۱. گام اول: نخستین چیزی که پیش از شروع ارزیابی تکنولوژی باید مشخص شود، موضوع مورد نظر است. این موضوع معمولاً یک تکنولوژی است، ولی می تواند یک مسأله اجتماعی قابل حل توسط تکنولوژی هم باشد. موضوع مهم دیگر، قلمرو ارزیابی است. تعیین قلمرو صحیح، نخستین بخش ارزیابی صحیح است.

۲. گام دوم: تشریح تکنولوژی مورد نظر یا تکنولوژی های مرتبط با حل مسأله اجتماعی مورد بحث است. علاوه بر این، تکنولوژی های جایگزین، مکمل و رقیب هم باید بررسی شوند و درباره مسیرهای توسعه احتمالی همه آنها نیز اندیشیده شود.

۳. گام سوم: باید روی این سؤال محوری تمرکز کرد که از تکنولوژی مورد نظر باید چه منافعی را انتظار داشته باشیم؟ چه نیازهایی را برآورده می سازد و چرا از تکنولوژی های موجود یا رقیب بهتر است؟

۴. گام چهارم: توسعه یا بکارگیری تکنولوژی موردنظر، ممکن است چه خطرات یا پیامدهای نامطلوبی را به دنبال داشته باشد؟ خوب یا بد بودن پیامدهای تکنولوژی مثل مزایای آن بسیار بحث انگیز است. باید به تمام پیامدهای جانبی تکنولوژی که ممکن است مخرب محیط طبیعی، خطرناک برای سلامتی بشر یا مضر به حال جامعه باشند، و همچنین تأثیراتی که ممکن است زنجیرهای از رویدادهای غیرقابل پیش بینی و پرمخاطره را فعال سازند، توجه کافی مبذول داشت.

۵. گام پنجم: گام پایانی برای ارزیابی، شامل تحلیل گزینه های سیاسی است. اگر توسعه و اشاعه

تکنولوژی به اقدامات حمایتی نیاز داشته باشد، تحلیل باید نشان دهد که ضرورت این اقدامات چیست و چه اقداماتی قابل انجام است. تحلیل اقداماتی که می تواند برای کنترل خطرات و پیامدهای نامطلوب تکنولوژی انجام داد، و همچنین تحلیل کارایی و اثربخشی این اقدامات باید بخش لاینفک ارزیابی تکنولوژی باشد (براون، ۱۳۸۲، صص ۴۴-۵۵).

به طور کلی تفکرات و زیربنای فکری معماری معاصر ایران که همزمان با ورود تکنولوژی جدید و پیش افتاده از معماری زمان خود می باشد، عبارتند از:

۱. «تحلیل جامعه شناختی»: تاریخ پیدایش اواخر دوره قاجار و انتقال سریع تفکرات و ایده هایی بر اساس تکنولوژی روز که از خصایص جامعه مدرن است. چرا که جامعه مدرن بر مبنای تکنولوژی و سرعت انتقال اطلاعات پایه گذاری شده و این تبادل اطلاعات در نهایت موجب تعادل فرهنگ و الگوی معماری می شود.

۲. «تحلیل شناخت شناختی»: خاستگاه های معماری مدرن ایران انتقال فرهنگ فریبنده غرب به جامعه درون گرای ایرانی بود. در این راستا با توجه به ورود تکنولوژیهای جدید و پیش افتاده حصار شهرها، تخریب شد و بافت های اورگانیک آنها به اشکال هندسی تحول یافت. در این دوره فرمول های غربی با امکانات و تکنولوژی وارداتی و بعضاً ایرانی ساخته و اجرا می شد و در این مرحله معماری به عنوان ابزار فرهنگی عمل می کرد. در عین حال دومین خواستگاه این دوره، بهره گیری اقتصادی در معماری است.

۳. «تحلیل اقتصاد شناختی»: شاید بتوان دوران میانه معماری مدرن ایران را نخستین زمانی دانست که معماری به عنوان کالای اقتصادی معرفی می شود. چرا که با تکیه بر اصول معماری مدرن یعنی حذف تزئینات، معماری نه یک ابزار برای انعکاس فرهنگ، بلکه کالایی اقتصادی شد و این دستاورد چنان نمودار شد که معماری مدرن ایران به سبکی اقتصادی با نام بساز و بفروش تغییر رویه داد.

می توان گفت مسئله اصلی در تاثیرگذاری تکنولوژی

جدول ۱. تحلیل تاثیر تکنولوژی بر هویت معماری شهری و شهر در دوران مدرن و پسامدرن؛ ماخذ: نگارنده.

۱	روش پست رفت	استفاده از تکنولوژی وارداتی در ترکیب با اقلیم و تکنولوژی سنتی، «روش‌های مختلف اجرا» را در ایران رقم زد که با تعمیرات محدودی در حال حاضر نیز استفاده می‌شود.
۲	مقیاس عمل	حرکت معماری از اروپا به تهران و از تهران به مراکز استان‌ها و شهرهای اصلی بوده است.
۳	نتیجه عمل	انفصال معماری سنتی ایران و حرکت از «شیوه اصفهانی به شیوه تهرانی» و همه گیر شدن، که باعث ترویج معماری مدرن ایرانی به صورت قالب و کلیشه در تمام نقاط کشور شد.

بر معماری مسئله زمان است (همان پیش افتادگی و عقب ماندگی از تکنولوژی)؛ زیرا تکنولوژی همیشه با معماری همراه بوده و هست و اساساً معماری خود نوعی از تکنولوژی می‌باشد. پس باید این نکته را در نظر گرفت که زمان با تکنولوژی است و عنصر جدایی ناپذیر از آن؛ ولی چگونه می‌توان نقش زمان را در این تاثیر گذاری توجیه کرد آیا زمان مکمل تاثیر تکنولوژی بر معماری است یا زمان به خودی خود می‌تواند تاثیر گذار باشد. این سوال را اینگونه می‌توان پاسخ داد که وقتی نوعی از تکنولوژی وارد جامعه‌ای می‌شود، برخورد با آن چگونه خواهد بود یا چگونه باید باشد؟ به نظر می‌رسد که مهم‌ترین عامل، سرشت جامعه‌ای است که تکنولوژی به آن وارد می‌شود. با یک تکنولوژی واحد می‌توان به مسیرهای مختلفی قدم گذاشت. در واقع باید گفت که خود تکنولوژی بلکه نظم اجتماعی و سیاسی پیرامون تکنولوژی است که مسیر زندگی ما را تصمیم‌گیری‌های دشوار مربوط به آن تعیین می‌کند.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

با تعمیم دادن نوع نگاه به تکنولوژی و معنویت، این دو را جنبه‌هایی از وجود آدم و به عنوان جنبه ظاهری (تکنولوژی) و جنبه باطنی (معنویت) در نظر گرفته شود. همانگونه که انسان در زندگی سعی دارد از هر دو جنبه وجود خود استفاده کند تا راه کمال را بییابد، می‌توان با همراه کردن تکنولوژی و معنویت با هم جهان را به سوی کمال پیش برد؛ به نحوی که آسایش و آرامش

برای همگان در سایه همراهی تکنولوژی و معنویت پدید آید. پذیرش یا عدم پذیرش هر نوعی از تکنولوژی باید به صورت قضاوت‌های جمعی متکی به نظام ارزشی هر جامعه باشد. توسعه سالم و پایدار هر جامعه به نظام ارزشی آن وابسته است و هیچ عامل دیگری نباید نقش تعیین کننده داشته باشد. هر تکنولوژی که وارد یک جامعه می‌شود باید از صافی سلیقه‌های فرهنگی و نظام‌های ارزشی آن ضرورت حفظ حاکمیت تمام عیار جامعه بگذرد. تکنو امپراطور در گرو نفی تمامی ارزش‌ها و مبانی عقیدتی است و پایبندی به ارزش‌های معنوی و اعتقاد به قدرتی ماورای جهان مادی، نوعی مصونیت را در انسان‌ها پدیدار می‌سازد که از انقیاد کامل و اسارت مطلق در برابر ایجابات و توقعات تکنوامپراطور ممانعت به عمل می‌آورد. واقع طیف کاملی از قلمرو حیات انسان وجود دارد که تکنولوژی هرگز نمیتواند آن را مطیع خود کند. به این بعد از حیات انسان‌ها معنویت گفته می‌شود. معنویت بدلیل آن که یک حس تعالی به مردم می‌دهد و وسیله‌ای است برای غلبه بر تنگناهای وجودی، هنوز هم مسأله مهمی است. با وجود تغییرات گسترده تکنولوژیک در سال‌های اخیر و حتی انقلاب‌ها و طغیان‌های بزرگ اجتماعی، فروپاشی و ریشه‌کنی نظام‌های بزرگ سیاسی و اقتصادی در جهان، دین‌های بزرگ هنوز به حیات خود ادامه می‌دهند و پا برجا مانده‌اند. مردم در همه اعصار به شکلی از دین یا ایمان نیاز دارند چون

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

جدول ۲. اصول و پیشنهادات هویت بخشی به معماری شهرها با تاکید بر تکنولوژی نوین؛ ماخذ: نگارنده.

طراحی شهر و معماری شهری	<p>(*) استخوان بندی اصلی شهر می بایست فضاهای اصلی عمومی و مدنی شهر را به یکدیگر متصل کرده و محملی برای ایجاد پویایی و سرزندگی در فضای شهر ایجاد نماید تا از این طریق به ایجاد خاطرات جمعی کمک کند.</p> <p>(*) ایجاد ساختار و استخوان بندی اصلی شهر شامل فضاهای باز پیاده دار که می تواند برای اجرای مراسم مذهبی و انجام فعالیت های اجتماعی - فرهنگی شهروندان مورد استفاده قرار گیرد. این ساختار اصلی می تواند با محوریت اماکنی چون مسجد، مصلی، فضاهای باز چند منظوره و فضاهای سبز شکل گیرد. (*) مکان یابی و جانمایی مراکز خدمات عمومی شهری می بایست تا حد امکان بر استخوان بندی اصلی شهر منطبق باشد. ساختار کلی شهر می باید با استخوان بندی اصلی محلات در ارتباط بوده و ساختاری یکپارچه را در شهر ایجاد نماید که معرف شهر و معانی شهری باشد. ایجاد استخوان بندی سبز و طبیعی (کریدور سبز) تاثیر زیادی بر سرزندگی و ایجاد معنا در شهر دارد. (*) استخوان بندی اصلی شهر می بایست تا حد امکان بر ساختار اصلی سبز و طبیعی شهر منطبق بوده یا با آن تلاقی داشته باشد. (*) رعایت مقیاس انسانی و ملاحظات اقلیمی در کنار ایجاد قطب های جذب شهروندان برای حضور در فضاهای شهری به ویژه در استخوان بندی اصلی شهر، باید به عنوان کلیدهای حضور شهروندان در فضای باز مورد توجه قرار گیرد.</p> <p>(*) فضاهای باز عمومی و مدنی شهری نقش موثری در ایجاد خاطرات جمعی به عنوان شکل دهنده هویت شهری بازی می کنند. ایجاد شبکه ای به هم پیوسته، با کیفیت و پیاده مدار از این فضاها می تواند نقش موثری در ایجاد خاطرات جمعی داشته باشد. (*) توصیه می شود از هندسه های سیال و موج یا انحناهای مناسب در طراحی خیابان ها و مسیرهای عبوری بهره برداری شود تا هم منظر شهری از نماهای متنوع و دلپذیر برخوردار گردد و هم از سرعت ماشین در فضاهای شهری کاسته گردد. رعایت حداقل تقاطع پیاده و سواره از ضروریات بدیهی است.</p>
محلله و باهمستانهای شهری	<p>(*) خدمات اصلی محلله نظیر خرده فروشی ها، مدرسه ابتدایی، ورزشگاه و پارک های محلله باید به این استخوان بندی اصلی متصل بوده و به تقویت آن کمک کنند. (*) ایجاد استخوان بندی اصلی محلله در ارتباط با استخوان بندی اصلی شهر همراه با فضاهایی پیاده مدار برای شکل دادن به بستری جهت اجتماعات و مراسم مذهبی، فرهنگی و اجتماعی در سطح محلات در دستور کار قرار گیرد. این استخوان بندی باید فضاهای باز با محوریت مسجد و تکیه به عنوان فضاهایی چند منظوره و شکل دهنده به خاطرات جمعی در سطح محلله را شامل شود. (*) در مقیاس محلله، ایجاد تنوع از اهمیت خاصی در شکل گیری هویت برخوردار است، تنوع در نوع مسکن (ویلائی، آپارتمانی و غیره) و اندازه مسکن، تنوع اقصای اجتماعی - اقتصادی و تنوع در الگوهای ساخت، شکل گیری محیطی یکنواخت می تواند تاثیر مخربی بر سرزندگی و پویایی به عنوان یکی از محرک های ایجاد هویت محلله داشته باشد. (*) هندسه فضاهای عبوری در مقیاس محلله نیز باید سیال و متنوع بوده و از طراحی هندسه های خطی و مستقیم پرهیز شود تا ضمن دلپذیر بودن و تنوع فضاهای باز از نظر شکل و مقیاس نیز دارای تشخیص و هویت خاص باشند. (*) ارائه پیشنهادات خاص در مورد هر یک از محلات و ضوابط طراحی شهری برای آنها برای ایجاد مشخصه های خاص در سیمای محلله می تواند به عنوان عاملی در ایجاد تمایز در محلات مورد نظر قرار گیرد. این ضوابط خاص می تواند در مورد عناصر مختلف بناها و فضاهای محلله ای داده شود.</p> <p>هر یک از محلات می بایست دارای هویت خاص خود بوده و بتوان سازمان فضایی آن را از دیگر محلات تشخیص داد. (*) فضاهای عمومی محلله ها به عنوان بازاری جهت ایجاد هویت و تمایز محلله قابل استفاده هستند. بهتر است این فضاهای باز محلله ای بتواند محیط مناسبی را برای حضور افراد از سنین و طبقات مختلف حاضر در محلله فراهم آورد.</p>
فضای شهری	<p>(*) استفاده از مصادیق هنرهای عمومی در فضا باز شهری می تواند تاثیر زیادی بر شکل دادن به هویت شهری داشته باشد. این نمادها می بایست با مشارکت مردم ایجاد شوند؛ به عنوان مثال از طریق برگزاری مسابقات هنری و انتخابات اثر برتر توسط مردم. (*) آنچه در مورد دو مقیاس پیش آمد، تاثیر خود را بر شکل گیری بستر مناسب تقویت هویت شهر و مکان می گذارد، اما در مقیاس خرد و فضاهای شهری، به جای اقدامات کالبدی باید به ایجاد بسترهای اجتماعی فرهنگی برای مشارکت مردم در ساخت مکان (مکان سازی) توجه کرد. (*) مشارکت به خودی خود باعث تقویت هویت مان می شود و از آنجا که انسان ها سعی می کنند فضاها را براساس اعتقادات و باورهایشان شکل دهند بستری برای شکل گیری هویت ایرانی - اسلامی در فضای شهری ایجاد می شود. (*) شکل دادن به فعالیت های اجتماعی - فرهنگی در فضاهای باز شهری تاثیر زیادی بر ایجاد خاطرات جمعی و هویت دادن به مکان بازی می کند.</p>

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۳۷۶

(*) خانه‌ها باید از ایجاد هر نوع مزاحمت همجواری نسبت به یکدیگر نظیر: اشرف دیداری، صوتی، پویایی و جلوگیری از نور آفتاب و باد نامطلوب، منظر نامناسب و... به دور باشد. (*) خانه‌ها، تجلی شخصیت صاحبخانه‌ها هستند. بنابراین باید از هر نوع خودنمایی، تفاخر و تکبر به دور بوده و متین و موقر و در مجموع هم‌آهنگ و هم‌نوا با سایر ساختمان‌های مسکونی باشند. (*) ورودی خانه‌ها باید نسبت به کل ساختمان، شاخص و نمایان بوده و پیش‌ورودی مناسبی نسبت به مسیرهای ورودی داشته و از فضای مناسبی برای انتظار برخوردار باشد.

(*) امنیت و آرامش و استقلال خانواده‌ها در ساختمان‌های مشاع از مهمترین عامل تاثیر گذار در طراحی آنها است. (*) فضاهای مشاع و عبوری باید در معرض نظارت عمومی بوده و فاقد نقاط تاریک و دور از نظر باشد.

ورودی هر واحد باید حتی المقدور مستقل و از پیش‌ورودی جداکننده از سایر واحدها برخوردار باشد. درهای ورودی نباید مقابل یکدیگر و یا چسبیده به هم باشد. (*) استقلال و آزادی افراد خانواده و داشتن یک فضای خصوصی نسبت به جمع خانوادگی از اهمیت خاصی برخوردار است. (*) از مقابل در خانه‌ها نباید به فضاهای اجتماعی و خصوصی خانواده، دید داشته باشد. ایجاد یک مفصل خدماتی بین فضاهای اجتماعی و خصوصی خانه‌ها ضروری است.

جدا بودن و مستقل بودن فضای مهمان از فضای خصوصی و خدماتی از مهمترین عوامل در مهمان پذیر بودن خانواده‌هاست. (*) داشتن فضای باز و سبز مستقل و محوطه لازم برای بازی بچه‌ها و تردد سایرین ضروری است.

داشتن حداقل یک سرویس بهداشتی و یک حمام به صورت جداگانه برای هر واحد ضروری است.

عدم استفاده از هر نوع عنصر بی‌فایده و غیر ضروری، در داخل و خارج بنا، سنتی اسلامی است. (*) بهره‌برداری از هندسه‌های محور دار و مرکزدار و قائم در طراحی خانه‌ها و فضاهای داخلی (برخلاف محوره‌های شهری و عبوری) مناسب می‌باشد. (*) حداکثر بهره‌برداری از شرایط اقلیمی، در طراحی خانه‌ها و صرفه‌جویی در مصرف انرژی ضروری است. (*) بهره‌برداری از رنگ‌های روشن و شاد در فضاهای داخلی و رنگ‌های موقر و هم‌آهنگ در نماهای خارجی مناسب است.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۳۷۷

ناخودآگاه در ذهن آن‌ها وجود دارد و مواقعی که برای برخی تنگناهای وجودشان هیچ راه حل فنی نمی‌یابند، به دین پناه می‌برند. ادیان از طریق مناسک، نیایش و عبادت و حس تعالی، نیازهای معنوی را برآورده کرده‌اند که هیچگاه تکنولوژی از عهده آنها بر نمی‌آید. اساساً بحث این نیست که انسان مدرن باید علم و تکنولوژی را رها کرده و به دین پناه ببرد، بلکه مسأله این است که تکنولوژی فقط با بخشی از زندگی و وجود انسان سروکار دارد، در حالی که مسائل بسیار مهم دیگری مثل فرهنگ، ارزش‌ها، دین و معنویت هم وجود دارد. تکنولوژی فقط یک ابزار است که می‌تواند انسان برای رسیدن به یک زندگی ساده همراه با آسایش یاری برساند اما نمیتواند آینده‌آرمانی را به انسان‌ها نشان دهد. تکنولوژی با نگاه آسمانی به آن با همراهی کلام وحی می‌تواند ترسیم‌کننده چارچوب راه برای رسیدن به یک زندگی آسان و آرام باشد. با پیوند نگاه زمینی و آسمانی به تکنولوژی می‌توان نظام سعادت را با نظام معیشت پیوند زد. در اینصورت هم رفاه مادی و هم سعادت اخروی حاصل خواهد شد. لذا توجه به نکات زیر در قالب پیشنهادات مربوطه لازم بنظر می‌رسد:

۱. «اصل تعادل»: در تامین کاربری‌های شهری در شهرهای جدید اصل تعادل باید رعایت گردیده و نیازهای ساکنین شهر در نحوه و چگونگی استفاده از تکنولوژی پاسخ داده شود تا عدالت در توزیع خدمات برقرار گردد.

۲. «اصل انسجام»: کیفیت کالبدی شهر جدید بالاخص در حوزه کاربست فزاینده تکنولوژی و در تمامی ابعاد آن باید حاصل گردد و این امر محقق نمی‌شود مگر آنکه شهر در سیمای بناهای شهر باید کامل شده، منسجم، زیبا و هماهنگ باشد. بدیهی است مراد از هماهنگی در بهره‌گیری یا عدم بکارگیری تکنولوژی، یکسانی و همشکلی نیست، بلکه استفاده از الگوها و انگاره‌های مشترکی است که تمامی بناها خود را موظف به پیروی از آن دانسته و رعایت آنها الزامی تلقی گردد.

۳. «اصل هویت مکان»: استفاده از رنگ‌های تعریف

شده در نمادها، محدودیت و قائله مندی در به کارگیری مصالح جدید برخاسته از رشد تکنولوژی های مواد و مصالح جدید، قالب های هماهنگ حجمی شکل گرفته از تکنولوژی های نوین، الگوهای مشترک در بازشوها و مواردی از این دست که منتج از رشد فزاینده تکنولوژیکی است، می تواند در صورت استفاده درست و شایسته به درک مشترک و هماهنگی سیمای محیط کالبدی که از ارکان احراز هویت مکان است، بیانجامد.

۴. «اصل تقدس»: مکان های مقدس در هر جامعه ای محل رجوع و گردهمایی مردم شهر هستند که با جمع شدن مردم و انجام امور مشترک همچون انجام فرایض و اجرای مراسم مذهبی حس تعلق شهروندان به گروه اجتماعی یا محدوده جغرافیایی خاصی تاکید می گردد. در طراحی معماری این فضاها باید سنت در مرحله اول مبنای طراحی بوده و تکنولوژی در صورت عدم کمرنگ سازی معیارهای ماهوی مورد استفاده قرار گیرد. در عین حال فضاهای مذهبی و متبرک نظیر مساجد، حسینیه ها و آستان امامزادگان در سرزمین ما همواره عامل پیوند و تعلق خاطر مردم به یکدیگر و محیط سکونتشان بوده و در زمره مهمترین عوامل هویت بخش به شمار آمده اند.

۵. «اصل تنوع اجتماعی»: تنوع جمعیتی و حضور اقشار مختلف اجتماعی از مولفه های اصلی شهر و شهرنشینی به شمار می آید حال آنکه شهرهای جدید در ایران بیشتر در راستای پاسخگویی به نیاز مسکن گروه های درآمدی پایین تر جامعه جهت گیری شده اند. برنامه ریزی طراحی شهرهای جدید باید امکان حضور و سکونت گروه های مختلف اجتماعی در شهر را فراهم سازد و بدین ترتیب امکان تحقق تجربه شهروندی و فرهنگ شهرنشینی را برای شهروندان به ارمغان آورد.

۶. «اصل مشارکت اجتماعی»: امروزه تکنولوژی های جدید در معماری می تواند به ایجاد راهکارهای افزایش مشارکت مردمی در فرایند طراحی معماری کمک کند؛ لذا توجه به آرا و نظریات مردم و تاثیر دادن آن در روند برنامه ریزی و طراحی شهر جدید و اجزای آن و استفاده

از نیروهای محلی و بومی در طراحی و اجرای پروژه های عمرانی در شهر جدید، پیوند طرح های شهری را با شیوه زندگی، نیازها، باورها و حساسیت های شهروندان برقرار ساخته و احساس مسئولیت مردم در قبال محیط و مکان زیستشان را تقویت می نماید و از ابزار بسترسازی و ارتقای هویت مکانی به شمار می رود.

۷. «اصل تقسیم بندی فضایی»: شهر جدید با احداث مجتمع های مسکونی و آماده سازی شبکه ارتباطی تبدیل به شهر نمی شود و واجد هویت شهری (ایرانی - اسلامی) نمی گردد بلکه با احداث کانون ها و فضاهای مرکزی شهر و محله و امکانات و تاسیسات عمومی آن تمامیت شهر محقق شده و یا ترکیب مجموعه خانه ها و مجتمع های مسکونی شهری فعال پدید می آید.

۸. «اصل کاربری و خدمات رسانی»: کاربری های مسکونی متناسب با سبک و شیوه زندگی مردمان و ساکنین شهر تعیین و تامین شوند و مجموعه خدمات و امکانات مورد نیاز این مردم نیز به تناسب و با رعایت شرایط اجتماعی، فرهنگ و اقتصادی در اختیار آنان قرار گیرد.

۹. «اصل فرهنگ سازی»: رعایت مجموعه عوامل فرهنگی و اجتماعی مردمان هر منطقه در شکل دهی به هویت شهر نقش دارد.

منابع و ماخذ

آشتیانی، منوچهر (۱۳۸۳) ماکس وبر و جامعه شناسی شناخت، تهران، نشر قطره.

آشوری، داریوش (۱۳۸۸) تعریف ها و مفهوم فرهنگ، تهران، نشر آگاه.

براون، ارنست (۱۳۸۲) ارزیابی و پیش بینی تکنولوژی؛ ترجمه علیرضا بوشهری، عقیل ملکی فر، تهران، کرانه علم.

برن، آگ و نیم کوف (۱۳۸۰) زمینه جامعه شناسی، ترجمه: آریان پور، تهران، انتشارات نگاه.

حبیبی، مقصودی، محسن، ملیحه (۱۳۸۴) مرمت شهری: تعاریف، نظریه ها، تجارب، منشورها و قطعنامه های جهانی، روشها و اقدامات شهری، چاپ دوم، تهران،

- موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. حجت، عیسی (۱۳۸۴). هویت انسان ساز و انسان هویت پرداز (تاملی در رابطه هویت و معماری)، هنرهای زیبا، شماره ۲۴، صص ۵۵-۶۲.
- رپاپورت، آموس، (۱۳۸۴) معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیر کلامی، ترجمه فرح حبیب، تهران، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.
- رپاپورت، ایموس (۱۳۶۶) منشا فرهنگی مجتمع های زیستی، ترجمه راضیه رضازاده، جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران
- رپاپورت، ایموس (۱۳۸۲) خاستگاه های فرهنگی معماری، ترجمه صدف آل رسول و افرا بانک، فصلنامه خیال، شماره ۸، زمستان
- رپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) معنای نظم شهر، ترجمه سمیه جیریایی، سایت انسان شناسی و فرهنگ.
- رپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) مقاله خاستگاه فرهنگی معماری، ترجمه صدف آل رسول، افرا بانک، در: فصلنامه فرهنگستان هنر، زمستان ۱۳۸۲.
- شکوئی، حسین (۱۳۸۶) اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا، تهران، انتشارات گیتاشناسی، ص ۱۱۴.
- علیزاده، عبدالرضا و دیگران (۱۳۸۵) جامعه شناسی معرفت، چاپ ۲، تهران، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- گلکار، کورش (۱۳۸۰) مولفه های سازنده کیفیت در طراحی شهری، نشریه صفا شماره ۳۲.
- گلکار، کورش (۱۳۷۹) طراحی شهری پایدار در شهرهای حاشیه کویر، مجله هنرهای زیبا، شماره ۸، زمستان ۱۳۷۹.
- گلکار، کورش (۱۳۸۱) طراحی شهری و جایگاه آن در سلسله مراتب طرح های توسعه شهری تهران، انجمن صنفی مهندسان مشاور معمار و شهرساز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹) جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- مظفر، فرهنگ و مهدی خاک زند (۱۳۸۷) بکارگیری تکنولوژی در فرایند طراحی معماری، نشریه بین المللی دانشگاه علم و صنعت، شماره ۶، جلد ۱۹.
- موریس، جیمز (۱۳۸۸) تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی، ترجمه راضیه رضازاده، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ ششم.
- نقی زاده (۱۳۸۱) تاثیر معماری و شهر بر ارزشهای فرهنگی، هنرهای زیبا، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۸۱.
- وفامهر، محسن و ساینا مجیدی (۱۳۸۶) دام تکنولوژی و هویت فرهنگی در معماری، فصلنامه توسعه تکنولوژی، شماره ۱۱.
- Kim, S., Kim, H. J., & Lee, H. (2009a). An institutional analysis of an e-Government system for anti-corruption: The case of OPEN. *Government Information Quarterly*, 26(1), 42-50.
- Kim, S., Kim, H. J., & Lee, H. (2009b). An institutional analysis of an e-Government system for anti-corruption: The case of OPEN. *Government Information Quarterly*, 26(1), 42-50.
- Lai, V. S., & Li, H. (2005). Technology acceptance model for internet banking: an invariance analysis. *Information & Management*, 42, 373-386.
- Legris, P., Ingham, J. & Colletette, P. (2003). Why do people use information technology? A critical review of the technology acceptance model. *Information & Management*, 40, 191-204.
- Letchumanan, M., & Tarmizi, R. (2011). Assessing the intention to use e-book among engineering undergraduates in Universiti Putra Malaysia, Malaysia, *Library Hi Tech*, 29(3), 512-528.
- Lin, F., Fofanah, S. S., & Liang, D. (2011). Assessing citizen adoption of e-Government initiatives in Gambia: A validation of the technology acceptance model in information systems success. *Government Information Quarterly*, 28, 271-279.
- Moon, J. W., & Kim, Y. G. (2001). Extending the TAM for a World-Wide-Web context. *Information Management*, 38(4), 217-230.
- Ong, C-S., Lai, J-Y., & Wang, Y-S. (2004). Factors affecting engineers' acceptance of asynchronous e-learning systems in high-tech companies. *Information & Management* 41, 795-804.
- Sharifi, H., & Zarei, B. (2004). An adaptive approach for implementing e-government in I.R.Iran. *Journal of Government Information*, 30, 600-619.
- Sheikhshoaei, F., & Oloumi, T. (2011). Applying the technology acceptance model to Iranian engineering faculty libraries. *The Electronic Library*,

29(3), 367-378.

Sprecher, M.H. (2000). Racing to e-government: using the Internet for citizen service delivery. *Government Finance Review*, 16(5), 21–22.

Teo, T. (2011). Efficiency of the technology acceptance model to explain pre-service teachers' intention to use technology A Turkish study. *Campus-Wide Information Systems*, 28(2), 93-101.

Un Jan, A., & Contreras, V. (2011). Technology acceptance model for the use of information technology in universities. *Computers in Human Behavior*, 27, 845-851.

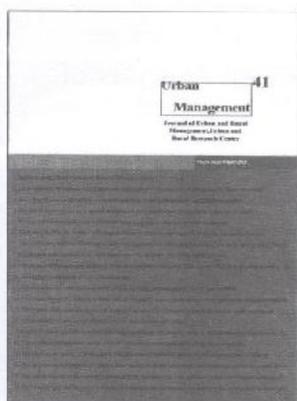
Wu, S. S., Cheng, F. F., & Huang, Y. W. (2011). User acceptance of wireless technology in organizations: A comparison of alternative models. *Computer Standards & Interfaces*, 33, 50-58

Index

1. Analysis of the Urban System of Hamadan Province during 1335 - 1390 ■ 7-28 ■
2. Gender rejection of feminist critical approach to genealogy with emphasis on promoting the status of women ■ 29-48 ■
3. Activating walkways and urban streets with emphasis on the application of environmental graphics ■ 49-66 ■
4. The role of factors in the participation of women in rural development (Case Study: Lavandevil Astara) ■ 67-84 ■
5. Review hermeneutic methods to understand usage trends and aesthetics of urban architecture ■ 85-106 ■
6. Explaining the Priority of Place to Treatment Based on Existentialist Analysis of Islamic-Iranian Architecture ■ 107-124 ■
7. The relationship between knowledge culture and organizational citizenship behavior (Case study: A hospital in Tehran) ■ 125-138 ■
8. Introduction to the identity of the built environment by elements of location, space and body ■ 139-160 ■
9. The position of wall painting (wall map) in the management of the urban landscape and the role of the aesthetic of the city ■ 161-186 ■
10. Aesthetics Component of Urban Night Scape ■ 187-204 ■
11. Advanced traveler information systems (ATIS) for traffic management of Tehran road network ■ 205-212 ■
12. Parliament Square in Tehran to evaluate the role of quality improvement initiatives on sustainable urban development ■ 213-228 ■
13. The impact of physical identity components and activity of the historical contexts in creating social interactions ■ 229-246 ■
14. E-Government: A new model of public service and administrative reform ■ 247-266 ■
15. Cognitive science approach to architectural design on learning and creativity in the creation of educational spaces in the city ■ 267-292 ■
16. Check Islamic jurisprudence on the issue of birth control and responsibility of the urban population ■ 293-308 ■
17. The effect on the quality of working life, job performance mediating psychological empowerment of citizens ■ 309-322 ■
18. The need for implementation of CDM projects in order to defeat of sanctions and achieving resistive economic goals ■ 323-338 ■
19. Physical development strategy and sustainable form of Isfahan city with approach of smart growth and compact city ■ 339-358 ■
20. Use of technology and the crisis of identity in contemporary architecture and strategies for overcoming the status quo ■ 359-380 ■

Urban Management

A Quarterly Journal of Urban
Management and Planning
Vol.14 No.41 Winter 2015



The Urban and Rural
Research Center

Address: No. 17 , Shahid Naderi
St., Keshavarz Bivd , Vali-e-Asr sq.,
Tehran, iran

Tel:88976651-88986382-
88966239

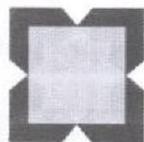
Fax:88977918

Urban Research Center:

Address. As above, North Forth
Floor

Tel: 88977919

Ministry of Interior



Iran Organization Of Municipality
and Rural Managers The
Cultural, Informative and
Publications Institute

<http://www.imo.org.ir>

License Holder: The Iranian Municipalities Organization (I.M.O)

Managing Director: Hoshang khandandel

Editor-in-chief: Mohammadreza Bemanian

The Editorial Board:

Aminzade, Behnaz. Associate Prof, Environmental Studies
Department, Tehran University

Asgari, Ali. Associate Prof, Management Studies Department,
York University of Canada

Azizi, Mohammad Mahdi. Prof, Faculty of Fine Arts, Tehran
University

Behzadfar, Mostafa. Assistant Prof, Architecture and Urban
Planning Department, Elm-o-san'at University of Iran

Bemanian, Mohammadreza. Associate Prof, Art and
Architecture Department, Tarbiat Modares University

Diba, Darab. Prof, Faculty of Fine Arts, Tehran University

Etesam, Iraj. Prof, faculty of fine art, Tehran University

Farhangi, Ali Akbar. Prof, Management Department, Tehran
University

Ghafari, Ali. Prof, Architecture and Urban Planning Department,
Shahid Beheshti University

Golabchi, Mahmood. Prof, Faculty of Fine Arts, Tehran
University

Latifi, Gholamreza. Assistant Prof, Social Sciences Department,
Allameh Tabatabayee University

Mirsepassi, Nasser. Prof, Management and Economy
Department, Azad University of Tehran

Naghizade, Mohammad. Assistant Prof, Art and Architecture
Department, Azad University of Tehran

Pourjafar, Mohammadreza. Prof, Art and Architecture
Department, Tarbiat Modares University

Sedigh Sarvestani, Rahmatallah. Prof, Social Sciences
Department, Tehran University

Tavosi, Mahmood. Prof, Art and Architecture Department,
Tarbiat Modares University

Editorial manager: Mahmoudinedjad, Hadi, Phd, Tarbiat
Modares University

Editorial Administarator: M. Shahryari

Editorial Committee: O. Ahadion, E. Taherimehr,

English Editorial: M. Heidarollad

Layout & Design: Payeshpouyesh@gmail.com

Publisher: Asra Publishing Group

- Papers submitted for publication should describe original work not previously published.
- Papers presented at a scientific meeting should be accompanied by particulars of the Meeting.
- Manuscripts may be submitted in English, and should be written according to sound grammar and proper terminology, irrespective of the language, the paper should be accompanied by both English and Persian abstracts.
- Manuscripts should be typed on one side of the A4 paper, with double spacing and 3 cm margin at each side submitted in triplicate.
- The first page of the paper should only contain the title, name(s), degree(s) and address of the author(s), and the source(s) or financial support for the study, if applicable.
- The text should include: title, 3-5 keywords, abstract, introduction, materials and methods, results and discussion, acknowledgment if any, and reference.
- The English and Persian abstracts for each paper submitted on two separate pages and inclusive of all information requested under item 4, should not exceed 20 lines.
- Tables, in limited numbers, should be submitted on separate with the captions placed above.
- Figures and graphs (only in black and white) in limited numbers, are accepted only if they are of high quality art work and mounted on separate pages with the legends placed below.
- The same data should not be presented in both tables and figures, and their suggested place should be clearly marked on the margin of the text.
- References alphabetically arranged by the author's name, and in sequential numbers, as will be referred to in the text, should include the following information: name of the author(s), year of publication, title, name, of the journal (as abbreviated by index medicus), volume number and page number. With regards to books, the edition, name and address of the publisher should replace the name and volume number of journal.
- Short communication and case reports should, when possible, follow the same be ordered in advance.
- The sole responsibility for the views and statement expressed in the article remains only with the author(s).
- Editors of the journal reserve the journal reserve the right accept or reject any article, as necessary.

Urban Management

41

Journal of Urban and Rural
Management, Urban and
Rural Research Center

Vol.14 No.41 Winter 2015

1. Analysis of the Urban System of Hamadan Province during 1335 - 1390
2. Gender rejection of feminist critical approach to genealogy with emphasis on promoting the status of women
3. Activating walkways and urban streets with emphasis on the application of environmental graphics
4. The role of factors in the participation of women in rural development (Case Study: Lavandevil Astara)
5. Review hermeneutic methods to understand usage trends and aesthetics of urban architecture
6. Explaining the Priority of Place to Treatment Based on Existentialist Analysis of Islamic-Iranian Architecture
7. The relationship between knowledge culture and organizational citizenship behavior (Case study: A hospital in Tehran)
8. Introduction to the identity of the built environment by elements of location, space and body
9. The position of wall painting (wall map) in the management of the urban landscape and the role of the aesthetic of the city
10. Aesthetics Component of Urban Night Scape
11. Advanced traveler information systems (ATIS) for traffic management of Tehran road network
12. Parliament Square in Tehran to evaluate the role of quality improvement initiatives on sustainable urban development
13. The impact of physical identity components and activity of the historical contexts in creating social interactions
14. E-Government: A new model of public service and administrative reform
15. Cognitive science approach to architectural design on learning and creativity in the creation of educational spaces in the city
16. Check Islamic jurisprudence on the issue of birth control and responsibility of the urban population
17. The effect on the quality of working life, job performance mediating psychological empowerment of citizens
18. The need for implementation of CDM projects in order to defeat of sanctions and achieving resistive economic goals
19. Physical development strategy and sustainable form of Isfahan city with approach of smart growth and compact city
20. Use of technology and the crisis of identity in contemporary architecture and strategies for overcoming the status quo